



Enlightenment of Thought by Multiple Choices

روشنگرایی اندیشه در تعدد انتخاب

مؤلف : دکتر بصیر کامجو

مشخصات کتاب

نام کتاب : روشنگرایی اندیشه در تعدد انتخاب

مؤلف : دکتر بصیر کامجو

طرح و دیزاین پشتی : حامد قیومی

مسئول چاپ : نهاد های برون مرزی خراسان

چاپ : 1400 شمسی برابر به 2021 میلادی

تیراژ : 5000

.....
حق طبع برای مؤلف محفوظ است .
کاپی ، تکثیر و طبع بدون موافقت مؤلف مجاز نیست .

Enlightenment of thought by multiple choices

Author: Dr. Basir Kamjo

Book details:

.....

Name: Enlightenment of Thought by Multiple Choices

Author: Dr. Basir Kamjo

Back design : Hamed Qayumi

Responsible for printing: Khorasan overseas institutions

First edition: 2021

Circulation: 5000

بنام خداوند جان و خرد

بخش اول :

- پیشگفتار : 11 - 12
- قسمت یکم - فواید اخلاقی درک و تفکر 13 - 21
- قسمت دوم - اسلوب آزاد اندیشی از سنت و مدرنیته 22 - 34
- قسمت سوم - معیار های دموکراسی 35 - 50
- قسمت چهارم - گزاره تحقق امید اجتماعی 51 - 58
- قسمت پنجم - ساختار نظام قانونی در جمهوری فدرال آلمان -
در چهار قسمت : 59 - 129

بخش دوم :

- قسمت یکم - حق به زن داده نمی شود حق آن شناخته میشود. 130 - 143
- قسمت دوم - نجابت انسان را گرامی دانست 144 - 157
- قسمت سوم - خشونت علیه زنان 158 - 168
- قسمت چهارم - به امید آزادی زن از گرو اندیشه مرد 169 - 173

بخش سوم :

- قسمت یکم - نظریه نسبیت البرت اینشتین 174 - 186
- قسمت دوم - پیدایش کیهان شناسی در علم نجوم 187 - 212
- قسمت سوم - کشف فرضیه " بوسون هیگز " معروف به
" ذره ای خدا " 213 - 233
- قسمت چهارم - معرفتی از مغز انسان 234 - 243

بخش چهارم :

- قسمت یکم - مسوده اصول مرامی
 حزب دموکرات خراسان 244 - 324
 قسمت دوم - اساسنامه حزب دموکرات خراسان 325 - 331
 قسمت سوم - طرح مرامنامه و اساسنامه کانون همبستگی اجتماعی و
 فرهنگی خراسان به کشورهای اروپایی و جهان " 332 - 343
 قسمت چهارم - نقش اراده در مبارزات سیاسی 344 - 353
 قسمت پنجم - نقش جوانان در جامعه 354 - 356

بخش پنجم :

- قسمت یکم - نقش موازین اخلاقی در
 انسانی سازی جامعه 357 - 363
 قسمت دوم - حکومت کرزی خطرناکتر از اسلافش 364 - 373
 قسمت سوم - کرزی از طرف پارلمان و محکمه عالی کشور
 مستقعی شناخته شود 374 - 378
 قسمت چهارم - شناخت جایگاه هویت فرهنگ خودی
 بدرو با فرهنگ معامله 379 - 389
 قسمت پنجم - پیشبرد سیاست چند زبانی در افغانستان گونه ای از
 استقرار حاکمیت شوونیزم قبیله است 390 - 401
 قسمت ششم - رفع ابهامات مبنی بر تأکید آریانا و آریایی 402 - 405

فهرست مندرجات

صفحات	عناوین
-------	--------

بخش ششم :

- قسمت یکم - برخورد عقلانی باسیاست تباراندیشی 413 - 406
قسمت دوم - درباب عفو جنایتکاران جنگی (گلبدین حکمتیار و ملا عمر)
از طرف حاکمیت آقای حامد کرزی: 417 - 414
قسمت سوم - بیاد استاد فقید اکادمیسین دکتر جاوید 421 - 418
قسمت چهارم - نظری به کتاب اخلاق تطبیقی
بیداری دگر دوستی..... 429 - 422
قسمت پنجم - معرفی کتاب تاریخ نظریات فلسفی 436 - 430
قسمت ششم - بیانی از سه طرح سیاسی صلح
برای افغانستان 448 - 437

بخش هفتم :

- قسمت یکم - نگاهی اجمالی به نیت و کارکرد های سیاسی
زلمی خلیل زاد ، حامد کرزی ، علی احمد جلالی 464 - 449
قسمت دوم - بازتابی از رویکردهای بینشی رودکی بزرگ 467 - 465
قسمت سوم - ایرادی بر مفردات برنامه
انتخاباتی علی احمد جلالی 479 - 468

فهرست مندرجات

صفحات	عناوین
-------	--------

بخش هشتم :

528 - 480 امام اعظم ابوحنیفه نعمان
563 - 529 قسمت دوم - آموزش و مقام علمی امام بخاری
 قسمت سوم - اعلامیه سیاسی کمیته تدارک حزب دموکرات خراسان
 در پیوند به رد سیاست (توزیع تذکره با ثبت ملیت افغان)
567 - 564 دولت حامد کرزی .
582 - 568 قسمت چهارم - تاریخچه پیدایی دولت اسرائیل
604 - 583 قسمت پنجم - خزینة آمو دریا
609 - 605 در مورد مؤلف

پیشگفتار

این نوشته مجموعه ای از رویکرد های فکریست در باره ساختار نظام پارلمانی و برخی از ارزشهای جامعه شناسی ، انسان شناسی ، اساسات نوین مبارزات سیاسی حق خواهی ، حق گیری ، خود ایستایی و ابراز وجود ، و بیان مفاهیم تعادل حقوق شهروندی و سایر مسائل علمی و فلسفی و اخلاقی و اجتماعی و روانی ، حیات انسانی جامعه ما می باشد . که در سالهای اخیر کار پژوهشی ام از این قلم بخوانندگان گرانقدر تقدیم گردیده است ، اینک بصورت یک کارنامه ای به دوستان علم و معرفت همچو کادو کوچکی پیشکش می گردد . امید داریم که این رویکرد های فکری ما بتواند اندیشه و بینش نسل نورا بسوی حق بینی و روند همزیستی و همگرایی و همبستگی ملی رهنمون گردد .

هدف از بیان ارزشهایی که در این نوشته کوچک مورد بررسی قرار گرفته ، بیان معرفت و تجارب چند بُعدی پژوهشی ست که بمثابة تجلیگاه " تعدد انتخاب " در روشن سازی اشکال شعور اجتماعی جامعه بنمایش گذاشته می شود .

تجربه علوم بشری ملل بما واضح ساخته که ویژگی درون مایه نیاز و خواست هراسان در " تعدد انتخاب " او نهفته است . برای آنکه حیات اجتماعی به مسیر انسانیت و همگرایی تداوم یابد ، چنگ در دامن انتخاب زد و تصمیم باید گرفت ، ابراز وجود باید کرد و در راستای تصمیم گیری عقل پذیر ، گام هدفمند و استوار باید برداشت .

و در راه خود شناسی و مردم شناسی و هستی شناسی و جامعه شناسی تفکر و اندیشه باید کرد .
همین ویژه " تعدد انتخاب " و کثرت گرایی اندیشه انسان است که سبب چندگانگی و تخالف دیدگاه ها میان انسان ها میگردد.

و در همسویی این آرمان ، اساس همه ستیزه ها و جدال های اجتماعی هم همین احتیاج و خواست : یعنی حق قدرت ، حق ثروت ، حق آبرو و حق اعتبار است .

هر تصمیم سیاسی و هر رویکرد فکری که با حق شناسی و حق گیری مسئله توزیع قدرت و مادیت وابسته باشد ، این فزونی خواست بر ارائه بالقوه آن ، سبب می شود که فرآیند زمان به سمت رقابت مبارزات سیاسی سوق پیدا کند .

شرح معیار های دموکراسی ، ساختار نظام قانونی ، آزادی زن از گرو اندیشه مرد ، کیهان شناسی و نسبیت اینشتین ، کشف فرضیه " بوزین هیگز " معروف به " ذره ای خدا " ، معرفتی از مغز انسان ، نقش موازین اخلاقی در انسانی سازی جامعه ، اسلوب آزاد اندیشی از سنت و مدرنیته ، ساختار نظام قانونی در جمهوری فدرال آلمان ، شناخت جایگاه هویت فرهنگی و داع با فرهنگ معامله ، اصول اعتقادی و جهان بینی دینی امام اعظم ابوحنیفه نعمان ، آموزش و مقام علمی امام بخاری ، تاریخچه پیدایی دولت اسرائیل و ده ها مسئله مهم دیگر در این کارنامه کوچک ، از این دست است . که نقش تعیین کننده در رشد تفکر و اشکال ذهنیت اجتماعی نسل دگراندیش کشور ما و فارسی زبانان بازی کرده و خواهد نمود.

بخش اول :

قسمت یکم - فواید اخلاقی درک و تفکر

سال 2005 میلادی

با توجه به اهمیت و ارزش شناخت از محیط های طبیعی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی که حیات انسان در آنها شکل گرفته است . رهیافت اسلوب معرفت نوین برای رهبری عقل و حصول حقیقت هستی ، الویت های فکری ست که راه را به سمت وسوی جهان دگردوستی و انسان گرایی و عقلانیت باز میکند .

تاریخ تفکر و سیر اندیشه بشری شاهد ده ها نحوه بیان و شیوه تفکر و ادراک و شناخت پدیده های مادی و اجتماعی بوده است . اما اساس شناخت دربرهات تاریخ تفکر جهان بشریت مجموعه برداشت های انتزاعی و تفسیر صفات خیلی عمومی از طبیعت و انسان درآمیزه از تصورات و خیال بافی ذهن چیزی بیشتر نبوده است .

این شیوه معرفت پیوسته با اخذ گفته های تعبیری و تفسیری ای که اهمیت عینی شیء به ذهنی داده شده و منجر به پدید آمدن خطوط فکری متنوع در جهان گردیده است .

اما در تاریخ گسترش آگاهی و شناخت انسانی از سرشت حیات وهستی وجود ، که مراحل متعدد را پیموده اصالت انسان و مقام خردمندی او از توجه مرکزی به کنه ذات شیء بدور نگهداشته شده و مورد حمایت اخلاقی و بازبینی انسانی قرار نگرفته ، برعکس جهلاً و عمداً به باد فراموشی سپرده شده است .

عقل و تفکر آزاد هم نتوانسته بود که فضای گشاده تری برای پرواز بسوی جهان انسانی و خود شناسی باز نماید . جهانی که در آن اراده آزاد خود آگاهی فکری و تقدم ماهیت انسان در روند انسانی شدنش مطرح باشد.

امروز در روشنائی آفتاب دانش بشری میتوان اذعان کرد که علم حاصل تجمع عقل و تجربه انسان بوده همگام با سرعت نور به مهار کردن جهان هستی در حرکت است . و در بستره شناخت و معرفت بصورت بازدارنده که از نیاز انسان آغازیده و به سعادت او می انجامد .

ولی با تأسف و درد دست آورد های علوم در مقاطع زمان که حقیقتاً از نیاز حیات شروع شده و درتخالف با ارزش های اخلاقی بوسیله مالکان زرمایه و قدرت به نحوه غیر انسانی به محو آزادی و جان انسان انجامیده است .

که اینک جهت وضوح خط اندیشه ما ، گونه های چند از طرز رویکرد های فکری و برداشت ها و عملکرد های ضد انسانی افراد و محافل و ودول مختلفه ای که دست آورد های معرفت بشری را در فراسوی اهداف اقتصادی خود محوری خویش به کار گرفته اند که تلفات انسانی آنرا به بیان میگیریم :

- جنگ دوم جهانی (1939 - 1945) که پنجاه و پنج میلیون کشته و سی و پنج ملیون زخمی سه میلیون مفقودالاثربجا گذاشت .

- و در جنگ کوریا (1950 - 1953) یک میلیون و هفصدو هشتاد هزار انسان کشته و یک میلیون و پنچصد هزار زخمی گردید .

- همچنان در جنگ ویتنام (1954 - 1975) سه میلیون انسان کشته ، ششصد هزار زخمی و هشتصد هزاریتیم گردیدند و ضمناً پنجاه و هفت هزار مهاجم امریکایی جان خود را از دست دادند .

- همچنان واقعه دلخراش و خون آشام هیروشیما و ناگساکای جاپان (1945) که بر اثر سیاست های ضد اخلاقی و ضد انسانی نهاد های سرمایه و محافل امریکایی اعمال گردید بود یکصدوبیست و هشت

هزار انسان مرده و بیست و پنج هزار زخمی دست آورد داشت . همین

قسم دررخداد چیرنوبل (1986) اوکراین حیات هفتاد هزار انسان قربانی سیاست های ضد انسانی دولت وقت شوروی گردیدند .

همین نحوه سازماندهی جنگ های صادراتی اجباری پلانیزه شده ، شیوه غیر اخلاقی ست در تغییر سیر عقلانی تفکر بر ضد انسان و انسانگرایی که از جانب سرداران اقتصاد جهانی (مونوپولیزم) در سده های تاریخ بکار گرفته شده و سبب نابودی میلیون ها انسان در کره خاکی ما گردیده و می گردد .

کنون تصاحب و غضب دارایی های مادی جهان وابسته به فقر بوسیله نهاد های بین المللی و همکاسه گان و اجیران فراقاره بی شان ، زیر نام دموکراسی و مبارزه علیه تروریزم ، همه و همه آوار هایی اند که بروی انسان فرو می آیند و او را به معنی شیء بی ارزش توجیه میکنند .

نبود رهیافت سرشت و ماهیت مادی و معنوی مشاغل حیات اجتماعی نه تنها نداشت شیوه عقل عملی و نبود عینیت گرایی تفکر و پاکیزگی اندیشه بوده ، بلکه در پیوند با آلودگی های مادی در هر برهه تاریخی شیوه معرفت و سیر تکامل علوم جبراً به نفع نظام حاکم و در نفعی سعادت و خوشبختی انسان شهروند قرار گرفته و بوسیله رسانه های جمعی وابسته به رژیم ها توجیه گردیده است .

اگر هدف تجدد و تکامل پسندی تفکر و معرفت - مطلوب کمال اخلاقی واقع شود یعنی در راستای منافع و نجات انسان عمل نماید و انسان را آگاه ، آزاد ، آفریننده فراه هستی و سالار وجود قبول نماید .

اگر داوریهای خدعه آمیز سیاستمداران ، علما و روحانیون و نویسندگان

جهان در هر قاره که هستند از مرزهای تنگ خود خواهی فردی و از خود محوری اقتصادی، نژادی، لسانی، عقیدتی و لاغیر بیرون آیند و باکمال رضا و میل از شهرت مؤقت بگذرند و راه عقل و کار نیک را انتخاب کنند

آنوقت حس جدال و بدبینی میان افراد بشری را از میان برده و فضای اعتماد و همدردی و همبستگی اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی را بر اساس ارزش شناختی انسان و کرامت وی ایجاد مینمایند. به عقیده ما این تنها روشی است که در بحران فعلی رهنمای برنامه مبارزه دگردوستی و همجوشی ما باشد.

برداشت های عقلانی و اخلاقی از حیات آنست که : از هرگونه قید و ملاحظه آزاد باشد و مانند آینه مناظر اشیاء و حیات را بی کم و کاست و دخل و تصرف به نمایش گذارد.

و بیانی از زندگی حقیقی اسباب وجود و وحدت اضداد، تحلیل واقعی از بدبختیها ورنجهای انسان، ریشه یافتی خیر و شر، حقیقت و مجاز و دور از دست کاری و دخالت اندیشه و سلیقه و غرائز نفسانی باشد.

جهت وضوح تأمل بحث ما بگونه مثال برخی از برداشت های عبیدی و اخلاقی نوشته محترم خواجه بشیر احمد انصاری شهروند افغانستانی، که در مورد جایگاه زن در اسلام که اخیراً در سایت انترنیتی آریایی به نشر رسیده بود به مطالعه میگیریم.

چندی پیش از آقای دکتر مسعود انصاری نویسنده ایرانی مقیم آمریکا، مقاله ای در مورد: "حق و حقوق زن در اسلام و ازدواج حضرت محمد پیامبر اسلام با دختر شش ساله" در سایت وزین آریایی بنشر رسیده بود.

وی بانقل اسناد و مدارک معتبر دینی خواسته بود که مشکل عدم تعادل حقوقی میان مرد و زن در اسلام را بگونه برداشت خودش بیان نماید و همچنان مجازکتک زدن زن در اسلام را برجسته سازد. و او می نویسد که زن در جامعه اسلامی شخص حساب نمی شود بلکه شیئی پنداشته می شود، و برخی مسایل دیگر از این دست.

در این میان آقای بنام خواجه بشیر احمد انصاری شهروند افغانستانی مقیم آمریکا بجواب نوشته ای مسعود انصاری ایرانی تبار چنین پرداخته بود:

- زن در اسلام دارای حق می باشد. برای توجیه این رویکرد اسناد و مدارک ارائه می کند.

- در مورد ازدواج حضرت محمد با کودک شش ساله، خواجه بشیر احمد انصاری تلاش می ورزد که بابت این احادیث بی شمار بقول خودش ثابت می کند که حضرت محمد پیامبر اسلام با کودک شش ساله نه بلکه با کودک 9 ساله ازدواج نموده است.

- در مورد روایت کتک زدن زنها در اسلام خواجه بشیر احمد با بیان احادیثی چند میگوید که بلی در صورت تخلف زن ها مرد ها اجازه دارند که زنها را کتک بزنند مگر با چوب مسواک.

بفکر و اندیشه ما اگر محترم بشیر احمدانصاری میخواستند جایگاه زن را در اسلام مورد پژوهش و بررسی عقلی قرار دهند باید در جایگاه دفاع از اصالت و شایسته سالاری ، مادر خویش را قرار میدادند و از مقام ملکوتی زن سرسختانه و بدون هراس دفاع مینمودند و از اسلوب تحقیق و تحلیل عینی شناخت حمایت کامل مینمودند.

او نه مانند یک محقق بیطرف در رهیافت حقیقتی تلاش نموده بلکه بمنابۀ یک مسلمان ساده ، اول به همه داشته ها و نداشته های حقوق زن در اسلام ایمان راسخ خویش را بیان میکند بعد در گیرماندگی جال اعتقاد عبدی خود بادیست کاری دخالت اندیشه و سلیقه درتخالف به ارزش های حقوقی مادر (زن) خوش رضاکارانه باخون و پوست و گوشت خود از دین و حقوق وضع شده آن حمایت جانانه مینماید .

به نظر ما ایمان داشتن به هر دین و آیینی حق طبیعی هر انسان است . اما تضاد معنایی که در تحقیق آقای بشیر احمد انصاری وجود دارد اینست که خود میخواهد برجستگی جایگاه زن در اسلام و مقام شامخی او را بنمایش گذارد. اما برعکس در جریان تحقیق و حتی در جوابدهی به نوشته آقای دکتر انصاری ایرانی نه در راه دفاع از حقوق و آزادی های زن گامی میگذارد، بلکه برخلاف درکیف ایمان زیراحساسات خود دآوری قرار گرفته ، با اصول تحلیلگران عقلانی وداع کرده و درصاف روحانیت

مبارزه اصطلاح راه حق برای خویش جاه باز مینماید . سیر باز نگری اسلوب شناخت در همگونی قواعد درک و تفکر معرفت ما درقبال حیات متعال انسان ، تعیین اصولیست درجهت درک مقاصد و آرمان های نظام متعادل اجتماعی اخلاقی.

هرگاه ارزش های معرفتی اسلوب دید و تفکر انسانها تبیین نمادین برای زندگی عادلانه اجتماعی ارائه نکنند ، جامعه از مسیر انسانی و اخلاقی انحراف نموده به گروه هایی با علایق و اندیشه های کاملاً متضاد و مختلف منافع تقسیم میشوند .

درچنین جوامع محبوبیت سیستم های فکری و اندیشه های گونه گون ، افزایش نیروهای مسلح غیر مسئول ، میزان خود کشی و کجروی های خلقی و روانی ، رابطه محتمل میان میزان گناه و جنایت ، تعدد و افزایش سازمان های اجتماعی خود سروابسته - ارتجاعی و مضر، انکار روزافزون نظام حاکم بر قوانین بجای تکیه به ارزشهای مشترک انسانی ، تشننت فکری افراد و عضویت در گروه های متخاصم ، مبهم و نامعلوم بودن تعاریف اجتماعی از: جنگ ، جنایت و خیانت وده ها امراض و فشار دیگری توأمأ یاجداگانه میتواند تعادل اجتماعی را برهم زنند.

صرف فکر و اندیشه عامل اصلی سیر عقلی معرفت و درک وحدت اختلاف است. وظیفه آن تحلیل عینی اضداد و توحید شناخت معیار های کامل زیر ساخت حیات انسانی همانا ضرورت و آزادی میباشد. و توضیح عقلانی مقولات آزادی و ضرورت صرف از ورای شناخت عوامل مادی و عینی از قوانین جبر طبیعت، جبر تاریخ، جبر جامعه و جبر خویشتن، امکان پذیر است و بس.

هرگاه بیان و تعریف ضرورت و آزادی از احقاق حق و آزماهیت و نجابت انسان بدون قید و شرط حکایت نماید از مصلحتی و منفعتی متأثر نگردد آنگاه سود گذرا را عاقلانه قربانی ابدی سازی ارزش اصالت وجود انسانی کرده و برای مشخص کردن حیات اجتماعی منبع اصلی ایجاد تحول و خمیره ساز صلح و خوشبختی انسان میگردد.

بخش اول :**قسمت دوم - اسلوب آزاد اندیشی از سنت و مدرنیته**

سال 2005 میلادی

دگرگونی کنونی ساختار اجتماعی - اقتصادی کشور ما و جاگیری نظام پارلمانی مردم سالار به جای نظام هابی مطلق العنان تک قومی ، سیر شرایط ضرور و قانونمند است که زمینه های مساعدی را بسوی عقل گرایی و تجربه گرایی و خواست مردم را برای مشارکت در امور سیاسی و کشوری فراهم میسازد .

تجربه علوم بشری و دست آورد های مبارزات جنبش آزادی خواهی جوامع بشری نشان داده اند که ماهیت ذاتی انسان در " تعدد انتخاب و کثرت گرایی اندیشه " نهفته است.

برای آنکه حیات اجتماعی تداوم یابد ، زیرساخت های مادی انتخاب را نهادینه ساخت. و در راستای تصمیم گیری عقل ، گام آگاهانه باید برداشت .

همین ویژه مؤلفه های انتخاب است که سبب ناسازگاری و تخالف اندیشه میان انسان ها میگردد.

و در همسویی این آرمان ، محور همه جدال و ستیزه های اجتماعی همین خواست : **حق قدرت ، حق ثروت ، حق حیثیت و حق اعتبار** است .

هر تصمیم سیاسی و هر رویکرد فکری که با حق شناسی و حق گیری مسئله توزیع قدرت پیوند دارد ، این فزونی خواست بر چیرگی بالفعل آن ، موجب میشود که به سمت رقابت مبارزه سیاسی سوق پیدا کند .

برای تعیین شیوه دست یافت مطلوب کمیاب (قدرت ، ثروت ، حیثیت و اعتبار) بگونه متعادل آن راه خیلی درازی در پیش است . اما در سو رفت این حق مقدس با اتکاء بر مجموعه ای از ارزش ها و رهنمود ها علمی ، قبول گزینه های زیر قابل تبیین است.

1- خروج از داوری عقیده گرایی و تک اندیشی در حل مشاکل سیاسی و اجتماعی ، رجوع به اسلوب شناخت عینی و دقیق از تاریخ و کارنامه های سیاسی نظام های گذشته و حال ، کالبد شکافی و معرفت زیرساخت های اصل عقب ماندگی .

2- تجدید تربیت اخلاقی افراد جامعه به روحیه دگردوستی و آماده سازی خُلقی و روحی و روانی آنها به قبول « حق متعادل مشارکت مردم در حاکمیت سیاسی » و اطاعت از اسلوب حق شناسی و حق دادی .

3- رفع کاستی های شیوه های معرفتی ، دید گاه های ذهنی حکومت قبلی و نگرش شخصیت های مستقل خود بین ، از مزایایی سنت انسان

گرا و رویکرد های تفسیری دین پیرایی تکامل پسند کشور ما ، از داشته های فرهنگی جهان صنعتی غرب .

4- برداشت خردمندانه از گسترش پیوند متقابل حقوق سیاسی و اقتصادی خراسان - افغانستان با جهان غرب صنعتی و اشاعه فرهنگ همکاری و همبستگی میان برداشت های « سنت و مدرنیته » و راهیافتی اساسات عینی کارمشرک المنافع میان برداشت های سنتی شرق و از آنجمله کشور ما با جهان متمدن با داشت صحت فکرو حسن نیت ، اعتماد و احترام متقابل با تعادل حقوقی و فرهنگی - بنفع منافع ملی ، امنیت ملی ، ترقی و تکامل اجتماعی همگانی .

5- صف آرای و جبهه گیری از جنس اندیشه صلح برای تولید نظام فکری لازم در کارایی مبارزات حق خواهی و حق گویی ، در فرا رفت ایجاد پل همکاری و دوستی میان خلق های میهن ما و جهان متمدن غرب .

بر اساس موضوع سیاست گذاری فرهنگ توسعه و تعبیر سیاسی دقیق از خواست زمان متمدن ، ما متعهد خواهیم بود که نحوه تفسیر و بازخوانی از فرهنگ و سنن پسندیده ما بایست متمایل به عمل سیاسی باشد. رسالت داوری خردمندان کشور ما در این تعبیر سیاسی ایجاد مؤلفه های

ابزار فکری لازم برای رهبری سالم نیرو های مقاومت ملی آزادی خواه و وطنپرست غیر وابسته میباشد .

تحلیل و تأمل بیان عقل پذیر از بارمعنایی مقولات « سنت و مدرنیته » زمانی در گذرگاه شناخت مطلوب کمال واقع میشود که راهبرد وگزینش رویکرد های اندیشه ازگزینه « آزادی تفکر » برخوردار باشد. این اسلوب عقلانی درفراسوی ریشه یافتی بحران های سیاسی وراه پیدایی تحولات شگرف اجتماعی تکامل یابنده ، به بمثابة نورگهر شناختی هستی ، عرض وجود میکند.

ارزش دادن به رویکرد آزادی تفکرو باز شناسی شیوه درک ما از فهمایی پیوند متوازن از « سنت و مدرنیته » دربرنامه ها واهداف سازندگی جامعه نوپای خراسان - افغانستان ، در حقیقت راه را بسوی نظام همآیشتی ملی باز مینماید .

این شیوه های جوهری خردمندانه ازکنه ، طریقه و سیرت و سرشت سنت و ماهیت انسان نگری این قول و فعل ازیکسوتصویر عینی ای بما میدهد، وازسوی دیگر در شناسایی جهان متمدن و دست آورد های علم و

تخنیک و بویژه پیشرفت های چشمگیر جوامع غرب صنعتی و از تجربه استقرار دموکراسی و تعادل حقوق شهروندی در این کشور ها از جمله کشور مدنی آلمان فدرال ، ما را مدد میرساند .

ساختار وجودی سنت و مدرنیته :

آنچه شناخت ما را در مورد ارزش گذاشتن به مدرنیته یا ساختار اقتصادی اجتماعی و سیاسی غرب صنعتی کم وزن جلوه میدهد که شناخت و نگرش ما از آن بمثابة یک واحد کلی بنمایش گذاشته شود . زیرا در انصورت اندیشه و تفکر ما دارد که از ماهیت و ارزشهای فرهنگ شرقی که جزی از فرهنگ جامعه بشری محسوب می شود چشم پوشی کرده باشیم .

با نگرش چشم انداز متعادل در شناخت بارارزشی و معنایی هر دو فرهنگ به نفع خوشبختی انسان ، ما میتوانیم راه حل های معقول تری را بیابیم . و باین همگونی برخورد عاقلانه ، زمینه های مثبت و معقول محموله های مادی و معنوی اسلوب همآیسی و همبستگی ملت های با هم برابر جهان را در یک جبهه واحد عمل ایجاد مینماییم .

ساختار وجودی سنت و مدرنیته در مجامع شرقی و غربی گونه های کلیتی از مجموعه همکاری تحرکات گروهی ، روحانیان ، فیلسوفان

، سیاست پیشگان ، دانشمندان ، کارگران ، دهقانان ، مدیران ، صنعتگران ، پیشه وران ، باور های دینی ، گرایش های روانی ، رسوم فرهنگی ، افکار فلسفی ، علوم تجربی ، رقابت های فردی ، تحولات اجتماعی و روابط انسانی آنان است . که در روند شکل یابندگی تاریخ همه مسبوق به وحدت نظام است .

هرگزینه فرهنگی در ذات خود توانایی جذب و دفع دارد. یعنی آنچه را از فرهنگ های دیگر برای زندگی خود مناسب می بیند میگیرد و آنچه را نامناسب میدانند نمی پذیرد . اما صحت و توانمندی داشته های فرهنگی کشور ما در جریان تداوم جنگ های تحمیلی در شکل بیمار گونه استمرار حیات دارد . و تنها با تدبیر عمل واراده ، پاکیزگی تفکر و نیت اخلاقی و با کار مشترک جمعی دانشورانه ، آنرا به مراتب باروری تبدیل کرد. که بتواند نیازمندی های امروز و فردا را کفالت نماید.

گزینش راهکار ها ، در مورد سنت و مدرنیته:

درنگرش ما سنت بمفهوم راه و روش و آئین و رسم پسندیده نیاکان که اساس سنگپایه خود شناسی ما را تشکیل می دهد ، و نقش سازنده خود را در جهت خیزش و خود ایستایی بسوی جنبش عقلانیت و تکامل فرهنگ نوین مان ، بازی می کند .

برداشت عقلانی ای که از « سنت پسندیده کشور» و از « آموزش کنه معرفتی نهاد های مادی و معنوی غرب صنعتی » به تأمل می آید . گونه های اساسی زیر ساخت سیاست نوین جامعه مان ، تلقی میگردد .

نگرش همگون و مردم پذیر ما که از سنت ومدرنیته بر اصل خواست زمان و منافع ملی استوار است ، دارای اهداف غایی ذیل :

– آزادی انسان از چمبره ابعاد فشار (فشاریا جبر تاریخ ، جبر جامعه ، جبر خویشتن ، جبر آشکار شعور حاکم بر زندگی و ده ها جبر و جورستم مستقیم و غیر مستقیم دیگر)

– آزادی حق انتخاب (حق کار ، حق زیست ، حق آموزش و پرورش ، حق استراحت ، حق مسکن ، حق ملکیت ، حق انتخاب همسر و غیره)

– آزادی اندیشه (حق انتخاب دین و آئین) می باشد.

استفاده معقول از چنین راهکار ها عقل پذیر، برحق که راه را برای تأمین امنیت ملی و عدالت اجتماعی و مصونیت فردی مساعد می گرداند.

تجارب علمی و داشته های تاریخی چند هزار ساله کشور ما حاکی از آن است که سنت گرایی تیره و وابسته (خشک اندیشی ، کُند اندیشی ، تنگ نظری و کوتاه بینی) که متعارف به تعصب است ، همواره با این پیش داوری های نابخردانه ولجوجانه که زاده جهل و ضعف قوه مقایسه و سنجش میباشد ، خود را برحق و مخالفان را با چشم نفس باطل تلقی میکنند و با سرخوردگی های نیت و آلودگی اغراض نفسانی ، جلو رشد و تکامل فرهنگ نوین را گرفته و زمینه های آستی و همکاری مشترک با فرهنگ متمدن غرب را سد واقع شده اند .

این شیادان مزور و فریب کاران تفرقه افکن دست ساخت حوزه های پرورش دادی دیوبندی پاکستان، ارتجاع منطقه ، هم مانند لکه سیاه تعصب سرشت و ناتور ، با ویژه اجیر اندیشی و کژاندیشی ، جهالت و بی بصیرتی پیوسته در بدنه بی غش و بی تعصب سنت بومی پاکیزه و پسندیده کشور مان جاداشته و در پیوند و خوش خدمتی حلقات حاکم وابسته به استعمار نو و کهنه در جامعه ماو در مجامع شرقی مشکل قابل تأمل و تدبیر است .

نظامی گنجوی (1135 - 1217) سنت گرایی و تعصب را یک پدیده ناقص می شناسد و مینویسد :

برون کش پا از این پا چیلۀ تنگ
کـه کفشی تنگ دارد پای را لنگ

زندگی به مفهوم زیست انسان و انسان دوستی نه در زمان گذشته بلکه در زمان حال و آینده معنی حضور دارد. باید رسوم فرتوت و کهنه گزین که انشقاق لایه های اجتماعی جامعه را ترویج نماید فاقد هرگونه حق گزینی، بالندگی و آینده نگری باشد از کاربرد راهکار های سیاست نوین آینده کشور بدورنگهداشته شود.

جهان سنتی:

جهان سنتی به بیان دید و معیارهای سنجش عده ای از خردمردان غرب، از گذشته تا به حال در داوری های دایره خط تصمیم گیری نسبت به مشکلات حاد جهانی در حوزه خارج از تاریخ قرار داشته است.

و صرف با درک حقایق عینی زمان و تاریخ و با شناخت علمی از اندیشه های دموکراسی جامعه غربی بنفع صلح و آشتی در سیاره ما و با بینش آزاد اندیشی و انسانگرایی، که نمود کلیت های پیش قراولی اند، راه ورود به همسزیستی جهانی را برای خود هموار مینماید.

این اساسات حرکت و دست یافتن به بنیان های تجدد؛ سرانجام وفاق دوجهان بینی از جنس صلح را باهم در درازنای تاریخ جهانی مساعد خواهند ساخت.

پذیرش سنت بصورت اخص به عنوان منبع اساسی بهره برداری سیاسی در جهت توسعه و تکامل فرهنگ مادی و معنوی در قالب گزاره های علمی ، دارای قدرت پیش بینی بوده و تغذیه کننده روان فکری توده های میلیونی خراسان - افغانستان در امر مبارزات سیاسی و اجتماعی ایشان به سود استقرار حاکمیت متعادل ملی میباشد.

ما زمانی میتوانیم بمدارج عالی تبادل تمدن ها دست یابیم که آن گنجینه معنوی ونیرومند ملی را بنفع خوشبختی انسان و صلح و آزادی بشریت تلقی وبه کارگیریم .

این بدان مفهوم است که در قدم نخست شناخت عینی از کاوشهای حوزه علمی وفرهنگ ملی وباستانی سرزمین نیاکان خویش داشته باشیم . وآن ارزشهای نایاب گوهری رازیرمایه اصل وجودی غرور وافتخار شهروندان این حوزه قبول نمائیم . وهمچو مردمک چشم از آن ارزشها حمایت بکنیم . ودر همه عرصه های اموراجتماعی مقام شامخ فرهنگ وسنت تکامل پذیر نیاکان خویش را با تدبیر دوراندیشانه نگهبانی بنمائیم وتمنا داریم که با این راهکارها زمینه های متعادل تبادل فرهنگ تمدنها درمقیاس خرسندی همگانی عملی گردد .

در همگامی با این اسلوب ، موفقیت سیاست گذاری مان بر این بستگی دارد که نگرش های متعادل و معقول در استفاده باری از هر دو حوزه را در الویت های عمل سیاسی خویش قرار داده شود. در یک بیان :

همکاری اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی با ممالک غرب صنعتی را یگانه راه تضمین کننده حیات سیاسی صلح آمیز، پایدار و غنامند در خراسان - افغانستان نوین قبول فرمایند. و در قالب گزاره های وصفی و تبیینی جهت روشن ساختن اذهان نسل پیش رو و دیگر لایه های اجتماعی در گفتمان ها ، و در رسانه های آزاد آنرا به تبلیغ گیرند .

با اتکاء و تائید به این بینش آفتابی گفته آمده فوق ، خرد مند اکادمیسین دستگیر پنجشیری در یکی از رساله علمی و سیاسی خویش در مورد مرام همآیشی و رویکرد های فکری و سیاسی قهرمان ملی زنده یاد احمد شاه مسعود بادید باز و درک عینی و عاقلانه از شرایط و خواست زمان ، منطقه و جهان به نفع صلح ، آزادی و ترقی اجتماعی جامعه ما ، صفحه از تاریخ وطن را بنشریح گرفتند .

نسل پیشتاز ، پاکیزه و غیروابسته کشور را در همدستی و همفکری وهم صدایی با دیگر نیروهای استقلال طلب و تکامل پسند در یک جبهه واحد سراسری ملی و دموکراتیک بخاطر مبارزات سیاسی حق خواهی و حق گیری به قبول این راه و روش متعادل حقوق شهروندی رهنمایی ، تشویق و ترغیب فرموده اند .

محترم پنجشیری در اطاعت از احساس اخلاقی که ثبوتی از داوری های استقلال نفس و جوهری از فضیلت و کرامت است ، درد واقعی جامعه ما را با چشمان حق بین و جذبه های احساس قلبی و خونی وبا پاکیزگی ضمیر و وجدان بی آرایش ایشان باز شناسی ، تبیین و ارزیابی مینمایند . وگزینه اندیشه احمد شاه مسعود را که از کوره های داغ آزمون مقاومت و نبردواز خطاهای حوزه اقدام و عمل واز فرآیند : کنش سنتی و کنش عاطفی ، کنش عقلانی و کنش مدرنیته در بهره گیری از روابط قدرت خواستی نظام کشوری ، پا به عرصه وجود گذاشته به مثابه فرهنگ سیاسی راهیافت صلح و آزادی و ترقی اجتماعی به نسل دگر اندیش و پیشرونده خراسان - افغانستان نوین معرفی میکنند.

اکادمیسین پنجشیری به ادامه بیان شیوه های انطباقی فرهنگ و آموزه های صلح و ترقی به نسل جوان از زاویه انسان نگری می گوید :

"... عقول و قلوب جوانان میهن ما، سر شار از شور زندگی و امید است .

باور تزلزل ناپذیر دارم همانگونه که در مبارزات مسلحانه ضد تجاوز "مثلث شیطانی" یکی از قله های پیروزی را تسخیر کرده اند . - در آینده " علم مبارک آزادی" را نیز بر قله های دشوار گذار تر پیروزیهای

نوین از طریق مبارزات ملی - دموکراتیک، قانونی، پارلمانی و مسالمت آمیز برافراشته می‌توانند و نقش پر افتخار اجتماعی ملی و تاریخی خود را به سود رهایی مردم شهید پرور و تحقیر شده ما و تمامی ستمدیده گان افغانستان مستقل ایفایکنند " .

قابل یاد آوری میدانم که هدف از کالبد شکافی « سنت و مدرنیته » ، این نوشته در صدد آن بوده که با روشن بینی و استفاده از اسلوب عقل استدلالی و نقد جدید ، در زمینه موقعیت فعلی فرهنگ سیاسی ، راه پیدایی صلح و رشد فرهنگ ، خویشتنداری و تحمل را به نسل جوان با فهم عمیقتر مسائل ، یاری رساند .

معیار ارزیابی ما در این گمانه « توسعه فرهنگی » در کنار تکامل زیرساخت حیات اجتماعی جامعه و راهبرد های بکار گیری اساسات همکاری متقابل میان این دو جهان بینی (شرقی - غربی) صرف گزینه های سیاسی در بیداری بینش هم‌آیندی ملی و جهانی در تقویه احساس دگر دوستی میان نسل پیش تاز و تکامل خواه و سایر نیروهای وطنپرست کشور ما می باشد .

بخش اول :

قسمت سوم - معیار های دموکراسی

سال 2006 میلادی

چرا فکر ما امروز با گزینش اندیشه دموکراسی و ویژگی ذاتی و بنیادی آن خیلی آغشته است؟ و چرا این نظام مردمسالار نسبت به دیگر ساختار های نظام سیاسی - هیچ مانع ذهنی یی برای عدم پذیرش خود در میان مردم ایجاد نکرده است؟ این خصیصه ها وده ها معیارهای میزان حضور این نظام (مشارکت و رقابت) محور مقام مختصات جهان تحقیقی انسانها قرار گرفته است.

بعد از جنگ دوم جهانی (1945 میلادی) در اروپای غربی و در دیگر ممالک ، شکل دموکراسی لیبرال توانست جاگزين حكومات سلطه جوی وقت گردد . و در این دهه گذار و تجدد اشکال شعوراجتماعی ؛ برخی دیکتاتوری های مطلق گرای : اسپانیا ، پورتگال ، یونان ، چلی ، ارجنتاین ، اوراگوا ... راه دموکراسی لیبرال و حاکمیت مردمی را قبول نمودند.

دموکراسی غربی یا لیبرال را یکی از نوع پر بحث بر انگیزترین دموکراسیهای جهان میخوانیم . که مولد رونق و رفاه مادی همگانی و مؤمن صلح و مدارا و امنیت در جهانی چنین پر چالش قابل ستایش است.

در بجهت تحولات سیاسی و ایجاد زیرساخت های نوآوری اندیشه طی دهه 1980 میلادی، طیف وسیعی از دگر اندیشان، و روشنفکران و افکار عمومی دستخوش فراخور روحیه انسانگرایی گشت. این گرایشها و رویکرد های فکری و جریانهای پیشرونده عمل سیاسی جهانی در راهیافتی فضای باز اندیشه و دموکراسی، سبب ساز فروپاشی اتحاد شوروی، رقیب اصلی غرب صنعتی شد. و این روند پیشرو تکامل پذیر توانست مؤلفه های زیرساخت معنوی اندیشه از نوع رقابتهای فکری را در سراسر جهان دگرگون نماید و جایگاهش را به خط فکری و سیاسی دولت لیبرال - دموکراتیک (دموکراسی لیبرال، سوسیال دموکراسی و دموکراسی توسعه گرا) بسپارد. واژه دموکراسی جنبه ای از کاربرد شناخت یک نظام ویژه عقیدتی نیست، بلکه جنبه رهیافت عقلانی است مبتنی بر دید علمی برای شکل خاصی از حکومت یا راهی برای تصمیم گیری دسته جمعی. اما برعکس - لیبرالیسم؛ فمینیسم، فاشیسم، کمونیسم،... و ده ها رویکرد های فکری دیگر با چسبش های اندیشه و فلسفه های دیکتاتورانه و برنامه دار (مختص به یک طبقه یا چند لایه خاص اجتماعی)

خویش همراه با سایر جنبش های سیاسی عمده ای جهان در جریان دوسده ای اخیر حضور هستی نموده اند.

در مقابل زایش اندیشه « دموکراسی » و مباحثات حقوقی آن به معنی « حکومت از سوی مردم » که نوع خاصی از رژیم یا شکل بندی سیاسی بود در سده های پنجم و چهارم قبل از میلاد در دولت و شهر های یونان باستان و به ویژه « آتن » پا به صحنه هستی گذاشت. که این اندیشه ابتدایی با پشت سرگذازدن مراحل مختلف و طولانی چند هزارساله ، توانست در تقدیر رورفت حیات جهان انسانی از جنس صلح چهره خوش نمای خود را بنفع اصالت انسان تحت عنوان « حکومت بوسیله مردم ، از طرف مردم برای مردم » بازتاب نماید .

دموکراسی نظام مردم سالاریست که صرف مردم در عرصه سیاست نیروی دائمی اندوبس. دموکراسی یعنی جامعه خوب در حال عمل ؛ به بیان علمی ادعای برحق مردم به قدرت و حاکمیت و راه یافتی ارزشهای بنیادی برحق « راه مساوی » برای اعمال مشروع و مسؤالانه آن میباشد. و رهبران سیاسی با پیشکش نمودن برنامه های سیاسی سازندگی خویش مبتنی بر تأمین عدالت اجتماعی ، حقوق و آزادی های شهروندی در پی دست یافتی حیثیت و اعتبارنامه معنوی ، بر می آیند .

همان طوریکه ویژگی انسانگرایی اصول اخلاقی مقوله راستی و راستگویی دربینش فکری « زرتشت سپنتیمان» پیامبر آریایی های قدیم لبخند میزند و نماد جوهر پاکیزگی فکر او را تصدیق میکند .

همین قسم دموکراسی ، درکلی ترین سطح به تائید از این فلسفه راست اندیش میتوانیم ارزش آنرا اذعان کنیم که : دموکرات کسی است که با حفظ کرامت ، صداقت و راستی اعتقاد وجدانی و عقیدتی به رهبری دسته جمعی سیاسی بر اصل تعادل احقاق حق و حقوق شهروندی داشته باشد . و هر نوع عقیده زشت تک محوری و خودبینی از جنس جنگ و جنایت را رد نماید .

و با این اندیشه تخیلی عقب گرا دنیای تصمیم گیری ذهن خود را آلوده نسازد که یک گروه و یا یک قشر ویژه از جامعه منحصرأ واجد مشروعیت سیاسی - گویا استعداد های خاص ، زمینه موروثی دارد .

در عوض با ارجگذاری به تفکر نوین و شفاف اندیشی و ارزشدادی به آرمان مقدس نظام مردم سالار ، به مشروعیت عینی ناشی از آرای مردم سر تسلیم فرو آورند .

و این درس تاریخی را بیاموزند که این مردم است که صلاحیت دارند بر مقدرات تاریخی و سیاسی خود تصمیم بگیرند و حق دارند نماینده دلخواه خویشرا که از درد و آرمان شان سخن گو باشد انتخاب نمایند .

این ضرب المثل قدیمی است . صدای مردم صدای خداست . باید درک نمود که مجاری بزور ماهیت داشتنی این صدا درچه نهفته است . وچه رشته از نهاد های نمادین فرآیند های ساختاری جامعه که آراء و اراده مردم در آن تبلور حاصل نموده ، به آن مشروعیت قانونی میبخشد . وچه گونه منبع آرای دموکراتیک امروزی در جهان غرب صنعتی از دامنه پیشتاز تجدد خواهی در صحنه هستی بحرکت درآمده است .

گونه های آرمانی دموکراسی :

اگر با نگاه بازوبا فکردرست در همگونی خوشنودی مردم به زندگی و حیات اجتماعی نظراندازیم ، می آموزیم که رهبری توده ها دارای ارزشهایست که در آن عقل و تعادل حقوق شهروندی جاگرفته است . این ارزش ذاتی دموکراسی است که تساوی حقوق انسان و آزادی او را درامان خود نگهداری میکند و راه های سوء استفاده از قدرت را مسدود میسازد .

وویژه ارزش فهمی و ارزش دادی « اختیار و آزادی » رادر ذهن و روان فرد فرد جامعه در امر دفاع از منافع ملی تقویت می بخشد .

چون سنگ پایه نماد هستی دموکراسی « برابری و اختیار » است و بمتابه قوه پیشبرنده اصلی مدعی دموکراتیک کسب مقام میکند. در تبیین این دو رویکرد فکری در عصر حاضر- دوانگاره متفاوت و متضاد در باب رابطه شهروندان و دولت شناسایی نموده اند به بیان میگیریم .

1 - یکی آموزه ای لیبرالی ست از حکومت که در اروپای قرن هفدهم بوجود آمد. از نگاه دانشمندان این آموزه ، دولت ساختاریست که تجلی آنرا در ابعاد مختلف زندگی میتوان دید ووظیفه آن ایجاد زمینه های امن زیست اجتماعی ، نگهداری و حراست از حقوق و آزادی های شخصی ومدنی انسان شهروند می باشد .

2 - دیگری جمهوریخواهی مدنی ست که در آغاز دوره های رنسانس (زایش دوباره) بین سالهای 1300 تا 1600 میلادی در اروپا شکل گرفت. که ریشه های آن بیش از هر چیز در دولت و شرایط موجود زمان و به میراث معنوی یونان و روم باستان و حوزه تجاری شمال غربی اروپا بستگی داشت.

به خیال رهروان این اندیشه : رفاه همگانی شهروندان در بند ارزشهای اخلاقی فضیلت ستایش می شود. آزادی شخصی را با آزادی کلی جامعه وابسته میدانستند . و ارزش « برابری و اختیار » را نمود دموکراسی قبول کرده و دولت را به مراقبت دائمی آن اصل فرامی خواندند .

نسل دگر اندیش خراسانی ها - افغانستانی های غیروابسته به عنوان نسلی که کنون آگاهی عمیق تراز تاریخ و جامعه سنتی ما گرفته و در گذاره نیم قرنی چند توانسته تأمل نظری از جهان دموکراسی بدست آورد.

این نسل نوپا ارزش آزادی ، برابری و مساوات را خوب میداند و زمینه های ابراز وجود حق خواهی صلح آمیز را دارد که در تقابله با حاکمیت سیاسی تک صدای قومی ، آگاهانه تجربه میکنند و با شناخت عمیق تر از غرب و عصر جدید و با دید تدبیر اندیشی عملی با اعتماد به نفس و با احساس اخلاقی انسان نگری سیاست حسن تفاهم را در دستور روز عمل مبارزات برحق سیاسی و پارلمانی خویش قرار میدهند .

وازنقایص عملی مبارزات حق گیری پدران مان که پیوسته در تحت تأثیر جنگ و ریزش خون ، فقر و بیسوادی و تاریک اندیشی توطئه و دسیسه از جانب رژیم های انشقاق زا خود محور کشور ما در حالات ناملائمی حیات بسر برده اند ، درس عبرت میگیرند .

واز این آموزه تاریخی راه تفاهم ، راه خویشتنداری هدفمند و راه مصالحه و سازش انسانی ، راه حفظ ماهیت خودرنگی ملی ، خودبوی ملی خودآگاهی ملی - با طرح عقلانی را قبول می فرمایند .

درکوشایی تشکیل جبهه تفاهم ملی ودموکراتیک با داشت راهبردی معین سیاسی (دائمی ، دراز مدت و کوتاه مدت)، مبارزه بی امان می نمایند . با استواری وبدون سازش وعقب نشینی ازاهداف مقدس شهدای راه استقلال وآزادی میهن دفاع می نمایند.

وبا ارجگذاری به آرمان یتیمان و بیوه زنان ومادران رنجدیده و از راه برحق مردمان ستمکش و خواست های دموکراتیک ملی - مردمی ،با اراده آهنین مواضع سیاسی واجتماعی خویش را منحیث اپوزیسیون خرد گرا برجسته به نمایش میگذارند .

درفراسوی نظام « برابری » با وجدان بی آرایش وبا نیت پاکیزه بابرنامه سیاسی واجتماعی شفاف بنفع همآیسی ملی به پیش میروند . تجارب دموکراسی مصداق این گزینش انسانی است که رفتن پی جامعه مدنی به پیگیری کردن فکر مساوات (برابری) پیوند ناگسستنی دارد. این مفهوم تجربی بمامی آموزاند : روش «هر نفر یک رأی» یعنی حق رأی برای همه که در حیات دموکراسی امریکا و اروپای غربی معمول وقابل اجراء و احترام است وبه صفت سنگ بنای دموکراسی پذیرفته شده است.

اما در دا به آن هم میهنان بیرنگی که با شعار دموکراسی و دفاع از آزادی در صحنه کار سیاسی ظاهر میشوند اما با وجدان آلوده از اغراض کور در سایه خمار قدرت برتری جویانه شعار پاکیزه دموکراسی حق « هر نفر یک رأی » را پیشرمانه ناپاک جلوه می دهند و قدسیت مردمی آنرا شکننده میسازند . آشکارا با همسویی منافع گروه های معین خارجی و داخلی در تنظیم و پیشبرد کار سازماندهی کمیسیون انتخابات پارلمانی دست میزنند و با اقناع مندی خودگرایانه و کودکانه ، آفتابی به آراء و آرزوی مردم خیات مینمایند. نمونه این رسوایی نابخردانه را در گزارش سایت انترنیتی بی بی سی چنین میخوانیم:

" ... روز پنجشنبه 24 آگست، نخستین محموله از چهل میلیون برگه رأی چاپ شده در کشورهای بریتانیا و اتریش برای انتخابات پارلمانی افغانستان، به کابل رسید .

جلالتمآب یونس قانونی رهبر اپوزیسیون و رییس شورای تفاهم ملی افغانستان در ارتباط عدم شفافیت کاری کارنامه های انتخاباتی پارلمانی ، « دفتر مشترک تنظیم انتخابات » را وابسته به دولت خواندند .

" یونس قانونی : خواهان باطل کردن 28 میلیون برگه های "اضافی" رأی دهی شد.

آقای قانونی گفت در حالی که حدود دوازده میلیون تن در انتخابات پارلمانی افغانستان شرکت خواهند کرد، چهل میلیون برگه رأی چاپ شده است.

شورای تفاهم ملی افغانستان، همچنین خواهان شمارش رأی اخذ شده، در محل رأی گیری شده است... .

...نامزدهای عضو شورای تفاهم ملی افغانستان همچنین ادعا کرده اند که دولت از راه تبدیل (جابه جا) کردن والیها و فرماندهان محلی، در تلاش است تا نامزدهای مورد نظر خود را به پیروزی برسانند " .

اهداف اجتماعی دموکراسی :

برای ایجاد پایه های مادی و معنوی یک دولت خوب و مستحکم و سراسری مردم پذیر و باثبات ، گزینه های قانونمند راهبردی سیاسی مبنی بر تعادل آزادی « اختیار و برابری » در رفتن بسوی جامعه مدنی می باشد ، که ضامن صلح و عدالت اجتماعی در جامعه می گردد.

فهم تکامل نگر از جامعه و خواست مردم خراسان - افغانستان مبین این میل است که از تک روی و قبيله گرایی ، چسپش اندیشه ای وده ها وقایع تلخ گذشته از جنس نفرت و جنگ دوری جوئیم و هسته سیاست دموکراتیک را با الهام گیری از ندای صلح و برادری و برابری حقوقی در فضای آزاد و دموکراتیک بدون هراس از راه صندوق راء یکی بدانیم . همین انتخابات شفاف ، دست نخورده ، حق رأی برای عامه - اندرون دموکراسی جای دارد.

بقول آبراهام لینکلن رییس جمهور امریکا در سال 1861 میلادی که گفته بود: " بزرگترین وظیفه جمهوری امریکا این نکته به جهان بوده که آنهایی که بتواند انتخابات منصفانه برگزار کنند میتوانند شورش را هم بخوابانند ؛ که ورق های رأی جانشینی برحق و صلح آمیز برای گلوله است ؛ و وقتی ورق های رأی منصفانه و قانوناً اعلام تصمیم کرده اند . رجعت به گلوله جاذبه ای ندارد " .

یکی از نیرومندترین جاذبه های دموکراسی اعتقاد آن به صلح است. انگاره ما از اهداف آن ، بیان معیار های کاملی ست برای اندازه گیری مفهوم کلیدی و تشریح موقعیت اوضاع از مفاهیم نامتعادل نظام اجتماعی در رفتن بسوی صلح و ثبات .

که در آن میتوان با کمک عقل از ارزشها تبیین نمادین قابل قبولی برای تأمین حیات اجتماعی ارائه نمود. بدفاع از تعمیم حقوق سیاسی برخاست ، و در پی خیر و رستگاری همگان گشت و با ابراز اراده جمعی بدان رسمیت بخشید.

میزان تساهل (رواداری) ما نسبت به اهداف و خواسته های دموکراسی در قلمرو معرفت ، ارجحیت های شخصی نیست ، بلکه موجد بحث عقلی است و رو به این هدف دارد که این ارزشها ویژه اصالتمندی اخلاقی را در انسان احیاء میکند .

رفتار و کردار انسان را متوازن به صحت فکر میسازد؛ که برای همیشه میان (تفنگ و صندوق رأی) دومی را انتخاب کند . این روند دموکراتیک به عقاید و رویکرد های فکری مردم شکل تازه نونگری و دگراندیشی میبخشد ، خصومت و بی اعتمادی را می زداید ، فرآیند های نمادین عمل و نظر را همسو میسازد.

در حاکمیت مردمی قانون اساسی منحصیث وثیقه ملی تقرر انتخابی ست از طرف مردم به رضایت مردم که با تسجیل و نهادینه سازی تساوی حق مشارکت در حاکمیت سیاسی اصل وحدت ذاتی را به « مردم » نسبت میدهد. و با این گمانه حاکمیت را نه در نهاد های منتخب اصلی (مجلس مقننه) ، نه در خود قانون اساسی و نه در دست شخص اول ؛ بل بدست مردم ، در نظارت مردم و برای رفاه مردم قرار میدهد.

اگر مقامات تصمیم‌گیری پیرامون امور عمومی سنت سیاسی عمل با ضمیر پاکیزه در جریان انتخابات پارلمانی برخورد اخلاقی و صادقانه نمایند از اراده و استقلالیت رأی مردم فرمانبرداری کنند. اینجاست که جای پای تنوع و رقابت سالم در سیاست و اندیشه و عمل را محکم میکنند و مانع از انحصارگرایی در قدرت و منابع میشوند.

در غیر آن هر نوع چپروی خُلقی و کرداری سیاست‌گذاران حاکمیت از این اصل با ارزش که مغز دموکراسی خوانده میشود، بدگمانی نسبت به حاکمیت مردم را تقویت کرده و با این شیوه جباریت برای تحمیل اراده تک‌محوری خود بر مخالفان سیاسی تحت نام به اصطلاح «اراده مردم» با استفاده زور ترور، با الزام دغدغه‌های سیاسی در پیوند و همکاسه‌گی عناصر عقب‌گرایی مزدور و ارتجاع منطقه؛ چهره مطبوع و صفای آرمان‌های دموکراسی را زشت ساخته، مهر بدنامی و بی‌اعتمادی را در پیشانی خویش کمایی میکنند.

در بطن دموکراسی انتخاب آزاد نهفته است. هر گاه تلاشی انجام گیرد تا تنوع اغراض خود انگیخته قدرت تحت فرمان پندارهای نفسانی قرار گیرد و برابری و عدالت اجتماعی را تحریف نماید، یقیناً که روند دموکراسی صدمه می‌بیند.

نتیجه گیری:

کارگذاران سیاسی حاکمیت دولتی خراسان - افغانستان بدون قید و مانع رضای خلق و خالق را باهم بخوانند و بانگش عقلمانی به اندیشه های دموکراسی قدر و حرمت قایل شوند . پذیرش تنوع آراء و ضرورت مشارکت اندیشه های گوناگون را در فرآیند سیاست گذاری اجتماعی مورد تأکید قرار دهند .

و حکومت باید رسالت خود را بداند که « دموکراسی سیاسی صوری » زیر فشار سیاست های ظلم پذیر قومگرایی ، تأثیرگذاری قدرت فزاینده مجتمع های سیاسی ، عملکرد شرکت های بزرگ اقتصادی خارجی و داخلی خودگرا ، فساد و بی کفایتی ناشی از دارو دسته بازی های سیاسی ، یکه تازی های استبدادی منسوخ از نوع اعمال سیاست های قدیم در مرکز و ولایات ، دست اندازی های معلوم در کار انتخابات پارلمانی که تخالفت عمیق با منافع مردم ما و منافع درازمدت امریکا و کشور های غرب صنعتی دارد ، سرانجام از هم پاشیده خواهد شد . و منطق وجودی دولت به عنوان ساختار حکومت مردم سالار را از میان خواهد برداشت .

تداوم پای رفت سیاست بسوی جامعه مدنی تنها پیروی بی چون چرا از اراده مردم ، پاک اندیشی و پذیرش تمام الگوهای نیکوسگال آزادی، احترام به تعادل حقوق شهروندی در حیات اجتماعی و سیاسی میباشد.

تاریخ جنبش های آزادیبخش ملی و نبرد های آزادیخواهانه مبارزات حق خواهی ابراز وجود توده های تکامل پسند در کشور های مترقی جهان شاهد گسترش اصل ایمان داشتنی به شیوه دموکراتیک زندگی کردن است. باری با درک این دیدگاه عملاً تمام اندیشه های لیبرالیسم و محافظ کاری و سوسالیسم سنتی از علایق و سنت کلاسیک دست کشیدند . و با تفکر جدیدانواع خوشبختی ، ارزشهای جامعه مدنی ، تساوی حقوق شهروندی ، چندگانگی قدرت سیاسی حاکمیت مردمی را پذیرا شدند. جامعه ما در شرایط حساس تاریخی آغاز گذار- بسوی شهرستان صلح و روشنی دارد رویکرد های فکری پیشرو در زمینه سعادت انسان ، جامعه و دولت را تبیین میکند.

در هیافت مبتنی بر این اندیشه تنها با تأمین کردن اعمال مستقیم اراده خود مختارانه مردم ، رقابت عادلانه و فضیلت مندانه تر میان گروه های سیاسی و احزاب سیاسی ، رهانیدن از مکتب وابستگی و سنت فکری ، کنار آمدن نخبگان باهم و پا گذاشتن بسوی جمعی گرایی عقلانی میتوان راه را بسوی عدالت اجتماعی باز کرد.

جهانی شدن روند های اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی ؛ تشکل نهاد های تجاری سراسر دنیا ، تکامل روابط قاره ها از راه شبکه های وسیع سازمان های بین المللی و فراملیتی باشتاب فزاینده جهان را بسوی یک پارچگی اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی میکشاند. این روند ازبازرسی شهروندان عادی بدوراست .

باید نبض زیست جهانی را سنجش کرد . سیر شتابنده تاریخ و نیاز های مادی و معنوی جامعه مدنی را آگاهانه شناسایی کرد . در همسویی تکامل با عینک عقل مستقل و نقاد به ارزشهای انسانگرایی دموکراسی و به اصل تغییر و تکامل حیات خوشبینانه نگریست .

بخش اول :

قسمت چهارم - گزاره تحقق امید اجتماعی

اساس و منبع نبرد های عادلانه و مبارزات آزادیخواهی مردم ما در راه حفظ استقلال و ابراز احقاق حق ، خواست اندیشه راه رفت بسوی تحقق « امید اجتماعی » بوده است.

باورداشتی و خواست مردم ما به « امید اجتماعی » که تبلوری از صلح و آزادی است ، بمثابة نمود پایداری ، بیانگر ابراز وجود علیه متجاوزگان خارجی و اجیران وابسته ایشان در سیرتاریخ (گذشته ، حال و آینده) سرزمین ما بوده است .

این روند در پیوستگی با روح سرشار از میهنپرستی و خودارادیت فکری تبارز نموده و همچو کوهی استوار جاویدانه برجاست .

کنون فرزندان خدانشناس و مبارزان این مرزو بوم، پیوسته از رهروان دگراندیش گرفته تا روحانیت و طنپرست طرفدار صلح ، مصمم شدند تا با مایه گذاردن از جان و تمامیت هستی خویش، به حقانیت آرمان ها و امکان تحقق آنها در صف پیکار نبرد برحق صحنه گذارند .

به تاسی از این امر، همین مقاومت شکست ناپذیر نیروهای آزادی خواه میهن در الهام گیری و فرمان برداری از « امید اجتماعی » بود که در برابر متجاوزین رنگارنگ وابسته به ارتجاع - القاعده - طالبی و سایر گروه های عقب گرای کشور، بی باکانه رزمیدند .

که زمینه های زیر ساخت فضای صلح و آشتی و مشارکت سیاسی ملی در قدرت و حاکمیت را برای مردم خراسان - افغانستان به ارمغان آوردند و اساس گذاشتند .

این مقاومت بجا و حرکت نستوه آزادی خواهانه ، بر علاوه دگرگونی وضع سیاسی، مسبب ایجاد عوامل مثبت اجتماعی ، اقتصادی و تاریخی گردید . موقعیت انحطاط فرهنگی را عوض کرد . فرآیند های منطق « تفکر » در راه رفت بسوی ایجاد مفاهیم بنیادی فرهنگ نوین را مکن گردانید . شرایط ورود به قلمرو فکر « آزاد اندیشی » یعنی تبیین « حقیقت » و « صدق » و مناسبت آن دو با واقعیت را مساعد ساخت .

چنان که اثرات شعایش این رویکرد و نورآزاد اندیشی تفکر را در رسانه های جمعی کشور، گفتمان های درون مرزی و برون مرزی وابسته به قضایای سیاسی خراسان - افغانستان را باگوش و چشم خویش میشنویم و مشاهده مینمایم . برحق که نمونه ازویژه « آزاد اندیشی » و تثبیت هویت ملی به حساب می آید .

ازبرکت تولید ارزش سیاسی دست آورد های مقاومت استقلال طلبانه مردم ماست که رویکردهای فکری اندیشه استوار سازی « امید اجتماعی » از آرمان مجرد دارد که تبدیل به وجود عینی گردد . حضورتأمین شرایط نوین درکشور، وجود نظام سیاسی در حال شکل گیری، انتخاب رئیس جمهور و انتخاب نمایندگان پارلمان و لاغیر ثبوت ادعای مسئله است .

حالا شوگرد آرزوها، کردارها، سمبول‌ها و داوری‌های تبیینی، نیات و هویت عقیدتی این رهروان راه مقاومت و آزادی، در مژده یافتی از خواست زمان، ایمان داشتی به جهان بینی علمی به دموکراسی و جامعه مدنی که همه مبین راهیابی اندیشه باثبات و طرح عقلانی راهبرد سیاسی دراز مدت است، نیرو میگیرد. و باکرامت نفس دور از آلودگی مادی بنفع مردم خراسان - افغانستان، بمثابة مرام راهنمای عمل ایشان در مبارزات پارلمانی و سیاسی عرض وجودمی نماید.

بجاست که این اندیشه حق خواهی و آزاد اندیشی، با ارائه نمونه هائی عالی از پاک بودن و ایثار و همبستگی صادقانه عملی از نوع صلح، آهسته آهسته بدل به اسوه های نسلی از رویه راه همبستگی و عزت مردم ما میگردد.

از اینرو همه نیرو های هم آرمان، هم درد، هم سو، هم جنس، هم صدا، در مبارزات حق خواهی ابراز وجود و در مبارزات پارلمانی خویش جهت تحقق « امید اجتماعی » متفقاً عمل مینمایند. با پیگیری راه حق و عدالت، حفظ منافع ملی، و حفظ (ماهیت، مرام، بوی و رنگ خودی خود) با خود آگاهی و آموزش دقیق و عمیق از تاریخ میهن و نیاز مردم ما قاطع و پایدار، اسطوره‌ی مدافعین راه آزادی و مقاومت را در مقابله با نیروهای وابسته و عقب‌گرای نیدخل (طالب - القاعده)، تکنوکرات‌های وارداتی بیگانه‌پرست، و اجیران چپ و راست در حاکمیت فعلی خراسان - افغانستان با ایمان خلل ناپذیر، باثبات و خود ارادیت، جاویدانه میسازند.

و به گسترش جنبش توده ای خود ادامه می‌دهند. وریشه نهال « امید اجتماعی » را از آب صاف خواست پاکیزه مردم وخواست مدرن زمان آبیاری مینمایند.

بدین ترتیب جهت تسلیح وباروری اندیشه در مبارزات سیاسی قدرت ، هوشیارانه مبانی ساختار های اجتماعی جامعه را آموخت وشیوه های رشد گونه های راهیابی به احقاق حق و امید اجتماعی را در بازبینی اساسات سنت و تکوین مبانی عقلانی دانست.

باید شرط تداوم این رشد و تعالی، متناسب با مقتضیات دوران عصر ما را در امر بیداری و دگردوستی نسل نوپا و جلب اعتماد واقعی توده های میلیونی پیگیری کرد. و در فرآیند اندیشه انسان گرایی، اعتبار و نقش و معنای تفکر را با واقعیت های حیات اجتماعی پیوند عینی و علمی داد.

اگر از فلسفیدن شیوه سنتی (ساده اندیشی و یکسو نگری) نادرست بگذریم و با درس آموزی از علل عینی شکست ها و پیروزی های مؤقت نیروهای مقاومت و آزادیخواه در برابر دشمنان ، تجاوزگران و اجیران وابسته منطقه و داخلی خراسان - افغانستان پند و عبرت گیریم ، در همگونی این منظومه معرفتی پیش بینی های عمل و کارکرد های سیاسی مبارزان راه حق و آزادی کشور ما خراسان - افغانستان را میتوان در سه فرآیند زیر به تأمل گرفت :

یکم - فرآیند روشنفکری بازنگری :

ضرورت کار عمیق فکری و اعتقادی بویژه درحوزه های علمی ، اخلاقی فلسفی ، تا بنیه ی نهضت نواندیشی مردمگرایی و تکامل پذیری را در برابر دو انحراف به سنت گرایی واپس گرایانه از یکسو و جذب به مکاتب رقیب ، یا - بی باوری اندیشه از دیگرسو ، بر اصل رشد یابندگی جوهر فرهنگ خودی تقویت باید کرد ؛

دوم - فرآیند گزینه راهبردی اصلاحات :

اتخاذ يك خط مشی سیاسی و فرهنگی همه جانبه و مردم سالارانه ، از جنس صلح در برابر استبداد حکام وابسته به غیر ، برتری جویانه عقیدتی ، دینی- روحانی ، قومی و سمتی ولسانی در راستای تبدیل شدن به بدیل تدریجی، بلندمدت و با وقار و اعتباری ملی و مرامی ؛

سوم - فرآیند پذیرش تجارب مدرنیته :

روی آوردن به دمکراسی و جامعه مدنی تشکیلاتی به سبک تجارب معارف نوین و رد سنن مرکز گرایی ، خودگرایی قومی ، بجای مانده از ادوار مبارزات تاریخی و آموزه های چپ و راست سنتی و گروه یی کشور ما و منطقه .

درست اندیشیدن به معنای درست عمل کردن نیست . مگر معیار اندیشه صادق ، سنجش مرتبط و قانونمند از گزاره های عمل است . ما میتوانیم با بیان چنین گزاره ها بینش واحدی در جامعه تولید نمایم .

و هم در رنگ گیری از این گزینه واقعی، ارزش های فرهنگی مردمان را میتوان - شفاف تر، صمیمی تر، نجیب تر، بافضیلت تر ساخت. فقط اندیشه « آینده مدارا » و تکامل پسند است که راهبرد رویکرد های مارا در مسیر شناخت تمایز معرفت فرهنگی حال و گذشته قرار میدهد و بادرک مهمترین جدال میان ارزش های فرهنگی « بودن » و « شدن »، گزاره های روینده جاگزین همه تمایز های فرهنگ قدیمی میشود. هرگونه فرهنگ واپسگرایی که برای نظم دموکراتیک جامعه زیان بار است و همآیسی اجتماعی را فرو می کاهد، باادای احترام آنرا با عزت و حرمت به آرشیف تاریخ داشته های فرهنگی گذاشت.

از این سوتفکر عقلانی در مورد انسانی سازی اخلاق جامعه و رشد مسایل فرهنگ نوین از موضع کلیدی مبارزه حق خواهی و طرح راهبردی نوین میباشد و شرط لازمی ایست برای درست عمل کردن در عرصه سیاست و جامعه شناختی.

با پیگیری چنین رویکردهای فکری، مردم میهن پرست کشور ما می توانند به تعالی درون مایه های نظری و رشد و بالندگی اجتماعی خود اطمینان داشته باشند و بدون شک راه را بسوی جامعه مدنی و حقوق متعادل شهروندی باز می نمایند.

مردم ما با نگرش متفاوت ، از تولید بحران ارزشی بی که زاده جنس جنگ است و سراپای جامعه و نسل جوان را در سه دهه اخیر فراگرفته بود دست کشند. راه همبستگی و همآیسی ملی را انتخاب نمایند. غرق در سیاست روز زدگی و درگیری قدرت نشوند و با رو آوردن به تاکتیک مسلحانه و جدا از آهنگ مبارزات مردمی، پایگاه اجتماعی خود را به تیغ و تفنگ نسپارند . وگاهی هم در مقام معظم رهبری ذوب نگردند . این حکم اخلاقی در باب راه یافتی حفظ کیفیت ها و ماهیت های سیاسی است که همجوشی ملی را در گذار به جامعه مدنی تسریع میبخشد .

بدین ترتیب و با همه ی آرزوها و دریغ ها ، دستاوردها و ارزش ها، انحرافات و ضد ارزش ها، کتاب تاریخ مبارزات مردم استقلال خواه کشور ورق خورده و تجربه مبارزات نسل گذشته مجاهدان و فدائیان راه آزادی به افتخارات تاریخ مان سپرده میشود.

آنچه در دل مردم ما می ماند و درقلب ها جاویدانه میشود و امروزه نیز، همچو فردا ، دردنیای درون ما حس ارج و احترام می آفریند، نه اسم و رسم ، حزبی و سازمانی و مجاهد و قوماندان ، گروه و و سمت و آرم منزلت و قدرت و کرسی و شعر و شعار و زنده باد و مرده باد ، بلکه یاد و راه و نام و نشان پیکار و نبرد و حماسه فرزندان رشید و وطنپرست کشور سربلند ماست.

که همچون رهروان راه آزادی و مقاومت ، خون های خویش را در راه اهداف بلند بالای عزت و شرف وطن (استقلال و آزادی) فدا کرده اند . و به دور از خواست های آلوده مقطعی و قالب های تشکیلاتی ادوار پیشین فراتر رفتند و در مرتبه اعلا تر از اندیشه، باروح فضیلت مداری در فراسوبه قله های شامخ عزت و مکارم اخلاقی - آرمان های خویش را در تاریخ کشور ما ابدی ساختند.

صدای هوشیار باش و افتخار به آن رهروان مبارز راه (خود فرمانی ملی و آزادی) کشور است . که در مبارزات ابراز وجود و حق خواهی ، آن آرمان های مقدس فرزندان رشید و سرسپرده راه نبرد و مقاومت صلح خواهانه را - علماً و عقلاً با درک و شناخت نبض زمان و نیاز مردم ، با ثبات اراده و عمل مشترک سیاسی ، در عشق داشتنی به نجابت و شایسته سالاری انسان بدون تزلزل و بی باوری و عقب نشینی مصلحتی در چالش های سیاسی زمانه ، با خویشتنداری و امانت داری ، با وجدان پاک و ضمیر بی آرایش، با صحت فکر و نیت نیک ، با پیگیری حُسن صداقت و پایداری به سر منزل مقصود برسانند

به آرزوی درک و شناخت هرچه دقیق تر و عمیق تر « امید اجتماعی » یعنی تأمین صلح و امنیت ، تشکیل حاکمیت قانون ، مستقل خودی غیروابسته ، ایجاد پایه های مادی و معنوی آزادی و عدالت اجتماعی .

بخش اول :

قسمت پنجم - ساختار نظام قانونی در جمهوری فدرال آلمان آلمان - اکتوبر - 2006

صلح و آزادی بااهمیت ترین ارزش در حیات انسان است . فقط در تأمین شرایط ثبات و آرامش و صلح و صفا است که زندگی هم آهنگ مملو از جمال و زیبایی که غایتی از سعادت و خوشبختی انسان می باشد ، نهادینه می گردد .

کنون فرآورده جبری وضع سیاسی و اجتماعی جوامع بشری مبنی بر احیاء و ایجاد زیرساخت های مادی صلح فرا قاره یی از یک ناهمگونی متضاد درد می کشد . ورشته همه این مشاکل که جسم نفیس صلح و آزادی وهمبستگی بشریت را تهدید میکند نه در ناهمسانی ساختار صورت بندی های اقتصادی و اجتماعی و سطح تکامل زیست جوامع عقب مانده جا دارد ، بلکه در : مایه گیری و یکه تازی پیشبرد سیاست تصاحب و غصب « اقتصاد جهانی » بوسیله قدرت های جهان صنعتی ، متجلی می گردد .

باید اذعان کرد که هفت کشور پر قدرت صنعتی جهان واقمار وابسته به آنها در راه رفت بسوی بهره برداری انرژی و اقتصاد جهان بنفع جوامع خویش از یک اصول واحد پیروی میکنند .

و این سیاست و اسلوب بهره برداری نوین اقتصاد جهانی، بعد از جنگ جهانی دوم بوسیله قدرت های جهان سرماییداری تدوین و از طریق نهاد های سیاسی، فرهنگی، و حقوقی بوسیله همکاری مستقیم « ملل متحد » در جوامع عقب نگهداشته شده بنمایش گذاشته شد.

اکنون جهان صنعتی بعد از خاک سپاری « سیستم سویالیزم سرخ روسی » و بویژه بعد از واقعه دلخراش نامعلوم تروریستی 11 سپتامبر 2001، چگونه؟ تکرار همان سیاست استعمار نوین از طرف ماشین دفاعی آمریکا و همیاران صنعتی اش تحت نام « مبارزه علیه تروریسم بین المللی » و صدور دموکراسی، باری در لباس بشردوستانه یکسره دارایی کشورهای جهان دوم و سوم و چهارم را آشکارا به بلعیدن گرفته است. نیرنگ مرموز و پیچیده سیاست جهان سرمایه و تطبیق آن در مرحله کنونی در دو چهره انعکاس می یابد:

یکی تأمین دموکراسی و عدالت اجتماعی و حاکمیت قانون برای شهروندان جامعه خویش میباشد. که این سیاست الگویست در فراهم آوری حس اعتماد و حمایت مردم از حاکمیت سیاسی منتخب و نقش تعیین کننده را در پیشبرد تطبیق سیاست های نظامی برون مرزی این کشور ها نیز ایفاء می کند. چرا؟ زیرا! وقتیکه حاکمیت مردمی معطوف بر تحقق نیاز های

حقوق فردی و اجتماعی شهروندی عمل نماید ، بدون قید و شرط حس ایستادگی و مخالفت آنان را با سیاست گذاری های دولت مرهون بر غصب و تصاحب اقتصاد جهان روبه انکشاف ، بی اثر و کم رنگ می سازد .

دیگری در چهره مدافع صلح به اصطلاح « ماشین تولید کننده نظام دموکراسی » برای جهان روبه انکشاف می باشد. که ادامه همان سیاستی است که از صد ها سال بدین سو با تغییر شیوه های بهره برداری و حفظ راهبردی پیر « سرمایه » خاصاً در افریقا و آسیا بوسیله قدرت های صنعتی با وسایل نظامی ستم گستر به تطبیق گرفته شده است.

تحقق چنین سیاست های خود پرور بیگانه گش فرا قاره یی جهان صنعتی ، پیوسته حیات اجتماعی شهروندان ایشان را مرفه تر ، غنامند تر ، خوشبختتر و پر سعادت مند تر ساخته.

برعکس زندگی و حیات اجتماعی مردمان کشور های تحت ستم و استعمار را به بدبختی ، فقر و غربت ، بیسوادی ، بیماری ، دربدری و احتیاج و گدایی - آوارگی و مهاجرت سوق داده اند و صلح و ثبات را در چنین جوامع به یأس و درد تبدیل نموده است. بگونه مثال میتوان از : افغانستان ، عراق ، سوریه ، مصر ، لیبیا ، و... را نام برد .

اینک بگونه نمونه ساختار نظام قانونی در جمهوری فدرال آلمان را که یکی از پر قدرت ترین هفت کشور صنعتی جهان می باشد و در هنجار ها و سیاست سازی های کلان مقرون به تأمین صلح و ثبات جهان ، یکجا با آمریکا از یک گلو نعره دموکراسی میزند ، مورد ارزیابی قرار میدهیم. ومی آموزیم که چقدر جهان پیشرفته در تأمین صلح و آزادی مردم خویش ورفاه و آسایش حیات اجتماعی اعضای جامعه خود شان واقعاً ، تلاش عقلانی و انسانی نموده اند.

اول - قانون اساسی :

در جمهوری فدرال آلمان نظام حکومتی منعکس در قانون اساسی یکی از مردمی ترین و آزاد ترین و قابل اعتماد ترین و انسانی ترین حکومت هایی است که بعد از جنگ دوم جهانی در این سر زمین ایجاد گردیده است. قانون اساسی آلمان نقش تعیین کننده در این تحول سازنده ایفاء نموده است.

قانون اساسی آلمان در 7 سپتامبر 1949 میلادی بعنوان قانون موقتی طرح و تدوین شد ، این قانون می بایست در یک دوران گذار جهت ایجاد زیر ساخت های مادی و معنوی به حکومت ، نظم نوین قانونی آزاد و دموکراتیک بدهد. (1)

از این رو این وثیقه ملی را « قانون پایه » خواندند .

در دیباچه این قانون از مردم آلمان خواسته شده بود، " در فرآیند خود مختار و آزادانه، وحدت و آزادی آلمان را به فرجام برسانند. " سرزمینیکه در جنگ دوم جهانی جبراً به مناطق غربی و شرقی تقسیم شده بود، می بایستی در اسرع وقت دوباره متحد و پس از آن قانون اساسی مشترک و آزادیخواهانه ای تدوین شود.

چنانچه که دیده شد بعد از سپری شدن حدود چهل و پنج سال از جدایی این سر زمین و برائرتلاش هدفمند سیاسی و تحقق خواسته های برحق قانونی و تاریخی مردم آلمان و مجامع بین المللی وحدت دوباره این کشور بتاريخ سوم اکتوبر 1990 بوقوع پیوست.

دوم - ارکان قانون اساسی

1 - رئیس جمهور:

رئیس جمهور عالی ترین مقام جمهوری فدرال آلمان است. او توسط مجمع فدرال (اجلاس فدرال) انتخاب می شود که ارگانی پیش بینی شده در قانون اساسی است و تنها به همین منظور تشکیل می شود. این مجمع متشکل از اعضای از مجلس فدرال (بوندس تاگ) به همین تعداد اعضای از مجالس ایالتی است که بنابر اصل انتخاب نسبی با اکثریت آرای مجمع فدرال برای دوره پنج سال انتخاب می شود، و انتخاب مجدد آن برای یک بار بلامانع است.

آلمان کشوری با نظام پارلمانی است، به همین دلیل مقام ریاست جمهوری بسیار تشریفاتی می‌باشد. با این حال رئیس جمهور دارای «قدرت استرداد» بسیاری مهمی می‌باشد که در زمان بی‌ثباتی سیاسی به کار می‌آید. (بند 81، قانون اساسی)

رئیس جمهور فدرال توسط رای مخفی (ورقه رای مخفی دارای اسامی چاپی کاندیداها) بدون بحث و مناقشه توسط هیئت فدرال آلمان که برای همین منظور دایر شده است انتخاب می‌شود. این هیئت شامل تمامی اعضای بوندستاگ به همراه چندین نفر از نمایندگان که توسط قوه مقننه شهرها انتخاب شده‌اند، می‌باشد. اعضای این هیئت در پایان بالغ بر یک‌هزار نفر می‌شود. قانون اساسی آلمان، اینطور بیان می‌دارد که این گردهمایی هر چه زودتر تشکیل شده و نباید به 30 روز قبل از سپری شدن وقت رئیس جمهور فعلی برسد. (2)

این هیئت توسط رئیس بوندستاگ گردهمایی و اداره می‌شود. از سال 1979، تمام این گردهمایی‌ها پیش از 23 می، تاریخ انتصاب جمهوری فدرال در 1949، انجام می‌شود.

صلاحیت:

دفتر رئیس جمهور بر روی تمام آلمان‌هایی که برای رای دادن در بوندستاگ مستحق رای دادن باشند و به سن 40 رسیده‌اند باز است. رئیس جمهور حقوق سالیانه‌ای بالغ بر €213000 (یورو) دریافت می‌کند که بعد از ترک او از دفتر نیز برای همیشه ادامه می‌یابد. رییس جمهور می‌تواند که عضوی از دولت، مجلس و یا دولت فدرال نباشد. در هنگام گرفتن این سمت، رئیس جمهور باید مطابق به ماده 56 قانون اساسی قسم بخورد. اگرچه او می‌تواند قسمت‌های مذهبی آنرا از آن در صورت تمایل حذف کند.

من قسم می‌خورم که تمام تلاش خود را وقف رفاه و بهزیستی مردم آلمان کنم، مزایای آنها را در نظر گرفته و گزند را از آنها دور نگهدارم. از قانون اساسی و اساسنامه هم‌پیمانان کشور حمایت و پیروی کنم، وظایف خود را وجدانی انجام دهم و به همه عدالت را انجام دهم. پس خدایا مرا کمک کن. (3)

رئیس جمهور بعنوان مقام بیطرف و حافظ قانون اساسی نقش متعادل کننده داشته و تجسم وحدت سیاسی جامعه به شیوه خاص است. او بعنوان مقام

فراجناحی و مافوق احزاب ، نقش متعادل کننده و بی طرف را ایفا می کند و به این ترتیب میتواند معیار هایی برای جهت گیری سیاسی و اخلاقی شهروندان تعیین کند.

رؤسای جمهوری آلمان از سال 1949 ببعد از اینقرار است:

- 1- تئودور هویس Theodor Heuss : از حزب دموکرات آزاد (12 . 09 . 1949 - 12 . 09 . 1959)
- 2- هاینریش لوبکه Heinrich Lübke : از حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (13 . 09 . 1959 - 30 . 06 . 1969)
- 3 - گوستاف هاینهمان Gustav Heinemann : از حزب سوسیال دموکرات (01 . 07 . 1969 - 30 . 06 . 1974)
- 4- والتر شیل Walter Scheel : از حزب دموکرات آزاد (07 . 1974 - 01 . 1979 . 30 . 06)
- 5- کارل کاستنس Karl Carstens : از حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (01 . 07 . 1979 - 30 . 06 . 1984)

- 6- ریچاردو وایسکر Richard von Weizsäcker: از حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (01. 07 . 1984 - 30 . 06 . 1994)
- 7- رومان هرتسوگ Roman Herzog: از حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (01 . 07 . 1994 - 30 . 06 . 1999)
- 8- یو هانس رائو Johannes Rau: از حزب سوسیال دموکرات (01 . 07 . 1999 - 30 . 06 . 2004)
- 9- هورست کوهلر Horst Köhler: از حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (01 . 07 . 2004 - 31 . 05 . 2010)
- 10 - کرسٹیان ولف Christian Wulff : از حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (30 . 06 . 2010 - 17 . 02 . 2012)
- 11 - یواخیم گووک Joachim Gauck : شخصیت مستقل (2012 . 03 . 18) (4)
- 12 - فرانک والتر اشتاینمایر (به آلمانی: Frank-Walter Steinmeier) (زاده 5 ژانویه 1956) سیاستمدار شهروند آلمانی و رئیس‌جمهور آلمان است ، از حزب سوسیال دموکرات (در سال 2018 تا کنون) .

مجلس فدرال (بوندس تاگ) :

مجمع نمایندگان جمهوری فدرال را بنام مجلس فدرال یا (بوندس تاگ) گویند . نمایندگان پارلمان طی انتخابات عمومی ، مستقیم ، آزاد ، برابر و مخفی توسط ملت و برای مدت چهار سال انتخاب می شوند. آن‌ها نمایندگان تمام ملت هستند، پای بند دستور و مأموریتی نبوده و فقط با حفظ کرامت انسانی در برابر وجدان پاکیزه خود مسئول‌اند. از همین رو اخراج و یا استعفا از عضویت در يك حزب ، تأثیری بر عضویت در پارلمان ندارد. رئیس مجلس فدرال بنا بر سنت دموکراتیک ، از صفوف اعضای بزرگ‌ترین فراکسیون انتخاب می شود. او جلسات علنی را اداره و بر حفظ نظم پارلمان نظارت می کند.

در انتخابات مجلس فدرال آلمان ترکیبی از حق انتخاب اکثریت و انتخاب نسبی به کار برده می شود. هر رأی دهنده حق دو رأی دارد. با رأی اول کاندید حوزه انتخابیه خود را براساس اکثریت نسبی انتخاب می کند. هر که بیشترین آراء را کسب کند، انتخاب شده است. رأی دهنده با رأی دوم، لیست ایالتی يك حزب را انتخاب می کند که کاندیدها را در سطح هر ایالت و با ترتیبی خاص معرفی می کند. سپس در هنگام استخراج نتیجه انتخابات، رأی اول و دوم هر دو در نظر گرفته می شوند.

مجلس فدرال از نمایندگانی تشکیل می شود که 299 تن آنان در حوزه های انتخابیه به گونه مستقیم انتخاب شده اند. 299 نفر نماینده دیگر از طریق لیست های ایالتی احزاب به مجلس فدرال راه می یابند .

وظایف و اولویت های کاری مجلس فدرال (پارلمان) قانون گذاری ، انتخاب صدر اعظم و نظارت بر کار دولت است . صحن علنی مجلس فدرال محل مباحثات عمده پارلمانی ، به ویژه در زمانی است که مسایل مهم سیاست خارجی و داخلی مورد بررسی قرار می گیرند.

کار اصلی برای تدوین لایحه ها و قوانین ، در جلسات کمیسیون های پارلمانی که اغلب بصورت غیر علنی برگزار می شوند ، انجام می گیرد . در کمیسیون ها اراده سیاسی و ملی با شناخت تخصص کارشناسان هر رشته و با شنیدن نظرات آنان ، هماهنگ می شوند. کمیسیون ها از (کمیسیون سیاست خارجی گرفته تا کمیسیون بودجه) همچنین مرکز اصلی کنترل فعالیت های دولت هستند . هر شهروند آلمانی میتواند نظریات و شکایات خود را بگونه مستقیم به کمیسیون شکایات پارلمان تسلیم کند .

پارلمان آلمان از سال 1949 تا سال 2002 بیشتر از 9200 لایحه قانونی را مورد بحث و بررسی قرار داده و 5640 قانون را تصویب کرده است .

این مصوبات بیشتر شامل تغییراتی در قوانین موجود جهت متعادل سازی حقوقی شهروندان و دموکراتیزه سازی حیات اجتماعی جامعه بوده اند .

اکثر لوایح قانونی بوسیله دولت فدرال ارائه می شوند . بخش کمی از آنها نیز بوسیله مجلس فدرال (بوندس تاگ) و یا شورای ایالتی (بوندس رات) پیشنهاد می شوند . هر لایحه قانونی در پارلمان در سه شور یا روند مورد بازبینی قرار گرفته و به تائید میرسد .
رؤسای مجلس فدرال (بوندس تاگ) آلمان از سال 1949 بیعد عبارت اند از:

- 1- ایریخ کوهلر Erich Köhler : از حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (1949 - 1950) ، از 7 سپتمبر 1949 تا هژده اکتوبر 1950 ، یک سال و چهل و یک روز .
- 2- هیرمن اهلرس Hermann Ehlers : از حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (1950 - 1954) ، 19 اکتوبر 1950 تا 29 اکتوبر 1954 ، چهار سال و ده روز .
- 3 - اُیوگین گیرستن مای Eugen Gerstenmaier : از حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (1954 - 1969) ، 16 نوامبر 1954 تا 31 جنوری 1969 ، چهارده سال و هفتاد و شش روز .

- 4- کای - اووی فن هاسیل Kai-Uwe von Hassel : از حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (1969 - 1972) ، 5 فبروری 1969 تا 13 دسامبر 1972 ، سه سال و سیصد و دوازده روز .
- 5- انی ماری رینگر Annemarie Renger : از حزب سوسیال دموکرات (1972 - 1976) ، 13 دسامبر 1972 تا 14 دسامبر 1976 ، چهار سال و یک روز .
- 6 - کارل کارستنس Karl Carstens : از حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (1976 - 1979) ، 14 دسامبر 1976 تا 13 می 1979 ، دو سال و یکصد و شصت و هشت روز .
- 7- ریچارد اشتوک لین Richard Stücklen : از حزب اتحادیه سوسیال مسیحی (1979 - 1983) ، 31 می 1979 تا 29 مارچ 1983 ، سه سال و سیصد و دو روز .
- 8- رائی نربارسیل Rainer Barzel : از حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (1983 - 1984) ، 29 مارچ 1983 تا 25 اکتوبر 1984 ، یکسال و دو صد و ده روز .

- 9- فیلیپ ایننجر Philipp Jenninger : از حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (1984 - 1988) ، 5 نوامبر 1984 تا 11 نوامبر 1988 ، چهار سال و شش روز .
- 10- ریئا سوس موت Rita Süßmuth : از حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (1988 - 1998) ، 25 نوامبر 1988 تا 26 اکتوبر 1998 ، نه سال و سیصد و سی پنج روز .
- 11- ولف گنتگ تیرزی Wolfgang Thierse : از حزب سوسیال دموکرات (1998 - 2005) ، 26 اکتوبر 1998 تا 18 اکتوبر 2005 شش سال و سیصد و پنجاه و هفت روز .
- 12- نوربرت لام مرت Norbert Lammert : از حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (18 اکتوبر 2005 تا 2017)
- 3 - ولفگانگ شویبله (Wolfgang Schäuble) از حزب اتحادیه دموکرات مسیحی (2017 تا کنون) (5) .

شورای فدرال (بوندس رات)

نماینده‌گی 16 ایالت که عبارت اند از :

یکم - شلیسویگ هولشتین (Schleswig-Holstein) مساحت: 15799 کیلومتر مربع ، نفوس : 2 میلیون و 802 هزار نفر ، سهمیه در شورای فدرال (بوندس رات) چهار نماینده .

دوم - هامبورگ (Hamburg) مساحت : 755 کیلومتر مربع ، نفوس : 1 میلیون و 1841939 هزار نفر ، سهمیه در شورای فدرال سه نماینده .

سوم - بریمن (Bremen) مساحت : 419 کیلومتر مربع ، نفوس : 652 هزار نفر ، سهمیه در شورای فدرال سه نماینده .

چهارم - نیدر زاخسن (Niedersachsen) مساحت : 47 هزار 613 کیلومتر مربع ، نفوس : 7 میلیون و 774 هزار نفر ، سهمیه در شورای فدرال شش نماینده .

- پنجم - میکلین بورگ فورپومیرن (Mecklenburg-Vorpommern) مساحت : 23 هزار 191 کیلومتر مربع ، نفوس : 1 میلیون و 607 هزار نفر ، سهمیه در شورای فدرال سه نماینده .
- ششم - زاکسن انحالت (Sachsen-Anhalt) مساحت : 20 هزار و 450 کیلومتر مربع ، نفوس : 2 میلیون و 277 هزار نفر ، سهمیه در شورای فدرال چهار نماینده
- 7- برندن بورگ (Brandenburg) مساحت : 29 هزار 483 کیلومتر مربع ، نفوس : 2 میلیون و 453 هزار نفر ، سهمیه در شورای فدرال چهار نماینده .
- 8- برلین (Berlin) مساحت : 888 هزار کیلومتر مربع ، نفوس : 3 میلیون و 326 هزار نفر ، سهمیه در شورای فدرال چهار نماینده .
- 9- نورد رین ویست فالن (Nordrhein-Westfalen) مساحت : 34 هزار و 092 کیلومتر مربع ، 17 میلیون 545 هزار نفر ، سهمیه در شورای فدرال شش نماینده .

- 10- رین لند فلس (Rheinland-Pfalz) مساحت : 19 هزار و 854 کیلومتر، 3 میلیون 990 هزار نفر، سهمیه در شورای فدرال چهارنماینده .
- 11- تورین گین (Thüringen) مساحت : 16 هزار و 172 کیلومتر ، 2 میلیون و 235 هزار نفر ، سهمیه در شورای فدرال چهار نماینده .
- 12- زاخسن (Sachsen) مساحت : 18 هزار و 420 کیلومتر ، 4 میلیون و 054 نفر، سهمیه در شورای فدرال چهار نماینده .
- 13- هیسن (Hessen) مساحت : 21 هزار و 115 کیلومتر مربع ، 5 میلیون 994 هزار نفر ، سهمیه در شورای فدرال پنج نماینده .
- 14- زار لند (Saarland) مساحت : 2 هزار و 569 کیلومتر مربع ، 998 هزار نفر ، سهمیه در شورای فدرال سه نماینده .
- 15- بادن وُرتم برگ (Baden-Württemberg) مساحت: 35 هزار و 751 کیلومتر مربع ، 10 میلیون و 512 هزار نفر ، سهمیه در شورای فدرال شش نماینده .

16- بایرن (Bayern) مساحت : 70 هزار و 550 کیلومتر مربع ، 12 میلیون و 443 نفر ، سهمیه در شورای فدرال شش نماینده .
در کل : مجموعه ای مساحت آلمان 357 هزار و 121 کیلومتر مربع ، نفوس آن به : 80 میلیون 380 هزار نفر می رسد.
در شورای فدرال (بوندس رات) تجسم جزء فدراتیف نظام فدرالی کشور بوده و از اعضای دولت های ایالتی تشکیل می شود. در شورای فدرال هر ایالت به نسبت تعداد ساکنان آن از 3 تا 6 رأی دارد . ایالات از طریق شورای فدرال در قانون گذاری و اداره دولت مرکزی نقش دارند. شورای فدرال ارگان ایالات نیست ، بلکه ارگان فدراتیف دولت مرکزیست .
به هنگام بروز اختلاف ناشی از تفاوت بین سیاست های احزاب در مراجع فدرال و ایالتی، شورای فدرال می تواند به عنوان وزنه متعادل کننده عمل کند و به این ترتیب به ابزاری در اختیار اقلیت مخالف تبدیل شود، بدون این که این امر اتهامی را به دنبال داشته باشد.
رئیس شورای فدرال از میان نمایندگان ایالات با چرخش معین و هر بار برای مدت يك سال انتخاب می شود. رئیس شورای فدرال در غیاب رئیس جمهور انجام وظایف او را به عهده دارد.

دولت فدرال :

صدراعظم و وزیرای فدرال ، دولت فدرال ویا کابینه فدرال را تشکیل میدهد. صدر اعظم بحیث رئیس دولت ، ریاست جلسات کابینه را به عهده دارد و حق تعیین خط مشی سیاسی دولت با اوست . او وزرا را انتخاب می کند و پیش نهاد انتصاب یا عزل آنان را به رئیس جمهور می دهد. صدراعظم همچنین در مورد تعداد وزرا تصمیم می گیرد و حوزه وظایف آنها را تعیین می کند .

رئیس دولت می بایست در عمل با احزاب مؤتلف در کابینه مشورت کند ودر سیاست های خود دیدگاه های آنان را نیز مورد بررسی قرار بدهد. او همچنان اعضای فراکسیون اکثریت در پارلمان را نسبت به برنامه هایش متقاعد سازد.

صدر اعظم های آلمان از سال 1949 تا کنون از اینقرار اند:

- 1- کنراد آدناوئر (Konrad Adenauer) از : اتحادیه دموکرات مسیحی (1949 - 1963)
- 2- لودویگ ارهارد (Ludwig Erhard) از : اتحادیه دموکرات مسیحی (1963 - 1966) .

- 3 - کورت گئورگ کیسینجر (Kurt G. Kiesinger) از: اتحادیه دموکرات مسیحی (1966-1969)
- 4- ویلی برانت (Willy Brandt) از: حزب سوسیال دموکرات (1969-1974)
- 5- هلموت شمید (Helmut Schmidt) از: حزب سوسیال دموکرات (1974-1982)
- 6- هلموت کهل (Helmut Kohl) از: اتحادیه دموکرات مسیحی (1982-1998)
- 7- گرهارد شرودر (Gerhard Schröder) از: حزب سوسیال دموکرات (1998-2005)
- 8- انگلا مرکل (Angela Merkel) از: اتحادیه دموکرات مسیحی (2005 تا امروز 2021).

داد گاه قانون اساسی فدرال :

داد گاه قانون اساسی فدرال ارگان با صلاحیت ایست که بر رعایت قانون اساسی نظارت می کند. بر اساس داشته های تجارب تلخ تاریخی دهه بی 1930 (سال های پایانی جمهوری وایمار) تا 1945 باعث شد تا تدوین کنندگان قانون اساسی قدرت سیاسی دولت را محدود سازند. از این رو مجمع پارلمانی، تشکیل محکمه قانون اساسی فدرال را با اختیارات گسترده در قانون اساسی آلمان پیش بینی کرد. بدین اساس « داد گاه قانون اساسی » حق دارد تشخیص دهد که یک حزب بنیاد های نظام آزادی خواهانه و دموکراتیک را با دشواری مواجه ساخته و از اینرو ضد قانون اساسی عمل می کند. در این صورت این دادگاه به انحلال این حزب حکم می دهد. با داشت چنین صلاحیت های ارزشمند داد گاه قانون اساسی علاوه بر این در هنگام بروز اختلافات میان دولت مرکزی و ایالات ویا دیگر ارکان های دولت مرکزی برای پیشبرد و تثبیت نظام قانونی مبتنی بر قانون اساسی، تصمیم گیری می کند. این داد گاه از 1949 تاکنون در 141000 مورد تصمیم گیری کرده است. از این تعداد 125000 مورد آن شکایات مربوط به رعایت نکردن قانون اساسی بوده که از میان آنها 3360 مورد با موفقیت همراه بوده است.

مجموعه قوانین فدرال نزدیک به 19000 قانون و 3000 آیین‌نامه و دستورالعمل را در بر می‌گیرد. قوانین بوسیله مجلس فدرال تأیید می‌شوند و آیین‌نامه‌ها، براساس قوانین، بوسیله دولت فدرال ابلاغ می‌شوند. قوانین ایالتی در کنار مسایل وابسته به حوزه پلیس و قوانین نواحی، حوزه‌های مدارس و دانشگاه‌ها هم چنین مطبوعات و رادیو را در بر می‌گیرند.

ضمانت‌های حقوقی و حاکمیت قانون مداری در قوانین جزایی و هم قوانین وابسته به آیین‌نامه‌های داد رسی آلمان قابل مشاهده است. در قانون اساسی برجسته شده است که یک عمل زمانی قابل کیفر است که انجام دادن آن طبق قانون جرم باشد. محدودیت آزادی افراد تنها براساس یک قانون رسمی امکان‌پذیر است. البته پلیس حق دارد به گونه موقت فردمظنون را دستگیر کند، ولی نمی‌تواند او را بیش از پایان روز بعد از دستگیری، نگه دارد.

هر کس حق دارد در محکمه خواستار عمل به قانون باشد. این نیز از جمله مؤلفه‌های حکومت قانونی است که در قانون اساسی آلمان قید شده است. صدور حکم تنها در دست قدرت قضات مستقلی است که تنها مقید به قانون هستند.

قضات را اساساً نمی توان عزل کرد و یا برخلاف نظر ایشان به محلی دیگر انتقال داد. تشکیل محاکم ویژه ممنوع است .

در پهنه قانون و در نظام حقوقی جمهوری فدرال آلمان ، محاکم مختلفی نظیر (محاکم عادی ، محاکم کار ، محاکم اداری ، محاکم جزایی ... ووو در دفاع از حقوق و آزادی های شهروندان به فعالیت مشغول اند. صدور حکم در جمهوری فدرال آلمان حدوداً بوسیله 21000 قاضی حرفه ای انجام می گیرد. قضات در صدور حکم فقط به حق و قانون متکی هستند. در آلمان 5000 وکلایی مدافع بگونه گُل در محاکم جزایی و اجرای احکام جزایی فعالیت می کنند و 100000 وکیل حقوقی بعنوان مشاورین و وکلایی مستقل در تمام ارگان های حقوقی اشتغال دارند .

سوم - احزاب سیاسی

یک دموکراسی مدرن بدون داشت احزاب سیاسی رقیب کارآیی ندارد . در چنین یک نظام متعادل حقوقی ، نمایندگانی که برای مدت معین از طرف مردم انتخاب می شوند ، افزون بر ادایی رسالت ملی ، راهبرد سیاسی ووظایف نظارتی را از جانب احزاب به عهده می گیرند . قانون اساسی آلمان همگون با خواست جامعه پیشرفته در شکل دادن بحیات سیاسی جامعه برای احزاب نقش مهمی را قایل شده و در ماده بیست ویک خود تصریح کرده است : " احزاب در شکل گیری اراده سیاسی ملت نقش دارند ... "

از 36 حزبی که در انتخابات 1949 مجلس فدرال شرکت کرده بودند ، فقط 6 حزب موفق شدند به پارلمان راه یابند . اما امروز نیز بعد از آخرین انتخابات در سپتامبر 2021 ، در شورای فدرال (پارلمان) شش حزب عبارت اند از : اتحادیه دموکرات مسیحی آلمان (CDU) ، حزب سوسیال دموکرات آلمان (SPD) ، حزب دموکرات آزاد (FDP) ، اتحادیه سوسیال مسیحی (CSU) ، اتحادیه 90 - سبز ها ، حزب چپ ها و حزب آلترناتیف برای آلمان (AfD) و چند نماینده منفرد حضور دارند .

تمرکز بر تعداد کمی از احزاب ناشی از یک قید محدود کننده است که بر اساس آن صرف احزابی به پارلمان راه می یابند که 5 درصد از آرای معتبر دوم را کسب کرده و یا سه تن از کاندید های آنان بگونه مستقیم به مجلس را یافته باشند . هدف از این مقررات ایجاد امکان برای شکل گیری اکثریتی است که قادر به تشکیل دولت باشد.

نظام خود گردانی و فدرالیسم آلمان که ترکیبی از اتحاد چند دولت ایالتی است . و اتحاد آنها در جمهوری فدرالیسم در این واقعیت تجلی می یابد که که ایالت ها ، « ولایت » نیستند بلکه دولت هایی با قدرت مستقل هستند. آنها دارای قانون اساسی ایالتی هستند که با اصول یک دولت قانونی ، جمهوری دموکرات و اجتماعی در مفهومی که در قانون اساسی آلمان آمده منطبق است . افزون بر این تقسیم وظایف بین دولت مرکزی و ایالات ، عنصر اساسی در نظام تفکیک قوا و تعادل قدرت است .

با فدرالیسم می توان تنوع منطقه ای را بسیار بهتر حفظ کرد و هم رنگی شهروندان را در مناطق مختلف با سیاست ها و شکل دهی به محیط اطراف خود تسهیل کرد . نظام فدرالیسم همچنان زمینه ساز برای رقابت های مشروع بین ایالات و تجربه در حوزه های مختلف است . بگونه مثال یک ایالت میتواند در عرصه مالیات و یا صحت روش های جدیدی را تجربه کند و الگویی برای اصلاحات در سراسر کشور بدست دهد.

در کنار نظام فدرالی، خودگردانی محلی نیز در آلمان دارای سنت دیرینه است. قانون اساسی با بهره‌گیری از این سنت، به صراحت حق خودگردانی محلی در شهرها، بخش‌ها و حوزه‌ها را تضمین کرده است. طبق این قانون آن‌ها حق دارند کلیه امور محلی خود را در چارچوب قوانین و با مسئولیت خود تنظیم کنند. همه شهرها، بخش‌ها و حوزه‌ها باید ساختاری دموکراتیک داشته باشند. تصویب قوانین محلی در صلاحیت ایالات قرار دارد. قوانین محلی در هر ایالت به دلایل تاریخی متفاوت است. ولی امور اجرایی محلی در همه ایالات یکسان است. خودگردانی محلی برای شهروندان امکان مشارکت و نظارت را ایجاد می‌کند. شهروندان می‌توانند با نمایندگان منتخب خود در شورای هر بخش در اجتماعات شهروندی سخن گفته، بر بودجه بخش نظارت داشته باشند و یا درباره طرح‌های ساختمانی، ساخت جاده‌های محلی و پل‌ها، تأمین برق و آب و گاز، دفع فاضلاب و طرح‌های ساخت و اداره مدارس، تیاتر‌ها، موزه‌ها، شفاخانه‌ها، ورزشگاه‌ها... و... را بحث کنند. شهرها و ناحیه‌ها و قریه و قصبات، اجزای حیات مشترک سیاسی هستند. آن‌ها می‌بایست به صورت پویا و زنده به تکامل خود ادامه دهند تا آزادی و دموکراسی در کشور و جامعه تداوم یابد.

منابع و مأخذ:

- 1 - کتاب سده بیستم (1900 - 1999) ، مؤلف : یوهانس ایبرت و اندریاس شمت ، انتشارات : مطبعة (آی - دی - آی - سه) آلمان ، سال 1999 میلادی ، ص 624 .
- 2 - Grundgesetz für die Bundesrepublik Deutschland. Article 56 .
- 3 Ich schwöre, dass ich meine Kraft dem Wohle des deutschen Volkes widmen, seinen Nutzen mehren, Schaden von ihm wenden, das Grundgesetz und die Gesetze des Bundes wahren und verteidigen, meine Pflichten gewissenhaft erfüllen und Gerechtigkeit gegen jedermann üben werde. So wahr mir Gott helfe
- Bundestagspräsident - Wikipedia .
- 4 Die Bundestagspräsidenten. Amt Funktionen - 15 Personen.
- 5 Wahlperiode. Hrsg. von Rupert Schick, bearb. von Michael F. Feldkamp, München 2003
- 6 Grundgesetz für die Bundesrepublik Deutschland- vom 23. Mai 1949 zuletzt geändert durch zwei Gesetze zur Änderung des Grundgesetzes vom 26. Juli 2002 (Staatsziel Tierschutz/ Art. 96) (BGBl. I, S. 2862/2863)
<http://www.bernhard-gaul.de/wissen/bundeskanzler.php>

قسمت دوم : ساختار نظام قانونی در جمهوری فدرال آلمان

به ادامه گفتار قسمت نخست مان ، در باب اهداف ساختار نظام سیاسی واحد دولت فدرال میتوان چنین نظام انسانی را اصل تنوع در همبستگی خواند یعنی در این نظام بجای اصل « یک ملت - یک دولت » بمفهوم واقعی پلورالیسم وتنوع (ملی ، قومی ، فرهنگی ، دینی ، ...) است. که مبنا و ملاک حاکمیت سیاسی قرار گرفته است. (1)

بتأسی از این اصل دولت فدرال آلمان ، در تیوری های سیاسی وظایف مهم معیاری دارد ، مگر هیچ گاه از این وظایف ، تعیین سیر فرهنگی مردم نیست . دولت بر اصل رعایت واقعی آزادی مدنی و فرهنگی در نظام سیاسی فدرال نمی تواند ونباید به عنوان متولی فرهنگ ، هنر واندیشه عمل کند ، چراکه فرهنگ یک سیر جاری تاریخی است ، اما دولت برای تأمین منافع ملی ، و برای حمایت از حقوق شهروندی مردمش تشکیل می شود . این مسیر تکامل تاریخی فرهنگ است که در راه رفت بسوی جاویدانه سازی نماد هستی مردم ، هویت ملی شان را نهادینه می سازد .

سیستم مالیاتی در دولت فدرالی آلمان

بر اساس قانون توسعه ثبات و رشد اقتصادی مصوب سال 1967 ، دولت فدرال موافق به اهداف اصلی سیاست های اقتصادی و ایالات در یک فرآیند دایمی موظف است تا بین درآمد ها و هزینه ها تعادل برقرار کند و بر این اصل سیاست بودجه ای خود را تنظیم نماید(2) . این اهداف عبارت اند از:

1- تثبیت سطح قیمت ها ،

2- افزایش میزان اشتغال ،

3- حفظ تعادل در تراز پرداخت ها

4- رشد دایمی و متعادل اقتصادی

بر اساس سیاست رشد متعادل اقتصادی دولت فدرال و ایالات در برنامه ریزی مالی باید بودجه ای طراحی نمایند که در آن درآمد ها و هزینه های بودجه در یک ظرف زمانی پنج ساله بایک دیگر برابروهمآهنگ باشند .

مهمترین منبع تأمین درآمد در دولت فدرال مالیات است. براساس آمار دست داشته درآمد های مراجع فدرال ، ایالات و بخش ها در سال 2002 بصورت کل به 441/7 میلیارد یورو بالغ گردید . از این مقدار 43/5 درصد در اختیار دولت فدرال ، 40/4 در صد در اختیار ایالات و 11/9 درصد در اختیار بخش ها قرار گرفت. سهم اتحادیه اروپا درآمد های مالیاتی در این سال 4/2 در صد بود . مگر آلمان سال گذشته، بیشترین درآمدهای مالیاتی تاریخ خود را تجربه کرد.

به گزارش کانال اول تلویزیون دولتی آلمان، «آ.آر.دی» دولت آلمان در سال 2013 بالاترین آمار مربوط به درآمدهای مالیاتی را با پانصد و هفتاد میلیارد یورو برای خود ثبت کرد. وزارت دارایی آلمان در این باره گزارش داد: این رقم در مقایسه با سال 2012 ، هم در دولت مرکزی در برلین و هم در ایالت های این کشور به میزان سه ممیز سه دهم درصد افزایش داشت. این در حالی است که درآمدهای ناشی از مالیات بر حقوق شاغلان نیز بعلت رشد اقتصادی و وضع اشتغال پسندیده در آلمان حدود شش درصد رشد و مالیات بر درآمد نیز یک درصد رشد داشت.

برای شهروندان ، بویژه مالیات بر حقوق و مشاغل دارای اهمیت است. مالیات کارگران ، کارمندان قراردادی و کارمندان رسمی هنگام پرداخت حقوق ماهوار بوسیله کارفرما کسر- تقلیل و به اداره مالیات پرداخت می شود.

در سال 2003 عاید سالانه ای معادل 7235 یورو برای افراد مجرد و 14470 یورو برای افراد متأهل از مالیات معاف بوده است. از مازاد عایدات بیش از این مقدار، متناسب درآمد، بین 19/9 تا 48/5 درصد مالیات اخذ می شود.

در ساختار مالیاتی دولت فدرال افزون بر پرداخت مالیات بر حقوق و مشاغل، مالیات های ویژه مانند، مالیات بیمه و کلیه مالیات های بر مصرف (مانند مالیات مواد نفتی و مالیات کالاهای دخانی) ، به استثنای مالیات آب جو وجود دارد. ایالات عایدات بدست آمده از عراده جات، مالیات بر ارث، مالیات آب جو، مالیات خرید املاک، مالیات شرط بندی ها و لاتری ها و لاغیر را در اختیار دارند.

بهترین سهم درآمد های مالیاتی با 45 درصد از محل مالیات بر عایدات به انضمام مالیات ها بر شرکت ها کسب می شود.

دیوان محاسبات فدرال که در قانون اساسی بر آن تأکید شده بعنوان یک مرجع بیطرف برای کنترل امور مالی دولت بر مدیریت بودجه ای و اقتصادی دولت فدرال مراقبت و نظارت می کند.

دولت فدرال در سال 2003 نکات اصلی کاهش بروکراسی را تحت عنوان "حمایت از اقتشار میانی - افزایش اشتغال - تقویت جامعه مدنی" مورد تصویب قرار داد.

با اعلام کاهش بروکراسی بمثابه فرآیند پویا و پیوسته می بایست از یکسو توان سرمایه‌گذاری و نوآوری آزاد شود و از سوی دیگر شهروندان از مقررات اداری غیر ضروری رها گردند. از جمله دیگر نکات مهم این اصل تجدید و ساختار های اداری و روند اجرای امور و استفاده بری از فناوری رسانه ای و همچنین توزیع مسئولیت به همه سطوح. یعنی امور اجرایی فدرال نوسازی شود، فشار بر طبقه میانه تقلیل یابد و بودجه های عمومی تثبیت شوند.

تأمینات اجتماعی (Sozialversicherung)

در جمهوری فدرال آلمان دموکراسی و تعادل حقوق شهروندی و نظام تأمین اجتماعی با هم مرتبط و در هم مؤثر اند. اصول اساسی دولت فدرال در امر تحقق اهداف دموکراسی همبستگی و مسئولیت پذیری قبول شده است.

دولت برای تطبیق این اصول شبکه ای گسترده از خدمات اجتماعی را ایجاد کرده است. با تصویب قوانین بیمه صحتی در سال 1883 و بیمه حوادث در سال 1884 و بیمه معلولیت و پیری در سال 1889، تأمین اجتماعی دولتی آغاز شد و بیمه بیکاری به عنوان تعهد اجباری کار آفرینان علیه بیکاری در سال 1927 به اجرا درآمد. از برکت حاکمیت قانون امروز حدود 90 درصد مردم تحت پوشش شبکه تأمین اجتماعی قانونی قرار دارند.

عرضه خدمات اجتماعی دولت نگهداری از آزادی های شهروندی و تحقق وظیفه دولت برای تأمین اجتماعی است. شبکه تأمین اجتماعی در پهلوی پنج شاخه تأمین اجتماعی که بوسیله کارگران و کارفرمایان تأمین مالی می شود (1 - بیمه تقاعد ، 2 - بیمه صحت ، 3 - بیمه نگهداری و مراقبت ، 4 - بیمه حوادث ، 5 - بیمه بیکاری) ، همچنین با استفاده از عایدات مالیاتی خدماتی مانند ایجاد تعادل در مصارف و هزینه خانوار یا مساعدت های اجتماعی را ارائه می کند.

1- بیمه تقاعد :

در دولت فدرال آلمان بیمه تقاعد هسته اساسی تأمین اجتماعی حق شهروندی تلقی می شود . جهت تأمین حیات کارمندان در دوران تقاعد ، در آلمان سامانه ای با 50 میلیون عضو بیمه شده و با بودجه سالانه ای افزون بر 230 میلیارد یورو ایجاد شده است . حدود 80 درصد از جمعیت شاغل کشور عضو صندوق بیمه تقاعد هستند . پرداخت حق تقاعد بگونه معمول با پایان شصت و پنج سال زندگی آغاز می شود . از سال 2002 پرداخت حق تقاعد با یک سرمایه گذاری که بوسیله دولت مورد حمایت قرار می گیرد ، تکمیل می شود .

این سرمایه گذاری می بایست در درآمدت کاهش قابل پیش بینی سطح پرداخت حق تقاعد را جبران وزمینه را برای حفظ سطح درآمدی که بیمه شده در دوره اشتغال داشته ، فراهم کند. تأمین دوران پیری بصورت دواطلبانه ، بوسیله کارگاه ویا بصورت شخصی ، با حمایت دولت پوشش داده می شود.

2 - بیمه صحی :

در جمهوری فدرال آلمان 315 صندوق بیمه صحی قانونی وجود دارد وهمه شهروندان جمهوری فدرال آلمان بایست عضو یکی از این صندوق های بیمه صحی باشند. همه بیمه شدگان صندوق های بیمه قانونی فارغ از سن ، عاید و جنسیت حق استفاده از خدمات ضروری صحی را دارند. حق بیمه صحی نیمی ازجانب کارآفرین ونیمی دیگر ازجانب کارفرما پرداخت می شود. میزان حق بیمه صحی درسال 2002 به بگونه میانه 14 در صد از دستمزد ناخالص را تشکیل می داده است. اعضای خانواده بیمه شده، که شاغل نباشند، مجبور به پرداخت حق بیمه جداگانه نیستند. به این ترتیب شاغلین دارای خانواده از امتیاز بیشتری نسبت به شاغلین مجرد برخوردارند.

3- بیمه نگهداری و مراقبت :

در مورد بیمه نگهداری و مراقبت ، این اصل حقوقی قابل ستایش است که هر فردی که از طریق یک صندوق بیمه صحتی قانونی بیمه شده باشد ، قانوناً میتواند از حقوق بیمه نگهداری و مراقبت برخوردار گردد. حق بیمه نگهداری و مراقبت ، به میزان $1/7\%$ دستمزد ناخالص ، نیز نیمی از جانب بیمه شونده ونیم دیگر از جانب کارفرما پرداخت می شود. در حال حاضر حدود 2 میلیون نفر در آلمان از خدمات نگهداری صندوق های بیمه در منزل و آسایشگاه ها برحسب خدمات جنسی یا نقدی استفاده می نمایند .

اولویت های دیگر راهبرد تعادل حقوق شهروندی در سیاست گذاری های نظام تأمین اجتماعی ، تأدیه حقوق خسارات اجتماعی است که قربانیان جنگ ، سربازان قوای مسلح ، قربانیان خشونت وبگونه کُل همه صدمه دیدگان در عرصه های گونه گون حیات اجتماعی از آن برخوردار می شوند .

4 - بیمه حوادث :

پرداخت کمک های مالی به هنگام حوادث ناشی از کار ازجانب بیمه حوادث پرداخت می شود . وحق بیمه برای این هدف تنها بوسله کارفرما پرداخت می شود. در صورت بروز حادثه، صندوق بیمه، مصارف درمان و هم چنین تأدیه خسارت از کارافتادگی را به عهده می گیرد.

5 - بیمه بیکاری :

هرکارآفرین ایکه حد اقل 18 ساعت در هفته نزد یک کار فرما بکار مشغول باشد میبایست در برابر بیکاری بیمه شده باشند. حق بیمه بیکاری ، که در حال حاضر 6/5 % دستمزد ناخالص است ، بگونه مساوی ازجانب کارفرما و کارآفرین تأدیه می شود. کار آفرینی ، از حقوق ایام بیکاری برخوردار است که در دوسال قبل از دوران بیکاری حداقل 12 ماه حق بیمه بیکاری پرداخت کرده باشد . بیکارانیکه حد اقل یک فرزند داشته باشند 67 در صد متوسط دستمزد خالص ایام اشتغال خود را به عنوان حقوق ایام بیکاری دریافت می کنند . این میزان برای افراد بدون فرزند 60 در صد است.

مدت دریافت حقوق بیکاری به روال معمول تا 12 ماه است ولی برای افراد بالای سن 55 سال تا 18 ماه ، وبواسطه طرح جدید مقررات موقت سال 2006 بیکاران مسن بالای 57 ساله تا 32 ماه حقوق ایام بیکاری دریافت می کنند .

مساعدت به خانواده ها :

در جمهوری فدرال آلمان سالانه بیشتر از 53 میلیارد یورو از ناحیه عایدات عمومی جهت مساعدت به خانواده ها (زیر نام کمک به اطفال) پرداخت می شود(3) . برای فرزند اول ، دوم ، سوم هر ماه 154 یورو حق اولاد پرداخت می شود. برای هر فرزند دیگر ، این رقم به 179 یورو افزایش می یابد. افزون براین به فرزندان تا 27 سالگی مبلغی به میزان 2160 یورو بمفهوم نگهداری ، تعلیم و تربیه تأدیه می شود. برای فرزندان بالغ در حال آموزش که نزد والدین خود اقامت ندارند ، مبلغ اضافه ای به میزان 924 یورو پرداخت می شود. برای هر فرزند تا دوسالگی ، با در نظرداشتن میزان عایدات ، مستمری تربیت و پرورش فرزند تا کمیت 307 یورو در ماه پرداخت می شود .

امنیت ملی :

تأمین امنیت و نظم عمومی در آلمان فدرال از الویت های اصلی وظایف دولت است. قانون اساسی حوزه های خاصی از وظایف پلیس را در اختیار دولت مرکزی قرار داده است .
نیروی های حفظ امنیت عمومی در ایالات متشکل از:

1- پلیس حفاظتی

2- پلیس جنایی

3- نیرو های ویژه پلیس (آماده باش)

4- پلیس حفاظت از منابع آبی

پلیس در تعقیب جرایم تحت نظر دادستان انجام وظیفه می کند که هدایت جریان رسیدگی را به عهده دارد.

هر يك از ایالات در بین نیروهای پلیس خود دارای واحدهایی از نیروهای آماده است که با وسایل و امکانات لازم بوسیله دولت مرکزی تجهیز می شوند. (4)

این نیروها مسئول مقابله با دشواری ها در شرایط خاص و خطرهای ناشی از حوادث طبیعی یا تصادفاتی هستند که از مرزهای امنیتی يك ایالت فراتر می روند . " به منظور اجتناب از خطر عاجل نسبت به هستی و نظم آزاد دموکراتیک حکومت فدرال یا ایالت ، هر بخش ها می تواند از نیروهای پلیس ولایات دیگر استمداد کند ."

در نیروی آماده پلیس ایالات بین سالهای 1993 تا 1997 اصلاحات عمیقی صورت گرفت. در حال حاضر در نیروی آماده پلیس ایالات 155871 کارمند پلیس عضویت دارند. در پهلوی این نیروها ، نیروی مرزبانی فدرال (BGS) که واحد های آماده ویژه خود را در اختیار دارد بالغ به 38500 نفر میرسد قرار دارد . این نیروی ویژه که تحت نظر وزیر داخله انجام وظیفه میکند . از جمله وظایف نیرو های مرزبانی فدرال ، حفاظت از ساختمان های خاص دولت فدرال وزارتخانه ها را به عهده دارد. به این موارد باید انجام وظایف پلیسی جهت حفظ محیط زیست، حفاظت از حمل و نقل دریایی در دریای شمال و بالتیک و همچنین به نحو روزافزونی مشارکت در مأموریت های صلح نیروهای پلیس در خارج از آلمان را اضافه کرد .

اداره جنایی فدرال

اداره جنایی فدرال وظیفه دارد به عنوان پلیس جنایی مرکزی در آلمان، مبارزه با جنایت در سطح ملی و بین‌المللی را هماهنگ سازد. به این ترتیب نحوه برخورد یک سان با جنایت تحقق می‌یابد. مهم‌ترین همکاران اداره جنایی فدرال در این زمینه 16 اداره پلیس جنایی ایالتی هستند.

اداره جنایی فدرال بعنوان مرکز مدیریت اطلاعاتی پلیس، حجم عظیمی از اطلاعات مهم وارزند را جمع‌آوری و در مبارزه با جرم و جنایت و تحلیل تحولات مجرمانه و تدوین سیاست‌های راهبردی استفاده می‌کند.

در مورد جرایم سنگین علیه امنیت داخلی آلمان، اداره جنایی فدرال با مأموریت از جانب وزیر داخله و یا قاضی القضاة مجرمان را تحت تعقیب قرار می‌دهد. حفاظت از جان اعضای ارکان دولت فدرال نیز از جمله مسئولیت‌های این اداره است، واحد‌های ویژه جنایی فدرال که متشکل از 4800 کارمند است تحت نظر وزیر داخله در پیشبرد مأموریت‌های امنیت عمومی از کمک‌های نیروهای مرزبانی فدرال برخوردار است.

قوای نظامی آلمان (بوندس وهر)

نیروهای مسلح آلمان در تاریخ 9 می 1955 بعد از عضویت جمهوری فدرال آلمان در پیمان اتلانتیک شمالی تأسیس گردید . طبق آمار دست داشته وزارت دفاع در سال 2004 حدود 267000 سرباز زن و مرد را در بر می گرفت .

قوای نظامی آلمان از رسته های زمینی ، هوایی و دریایی و همچنین دوبرخس سازمانی نیروهای مسلح و مرکز خدمات صحتی تشکیل می شود ، و در کمیت ساختاری آن در سالهای 2003 شامل 285000 نیرو بود که از آنجمله حدود 202000 افراد آنرا نیروهای کادر ویا افرادی تحت قرارداد های زمانی محدود و 53000 سرباز در حال گذراندن دوره مکلفیت و 27000 آنرا نیرو های دواطلب برای گذراندن خدمت وظیفه ، تشکیل می دادند.

نمونه ساختاری کمیت افراد در قوای نظامی آلمان فدرال در آغاز سال 2002 متشکل از 310600 سرباز بود. بر اساس فیصله مجلس فدرال کمیت این نیروی نظامی تا سال 2010 به 250000 سرباز پیش بینی گردیده است . که از آنجمله 162300 نیروهای مسلح ، و 62700 نیروهای هوایی و 25000 سرباز را نیروهای بحری تشکیل میدهند .

(5)

در راستای همسنگی حقوقی زن و مرد ، ارتش آلمان از سال 2001 درهای خود را روی دواطلبان زن در همه رسته ها گشوده است. به این سلسله از آغاز سال 2003 ، 8365 زن در صفوف ارتش خدمت می کردند .

منشأ وظایف و مأموریت های قوای نظامی ، مأموریت و اهداف مندرج در قانون اساسی و سیاست امنیت ملی و دفاعی آلمان فدرال است. قوای نظامی آلمان فیصله ها و کارآمدی سیاست دولت فدرال را تأمین و تحقق می بخشد ، امنیت و دفاع ملی را تأمین می کند ، در حفظ ثبات در اروپا و جهان سهم دارد ، در دفاع از هم پیمانان آلمان - مشارکت می کند ، همکاری های چند ملیتی و ادغام آنها را مورد پشتیبانی قرار میدهد ، سهم صلح خواهانه خود را در دفاع از آزادی و دموکراسی در عرصه ملی و بین المللی به وجه شایسته انجام میدهد .

چنانچه از سال 1998 حدود 120000 تن از نیرو های مسلح آلمان در مأموریت های خارجی در چارچوب تأمین صلح بین المللی در منطقه و جهان شرکت نموده اند .

افزون بر این قوای نظامی آلمان در اتحاد های چند ملیتی متنوعی ادغام شده است . مانند : نیرو های مشترک دفاعی هالندی - آلمانی در مونستر ،

نیرو های مشترک اروپایی در اشتراسبورگ ، نیرو های مشترک آلمانی - دنمارکی - پولندی در استتین ، نیرو های مشترک آلمانی - فرانسوی در مولهایم ووو است.

در خصوص حفظ معیار های اخلاقی ، سربازان بعنوان شهروند کشور به جامعه خود و اطاعت از ویژگیهای طرح هدایت نفسانی قوای نظامی ، جایگاه خود را حفظ خواهند کرد. آزادی و مسئولیت نکته های اساسی سیاسی - اخلاقی طرح هدایت نفسانی و سرمشق شهروندان اونیفورم پوش است. قوای نظامی آلمان از الویت سیاست فرمانبرداری می کند. یعنی ارتشی است در دموکراسی و برای دموکراسی . نماینده مجلس فدرال آلمان در قوای نظامی عمل کرد نظارتی مهمی به عهده دارد. او بر رعایت حقوق قانونی سربازان و تحقق قانون مندرج در قانون اساسی نظارت می کند . این نماینده می تواند از تمام مراجع نظامی خواستار رؤیت اسناد شود وبدون آگاهی قبلی از کلیه جزواتم های قوای مسلح کنترل وبازدید کند .

منابع و مأخذ :

- (1) www.ifid.de/ifidsite/FAQ/Iranpour/index_iran.php - 47k
 - (2) رجوع شود به : راهبردی مفاد قانون اساسی آلمان فدرال ، ناشر: مرکز تعلیمات سیاسی بن - آلمان ، سال 1998 ، ماده 106 بند 1 - 9 ، بزبان آلمانی.
 - (3) همانجا : قانون اساسی آلمان فدرال ، ناشر: مرکز تعلیمات سیاسی بن - آلمان ، سال 1998 ، ماده 6 بند 1 تا 5 ، بزبان آلمانی .
 - (4) همانجا: ماده 91 بند 1 و ماده 35 بند 1.
 - (5) رجوع شود به :
- www.bundeswehr.de/.../delta/base64xml/L3dJdyEvd0ZNQUFzQUMvNElVRS82X0FfR1VG

قسمت سوم ساختار نظام قانونی در جمهوری فدرال آلمان

راهبردی حفظ محیط زیست در آلمان فدرال

حفاظت مؤثر از محیط زیست این آگاهی را گواست که ، مبارزه برای جلوگیری از افزایش بلایای طبیعی و صنعتی در طرح راهبردی سیاست های حمایت از صحت و سلامتی شهروندان ، تنها در فرآیند زندگی و اقتصاد بادوام ، ضمانتی برای آینده زیست خواهد بود .

حفظ محیط زیست یکی از شاخصه های مهم سیاست خارجی آلمان را تشکیل می دهد . زیرا تخریب و آلودگی محیط زیست در محدوده مرز های ملی متوقف نخواهد ماند. تخریب جنگل ها و گسترش بیابان ها ، آلودگی دریاها ، تغییرات آب و هوا، سوراخ لایه اوزون ، دارای پیامد های جهانی است. با این درک ، نگهداری محیط زیست یکی از اولویت های باارزش و وظایف تطبیقی جامعه جهانی است.

واضح است که اقتصاد سرمایه داری کشورهای صنعتی در جهان به سوخت انرژی نفت وابسته است، که مقصر اصلی سیستم گرم شدن دمای اتمسفر و زمین هستند .

بنابراین در زمینه تلاشهای جهانی برای مقابله با تغییرات آب و هوا و پاکیزه نگه داشتن محیط زیست ، سازمان ملل متحد در سال 1997 اجلاس پیمان کیوتو را در مونتريال کانادا دائر نمود .

کارشناسان هواشناسی ملل متحد در اجلاس کیوتو هشدار دادند که پیش بینی می شود که در صد سال آینده گرمای عمومی دمای اتمسفر و زمین به میزان میانگین بین 1/2 تا 6 درجه سانتیگراد نسبت به سده دوهزار افزوده خواهد شد. برخی از پژوهشگران بیشتر پدیده گرمایش زمین را ناشی از فعالیتهای کوههای آتشفشانی و خورشیدی می دانستند ولیکن امروزه اثبات شده است که مشکل افزایش آلودگی ناشی از سوزاندن بی رویه سوختهای فسیلی نفت و ذغال سنگ در فعالیتهای اقتصادی صنعتی و انسانی در جوامع، عامل اساسی و مهم ایجاد گازهایی بخصوص دی اکسید کربن، بخار آب و متان شده است، که ترکیب و غلظت طبیعی گازهای اتمسفر را تغییر داده است.

می دانید 99/9 درصد هوا را نیتروژن، بخار آب، اکسیژن و میزان ناچیزی دیگر گازها تشکیل داده است. پخش گازهای ناشی از سوخت نفتی در این ترکیب منجر می شود که لایه ای اطراف زمین را احاطه کند و با حبس گرما در جو بالای کره زمین یک موقعیت و شرایط شبیه گلخانه ای را بوجود آورد.

البته تأثیرات و عوارض افزایش دمای زمین بسیار فاجعه آور است. برهم خوردن تعادلهای زیست محیطی، اختلال در روند بارش باران، از دیاد سیل و توفانها و گردابههای استوایی، بیابانی شدن مزارع حاصلخیز زراعتی، ذوب شدن کوههای یخی و یخچالها در مناطق قطب شمال، افزایش سطح آب دریاها و اقیانوسها، گسترش بیماریهای زیست محیطی، عفونی و

واگیر دار، و هم چنین مرگ و میر وسیع جانوران، گیاهان و حیات وحش و دیگر معضلات و مصائب زیست محیطی که طبیعتاً اصلی ترین و مهمترین قربانیان آن نیز در وهله اول فقیرترین مردم کشورهای جهان و نهایتاً تمامی بشریت و نسلهای آینده در کره زمین می باشند.

جهان متأسفانه شاهد خسارات عظیم وارده سال 2004 «سونامی» به مردم، مناطق مسکونی و منابع طبیعی و اقتصادی کشورهای حاشیه نشین در اقیانوس هند بوده است. طبق اذعان دانشمندان مهمترین دلایل و عوامل بروز طوفانهای سال 2005 در آمریکا را ناشی از میزان مصرف انرژی و دگرگونیهای سریع جوی کره زمین در دهه های گذشته دانسته اند.

آمریکا بزرگترین مصرف کننده سوخت فسیلی و تولید کننده میزان 36 % گازهای گلخانه ای (آلاینده) جهان است، متأسفانه در سال 2001 از پیمان کیوتو خارج شد. ولی متعاقباً روسیه با درک اهمیت مفاد پیمان کیوتو، که ضمناً تولید کننده 17 % از گازهای گلخانه ای جهان است، با تصویب پارلمانی وارد این پیمان گردید.

کشورهای اروپایی که مجموعاً 23 % گازهای آلاینده (گلخانه ای) را تولید می کنند، قصد کرده بودند که تا سال 2012 حدوداً 8 % گازهای گلخانه ای خود را نسبت به سال 1990 کاهش دهند،

که بنابر اظهارات کارشناسان، اروپاییان تا سال 2012 تنها قادر خواهند بود، نیم درصد از تعهدات فوق را عملی کنند. در هر صورت هم اکنون کشور چین 12 % و ایران 1/3 % مجموع گازهای گلخانه ای جهان را تولید می کنند. با ابراز درد باید گفت که تاکنون، آمریکا، چین، هندوستان، عربستان، برازیل، مکزیکو، استرالیا به پیمان کیوتو ملحق نشده اند و با اجرای آن مخالفت می ورزند.

تولید کنندگان گازهای آلاینده در جهان از اینقرار است:

- 1- امریکا : 36 %
- 2- اروپا : 23 %
- 3- روسیه : 17 %
- 4- چین : 12 %
- 5- ایران : 1/3 %
- 6- باقی کشور های جهان کمتر از 11 %

آلمان فدرال تحت چنین الگویی ، بگونه فعال و همه جانبه در مذاکرات و اجرای معاهدات بین المللی و تدارک کنفرانسها جهت حفظ محیط زیست مشارکت فعال دارد. از جمله اقدامات عملی آن در این استقامت ، شرکت عملیش در کنفرانس های محیط زیست و توسعه در : ریودوژانیرو و 14 جون 1992 (1) ، و کنفرانس جهانی سران برای توسعه پایدار در یوهانسبورگ 2002 ، تدویر کنفرانس منابع جدید انرژی سال 2004 ، که بهمت وزارت محیط زیست در « بن » تشکیل شده بود را میتوان نام برد.

کنفرانس مذکور با موفقیت کامل در زمینه همکاری کشور های مختلف برای حفظ محیط زیست به پایان رسید.

شرکت کنندگان این کنفرانس از آلمان بعنوان کشور پیشتناز در تطبیق راهبرد سیاست حفظ محیط زیست در جهان تقدیر و اعلام کردند که 13 فیصد انرژی در آلمان از طریق منابع جدید چون استفاده از نیروی باد و خورشید تأمین میشود.

گر هارد شرودر صدر اعظم سابق آلمان در این کنفرانس گفت : باید منابع جدید انرژی توسعه یابند تا کشور ها را از نفت بی نیاز کنند. با اجرای طرحهای جدید تا سال 2015 يك میلیارد انسان از منابع غیر نفتی استفاده خواهند کرد. منبع جدید انرژی سهم بزرگی در کمک به کشورهای در حال توسعه برای رفاه مردم این مناطق دارد.

دولت آلمان اعلام کرد که 500 میلیون یورو بصورت وام به کشورهای در حال توسعه برای تولید انرژی جدید پرداخت خواهد کرد. هم چنین بانک جهانی حاضر شد تا 6 سال دیگر 400 میلیون یورو به صورت وام در اختیار این کشورها قرار دهد. طبق آمار کمیته انرژی اتحادیه اروپا، تنها پرداخت کمک درآمد (سوبسید) برای تولید ذغال سنگ 29 میلیارد یورو در سال است که آنرا میتوان برای تحقیقات و تولید منابع جدید انرژی پرداخت کرد. (2)

حفاظت از آب و هوا

آلمان فدرال برای تضمین حیات نسل های آینده و تأمین شرایط آب و هوای پاک و ثابت برای زیست ، حفظ تنوع موجودات در طبیعت ، تقویة حاصل خیزی زمین و کافی بودن منابع آبی - با توجه به منابع زیست محیطی محدود مانند انرژی ، مواد خام ، زمین و آب صرفه جویانه برخورد می کند .

برای تحول مستدام در زمینه حفاظت از طبیعت و تداوم تنوع آن ، در آلمان نزدیک به 5000 منطقه سرسبز طبیعی حفاظت شده وجود دارد که 2/3 % از مساحت کشور را تشکیل می دهند ، که بر اصل توجه استفاده بری از روش های منطبق بر حفظ محیط زیست استوار است .

یکی از رویکرد های راهبرد سیاست زیست محیطی آلمان ، حفظ شرایط صحتی آب و هوا است . دولت فدرال به تعهدات بین المللی خود در زمینه کاهش گاز های آلاینده در چارچوب معاهده کیوتو، پایبند است. براساس پیش بینی های دولت میزان این آلاینده ها بین سال های 1990 تا دوره زمانی 2008 تا 2012 ، 21 % بایست کاهش یابد. چنانچه تا سال 2002 کاهشی معادل 19 % که منابع ایجاد آلاینده های منوکسید کربن را شامل می شود ، حاصل شده است . در این کاهش افزون بر بخش تولید انرژی و بخش خصوصی اقتصاد ، ساختمان ها ، منازل و حمل و نقل سهم بوده اند.

استفاده از انرژی های تجدید شونده و گسترش شبکه متصل گرما - انرژی ، از طرف دولت مورد حمایت قرار گرفته و پیش بینی شده بود که تا سال 2005 میزان گاز منوکسید کربن تا 10 میلیون تن کاهش یابد. با استفاده از این سیاست تنها در سال های 2002 و 2003 تأسیسات جدیدی برای استفاده از انرژی باد به قدرت 5891 مگاوات نصب شده است. برای تحقق این اهداف دولت فدرال تا سال 2005 به میزان یک میلیارد یورو منابع مالی را بمصرف گذاشته است.

مسلم است که هوای آلمان توسط صنایع ، حمل و نقل عراده جات ، تأسیسات حرارتی ساختمان ها و نیروگاهها در معرض آلودگی قرار

دارد؛ که این آلودگی تأثیرات ویژه ای را در تخریب جنگل ها و بر آثار هنری نشان می دهد.

دولت آلمان جهت جلوگیری از آلودگی هوا برنامه علمی را تدوین نموده که طبق آن، آلاینده هایی که از طریق نیروگاه ها و واحدهای بزرگ تولید گرما و گردش عراده جات وارد هوا می شوند، با نصب فیلتر و کاتالیزاتور به گونه ای مؤثر کاهش خواهند یافت.

میزان آلودگی هوا از سال 1990 در مورد دی اکسید گوگرد تا 85% و هیدروکربن های فرار (VOC) تا 50% کاهش یافته است. در اواسط ماه مارچ 2003 دولت فدرال برنامه ای ملی و گسترده را جهت کاهش باز هم بیش تر آلاینده هایی نظیر دی اکسید گوگرد، اکسید ازت (از میان 7 اکسید مختلف ازت، آنچه در آلودگی هوا اهمیت دارد NO و NO₂ از نظر سلامت انسان و N₂O به عنوان گاز گلخانه در گرمایش زمین می باشند.)، آمونیاک و VOC ارائه داد.

مبارزه در مقابل آلودگی صوتی

آلودگی صوتی برای شهروندان آلمان به ویژه در مناطق متراکم به فشار شدیدی تبدیل شده است. از این رو مبارزه علیه آلودگی صوتی یکی از اولویت هایی تطبیقی وظایف دولت را تشکیل می دهد. طرح برنامه ریزی در مناطق مسکونی، حمل و نقل تأسیسات صنعتی، ایجاد مناطق کم رفت

وآمد نظیر تعیین مقررات جدید برای سرو صدای عراده جات ، آسفالت های کاهش دهنده صدا ویا ساخت هوا پیمایهای کم صدا ، مؤلفه هایست در خدمت مقابله با آلودگی صوتی .

با معیار های پسندیده وابسته به حفاظت در برابر سروصدای ماشین آلات و دستگاه ها مصوب سپتامبر 2002 ، فهریت 57 دستگاه مختلف تدوین شده است که میزان تولید صدای آنها نباید از مرز معینی فراتر رود .

از جمله این ماشین آلات، مخلوطکننده های بتون، چکشهای هیدرولیکی، بونکرهای بتون، عراده جات ویژه نظافت خیابانها، اره های برقی و همچنین دستگاههای جمع آوری برگهای خشک با باد و دستگاههای چمن زنی هستند. براساس اقدامات تازه دولت از سال جاری 2006 باید میزان تولید صدای این نوع ماشین آلات پر سروصدا، کاهش بیشتری یابد.

زباله

مردم آلمان در سال های 1980 از این وحشت داشتند که ممکن در آتیۀ قریب در طی انبار زباله ها خفه شوند. محل های دفن زباله لبریز شده بودند و تأسیسات کمی برای سوزاندن زباله وجود داشت .

دولت با ابتکار انجمن های شهروندی رهرفتی را مبنی بر تصویب معیار هایی در مورد نحوه از بین بردن زباله های مختلف ، کاهش آلاینده های حاصل از سوزاندن زباله و دفن آنها را ، انتخاب کرد. دولت آلمان در همسویی تحقق مفاد قانون اساسی ، در این دوره 26 سال اخیر ، برای دفع زباله با توجه به معیار های زیست محیطی ، میلیارد ها یورو سرمایه گذاری کرده است.

رویکرد های نوین سیاست حفظ محیط زیست بدین باورست که دفع مطمئن زباله کافی نیست و زباله باید به مثابه منبع جدید مورد بهره برداری قرار گیرد. وزارت محیط زیست در سال 1991 مقررات بسته بندی را تنظیم و به اجرا گذاشت. بدین ترتیب برای اولین بار فروشندگان قانوناً موظف به تحویل گرفتن بسته بندی های مصرف شده گردیدند . که بنام « ساختار دوگانه نقطه سبز» یاد می شود. این ساختار در سال 1992 به اجرا گذاشته شد و تاکنون زیاده از 36 میلیون تن بسته بندی بصورت جداگانه جمع آوری و جهت بازیافت ارایه گردیده است . آلمان سعی دارد با تحقق برنامه های مختلف میزان زباله را کاهش دهد و یا با حفظ جنبه های زیست محیطی استفاده هدفمند نماید. قانون اقتصاد بازیافت و دفع زباله در سال 1996 این امر را امکان پذیر ساخت .

رودخانه ها

کیفیت رودخانه‌های آلمان در سال‌های اخیر با تصویب مقررات متعدد در مورد نحوه هدایت فاضلاب‌ها، به نحو مؤثری بهبود یافته است. از جمله وجود مواد آلاینده در فاضلاب‌ها در 50 رشته مختلف تولیدی محدود شده‌اند. علاوه بر این برای روانه ساختن فاضلاب به رودخانه‌ها عوارضی پیش‌بینی شده که برای حفاظت از رودخانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این اقدامات باعث گسترش نصب دستگاه‌های تصفیه و استفاده از روش‌هایی برای تولید در صنایع شد که فاضلاب کمتری ایجاد می‌کند.

به این ترتیب آلودگی بسیاری از رودخانه‌ها مانند: (راین، ماین و البه) به نحو چشمگیری کم شد و تعداد انواع آبزیان در آن‌ها افزایش یافت. در آخرین بررسی‌ها، در رودخانه راین بین سال‌های 1996 تا 2000، بار دیگر 63 نوع ماهی شناسایی شد. بین سال‌های 1951 تا 1975 این تعداد به 23 نوع ماهی کاهش یافته بود. از برنامه‌های مرکزی برای حفاظت از رودخانه‌ها، کاهش باز هم بیش‌تر آلاینده‌هایی است که به صورت پراکنده و به گونه کل بوسیله فعالیت‌های زراعتی و بهبود ترکیب آلی رودخانه‌ها وارد آن‌ها می‌شوند. این اقدامات به ویژه در خدمت اجرای خط مشی اتحادیه اروپا در مورد منابع آبی قرار دارند.

مشکل دیگری ای که در بازشناختی سیاست حفظ محیط زیست مورد توجه کشور آلمان قرار دارد ، بمقیاس کل افزایش آب رودخانه ها در نتیجه افزایش CO2 است . بررسی هایی علمی اروپا و مجاری منابع وزارت محیط زیست حاکی از آنست که افزایش CO2 اتمسفر منجر به افزایش آب رودخانه ها می شود .

چنانچه که گفته آمدیم ، مقدار اضافی « دی اکسیدکربن » موجود در جو ، حاصل سوزاندن سوخت های فسیلی است. از اینرو افزایش غلظت این گاز باعث گرم شدن اتمسفر می شود. البته این موضوع باعث می شود که گیاهان راحت تر این گاز را جذب کرده و از طریق فتوسنتز به بافت های گیاهی تبدیل کنند و برای این فرآیند از رطوبت کمتری بهره جویند.

تحقیقات اخیر واضح می سازد که گیاهان موجود در جهان به دلیل افزایش مقدار « دی اکسید کربن » به آب کمتری برای رشد نیاز دارند. نتایج این تحقیق جدید بیانگر آن است که مقدار آب رودخانه ها شدیداً افزایش خواهد یافت و ریسک جاری شدن سیل بیشتر خواهد شد. « نیکولا جدنی » از مرکز پیشگویی و تحقیق آب و هوای هادلی در انگلستان مسئول این تحقیق بوده است و در این باره اظهار می دارد که " ما فکر می کنیم که این موضوع باعث می شود سالانه 2000 کیلو متر مکعب به روان آب های جهان اضافه شود که این عدد نسبتاً زیادی است " .

سالانه در رودخانه های جهان حدود 40 هزار کیلومتر مکعب آب جریان می یابد و این رقمی است که طی قرن بیستم حدود 3 % افزایش داشته است. تاکنون اکثر محققین این تقصیر را بر گردن تغییرات آب و هوا انداخته اند.

« نیکولا جدنی » (3) در مصاحبه خود اظهار داشته است که " تغییرات آب و هوا به خودی خود باعث کاهش مقداری از روان آب ها خواهد شد ولی تاثیر دی اکسیدکربن روی گیاهان باعث افزایش حدود 5 % روان آب ها می شود. " حال اگر این دو موضوع را با یکدیگر ترکیب کنیم می توان افزایش حدود 3 % را مشاهده کرد که این با الگوهای منطقه ای همخوانی دارد. « پیتر کاکس » از مرکز اکولوژی و هیدرولوژی وینفریت انگلستان می گوید که " این برای اولین بار است که اثر دی اکسیدکربن بر روی گیاهان در مقیاس های بزرگ مورد بررسی قرار می گیرد".

منابع و مأخذ

(1) کتاب سده بیستم (1900 - 1999) ، مؤلف : یوهانس ایبرت و اندریاس شمت ، انتشارات : مطبعة (آی - دی - آی - سه) آلمان ، سال 1999 میلادی ، ص 1156.

و - 114k - didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=9742

(2) - 26k www.nimrooz.com/html/788/germany.htm

(3) رجوع شود به info@sharghnewspaper.com ، New ، scientist,15Feb.2006 ، ترجمه از : عبدالله مصطفایی ، وابسته به روزنامه شرق.

قسمت چهارم - ساختار نظام قانونی در جمهوری فدرال آلمان

نظام اقتصادی آلمان

هدف کلی سیاست اقتصادی در آلمان فدرال تثبیت قیمت‌ها، تضمین اشتغال بیشتر، حفظ تعادل در تجارت خارجی و تضمین رشد مستمر و متناسب در اقتصاد است.

وظیفه اساسی سیاست اقتصادی کماکان کاهش بیکاری است. ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و مطمئن تنها از راه سرمایه‌گذاری و نوآوری امکان پذیر است.

با چشم انداز عینی از نظام اقتصادی آلمان، باید اقرار کرد که این کشور از پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی در جهان است.

ویژگی زیر ساخت‌های اقتصادی آلمان عبارت اند از وجود شرکت‌های مدرن و دارای توان رقابت بین‌المللی، توانمندی بالا در عرصه تحقیقات و توسعه و میزان بالایی از آرامش اجتماعی که بدلیل وجود کارکرد مشارکت متوازن میان اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایان حاصل شده است.

میزان تولید ناخالص داخلی در سال 2003 بالغ بر 2130 میلیارد یورو بود. بدین مناسبت آلمان افزون بر مجموع بازدهی اقتصادی خود، بعنوان سومین اقتصاد ملی قدرتمند جهان نقش پیشرونده در عرصه بین‌المللی داشته و در تجارت جهانی با توجه به میزان صادرات آن در جایگاه اول ایستاده است.

هدف از راه جو اقتصادی آلمان اصلاح نظام تأمین اجتماعی و اصلاح ساختار بازار کار ، کاهش هزینه های جانبی دستمزد و تحرک و تکامل بیشتر اقتصاد است. و در عرصه داخلی سیاست راه جو اقتصادی آلمان با تحول مناسب در زمینه قیمت ها و هزینه های تولید روبرو است و از فضای اجتماعی با ثباتی سود می برد.

یکی از مزیت های آلمان در عرصه اقتصادی ، بهره داشتن از کارگران متخصصی است که می توانند در بخش های مختلف به کار گمارده شوند. براساس آخرین سرشماری ها، 84 درصد از کارآفرینان در آلمان دارای مدرک آموزش حرفه ای هستند و 16 درصد آنان یا یک مکتب حرفه ای را به پایان رسانده اند و یا دارای تحصیلات عالی هستند. نظام آموزش دوگانه در کارگاه و مدرسه، به عنوان نظام موفق و کارا اعتبار خود را حفظ کرده است .

از سوی دیگر جهت گیری بین المللی حیات اقتصادی در آلمان با کمتر کشور بزرگ صنعتی در جهان قابل مقایسه است. شرکت های آلمانی تقریباً یک سوم درآمد خود را از محل صادرات کسب می کنند و از هر چهار شغل ، یکی به تجارت خارجی وابسته است.

تجارت و سرمایه گذاری

سهام آلمان از تجارت جهانی 5 / 10 در صد است . حتا این سهم در سال 2003 از ایالات متحده آمریکا پیشی گرفت و به این ترتیب « قهرمان جهان در تجارت » شد .

مهمترین شرکای تجارت خارجی آلمان کشورهای صنعتی غرب هستند . بیش از نیمی از عایدات حاصل از تجارت خارجی از این کشورها به دست می آید . در سال 2003 کشور فرانسه از مهمترین شریک تجاری آلمان بوده است .

در عرصه واردات، هالند و آمریکا جایگاههای اول را اشغال می کنند. مهمترین خریدار خدمات آلمان بعد از فرانسه، آمریکا و انگلستان بوده اند. علل رشد نشانه های بارز توان رقابت بالا شرکت های آلمان در عرصه ملی و بین المللی ، مازاد تجارت خارجی است . این مازاد از 11 میلیارد یورو در سال 1999 به حدود 130 میلیارد یورو در سال 2003 رسید و در مقابل حدود 532 میلیارد یورو واردات ، کالاها و خدماتی به ارزش

661 میلیارد یورو صادر شد. بدین سلسله در سال های بعد از 2001 عمل کرد اقتصاد آلمان افزایش ارقام مثبتی را بنمایش میگذارد. در سال 2003 کالاهایی به ارزش 56/5 میلیارد یورو از آلمان به کشور هایی که به تازگی به اتحادیه اروپا ملحق شده اند صادر شد و کالاهایی به ارزش 57/3 میلیارد یورو از این کشور ها وارد گردید. امروز موقعیت اقتصادی در عرصه جهانی کاملاً تغییر کرده است. البته هنوز سرمایه‌گذاری های آلمان در خارج بیش از سرمایه‌گذاری های مستقیم خارجی در آلمان است، ولی این امر برای کشوری با صادرات قوی کاملاً عادی است. بالاخره سرمایه‌گذاری در خارج برای دست یافتن به بازارهای جدید و یا گسترش امکانات توزیع و خدمات پس از فروش ضروری است. مهم تر این است که نحوه تحول سالانه ورود سرمایه از خارج به آلمان را، بین سال‌های 1992 تا 2002 ، مدنظر قرار دهیم. خارجیان تنها در سال 2002 بیش از مجموع سال‌های 1990 تا 1997 نزدیک به 35 میلیارد یورو در آلمان سرمایه‌گذاری کردند. در چهار سال 1998 - 2002 ، یعنی بدون در نظر گرفتن تملک شرکت « مانسمان توسط ودافن » Vodafone در سال 2000 ، که رقم سرمایه‌گذاری خارجی در آلمان به بیش از 220 میلیارد یورو افزایش داد ، خارجیان

153 میلیارد یورو در آلمان سرمایه‌گذاری کردند. این مقدار افزایش سه برابر سرمایه‌گذاری خارجی را در دوره پنج ساله قبل نشان می‌دهد. براساس مطالعات مؤسسه بین‌المللی مدیریت (IMD)، آلمان از نظر جذب سرمایه‌گذاری خارجی بعد از آمریکا در جایگاه دوم قرار دارد. در نتیجه ورود گسترده سرمایه به آلمان، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی از آغاز دهه 90 میلادی، از حدود 100 میلیارد یورو به 280 میلیارد یورو در سال 2000 افزایش یافت و به این ترتیب تقریباً سه برابر شد، تداوم افزایش میزان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم آلمان در خارج در سالهای بعد از 2000 از حدود 150 میلیارد یورو به 570 میلیارد یورو رسید، یعنی تقریباً چهار برابر شد، که بیش‌تر جهت دست یافتن به بازارهای جدید بود.

مقام مسئول سرمایه‌گذاری خارجی در دولت فدرال آلمان، اراییه مشاوره به سرمایه‌گذاران خارجی را به عهده دارد.

سیاست اقتصادی آلمان به ارزش آموزه جهانی شدن اقتصاد پی برده و خود را با آن وفق داده است، زیرا سرمایه‌گذاری‌های خارجی هم چنین باعث امنیت اشتغال می‌شوند. به سبب درک هنجارهای جهانی سازی اقتصاد شرکت‌های آلمانی قریب 4 میلیون شغل در سراسر جهان ایجاد کرده‌اند. این سرمایه‌گذاری‌ها بر اشتغال در داخل کشور نیز تأثیر مثبت دارند.

بر اساس تخمین‌هایی به ازای هر سه شغل در خارج، یک فرصت شغلی در آلمان تثبیت می‌شود. همگون بر این، کشور آلمان در فرآیند تحقق مستدام سیاست سرمایه‌گذاری‌ها بر اشتغال در خارج، با ایجاد 16 میلیون شغل در سراسر جهان، برای همیشه مشکل بیکاری شهروندانش را منتفی خواهد ساخت.

افزایش کیفیت در صنایع، به ویژه در ماشین‌سازی، عراده جات، الکتروتکنیک و صنایع شیمیایی بوده است. اما رشته‌های جدیدتر مانند فناوری بیولوژیک نیز در تولید این کیفیت سهم داشته‌اند. به علاوه صنایع آلمان موفق شدند به خصوص در مقایسه‌ای اروپایی، در مهم‌ترین بخش‌ها، موقعیت قوی خود را گسترش بیشتری دهند. به این ترتیب بین سال‌های 1995 تا 2001 سهم آلمان در تولید اتحادیه اروپا در صنایع عراده جات از 48/2 درصد به 52/6 درصد، در صنایع ماشین‌سازی از 3/42 به 4/44 درصد و در زمینه تولید ماشین‌های اداری و دستگاه‌های داده پردازشی اطلاعات از 9/24 درصد به 7/29 درصد رسید.

تحقیق توسعه و اختراعات

در عرصه تحقیق و توسعه و اختراع، آلمان در جهان از جایگاه قدرت مند برخوردار است. در این زمینه، نقش فعال شرکت‌های بزرگ تولیدی قابل ستایش است.

هزینه های این شرکت ها برای تحقیق و توسعه و اختراع در سال های پسین افزایش قابل ملاحظه داشته و علی رغم وضعیت مشکل اقتصادی 1995 تا 2003 از قریب 10 میلیارد یورو به 36 / 8 میلیارد یورو افزایش یافته است.

از سال 1997 به این سو، در بخش های اقتصادی که فعالیت گسترده تحقیقاتی داشته اند، 90 هزار فرصت شغلی جدید ایجاد شده است. بین سال های 1998 تا 2000 در بخش هایی از خدمات که نیازمند دانش گسترده تری بوده است، حدود 400 هزار فرصت شغلی جدید ایجاد شده است. صنایع تولید عراده جات در عرصه تحقیق و توسعه جایگاه مهمی را اشغال می کنند. این صنایع در سال 2003 با 17/73 میلیارد یورو، پرداخت 40 درصد از هزینه های تحقیق و توسعه در صنایع را به عهده داشت. پس از آن صنایع الکترونیک با 20 درصد و صنایع شیمیایی با حدود 17 درصد قرار داشتند.

از نشانه های مهم برای تشخیص توان بالای اقتصاد آلمان در زمینه تحقیق و توسعه، تحولات در عرصه ثبت اختراعات است. کارآمدی تحقیق، که براساس تعداد اختراعات ثبت شده به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت محاسبه می شود، طبق آمار اداره ثبت اختراعات اروپا از سال 1991 از

145 به 301 در سال 2002 افزایش یافته است. به موازات آن تعداد اختراعات ثبت شده از آلمان در اداره ثبت اختراعات اروپا به 22701 مورد در سال 2003 افزایش یافت. این رقم برابر با 19/47 درصد کلیه تقاضاهای ثبت اختراع در این اداره بوده است. به این ترتیب آلمان قهرمان اروپا در زمینه ثبت اختراع و در مقایسه ای جهانی در مرتبه دوم قرار دارد. در ثبت سه‌گانه اختراعات، یعنی اختراعاتی که در اروپا، امریکا و جاپان به ثبت می‌رسند، نیز آلمان همان میزان از تلاش برای تحقیق را نشان میدهد که امریکا از آن برخوردار بوده است.

در قانون اساسی آلمان نظام اقتصادی معینی پیش‌بینی نشده است. ولی در این قانون يك اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد ناب، با تثبیت اصل دولت اجتماعی، محدود شده است. محدودیت نیروهای بازار با اقدامات اجتماعی، ضامن حفظ اقتصاد اجتماعی بازار بوده است که چارچوب اقتصادی این کشور را از نیمه قرن گذشته تشکیل می‌دهد.

اقتصاد اجتماعی بازار

پدر اقتصاد اجتماعی بازار و معجزه اقتصادی آلمان و شکوفایی آن بعد از جنگ جهانی دوم «لودویگ ار هارد (1)» بود.

او اولین وزیر اقتصاد جمهوری فدرال آلمان و بعد از آن در سال های (1963 - 1966) مدتی صدراعظم بود. شایستگی اندیشه او این بود که طرح « اقتصاد اجتماعی بازار » را ارائه و در نظام اقتصادی مشخصی در آلمان غربی پیاده کرد .

براساس این طرح می بایستی فعالیت آزادانه نیروها در بازار امکان پذیر شود ، زیرا امکانات مصرف را افزایش داده ، عرضه کنندگان کالا را به نوآوری و پیشرفت های فنی تشویق می کند و درآمد و سود را براساس توانایی فردی تقسیم می کند . چنین نظام اقتصادی مطروحه مانع تراکم قدرت در بازار می شود . اولویت های دولت ایجاد زیرساخت هایی برای یک رقابت فعال است که تا توانایی و آمادگی پذیرش مسئولیت اعمال را در انسان ها بالا برده و استقلال آنان را افزایش دهد. دولت نباید اقتصاد و جامعه را با مالیات و عوارض تحت فشار قرار دهد و همکاری متعادل این دو نیرو را فلج کند .

دردولت فدرال آلمان طی مدتی طولانی یک نظام تأمین اجتماعی برای مقابله با دشواری های ناشی از بیکاری ، عدم توانایی کار و اشتغال ، حوادث ، بیماری ، پیری و خدمات صحتی و سایر عوارض احتمالی اجتماعی ایجاد شده است. بر اثر همکاری شرکای اجتماعی (کار آفرینان و کافرمایان) است که در نظام اجتماعی آلمان حق پرداخت : بیمه تقاعد ، بیماری ، نگهداری و سرپرستی و بیکاری بطورمتساوی تأمین و تادیه میگردد .

همکاری مشارکت‌آمیز اتحادیه های کارگری و کارفرمایان همچنین با تعیین نحوه حل اختلافات در چارچوب يك قانون کار جمعی نهادینه شده است. قانون اساسی آلمان در ماده نهم (2) خود استقلال برای تعیین تعرفه‌ها، یعنی حق شرکای اجتماعی برای تعیین شرایط کار با مسئولیت و توسط خود آنان را تأمین کرده است.

در قانون انعقاد قرارداد تعرفه و قانون نظام درونی کارگاه، که هر دو بوسیله خود کارآفرینان و کارفرمایان تدوین شده‌اند، نظام کار در کارگاه و مسایل وابسته با آن تعیین شده است.

امتیازات دیگر آلمان نسبت با سایر کشور ها وجود زیرساخت سامانه های حمل و نقل شبکه جاده ها و راه آهن و سیستم مخابراتی بسیار با اطمینان است.

استفاده از مدرن ترین فناوری ها ، باعث ازدیاد سرمایه گذاری در زمینه توسعه زیر ساخت ها شده است . در سال 2004 بیش از نیمی از جمعیت آلمان از اینترنت استفاده می کردند و حدود دو سوم آنان تلفن همراه در اختیار داشتند.

پیشرفت قابل ستایش سیاست « اقتصاد اجتماعی بازار » آلمان با لیبرالیزه کردن بخش مخابرات ، تأمین انرژی و برق و گاز بوده است . آلمان با اقدامات سنجیده بازار های خود را با سرعت زیاد گشوده و از این جهت پیشگامی خود را در عرصه بین المللی و اروپا حفظ کرده است. این سیاست باعث سرفه جویی در هزینه ها در مجموعه اقتصاد شده است .

در ساختار سیستم اقتصاد اجتماعی بازار دولت فدرال، اتحادیه سندیکا‌های آلمان (3) (DGB) از بزرگترین تشکیلات اتحادیه‌های کارگری می‌باشد که در پایان سال 2002 حدود 7/7 میلیون عضو داشته است. سندیکا‌های آلمان از نظر حزبی و مذهبی بیطرف اند و عضویت به آنها رضا کارانه است.

مشارکت کارآفرینان در تصمیمات مربوط به کارگاه موافق به ماده نهم قانون اساسی از جمله ستون‌های اصلی نظام اقتصادی آلمان است. قانون مقررات کارگاه، که در سال 2001 اصلاح شد، نحوه همکاری بین کارکنان، شورای کارگاه، سندیکاها و اتحادیه‌های کارفرمایان را تنظیم می‌کند.

هدف از این قانون مشارکت شورای کارگاه، به نمایندگی از جانب کارکنان، در تصمیمات مربوط به کارگاه است. در کانون حقوق مربوط به مشارکت در تصمیم‌گیری، مسایل مربوط به ساعت کار، سازمان‌دهی کار و نحوه تقسیم مشاغل در کارگاه قرار دارد.

در یکی از مقررات مهم مربوط به مشارکت در تصمیم‌گیری پیش‌بینی شده است که کارفرما قبل از اخراج هر یک از کارکنان، باید نظر شورای کارگاه را جویا شود. چنانچه این امر صورت نگیرد، اخراج غیرقانونی است.

از جمله وظایف شورای کارگاه نظارت بر رعایت قوانین و مقررات مربوط به کارآفرینان، مقررات وابسته به جلوگیری از بروز حوادث ناشی از کار، اجرای قراردادهای تعرفه و تصمیم‌های اتخاذ شده در کارگاه است.

یکی از ویژگی‌هایی برای سنجش میزان کار آفرینان و وجو خوب ناشی از مشارکت میان اتحادیه‌سندیکاهای کارآفرینان و کافرمایان، فشار ناچیزی است که بدلیل اعتصابات کارگری و در مقایسه با سایر کشورها بر اقتصاد وارد می‌شود. در آلمان طی سالهای 1990 تا 1998 بطور میانگین به ازای هر هزار کارگر شاغل در یک رشته از صنعت یا خدمات فقط 4/8 روز کاری اعتصاب وجود داشته است. در حالیکه طی همین مدت در انگلستان 26/4، در امریکا 42/5، در دانمارک 44/6، و در ایتالیا 177/1 روز کاری بر اثر اعتصابات کارگری از بین رفته است.

منابع و مأخذ

- (1) کتاب سده بیستم (1900 - 1999) ، مؤلف : یوهانس ایبرت و اندریاس شمت ، انتشارات : مطبعة (آی - دی - آی - سه) آلمان ، سال 1999 میلادی ، ص 562 ، 623 ، 630 ، 739 ، 745 ، 747 ، 776 ، 779 ، 800 - 839.
- (2) قانون اساسی آلمان فدرال ، ناشر: مرکز تعلیمات سیاسی بن - آلمان ، سال 1998 ، ماده 9 بند 1 تا 3 ، ترتیب دهنده : نوربرت یوسف ریسی ، بزبان آلمانی .
- (3) رجوع شود به www.dgb.de : و کتاب سده بیستم (1900 - 1999) ، مؤلف : یوهانس ایبرت و اندریاس شمت ، انتشارات : مطبعة (آی - دی - آی - سه) آلمان ، سال 1999 میلادی ، ص 625.

بخش دوم :**قسمت یکم - حق به زن داده نمی شود ،
حق آن شناخته میشود**

ایراد اخلاقی : از معیارارزیابی آرمانشهر گرا محترم بشیر احمد انصاری در مورد حق شناسی زنان که در نوشتار (میان دوسنگ آسیاب) خویش به بیان گرفته اند :

هدف از طرح نقاط زیرکوشش ایست برای فراهم آوری زمینه های درک و ارزیابی راهکار های تحقیق ، درمورد حق شناختی زنان .

محور مشخصات کلی و اساسی ما در این بازبینی « حق خواستی » صرف تحلیل آن گونه های توضیحی نجابت مندی مادر است و بس .

زن در نگرش ما شایسته ترین موجود پاکیزه واجب الاحترام وپارزش معرفی میشود. رسالت و مقام مسئولیتی، آزادی ، آفرینندگی و فضیلت مندی او توجیه و تأکید میگردد. ونورپربرکت (نه حق دادی) بلکه حق داشتی « زن » همچو آفتاب به تابش گرفته میشود.

این حق ما نیست که ، حق طبیعی و اجتماعی « زنان » را برپایه اعتقادات عبدی و تفسیر های کوتاه نظرانه و کژاندیشانه غیراخلاقی بی مسؤولانه بدون احترام و ارزش شناختی بی شیر پاک مادر بدآوری بگیریم .

شناخت حق زن نه برپایه روایات و فتوهای مستور و گنگ ، بل براساس داده های روشن اندیشی معرفت نوین علمی با توجه به اصل تعادل حقوق عینی انسانی مورد پژوهش قرار گیرد.

وبایست باتوانایی خرد درحمایت از اصول بیداری دگردوستی ، نوعی ارزیابی تازه را ایجاد کرد .

با معیار های اخلاقی و نیاز زمان ، در راستای تکامل حقوق شهروندی از مقام و منزلت « زن » حمایت عقلی نمود . توانایی های او را با حُسن انسانگرایی برای سامان دادن حیات آبرومند و پایان دادن به وضع رقت باریکه « زن » قرن ها از آن رنج کشیده است ، به کار گرفت.

جناب محترم بشیر احمد انصاری هموطن گرامی مؤلف کتاب « افغانستان درآتش نفت » ، این جانب در شماره 683 هفته نامه عینی گرایی امید نوشته تحت عنوان « میان دوسنگ آسیاب » شما را مطالعه کردم . در این نوشتار بار دیگر شیوه نگرش شما در مقام گردآوری متون دینی و در مقام داوری از مباحث حقوق داشتنی زنان در حوزه دینی با یک اصول پنداری و اعتقادی محض همگون به مقالات پیشین شما به بیان گرفته شده است.

قسمیکه در گذشته از خواندن کتاب پربار فوق الذکر شما خیلی خوشم آمده بود و به این چشمدید و اشتیاق یک و چند نوشتار شما در مورد حقوق شناسی جایگاه زن در اسلام را نیز از نظر گذشتاندم . دریافتم که اکثر خطوط پنداری و داوری شما در مورد تعیین و اندازه گیری حدود حق داشتنی « زن » به نظرم نا مفهوم جلوه مینماید . ازینکه مجال بررسی به همه پرسش های مطرح شده در ابعاد وسیع جایش اینجا نیست .

تلاش این است که برخی ابعاد مسئله ، محترمانه با هوای احترام داری به مقام شنایسته و والای زن مورد توجه جدی قرار گیرد . جناب شما که در جریان بحث نوشتاری جهت ثبوت مواضع اندیشه یی خویش جوابی به محترم داکتر انصاری مطرح می نمائید بیشتر محصور در حوزه مباحث کلی دینی است من با آن بحث ایشان کاری ندارم . اما در رهیافت مبتنی بر تفکر حق شناسی زنان ، ایراد گزاره های تحلیلی را جهت روشنایی مسئله ، حضور شما ارائه منماید و عبارت اند از : یکم - شما با بیان اعتقادی خویش در مورد حق و حقوق زن در این نوشته مینوسید که :

کتک زدن زن مربوط به زنانی است که دارای طبیعت کژ اند. در این موقعیت شما با اظهار دو کلمه (زدن زن و طبیعت کژ او) به مقام ملکوتی زن و مادر آشکارا بدون ارجگذاری و حرمت مداری توهین و تحقیر مینمائید.

چراکه از دید ارزش شناختی، حق «زن» یعنی حق مادر، هیچ کسی حق ندارد که حتا بابرگه گل گلاب به روی مادر عزیز خود بی حرمتی کند.

در مورد طبیعت کژزن باید گفت که زیاده تر از زنان، مردان دارای طبیعت کژ میباشند. شما چرا این حق کتک زدن مردان کژ طبیعت را به زنان ارزانی نه می فرمائید. و شما با این موضع گیری نامتعادل حقوق انسانی مقام مرد را بالا میبرید و به ضربه قمچین طالب نماها نیرو میبخشید و در مقابل شخصیت متعالی زن را در مرتبه پستی قرار می دهید و آنرا بی جان ساخته مسخ میکنید و با رضایت خاطر به ملکیت مرد تبدیل مینمائید.

دوم - در ورای گفتار با استفاده از برداشت های دینی خویش و با شیوه های بعاریت گیری حمایت روانکاوان چند دانشمند امروز، اذعان میکنید که جمعی از زنان دارای حالتی بنام (آزارطلبی) هستند و گاه که این حالت در آنها تشدید میشود تنها راه آنان تنبیه مختصر بدنی ست، ...

کلمه آزارطلبی رابطه تنگاتنگ با افسردگی های روانی و کجروی های خلقی و کرداری شخص دارد که بروز چنین حالت آزارطلبی و ناهمگونی اختلالات روحی و روانی مختص زنان نبوده بلکه وابسته به معیارهای مادی و معنوی حیات بیمار و تأثیرگذاری بر وی از راه فشار قوانین جبر جامعه، و زیست اجتماعی بوجود می آید. خوشبختانه تداوی و درمان چنین افراد بیمار در جوامع پیشرفته با اصول و روش های صلح آمیز انسانی صورت می پذیرد و شفا یاب میگردند. نه با تنبیه و تازیانه های شیوه زشت انگاره های آرمانشهرگرا .

سوم - به ادامه آن نگاشته اید که : ... برمبنای اقوال اکثریت مطلق مفسران محدثان و فقهای دینی ، زدن زن باید با مسواک باشد و آنها آهسته ، ملایم و خفیف . جای بس تأسف است که شخصیت عاقلی مانند شما با همه باور ها ، تافته ها و بافته ها و برداشت هایی از روند استنتاج حق پالی زنان ، یا توجیه جایگاه آنان ، یک بار دیگر از طریق روش های برهانی و قیاسی خویش « حق زنان » را در حصار تلقی بنیادگرایانه از دین و مدرنیته ستیزی تبیین مینمائید.

با این نگرش، خود در یک احساس از خود بیگانگی حلول شده، کارد تیز بنیاد گرایان را بدست گرفته رضاکارانه چوب مسواک را برای کتک زدن «زنان» بتراشیدن میگیرید. توجیه زدن زنان از طرف شما با چوب مسواک بوسیله مردان از یک سو تصدیق تفاسیر پنداری و گمانه های ضد انسانی و ضد اخلاق بوده، و از جانب دیگر فرهنگ مردسالاری ستم گستر را جاویدانه تر میسازد.

اگر اوراق تاریخ را ورق زنیم می بینیم که در تمام نظام های دینداری نامتعادل اجتماعی همچو تعابیر مبتنی بر «زن ستیزی» فیض بخش نبوده، بل زنان را مورد تعرض، ضرب و شتم مردان بی مروت قرار داده است.

بکمک و استفاده نا بجای همین احکام ذهنی و فتوای غیرخالص که متضمن خطاست و «زنان» را منحیث موجود درجه دوم مانند شی بیجان در اختیار مردان میگذارد. افراد کم ظرف و رژیم های مطلق العنان جوامع دینداری در دستیابی به آرمان های ضد اخلاقی و ضد انسانی ایشان چه در استفاده نامعقول اغراض نفسانی و چه در به کاری گیری زن به صفت پیش خدمت خانه، حیوان گونه از موقف مردانه خود سود مغرضانه برده اند.

جهت وضاحت مسئله گونه های درد آلود حق تلفی زنان وطن خویش را در زیر به تشریح میگیریم:

یکم - همین توجیه و استنباط احادیث و روایات متون دینی در مورد « زنان » از طرف برخی از روحانیون دربار زمان « تیمور شاه » پسر احمد شاه درانی بود که زمینه شهوت رانی تیمور شاه را که اسیر دام ابرو کمان پیکره نَفیس لذت بود ، مساعد ساخت. با استفاده از تصادیق دینی روحانیت دربار « تیمور شاه » اجازت یافته بود که در بیست سال دوران حکومتش « 300 » زن داشته باشد. افزون بر آن در هر هفته در اطاعت از غرائز نفسانی یک دختر جوان باکره نو ورود را در اشتیاق خورش شهوت رانی اش بدبخت و سیاه روز بسازد. که بدینوسیله تا ختم حیاتش موفق شده بود که بالای « یک هزار و چهل » دختر باکره بی گناه و پاکیزه همشهری من و شما تعرض بستری نماید . (1)

دوم - امیر حبیب الله پدرامان الله خان به نوبه خود در مقام قدرت و در استفاده از فتوای روحانیت دربار نیز سود نفسانی و شهوانی زیاد

برده است که بدین اساس بالا تر از صد زن در اختیار نفس کور خود داشتند. مولوی عبدالرب خان قندهاری روحانی دربار و مدیر معارف وقت برای ازدواج نامحدود «شاه حبیب الله» فتوای شرعی صادر کرد که در آن آمده است:

" تملک زنان از دارالحرب برای شاه غیر محدود و آزاد است و چون امیر عبدالرحمن پدر شاه موجود یک وقتی در نورستان جهاد کرده بود. آن ولایت مسلمان شده منزلت دارالحرب را دارد، و شاه میتواند از آنان هر قدری بخواهد زن بگیرد. امیر حبیب الله خان از این فتوا هم تجاوز کرد و از جاهای دیگر که حتا دارالحرب کذائی نبودند به جمع آوری زنان پرداخت، و یکعده دیگر را بنام (خدمه) در تعداد آنان افزود. ... الله جویا طبیب هندی برای تقویه شاه و هم برای جلوگیری از حمل بعضی زنان حرم شب و روز مصروف بود. رفته رفته افراط شاه در عشرت، او را عصبانی و کم بین ساخت. و بعد ها شب سراج را ابداع نمود یعنی هر شب چهارم مخصوص زنان گردید و بس. " (2)

از شهوت رانی شاهان گرفته تا تعرض های غریزه ای دسته جمعی مردان بالای عزت و شأن زنان. از تازیانه زدن ها شروع تا سنگسار کردن های زنان با عفت و باارمان و بی گناه، علی الاصول آگاهانه و ناآگاهانه در همه دوره های تاریخی، در استفاده مضاعف از تعابیر ضد اخلاقی و ضد انسانی دین زدگی اکثری از محافل مردانه انحصار طلب بدذات جوامع دینداری منفعت حیوانی کمایی کرده اند.

طرز تلقی تعیین حق و حقوق « زنان » بر اساس تکالیف انگیزه از دین یک بیان آشکار اعتقادی است نه حقوقی. این طرز تلقی به نوبه خود زائیده خرد و آگاهی نبوده، آئینه وار فرهنگ حق خواستی و معیشت عصر را باز گو نمی کند و پیام حق را بیان نداشته و درخور هاضمه عقول بشری نبوده و مرهم زخم ناسور مادران درد دیده تحت ستم نیز نمی گردد.

از زاویه اخلاقی و سازشمداری به نحو خاصی سوالات مطرح شده از جانب آقای (بشیر احمد انصاری) را که در مورد حق شناختی و حق داشتی « زنان » باملاحظه غایت مطلوب دین صورت پذیرفته، آنرا میتوان ذیل مؤلفه ای کلی به تأمل گرفت.

اگر حدود آزادی و موقعیت تحقیقی فرد دینداری را به بررسی بگیریم - میتوان مجموعه اجزای یک دین را به:

اول - تجربه دینی

دوم - اعتقادات دینی

سوم - اعمال و مناسک دینی طبقه بندی کرد.

در این جا آزادی در مقام اعتقادات میتواند فرآیند های عملکرد اصول دین را تقویت نماید . و میزان رواداری (تسامح و تساهل) یک فرد دیندار در قلمرو مباحث دینی به نوع معرفت شناسی او وابسته است .

اگر به تصدیق این مطلب رو آورند که حقیقت اگرچه مطلوب است ، به سادگی نمیتوان به حصول آن اطمینان یافت . شناخت یک امر خیلی پیچیده ای است به آسانی از شناخت کامل وناب نباید دم زد.

همین معرفت شناسی به فرد دیندار ، قبول حقیقت « واقع باوری انتقادی » را در اختیارش قرار میدهد . این رهیافت اسلوب شناخت است که فرد دین دار را در موقعیت مناسب مردم بینی مدد می رساند. راه گذار به حق شناسی را از راه پرجنجال و پیچاپیچ تحلیل های واقع بینی همگانی انتخاب مینماید و خود را نیاز مند به حد محتاج دیگران دانسته و از قله های غرور

اعتقادات مجرد پائین شده ، اختلافات اندیشه های عقلاً و هوشمندان را درمسایلی که تیرگی و تشنت آراء بیشتر است می پذیرد . حس احترام و حرمت داشتنی به دیدگاه های دیگران در کردار های خُلقی و بینشی اش حق بینانه تر می شود.

به فکر ما باید جریان روشن بینی دینی برای حل حقوقی « حق زنان » انسانی تر عرضه شود و با عینک « عقل مستقل و نقاد » به همسانی حقوق انسان جامعه جهان و دین نگریسته شود و برداشت ها و روش های عقل پذیر نظام های اجتماعی را از زاویه برابری حقوق زن و مرد ارزیابی کرد .

حیات پر درد فامیلی و اجتماعی زنان درتاریخ موجود بشریت این تصویر عینی را به نمایش گذاشته که موقعیت نابرابری حقوقی زنان خاصناً درقوانین موضوعه جوامع دینداری با موقعیت واقعی برابری حقوق زن و مرد تفاوت ناپذیرفتنی دارد .

بنأ با طرح حق شناسی زنان وبرانگیختن حساسیت های آنان در مسیر بسیج سازی اراده و عمل ایشان ، می شود جبهه احقاق حق درابراز وجود

را سازماندهی کرد و به دنبال ارائه تفسیری مدرن از دین به نقد موقعیت موجود زنان پرداخت. با این قدم پرفضیلت افق های تازه روشن انگاری را جاگزین برداشت ها و تعابیر بنیادگرایی و سنتی نامتعادل ساخت. بر اساس یک دیدگاه تحقیقی بنیادگرایی دینی در جهان اسلام سه جریان اصلی را در تفسیر دین به نمایش میگذارد:

اول - بنیادگرایی

دوم - سنت گرایی

سوم - نوگرایی

بعقیده ما جریان نوگرایی دینی نشانه های تکامل پسندی اصول تفسیری دین پیرایی عقل پذیر است و افراد تحصیلکرده و چیز فهم وطن ما نظیر آقای بشیر احمد انصاری و محترم عبدالعلی نوراحراری و دیگران با پذیرش داشته های معقول علمی و اکادمیکی خویش از جهان صنعتی، جهت دستیابی به منظر فقهی با نگاه فقیهانه جدید تأثیرگذاری حق گرایی انسانی را در اجتهاد بگشایند. متون دینی و مباحث مطرح شده حقوق « زنان » را در دو شیوه نگرش: یکی در مقام گردآوری و دیگری در مقام داوری به نفع حق شناسی « زنان » به پایه کمال برسانند. بدین وسیله

بدون مصرف میتوانند سپر مطمئن و مدافع آگاه حقوق « زنان » در برابر تعابیر و تفاسیر بنیاد گرایان و سنت گرایان دینی گردند . از این باعث نهادینه سازی حقوق زنان در کلیه سازمان های کشوری و دفتری ، طرح و اصلاحات عقلانی در قوانین مربوط به زنان در فرآیند تصمیم گیری از اولویت های تکلیفی روشنفکران نوگرای دینی نسبت به دیگران میباشد که در دستگاه های قانون گذاری و قضایی کشور و جامعه نقش بنیادی را ایفاء میکنند.

به نظر ما اگر تحقیق و داوری های روشنفکران دینی در حوزه مسایل حقوق و آزادی « زنان » با توجه به پذیرش ارزش داشتنی نجابت مادر در جوامع دینداری مورد باز شناختی قرار گیرد ، بدون شک نمره قابل قبول بوده و مطلوب کمال اخلاقی همگان واقع میشود.

منابع و مأخذ

- 1 - رجوع شود به کتاب : اخلاق تطبیقی بیداری دگردوستی نوشته این قلم ، صص 52 - 60.
- 2 - رجوع شود به کتاب : افغانستان در مسیر تاریخ نوشته : میر غلام محمد غبار ، جلد دوم صص 25 و 26 .

بخش دوم :**قسمت دوم - نجابت انسان را گرامی دانست**

در رویکرد های فکری ما مفهوم دگر دوستی بدو معنا به کار میرود ، یکی به معنای اسلوب اصالت شناسی انسان و دیگری شیوه های بازیافتی اخلاق انسانی . اسلوب اصالت شناسی انسان و شیوه های بازیافتی اخلاق انسانی با یک دیگر یک مجموعه واحد متساوی البعد و دوجنبه از یک آموزش انسانگرایی را به ما معرفی می نمایند. شناخت عینی مادی جهان ، طبیعت ، جامعه و تفکر ، بی تردید ما را در غنمندی راهبردی اندیشه دگر دوستی مدد میرساند.

دگر دوستی و انسان نگری بمنابۀ یک آموزش اخلاقی مرهون به سعادت انسان ، پژوهش و انعکاسی است از درک قانونمند و علمی جامعه و تفکر.

بدین اساس در عرصه عمل و فعالیت انسانی سازی یک جامعه یعنی متخلق ساختن افراد آن به فضایل اخلاقی ، بدون شناخت عقلانی از تناقضات اجتماعی ، از موقعیت آزادی و از مرتبه و میزان رشد اشکال شعور اجتماعی ، ناممکن است.

گرچه زندگی مادی ، سازنده اخلاق اجتماعی جامعه در موازات سطح رشد فرهنگی آن عمل می کند . مگر این حیات مادی است که سجایای اخلاقی و ذمائم (نکوهیده ها) اخلاقی ما را تعیین میکند نه برعکس آن. با این شیوه دید ، ما تمام مقولات اخلاقی را از واقعیت های طبیعی و اجتماعی باز کاوی مینمایم نه از گستره اندیشه .

گرچه در گستره اندیشه ما مقولات اخلاقی انسانی ای وجود دارد مانند صداقت ، انصاف ، قناعت ، الفت ، رحم ، حُسن ظن ، استقلال نفس ، پارسائی ولاغیر ، که همه از صحت فکر ، از احساس اخلاقی ، از درک درد اجتماعی ، از حُسن انسان دوستی ما منشاء میگیرد.

دردا !!! این سجایای اخلاقی بصورت واقعی اش هیچگاه در عملکرد های رهبران دولتی و سیاسی و نظامی و روحانیت وابسته تاریخ کشور ما عمومیت نداشته است.

بنام مقولات اخلاقی ای که در اثر بازکاوی اسلوب اصالت شناسی انسان از واقعیت های طبیعی و اجتماعی جامعه ، از معادلات کرداری و رفتاری رهبران کشور ما استخراج می شود عبارت اند از : جاه طلبی ، خود پسندی ، خُلف و عد ، خدعه و نیرنگ ، دنیا پرستی ، اندیشه گرایی ، تبار منشی ، قطع رحم ، ستمگستری ، عصبیت ، شهوت پرستی ، خیانت ،

خصومت و وطن‌فروشی و لاغیر بوده . که پیوسته و با افتخار با تعابیر و تفسیر ذهنی از جانب این رهبران جبراً بالای مردم ستم‌دیده ما به تطبیق گرفته شده است.

گام اخلاقی ما در زمینه ایجاد اخلاق اجتماعی همانا بکار بستن شیوه های فرمانبری از احساس اخلاقی می باشد. این شیوه بدون مصرف که وابستگی مستقیم به صحت فکر و شفاف اندیشی دارد ، یکی از اساسی ترین و با ارزشترین راهبرد انسانگرایی است که بمتابۀ تیوری تکامل و تقویه مکارم اخلاقی در فراسوی دفاع از خوشیهای انسان و خوشبختی وی قرار دارد.

تأمین آزادی و اراده انسان هدف اصلی اندیشه انسانگرایی است. زیرا موجودیت انسان مدیون اراده و خواست خود انسان است. نه کس دیگری.

دید اصالت شناسی انسان بما می آموزاند که موجودیت انسان در جهان هستی نه به بخاطر کاربرد ابزاری دولت و اقتصاد و اندیشه ، بلکه برای تأمین سعادت و خوشبختی خود وی حضور موجودیت میکند . بدین اساس استفاده ناجایز ابزاری از انسان برای رسیدن به اهداف و پدیده های نامبرده موجه نیست.

یعنی سیاست و اقتصاد و علم و داشته های فرهنگی بایستی در خدمت رفاه و آسایش انسان قرار گیرند ، اما فسخ این مسئله خلاف ارزشهایی حقوقی و اخلاقی بشر محسوب می شود.

اگر عمل دفاع از احقاق حق انسان در مرکز ثقل هر ساختار سیاسی، فکری و عقیدتی جامعه قرار نداشته باشد، آزادی، اراده، و دیگر داشته‌های فضیلتی وی را به دیده قدر نپذیرد. ما رهروان راه بشر دوستی آن رویکرد‌های ناپاکیزه را ناکارا، ذهنی و ضد کرامت انسانی تلقی می‌نمایم.

مبارزه بر علیه سلب حقوق و آزادی انسانی را از اولویت‌های عملکرد سیاسی و اخلاقی خود دانسته علیه تمامی اشکال ستم و تحقیر و بهره‌برداری غیر انسانی مبارزه عقلانی می‌کنیم و با هر عمل و نیت بدی که آزادی و اراده انسانی را تهدید بکند به تقابل اخلاقی می‌پردازیم.

ما باور کامل داریم که هر انسان از روز تولد بر اساس مفردان قبول شده اعلامیه حقوق بشر (1) صاحب حقوق بنیادی و غیر قابل اغماض است. این حقوق عبارت اند از برخورداری از حق زیست، حق انتخاب مکان زیست، حق سلامتی، حق و حقوق شهروندی، حق آموزش و پرورش و امکانات رشد استعداد، حق کار، حق آزادی اعتقاد و ایمان، حق بیان اندیشه در صورت تصویری - تحریری، گفتاری و ترویجی، حق تفریح و استراحت، حق ملکیت بر زمین، حق امنیت جانی و مالی، بالاخره حق تمام هنجارهای مادی و معنوی حیات پیشرفته و حق آزادی تحرک و فعالیت، قسمی که به آزادی دیگران لطمه وارد نه نماید.

لازمه تحقق عینی این امر وابسته به حق تعیین و اختیار در حوزه حیات شخصی و اجتماعی انسان می باشد.

مغزسخن در این است که حق و آزادی دو جنبه وجودی است که با انسان در یک وحدت ناگسستگی ادامه حیات قرار دارند. تجلی این احقاق حق با حسن نیت و مسئولیت پذیری بوسیله دولت و نهاد های قدرت دولتی و احزاب سیاسی و سازمان های حقوقی، اجتماعی و فرهنگی ولایه های اجتماعی شناسایی شده و تأمین میگردد.

یکی از مسائلی مهم علمی ای که در فرارفت بُعد علم نظری تقویه و رشد اخلاق اجتماعی مورد توجه جدی فرهنگیان دگر دوست قرار میگیرد همانا نفی فرهنگ تبار سالاری و دین گرایی است.

چرا؟ زیرا !! این سیاست همواره نجابت و شایسته سالاری انسان را زخمی و مسخ می نماید. در کشور ما خراسان - افغانستان توده های بی دفاع می دانند که قبیله سالاران و دین گرایان هستند که در همسویی و همرنگی خواسته های نفسانی در چهره دروغین مدافع عشیره ویا در لباس تدلیس بدنه قدرت را ربودند و صاحب آب، خاک، نان مردم گردیدند.

همین اکنون درکشور رهبران حاکمیت تک محور با روشهای ظاهر گرایی مدرن در پی دستیازی به خواست های نفسانی و گروهی مشتغل اند. بگونه مثال حامیان چنین سیاست، فضای صاف اخلاق اجتماعی

جامعه را غبار آلود و اعتماد و همبستگی میان مردم را سد واقع شده اند. انسان ها همانگونه ایکه از نگاه صورت و هیكل از هم متفاوت اند ، رویکرد های فکری ، عقیدتی و اخلاقی ایشان نیز از هم متفاوت میباشند.

مگر ناپاکترین انسان کسانی هستند که در اطاعت از آلودگی های نفسانی و شهوانی رنگ و بوی اندیشه ایشان در مسیر دفاع نه از اصالت انسان ؟ بلکه در بدست آوری چرکینه های مادی دنیاوی مانند هوای موسومی بهارتغییر میخورند . این عده افراد نیازی به فضیلت و کرامت نفس ندارند . وبه سجایای اخلاقی و انساندوستی اهمیتی قایل نیستند . یگانه چیزی که نزد ایشان با ارزش و محترم است همان برداشت های ذهنی دنیای درون شان است وبس.

فقط در مناسبات اجتماعی موقعیت خود را با کردار ها و گفتار ها و رفتار های زود گذر حفظ مینمایند . گاهی مذهبی بنیاد گرا ، گاهی رهبر اصیل قوم و قبیله ، و گاهی شخصیت متعادل تکامل پذیر روحانی و گاهی هم در لباس دیگری خویش را متبارز می سازند . در اجرا و عملکرد چنین سیاست جز جاویدانه سازی شخصیت خود پذیر خودش وقومش دیگر هیچ ارمان مقدس انسانی و اخلاقی ای در پی ندارند. این بیان خویش را در گونه های زیر به خوانش می گیریم.

آقای صبغت الله مجددی یک شخصیت روحانی قابل احترام است. او از یک خاندان روحانی قابل قدری سربلند کرده که این فامیل در فرآیند حیات تاریخی ایشان در خراسان - افغانستان پیوسته در خدمت نظام و حاکمان قدرت قرار گرفته اند.

زمانیکه نادرخان پدر ظاهرخان، شاه سابق، عفو حبیب الله کلکانی و دیگر عیاران خراسانی را در سال 1929 میلادی اعلام نمود. بدین منظور نادر خان عهد نامه «امان الله خان» را که در چندین جلد قرآن کریم درج و مهر شده بود، عنوانی حبیب الله کلکانی ... بوسیله و همسویی فکر «حضرت مجددی»، خواجه بابو (وزیرداخله در اوخر رژیم حبیب الله) و زلمی خان نایب سالار (پدر بزرگ محترم سرورمنگل)، به امیر مخلوع فرستاد.

که بعد نادر خان با این دام تزویر حبیب الله کلکانی و 16 نفر یاران و کابینه او را بدست آورد و با شیوه نا جایز و خلاف هنجارهای اخلاقی بوسیله ملیشه های مهاجم ملتانی و دیره دونی پشتون هندوستانی هم تبار خود با سنگ و چوب و اسلحه عذاب گش کردند. و به امر نادر خان جسم بیجان و مبارک شان بعداً روی تیر هایی در چمن حضوری کابل جهت تخویف مردم آویخته شدند. (2)

این است نمونه از خروار ، حدود مرتبه همکاری مشترک سیاسی و ضد انسانی خاندان « مجددی » با حاکمیت ستمگستر و قبیله سالار « نادر خان » و همقطاراننش.

حال مقام کاری و اندازه همکاری سیاسی و اخلاقی صبغت الله مجددی را با حاکمیت کنونی در پیروی از سیاست های گذشته گان خود که هنوز بی تغییر باقی مانده است. مورد باز شناسی قرار میدهیم.

آقای صبغت الله « مجددی » در نظام فعلی گاهی در چهره رئیس مستقل صلح و آشتی نظام ، با صدای رسا خود آگاه و بی مسؤلانه نا قضان حقوق بشر (ملا محمد عمر و گلبدین حکمتیار) را عفو اعلام می کند ، وگاهی ناشر اهداف سیاسی دولت از مقام روحانیت می شود . وباری در چهره سناتور انتصابی به مقام رئیس " سنا " نصب می گردد .

سوال اخلاقی ما در دفاع از حقوق و نجابت انسان از صبغت الله مجددی این است که : وقتیکه جناب محترم شما اعلام عفو « گلبدین حکمتیار و ملا محمد عمر » را ظاهر گرایانه گویا بنفع صلح و دولت حامد کرزی صادر نمودید . آیا قتل زیاده از ده ها هزار انسان بی گناه کابل وده ها هزار زخمی و معیوب در سال های دهه 2000 میلادی را در اثر پرتاب

خمسپاره های کورحزب اسلامی گلبدین حکمتیار و دیگران صورت پذیرفته است در نظر داشتید. آیا نقض حقوق بشر و خاصاً زنان کشور و قتل هزاران هزارمرد و زن پیر و جوان از طرف طالبان که به امر مستقیم «ملا محمد عمر» به اجراء درآمد نزد شما از اهمیت اخلاقی و انسانی بر خوردار نبود. آیا کشتن صد ها تن روحانی مردمگرایی که در ولایات جنوبی در طول سالهای میانی حاکمیت «آقای کرزی» بوسیله مهاجمین طالب به قتل رسیده اند، در انگاره شما و آمران و مشاورین شما بی معنا و بی ارزش پنداشته می شود.

بهر صورت اینکه شما جهت جاویدانه سازی شخصیت خویش در خدمت این ویا آن رژیم مطلقه قرار دارید واز مقام روحانیت استفاده سوء کرده فرمان میرانید برای مردم چیز جدید و جالبی نیست، صرف کار وجدانی شماست. اما حرف اخلاقی بی مدعا اینست که: شما با این طرز دید و عمل بیباکانه اعلامیه حقوق بشر را نفی نموده اید و با این کار در تخالف آشکار علیه منافع ملی و حقوق شهروندی و علیه ارمان مقدس هزاران هزار لشکر بیوه زنان و یتیمان کشور ما قرار گرفته اید. مکارم اخلاقی وسیله تنظیم روابط اجتماعی، تقویه اخلاق اجتماعی و مایه تعالی ضمیر و معیار ارزشهای انسانی بشمار می آید. که ما و هزاران

انسان دگر دوست در خط دفاع از این حق شایسته انسانی قرار گرفته ایم

بدین مناسبت در این جا ما در دفاع از حقوق و آزادی های انسان ظرفیت حُسن نیت و مرتبه احساس بشر دوستی و اندیشه پرو فیسور استاد عبد الرب « سیاف » را در مقیاس کشور ما بعد از به قدرت رسیدن تنظیم های اسلامی سال 1992 میلادی مورد باز گوئی قرار می دهیم.

آقای « سیاف » در ایام پیروزی مجاهدین فرموده بودند : " ... خاک کابل کاملاً تخریب شود و خاک آن به توپره کشیده شود تا عمق چهار متر . چون این خاک نجس و حرام کشیده شد ، از خاک خوب و حلال شهر تازه بر پا شود .

استاد سیاف افسوس می خورد که چرا همه کمونستان ، روشنفکران ، هنرمندان ، نویسندگان ، شاعران ، آوازخوانان ، نطاقان و خلاصه سرلچان « مرد و زن » مجال یافتند که شهر کابل را ترک بگویند . او مدعی بود که حضرت مجددی با اعلام عفو عمومی دولت اسلامی ، اشتهای بزرگی نموده است . آنها بلا استثناء گردن زده می شدند و جامعه افغانی از شر آنها نجات می یافت . " (3)

اینجا واضح است که منزلت و مقام شایسته و ملکوتی انسان و ارجگذاری به ماهیت انسانی و خود آگاهی انسان ، در اندیشه آقای « سیاف » بی

رنگ و بی ارزش بوده و جای ویژه در اسارتگاه دنیای درونی و بینشی نئی ایشان ندارد. که این سوء نیت در ضدیت با آزادی و محبت برای همه ، دوستی میان همه ، برادری بر دید نوعپرووری ، عشق و مهرورزی به انسان و ارزش والای مادر « زن » قرار گرفته است .

این بود مرتبه ارزشداشتی انسان نزد ، آقای « سیاف » در مقام داوری و تعابیر و تفسیر دینی شان از مردم هموطنش .
بگفته یکی از سارتر شناسان : " سوء نیت حالتی است آسانتر و عزیزتر تر از اصالت و صمیمیت . سوء نیت باید با تفکر پالاینده مغلوب گردد . "

با تأسف و درد که آقای « سیاف » در همگونی هدف به تشابهات حوادث تاریخی هم تباران خویش جهت جاویدانه سازی اهداف خود گردانش گاهی در جبهه دین گرایی ، حقوق و آزادی های مردم را به حبس وزولانه می کشاند و گاهی در سفره هفت سین سیاست قبیله سالاری تنعم میکند.

موضعگیری تبار منشی آقای عبدالرب سیاف در هنگام انتخابات نمایندگان و در جریان رایزنی های کسب مقام رهبری پارلمان خیلی تیره بنفع سیاست قوم گرایی خود محوری بنمایش گذاشته شد .

که از اجراء این امر حتا برادر هم دین و همخوانش برهان الدین ربانی که سال ها از وحدت اندیشه با او سخن میزد متعجب رنجیده و بی اعتماد ساخت .

معلوم است که اصول انسانگرایی بمفهوم عام آن نزد چنین افراد مسخ شده ، برعکس موقعیت خود را زمانی به شیوه عصبیت ستمگسترو باری طبق منافع مادی و جاویدانه سازی موقعیت سیاسی خویش عوض می نمایند .

جایگاه این نوع نگرش در معارف انسان نگری حیثیت سنت فکری کلاسیک را دارد. که این رفتار افزون بر داشت اندیشه های عقب گرائی ، مناشی کجروی های خُلقی و معنوی و پرابلم های از خود بیگانگی و خود نشناسی و انسان فراموشی می باشد.

آگاه ساختن مردم از معارف نوین اخلاقی که نمودی از روح همبستگی و روح انسانیت است برای تقویه ارزشهای واقعی و فضیلت کمک میرساند . وخدمتی است در راه اتحاد ارگانیکی عمل و اراده مردم در راه رفت به جاده همزیستی و قانونمداری و تساوی حقوق انسانی بدون تبعیض .

پرورش روح انسانی برای ایجاد اخلاق اجتماعی ، آموزش و پرورش نسل دگر اندیش با تفکر نوین و بشردوستانه لازم است . تا بتوانند با پیروی از آن اصول و با درک مسئولیت انسانی به تفاهم و اشتراک مساعی همت گمارند.

در این رابطه تمام نهاد های آموزشی پرورشگاه ها ، مدارس ، دانشگاه ها ، در تربیت شهروندان و آموزش شخصیت نیکو و صمیمی و متکی بر خود و با خصائل انسانی موجب میشود تا تلاش واپسگرایان وابسته و نژادپرستان و عصبیت تیره ، مخربین حقوق بنیادی و انسانی را خنثا سازند.

شکوفایی نوین فرهنگ و هنر اهمیت ارزشهای فرهنگ انسانی یکی از راهکار های وظیفوی و وجدانی تمام شهروندان جامعه ماست.

ما در این رابطه نیاز به مسلح سازی معنوی توده های مردمی داریم که حق خود را بشناسند و حق تعیین سرنوشت خود را بدست خود گیرند ، نه دولت مرکز گرا و نه روحانیت وابسته بغیر .

بنأ برای جانشین شدن یک عقیده نوین انسانی تلاش صورت می پذیرد تا بتوانیم بجای تقابل باهم بودن و همزیستی مشترک ، بجای دشمنی آشتی را جانشین کنیم . و برای فائق گشتن بر کینه صلح را ایجاد کنیم ، بر اساس تعادل حقوقی و فراهم کردن علائق مختلف گروههای گوناگون مردم تلاش اخلاقی انسانی و علمی نمایم .

منابع و مأخذ

- 1 - اعلامیه جهانی حقوق بشر ، سازمان ملل متحد ، اداره اطلاعات همگانی ، سال 1376 هـ. ق . .
- 2 - امیر حبیب الله مردی در حریق تاریخ ، مؤلف : دکتور خلیل الله و داد « بارش » ، ناشر : فضل کتاب فروشی قصه خوانی بازار پشاور ، ص 210 ، 212.
- 3 - افغانستان در آزمون گاه شرق و غرب ، مؤلف : محمد اکبر غنی ، سال طبع 1378 هـ.ق. ، محل چاپ : پشاور مرکز نشراتی میوند ، ص 43.

بخش دوم :

قسمت سوم - خشونت علیه زنان

باقبول این اصل که نقش زن در تاریخ باستانی ایران فردوسی خیلی شایسته و باارزش است. اما بر بنیاد سیاست های خودساختی نهاد های سرمایه جهانی، بزرگداشت از روز هشتم مارچ، روز جهانی «زن» را ماهم در رده میلیون ها انسان حق شناس و آزادی پرور، مراتب ارجگذاستی و حرمت شناختی خود را نسبت به زن و مقام ملکوتی اش در خانواده و اجتماع ابراز میداریم.

ای زن، ای فرشته زمان، ای موجود بی آرایش، ای آفتاب گرم محبت و دوستی، ای روشنایی، ای نماد حریت و آزادی، ای سرچشمه صبر و بردباری، ای پرورنده صداقت و راستی، ای منبع تمکین و قناعت، ای علمبردار انصاف و مدارا، ای شایسته ترین شایسته ها، ای عزیز ترین شخص گرانقدر حیات، ای پر ارزشترین فرد خانواده و اجتماع، ای روح آرامشگر انسان، چقدر احساس اخلاقی و قلبی ات نسبت به فرزندان، نسبت به اعضای فامیلت در یک کلمه نسبت به انسان صادقانه، راستکارانه، روشن روان و پر از مهر است.

مهریکه گاهی اوقات واژه های فرهنگ بیان، برای اظهار آنچه در دنیای دل پر از مهر تو مادر جوش می زند کافی نیست، و هیچ گاه قلم قادر نبوده که احساس داغ و رحم و دلسوزی کریمانه مادر «زن» را نسبت به فرزندانش قسمی که وجود دارد تحریر کند.

جاویدانه باد این دوستی طبیعی و کم نظیر ، عزتاً!! و درودا!! به مادران « زنان » این موجودات اصیل ، شریف و واجب احترام وملائیک صفت ، این حقیقت مسلم است که زن عشق می کارد و کینه درو می کند. احترام می کند ، خشونت می بیند . رحم می کند ، جفا می کشد. صداقت می کند، ریاء می بیند .

این همه ها را از کی می بیند؟ تنها از جانب مردان ، آن مردان حرمت شناس شیر مادر ، آن مردان ایکه هنوز مقام و منزلت حقوقی و انسانی « زن » را علماً و عقلاً نفهمیده اند.

زن از همان زمانی که به حیات خانوادگی رو آورده است ، از همان روز در راستای جدال حق خواهی در مقابلش مردان دیو صفت بی مروت قرار گرفته است.

گونه های خشونت علیه زنان:

خشونت علیه زنان یک پدیده فرا جهانی است و براساس زیر ساخت های مادی و معنوی هر جامعه در زمان و مکان متفاوت به گونه های مختلف تبیین میگردد .

خشونت از دید اخلاقی یک امر پنهانی و مرموز است. عامل اصلی خشونت علیه زنان را می‌توان در تبعیضی یافت که مانع از برابری زن با مرد در همه سطوح زندگی می‌شود. و اکثر زنان کشور های در حال توسعه به دلایلی مختلف مانند مجازات سخت و عدم تضمین حمایت های قانونی از بیان آن اجتناب می‌ورزند.

اما خشونت بمعنای کُل علیه زنان در همه نقاط جهان مرز و حد را نمی‌شناسد. این فرشته های صلح ووارستگی در همه جای دنیا با کمیت های متفاوت مورد انواع خشونت های فیزیکی، روانی، عاطفی، جنسی وکلامی، اقتصادی قرار می‌گیرند.

اول - خشونت فیزیکی: شامل شیوه های آزار و اذیت جسمانی، ضرب و جرح، چنگ انداختن و کشیدن مو، سیلی، لگد و مشت زدن، دندان شکستادن و آلاشه کج ساختن، زندانی کردن، کوبیدن، شکستن اشیای منزل، محروم کردن از غذا، اخراج از خانه، سوزاندن و هل دادن، تنه زدن، سنگسار و لاغیر را شامل می‌شود که این نوع خشونت ضد انسانی برای همه زنان بدون توجه به نوع وضعیت خانوادگی و تحصیلی بخصوص در جوامع سنتی یکسان اعمال می‌شود.

دوم - خشونت روانی و کلامی: گونه دیگری از رفتار قدرت نمایانه

مرد در برابر زن است ، که با شیوه به کار بردن کلمات رکبک : دشنام و تحقیر و توهین ، استهزاء ، بهانه گیری های پی در پی، داد و فریاد و بداخلاقی و کجروی های خُلقی ، بی احترامی، رفتار آمرانه و تحکم آمیز و دستور دادن های بی حد و حصر، قهر و صحبت نکردن ، تهدید به آزار و یا کشتن وی یا افراد خانواده اش ، محدود سازی روابط انسانی با دوستان و زندانی کردن وی در منزل و آشپزخانه ، ممانعت از رشد اجتماعی، فکری و آموزشی ، کاریابی و اشتغال می باشد ، تطبیق می گردد .

سوم - خشونت اقتصادی : در قدمه اول همانا تهدید جبر فقر در مقیاس کل جامعه است که هر دو جنس از آن متألم می شوند. اما سوءاستفاده مالی مردان از زن و صدمه زدن به وسایل مورد علاقه و عدم حق ملکیت او را میتوان از جمله موارد خشونت اقتصادی علیه زنان برشمرد . در کشور ما اکثریت زنان نیروی کار بدون مزد و فاقد درآمد هستند و همین عامل نقشه ای برای بروز خشونت اقتصادی نسبت به آنان می شود و زمینه وابستگی مادی و روحی ایشانرا به مردان آماده می سازد. در چنین حالت مُطیع سازی جبری زنان در جامعه عقب نگهداشته شده ما تقویت می شود ، حتا آنان حق دخل و تصرف در اموال خود را نیز ندارند.

خشونت در برزخ تضاد ها :

خودکشی علاوه از معضلات اجتماعی خود يك واکنش رفتاری نسبت به شرایط است که با توجه به پیچیده تر شدن تعاملات و ارتباطات در بیشتر جوامع رو به افزایش است و بالارفتن نرخ آن نزد گروهها اقشار و لایه های مختلف اجتماعی، نگرانی فزاینده‌ای را برای جوامع امروز بوجود آورده است .

زنان برای خودکشی دلایل توضیحی دارند. نامساعد بودن شرایط زندگی بعضی از خانواده‌ها و حساسیت و سخت‌گیری بیش از حد برادران ، پدران وشوهران - به خواهران ، دختران و همسران آنها باعث می‌شود تا برخی از زنان برای فرار از مشکلات موجود سنتی ، دست به خودکشی بزنند.

عمل خود سوزی میان زنان و دختران که نوع درد آور خود کشی بحساب می آید ، که بر اثر جراحات ناشی از سوختگی جان های شیرین خود را از دست می دهند ، عکس العملی آشکاریست که نسبت به خواسته های نارسیده دنیای آرزوی خود ، خویش را قربانی می سازند . تنها در بهار سال گذشته ، در شهر هرات ، حدود 80 زن مظلوم به نسبت ظلم و سوء رفتار و تضعیقات مردان ، خود را توسط بنزین به آتش کشیدند.

این فریاد بی صدا علیه خشونت برابر صفت مردانیت که زن را مایملک شخصی خود قبول کرده و طبق دلخواه خود از او استفاده بی جا و نفسانی می کند .

مشکل درد آور حق خواهی و ابراز وجود زنان افغانستانی تنها با مرگ خودکشی و خود سوزی این 80 زن پایانی ندارد. این مرگ تدریجی از قرن ها بدینسو دامنگیر این نیروی نیمه پنهان جامعه ماست . که مردان کشورما با استفاده نا معقول از منابع کمکی (مذهب ، قدرت و سیاست) مجوز قانونی بخود ایجاد می کنند. و این روند مستمری خشونت غیر اخلاقی علیه زنان را به اندازه ضرورت تشدید می بخشند.

تعصبات و شرایط بسته قومی و قبیله ای :

در کشورما خراسان - افغانستان که سنت های زندگی زمینداری بسیار ریشه دار است ، اکثریت مردان کم بینش به زن ، به چشم دارایی خود نگاه می کنند و تجاوز به حقوق آنان بدون مجازات می ماند. و مرد در همه ساحات حقوقی ، دست باز و نیرومند دارد تعصبات شرایط بسته قومی و قبیله ای یک ساختار کامل آپارتاید (جدانژادی) جنسی می باشد ، که حامیان آن به ضرب قوانین بشدت زن ستیز، در تعدد زوجات ، ازدواج اجباری ، اختیار طلاق بدست مردان ، مجازات وحشیانه سنگسار ،

جداسازی جنسی در آموزش و پرورش ، جداسازی جنسی در صحت و ورزش ، مکان غذاخوری ، اشتغال ، ترانسپورت ، قدرت داشتنی فیزیکی و حقوقی مرد را برجسته بنمایش می گذارند. وبا این محدودیت ها نهادینه سازی حضور سیاسی و فرهنگی زنان را در حیات اجتماعی و خانوادگی سد واقع می شوند .

به همین سلسله توانایی زندگی جدا، حتا از شوهران ناسازگاروبی عاطفه ، نیز برای بسیاری از زنان درجوامعی مانند خراسان - افغانستان مقذور نیست، چراکه یافتن شغل سالم و درآمد کافی برای گذران زندگی از يك سو و احساس کمبود امنیت اجتماعی در محیط های کاری به واقع فضا را برای حضور در جامعه سخت تر می کند . و رویکرد های خشونت را تقویت می بخشد.

این مناسبات کهنه متداول زن ستیز مردان است که زن را به نوعی در یک فرآیند مستمر از زندگی با همسر، به دلایلی متعدد : اعم از وجود خلاء قانونی ، بیکاری ، بیسوادی ، اختلافات فکری و عقلی و تحصیلی ، ضعف اقتصاد ، عدم رضایت و احترام و اعتماد متقابل در امور خانوادگی ، نبود همسویی تفکر و همکاری عمل ، اعتیاد شوهر و خیانت شوهر یا برقراری روابط نامشروع شوهر با « زن » بیچاره دیگری ، وده ها انگیزه موجه عینی بی ، « زن » بی وسیله را نسبت به اینهمه ناگواری ها ، سرگشتگی ها و افسردگی های حیات ، کم تحمل ساخته ، به گونه ای راه انتقام را در قربانی دادن خود انتخاب می کند.

جنایتی که ریشه آن را می‌توان در نیات بد مردان زن ستیز تصور کرد. بدینوسیله آمارهای سازمان جهانی صحت نشان می‌دهد که سالیانه حدود 400000 «زن» به علت خودکشی جان خود را از دست می‌دهند.

گنگ نگهداشتن و کم بها دادن بحث خشونت و فرآیند «قربانی سازی» زنان، که یک گفتار سیاسی، اخلاقی حقوقی و اجتماعی است، در درازنای تاریخ بشرو بویژه در حوزه کشورهای سنتی خودمان، از طرف دست اندر کاران سیاسی قدرت و مبلغین وابسته حاکمیت ایشان، همواره مورد استفاده سوء قرار گرفته است. این دیدگاه بیرحمانه و بی مسؤله موقعت زنان را به «کودکانی» فاقد اراده تقلیل می‌دهد. چنین تصامیم از یکسو شرایط مناسب تعرض و خشونت را به مردان بی مروت و بی حیاء آماده می‌سازد تا آنان را گول بزنند و از سوی دیگر زمینه استفاده بری سیاسی را برای حاکمان خود محور تمامیت خواه مساعد میگرداند.

قسمیکه اکنون در افغانستان حقوق و آزادی های زنان در حبس ابدی سنت سخت جان جامعه ما و حقوق موضوعه کشور در بند مانده است. و مادران و خواهران هم میهن ممانند همیشه در یک خلاء حقوقی و در نبود پشتیبان قانونی و ضمانت حقوقی حیات بسر می‌برند و بوسیله مردان در زندگی خانوادگی، کاری و اجتماعی مورد خشونت و آزار و اذیت قرار می‌گیرند.

با تأسف و درد !!!

دولت آقای کرزی مانند حاکمیت های ماقبل خود ، گام واقعی درست و دورازریاء کاری درزمینه های تعادل حقوق شهروندی زن و مرد تاکنون نگذاشته است . صرف با صدای بلند گو چند بُعدی ذهنی گرایانه خویش گویا؟؟ در دفاع از تعادل حقوق زنان با مردان ظاهر نمائی می کند و بس.

چنانچه در ماده سوم قانون اساسی جدید جمهوری اسلامی افغانستان آمده است که : هیچ قانون نمی تواند نافذ شود که مخالف دین مقدس اسلام و ارزشهای مندرج این قانون اساسی باشد.

موافق به تعبیر ماده سوم قانون اساسی میتوان متذکر شد که در دین مقدس اسلام تعدد زوجات روا دانسته می شود یعنی یک مرد مسلمان بدون ممانعت قانونی نظربه توانمندی اقتصادی اش میتواند در عین زمان چهار زن را به عقد نکاح شرعی خود داشته باشد . زمانیکه چهار زن در عقد نکاح یک مرد سالخورده زندگی بردگی خود را روز شماری میکند ، تبلیغ تساوی حقوق زن با مرد جز تبلیغ سیاسی دموکراسی شاخدار ، ناپاک و اجیرانه ، چیز دیگری بیش نیست.

سازمان بهداشتی جهانی در پژوهشهای آماری خود در مورد اعمال خشونت علیه زنان مینویسد: که در هر ثانیه یک زن مورد خشونت یا بد رفتاری مردان قرار می گیرد. که بدین سلسله در یک ساعت 3600 زن، در 24 شبانه روز 86400 زن، در یک ماه 2592000 زن، و در یک سال 31104 000 سی و یک میلیون یکصد و چهار هزار زن مورد خشونت و بد رفتاری واقع می شوند. در همچو حالات حتا باردار بودن، زنان را از خشونت مردان مصون نمی کند.

تحولاتی که طی سالهای اخیر به تدریج در جهان رخ داده است، بگونه ای ارزش واقعی و اصالت هایی را در فرآیند جنبش حق خواهی زنان به ارمغان آورده است. امروز توجه اهل ادب و هنر در فراسوی احقاق حق زنان جدی تر و انسانی تر از دست اندر کاران سیاست می باشد.

و بدینوسیله حضور مشارکت زنان در عرصه فرهنگی واقعیت غیر قابل انکار است. مگر جنبش سیاسی زنان با همه توانمندی خود هنوز نمود سیاسی سراسری در جهان امروزی نیافته است.

جنبش زنان قبل از هر چیز نیاز به استقلال فکری و خود ارادیت دارد. استقلال فکری یعنی شناخت واقعی از منافع گونه گون زنان، با نگاه جنسیتی، و بکار گیری راهبرد سیاسی مستقل جهت نیل به خواسته های صنفی و مردمی خویش.

خوشبختانه جهان در سال 2005 میلادی شاهد موفقیت‌های مهم سیاسی و اجتماعی برای زنان بوده است. که این موفقیت ها شامل انتخاب «الن جانسون سرلیف» اولین رئیس جمهور—وری زن در لیبریا، آفریقا،

و

« دکتر آنگلا مرکل » در ماه نوامبر 2005 میلادی به عنوان اولین صدر اعظم زن در آلمان ، انتخاب « میشل باشلت » اولین زن به مقام ریاست جمهوری چلی . موفقیت ظاهری 68 زن افغانستانی در ماه سپتامبر با کسب کرسی نمایندگان در مجلس نمایندگان 249 نفری جمهوری اسلامی افغانستان و برگزاری نمایشی اولین انتخابات نیم بند و خام در عربستان سعودی با حضور رأی دهندگان زن ، دست یازی حقوقی زنان عراقی که به موجب قانون اساسی جدید از حقوق اولیه ای ، از جمله حق رأی، حق مالکیت بر دارایی ها و اموال برخوردار شدند ، این دست آورد های نسبی حق گرایی زنان در عرصه بین المللی ، زیر ساخت های سیاسی و منبع امید یست که میتواند در آینده ها دور به جنبش حق خواهی فرا جهانی زنان منجر گردد.

بر اساس اعلام آماری « اتحادیه بین المجالس » در ژنو : تعداد نمایندگان زن در پارلمان کشور های سراسر جهان در سال 2005 به 6960 زن یا 16/1 در صد رسیده است .

— به امید تأمین واقعی بدون قید و شرط تعادل حقوق انسانی ، سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی « زن و مرد » . در سراسر جهان.

— بخاطر ادای احترام به شیر پاک مادر! ما رهروان راه انسان نگری از تمام دول جهان وبویژه میهن دوست داشتنی خود ما خراسان - افغانستان : خواستار فسخ کلیه مقررات کیفری ملی (نفی قانون اعدام و سنگسار) که موجب تبعیض نسبت به زنان می شود ، هستیم.

بخش دوم :

قسمت چهارم : به امید آزادی زن از گرواندیشه مرد

زن درنگرش ما شایسته ترین، نجیب ترین، شریف ترین، گرامی گوهر ترین موجود پاکیزه واجب احترام وبارزشی است که رسالت و مقام شامخ مسئولیتی، آزادی، آفرینندگی و فضیلت مداری وی در دائره حق گستری، توجیه و تأکید میگرد .

دردا که درتاریخ جامعه بشری ودرهمه ساختارهای حاکمیت و قدرت دولتی، ملی و مذهبی کهن و معاصر، تصویری که از درک اندیشه حق و حقوق زن حکایت می کند، سخت مخدوش کننده، آزار دهنده و ناجور و تبعیض آمیز است .

رفع عینی وریشه ای این مسئله، رسالت خیلی بزرگی است که باید آنرا با برخورد شفاف و دگراندیشانه در سطح ملی و جهانی مورد تأمل و بررسی قرار داد. و با آموزش نوین و بینش حرمت شناسانه این حق و حقوق ذاتی و انسانی را از زیر ابرهای سیاه تاریک اندیشان و عقب گرایان و ثروت اندوزان بیرون کرد .

رویکرد تبعیض علیه زن مختص به کدام صورت بندی اقتصادی و اجتماعی معین، سنت ها و ادیان و مذاهب معین، قوانین و مقررات دولتی و کشوری این و یا آن قاره ای ملل و رژیم ها، نیست .

بلکه حق زن به اشکال مختلف، درهمه وقت و همه جا و درهمه ساختارهای حاکمیت و قدرت دولتی و اجتماعی و سیاسی و نهاد های ملی مذهبی، بدون استثناء پیوسته بوسیله مردان دزدیده شده و غصب گردیده است .

همین قدرت جسمی قویتر مرد و ناآگاهی خود بینانه وی از اصل اصیل حق زن و مادر است، که مبنایی برای زورگویی و تسلط وی گردیده و منحصیث شخصیت خود مختار و نیرومند در قانون گذاری و در امر و نهی جامعه آزادانه فرمان می راند .

و در قالب های اجتماعی خود بافتی و خود ساختی اندیشه، شخصیت حقوقی و نقش آفرینی اجتماعی خویش را با نمایش قدرت و سلامت جسمی، بالای زن جبراً تحمیل می نماید. و جایگاه مردانه خود را در کره خاکی همواره به نمایش می گذارد .

بگونه مثال - اگر بازگویی و داده های متون قدیم و اسناد و منابع معاصر را بخوانش گیریم در می یابیم که :

- تمام پیامبران و پیشوایان ملی و مذهبی در تاریخ بشریت مرد بوده اند.
- بجز یک و دو خانم زن در تاریخ سیاسی ایران باستان دیگر همه شاهنشاهان، شاهان و امیران و ژنرالان در تاریخ بشر مرد گذشته اند .
- کلیه ای پولداران و ثروتمندان و زمینداران و مالکین بزرگ روی زمین هم اکنون مرد هستند .

- حتا در قرن حاضر در جوامع سنتی و بویژه در کشور ما، مردان بگونه ای زن را منحصیث یک شی بیجان حق ملکیت خود می دانند .

- این و ده ها نمونه ای دیگری ازین بخش وجود دارد که موقعیت و جایگاه مردانه ای، مرد را در حیات حقوق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، جوامع برجسته به معرفی می گیرد .

بنابر رهایی زن از قید اسارت آز و حرص مرد و حس زن بارگی شرم آور وی، بدون بازشناختی پایه های مادی و معنوی شعور اجتماعی و اخلاق اجتماعی و بررسی ماهیت نظام های حاکم و فرهنگ ضد زن در گُل، امکان پذیر نیست .

محور مشخصات کلی و اساسی ما در مجموع تحقیق و پژوهش پایگاه اندیشه تبعیض جنسی و عدم برابری حقوقی میان زن و مرد است . شرح کلی این مسئله مهم و بالارزش جهانی، ایجاب پژوهش بیشتر و عمیق تر می نماید که بگونه ای در مفردات راهبردی اعلامیه جهانی مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب 18 دسامبر 1978 میلادی زیر نام " رفع هر گونه تبعیض علیه زنان " مطرح گردیده است . اما ما در این بحث کوتاه به بیان برخی از علل پایه های حق نشناختی اندیشه تبعیض جنسی زن و مرد، اکتفا می کنیم .

اول - نا آگاهی انسان از اصل شناخت کنه ذاتی حق و برابری حقوق زن با مرد می باشد. همین ناآگاهی مرد از اصل اصیل (حرمت، نجابت، کرامت) حقوق ذاتی زن در تاریخ بشری بوده است که تبعیض علیه زنان را بمفهوم قائل شدن تمایز بر اساس جنسیت در ذهن و عمل مردان تبیین می کند.

در حالیکه زنان همچو مردان دارای کرامت گوهری اند و از نظر مقام فضیلتی و حقوق حقه انسانی باهم، همسنگی و همسخی طبیعی دارند .

دوم - خطاهای ادراکی معرفت اعتقادی . که باعث برخورد کلیشه ای اندیشه، به حق و حقوق زن می گردد. این نگرش ذهنی مبنی بر تصدیق و باور، بی مهابا دریافت « حقیقت » را که همانا بازشناختی اصل اصیل (حرمت، نجابت، کرامت) حق ذاتی زن هست ، در زیر سلطه وامنیت عقیده و ایمان، مشکل می سازد .

بدورازوابستگی به برخورد های کلیشه ای اندیشه، وبتأسی ازشناخت حق تساوی اهلیت قانونی زن و مرد، آرزومندیم که:

- حق مساوی زن و مرد بصورت واقعی آن - درقانون اساسی دول ازجمله کشورما گنجانیده وتسجیل گردد،

- حمایت قانونمند زنان علیه هر نوع تبعیض، بوسیله دول و دادگاههای شفاف اندیش ملی ونهاد های مدافع حقوق بشر عملی گردد،

- اتخاذ تدابیر لازم نهادهای قانونگذاری جهت تأمین حیات اجتماعی زن و خانوادگی، ضمانت حقوقی یابد .

- لغو کلیه مقررات کیفری و تبعیض آمیز داخلی علیه زنان بوسیله دول ونهاد های ملی و مذهبی عملی گردد.

سوم - ضعف دانش و لغزش اخلاق اجتماعی . تا وقتیکه شهروندان یک جامعه درکل وبویژه کشورما ضمن ایجاد تغییر بنیادی در زیرساخت های جامعه، تربیت اخلاقی وانسانی نشوند وازآموزش وپذیرش سجایایی اخلاق اجتماعی که دربرگیرنده :

ارزشهای :

نیک نگرستن، نیک رفتارکردن، شفاف اندیشیدن، وحق بینی و حق خواهی وحق شناسی، بزرگواری و بخشندگی، قناعت وگذشت، شرافت و رفعت و قدر، اصالت و نجابت، الفت و محبت، صداقت و راستی، احسان وبردباری، حیثیت و وقار، تأمل و مدارا، خشوع و خویشتن داری، رحم ومهر، فداکاری واحسان ، پرهیزکاری ودوستی ورزیدن... وغیره اند، بهره مند نگردند. هیچگاه به عزت وحرمت شناسی وتعادل حقوق مدنی وانسانی زن و مرد، سر تسلیم واحترام عقلانی فرود نمی آورند .

بنا برین تا آن مرتبه ایکه ؟؟؟ ! درخت پرگشن شعوراجتماعی، ازچشمه زلال اخلاق انسانی ودگردوستی نیاکان ما سرسبز وسیراب نگردد. نمیتوان ازآشتی وهمبستگی، همزیستی وهمآیسی، همسنگی وبرابری حقوقی زن و مرد در جامعه صحبتی به عمل آورد .
به امید آزادی واقعی زن ازگرو اندیشه ساختگی مرد .

بخش سوم :

قسمت یکم - نظریه نسبیت البرت اینشتین

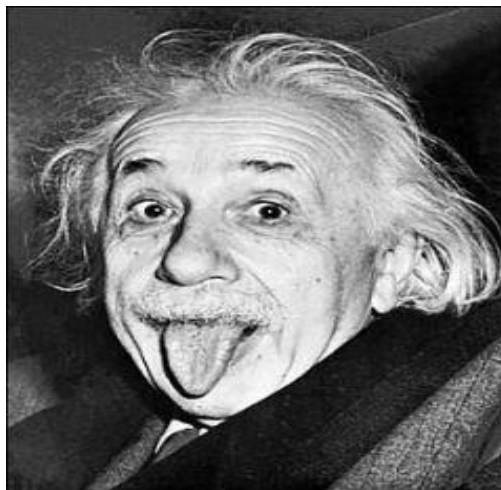
البرت اینشتین (1879 - 1955 م.) ، متولد در آلمان و به هنگام جنگ دوم جهانی عازم آمریکا شد . او با ارائه اندیشه و نظریه نسبیت در علم فزیک انقلابی را در جهان برپا کرد ، و در سال 1921 میلادی بر اثر تحقیقات علمی اش بر روی فوتون ها و فزیک نظری جایزه نوبل را بدست آورد.

دو کتاب بنام : « جهانی که من میبینم » و « مفهوم نسبیت اینشتین » از او به جا مانده است .

فزیکدانان قرن نوزدهم تمام نظریه ها و فرضیه ها از قبیل : فضا ، زمان ، مکان ، جرم ، و سایر کیفیات اولیه که خواص واقعی همه اشیاء طبیعی اند را صرف توصیفات اشیای طبیعی فکر میکردند .

مگر اینشتین واضح ساخت که تصور کیفیات نخستین اشیاء مستلزم مشخص کردن متغیر های کلاسیک « زمان و مکان » است.

او میگفت : اگر جسمی با سرعت ماورای نور حرکت کند تمام آن جسم به انرژی تبدیل می شود . بدون وابستگی به بُعد چهارم (زمان) بصورت جاویدانه باقی می ماند . : به عبارت دیگر می توان گفت که بر اساس نسبیت ، جرم ، سرعت ، شتاب و حتی زمان که برای ما تعریف می شوند، نسبی هستند .



البرت اینشتینش شکل (1)

تیوری نسبیت اینشتین دارای دو نظریه میباشد:

اول - نظریه نسبیت خاص : که در سن 25 سالگی سال (1905م.) آنرا بوجود آورد . این نظریه ایست که در صورت سرعت های بالا (در شرایطی که سرعت در خلال حرکت تغییر نکند سرعت ثابت بماند) میتوان به اعداد و محاسباتش باور کرد . جهان مادی با داشت قانونمند نماد هستی اش چنان ایست که در سرعت های بالا از قوانین پیچیده پیروی میکند که در زندگی ما قابل دید نیستند .
 بگونه مثال : اگر جسمی با سرعت نزدیک به سرعت « نور » که مساوی است به (300000 کیلومتر فی ثانیه) حرکت کند زمان برای او خیلی کند می گذرد.

و همچنین ابعاد (طول ، عرض ، ارتفاع) این جسم کوچکتر می شود. و جرم جسمی که با سرعت بسیار زیاد حرکت کند دیگر ثابت باقی نمی ماند بلکه از دیاد پیدا می کند. یعنی اگر جسمی با سرعت نور حرکت کند ، زمان برایش متوقف می شود ، طولش به صفر می رسد و جرمش بینهایت می شود .

بدین اساس یکی از مفاهیم تیوری نسبیت خاص اینشتین اتساع زمان است که در زندگی روزمره قابل مشاهده نمی باشد. چون سرعت هایکه ما با آنها سروکار داریم ، بمراتب کمتر از سرعت انتشار نور هستند . بگونه مثال : در مورد هوا پیمایی که با سرعت 270 متر فی ثانیه در حال پرواز است ، نسبت عددی بسیار کوچکی است که به راحتی مشاهده میشود که در چنین سرعت هایی مسئله اتساع زمان کاملاً منتفی است. برای مشاهده اتساع زمانی به یک « ساعت اتمی » با دقتی در حدود (10^{-13}) نیاز داریم . مشاهده اتساع زمانی فقط در حد تیوری ونظریه نیست ، بلکه با قرار دادن ساعت‌هایی اتمی در هواپیماهای جت عملاً تائید و به اثبات رسیده است.

با تکامل علوم مثبتة ، دانشمندان با تحقیق وارزیابی در مورد اتساع زمان بر طول عمر افراد متوجه شده اند . که افراد ورزشکار (حتاً آنهایکه فقط پیاده روی می کنند) حدود کسر بسیار کوچکی از ثانیه از سایر افراد عمر می کنند .

و کوچکی این کسر به دلیل سرعت کمی (نسبت به سرعت نور) است که آنها نسبت به دیگران دارند. پس اگر انسان بتواند با سرعت های نزدیک سرعت نور حرکت کند، سالیان سال عمر می کند و جوان می ماند، البته از نظر ساکن.

دوم - نظریه نسبیت عام است: که در سال (1919 م.) توانست آنرا بیان کند.

نسبیت عام به این مفهوم است که سرعت جسم بر اثر موجودیت قوه جاذبه زمین (g) که همان عدد (9.81 m/s) است در خلال حرکت تغییر میکند. پس نسبیت عام با قوه ها کار دارد نه با حرکت. یعنی بیان اندیشه ایست راجع به اجرامی که قوه جاذبه دارند.

به این معنا که در جهان هستی، جرمی در فضای خالی واقع باشد حتمی یک قوه جاذبه در اطراف خود دارد که مقدار عددی آن وابسته به جرم آن جسم می باشد. استنتاج اینست که در اطراف هر جسمی قوه وجود دارد.

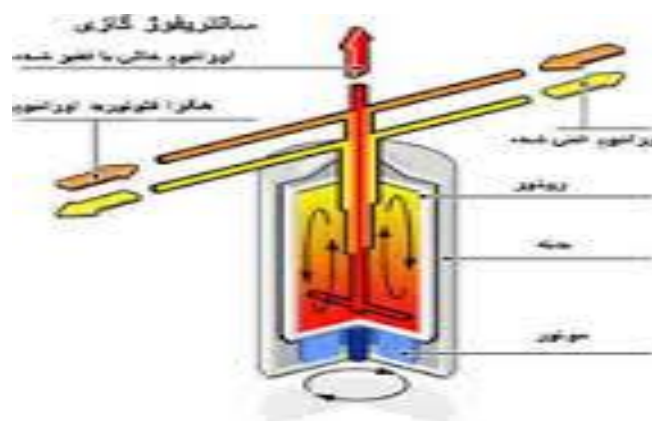
مثلاً اگر از گردش عقربه های ساعت یک فیلم ویدئویی زنده بگیرند و همچنان از روی گردش عقربه های ساعت آدمی که دارد توسط سفینه فضائی بالا می رود و از سیاره زمین جدا می شود، نیز فیلم ویدئویی گرفته شود و هر دو فیلم را کنار هم روی یک صفحه تلویزیونی پخش کنند ملاحظه خواهیم کرد که ساعت من سریع تر حرکت می کند.

پس بحث تیوری نسبیت عام تغییر سرعت جسم در خلال حرکت است . اندیشه نسبیت عام اینشتین قوه جاذبه را مانند خاصیتی از فضا در نظر میگیرد نه نیروئی میان پیکر ها یعنی خلاف آنچه که نیوتن (1642 - 1727 م.) گفته بود .

نظریه اینشتین به ماده به صورت « بسته مترامی از انرژی » نگاه می کند و میگوید که این دو (ماده - انرژی) بهم تبدیل پذیر اند . یعنی ماده به انرژی و انرژی به ماده تبدیل می شود $E = mc^2$. با کشف این قانون ارتباط مادی و ثبوت جدائی ناپذیری ماده و انرژی ، علم فزیک پاسخ بسیاری از پرسش ها را دریافت نمود .

اینشتین طی نامه ای در سال 1939 به رئیس جمهور امریکا (فریکلن د. روزلت 1882 - 1945) نوشت : میتوان ماده را به انرژی تبدیل کنیم و یک بمب اتمی درست نمایم . با قبول این اندیشه رئیس جمهور امریکا دستور برپایی سازمان عظیمی را داد تا به بمب هسته ای دست پیدا کنند.

در زمینه برای شکافت هسته اتم اورانیوم 235 انتخاب شد. اورانیوم عنصری است که تقریباً در پوسته زمین سنگها و آب به میزان کم یافت می شود.



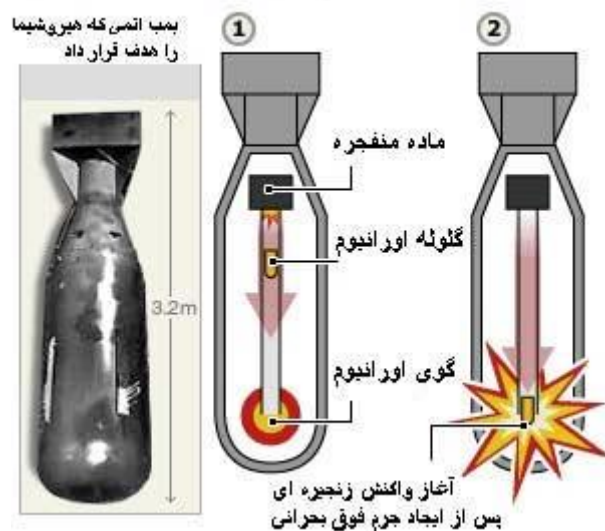
شکل (2)

بصورت تقریبی در هر تن سنگ 2 گرم اورانیوم پیدا میشود. یعنی از « زر طلا » 400 مرتبه فراوانتر است اما خیلی پراکنده . بدین منظور در سال 1945 در آزمایشگاهی در شهر « لوس آلوس » تحت نظر فزیکدان امریکائی « رابرت او پنهایمر » مقدار کافی اورانیوم برای ساخت بمب جمع شده بود .

چون آزمودن چنین تجربه ای در مقیاس کوچک ناممکن بود. چرا با منفجر کردن بمب بوم از وقوع حالت بحرانی و تولید ضایعات ناشی از آن ، از قبل قابل درک و پیش بینی بود. ونخستین بمب اتمی در سال 1944 در جریان جنگ دوم جهانی در امریکا ساخته و آزمایش شد. وبه تعقیب آن شوروی سابق در سال 1949 دارای بمب اتمی شد .

امریکا تنها کشوری است که از این بمب در شهر های (هیروشیما و ناگازاکی) جاپان استفاده نظامی کرده است . امریکا در سال 1945 دو بمب اتمی را تهیه کرد که یکی بمب اورانیوم بنام پسرک با طول سه مترو شصت سانتی وبه وزن 4/5 تن ، ودیگری مرد چاق که مواد ترکیبی پلوتونیم هم داشت .

در سال 1945 میلادی زمان حاکمیت رئیس جمهور (هیری اس. ترومن 1884 - 1972) ، امریکا با پرتاب این دوبمب اتمی بالای شهر های (هیروشیما و ناگازاکی) جاپان ، موفق گردید که 160000 کشته در یک روز دست آورد داشته باشد. و بیش از دوبرابر این عده ، در طول زمان ، در اثر جراحات ناشی از بمب از بین رفتند . واین عمل عاری از انسان گرایی ودور از سنجیه اخلاقی ، بمتابه لکه ننگ ابدی در چهره سیاسی ایالات متحده امریکا باقی خواهد ماند.



شکل (3)

در سال 1945 بصورت گُل سه بمب اتمی ساخته شده بود. با گذشت زمان قدرت های بزرگ جهان (امریکا و شوروی سابق و اقمار ایشان) در سال 1962 موفق به تولید 2000 بمب اتمی و در سال 1990 نزدیک به 56000 بمب اتمی گردیدند .
 قرار احصائیه دست داشته تا سال 1990 میلادی از مجموعه این 56000 عدد بمب اتمی 54880 عدد آن در اختیار امریکا و شوروی سابق ، و 1120 عدد آن در اختیار کشور های : بریتانیا ، فرانسه ، چین و هندوستان قرار داشتند .

روند شناخت و استفاده باری از اورانیوم :

شناخت اورانیوم به کیمیادان آلمانی « مارتین هنریچ کلاپرس » اختصاص داده شده ، که این عنصر را در سال 1789 بگونه قسمتی از « کانی » که آنرا (pitchblende) نامید کشف شد. این عنصر در سال 1841 به صورت فلز جداگانه توسط (ایوگنی میلشویور پلیگوت) استفاده شد .

در سال 1897 (هینری بکیریل) فزیکدان فرانسوی برای اولین بار به خاصیت « رادیواکتیویته » آن پی برد.

در آغاز قرن بیستم تحقیقات برای یافتن معادن « رادیواکتیو » در ایالات متحده آغاز شد . و در جریان جنگ جهانی دوم « عنصر اورانیوم » به مقصد اهداف دفاعی اهمیت پیدا کرد. در سال 1943 حاکمیت امریکا کنگره ای را در « کلرادو » به منظور استفاده نیروهای جنگی از « قدرت اتمی » در پروژه « منهیتین » تشکیل داد. این کنگره در 1946 کمیسیون انرژی اتمی را بوجود آورد . و در اواخر 1970 دولت امریکا تهیه اورانیوم خود را تکمیل کرد.

در سال 2001 صاحبان « راکتور های هسته ای غیر نظامی امریکا » از

این کشور و منابع خارجی 213000 تن اورانیوم به مبلغ 562107000 دلار خریداری کردند. و همچنان در همین سال ایالات متحده 1018 تن اورانیوم از هفت عملیات معدنی در غرب میسیسیپی تولید کرد . کشور های بزرگتر اورانیوم بیشتری در مقایسه با کشور های کوچکتر تولید میکنند . کشور استرالیا ذخایر بسیار زیادی از این عنصر دارد که تقریباً 30 فیصد ذخایر دنیا را شامل میشود .



شکل (4)

اورانیوم بر اصل داشت خاصیت کیمیاوی اش یک عنصر خیلی سنگین میباشد. و در تولید جنگ افزار ها بکار گرفته میشود ، مثلاً اورانیوم خالی برای ساخت محافظه تانکها محاربوی وساخت قسمتهایی از موشکها و ادوات جنگی استفاده می شود. از همین اورانیوم غنی شده برای سوخت کشتی ها و زیر دریایی های جنگی و سلاحهای هسته ای کار می گیرند .

مهمترین استفاده بری از اورانیوم در ساحات ملکی ، تولید سوخت دستگانهای نیروی هسته ای است . و در چرخ بالها ها و هواپیما ها به عنوان وزن متقابل بر هر بار استفاده میشود.

در عرصه تولید نیز استفاده وسیع صورت میگیرد چنانیکه لعاب ظروف سفالی از مقدار کمی اورانیوم طبیعی تشکیل شده است . که این عنصر برای اضافه کرن رنگ با آن اضافه میشود. و برای تخمین سن سنگهای آتشفشانی ... و لا غیر مورد استفاده قرار میگیرد .

خطرات جانبی اورانیوم :

تمام ترکیبات اورانیوم سمی و رادیو اکتیو (پرتوزا) هستند. سمی بودن این عنصر در مقادیر بسیار کم برزنده جان میتواند کشنده و آسیب رساننده باشد. ترکیبات اورانیوم به سختی جذب روده و ریه میشوند و خطرات رادیولوژیکی (پرتوشناسی) آن باقی میماند. فلز خالص اورانیوم نیز خطر آتش سوزی به همراه دارد. جذب روزانه اورانیوم در غذا 0.07 تا 1.1 میکرو گرم میباشد. مقدار اورانیوم در هوا خیلی ناچیز است. افرادی که در کنار تاسیسات هسته ای دولت ویا معادن استخراج اورانیوم زندگی میکنند بیشتر در معرض این عنصر قرار می گیرند. ورود اورانیوم به بدن انسان ممکن است که موجب بیماری سرطان شود.

منابع و مأخذ

- 1- کتاب « صد سال وقایع قرن 20 » ، سال چاپ : 2000 م. ناشر (ADAC ، گوترسلو - آلمان ، دریک جلد شامل 1264 صفحه ، به زبان آلمانی.
- 2- فرهنگ بزرگ راوینس بورگر ، مؤلف : آلریک هوس والد و گورنیلوس ریتنگ ، شرکت چاپ : اتو مایرسال 1992 م. ، در چهار مجلد ، به زبان آلمانی.
- 3- تاریخچه زمان ، مؤلف : استفن ویلیام هاوکنگ ، ترجمه : حبیب الله داد فرما ، در 241 صفحه.
- 4- فرهنگ فارسی ، مؤلف : دکتر محمد مُعین ، در شش مجلد ، چاپ یازدهم سال 1376 ، تهران - ایران .
- 5- Uranium - WebElements.com
- 6- Uranium - EnvironmentalChemistry.com
- 7- <http://www.eia.doe.gov/fuelnuclear.html>
- 8- <http://www.uic.com.au>

بخش سوم :

قسمت دوم - پیدایش کیهان شناسی در علم نجوم

کلمه نجوم از دو واژه یونانی، (آسترون) به معنای ستاره و (نوموس) به معنای قانون گرفته شده است. دانش و علم نجوم در واقع بررسی حرکات، ساختار، تکامل و سرنوشت اجرام آسمانی است. علم نجوم در مسیر تحول خود به کشف بسیاری از قوانین حاکم بر اجرام آسمانی نایل آمده است. ولی باید گفت که کار تحقیق و پژوهش در این باره هرگز پایان پذیر نیست. زیرا با پیشرفت تکنولوژی (فناوری) ، در هر زمان به اسرار تازه ای از جهان آفرینش دست می یابیم .

علم نجوم عبارت است از مطالعه و شناخت تکامل طبیعی و مادی اجرام و اجسام آسمانی در هر زمان و مکان معین. و بازیافتی سرشت جهان آفرینش ، کشف و پیدایی قوانین ارتباط و ماهیت مادی آنها ست. که به این ترتیب نجوم با مباحث علوم نظری و فلسفی پیوند عمیق پیدا می کند علم نجوم منقسم است به :

- 1- هیئت و نجوم (Astronomy) ،
- 2- اختر فیزیک (Astrophysics) ،
- 3 - طالع بینی (Astrology) ،
- 4 - کیهان زایی (Cosmogony) ،
- 5- کیهان شناسی (Cosmology) .

کیهان شناسی که شاخه ای از دانش فزیک مدرن است همگون با اسلوب شناخت فلسفی و دیدگاه‌های جویندگی، رازهای ناگشوده و سر به مهر جهان و کاشفان حقیقت‌های نامکشوف و ناشناخته هستی‌اند. ایندو همرا با شاخه‌های مختلف درخت معرفت، شناخت بشری را تشکیل می‌دهند. این‌ها همگی در مسیر‌هایی پیش می‌روند که در بی‌نهایت به یکدیگر میل می‌کنند و هم راستا و هم سو می‌شوند، پس شاخه‌هایی از آگاهی بشری هستند که از دید کلی به موازات هم امتداد یافته‌اند. همگی آن‌ها کنجکاوانه جویای رازهای نامکشوف کائنات و در تلاش مستمر برای روشن ساختن تاریکی‌های عرصه‌های نه‌چندان روشن آگاهی و پرتو افکندن بر کدورت‌ها و تیرگی‌های حوزه‌های هنوز به حیطه‌ی شناخت درنیامده و ناشناخته‌اند.

کیهان شناسی که به مطالعه تکوین و تکامل کیهان می‌پردازد. در این علم سعی بر این است تا با اعمال قوانین فیزیکی بر کیهان که به صورت یک منظومه بسته فیزیکی در نظر گرفته می‌شود، تحول آن به صورت روابط ریاضی استخراج شود.

کیهان شناسی دانش بررسی ساختار کلان و تاریخ کیهان است. این دانش بویژه به جستارهای مربوط به خاستگاه جهان می‌پردازد. اخترشناسی، فلسفه و دین شاخه‌هایی هستند که به امر کیهان شناسی می‌پردازند. (1) پروفیسور سمراتین استاد تحقیقات انجمن سلطنتی در دانشگاه کمبریج

انگلیستان ، عضو انجمن سلطنتی و عضو اکادمی ملی علوم ایالات متحده و اکادمی روسیه ، و رئیس یکی از پیشگامان کیهان شناسی در جهان است میگوید :

شش عدد بر کل جهان حاکم است که از زمان انفجار بزرگ (Bigbang) اولیه شکل گرفته اند . چیزی که جهان ما را از سایر جهان ها متمایز می کند ممکن است همین شش عدد باشد .

یک - عدد کیهانی « امگا » نشان دهنده مقدار ماده - کهکشان ها، گازهای پراکنده و « ماده تاریک » - در جهان ماست.
امگا اهمیت نسبی جاذبه و انرژی انبساط در جهان را به ما ارائه می دهد جهانی که امگای آن بسیار بزرگ است، بایستی مدت ها پیش از این در هم فرورفته باشد، و در جهانی که امگای آن بسیار کوچک است، هیچ کهکشانی تشکیل نمی شود. « تئوری تورم انفجار بزرگ » می گوید، امگا باید يك باشد؛ هر چند اخترشناسان در پی آن اند که مقدار دقیق آن را اندازه بگیرند .

دو - « اسیلون » بیانگر آن است که هسته های اتمی با چه شدتی به یکدیگر متصل شده اند و چگونه تمامی اتم های موجود در زمین شکل گرفته اند. مقدار « اسیلون » انرژی درخشان شده از آفتاب را کنترل می کند و از آن حساستر اینکه، چگونه ستارگان، هیدروژن را به تمامی اتم های جدول تناوبی تبدیل می کنند، به دلیل فرآیندهایی که در ستارگان روی می دهد، کاربن و اکسیژن عناصر مهمی محسوب می شوند ولی طلا و اورانیوم کمیاب هستند. اگر مقدار اسیلون 006/ یا 008/ بود ما وجود نداشتیم.

عدد کیهانی (e) تولید عناصری را که باعث ایجاد حیات می شوند - کاربن، اکسیژن، آهن و... یا سایر انواع که باعث ایجاد جهانی عقیم می شود را کنترل می کند .

سه - اولین عدد مهم تعداد « ابعاد فضاء » است. ما در جهانی سه بعدی زندگی می کنیم .
اگر (D) امتدادات ثلاثه = طول ، عرض ، ارتفاع) برابر دو یا چهار می بود امکان تشکیل حیات وجود نداشت.
البته زمان را می توان بُعد چهارم فرض کرد ، اما باید در نظر داشت بُعد چهارم از لحاظ ماهیت با سایر ابعاد تفاوت اساسی دارد چرا که این بُعد همانند تیری رو به جلو است، ما فقط می توانیم به سوی آینده حرکت کنیم .

چهار - چرا جهان پیرامون ، این چنین وسیع است که در طبیعت عدد مهم و بسیار بزرگی وجود دارد .
(N) نشان دهنده نسبت میان نیروی الکتریکی است که اتم ها را کنار یکدیگر نگاه می دارد و نیروی جاذبه میان آنهاست. اگر این عدد فقط چند صفر کمتر می داشت، فقط جهان های مینیاتوری کوچک و با طول عمر کم می توانست به وجود آید. هیچ موجود بزرگ تر از حشره نمی توانست به وجود آید و زمان کافی برای آنکه حیات هوشمند به تکامل برسد در اختیار نبود .

پنج - هسته اولیه تمام ساختارهای کیهانی - ستاره ها، کهکشان ها و خوشه های کهکشانی - در انفجار بزرگ اولیه تثبیت شده است. ساختار یا ماهیت جهان به عد (Q) که نسبت دو انرژی بنیادین است، بستگی دارد. اگر (Q) کمی کوچک تر از این عدد بود جهان بدون ساختار بود و اگر (Q) کمی بزرگ تر بود، جهان جایی بسیار عجیب و غریب به نظر می رسید، چرا که تحت سیطره سیاه چاله ها قرار داشت .

شش - اندازه گیری « عدد لاندا » در بین این شش عدد، مهم ترین خبر علمی سال 1998 بود، اگرچه مقدار دقیق آن هنوز هم در پرده ابهام قرار دارد.

يك نیروی جدید نامشخص - نیروی « ضد جاذبه » کیهانی - میزان انبساط جهان را کنترل می کند. خوشبختانه عدد لاندا بسیار کوچک است. در غیر این صورت در اثر این نیرو از تشکیل ستارگان و کهکشان ها ممانعت به عمل می آمد و تکامل کیهانی حتی پیش از آنکه بتواند آغاز شود، سرکوب می شد .

اگر هرکدام از این اعداد با مقدار فعلی آن کمی فرق داشت، هیچ ستاره، سیاره یا انسانی در جهان وجود نداشت. قوانین ریاضی عامل تحکیم ساختار جهان است. این قاعده فقط شامل اتم ها نمی شود، بلکه کهکشان ها، ستاره ها و انسان ها را نیز در برمی گیرد. (2)

به گزارش نشریه نیچر ، گروهی از اختر فیزیکدانان با مدل سازی نحوه عملکرد و تحول انرژی تاریک (انرژی نامرئی ای که موجب انبساط عالم پس از انفجار بزرگ می شود) به این نتیجه رسیده اند که نیروی این انرژی باعث خواهد شد جهان ما حداقل 24 میلیارد سال پس از این نیز پایدار باقی بماند. این در حالی است که بررسی های پیشین نشان از آن داشت که جهان ما تنها تا حدود 11 میلیارد سال دیگر پایدار خواهد ماند. به این ترتیب شبیه سازی جهان ، سن عالم را تا چندین میلیارد سال افزایش داده است. قابل ذکر است براساس آخرین تحقیقات ، جهان در حال حاضر در حدود 14 میلیارد سال دارد ؛ اگرچه کیهان شناسان بر سر این عدد توافق قطعی ندارند. (3)

ساکنان زمین قرن‌ها بر این باورند که منظومه شمسی دارای شش سیاره است. با پیشرفت های علمی در قرون نوزدهم و بیستم بر شمار این سیارات اضافه شد و تعداد آنها به 9 افزایش یافت. که عبارت اند از :

یک - سیاره تیر یا عطارد (میر کور)

تیر، نزدیکترین سیاره به خورشید است. این سیاره کوچک و صخره ای، اتمسفر ندارد. تیر، مداری بیضوی دارد و حرارت آن بسیار متغییر است .

سرعت حرکت تیر بگونه میانگین در هر ساعت نزدیک به 47 / 9

کیلو متر میباشد ، تیر در ظرف 58 / 65 روز یک مرتبه بدور محور خود میچرخد . و در مدت زمان 87 / 97 روز یک بار بدور آفتاب گردش میکند . یک سال در تیر ، 87/97 روز زمین است. یعنی 87/97 روز زمین طول می کشد تا تیر یک بار به دور خورشید بچرخد. قطر تیر 4879 کیلومتر است. (4)



ش - 1 (5)

جرم تیر حدود (0 . 0 55) یعنی 3/3 در ده به توان بیست و سه کیلوگرم است که حدود یک بیستم جرم زمین می باشد. قوه جاذبه تیر 38% قوه جاذبه زمین است. یک انسان روی زمین صد کیلو گرم باشد روی تیر 38 کیلو گرم وزن دارد .
درجه حرارت در سطح تیر به 360 درجه سانتی گراد سنجش شده ،
اتمسفر کم ضخامت تیر شامل مقادیر اندکی هیدروژن و هلیم

است. فشار اتمسفر فقط حدود يك در ده به توان منفی نه میلی بار است که نسبت به فشار اتمسفر زمین، کسر بسیار کوچکی است. از آنجایی که اتمسفر بسیار کم ضخامت است، آسمان حتی در طول روز هم سیاه به نظر می رسد.

تیر در سالهای 1973 و 1974 توسط فضایی ناسا « مارینر 10 »، بررسی شد. کمتر از نصف سطح تیر، توسط این فضایی نقشه برداری شد. وبه اساس برداشت هاو مشاهدات تحقیقی « ناسا » در تیر چهار فصل وجود ندارد. معلوم است که فصلها در اثر انحراف محور نسبت به مسیر حرکت سیاره ایجاد می شوند. از آنجا که محور تیر بر مسیر حرکتش کاملاً عمود است (مورب نیست) در تیر فصلی وجود ندارد.

دو - زهره (وینوس)

زهره دومین سیاره نزدیک به خورشید است و داغترین سیاره منظومه شمسی می باشد. این سیاره بوسیله ابرهایی از اسید سولفوریک پوشیده شده است که گرمای آفتاب را جذب می کنند. اتمسفر ضخیم آن از دی اکسید کاربن تشکیل شده است.

انسان، در اتمسفری این سیاره، احساس خفگی می کند. درجه حرارت سطح زهره به 480 درجه سانتی گراد میرسد. قطر زهره حدود (12104 کیلومتر) است. قطر آن حدود 95% قطر زمین است. اندازه و جرم زهره بیشتر از سیارات دیگر به زمین نزدیک است.



شکل - 2

گردش سیاره زهره خیلی بپی است. هر روز زهره ، به اندازه $243/16$ روز زمین طول می کشد. یک سال زهره ، مساوی است به $224/70$ روز زمین . یعنی $224/70$ روز زمین طول می کشد تا زهره یکبار به دور آفتاب بچرخد .
فاصله زهره از آفتاب در حدود (1082 میلیون کیلومتر) میباشد .

سه - سیاره زمین

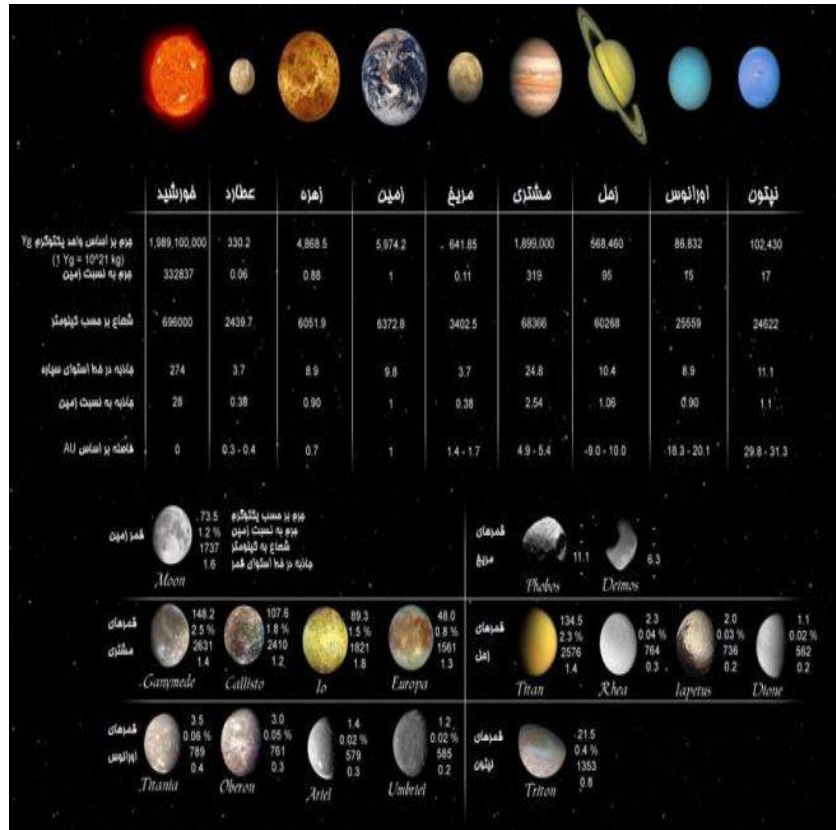
زمین از لحاظ فاصله ، سومین سیاره از آفتاب می باشد. قطر زمین 12756 کیلو متر است. فاصله زمین از آفتاب $149/6$ میلیون



سیاره زمین

کیلو متر میباشد. سرعت حرکت زمین در فی ساعت $29/8$ کیلو متر است. و دارای یک قمر است. زمین تنها سیاره شناخته شده می باشد که مساعد به تأمین ادامه حیات است. آب (H_2O) به شکل اقیانوسها، تقریباً حدود 70 درصد سطح زمین را پوشانده که عنصر با ارزش و حیاتی در روی زمین به حساب می رود. و 30 درصد باقیمانده شامل خشکی می باشد. در روی زمین بیشتر از ده میلیون گونه از چیز های زنده وجود دارد. که انسان یکی از آنها است. که اکنون زیاتر از 7 میلیارد انسان روی زمین زندگی میکند.

معلوم است که هر موجود زنده در دایره غذایی برای زنده ماندن به همدیگر وابسته هستند. بدین وسیله نگهداری عاقلانه از این سیاره رسالت همگانی است.



شکل - 3

چهارم - مریخ (مارس) سیاره سرخ

مریخ، سیاره سرخ، چهارمین سیاره از سمت آفتاب و شبیه ترین سیاره به زمین است. اندازه آن تقریباً نصف اندازه زمین است، سطح آن خشک و صخره ای بوده و اتمسفر آن بسیار کم ضخامت است. سطح مریخ، خشک، صخره ای و عمدتاً پوشیده از گرد و غبار غنی از آهن است. در نیمکره شمالی آن حوضه های پستی وجود دارد اما نیمکره جنوبی در اثر برخورد شهاب سنگها، پوشیده از کراتر (گودی ایجاد شده بوسیله بمب یا سنگ آسمانی و غیره) است. زمین مریخ یخ زده است. این یخبندان دائمی تا کیلومترها ادامه دارد.



شکل - 4

طرحی از مریخ که از کنار هم قرار دادن چهار عکسی که تلسکوپ فضایی هابل، در سال 1999 گرفته است، به وجود آمده است. در بالا سمت چپ، نزدیک قطب وفانی قابل مشاهده است. قطبهای شمال و جنوب مریخ، پوشیده از کلاهکهای یخی هستند که از دی اکسید کربن و آب منجمد تشکیل شده است.



شکل - 5

جرم مریخ حدود 6/42 در ده به توان بیست و سه، یعنی يك نهم جرم زمین است. قوه جاذبه مریخ مساوی است به 0/38، یعنی یک شخص دارای صد کیلوگرم وزن، در روی مریخ تنها 38 کیلو گرام خواهد بود.

سرعت حرکت مریخ در فی ساعت 1/24 کیلو متر می باشد. مریخ در ظرف 24 ساعت و 38 دقیقه و 23 ثانیه یک بار بدور محور خود میچرخد. یک سال در مریخ برابر به 90 / 779 روز زمین است. یعنی این مدت طول می کشد تا مریخ یک دور حول خورشید بچرخد. و 227/9 میلیون کیلو متر از آفتاب فاصله دارد دارای دو قمر کوچک بنام (فوبوس و دیموس) است . (6)

اتمسفر مریخ بسیار کم ضخامت است و اکسیژن در آن وجود ندارد. و شامل 95% دی اکسید کاربن ، 3% نایتروژن است .

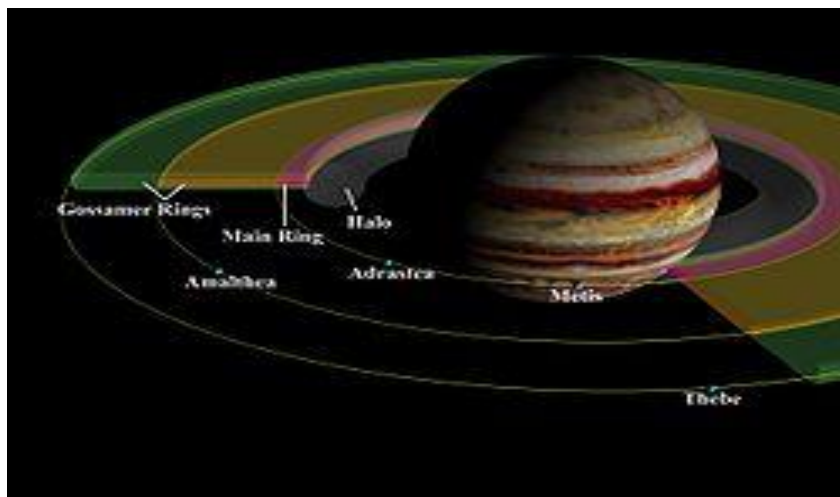
حرارت سطح مریخ منفی 23 درجه سانتی گراد است و از زمین سرد تر میباشد .

پنجم - مشتری (یو پیتر)

مشتری، پنجمین و بزرگترین سیاره منظومه شمسی است. دارای اتمسفر ضخیمی میباشد. دارای 16 قمر است .

مشتری ، عمدتاً از گاز تشکیل شده است. این سیاره بزرگ، دو برابر گرمایی که از خورشید جذب می کند، از خود نور ساطع می کند. به علاوه میدان مغناطیسی بسیار قوی دارد. مشتری در قطبین پهن می شود و در استوا محدب است .

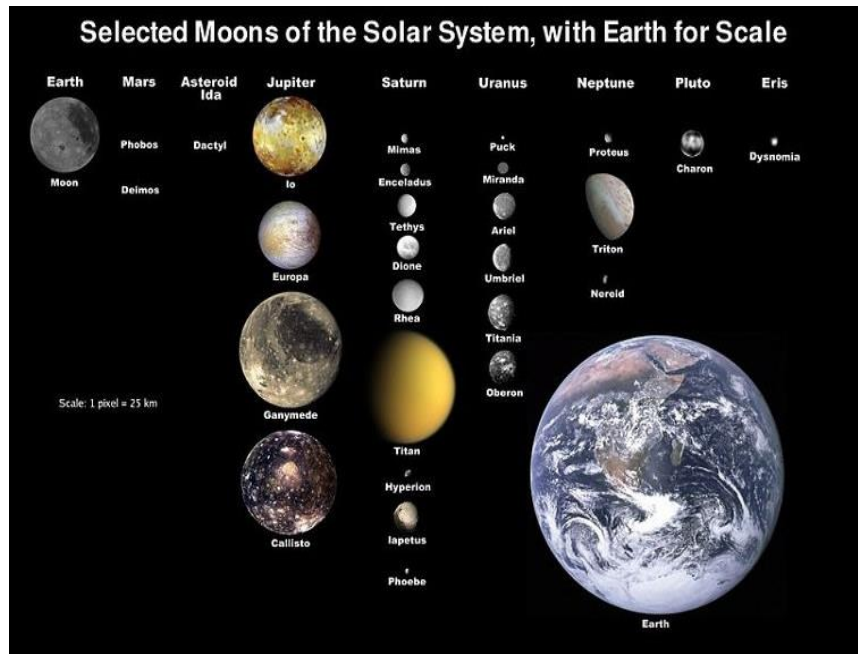
اندازه قطر مشتری (142884 کیلومتر) است که اندکی بیشتر از 11 برابر قطر زمین است .



شکل - 6

جرم مشتری، حدود $1/9$ در ده به توان بیست و هفت کیلوگرم است. اگر چه این جرم 318 برابر جرم زمین است، اما قوه جاذبه مشتری تنها $2\%/64$ جاذبه زمین می باشد. این به علت بزرگی مشتری است (نیروی جاذبه که يك سیاره در سطح به جسم وارد می کند، متناسب با جرم آن بوده و با شعاع آن سیاره رابطه عکس دارد). بدین مناسبت یک انسان صد کیلو گرم روی مشتری 264 کیلوگرم وزن دارد .

سرعت گردش مشتری در فی ساعت مساوی است به $1/13$ کیلو متر . بدینسو 9 ساعت و 50 دقیقه و 30 ثانیه زمین طول می کشد تا مشتری يك

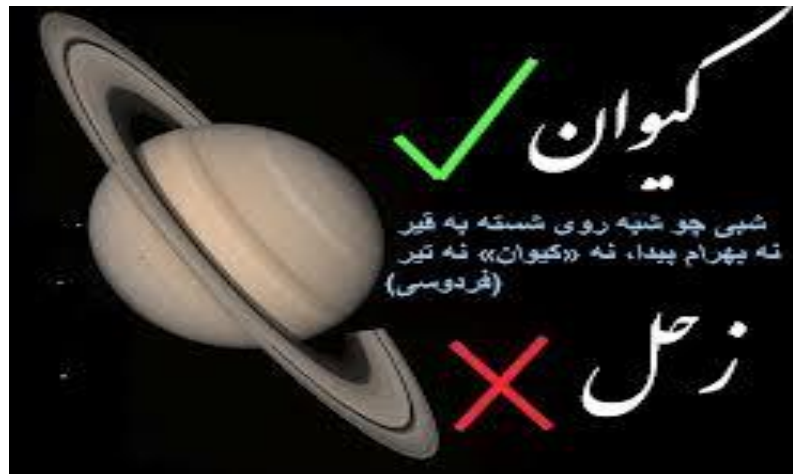


شکل - 7

دور حول محورش بچرخد. در 11/88 سال زمین طول میکشد تا یک بار مشتری بدور آفتاب بچرخد. مشتری (77830000) کیلو متر از آفتاب فاصله دارد .
در مشتری فصول وجود ندارند. فصلها در اثر انحراف محور چرخش به وجود می آیند و محور چرخش مشتری، فقط 3 درجه انحراف دارد. این انحراف برای ایجاد فصلها کافی نیست .

ششم - زحل (کیوان)

کیوان ششمین سیاره در منظومه شمسی می باشد . و بعد از مشتری دومین سیاره بزرگ یاد میشود. کیوان بیشتر از همه از هیدروژن و گاز هلیم تشکیل یافته است . کیوان بدون استفاده از تلسکوپ قابل مشاهده می باشد اما يك تلسکوپ با توان پایین برای دیدن حلقه های آن مورد نیاز است .



شکل - 8

کیوان قطر آن برابر به 536 ، 120 کیلو متر است. جرم کیوان حدود 95 / 00 است. بنا بر آن 95 بار از جرم زمین کمتر می باشد جاذبه کیوان تنها 1 / 16 دفعه از جاذبه زمین است به این دلیل کیوان یک سیاره بزرگ است. فاصله کیوان از آفتاب 1427 / 0 میلیون کیلو متر است. و درجه حرارت سطح آن منفی 180 درجه سانتی گراد می باشد .



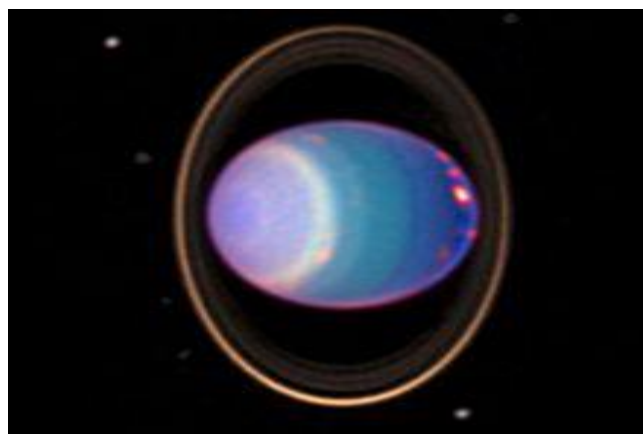
شکل - 9

کیوان دارای سرعت گردش 9 / 6 در فی ساعت می باشد و در جریان 39 / 10 دقیقه به حول خود میچرخد و بعد از 29 / 46 سال یک مرتبه بدور آفتاب گردش میکند . و دارای 23 قمر می باشد .

هفتم - سیاره اورانوس

اورانوس هفتمین سیاره منظومه شمسی می باشد . دارای قطر 51118 کیلو متر بوده و فاصله آن از آفتاب 6 / 2869 میلیون کیلو متر است. درجه حرارت سطح این سیاره به منفی 214 سانتی گراد میرسد. وینام سیاره بزرگ یخی مسمی است که با ابر ها پوشیده شده است و بوسیله یک کمر بندی از 11 حلقه و 22 قمر مشخص احاط شده اند . رنگ آبی اورانوس بدلیل وجود « گاز متان » در جو می باشد ، این مالیکول رنگ سرخ روشن را جذب می کند .

اورانوس این سیاره گازی منجمد بایک هسته مذاب می باشد ، جو اورانوس شامل 83 % هیدروژن ، 10 % هیلیم و 2 % متان است .



شکل - 10

قوه جاذبه اورانوس مساوی به 93 % قوه جاذبه زمین است. بدین اساس شخصی با صد کیلو گرم در سطح اورانوس 93 کیلو گرم وزن میشود. سرعت گردش اورانوس در فی ساعت برابر است به 6/8 کیلو متر ، . بدین اصول در 17 ساعت و 14 دقیقه یک بار بدور محور خود و در (84/01) سال یکبار بدور آفتاب میچرخد .

هشتم - سیاره نپتون

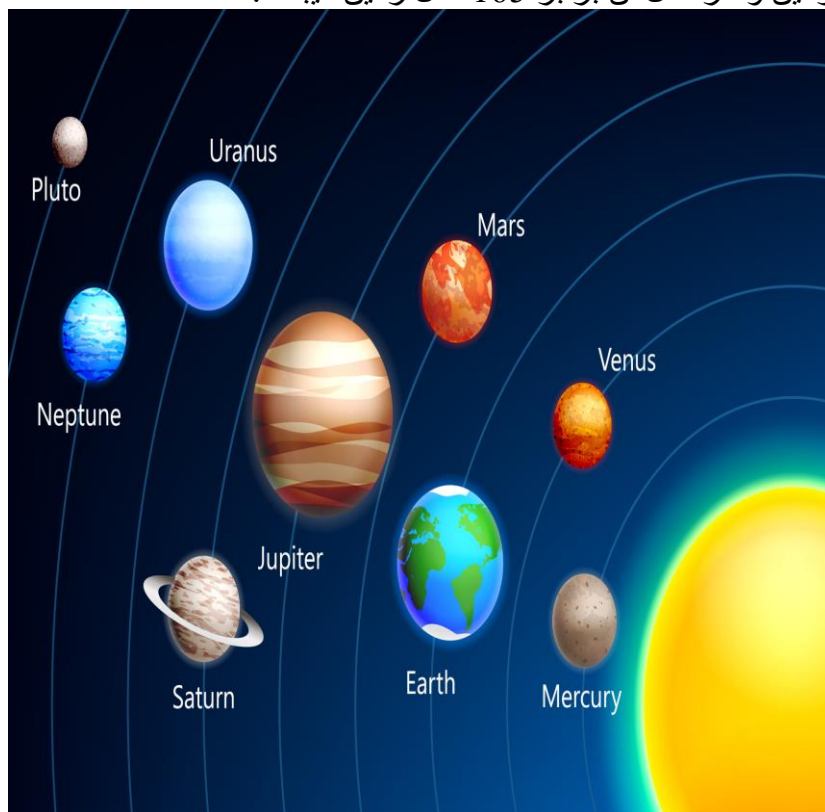
نپتون هشتمین سیاره از خورشید در منظومه شمسی می باشد. این سیاره بسیار بزرگ و بسیار سرد و یک (جو) مه آلود و بادهای قوی دارد. این گاز بوسیله هشت قمر حلقه های اندکی که در دسته هایی گذاشته شده اند مدار را دور می زند. رنگ آبی نپتون به دلیل متان در جو می باشد .

(7)



شکل - 11

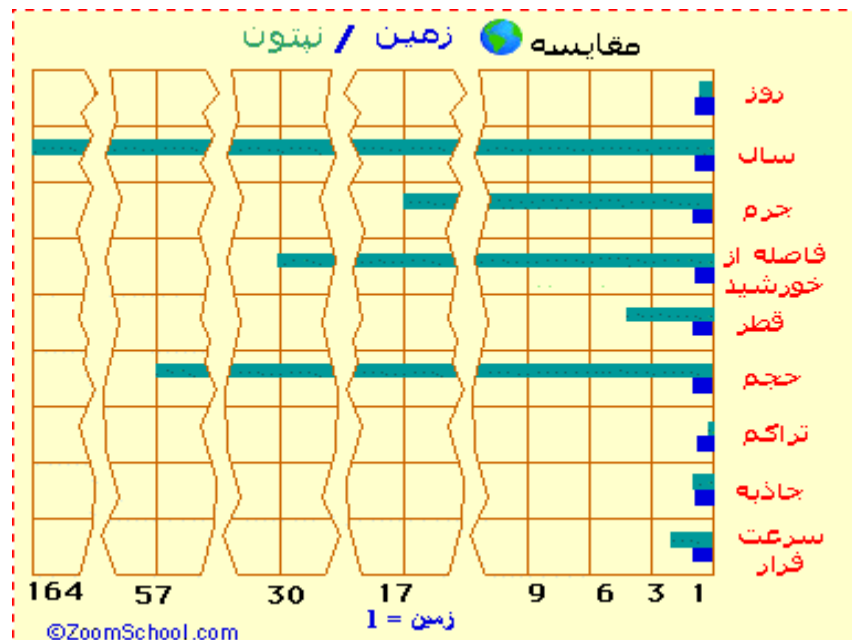
اتمسفری سیاره نیپتون خیلی سرد و یخی و هر روز آن برابر 16 ساعت زمین و هر سال آن برابر 165 سال زمین می باشد.



شکل - 12

قطر نپتون در حدود 50538 کیلو متر میباشد. چهارمین سیاره بزرگ در منظومه شمسی می باشد. فاصله آن از آفتاب 4496/7 میلیون کیلومتر است. محور دورانی نپتون 30 درجه به طرف مدارش اطراف آفتاب کج می شود (این درجه اندک بیشتر از خورشید می باشد). آن به فصلهای نپتون داده می شود. هر فصل 40 سال طول می کشد قطبها در تاریکی یا روشنایی برای 40 سال ثابت هستند . جرم نپتون حدود $1026 * 102$ کیلوگرم می باشد ، و آن بیشتر از 17 بار جرم زمین است . قوه جاذبه در نپتون 0/2 برابر زمین است.

مقایسه نپتون و زمین



<http://020.ir> / نپتون / سیاره-نپتون

شکل - 13

(نیروی جاذبه ای در یک سیاره به روی یک ماده در سطح سیاره متناسب با جرمش و عکس شعاعش به کار گرفته می شود) که در آنصورت شخص صد کیلو گرم در سطح نیپتون 120 کیلو گرم وزن دارد، ودرجه حرارت سطح این سیاره منفی 220 تخمین شده است. سرعت گردش نیپتون در هر ساعت $5/4$ کیلو متر است . در 16 ساعت و 3 دقیقه بدور خود میچرخد و در $164/80$ سال یک بار به حول آفتاب گردش مینماید. و دارای 8 قمر می باشد. نیپتون دور ترین سیاره از آفتاب است و در حدود 30 ساعت دورتر از آفتاب نسبت به زمین میباشد .

نهم - سیاره پلوتون

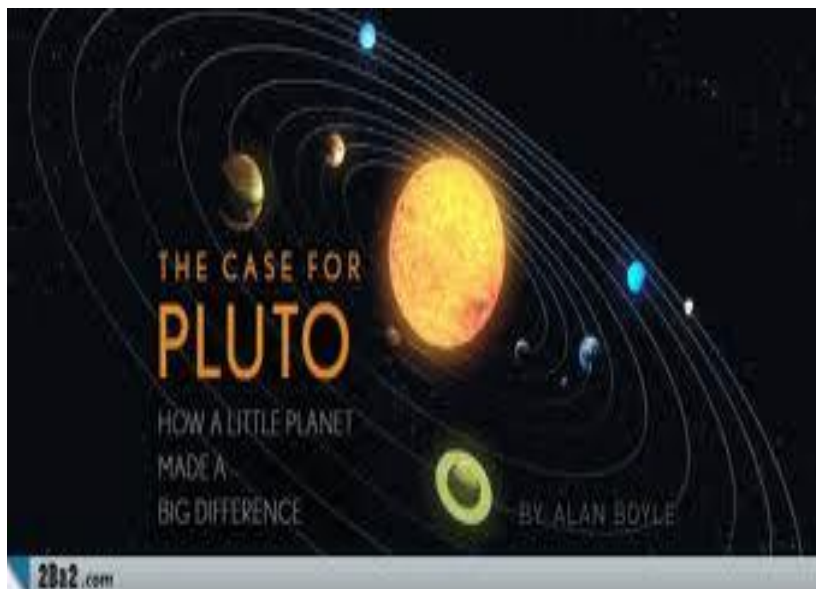
پلوتون دورترین سیاره و کوچکترین سیاره از آفتاب در منظومه شمسی می باشد . که اخیراً کشف شده است . پلوتون تنها سیاره ای در منظومه شمسی ما می باشد که بوسیله کدام فضا پیما دیده نشده است. این سیاره خیلی از ما دور واقع شده است. صرف عکس های مبهمی از سطح آن توسط (هوبل تلسکوپ فضا) که زمین را دور می زند گرفته شده موجود می باشد .



شکل - 14

قطر پلوتون حدود 2445 کیلو متر است. آن حدود 1.5 برابر قطر زمین می باشد. جرم پلوتون حدود 1.29×10^{22} کیلوگرم است. آن حدود 1.500 جرم زمین می باشد. جاذبه در پلوتون 0/05 جاذبه در زمین است.

سرعت گردش پلوتون 4/7 کیلو متر در ساعت می باشد. هر روزی در پلوتون 6 روز 9 ساعت در زمین را می گیرد. که بدور محور خود میچرخد. و 247/7 سال سپری می شود که پلوتون حول آفتاب یکبار دور می زند.



شکی - 15

پلو تون 39 بار نسب به زمین دورتر از آفتاب است . گاهی اوقات مدار نپتون در واقع بیرون از پلوتون است. آن به دلیل مدار بسیار غیر عادی پلوتون می باشد. از 21 جنری 1979 تا 11 فبریه 1999 پلو تون داخل مدار نپتون قرار داشته است. از حالا تا سپتامبر 2226 ، پلوتون بیرون مدار نپتون قرار دارد .

این سیاره در واقع توسط فضانورد آمریکایی « کلاید دبلیو تام بگ » در 1930 کشف گردیده و پلوتون نام گذاری شد .

پلوتون خیلی سرد می باشد و درجه حرارتش منفی 230 سانتی گراد تخمین گردیده است. پلوتون دارای یک قمر است بنام « چارون » که تقریباً به بزرگی خود پلوتون است.

منابع و مأخذ :

- 1 - از ویکی‌پدیا، دایرةالمعارف آزاد .
Jump to: navigation, search
- 2 - خبر <http://mrm.persianblog.com> :
آدرس مقاله به زبان انگلیسی :
<http://www.firstscience.com/site/articles/blackholes.asp>
- 3 - رجوع شود به سایت : انجمن دانشجویی بو علی سینا .
- 4 - فرهنگ بزرگ راوینس بورگر ، مؤلف : اُتو مایر راوینسبورگ ،
جلد چهارم ص 630 - 631 . بزبان آلمانی .
- 5 - اشکال فوق (از 1 تا 11) بر گرفت شده از سایت (<http://www.ngdir.ir> و <http://fa.wikipedia.org/wiki> و <https://www.google.de/search?q>
- 6 - فرهنگ بزرگ راوینس بورگر ، مؤلف : اُتو مایر راوینسبورگ ،
جلد چهارم ص 630 - 631 . بزبان آلمانی .
- 7 - همانجا . و جهت معلومات بیشتر رجوع شود به کتاب : تاریخچه
زمان ، نویسنده : استفن ویلیام هاوکنگ ، ترجمه و اقتباس : حبیب الله داد
فرما در 241 صفحه .

بخش سوم :

قسمت سوم - کشف فرضیه " بوزون هیگز "
معروف به « ذره ای خدا »
 4 جولای 2012 میلادی



پروفسور پیتر هیگز در تونل شتابدهنده سرن.
 ذره بوزون به نام این پروفسور بریتانیایی نامگذاری شده
 که اندیشه منشاء جرم را ارائه کرد

کشف بوزون هیگز شاید کوچکترین ذره ای که وجود همه چیز را توضیح دهد شگفت آورترین کشف قرن باشد . بر اصل داده های فزیک نظری واضح است که ، سیاره ها ، ستاره ها ، زمین ، حیات بشری و همه آنچه قابل مشاهده است ازین ذرات بنیادی تشکیل یافته است . این ذره کشف شده میتواند به هستی و کیهان معنا بخشد.

بوزون هیگز براستی چه است؟؟؟ . « جان ایلیس » یکی از فزیکدانان مرکز پژوهش‌های هسته‌ای اروپا سرن ، توضیح می‌دهد که : بوزون هیگز آخرین ذره در مدل استاندارد است ، مدل استاندارد هر آن چیزی را که در گیتی می‌بینیم توضیح می‌دهد . شما ، من ، ستارگان ، کهکشان و تمامی مواد با مدل استاندارد توضیح داده میشود. و توضیح آنها تنها از طریق بوزون هیگز ها معنا پیدا می‌کند .

این نظریه مبتنی برین است که ذرات ، فوتون ، پروتون ، لپتون ، الکترون بخودی خود جرمی ندارند و با سرعت نور شناور در حرکت اند. برخورد این ذرات با ذره بوزون هیگز ماده را می‌سازند .

خلاء که در واقع خالی نیست پَر از این ذرات بوزون است و میدانی از هیگز ها را تشکیل می‌دهد و مانند چسپی عمل می‌کند که سرعت تحرک ذرات را گرفته و به آنها جرم می‌دهد.

تصور کنید یک شخص معمولی در خیابانی در حال تردد است . کسی متوجه آن نیست ، این در واقع فوتون است بدون جرمی .

حال نه یک شخص عادی بلکه یک شخص مشهور را تصور کنید که در حال گذشتن از خیابان است مجموعه ای از عکاسان دور او را احاطه خواهند کرد. شخص مشهور ذره است و عکاسان میدان " هیگز " را تشکیل می‌دهند از سرعت او کاسته می‌شود و یک توده قابل مشاهده را تشکیل می‌دهند.

برای آشکار کردن "بوزون هیگز" ها فزیکدانان از سال 2008 برخوردار ذرات را در قدرتمندترین شتابدهنده ذرات جهان شدت بخشیدند. این شتابدهنده آنچه پس از انفجار بزرگ "بیگ بنگ" رویداده را شبیه سازی میکند. آنها میلیارد ها ذره را به حرکت در می آورن و به رده یابی آثار بجا مانده بوزون ها می پردازند.

این کشف گام بزرگ در مسیر درک اسرار گیتی است. و بر اساس تخمین ها چهار درصد قابل مشاهده هستی را توضیح می دهد. اما راز سیاه چالها و انرژی های سیاه که با سرعت غیر قابل تصور کهکشان هارا از یکدیگر دور میکند هنوز در پرده ای از ابهام است.

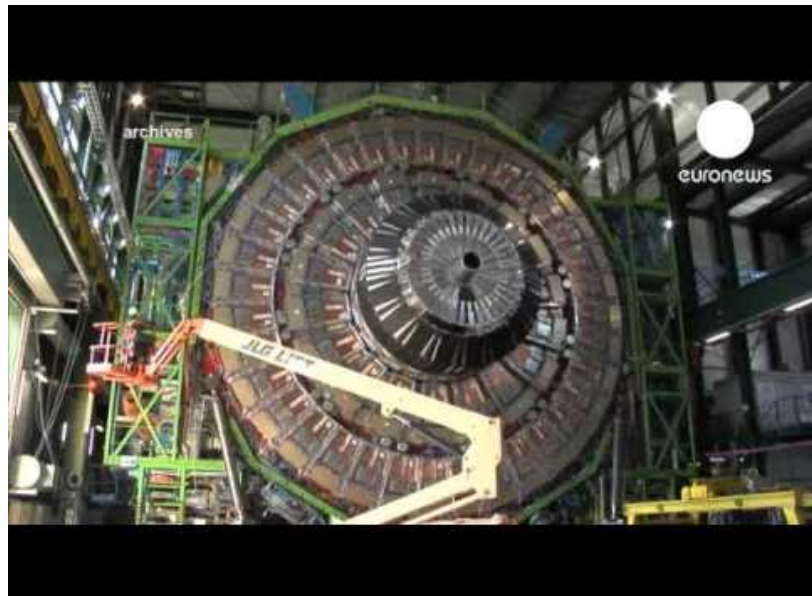
بر اساس نظریه موسوم به مدل استاندارد، تمام مواد از ذراتی بنیادی ساخته شده اند: شش کوارک و شش لپتون.

کوارکها به عنوان نمونه پروتونها و نوترونها را شکل می دهند و لپتونها هم به عنوان مثال الکترونها و نوترینوها را (نوترینو لپتون بدون بار است). فزیکدان ها فکر می کنند کوارکها و لپتونها را نمی توان به اجزای کوچکتری خرد کرد.

دانشمندان چهار نیروی بنیادی طبیعت را هم نیروی هسته ای ضعیف، نیروی هسته ای قوی، جاذبه یا گرانش و نیروی الکترو مغناطیسی می دانند.

بر اساس مدل استاندارد این چهار نیرو هر کدام یک ذره معادل دارند به نام بوزون که در واقع گروهی از بوزون ها این نیروها را به ماده منتقل می کنند. برای اینکه این نیروها به ماده منتقل شوند تمام ذرات بنیادی باید از میدانی بگذرند به نام میدان هیگز.

اما خود این میدان هیگز هم به یک ذره حامل نیاز دارد که به بوزون هیگز معروف است. این ذره قطعه گمشده مدل استاندارد بود و حالا دانشمندان فکر می کنند آن را یافته اند.



مرکز پژوهش های هسته ای سرن

دانشمندان فیزیک در مرکز پژوهش‌های هسته‌ای سرن، پنج دهه پس از پیش‌بینی وجود ذره کلیدی که به اجسام جرم می‌دهد که وجود آن توسط مدل استاندارد فیزیک ذرات پیش‌بینی شده‌است، روز چهارشنبه 4 جولای 2012 از کشف آن خبر دادند.

پژوهشگران مرکز تحقیقات فیزیک "سرن"، می‌گویند ذره ای را کشف کرده‌اند که می‌تواند همان "بوزون هیگز" معروف به "ذره خدا" باشد. ذره هیگز، به رمزگشایی از اسرار هستی شتاب بیشتری خواهد بخشید.

بوزون هیگز، ذره‌ای است با جرم که کشف آن احتمالاً بسیاری از معادلات، پیش‌فرض‌ها و باورهای رایج در میان انسان‌ها پیرامون منشاء هستی و حیات را بر هم خواهد زد.

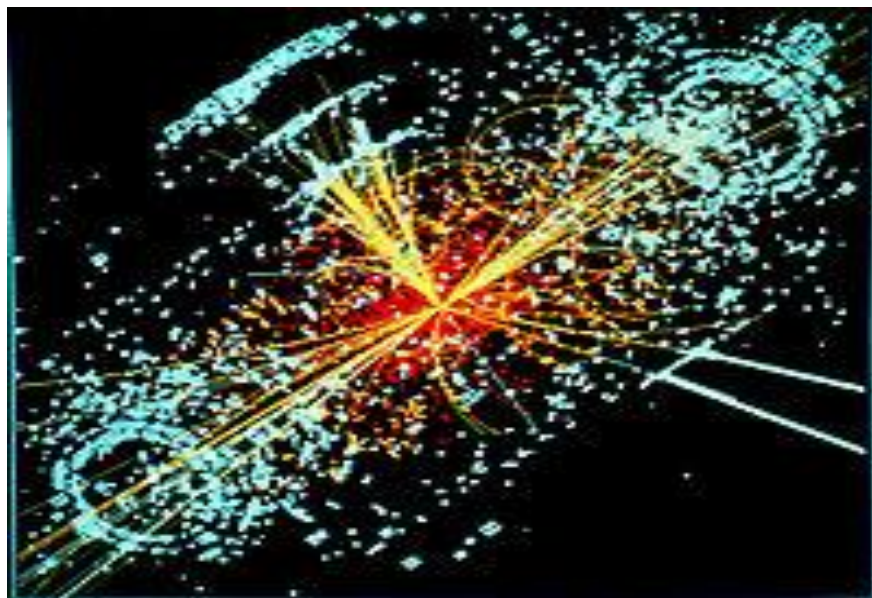
برخی از دانشمندان، کشف ذره هیگز را بزرگترین اکتشاف قرن خوانده‌اند و آن را با کشف نیروی جاذبه توسط نیوتن مقایسه کرده‌اند.

سرن (CERN) یا انجمن پژوهش‌های هستوی اروپا بزرگترین آزمایشگاه فیزیک ذره‌ای جهان است. در سال 1954 در کشور سوئیس ایجاد شد.

7931 دانشمند و مهندس از 80 کشور جهان در آن مشغول به کار است. در آزمایشات تحقیقی این انجمن پژوهشی، فرضیه‌های آفرینش وجود ذره‌ای را پیش‌بینی کرده بود که جرم سایر ذرات ناشی از آن است. ده‌ها سال است دانشمندان منتظر این لحظه بودند و اکنون مطمئن‌اند که "ذره هیگز" را یافته‌اند.

" ذره هیگز " که آخرین ذره ای بنیادی تشکیل دهنده ماده است که تصویر ما را از جهان کامل می کند. برپایه اندیشه " پیتر هیگز " یک محیط مقناطیسی جرم خود را به ذره قرض می دهد . فزیکدانان این جرم را اندازه گرفته اند . در شتاب دهنده بزرگ (LHC) پرتو شکنی در تونل حلقوی که 27 کیلومتر از مرز فرانسه و سوئیس را احاطه کرده است . ذرات پروتون و پات پروتون توسط آهن ربایی بسیار قوی شتاب می گیرند و باهم برخورد می کنند ، نتیجه تولید ذراتی است که می شناسیم و تولید یک ذره که دانشمندان به دنبال آن بودند ذره بنیادی فرضی یا همان ذره ای " هیگز " ماده تاریک در جهان ذره ای که ماهیت جرم سایر ذرات و چگونگی شکل گیری ستاره ها ، سیارات و حتی حیات را توضیح می دهد. این کشف می تواند با توضیح منشاء "جرم"، درک ما از آغاز جهان هستی را متحول کند.

نمای بوزون هیگز یا ذره خدا



دانشمندان پیتر هیگز بریتانیایی و فرانسوا انگلر بلژیکی، جهت کشف «بوزون هیگز» معروف به ذره خدا برندگان نوبل فیزیک سال 2013 گردیده اند.

پیتر هیگز و فرانسوا انگلر نظریه را پروراندند که جهان چگونه ساخته شد. این نظریه توصیف می کند پس از انفجار بزرگ در کائینات چه رخ داد، چطور نیستی به هستی تبدیل شد.

دنیایی اطراف ما از اتم تشکیل شده است. درون هر اتم هسته و الکترون است که دورش می چرخد، درون هسته پروتونها و نوترونها هستند. درون پروتون ها هم ذراتی کوچکتری هستند بنام " کوآرک " اما چه چیزی به این " کوآرک " ها جرم می دهد.

این جاست که نظریه هیگز و انگلر بکار می آید. این نظریه توضیح داد که چطور یک فضای نامریی در خلاء است که مثل چسب عمل می کند و باعث می شود که بعضی از ذرات سنگین تر شوند به اصطلاح جرم پیدا کنند و بعضی دیگر مثل فوتونها یا نور کاملاً بدون جرم بمانند.

این نظریه ذره جدیدی بنام " بوزون هیگز " را معرفی می کند. این بوزون ذرات کوچکی است. تابش الکترومغناطیسی را نیز متشکل از ذراتی دانست که این ذرات را فوتون می گویند. فوتون دارای اسپین (مقاوم) یک است، یعنی از لحاظ ذره ای بوزون به حساب می آید که در فضای اطراف ما حضور دارد. مثل براده های آهن است که به سمت آهن ربا جذب می شود، به سمت چوب نه.

به آهن ربا های قوی تر براده های بوزونهای هیگز بیشتر جذب می شود، جرم شان بیشتر است. به چوب مثلاً هیچ براده جذب نمی شود این یعنی جرم ندارد مثل فوتون.

اما سال ها طول کشید تا این نظریه ثابت شود. تقریباً حدود پنجاه سال. دانشمندان در سال 2012 به تحقیق در برخورد دهنده هادرونی بزرگ در مرکز تحقیقات سرن سویس توانستند ذره را رصد کنند. و در این آزمایش توانسته اند نشانه هایی از این ذره بنیادی با جرم بین 125 و 126 گیگا

الکتروولت که تصور می شود منشاء تمام ذرات در جهان است را پیدا کرده اند و نظریه "بوزون هیگز" را به اثبات رسانده اند . این ذره بوزون هیگز آنقدر در خلقت عالم مؤثر است که آنرا ذره خدا نام گذاشته اند. در همه جا است و جهان مادی از آن بوجود آمده . بگذارید در مورد این ذره کشف شده صحبت کنیم .:

بر اساس فورمول نیوتن جرم اجسام با وزن اجسام تناسب دارد . یعنی از روی وزن اجسام میتوانیم پی به میزان جرم آنها ببریم . یک تکه المینیوم و یک تکه هم اندازه آن آهن را در نظر بگیرید . کدام سنگین تر است ، آهن . چرا آنها که هم اندازه هستند . بلی آهن بیش از دو برابر المینیوم وزن دارد . مولوکول های آهن فشرده تر از المینیوم هستند. و علاوه بر آن اتم آهن تقریباً دو برابر اتم المینیوم وزن دارد ، یعنی هسته اتم المینیوم 13 پروتون و 14 نوترون دارد ، در حالیکه هسته اتم آهن 26 پروتون و 28 نوترون دارد. بنابراین اینکه جرم حجمی آهن بیش از دو برابر المینیوم باشد طبیعی است .:

آهن مساویست به 7200 کیلوگرام / مترمکعب
المینیوم مساویست به 2700 کیلوگرام / مترمکعب

حالا برویم به سراغ ذرات ریزه تر از اتم ، ذراتی که اتم را تشکیل می دهند .

در اتم الکترون و هسته داریم و هسته از پروتون و نوترون است و آنها هم از ذرات کوآرک هستند. الکترون ، کوآرک ، گلئون ، بوزون ، فوتون ذرات بنیادی هستند. یعنی ذراتی که خود شان ساده هستند. و همه جهان هستی را تشکیل می دهند .

ذرات بنیادی توسط چهار نیروی بنیادی که در فوق نیز تذکر رفت :

1 - نیروی هسته ای ضعیف

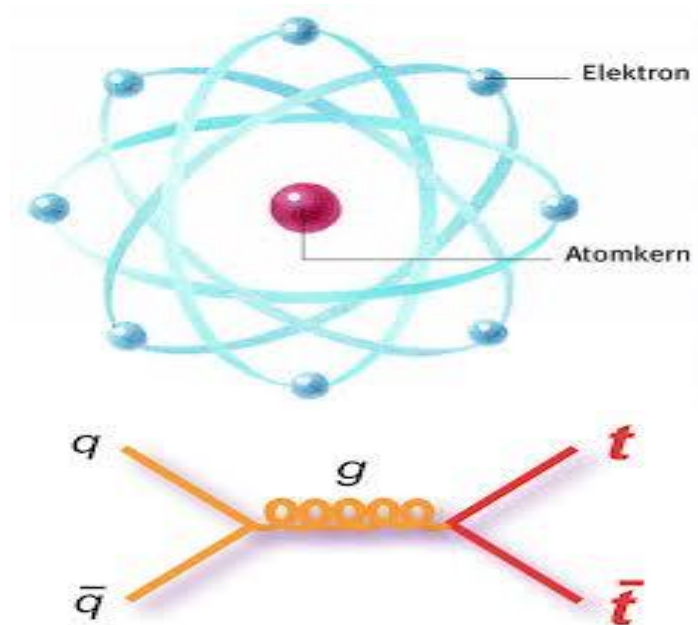
2 - نیروی گرانش

3 - نیروی هسته ای قوی

4 - نیروی الکترومغناطیس

تمام عالم هستی را تشکیل دادند .

تی کوآرک بنام تاپ کوآرک را در نظرگیرید. تاپ کوآرک تقریباً به اندازه الکترون است.



The most typical way in which pairs of top quarks are produced. Quarks and antiquarks annihilate into a gluon that eventually decays into the top quark pair.

تاپ کوآرک الکترونیک نمودار فاینمن که نحوه تولید احتمالی هیگز را در LHC نمایش می‌دهد دو گلوئون به زوج کوآرک سر-پاد سر و امی پاشند، سپس دوزوج مخالف از اینها تشکیل یک ذره هیگز خنثی را می‌دهند.

، اما وزن تاپ کوآرک 350000 برابر سنگین تر از الکترون است چرا؟ آنها که هم اندازه هستند . دیگر نمی توانیم بگویم که ذرات این یکی بیشتر است و یا فشرده تر ، آنها که دیگر ساده هستند. هیچ ذره ای درون شان نیست آخر 350000 برابر هم شوخی نیست . مثل این می ماند که دو نوزاد دوقلو یا دوگانه یی به یکسان بدنیا بیایند یکی از آنها دو کیلو باشد و دیگری 700 تن وزن داشته باشد .

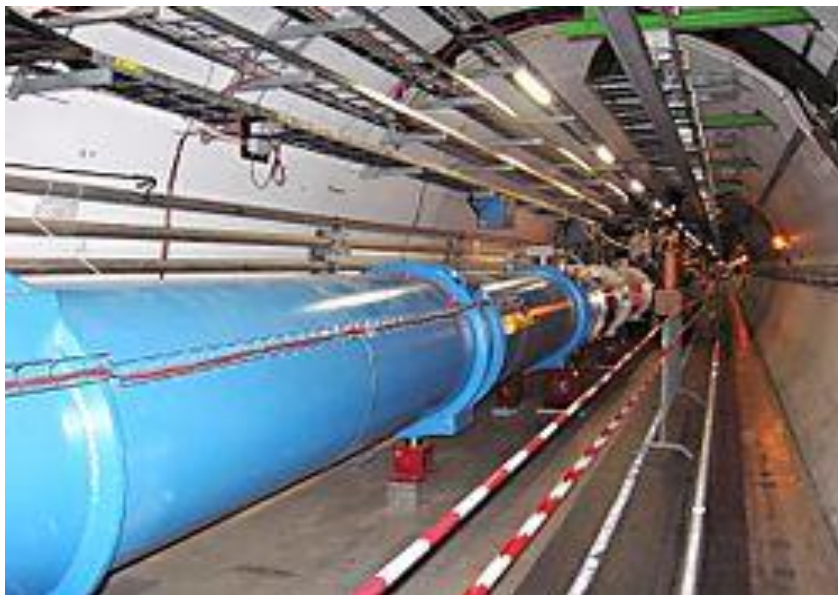
یعنی اندازه وزن صد تا فیل . در حالیکه هیچ توجیه برای این اختلاف وزن یا اختلاف جرم وجود ندارد .

چهل و هشت سال پیش دکتر پیتر هیگز فرضیه ای را ارائه داد که الحان ، درستی آن تأیید شده اینکه ذرات بنیادی به خودی خود جرمی ندارند. و آنها در میدان قرار دارند که پر از ذره های است ، که آنها هم جرم ندارند. ذره هایی بنام بوزون هیگز. ذرات بنیادی با سرعت نور می توانند حرکت کنند اما اگر ذرات بوزون هیگز مزاحم شان نباشند . چند سال پیش دانشمندان ساختاری برای بنیان خلقت عالم ترسیم کردند و مدل درست کردند مانند مدل استاندارد . که البته آزمایشها آن را تأیید کرده.

بر اساس آن مدل ذرات بنیادی مثل بوزون ها ، لپتون ها ، کوآرک ها ، الکترون ، فوتون ، گلئون و چند ذره ای دیگر اساس خلقت عالم ماده هستند.

وجرم داشتن آنها تنها در محیط پر از ذره بوزون هیگز معنا پیدا می کند. همه آن ذرات کشف شده بودند و فقط اثری از بوزون هیگز پیدا نمی شد.

تا اینکه دستگاه غولپیکر برخورد دهنده بزرگ هادرونی (LHC) بالاخره آثار بوزون هیگز ها را هم کشف کرد .



مدل استاندارد ذرات بنیادی

یعنی آن فرضیه دکتر هیگز به اندیشه کنونی بدل شد و مدل استاندارد کامل شد. براساس این تیوری ذرات بوزون هیگز که در تمام عالم و خلاء یا همان هیچ چیز وجود دارد برسر راه ذرات بنیادی مزاحمت ایجاد می کند .

وباعث گُند شدن آنها در حرکت و سنگین شدن آنها می شود . نمی گذارد همچنین آزادانه به حرکت خود شان ادامه دهند . البته این مزاحمت ذرات بوزون هیگز بصورت میدانی هست که برای همه ذرات یکسان نیست . مثلاً فوتون به راحتی از میان این ذرات بوزون هیگز عبور می کند بدون مزاحمت. برای همین سرعت اش کاسته نمی شود یعنی فوتونها با سرعت

نور به مسیر خود شان ادامه می دهند و برای همین است نور که از ذرات فوتون درست شده با سرعت نور حرکت می کند .

ولی ذرات دیگر مثل تاپ کوآرک به راحتی نمی تواند از این میدان هیگز عبور کند . ذرات بوزون هیگز سرعت او را می گیرد و یک قسم راه او را سنگین می کند و در حقیقت به آن " جرم " می دهند . مزاحمت بوزون هیگز هادرمقابل حرکت تاپ کوآرک خیلی بیشتر از مزاحمت آنها در برابر حرکت الکترون است .

برای همین جرم تاپ کوآرک بسیار بیشتر از الکترون است و البته سرعت حرکت آن هم کمتر هست .

بنابراین علت نظریه اینشتین که می گوید اجرام سریعتر از نور نمی توانند حرکت کنند مشخص است .

چون سریعترین سرعت سبک ترین ذره سرعت نور است، که سرعت فوتون است . بقیه ذرات با مزاحمت میدان هیگز از سرعت شان کاسته می شود . چندی پیش هم دانشمندان اعلام کردند که در آزمایش متوجه شدند که نوترینون ها با سرعت یک ذره بیشتر از سرعت نور حرکت کردند . و سرو صدای زیادی برپا شد که این آزمایش تیوری اینشتین را نقض میکند . اما بعداً معلوم شد اشکال از تنظیم ساعت های اتمی مبدأ و مقصد آزمایش بوده و در حقیقت هنوز هیچ ذره نتوانسته سریعتر از سرعت نور باشد .

نتیجه

اهمیت کشف بوزون هیگز ها به این جهت است که دانشمندان میتوانند به کمک آن از ، قبل از :
- " بیگ بنگ " و قبل از خلقت عالم مطلع بشوند .
- دنیای های موازی با این جهان را کشف کنند .
- آنها با کشف علم میتوانند نادرستی باور ها را نشان دهند .
کشف بوزون هیگز معروف به ذره ای خدا چه اهمیت در زندگی ما دارد . که دانشمندان سال ها در پی کشف این ذره بوده اند . وبویژه اهمیت آن در علم ودانش چیست ؟
براستی اهمیت این کشف بر درک فزیک بنیادی همینطور تحولات ساختاری کیهان ، قابل مشاهده است . این کشف به ما می آموزاند که چگونه است که برخی از ذرات دارای جرم هستند و برخی دیگر جرمی ندارند .
این مسأله برای اولیه درک بنیاد شکل ماده اهمیت زیادی دارد . اگر ذرات بنیادی جرمی را که دارند نداشتن ، وجود اتم ها هم منتفی بود . آنوقت مواد شیمیایی و علم شیمی هم در کار نبوده و جهان هستی هم یک شکل کاملاً متفاوتی پیدا می کرده و یا اصلاً وجود نداشت .
بوزون هیگز چگونه زندگی روزمره ما را تغییر می دهد . میدانیم که جهان هستی همه چیز های از اطراف ما در حیطه میدانهای بوزون هیگز قرار دارند .

اگر اینطور نبود ما هم وجود نداشتیم برای اینکه الکترون ها و کوآرک ها که مواد تشکیل دهنده اتم های هستند که ما از آنها ساخته شده ایم نمی توانستند که باهم بچسبند .

شگفت آور ترین دست آورد ای که برخورد دهنده هادرونی بزرگ میتواند در آینده داشته باشد کشف ذره تشکیل دهنده ماده تاریک است . که حدود بیست در صد انرژی موجود هستی جهان را در بر دارد .

این کشف می تواند بنیادی و انقلابی باشد . زیرا در حال حاضر ما تنها از پنج در صد جهان هستی آگاهی داریم ، یعنی پنج در صد دنیا از مواد معمولی همان اتم هائیکه ما را ساخته اند تشکیل شده اند . 95 در صد ما بقی از شکلی از ماده و انرژی بوجود آمده اند که برای ما ناشناخته اند و به همین دلیل به آنها می گویم انرژی و ماده تاریک .

بیست در صد جهان محصول ماده تاریک است . بنابراین کشف آن می تواند بیست در صد ماهیت جهان هستی را برای ما روشن کند .

و معلومات ما را از پنج فیصد به 25 فیصد ارتقا دهد .

برندگان نوبل فیزیک 2013 کاشفان " بوزون هیگز "



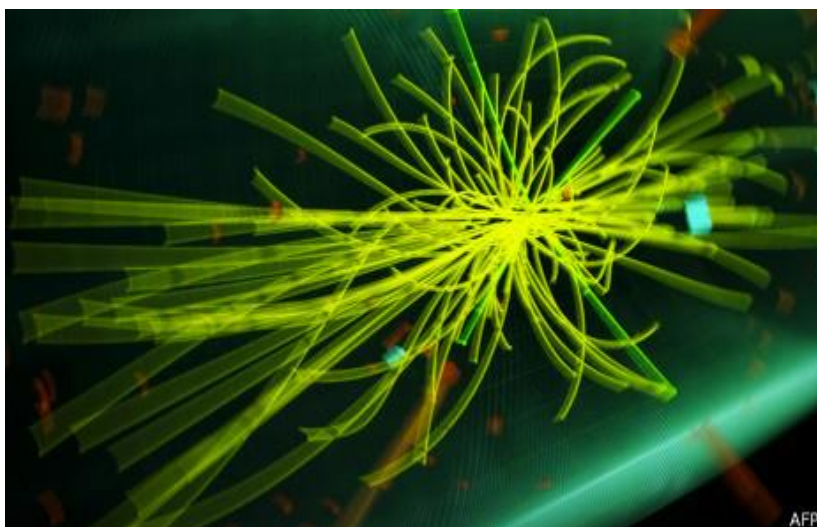
پروفسور پیتر هیگز و پروفسور انگلر
پیش از کنفرانس خبری در سرن در سال 2012

آکادمی نوبل سوئد برندگان نوبل فیزیک 2013 را معرفی کرد و پیتر هیگز بریتانیایی استاد 84 ساله دانشگاه ادینبوروی اسکاتلند و فرانسوا انگلر بلژیکی استاد 80 ساله دانشگاه آزاد بروکسل برنده جایزه نوبل امسال شدند.

برای دریافت جایزه امسال بسیاری بر این عقیده بودند که این دو دانشمند شایسته ترین افراد برای دریافت جایزه نوبل هستند. آکادمی نوبل سوئد در بیانیه‌ای گفت نظریه این دو دانشمند که "محور اصلی « مدل استاندارد

- (ذرات بنیادی) ماده « در فیزیک ذرات است توضیح می‌دهد که جهان چگونه ساخته شده است. »
- رده بندی ذرات به صورتی خاص که اکنون برای توصیف ذرات بنیادی به کار می‌رود را مدل استاندارد می‌گویند.
- از 61 ذره تشکیل شده که این ذرات در سه دسته قرار می‌گیرند:
- 1 - لپتون‌ها : بطور مجموعی شش لپتون وجود دارد سه تا آنها دارای بار الکترونیکی اند و سه تای دیگر آن فاقد بار الکترون می باشد . معروفترین لپتون بار دار : الکترون ، میون ، تاوستند.
 - 2 - کوارک‌ها : از ذرات بنیادی و بخش اساسی سازنده‌ی ماده است. کوارک‌ها با هم ترکیب می‌شوند تا ذرات مرکبی به نام هادرون را به وجود آورند، پروتون و نوترون از معروف ترین آن‌ها هستند. مثلاً پروتون از دو کوارک بالا و یک کوارک پایین تشکیل شده است، در حالی که دو کوارک پایین و یک کوارک بالا، نوترون را می‌سازند.
 - 3 - میانجی‌ها :
- الکترومغناطیسی
 - نیروی ضعیف
 - نیروی قوی

نظریه ای که در دهه شصت و هفتاد میلادی از ترکیب نظریه نسبیت اینشتین و نظریه کوانتوم حاصل شد توضیح می‌دهد که "همه چیز از گل و انسان گرفته تا سیارات و ستارگان از چند ذره بنیادی ساخته شده‌اند." احتمال این که هیگز و انگلر برنده نوبل امسال شوند سال گذشته قوت گرفت؛ زمانی که در برخورد دهنده هادرونی بزرگ (LHC) که در سرن سوییس قرار دارد آزمایشی انجام شد که به گفته دانشمندان، دانش فیزیک نظری را تغییر داد.



نمایی گرافیکی از آزمایش برخورد پروتون با پروتون در شتابدهنده سرن در سال 2013

و ثابت شد که ذرات بنیادی چگونه در داخل اتم در میدان‌های ناپیدایی قرار می‌گیرند و همکنشی ذرات و میدان‌ها سبب می‌شود ذرات بنیادی جرم پیدا کنند.

به این ترتیب صحت مدل استاندارد و نظریه "انفجار بزرگ" (بیگ بنگ) پس از چند دهه تقریباً به ثبوت رسید.

پروفسور فرانسوا انگلر و همکارش روبرو (که در سال 2011 درگذشت) نخستین کسانی بودند که در این زمینه مقاله منتشر کردند. اما پروفسور پیتر هیگز چند هفته بعد مقاله‌ای منتشر کرد و در آن برای اولین بار وجود ذره هیگز بوزون را پیش بینی کرد.

کمی بعد کارل هیگن و جerald گورالنیک آمریکایی و تام کیبل بریتانیایی نتیجه تحقیقات خود را منتشر کردند و مجموع کار این دانشمندان نظریه فعلی را شکل داد.

پروفسور هیگز و انگلر برنده هشت میلیون کرون سوئد معادل 1.25 میلیون دلار شدند.

منابع و مأخذ

<http://article.wn.com/view/WNAT2553c5302a1ecda174/a34a46cb17a293>

(فیزیک_ذرات/<http://fa.wikipedia.org/wiki>)

http://www.bbc.co.uk/persian/science/2012/10/121010_u04_cern_science_religion.shtml

http://www.bbc.co.uk/persian/science/2011/12/111213_125_higgs_boson.shtml

1- (<http://fa.wikipedia.org/wiki>)_مدل_استاندارد_(ذرات_بنیادی)_#

D9.85.DB.8C.D8.A7.D9.86.D8.AC.DB.8C_.D9.87.D8.A7

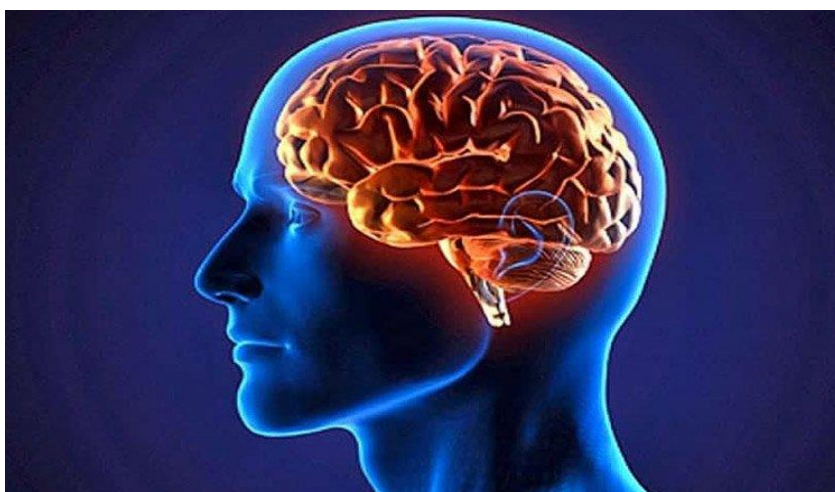
(فیزیک_ذرات/<http://fa.wikipedia.org/wiki>)

http://www.bbc.co.uk/persian/science/2012/10/121010_u04_cern_science_religion.shtml

http://www.bbc.co.uk/persian/science/2011/12/111213_125_higgs_boson.shtml

بخش سوم :

چهارم - معرفتی از مغز انسان
جون 2009 میلادی



مغز بمفهوم کل مهمترین و پیچیده ترین و حساس ترین ، عضو بدن است که در بدن تمام جانداران نقش مرکز سیستم عصبی را دارد. فرمان همه حرکات و فعالیت های بدن از مغز صادر می شود .

مغز انسان نیز شبکه پیچیده ای از رشته مدار های عصبی است که تمام احساس ها در آن پردازش و سازمان داده می شود و پیوسته در همه فعالیت های اختیاری و غیر اختیاری مشغول است .

این ماده نرم گوشتی به انسان اجازه سخن گفتن ، گوش کردن ، دیدن ، فکر کردن ، آموختن ، آمیزش و درک احساسات ، شناخت اهمیت زندگی و بقاء را می دهد و شب و روز بدون وقفه کار می کند .

مغز یگانه اندامی است که در هنگام تولد نسبت به سایر اندام های بدن انسان به مرتبه بلوغ یافته خود نزدیک تر است . مغز انسان در زمان تولدش حدود 300 تا 400 گرم می باشد و تمام سلول های را که اوتا آخر عمر نیاز دارد در مغز وجود میداشته باشد . وبگواهی علم ، رشد مغز در سن 18 سالگی متوقف می شود.

این عضو خیلی ملفوف نزدیک به « 2 % » وزن انسان را تشکیل می دهد که حد اکثر عرض آن 14 میلی متر ، طول آن 167 میلی متر ، و ارتفاع آن 93 میلی متر بوده و در درون جمجمه قرار دارد و در واقع یکی از دو بخش دستگاه عصبی مرکزی می باشد .



مغز انسان

مغز یک شبکه مبهم عصبی است ، وزن طبیعی مغز یک انسان عادی در حدود 1300 تا 1400 گرم می باشد . و از اینرو نسبت وزن مغز به وزن کل بدن در انسان از تمامی موجودات زنده بیشتر است . 20% از کل اکسیژنی که در بدن پمپاژ می شود، به مغز می رسد. و در حدود 75 میلی لیتر از خون در هر دقیقه به مغز پمپاژ می شود. و قریب به « 30 % » کل انرژی حاصل شده وجود را مصرف می کند .

وزن مغز انسان از مغز فیل ها کوچکتر و از میمون ها بزرگتر است. وزن مغز فیل در حدود 6000 گرم می باشد و متناسب به یک هزارم وزن بدن اوست و از میمون معادل 95 گرم ، وزن مغز گوریل 600 گرم ، مغز گربه ها حدود 30 گرم و مغز سگ ها در حدود 72 گرم - اندازه گیری شده است .

ساختار مغز هنگامیکه چیزی را یاد می‌گیریم تغییر می‌کند. دانشمندان بر این باورند، هر بار که یک فکر جدید به ذهن انسان می‌گذرد و یا چیزی را در ذهن خود از برمی‌کند، یک پیوند عصبی جدید در مغز او ایجاد می‌شود. بدین مناسبت تمرینات فکری پی در پی انعطاف‌پذیری مغز را بیشتر کرده و زمینه‌ساز تسریع روند تفکر در انسان می‌گردد.

میزان توانائی دانش و آگاهی و نواندیشی مغز به حجم یا وزن آن ارتباطی ندارد. بلکه تفکر و استفاده بیشتر از آن باعث تقویت حافظ و رشد خلاقیت مغزی در انسان می‌شود.

همچنان هیچ دلیلی وجود ندارد که وزن و حجم مغز یک دانشمند بزرگتر از یک فرد عادی باشد. زیرا در اثر تحقیقات انجام شده روی مغز البرت اینشتین (14 März 1879 - 18 April 1955) نشان می‌دهد که حجم و وزن مغز او کمتر از حد متوسط (تقریباً نزدیک به 1375 گرم) بوده است. (1) موجودیت هوش بالای « اینشتین » بوسیله پیوند های ایجاد شده میان سلول های عصبی مغزش و مشغولیت مسلسل تفکر وی بوده است.

در مغز انسان حدود 100 000 000 000 000 بیلیون سلول وجود دارد و بصورت یک شبکه پیچیده بایکدیگر در همبستگی و پیوند هستند. (2)

مغز زن ها بر بنیاد ساختار بیولوژیکی نسبت به مرد ها در حدو 100 گرم سبک تر است . این بدان معنی نیست که خلاقیت فکری زنان نسبت به مردان کمتر باشد. از همه مهم تر این است که سلول های عصبی زنها نسبت به مرد ها 11 % زیاد ترمی باشد . (3) که باعث ارتقاع قدرت تحمل پذیری و مهر ورزی در آنها میگردد .

مغز سر انسان در داخل جمجمه ، ونخاع در داخل ستون فقرات ، جای گرفته است . مغز سر را پژوهشگران بهداشتی تشریح کرده اند که عضوی است محل روح نفسانی و مرکب از: « مخ » و « آورده (جمع ورید) » و « شرائین ، غشائین رقیق » می باشد .

مخ (دماغ اکبر) :

بزرگترین قسمت مغز است و دارای دو نیمکره است و بوسیله رشته های عصبی محکم و سفید رنگ بهم پیوسته اند . پیوند دو نیمکره نیز از طریق همین رشته های عصبی صورت می گیرد .



مخ مرکز احساسات ، تفکر و حافظه است. نیمکره چپ مخ حرکات طرف راست بدن و نیمکره راست حرکات طرف چپ بدن را کنترل می‌کنند. هر نیمکره کارهای ویژه‌ای را نیز انجام می‌دهد. نیمکره چپ در آموزش زبان ، فراگیری علم و معرفت ، تفکر ریاضی و منطق ، تخصص دارد. نیمکره راست انجام دادن کارهای ظریف هنری ، موسیقی را کنترل می‌کند. تالاموسها * مرکز تقویت پیامهای حسی مانند چشم ، درد و ترس هستند و پیامهای حسی را قبل از اینکه به قشر « مخ » برسند تقویت می‌کنند.

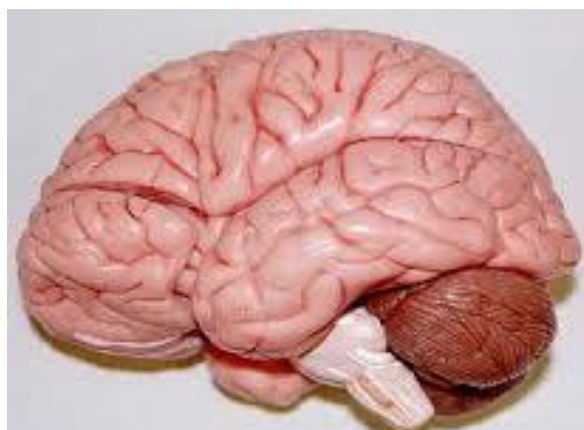
مخچه (دماغ اصغر) :

مرکز عصبی که در « پشت و زیر مخ » جا گرفته و دارای دو نیمکره است که بوسیله رشته تارهای عصبی به بقیه قسمت‌های دستگاه عصبی مرتبط می‌باشد . مخچه در کار کنترل فعالیت‌های ماهیچه‌یی به مخ کمک می‌کند . عمل مخچه عبارت از تنظیم انقباضات عضلانی و حفظ تعادل بدن می‌باشد . برای انجام این کار چشمها و گوشها وضعیت داخلی بدن را به مخچه خبر می‌دهند و مخچه ماهیچه‌ها را طوری کنترل می‌کند که موازنه بدن برقرار بماند .



بصل نخاع :

" نخاع را بنام حرام مغز یا مغز مهره پشت یاد می کنند و ماده نرم و سفید رنگی است که بصورت رشته ای درون ستون فقرات جای دارد " (4) و از دماغ فرود آید و شاخه اش در اندام رود .



مگر « بصل نخاع » یا « پیاز مغز تیره » یکی از مهمترین اجزای مغز است و از ماده سفید و رشته اعصابی تشکیل شده است که در قسمت پایین « نخاع » و برجستگی حلقوی واقع شده وزن آن نزدیک « 7 گرم »

و درازی آن « 3 سانتیمتر » است . قاعده بالای « بصل نخاع » در جمجمه و قاعده پایینش در ستون مهره ها قرار داشته و آسیب وارده به آن مرگ را به دنبال دارد .

بصل نخاع مرکز بسیاری از اعمال انعکاسی ست و فعالیت اندامهای داخلی بدن را اداره می کند . مخصوصاً عمل دستگاههای تغذیه ، قلب ، ششها و اندامهای گوارشی را تنظیم میکند . اهمیت بصل نخاع را در تنظیم اعمال تغذیه از اینجا میتوان دانست که اگر تمام قسمتهای مغز جانوری را بجز بصل نخاع بردارند جانور زنده میماند ولی اگر به بصل نخاع کوچکترین آسیبی وارد شود اختلالات گوناگونی بوجود می آید و باعث مرگ میگردد .

عبور نور از قرنیه چشم نیز از انعکاسهای مربوط به بصل نخاع است . بصل نخاع مرکز انعکاسهای زیردر بدن نیز می باشد :

1- مرکز تنفس ،

2 - مرکز کنند کننده حرکات قلب که کمی از مرکز تنفس پایین تر است و تحریک آن موجب توقف کار قلب در حال انبساط میشود . این دو مرکز را اصطلاحاً گره زندگی یا عقده عصبی فلورانس گویند .

- 3 - مراکز ترش‌حی ، که بالای مراکز تنفس و قلب قرار دارند. این مراکز عمل گلیکوژنی جگر و ترشح ادرار و ترشح بزاق را منظم میکنند.
- 4 - مراکز بلع و جویدن و قی و سرفه نیز در بصل نخاع قرار دارد.
- 5 - همچنان مرکزی که قطر رگها را تغییر میدهد در بصل نخاع جا دارد .

منابع و مأخذ :

- 1 - رجوع شود به صفحه :
www.dhm.de/lemo/html/biografien/EinsteinAlbert
- 2 - رجوع شود به صفحه :
(http://de.wikipedia.org/wiki/Nervenzelle) و -
(www.heise.de/tr/Die-10-Milliarden-Dollar) -
- 3 - رجوع شود به صفحه :
iq.lycos.de/qa/show/346960/Wieviel-Prozent-vom-)
(- /Gehirn-nutzt-der-Mensch)
(*) تالاموس : هر يك از دو توده خاکستری که در طرفین بطن سوم مغز قرار دارد و بخشی از دیواره جانبی حفره بطن سوم را تشکیل می دهد . فرهنگ معین .
- 4 - رجوع شود به کتاب : آندراج ، فرهنگ فارسی ، نویسنده : محمد پادشاه متخلص به « شاد » سال 1888 میلادی هندوستان
- 5 - جهت معلومات بیشتر اکادمیکی رجوع شود :
- فرهنگ بزرگ راوینس بُورگر ، اولریک هوس والد ، کورنیلوس ریبتگ ، چاپ : اوتو مایر ، ج 2 ، ص 186 ، متن آلمانی سال 1992
(- www.egbeck.de/skripten/12/bs12-41.htm) -
(www.studentshelp.de/p/referate/02/6188.htm) -
(www.sunhome.ru/journal/19748) -
Неожиданные свойства человеческого мозга (-) -
(Наука - Yoki.Ru)

بخش چهارم :

قسمت یکم - اصول مرامی

حزب دموکرات خراسان

(ح . د . خ)

قبل از نشر اصول مرامی حزب دموکرات خراسان در این بخش نیاز می رود که در مورد پیش زمینه های کاری تأسیس این مجمع سیاسی کمی روشنائی انداخته شود.

قابل یادآوری است که درسالهای 2005 - 2006 میلادی اینجانب با زنده یاد ژنرال حاجت خان پنجشیری و برخی دوستان هم اندیشه ما یکجا در آلمان به اندیشه تأسیس یک حزب سرتاسری و پیشرو، مترقی و تکامل پسند درکشور خود ما خراسان - افغانستان افتیدیم ؛ و برای اجرای این برنامه ، کار جدی ، سیاسی و سازمانی آغازگردید.

موافق به اسلوب کاری ، ما گروهی سیاسی ای از دوستان ، بانگرش عقلائی و دوراندیشانه ابتدا یک سلسله دید و بازدید ها و ملاقات هایی را چه در کابل و چه در کشور های اروپایی با رهبران سیاسی احزاب و خردمندان کشور به راه انداختیم . از جمله با رهبران مقیم اروپا هریک با :

دستگیر پنجشیری سابق عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. ووزیر آموزش و پرورش ، بشیر بغلانی سابق دادستان گل و وزیر عدلیه جمهوری دموکراتیک افغانستان ، نجم الدین کاویانی سابق عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و رئیس تشکیلات حزب ، فرید مزدک سابق عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و معاون حزب ، سلطان علی کشمند سابق عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ، عبدالحمید محتاط سابق سفیر در جاپان و معاون صدراعظم و معاون رئیس جمهوری دموکراتیک افغانستان ، عارف سخره سابق معین سیاسی وزارت امنیت دولتی ، زنده یاد امان الله استوار سابق عضو کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. ، عبدالشکور خوشته چین عضو کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. ، دوکتور کریم بها سابق عضو کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و رئیس ریاست پنج و معین وزارت امنیت دولتی و والی کابل ، و با برخی دیگری از سفرای کشورهای خارجی ... ملاقات های رسمی صورت پذیرفت .

و به همین سلسله بارهبران سیاسی مقیم در کشور هریک با : زنده یاد مارشال محمد فهیم قسیم سابق معاون نخست رئیس جمهوری و وزیر دفاع جمهوری اسلامی افغانستان ، محمد یونس قانونی سابق معاون نخست رئیس جمهوری و وزیر داخله جمهوری اسلامی افغانستان ، احمد ضیاء مسعود سابق سفیر در ماسکو و معاون نخست رئیس جمهوری اسلامی افغانستان ، استاد عطا محمد نور رئیس اجرایی جمعیت اسلامی و استاندار بلخ ، دادستان محمود ، دادستان گل جمهوری اسلامی افغانستان و آمر پنجشیر

، انجنیر محمد عارف سروری سابق وزیر امنیت دولتی و والی اُستان پنجشیر ، ژنرال قره بیک سابق رئیس سره میاشت ، سرپرست و معین امنیتی وزارت داخله ، دکتر محی الدین مهدی سابق معاون وزیر برنامه ریزی و نماینده استان بغلان در دوره شانزدهم مجلس نمایندگان افغانستان، ژنرال دین محمد جرأت سابق معاون شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی افغانستان ، بسم الله خان سابق وزیر دفاع و وزیر داخله جمهوری اسلامی افغانستان ، و غیره ملاقات ها و گفتو شنودها همه جانبه در مورد انجام پذیرفت . و همه رهبران سیاسی از اقدام و اجرای این برنامه سیاسی پشتیبانی نمودند .

سرانجام پس از دو سال و اندی سعی و تلاش ، سفرهای متواتر به آمریکا اروپا و افغانستان و تاجیکستان و... موفق شدیم تایک کمیته تدارک حزب دموکرات خراسان را در سال 2008 میلادی در اروپا تأسیس نمائیم.

این کمیته تدارک به رهبری اینجانب و سایر دوستان هم اندیشه کارهای مشترک مگر نه چندان بزرگی جهت ایجاد کنگره مؤسس در داخل کشور و در یکی از ولایات شمال سازماندهی نمودیم .

مگر با تأسف و درد باید گفت که برخورد رهبران جهادی از جنس و تبار صلحخواه خود ما به نسبت یک سلسله مسایل گنگ و با نگرش مبهم مواضع سیاسی خودشان نتوانستند زمینه های خوبی را برای ایجاد کنگره مؤسس و تأسیس رسمی حزب دموکرات خراسان در کشور مساعد گردانند.

اما ما به تصمیم و راه آرمان خود پایدار باقی ماندیم امید و آرزوی موفقیت را از دست ندادیم و بالاخره حزب دموکرات خراسان را در سال 2013 میلادی در وزارت عدلیه کابل و ریاست احزاب رسماً ثبت نمودیم.

اما پسان با تزلزل اندیشه رهبران جهادی ما بنسبت عدم همکاری عقلانی و سیاسی و مادی آنها، ماموق به ایجاد کمیته های حزبی در استانها و شهرستانها و علاقه داری های کشور نگر دیدیم.

به هرگونه، راه مبارزات سیاسی ابراز وجود و حقخواهی و حقگیری در فرآیند زندگی همیشه رسالت همگانی نیروهایی از جنس نور و روشانی و صلح و همبستگی ما را تشکیل داده و می دهد. نسل نو باید این اصل را پیوسته بداند و در نظر داشته باشد که مبارزات سیاسی ابراز وجود و حقخواهی برای تغییر نظام تک قومی به نظام همه شمول و مردمسالار، همیشه به یک حزب سیاسی دموکرات و سرتاسری که در مرکز توجه آن حزب تنها آزادی انسان و خوشبختی و سعادت وی مطرح باشد، نیاز مند است.

اینکه ما در کشور موفق به تأسیس کنگره حزب دموکرات خراسان نشدیم ، انگیزه اساسی آن در این مسئله نهفته است که اکثریت رهبران سیاسی از جنس خود ما مبنای اعتقادات ، فهم ، دانش و بینش ایشان بر فرهنگ بیگانه استوار است. وحتا برخی رهبران ما چه چپی وچه راستی براساس برداشت و آگاهی ذهنی خویش تبردر دست ، ریشه های فرهنگ اجدادی ما را از بیخ و بن قطع می کند و بابتل تعافل و کم بینشی ، زمین فرهنگ بیگانه را آبیاری می نماید.

بفکر خودش گویا رسالت انسانی خود را انجام می دهد. در حالیکه تمام لب و لعاب کارش تنها خدمت گزاری به فرهنگ قبیله و تحکیم پایه های قدرت و حاکمیت سیاسی شوونیزم افغان می باشد.

بنأ با چنین رهبران سیاسی ای که در خون و پوست وجدان و ضمیر شان عشق به انسان شهروند و زندگی همگانی دور از درد حرف اول را نمی زند ، نمی توان درخت نیرومند صلح و همزیستی هویت فرهنگی و زبانی و سیاسی و تاریخی نیاکان خویش را آبیاری کرد .

ما این اصول مرامی حزب دموکرات خراسان را به نسل نونگر و پیشیناز تقدیم می کنیم و باورمند هستیم که نسلهای پس از ما بر بنیاد این اندیشه ها درفش مبارزات آزادی خواهی سیاسی را بلند خواهند نمود و راه را برای ایجاد جامعه نوین و مردم سالار هموار خواهند کرد .

اصول مرامی حزب دموکرات خراسان (ح . د . خ)

با عرض حرمت و ادای ادب ، بدینوسیله اصول مرامی " حزب دموکرات خراسان " در دسترس نسل دیگری از رهروان راه آزادی دموکراسی صلح و ترقی اجتماعی و دیگر اندیشان سرزمین خورشید قرار میگیرد.

درین سند مرامی برخی از راهکارها و رویکرد های فکری جنبش دموکراسی بیان گردیده است . آرزومندیم که با ارزیابی ، نقد و آراستن برغنائی بیشتر آن افزوده ، راه مبارزات مسالمت آمیز و عادلانه اجتماعی و ملی نسل امروز و فردای کشور روشن و هموار شود و با همکاری خلاق و نفاذانه کارآگاهان کشور زمینه های گسترش جنبش دموکراسی و خود فرمانی ملی در سراسر میهن ما فراهم گردد.

آغاز سخن

بازرشتترین و مهمترین پدیده حیاتی در زندگی انسان صلح و آزادی است. تنها در موجودیت شرایط امن - صلح و صفا است که یک زندگی مملو از جمال و زیبایی ، سعادت و خوشبختی ، تجلی می یابد.

در شرایط حاضر ، پیامد جبری اوضاع سیاسی و اجتماعی جوامع بشری ، زمینه ایجاد زیرساخت های مادی صلح فرا قاره ای را زیر سؤال برده و این مهم از یک ناهمگونی متضاد درد می کشد . ریشه همه این مشاکل که موجودیت صلح و آزادی وهمیستگی بشریت را تهدید میکند نه در ناهمسانی صورت بندی های اقتصادی و اجتماعی وسطح تکامل جوامع عقب مانده جا دارد ، بلکه در پیشبرد سیاست های سود نهاد های بزرگ جهان صنعتی ، تحت نام جهانی سازی اقتصاد ، تبلور یافته است .

باید اذعان کرد که هشت کشور پر قدرت صنعتی جهان واقمار وابسته به آنها ، به علاوه هندوستان ، چین ، برازیل و مکزیکو در بهره برداری از انرژی واقتصاد جهان ، از اصول و روش واحد به نفع جوامع خویش پیروی میکنند ولو اینکه رسیدن به این هدف ، منافع ملی و مشروع جوامع و ملیت های دیگر را تضعیف و یا از میان بردارد . این سیاست ، در جوامع فقیر و عقب مانده بعد از جنگ جهانی دوم بوسیله قدرت های جهان سرمایداری تدوین یافته و با پشتوانه وسیع مادی بانکهای بزرگ جهانی و وسایل پیشرفته تکنیکی ونظامی ، و در پناه نهاد های سیاسی ، فرهنگی وحقوقی بین المللی عملی می گردد . اکنون جهان صنعتی بعد از فروپاشی « ساختار سوپالیزم » وبویژه بعد از واقعه دلخراش تروریستی 11 سپتامبر 2001 میلادی ، بگونه

ای تکرار همان سیاست سود ورزی و دست رسی به منابع انرژی جهان را با ساز و برگ جدید زیر نام « مبارزه علیه تروریسم بین المللی » و ایجاد حاکمیت قانون در جوامع عقب مانده به تطبیق گرفته است.

با تحقق چنین یک سیاست جهانی سازی اقتصاد و تحمیل سیاست سود جویانه فرا قاره ای ، آشکارا حیات اجتماعی شهروندان جوامع جهان صنعتی مطمئن تر، مرفه تر و خوشبخت تر می‌گردد ، و برعکس زندگی و حیات اجتماعی مردمان کشور های تهی دست را به جنگ و خشونت و انشقاق ملی - سوق میدهد و صلح و ثبات را در این جوامع به یأس و درد تبدیل می نماید.

مردم ما طی چندین دهه اخیر، قربانی سیاست های تحمیلی و سود جویانه جهان سرمایه و رقابت های سیاسی بین المللی جهان و منطقه قرار گرفته و ظرفیت های مادی و معنوی خویش را از دست داده است . و با درک وضع سیاسی موجود و تحمل جنگ های خانمانسوز و قبول درد و تألم می‌خواهند آینده درخشان خود را بسازند . " حزب دموکرات خراسان " با آموزش شفاف از علل و عوامل عینی جنگ و خشونت ، خود را متعهد به اصول انسانی میداند که در آن آزادی و سعادت و آسایش و رفاه شهروند جامعه مقام شایسته و ضمانت حقوقی داشته باشد.

ما زمانی میتوانیم همبستگی، صلح و آزادی را تأمین نمائیم که یک نظام حقوقی قوی را در کشور ایجاد کنیم. عدم اعتماد میان ملیت‌ها اقوام ولایه‌های مختلفه اجتماعی را کم نمائیم و از وقوع تشنج جلوگیری نماییم. در آن صورت شهروندان کشور ما شخصیت حقوقی خویش را در جامعه دموکراتیک به نمایش می‌گذارند. آن جاست که انسان در حضور یک جامعه فرهنگی چند بُعدی قرار می‌گیرد. وبا احساس همبستگی ملی منحصیث عضو خدمت کار اجتماع، بر اوضاع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور تأثیر مثبت داشته، سهم شایسته خویش را رضاکارانه ایفاء مینماید.

(ح. د. خ.) مردم را در جهش بسوی زندگی آرام و مطمئن دعوت می‌کند. این مسئولیت و رسالت آرمانیست که مکمل خوشبختی آینده کشورما، منطقه و جهان است.

تحکیم صلح و گسترش آزادی پیوسته در راس مبارزات جنبش دموکراسی جهان قرار داشته و دارد و پایبندی به این ارزشها، اولویت‌های عملی مبارزه سیاسی (ح. د. خ.) را در کشورما تشکیل میدهد.

(ح. د. خ.)، معتقد و پایبند به آزادی، تعقل و تفکر است. گرد همآیی مجموعه ای از انسان هاینست که دارای عقاید و نظریات متفاوت می‌باشند که باهم بر اساس منافع مشترک ملی گرد آمده اند.

تعهد و توافق آنها متکی به اخلاقی ست که در ارزشهای اساسی و هدف سیاسی مشترک انسانی و اصول مرامی ایشان نهفته است. خوشبختی و سعادت انسان ها ، ماهیت مرام سیاسی ما را تکمیل می کند. و تحقق این راهبردی را زمانی میسر میدانیم که در طرح و تدوین اهداف و خواسته های سیاسی ما جای صلح و امنیت ملی بصورت برجسته بازتاب یابد.

با توجه به این ارمان است که قدرت عقلانی و توانمندی کاری (ح . د . خ) در جهت شناخت ارزشهای نظم نوین حیات اجتماعی ، و مبارزه در امر نهادینه سازی آن تجلی می یابد.

شناخت دقیق و عینی از وقایع تاریخ سیاسی و اجتماعی کشور ، دستآورد های علمی ، فرهنگی و ادبی، پژوهش و باز شناسی علمی از ساختار اتنیکی اقوام و قبایل و وابستگی و پیوند آن با شاخص های ناهمگون اقتصادی و اجتماعی در خراسان - افغانستان بخشی دیگری از اصول مرامی ما را تشکیل میدهد .

در قلمرو جغرافیای سیاسی و تاریخی سرزمین ما بگونه مشخص در آریانای کهن (هزار سال قبل از میلاد تا قرن پنجم میلادی) ، خراسان دیروز (قرن پنجم تا قرن نهم میلادی) و به اصطلاح افغانستان امروز - افراد ، دودمانها و دولتهای گوناگونی از جمله :

- شاهنشاهی پیشدادیان بلخ باستان (اجداد تاجیکان و پارسها و گُرد ها)
در حدود 4000 قبل از میلاد - حدود 1000 سال قبل از میلاد (2556 سال)
.
- شاهنشاهی کیانیان (اجداد تاجیکان و پارسها و گُرد ها)
حدود یک هزار سال تا هفتصد سال پیش از میلاد (مدت حکمروایی حدود
300 سال) .
- شاهنشاهی مادها (اجداد تاجیکان و پارسها و گُرد ها)
از 678 سال پیش از میلاد تا 550 سال پیش از میلاد (مدت حکمروایی
128 سال) ،
- شاهنشاهی هخامنشیها (اجداد تاجیکان و پارسها و گُرد ها)
550 سال پیش از میلاد تا 336 سال پیش از میلاد (مدت حکمروایی
214 سال) ،
- شاهنشاهی سلوکی (یونانی)
از 312 سال پیش از میلاد تا 256 سال پیش از میلاد (مدت حکمروایی
56 سال) ،

- پادشاهی یونان و باختری (یونانیان و تاجیکان - پارسهای ایرانی) از 256 سال پیش از میلاد تا 125 سال پیش از میلاد، بخش شرقی ایران قدیم (مدت حکمروایی 131 سال)،
- شاهنشاهی اشکانیان - پارتها (اجداد تاجیکان و پارسها و گردها) از 247 پیش از میلاد تا 224 میلادی، بخش غربی ایران (مدت حکمروایی 471 سال)،
- شاهنشاهی کوشانی ها (اجداد تاجیکان و پارسها و گردها) از 30 تا 375 میلادی، بخش شرقی ایران (مدت حکمروایی 345 سال)،
- شاهنشاهی ساسانی (اجداد تاجیکان و پارسها و گردها) از 224 تا 651 میلادی (مدت حکمروایی 427 سال)،
- شاهنشاهی امویان (عرب) از 661 تا 750 میلادی (مدت حکمروایی 89 سال)،
- شاهنشاهی عباسیان (عرب) از 750 تا 868 میلادی (مدت حکمروایی 118 سال)،

- پادشاهی طاهریان (اجداد تاجیکان وپارسها وگُردها) از 821 تا 873 میلادی ، بخش مرکزی ایران - خراسان (مدت حکمروایی 52 سال) ،
- شاهنشاهی صفاریان (اجداد تاجیکان وپارسها وگُردها) از 861 تا 1002 میلادی ، بخش جنوب شرقی ایران - خراسان (مدت حکمروایی 141 سال) ،
- شاهنشاهی سامانیان (اجداد تاجیکان وپارسها وگُردها) از 819 تا 1005 میلادی، بخش شمال وشرق ایران - خراسان (مدت حکمروایی 186 سال)،
- شاهنشاهی غزنویان (ترک تبار) از 963 تا 1186 میلادی ، (مدت حکمروایی 223 سال) ،
- شاهنشاهی غوریان (اجداد تاجیکان وپارسها وگُردها) از 1148 - 1215 میلادی، بخش شرق ایران - خراسان (مدت حکمروایی 67 سال) ،
- پادشاهی سلجوقیان (ترک تبار) از 1040 تا 1194 میلادی ، بخش غربی ایران - خراسان (مدت حکمروایی 154 سال) ،

خوارزم شاهیان (ترک تبار)

از 1077 تا 1231 میلادی ، بخش شمال آریانا - خراسان (مدت حکمروایی 154 سال)

ایلخانیان (مغول / ترک تبار)

از 1256 تا 1335 میلادی ، (مدت حکمروایی 79 سال) ،
تیموریان (ترک تبار)

از 1370 تا 1506 میلادی (مدت حکمروایی 136 سال) ،

صفویان (اجداد تاجیکان وپارسها وگُردها)

از 1501 تا 1722 میلادی ، بخش غربی ایران - خراسان ، مدت حکمروایی 221 سال) ،

افشاریان (ترک تبار)

از 1736 تا 1796 میلادی ، بخش غرب خراسان وایران (مدت حکمروایی 60 سال) ،

افغان ها (پشتون ها)

از 1747 تا 2013 میلادی ، بخش شرقی ایران - خراسان (مدت حکمروایی 266 سال) ، بر سرنوشت ملل و مردمان حاکم بوده اند .

با درآمیختگی همچو روند سیاسی و تاریخی متغیر قرون - اقوام و ملیت ها ، گروه های ملی مذهبی گوناگون اعم از تاجیک ایرانی ، ازبک ، ترکمان ، بلوچ ، هزاره ، پشه یی ، عرب ، پشتون ، هندو ، وسایر لایه های خرد و کوچک اجتماعی، با داشت فرهنگ و زبان ملی مشترک فارسی در جغرافیایی سیاسی مشترک ، شکل گرفتند وبا تعهد اخلاقی پهلوی همدیگر زندگی و کاری کنند . و هر کدام پیوسته از آزادی و صلح وتمامیت ارضی آب و خاک این سرزمین دفاع نموده و می نمایند.

با توجه به تاریخ این سرزمین بر مبنای منافع کلان ملی ، اگربر اوضاع سیاسی دیروز و امروز نظر افکنیم ، به این نتیجه حتمی می رسیم که ساکنان خراسان - افغانستان امروزی ، از هر ملیت ، قوم و قبیله یی که برخاسته اند ، شهروندان اصلی این کشوری باشند .

عظمت فرهنگی ، و ظرفیت تمدن باستانی این سرزمین که نقش دوران سازش در زمره هفت کانون تمدن ساز جهان مقام شامخی را تحت نام « کانون پنجم فلات ایران ودو طرفه هندوکش » احراز میکند ، به همه ساکنان فعلی آن متعلق و وابسته میباشد .

بکارگیری همین پیوستگی و ارزشهای مشترک و عمیق تاریخی و فرهنگی و منافع مشترک ملی میان مردم ماست که زیر ساخت همبستگی ملی و دولت و ملت یک پارچه را تشکیل میدهد.

و با این انگیزه درونی، شور و احساس همبستگی عمومی، کنار هم بودن، با هم بودن و برای هم بودن را در فکر و اندیشه و وجدان و ضمیر فرد فرد شهروندان جامعه ما بوجود می آورد.

اما بی تردید سرزمین ما بر اساس موقعیت جغرافیای سیاسی اش پیوسته مورد تهاجم، مرگ و ویرانی مهاجمین ستمگستر خارجی و ارتجاع وابسته داخلی قرار گرفته است. بر اثر تحمیل جبری جنگ و خشونت و سیاست زمین سوخته، شیرازه مادی از هم گسیخته و ارزشهای فرهنگی و تاریخی ما پیوسته کم رنگ بوده است.

قابل یادآوری میدانیم که به دلیل فقدان حاکمیت مردمی، پدیده های شوم بیکاری، بیسوادی و عقب ماندگی اقتصادی از طرف حاکمان مطلق العنان بر مردم ما تحمیل گردیده و در فرآیند تاریخ این پدیده های شوم باعث و دلیل بقای حکومت استبدادی خاندانی و تباری گردیده و زمینه های آگاهی سیاسی و متعادل برای همه اقوام و ملیت ها را از بین برده است.

در سه سده ای اخیر همین نابرابری و تفاوت های فکری و عقلی میان فرهنگ قبیله ای و کوچی نشینی با فرهنگ شهرنشینی میباشد که مردم ما را به خشونت و همسختی کشانیده و بوسیله شیادان مزدور ساخت حوزه های پرورشی نهاد های ارتجاعی منطقه و همگام و هم نظر با

حلقات حاکم، زمینه انشقاق و تفرقه قومی و منطوقی را تا سرحد جنگ، قتل و کشتار جمعی و مظالم اجتماعی رسانیده اند. سیاست گذاران سرمایه جهانی با فهم و تجربه تاریخی استعمار کهنه، این درز اجتماعی و این نقیصه فکری سطح پائین شعور اجتماعی، و تفاوت های فرهنگ قبیله ای و کوچی نشینی با فرهنگ شهرنشینی و ساختار مغلق اتنیکی غیر متجانس جامعه ما را خوب شناخته و می شناسند.

با اتکاء بدین اصل بوده که در جریان چند سدهٔ پسین سود جویان جهان بین المللی سرمایه از میان روشنفکران برخاسته از لایه های قبیله و کوچی نشین سربازگیری نمودند. پدیدهٔ شوونیزم قبیله بی را منحیث حربه تحکیم قدرت استعماری در کشور کثیرالمله ما در اشکال حاکمیت دولتی نوع - شاهی، جمهوری، دموکراتیک، اسلامی امیرالمومنینی و دموکراسی شاخدار دروغین ایجاد و حمایت نمودند. بالاین ترتیب یورش گروه سربازان جنایت و وحشت طالبان در تبنانی با شبکه القاعده و نیرو های عقب گرای پاکستان، نمونه دیگری بود از راهکار های سنجیده شده قدرت های استعماری منطقه و جهان بمنظور استقرار دوبارهٔ حاکمیت ستمگستر نظام وابستهٔ قبیله سالار، ایجاد اردو

گاهای تروریستی، و تولید مواد مخدر؛ و خفه ساختن صدای آزادی خواهی و استقلال طلبی نیروهای واقعی مقاومت ملی و تکامل پسند. جهت دسترسی به منابع اقتصادی منطقه و در اسارت نگهداشتن شعور اجتماعی مردم.

" حزب دموکرات خراسان " بنا بر تنفر از جنگ و مخاصمت و ناهنجاری های اوضاع کشور و درک شرایط سیاسی و تاریخی خراسان - افغانستان، توافقات بن را با حسن نیت به فال نیک گرفته و آنرا گام نخست و خیزش همگانی در ایجاد همبستگی ملی، تأمین مؤلفه های حاکمیت قانون، تأمین صلح و ثبات بر مبنای نظام منتخب ملی و دموکراتیک و تأمین حق مشارکت بی قید و شرط همه مردم در ساختار حاکمیت و قدرت سیاسی می پندارد.

مگر با دید صاف از اوضاع سیاسی کشور و سنجش بی غش از دست آورد های بنیادی دولت اسلامی افغانستان از سالهای 2002 تا کنون با درد و تأسف به این نتیجه می رسیم که مجامع بین المللی و در رأس ایالات متحده امریکا با اینهمه کمک های چندین میلیارد دلاری در مبارزه علیه تروریسم، باز هم در انتخاب تیم رهبری دولت از جنس نمایندگان قبیله ای آزموده شده مرکز گرا خطای تاریخی کرده اند. و در حاشیه راندن نیرو های مترقی و تکامل پسند و نماینده های اقوام و ملیت های محکوم و صلح طلب، وارج نگذاشتن به اراده و آراء زیاده از 72 در صد شهروندان جامعه، به بی راهه رفته اند.

وفضای ناامنی و بی اعتمادی میان شهروندان جامعه و فزونی دامنه تشنج و خشونت مضاعف و بی باوری را خود در خراسان - افغانستان وسعت داده اند .

سرانجام در فرآیند دوازده سال ، حاکمیت فعلی که مشغله اساسی آن ایجاد تفرقه و دشمنی میان اقوام بوده ، با تفویض صلاحیت ها به افرادی که منافع قومی و تباری خویش را فوق منافع همگانی میدانند زمینه ساز احیای نیروهای طالبان دیوبندی منحصیث اپوزیسیون مسلح گردیدند که در کشور ما بر پایه تاراج زمینه های حیات نسل های دگر اندیش عمل مینمایند ، خون و آتش می آفرینند ، می سوزانند و بقتل می رسانند . نتیجه نامبارک آن بجز انشقاق ملی ، عدم مصونیت فردی و اجتماعی ، قحطی و قیمتی و فساد اداری چیز دیگری نبوده است . ضمن این مأمول 95 درصد تولید هیروئین جهان در سال 2006 و ادامه تولید و ترافیک این پودر کشنده در خراسان - افغانستان ، نمونه ای از بی کفایتی حاکمیت کنونی را به نمایش می گذارد و در سطح بین المللی نیز یک دست آورد شرم آور در ذات خود بوده و ملت ما را بی آبرو نموده است . با نگرش اوضاع ملی جهانی و واقعتهای تلخ تاریخ خراسان - افغانستان معاصر اینک هواداران تشکل وسیع سیاسی ، موجودیت سیاسی

خودراهزمان با سایر احزاب و جنبش های ملی و دموکراتیک ولی زیرنام اصول مرامی صلح آمیز " حزب دموکرات خراسان " اعلام موجودیت می کند و در جبهه احزاب و سازمانهای سیاسی و شخصیتهای اجتماعی و فرهنگی مستقل ، در خط اپوزسیون واقعی سیاسی نقش شایسته خود را ایفاء نموده و در این راستا اهداف خود را به صورت ذیل اعلام میدارد .

1- استقرار حاکمیت قانون مبتنی بر ارزشهای آزادی ، صلح ، همبستگی و عدالت اجتماعی ، با بهره گیری عمیق از فرهنگ باستانی میهن .

2- تثبیت هویت ملی، و احیای ارزشهای گمشده ، محو تمام مناسبات شوونیستی و عقب گرایی و کهنه پرستی .

3- ایجاد ملت واحد و بدور از مناسبات اتنیکی .

4- تأمین مناسبات اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی مملو از حُسن نیت میان همسایگان کشور و جهان .

نیت ما:

– ما با دید انسانگرایی بسوی خوشبختی و کمال حرکت می کنیم ، می گذاریم که عقب گرایان این میراث خوران قرون وسطایی با تکبر و جهل ، از حقایق زندگی نوین انکار نمایند .

– ما با نیت پاک در اعمار جامعه مدنی برای مردم و کشور خویش قدم می گذاریم و بدون ترس از اشتباه پیروز می شویم .

– ما استقرار حاکمیت قانون را در نابودی دایمی :

- 1- مناسبات فرتوت زمینداری , اربابی قبیله سالاری ،
 - 2- تولید و ترافیک مواد مخدر ، خاشخاشسالاری
 - 3- تروریسم و جنگ میدانیم.
- ما لشکر صلح و آزادی، کار و تأمینات اجتماعی هستیم .
- ما پیروان راه آدمیت ، تشنه گان حقیقی آموزش و پرورش، تحصیل و تحقیق هستیم .
- ما به امید طلوع آفتاب صلح در کشور ما و در دهکده جهانی با عشق به پیش می رویم.

مواضع ملی حزب دموکرات خراسان

حزب دموکرات خراسان از تمامی نیروهای دگراندیش و سازنده جامعه نوین بشمول دانش آموختگان ، دانشجویان ، استادان دانشگاه ها و دانشکده ها و معلمین شاگردان و کارمندان مراکز آموزش و پرورش ، کارگران ، دهقانان ، پیشه وران ، مامورین و کارآگاهان ملکی و دولتی و بیکاران ، روحانیون و امامان مساجد و خطیبان ، زنان و مردان روشنفکری بوجود خواهد آمد ، که سلاح معنوی آنان را حکمت ، فرهنگ و ادب باستانی و تاریخی ، پذیرش آموزه های معرفت بشری و استفاده از تجارب سود مند کشور های صنعتی ، باختر زمین و کشور های رو به تکامل آسیا تشکیل میدهد و جهت ایجاد حاکمیت قانون ، تأمین حقوق شهروندی مبارزه پیگیر سیاسی مینماید .

جامعه مدنی از طریق دموکراسی حقیقت پیدا می کند و دموکراسی بوسیله جامعه مدنی استمرار می یابد . در جامعه دموکراتیک ، منافع کل حیثیت منافع فرد و منافع فرد حیثیت منافع کل را تمثیل می نماید. پیروزی و نیرومندی قدرت سیاسی نشانه و نمودی از بازتاب اقتصاد جامعه است. این قدرت به هیچ رو حق ندارد که مصونیت ملی و آزادی فردی را ضایع نماید

ارزش رویکرد های حزب دموکرات خراسان در این حقیقت نهفته است که این حزب دارای برنامه اقتصادی و اجتماعی جدید بخاطر ایجاد زندگی پرسعادت و ماندگار میباشد .

ح . د . خ . معتقد است که حاکمیت ملی به مردم تعلق دارد . این حق حاکمیت توسط انتخابات آزاد و شفاف ، سری ، مستقیم ، عمومی و عادلانه ، از سطح روستا ها تا عالیترین ارگانهای رهبری دولت ، و تأسیس شورای ملی ، بعمل میشود ، وبوسیله آزادی عقیده ، آزادی مطبوعات و رسانه های همگانی تقویت می گردد.

حزب دموکرات خراسان آگاه است که تحقق آزادی و دموکراسی تنها در جوامع صنعتی تکامل یافته قابل رویت است . زیرا در چنین جوامع پیشرفته یک کمیت قابل ملاحظه انسانها با درک و فهم روشن علمی از ارزشهای جامعه مدنی ، به پذیرش رسالت در برابر میهن و شهروندان کشور خود توفیق مییابد .

بنابراین حزب ما با باورمندی کامل به آینده تابناک و حیات درخشان مردم ما ، رسالت خود میداند تا در جهت تقویت و تکامل شعور اجتماعی و تبلیغ و آشنا ساختن مردم به حقوق شهروندی ، نقش فعال ، عملی و دلسوزانه خود را ایفاء نماید.

برخورد راهبردی در امور داخلی

حزب دموکرات خراسان بخاطر تأمین عدالت اجتماعی و تعادل حقوق شهروندی مبارزه میکند و بدین باور است که عدالت اجتماعی اصل ایدالوژیک نیست بلکه یکی از ارزشهای نمادین دموکراسی میباشد . که آن با تحقق ارزشهای آزادی و صلح و همبستگی با مشارکت مردم در روند حیات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه ، خویش را نهادینه می سازد .

حزب ما از قانون اساسی افغانستان حمایت میکند ؛ و در تغییر و اصلاح قواعد و مفردات این سند قانونی بنفع اعمار جامعه نوین و دموکراسی مبارزه مسالمت آمیز مینماید .

حفظ همبستگی و وحدت ملی و جغرافیای سیاسی خراسان - افغانستان کنونی ، خواستهای برحق مبارزه سیاسی ما را تشکیل میدهد. زندگی مصون انسان و آگاهی از کرامت مردم نزد حزب دموکرات خراسان از اهمیت ویژه برخوردار است .

مسئله‌ای که زندگی، دانش، و کرامت هر شهروند نزد دولت شایان تمجید است. و هر شهروند حق تمسک بازرسی حیات را دارد. دولت مکلفیت دارد تا آزادی عقیده و وجدان را تضمین نماید.

بوسیله وحدت افکار حقوقی، دموکراتیک و اجتماعی، دولت میتواند به یک دولت فرهنگی مبدل شود. ظرفیت و نیرومندی یک جامعه در آن است که در خدمت قوه آفرینش عقل و شعور انسانی قرار داشته باشد.

قوانین مطروحه طوری تدوین گردد که در بستره آزادی های فردی، هر شهروند جامعه بتواند احساس مسئولیت پذیری خویش را در سهم گیری رشد و توسعه اقتصاد کشور بنمایش گذارد.

حاکمیت سیاسی به حیث قدرت منتخب مردمی و دموکراتیک جامعه مکلفیت دارد تا برای شهروندان خود ضمانت حیاتی را تأمین نماید. و به هر کس شانس انتخاب و احساس مسئولیت را ممکن سازد و تکامل و ترقی جامعه آزاد را خواستار شود.

ح. د. خ. ، دموکراسی را در این میدانند که قدرت دولت متعلق به مردم است. و از این اندیشه استقبال میکند که حاکمیت سیاسی، با فهم اینکه در همه کارکرد های خود همیشه نیاز به اعتماد پارلمان دارد ازین روهر زمان به پارلمان پاسخگومی باشد.

به گونه ای جوامع دموکراتیک ، بایست درکشورما نیز، حق اقلیت هم سنگ حق اکثریت ضمانت قانونی شود. حاکمیت و اپوزیسیون صلح خواه ، هر دو دارای اهداف متفاوت و مراتب حقوق مساوی قانونی و هر دو مسئول و جوابده نزد قانون و دولت می باشند.

یک دموکراسی مدرن بدون حضور و نفوذ احزاب سیاسی رقیب کارایی ندارد . درمبارزات انتخاباتی آزاد و فرایند اخذ رای مردم باید شانس اشتراک در رأی گیری و رأی دهی برای تمام احزاب داده شود . در چنین یک نظام متعادل حقوقی ، نمایندگانی که برای مدت معین از طرف مردم انتخاب می شوند ، افزون بر ادای رسالت ملی ، راهبرد سیاسی و وظایف نظارتی را از جانب احزاب به عهده می گیرند .

قوه مقننه ، قوه قضائیه ، قوه اجرائیه عملاً و قانوناً باید از همدیگر جدا و در تمام اجرای وظایف هر سه قوه مسئولیت داشته باشند .

تقسیم قوه های سه گانه در ولایات ، شهرها ، شهرستانها و نواحی عبارت از تقسیم قدرت می باشد. در صورت عدم رعایت و سر پیچی دولت از این اصل دموکراسی ، بدون شک جامعه و اوضاع سیاسی بسوی : جنگ و ناآمنی ، تصاحب و تعرض و خود کامگی ، گرایش پیدا میکند .

آزادی شهروندان را نیرومند می سازد و اعتماد و سهم گیری و مسئولیت پذیری آنها را بسوی بنگاه دموکراسی و حاکمیت مردمی باز مینماید. ح. د. خ. عقیده دارد که قاعده و اصل آزادی ارگان های علاقه داری (ناحیوی) و حکومتی (شهرستان) و سهم شهروندان بومی منطقه در خودگردانی قدرت و اداره محلی، در ساختار حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به تقویت اعتماد اطمینان همکاری و همزیستی ملی مساعدت میکند.

مطبوعات، رادیو، تلویزیون، فلم و دیگر وسایل اطلاعات جمعی غیر وابسته ای رسانه ای، مسئولیت تحقق وظایف اجتماعی را بعهده دارند. آنها باید در حمایت از ارزشهای آزادی تفکر، معلومات دقیقی را جهت بیان حقایق جمع آوری نمایند. وبا پذیرش رسالت میهنی و وجدانی آنرا در اختیار مردم قرار دهند.

رادیو و تلویزیون مکلفیت دارند که حقوق اجتماعی عمومی را در نظر داشته باشند. در خدمت افراد جامعه و به نفع انسان و خوشبختی وی عمل نمایند. ح. د. خ. از هیچ نوع اندیشه خاص پیروی نمی کند. در مبارزات سیاسی خود از اندیشه ها و داشته های فرهنگی و تاریخی

ناب باستانی کشور مان واز تجارب پرارزش نهاد های سیاسی و احزاب مترقی و دموکراتیک آسیا ، اروپا ، امریکا و جهان پیشرفته به نفع انسان و منافع ملی کشور ما هدفمندانه سود سیاسی و مرامی میبرد. در طرح و تحقق اهداف سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی خود از دست آورد های علوم معاصر و تجارب سازنده دموکراسی غرب صنعتی و ممالک روبه انکشاف بنفع صلح ونفی جنگ تجاوزکارانه در خراسان - افغانستان منطقه و جهان استفاده علمی و عاقلانه مینماید.

حزب دموکرات خراسان حق متعادل ملکیت بر زمین و حق متعادل مشارکت بر حاکمیت سیاسی را حق طبیعی انسان جامعه ما و یکی از اساسی ترین رکن عدالت اجتماعی می شناسد .

ساختار نظام اجتماعی و سیاسی خراسان - افغانستان بر بنیاد اصول و قوانین جامعه مدنی نظام پارلمانی ، و آزادی احزاب سیاسی ، آزادی صلح آمیز اجتماعات تظاهرات و اعتصابات طرح مطالبات و اعتراضات حق خواهانه ، آزادی بی قید و شرط مطبوعات و رسانه های فرا گروهی و وو ، میتواند و باید استقرار و تحکیم یابد ؛ ح . د . خ همسنگی و برابری حقوقی

زن و مرد را در همه عرصه های حیات اجتماعی سیاسی اقتصادی بویژه در برابر قانون و لغو هرگونه تبعیض جنسی ، از وظایف اساسی و اخلاقی خود میپندارد.

ح. د. خ. از ساختار اتنیکی میهن ما که در حال حاضر بیشتر از بیست اقلیت های ملی ، مذهبی ، و گروه قومی زندگی کار و مبارزه میکنند آگاهی دارد. با آموزش عینی از این ساختار اتنیکی نا همگون ، طرحهای سیاسی صلح آمیزی را بمقصد تشکیل " ملت واحد و یک پارچه " در خانه خورشید جهت احیاء و تثبیت " هویت ملی " همگانی و سراسری و ایجاد صلح پایدار در سرزمین ما ، از مجاری نهادهای قانونی پیشنهاد میکند و این مطالبه را یکی از وظایف ارزشمند و مهم سیاسی و راهبردی مبارزه ملی و اجتماعی خود می پذیرد.

ح. د. خ. بخاطر اصلاح اساسی ، تمامی ساختار تشکیلات سیاسی ، ملکی و اداری نظام دولتی افغانستان و میراثهای آزادی کُش دوران « نظام های خودگردان ضد ملی » و لغو تمام امتیازات غیر قانونی و ناروای محلی ، قومی ، لسانی ، مذهبی و نا برابریهای حقوقی و فرمان های خصومت آفرین امیران و شاهان وابسته به استعمار کهنه و نو، با فهم و درک ویژگیهای نفوس ، فرهنگ ، زبان ، شرایط اقلیمی و جغرافیایی و ده ها معیار های عینی تاریخی کشور ، مبارزه مسالمت آمیز استوار و خلل ناپذیر مینماید .

سرشماری دقیق نفوس افغانستان

حزب ما به این اصل اعتقاد دارد که سرشماری دقیق نفوس و توزیع شناسنامه شهروندی با تعیین هویت پذیرفته همگانی، و با اساسات نوین علمی و همکاری بی غرضانه و شفاف، تمام نهاد های سیاسی و دولتی، تحت نظر و به همدستی سازمان ملل متحد و زیر نظارت نمایندگان با صلاحیت پارلمان، احزاب سیاسی و سایر نهادهای دموکراتیک کشور، آغاز و انجام پذیرد. و تمامی شهروندان مردینه کشور بدون تبعیض و امتیاز قومی و منطقه بی قانوناً مکلف به اجرای خدمت زیر بیرق ملی میباشند.

حزب ما از قوه قضائیه مستقل و غیر وابسته به حاکمیت سیاسی در خراسان - افغانستان حمایت و پشتیبانی می کند. و خواستار انتخابی بودن تمام ارکان قضایی و محاکماتی کشور می باشد.

و از اصلاح اساسی نظام قضایی و عدلی و قوانین دوران استبداد استعماری، بویژه از طرح تدوین و تصویب قانون جزایی نوین پشتیبانی بیدریغ می کند.

ح. د. خ. در گام نخست و در حرکت دسته جمعی مبارزه بسوی دموکراسی و آزادی، در فرآیند مبارزات سیاسی و پارلمانی خویش خواستار تغییرات

- مترقی نهاد های ملی ودموکراتیک طرح و تدوین قوانین ولوایح و آئین نامه ها و در همه عرصه های حیات جامعه نظیر:
- قوانین حوزه های فرهنگی ، مدارس ودانشگاه ها
 - قواعد و لوایح امور خارجه ودفاع ، وحمايت از سکنه کشور
 - موضوع حق شهروندی و شناسنامه شهروندی
 - قانون احصائیه و نفوس شماری ، قانون ثبت ولادت وفات و ازدواج
 - اصول ارزی و تعیین مدت آرز و تشکیل بانک نشراسکناس وپول رایج به عنوان بانک سراسری کشور.
 - خطوط ترانسپورت زمینی ، وحدت قلمرو گمرکی و تجاری ، آزادی قانونی حمل ونقل کالای تجاری ، حفاظت مرزی و گمرکی
 - قانون ارتباطات تلفنی و تلگراف و رسانه های گروهی
 - حقوق مالکیت صنعتی و حق طبع وانتشار
 - قانون حمایت قانون اساسی ، قانون مدنی قانون جزایی و اجرای احکام قضایی و آئین داد رسی .
 - همچنین " حزب دموکرات خراسان " جهت ادای حرمت به اصالت ذاتی وکرامت انسان ازتغییر قانون مجازات اعدام به حبس ابد اخلاقاً استقبال میکند .
 - ایجاد دیوان قانون اساسی کشوروتعیین مکلفیت هاوظایف آن دیوان مبنی بر نظارت و رعایت قانون اساسی .
 - ایجاد دیوان محاسبات دولت بعنوان یک مرجع بیطرف مراقب و ناظر

- برای بازرسی امور مالی دولت بر مدیریت بودجه و اقتصاد دولت
- قانون مربوط به معادن ، بانکسازی حرکت پول و بیمه های خصوصی
 - قانون انتقال زمین ، منابع طبیعی و اسباب تولید صنعتی به مالکیت عمومی
 - جلوگیری از سوء استفاده اختیارات اقتصادی
 - قانون توزیع اراضی و برنامه های ساحوی و اداره آب و دارایی عامه ... و غیره .
- فهرست نامکمل قوانینی است که ح . د . خ . در روند مبارزات پارلمانی خود در زمینه تدوین تصویب یا ترمیم آنها طرحهای مشخصی را به پارلمان کشور پیشنهاد مینماید.

تعهد نظام مشارکت و رقابت

مردم دگراندیش و نهاد های مترقی و تکامل پسند جهان امروز با گزینش و پذیرش اندیشه دموکراسی و ویژگی ماهوی و بنیادی آن خیلی سروکار دارند . زیرا در روند ساختاری حاکمیت سیاسی جوامع این نظام مردمسالار نسبت به دیگر ساختار های نظام سیاسی - هیچ مانع ذهنی بی برای عدم پذیرش خود در میان مردم ایجاد نکرده است . این ویژگیها وده

ها معیار های دموکراتیک ، میزان حضور " نظام مشارکت و رقابت " ، محور انتخاب نظام صلح و آزادی را در سراسر گیتی تشکیل میدهد .

شایسته گفتن است که پس از جنگ دوم جهانی (1945م) و سرنگونی رژیم ملی گرای آلمان در اروپای غربی و دیگر ممالک ، شکل دموکراسی لیبرال و مردمسالاری جایگزین تمرکز های خونین نظامی و تمامیت خواه شد و درین دهه گذار و دیگرگونی کیفی اشکال شعور و آگاهی اجتماعی ؛ دیکتاتوریهای مطلق گرای : اسپانیا ، پورتگال ، یونان ، چلی ، ارجنتاین و اروگوئه راه دموکراسی لیبرال و حاکمیت مردمی را در پیش گرفتند .

حزب دموکرات خراسان با آموزش عینی از مؤلفه های سازندگی حاکمیت قانون در جوامع غرب صنعتی و جهان ، تحقق ارزشهای دموکراسی رایجی از راهبرد برخورد در تأمین ثبات و امنیت و رفاه حیات اجتماعی در اروپا میدانند.

دموکراسی نظام مردم سالاریست که صرف مردم در عرصه سیاست نیروی دائمی اند و بس . دموکراسی یعنی جامعه خوب در حال عمل ؛ به بیان علمی ادعای برحق مردم به قدرت و حاکمیت ، راهیابی و دسترسی به ارزشهای بنیادی برحق « راه مساوی » برای اعمال مشروع و مسئولانه آن میباشد. و رهبران سیاسی با پیشکش نمودن برنامه های سیاسی سازندگی

خویش مبتنی بر تأمین عدالت اجتماعی ، حقوق آزادی های شهروندی به مقصد کسب حیثیت و اعتبارنامه معنوی ، وارد میدان مبارزه صلح آمیز سیاسی میشوند.

حزب دموکرات خراسان به این باور است که رهبری توده ها دارای ارزشهای ست که در آن عقل و تعادل حقوق شهروندی جاگرفته است. این ارزش ماهوی دموکراسی است که تساوی حقوق انسان و آزادی او را در امان خود حفاظت میکند و راه های سوء استفاده از قدرت را مسدود میسازد. وبه ویژه فهم و شناخت ارزش « اختیار و آزادی » ، شناخت ارزشهای تفاهم ، خویشتن داری مصالحه و سازش انسانی ، راه حفظ ماهیت خود رنگی ملی ، خودبوی ملی خودآگاهی ملی رادر ذهن و روان فرد جامعه در امر دفاع از منافع ملی کشور تقویت میبخشد .

فهم تکامل نگر حزب ما از جامعه و خواست مردم خراسان - افغانستان مبین این میل است که از تک روی سیاسی و گروهی ، از جنس نفرت و جنگ فاصله بگیریم و هسته سیاست دموکراتیک را با الهام گیری از ندای صلح و برادری و برابری حقوقی در فضای آزاد و دموکراتیک بدون هراس از راه صندوق رای یکی بدانیم . همین انتخابات شفاف ، دست نخورده ، حق رأی برای عامه در بطن دموکراسی جای دارد .

بقول آبراهام لینکلن رئیس جمهور امریکا در سال 1861 میلادی که گفته بود: " بزرگترین وظیفه جمهوری امریکا این نکته به جهان بوده که آنهایی که بتوانند انتخابات منصفانه برگزار کنند میتوانند شورش را هم بخوابانند؛ که ورق های رأی جانشینی برحق و صلح آمیز برای گلوله است؛ و وقتی ورق های رأی منصفانه و قانوناً اعلام تصمیم کرده اند. رجعت به گلوله جاذبه ای ندارد. "

نظام پارلمانی

ح. د. خ. شورای ملی منتخب نیرومند را قلب دموکراسی میداند و آنرا مرکز اصلی کنترل فعالیت های دولت می شناسد. و از نظام پارلمانی و نظام چند حزبی در خراسان - افغانستان که مکمل یکدیگر می باشند وزمینه های متعادل مشارکت مردم را در حاکمیت سیاسی نهادینه می سازند حمایت و پشتیبانی می کند.

در این نظام هیچگاه یک مشت اقلیت روشنفکر از یک تبار مشخص حکومت نخواهد کرد. صرف قانون حکومت می نماید و مردم در عرصه سیاست نیروی دائمی اند. حاکمیت ملی به مردم تعلق دارد. این حق حاکمیت توسط انتخابات آزاد و شفاف، سری، مستقیم، عمومی و عادلانه، از سطح روستاها تا عالیترین ارگانهای رهبری دولت، و تأسیس شورای ملی تعمیم میشود. و بوسیله آزادی اندیشه، آزادی مطبوعات و رسانه های همگانی تقویت می گردد.

در نظام پارلمانی - مجلس نمایندگان عالی ترین ارگان تقنینی دولت است و نخست وزیر در انتخابات عمومی از طرف مردم به مدت چهار سال مستقیم انتخاب می شود. وی و هیئت وزیران در برابر مجلس نمایندگان پاسخگو هستند.

ورئیس جمهور کشور نیز از طرف شورای ملی (نمایندگان مجلس و سنا) ، سری و مستقیم به مدت پنج سال انتخاب می شود. مقام ریاست جمهوری تشریفاتی است و مطابق قانون دارای قدرت استرداد مهم نیز می باشد.

برتری پارلمان بمثابة هسته نظام حکومتی بر قوه اجرائیه در این است که نخست وزیر باید عضو پارلمان باشد و اکثر اعضای هیئت دولت خود را از میان وکلای مجلس انتخاب کند و کابینه اش از پارلمان رأی اعتماد کسب نماید.

پارلمان عالی ترین ارگان تقنینی حکومت است و هیئت وزیران در برابر آن پاسخگو هستند. با این اصل دولت نتیجه اعتماد مردم بوده و قدرت ملت بوسیله نمایندگان مردم اعمال می شود.

عنصر اساسی در نظام پارلمانی بر اصل تفکیک قوا سه گانه در تعادل متوازن قدرت متجلی میگردد.

نظام پارلمانی منتخب مردم هم قانون گذار است و هم نهاد های دولتی را برای امور اجرایی سازمان میدهد و بر چگونگی کارکرد آنها نظارت مینماید. و از برقراری یک ساختار نا متوازن حقوقی ایکه مجدداً بر فراز

مردم بپا خاسته قرار گیرد و حق مشارکت مردم در قدرت و حاکمیت را محدود نماید و آنان را تبدیل به تماشاچیان ناتوان صحنه سیاست کند، جلوگیری می کند .

ح . د . خ . از وجود تفاوت عمیق منابع و داشته های طبیعی ولایات و بکاربرد این منابع اقتصادی برای یک رشد متوازن حیات اجتماعی که جواب گوی انکشاف همه جانبه کشور و رجحان مصالح ملی میباشد آگاهی لازم دارد . با این ایقان و انتخابی بودن رؤسای ولایات ، شهرستانها و علاقه داریها ، و شوراهای نواحی ارگان های قدرت محلی و اداره دولتی در ساختار نظام پارلمانی را، از اولویت های وظایف سیاسی « اصول مرامی » خود بشمار می آورد.

انتخابی بودن ارگان های قدرت در سراسر کشور برای شهروندان خراسان - افغانستان فرصت مشارکت و نظارت را ایجاد میکند . در چنین شرایط باز و آزاد شهروندان ما می توانند با نمایندگان منتخب خود در شورای هر بخش در اجتماعات شهروندی سخن گویند ، بر بودجه بخش نظارت داشته باشند و یا درباره طرح های ساختمانی ، ساخت جاده های محلی و پل ها ، تأمین برق و آب و گاز ، سیاست حفظ محیط زیست و سربسبزی و طرح های اداره مدارس ، تیاترها ، موزه ها ، بیمارستانها ها ، ورزشگاه ها و باشگاه ها... ووو ، بحث کنند . بیک سخن ، شهرها و نواحی ، روستاها و قصبات ، اجزای حیات مشترک سیاسی

به صورت پویا و زنده به تکامل خود ادامه دهند تا آزادی و دموکراسی در کشور و جامعه تداوم و تکامل یابد.

امور دفاعی و امنیت ملی

مساحت خراسان - افغانستان (652090) کیلومتر مربع ، در گوشه شمال شرق در فاصله هفتاد و چهار کیلومتر با جمهوری مردم چین هم سرحد می باشد و در شمال هم مرز تاجیکستان (1206 کیلو متر) ، ترکمنستان (744 کیلو متر) و ازبکستان (137 کیلو متر) ، در شرق با پاکستان (2430 کیلو متر) ، و در غرب با ایران دارای (936 کیلو متر) مرز مشترک است.

تأمین امنیت و نظم عمومی در خراسان - افغانستان از خواسته های سیاسی ح . د . خ میباشد . این حزب در دفاع از میهن استاده است و آنرا از وظایف مهم و اساسی خود می انگارد. دفاع از سرحدات کشور دفاع از نظم و دست آورد های دموکراتیک ، استقلال و آزادی ست .

دفاع از سرحدات باید در حد اعتدال باشد باعث تشنج منطقه و فشار بین المللی نگردد. حمایت از حیات اجتماعی بخش عمده وظایف ما را تشکیل می دهد. حزب ما در دفاع از حقوق و آزادی های بشر ضد هر نوع سلاح کشتار جمعی در جهان می باشد . و امیدوار است که در روند نسبتاً دور حیات ، خراسان - افغانستان هیچگاه اجازه مستقیم و غیر مستقیم تولید سلاح کشتار جمعی را نداشته باشد و به مرکز سبز صلح و ثبات منطقه تبدیل گردد .

حزب دموکرات خراسان در قدم آغازین خواستار تعادل قوا در منطقه بوده و در آینده های دور ضد تولید بیش از حد سلاح و مهمات میباشد. نیروهای مسلح باید در تحت رهبری پارلمان و حاکمیت سیاسی منتخب باشد. میان نیرو های مسلح و قوه مقننه و قوه اجرائیه فضای اعتماد و همکاری صادقانه و شفاف وجود داشته باشد.

نیرو های مسلح از خود کفایی قدرت محاربه و استقلالیت عمل و اراده برخوردار بوده و صرف در امر دفاع از کشور و منافع ملی آن بخدمت گرفته شود و مدافع صلح و ثبات باشد .

ح . د . خ . با پیروی از تأمین اندیشه صلح و امنیت در خراسان - افغانستان در راه بسیج و تقویت صفوف اردوی ملی نقش فعال و وطنپرستانه ایفاء می کند . و باورمند است که ، قوای مسلح نیرومند مردمی و غیر وابسته ، ضامن سلامت و یک پارچگی کشور بوده در چوکات نظام پارلمانی پاسدار آزادی ، عدالت ، استقلال و امنیت ملی ، تمامیت ارضی ، همبستگی ملی ، ارزشهای فرهنگی و ادامه دهنده سنن پرافتخار مبارزات میهن پرستانه ضد استعماری و ضد استبدادی مردم ما می باشد.

حزب ما خواستار چنان اصولی است که نماینده پارلمان در قوای مسلح کشور نقش نظارتی قانونی مهمی به عهده داشته باشد .

و بر رعایت حقوق قانونی سربازان و تحقق قانون مندرج در قانون اساسی نظارت می نماید. این نماینده می تواند از تمام مراجع نظامی خواستار رؤیت اسناد شود و بدون اطلاع قبلی از کلیه جزو نام های قوای مسلح و ارسلی و بازدید نماید.

منشأ وظایف و مأموریت های قوای نظامی خراسان - افغانستان ، مأموریت و اهداف مندرج در قانون اساسی و سیاست امنیت ملی و دفاعی کشوری باشد . قوای نظامی فقط فیصله های دفاعی پارلمان و سیاست دولت واقعی منتخب مردمی و همه شمول را تأمین و تحقق می بخشد ، امنیت و دفاع ملی را تأمین می کند ، در حفظ ثبات در منطقه و جهان سهم شایسته ایفاء مینماید ، سهم صلح خواهانه خود را در دفاع از آزادی و دموکراسی و حفظ منافع ملی به وجه شایسته انجام میدهد .

سیاست اقتصادی در توسعه مردم سالار

هدف کلی سیاست اقتصادی جامعه آزاد مبتنی بر عدالت اجتماعی : تثبیت قیمت ها ، تضمین اشتغال بیشتر ، حفظ تعادل در تجارت خارجی و تضمین رشد مستمر و متناسب در اقتصاد است . وظیفه اصلی سیاست اقتصادی ایجاد فرصت های شغلی جدید و مطمئن از طریق سرمایه گذاری و نوآوری و مبارزه جهت کاهش بیکاری است .

علامات اساسی اقتصاد پیشرفته جامعه مدنی در اینست که پیوسته در یک روند متمرکز و هماهنگ پایه های خویش را نیرومند تر می سازد . و صاحبان وسایل تولید در این روند نه تنها تصامیم در مورد توسعه اقتصاد و معیار زندگی اتخاذ مینمایند بلکه ساختار اقتصاد و جامعه را نیز تغییر میدهند .

تجربه سیاست اقتصادی جهان صنعتی نشان میدهد ، هرکسی که اختیار رهبری سازمان بزرگ تولیدی و اقتصادی را بالای میلیون ها ارزش پولی و هزاران کارگر مزد بگیر داشته باشد برحق که او قدرت حاکم را بالای انسانها تحمیل می کند . واضحاً هرچائیکه قدرت و حاکمیت صاحبان وسایل تولید بزرگ انحصارگرنیرومند ترگردد ، در آنجا آزادی رقابت تحت سوال قرار می گیرد . برای جلوگیری این معضله اجتماعی اگر همه صاحبان وسایل تولید کوچک و بزرگ از قدرت و صلاحیت قانونی مساوی برخوردار نباشند نمیتوانند آزادی رقابت را حفظ و امکانات مساوی توسعه ورشد جامعه را تأمین و فراهم نمایند . با درک این واقعیت که مصرف کننده گان جامعه ضعیف ترین موقعیت و جایی در اقتصاد مملکت دارند . به این مناسبت باید پیوسته از حق و حقوق مصرف کننده ها حمایت قانونی صورت گیرد .

خراسان - افغانستان یکی از عقب نگه‌داشته ترین کشورهای جهان است که بر اثر حکمروایی شاهان غاصب و مطلق العنان ورژیم های نا مردمی ، پیوسته در بستر گرم جنگ و خشونت و محور سنگپایه های مادی اقتصاد ملی و حیات اجتماعی قرار داشته است.

روند تاریخی شاخصه های اقتصاد و نظام تولیدی سرزمین ما از ویژگی های طبیعی و اجتماعی خاصی برخوردار است . با وجود رشد مناسبات سرمایه داری هنوز مناسبات فیودالی و نیمه فیودالی در آن موجود می باشد. که مستوجب بروز شاخص های مالکیت کلکتیفی ، ارباب رعیتی و مالکیت قدرت مندان و حاکمان ستمگستر، مالکیت سکتور خصوصی و مختلط و مالکیت دولتی و... در خراسان - افغانستان گردیده است .

ترکیب اجتماعی ای که در دایره و فرآیند تولید این شاخصه های اقتصادی جامعه ما اشتغال دارند عبارت اند از:

طبقه ملاکین : که زیاده از هفتاد درصد زمین های آبی کشور را در دست دارند .

طبقه دهقان : که شامل دهقانهای مرفه حال ، دهقانهای میانه حال ، دهقانان خورده زمیندار و اجاره گیر ، دهقانان کم زمین و بی زمین سهمیه کار یا اجیر زراعتی و بیکار .

طبقه بورژوازی : که صاحبان شرکت های بزرگ صنعتی و تجاری ، مخابرات و ترانسپورت و بانکها در تجارت داخلی و خارجی کشور ... میباشند .

طبقه کارگر : کارگرانی که در کارگاه های صنعتی و فابریکه ها و دیگر شقوق اشتغال دارند.

لایه متوسط شهری : این گروه شامل دانشجویان و متعلمین ، استادان ، مامورین پائین رتبه دولتی یعنی روشنفکران ، دوکانداران ... اند.

اما مالکان و کار آفرینان این شاخصه های اقتصادی موجود به نسبت موقعیت اقلیمی و وجود جلگه ها و سلسله کوه های بلند و ده ها مؤلفه های مزاحم و نامناسب دیگر محیطی و اجتماعی و سیاسی میهن ، به ایجاد سازمان بزرگ تولیدی و اقتصادی متمرکز در کشور ما توفیق نیافته اند .

با آگاهی ژرف و عینی از فرهنگ ، تاریخ و شاخص های اقتصادی موجود و ساختار ترکیب اجتماعی متغیر جامعه ما ، میتوان راهکار های بازسازی پایه های ساختارمادی خراسان - افغانستان را در تبعیت از قوانین بازار از جمله با : " ایجاد نظام تأمین اجتماعی بازار کار ، کاهش هزینه های

جانبی دستمزد و تحرک و تکامل اقتصادی " ، با وسایل وامکانات مدرن دست داشته بسمت رشد و کمال و بازدهی ، رهنمون شد.

بعقیده حزب ما نیروی سازنده بازسازی و نوسازی کشور را فقط مردم خود ما تشکیل میدهد . با تدبیر صادقانه دولت و همکاری های پولی ، فنی و مسلکی کشور های دوست توسعه و رشد اقتصاد متوازن ، میتواند و باید تحقق یابد .

حزب ما به کمک های جامعه بین المللی ارج میگذارد و با هوشدار دوراندیشانه خویش به این باور است که با سرازیر شدن میلیارد ها دلار کمک های جامعه جهانی در خراسان - افغانستان و با عدم نهاد های قانونی و نبود شفافیت و پاکیزگی عمل کرد حاکمیت سیاسی کشور در فرآیند زمان ، صاحبان نو پای شرکت های خصوصی داخلی و خارجی و موسسات تولیدی شخصی و مختلط آهسته آهسته به صاحبان بزرگ وسایل تولید و ایجاد گران شاخص های جدید اقتصادی تبدیل می شوند.

این نهاد های اقتصادی و تولیدی بی تردید تأثیر بس مهمی بالای دولت و تعیین سیاست آینده آن خواهند داشت . و مالکین آن در تبعیت از سیاست سود ورزی سرمایه ، این نیرومندی و قدرت را با ائتلاف دیگر شرکت های تولیدی مشترک المنافع داخلی و خارجی ایجاد خواهند نمود .

در این راستا عملاً ، قدرت اقتصادی سبب تحکیم قدرت سیاسی می‌گردد ارزشها و اساسات جامعه مدنی در حال ظهور کشور ما را زیر پا می‌سازد.

بدین بابت وضع محدودیت های قانونی قدرت صاحبان اقتصاد بزرگ (شرکت های تولیدی ، بانک ها ، شرکت های ساختمانی ، صحت و درمانی ...) بوسیله نهاد قانونگذاری از وظایف مرکزی سیاست اقتصادی کشور آزاد ما و از آنجمله "حزب دموکرات خراسان" است . دولت و جامعه در حال و آینده نبایست قربانی منافع ممتی از قدرت مندان اقتصادی سود جو شود.

با دید تعادل حقوقی از رشد مواد تولیدی ملکیت های شخصی و گروهی تا آنجا حمایت صورت پذیرد که ضد ساختار حقوقی نظم اجتماعی و سیاسی جامعه ما قرار نگیرد.

قابلیت کاری صاحبان وسایل تولید موسسات کوچک و متوسط و کسبه کاران دستی و خیابان گرد را باید حفظ ، رشد و ارتقاء بخشید و ظرفیت تولیدی و کاری آنها را بوسیله وضع قوانین حقوقی ضمانت کرد . تابدینوسیله بتوانند بایک سازش قانونمند اقتصادی با شرکت های بزرگ کار مشترک همگانی نمایند .

تعهد قانونی شرکت های آزاد مشترک المنافع در این باشد که زیاد تر موفقیت های خویش را در رفع نیازمندی های انسان جست و جو کنند و با اتکاء به این اصل پیوسته در موضع دفاع از منافع مصرف کننده گان قرارگیرند و قیمت مواد مصرفی را در میزان غیر قابل تعدیل نگه بدارند .

تجربه غرب صنعتی نشان داده که اقتصاد بازار هیچ گاه حق و حقوق عایدات و دارایی جامعه را ضمانت نمی کند. به این مناسبت در زمینه به یک سیاست هدفمند و عاقلانه نیاز دارد .

برای دفع این عوامل نامطلوب سیاسی و اجتماعی از قبیل بحران‌ات اجتماعی ، جنگ‌های طولانی قحطی و یا تأدیه قرضه های کمر شکن کشور های خارجی ، و یا بر اثر نبود قوانین عایدات بر مالیات همگون و سراسری ؛ مردم و جامعه ما صدمه دیده است . و حکومت ستمگستر میهن ما در سده های تاریخ پیوسته بر دارایی و عایدات جامعه دستبرد ناعادلانه زده و تاوانسته اند یک اقلیت ممتاز اکثریت های محروم کشور را فقیر و ناتوان تر ساخته اند . برای لگام زدن اقلیت ممتاز مناسبت ترین اقدامی میتواند و باید به منصفه اجرا قرار گیرد و آن اینست که یک قسمت از سهم سرمایه داران بزرگ در عرصه های اهداف اجتماعی بمصرف برسد.

"حزب دموکرات خراسان" از سیاستی پیروی میکند که مولد ارزشهای نوین برفع انسان و خوشبختی مردم باشد. ایجاد و تقویت مؤلفه های اقتصاد ملی، شتاب و سرعت عمل اقتصاد ملی را عامل عمده رشد مستقل ملی، تحکیم پایه وحدت ملی و دولت ملی و همبستگی ملی مردم خراسان - افغانستان می پندارد و اهداف و رویکرد های اقتصادی زیرین را گامهای آغازین بسوی اعمار سنگپایه جامعه نوین و حقوق شهروندی در خراسان - افغانستان تلقی مینماید: .

- تقویه اقتصاد ملی، دفاع و کنترل قانونی از گردش سرمایه اقتصاد بازار جهانی و جلوگیری از صدمه آن بالای اقتصاد ملی،
- ایجاد زمینه های رشد و تکامل اقتصاد بازار،
- تضمین حقوق ملکیت های منقول و غیر منقول،
- تضمین حقوقی و مصونیت قانونی از سرمایه گذاری های خارجی و داخلی،
- تقویت مناسبات همکاری اقتصادی و تجارتي با همسایگان، کشورهای اسلامی، منطقه و جهان
- الغای مناسبات اقتصادی قبیله سالاری زمینداری - ارباب رعیتی،
- تأسیس شرکتهای تعاونی زراعتی، اصلاح شبکه های آبیاری و خاک،
- آبادی اراضی بکر و بایر، پرورش و تکثیر حیوانات،
- ایجاد صنایع ثقیله و خفیفه، ساختمان راهها و شاهراهها و دستگاہهای

- تولید نیروی برق آبی و حرارتی و بادی و... ،
- پایه گذاری نظام مستقل اقتصادی مبنی بر : قواعد بانکی نوین دولتی و شخصی ، ایجاد بیمه های بزرگ اقتصادی . تدوین مقررات و اساسات مالیاتی مدرن و همه شمول (مالیات بر حقوق و مشاغل ، مالیات اختصاصی نظیر - مالیات بیمه و کلیه مالیات بر مصرف) ، مالیات بر ارث ، مالیات خرید املاک ، کسب مالیات بر عایدات به انضمام مالیات بر شرکت ها ... ووو ،
 - شانس مناسب حیات و ایجاد قوانین روشن و عینی تأمینات حقوق مادی جامعه ،
 - تقسیم عادلانه امکانات بهره مندی سعادت برای همه شهروندان ،
 - بهره برداری متناسب زن و مرد از امکانات متعادل حیات مرفه و خوشبخت اجتماعی ،
 - ایجاد امکانات حق کار ، تا شهروندان بدون تفاوت و امتیاز معیشت زندگی شخصی خود را مستقلانه بوسیله کار کردن خود تأمین مادی نمایند ،
 - حفظ مستدام اساس زندگی طبیعی ،
 - مواظبت اجتماعی و صحی سالخوردگان و کودکان و اطفال ،
 - شانس هدایت اختیاری حیات ، که ممد از دیاد امکانات وسیع همبستگی و امنیت گردد ،
 - تبدیل قدرت بزرگ سازماندهی خودی به فعالیت مشترک نیرومند همگانی در جامعه و غیره .

یک - اقتصاد پایدار

انقلابات صنعتی جهان تغییرات بنیادی را در زندگی بشریت بوجود آورد. تا انسان‌ها بتوانند بکمک تکنیک و ماشینی کردن حیات اجتماعی پدیده فقر بیماری و بیسوادی را نابود نمایند. مگر با تأسف که هنوز هم اکثریت انسانات روی زمین و بویژه مردم جنگ دیده خراسان - افغانستان در تحت چنبره فقر و ناتوانی اقتصادی رنج میکشند.

هدف دایمی "حزب دموکرات خراسان" تکامل اقتصاد بارور بمنظور ضمانت مادی و معنوی حیات اجتماعی مردم ماست. یعنی فعالیت آزادانه نیروها در بازار امکان پذیر گردد، امکانات مصرف افزایش یابد، عرضه کنندگان کالاها به نوآوری و پیشرفت های فنی تشویق شود و در آمد و سود بر اساس توانایی فردی تقسیم گردد.

سیاست اقتصادی باید همراه با پول دارای پشتوانه قوی و سهم گیری و اشتغال عمومی مردم در کار مطمئن گردد. تولید محصولات ملی بالارود.

اقتصاد باید بر اصل واحد پولی قوی (پشتوانه دار) روند اشتغال مردم را ضمانت نماید، با این تناسب کمیت محصولات ملی بالا می رود و سطح رفاه همگانی ارتقاء می یابد.

زمانیکه تمام افراد جامعه ما در تأمین رفاه همگانی کشور سهم فعال میگیرند، ضمناً دگرگونی های مستدام ساختار اقتصاد، مطابق پلان سنجیده شده تدوین میگردد، با این اسلوب میتوان به تکامل متوازن اقتصاد ملی دست یافت.

تحقق چنین یک سیاست بستگی به سنجش عمومی و دقیق شاخصه های اقتصاد ملی، و بودجه ملی دارد. بودجه ملی از طرف پارلمان بتصویب میرسد.

دولت مدرن و مردم گرا اقتصاد خویش را از طریق تصامیم، طرح و تدوین قوانین در عرصه های اقتصاد عایداتی و مالیاتی، پول، اعتبار خریدی، گمرکات، تجارت و همچنان پیش کش برنامه های رفاه سراسری نظیر رشد و تأمین اقتصاد ولایات، شهرها، نواحی و روستاها و تهیه سیاست متعادل اعمار مسکن در سراسر کشور کنترل متوازن مینماید.

آزادی انتخاب مصرف (مواد غذایی و استهلاکی)، آزادی انتخاب جای

کار ، آزادی رقابت سالم ، آزادی ابتکار کارگر ، یکی از مهم ترین و اساسی ترین عناصر سازنده سیاست اقتصادی " حزب دموکرات خراسان " می باشد.

تسجیل استقلال کارگر و کارفرما در قوانین کار و تأمینات اجتماعی یکی از اجزای اصلی نظم آزادی اجتماعی است.

وقتی میتواند بازرسی عامه در عرصه های تولیدی و مصرفی جامعه تقویت گردد که زمینه های عینی سوء استفاده از قدرت در اقتصاد تغییر یابد.

کنترل اموال همگانی از طرف مردم بشکل قانون مند صورت میگیرد . مهمترین وسایل کنترل عامه عبارت از کنترل دقیق از نحوه سرمایه گذاری و بازرسی از عدم رشد انحصار گرایانه نیرو های بازار می باشد

مالکیت اجتماعی بر اصل قانون اساسی تنظیم و با حفظ شیوه عدم تمرکز ، از خود مختاری برخوردار باشد .

رشد مالکیت همگانی جامعه مدنی در نظام پارلمانی ، با سیاست مرکزگرایی رهبری اقتصاد در تضاد می باشد. فقط با حق مشارکت کل در اقتصاد ملی ، و بهره برداری معقول از زندگی شرافتمند در فضای آزادی ست که رشد دایمی اقتصاد و ایجاد شرایط برای ارتقاء ، سطح زندگی را تداوم می بخشد.

دو - تولید اقتصاد زراعتی

نزد حزب دموکرات خراسان سیاست اقتصاد زراعتی ورشد متوازن آن با صنعت تولیدی و استفاده علمی از دارای های منابع سرشار طبیعی (زیر زمینی و سرزمینی) و گسترش ارتباط نظام آبیاری با دریا ها و شبکه های وابسته به آنها و شناخت عینی از آب و خاک و اقلیم از اعتبار و اهمیت والا بهره مند است.

تحقیقات علمی حاکی از آنست که خاک سرزمین ما از ظرفیت های طبیعی ویژه ؛ واز استعداد زراعتی و جنگلی خوبی برخوردار است و دارای انواع نباتات و حیوانات کوهی ودشتی میباشد. و منابع زیر زمینی غنی یی در دل دامان این وطن خوابیده است . بگونه مثال : نقره و مس و آهن ، زمرد و بیروج در پنجشیر ، مس در فراه ، آهن در بامیان ، نفت در سرپل ، ذغال سنگ در درره صوف ، نمک در تالقان ، نمک و طلا و لاجورد و گوگرد در بدخشان ، مس و آهن و کروم در کابل و گوگرد در بلخ ، آهن در لوگر و قندهار ... قرار دارند .

ساختار اقتصاد زراعتی و استقلال محصولات تولیدی آن وعدم تاثیر مندی عامل طبیعی مبین خواست دقیق ، اقدام لازم و همه جانبه را طلب مینماید.

تا در ایجاد شرایطی خدمت نماید که زمینه های مساوی رشد متوازن زراعت و صنعت را در تقویة اقتصاد ملی و تأمین و تضمین حیات مرفه اجتماع مساعد سازد .

با این هدف ملکیت خصوصی دهقانان بر زمین قانوناً تصدیق و تأیید می گردد. و قدرت اجرایی و فعالیت شرکت های کوچک فامیلی دهقانی باید باحفظ اساسات اجازه قانونی ، جهت تأمین نیاز هایشان تضمین گردد. قبول خواستها و پذیرش پیشنهاد های علمی شرکت های تعاونی راه معقول رشد آنهاست . که قابلیت کاری و تولیدی شرکت های کوچک خانگی را نیرومند تر و تکامل یافته تر می سازد .

اقتصاد زراعتی باید خویش را با تغییرات ساختار عمومی اقتصاد و جامعه همساز گرداند . تا بتواند براساس خواست زمان اجرای اقتصاد کلی را تکامل بخشد و مشغولیت های مردم ما را با حفظ نیاز های مبرم حیات اجتماعی ضمانت کند . این تغییرات نه تنها از طریق رشد و تکامل علوم بلکه بایبوند متعادل و همبستگی عمومی کار در جهت ارتقاء سطح حیات جامعه متصور است .

از اقتصاد زراعتی ملی باید پیوسته مواظبت دانشی و خدماتی صورت گیرد. اقتصاد عمومی متناسب بامحصولات عمومی و متناسب باقدرت خرید شهروندان همسان گردد. برای تضمین اقتصاد زراعتی ، مقتضیات

عایدات بازار و سیاست قیمت گذاری محصولات ، همگون با منافع مصرف کنندگان و اقتصاد ملی در نظر گرفته شود . موقعیت اقتصادی و اجتماعی اقتصاد عمومی ولایات و روستا های کشور بصورت متوازن باید بهتر گردد و عقب ماندگی در قوانین اجتماعی منتفی شود . نقش کار و تأمینات اجتماعی ، نقش و اهمیت اتحادیه های کارگری در اقتصاد برجسته شود .

سه - نقش اتحادیه های کارگری در اقتصاد

حزب دموکرات خراسان در مبارزات سیاسی و پارلمانی خویش از منافع حیاتی کارگران و دهقانان و کارمندان و مامورین و سایر اصناف اجتماعی کشور دفاع میکند . و در بسیج اندیشه ، تشکل و تقویه صفوف اتحادیه های کارگری نقش پیشاهنگ سیاسی خویش را ایفاء مینماید . تمام کارگران ، کارمندان و مامورین حق مساوی دارند که عضویت یک اتحادیه کارگری را داشته باشند . و از آن طریق بتوانند صدای اعتراض و حق خواهی خویش را در دستیازی به اهداف سیاسی و اقتصادی خویش ، بوسیله تظاهرات و اجتماعات مسالمت آمیز به نمایش گذارند . مسلماً اعضای اتحادیه های کارگری دارای خواسته های صنفی بوده از نظر حزبی و مذهبی بیطرف می باشند .

اتحادیه کارگری بخاطر عدالت حقوقی دفاع از حق کارگر در برابر کافرما مبارزه می نماید. و مسئولیت کار و تأمینات اجتماعی کارگران را در حیات اقتصادی و اجتماعی بعهده می گیرد .

اتحادیه کارگری برای آزادی های بیشتر کارگران بصفت نماینده آنها مبارزه خستگی ناپذیر مینماید و علمبردار روند دموکراسی و آزادی می باشد . یکی از وظایف مهم اتحادیه های کارگری اینست که کارفرمایان (فردی ، گروهی و یا دولتی) را بصورت دایمی و ادار به کارمشترک و مسئولیت و غمخواری مشترک کارگران می سازد و این قابلیت را در رسیدن به اهداف صنفی خویش پیوسته استفاده مینماید .

حزب دموکرات خراسان خواستار این است که حق و حقوق اتحادیه های کارگری بصورت شفاف در قانون اساسی کشورتسجیل گردد . و قانون کار و کارگر ، مقررات کارگاه و نحوه همکاری بین کارکنان ، شورای کارگاه ، همه در دایره قانون تفسیر شود . زیرا مشارکت کار آفرینان در تصمیمات مربوط به کارگاه از طرف کافرمایان بوسیله شورای کارگاه تنظیم میشود. و بهمین مناسبت بایست تصمیم کارگران در ارگان های خود مختار اقتصاد باید ضمانت حقوقی و قانونی حاصل نماید .

حزب ما تقاضای تصمیم گیری مشترک کارگران را در شرکت های

تولیدی در سطح کل اقتصاد جامعه میخواید. و اعتقاد دارد که در روند مبارزات سیاسی، موقعیت کارگر مولد مزد بگیر ناگزیر از حالت خادم اقتصاد به یک شهروند اقتصاد تبدیل گردد.

حزب دموکرات خراسان میخواید زندگی مرفه و دور از رنج را در میهن مساعد بتکامل ما ایجاد کند. جامعه ای که تمام انسانهای کشور در فضای آزادی و ترقی اجتماعی کار و فعالیت نمایند و با عایدات کاری خویش حیات خوشبختی را پیریزی کنند. به این خاطر یکی از وسایل تقسیم عادلانه دارایی عامه همین تأمین متعادل دستمزد و معاش شهروندان جامعه است، که ما را به این نیاز مبرم انسانی و حقوق شهروندی نزدیک می سازد.

اصول تأمینات اجتماعی

حزب دموکرات خراسان به این باور است که دموکراسی و تعادل حقوق شهروندی و نظام تأمین اجتماعی باهم مرتبط و در هم مؤثر اند. و تأکید می کند که اصول اساسی دولت خراسان - افغانستان بایست در امر تحقق اهداف دموکراسی همبستگی و مسئولیت پذیری بنمایش گذاشته شود.

بناً دولت برای تطبیق این هدف، شبکه ای گسترده از خدمات اجتماعی را ایجاد نماید.

با تصویب قوانین بیمهٔ صحتی، بیمه حوادث، بیمه بیکاری، بیمه تقاعد، بیمه نگهداری و مراقبت سالخوردگان و بیماران ... ووو که هسته اصلی تأمینات حقوق شهروندی تلقی می‌گردد، مردم خراسان - افغانستان میتوانند تحت پوشش شبکه تأمین اجتماعی قانونی قرار گیرند. بدون تهدید و ترس از تهی دستی و خشونت، زور و جنایت، زندگی کنند، و با حفظ خوشبختی و سعادت از زندگی آرام و موزون لذت ببرند. سرانجام صحت مندی و سلامتی جسمی و روحی حیات را نصیب گردند.

منابع پولی بیمه های تأمینات اجتماعی با استفاده از عایدات مالیاتی خدماتی و پرداخت مساعدت به خانواده ها از ناحیه عایدات عمومی، با یک سرمایه گذاری مستدام قانونی دولت، مورد حمایت قرار گیرد. این سرمایه گذاری باید در دراز مدت کاهش قابل پیش بینی سطح پرداخت حق بیمه های اجتماعی را جبران و زمینه را برای حفظ متعادل سطح نیاز درآمد و مصرف حیات اجتماعی جامعه فراهم سازد.

راهبرد حفظ محیط زیست

حفظ محیط زیست بمفهوم کل یکی از شاخصه های مهم سیاست حزب دموکرات خراسان را تشکیل می دهد. زیرا تخریب و آلودگی محیط زیست در محدودهٔ مرز های ملی متوقف نخواهد ماند. تخریب جنگل ها و گسترش بیابان ها، آلودگی دریاها، تغییرات آب و هوا، سوراخ لایه اوزون، دارای پیامد های جهانی است.

با این درک ، حفظ محیط زیست یکی از اولویت های با ارزش وظایف تطبیقی جامعه جهانی را می سازد.

واضح است که اقتصاد سرمایه داری کشورهای صنعتی در جهان به سوخت انرژی نفت وابسته است، که مقصر اصلی سیستم گرم شدن دمای اتمسفر و زمین هستند .

یکی از رویکرد های راهبرد سیاست زیست محیطی حزب ما ، حفظ شرایط صحتی آب و هوا برای انسان و جانوران و نباتات است و در زمینه کاهش گاز های آلاینده در چارچوب معاهده کیوتو و دوحه ، پایبند می باشد و از آن حمایت می کند .

همانگونه که سازمان ملل متحد در اجلاس کیوتو هشدار داد پیش بینی می شود که در صد سال آینده گرمای عمومی دمای اتمسفر و زمین به میزان متوسط بین 1/2 تا 6 درجه سانتیگراد نسبت به سده دوازدهم افزوده خواهد شد .

مشکل افزایش آلودگی ناشی از سوزاندن بی رویه سوخت های فسیلی نفت و ذغال سنگ در فعالیتهای اقتصادی صنعتی و انسانی در جوامع، عامل اصلی و مهم ایجاد گازهایی بخصوص دی اکسید کربن، بخار آب و متان شده است، که ترکیب و غلظت طبیعی گازهای اتمسفر را تغییر داده است .

واضحاً 99/9 درصد هوا را نیتروژن، بخار آب، اکسیژن و میزان ناچیزی دیگر گازها تشکیل داده است. پخش گازهای ناشی از سوخت نفتی در این ترکیب منجر می شود که لایه ای اطراف زمین را احاطه کند و با حبس گرما در جو بالای کره زمین یک موقعیت و شرایط شبیه گلخانه ای را بوجود آورد.

البته تأثیرات و عوارض افزایش دمای زمین بسیار فاجعه آور است. برهم خوردن تعادل‌های زیست محیطی، اختلال در روند بارش باران، ازدیاد سیل و طوفانها و گردابهای استوایی، بیابانی شدن مزارع حاصلخیز زراعتی، ذوب شدن کوههای یخی و یخچالها در مناطق قطب شمال، افزایش سطح آب دریاها و اقیانوسها، گسترش بیماریهای زیست محیطی، عفونی و واگیر دار، و هم چنین مرگ و میر وسیع جانوران، گیاهان و حیات وحش و دیگر معضلات و مصائب زیست محیطی که طبیعتاً اصلی ترین و مهمترین قربانیان آن نیز در وهله اول فقیرترین مردم کشورهای جهان و نهایتاً تمامی بشریت و نسلهای آینده در کره زمین می باشند.

حزب دموکرات خراسان در آینده بطور فعال و همه جانبه در کنفرانس های محیط زیست و توسعه و در معاهدات بین المللی و تدارک کنفرانسها جهت حفظ محیط زیست مشارکت فعال خواهد داشت .

حزب ما برای تضمین حیات نسل های آینده و تأمین شرایط آب و هوای پاک و ثابت برای زیست ، حفظ تنوع موجودات در طبیعت وطن ما ، تقویۀ حاصل خیزی زمین و کافی بودن منابع آبی - باتوجه به منابع زیست محیطی محدود مانند انرژی ، موادخام ، زمین و آب صرفه جویانه برخورد انسانی و اخلاقی می کند .

برای تحول دائمی در زمینه حفاظت از طبیعت و تداوم تنوع آن ، در افغانستان راهکار های مبنی بر ایجاد و حفظ مناطق سرسبز طبیعی را بر اصل توجه استفاده بری از روش های منطبق بر حفظ محیط زیست را پیشکش مینماید.

دولت خراسان - افغانستان در تبعیت از حفظ شرایط صحی آب و هوا باید به تعهدات بین المللی در زمینه کاهش گاز های آلاینده در چارچوب معاهده کیوتو دوحه ، نیز پای بند باشد. جهت جلوگیری از آلودگی هوا برنامه علمی یی را تدوین نموده که طبق آن آلاینده های واحد های تولیدی گرما و گردش عراده جات وارد هوا میشوند با نصب فیلتر و کاتالیزاتور ها بگونه مؤثر کاهش خواهد یافت .

صحت و سلامتی حقوق شهروندان

سده بیست و یکم عصر ما ، فراز راهکار های تحقق اهداف سیاسی جهانی سازی اقتصاد می باشد. و جهان سرمایه ، کشور های بزرگ صنعتی جهان به این اندیشه تأکید مینمایند که رشد وسایل مدرن تولید و ایجاد تغییر ماهوی ساختار حیات اجتماعی بشر ، نیاز به همبستگی عمل مشترک ملل جهان در فرآیند تولید و داد و ستد اقتصاد و تجارت در عرصه جهانی دارد .

کشور ما خراسان - افغانستان که از اهمیت جغرافیایی ویژه منطقه ای برخوردار است . و با ایجاد جو سیاسی موجود در دهه اخیر و تغییر اهداف سیاسی سرمایه بمنظور گسترش سیاست جهانی سازی اقتصاد و مبارزه علیه تروریسم و مواد مخدر ، زمینه های دریافت امکانات بهتر هزینه های کلان مالی (از مجامع بین المللی جهت باز سازی و نوسازی حیات مادی و معنوی جامعه) را مساعد ساخت .

حزب دموکرات خراسان سیاست قانون مند جلب سرمایه های خارجی را در راستای تأمین حیات اجتماعی و رشد اقتصاد ملی و تقویة فرهنگ باستانی ، بنفع صلح و ثبات و تأمین آزادی که ضامن صحت و سلامتی مردم ما می باشد مورد تأیید و تشویق قرار میدهد.

مسئله در فرآیند تولید اثرات منفی رشد تخنیک و حیات مدرن ، اقلیم و آب و هوا و صحت و سلامتی انسان هارا متضررمی سازد. اشخاص بگونه انفرادی نمیتوانند مقابل این مشکل اجتماعی مجادله کنند. با درک این مشکل صحتی و اجتماعی ، حزب دموکرات خراسان میخواهد که یک تضمین و حمایت قانونی صحتی بتصویب رسد . سیاست ضمانت صحتی قسمی عیار گردد که جامعه بتواند درصحت مندی زندگی کند. حمایت صحتی ، حمایت کاری ، با اسلوب های علمی و وسایل مدرن برای فرد فرد جامعه در نظر گرفته شود .

به این نسبت حق تصمیم گیری پزشک معالج باید قانوناً آزادی اش ضمانت گردد .

خدمات درمانی بیمارستان درواری و تداوی بیماران بگونه قانونی واجتماعی در سراسر کشور تضمین و عملی گردد.

براساس تساوی حقوق انسانی حیات زیست ، صرف نظر از عاید و درآمد شخصی ، تمام شهروندان جامعه بدون تفاوت حق مساوی مداوی صحتی در بیمارستان ها را داشته باشند.

همچنان از دید مصرف پولی صد در صد یک بیمار حق ضمانت قانونی دولتی داشته باشد . که جهت مداوا و نگهداری صحت و سلامتی اش از یک تا ... میلیون ... افغانی را بمصرف برسانند.

با حفظ عاید مساوی در روند کار و تولید و رشد تخنیک مدرن یک کارگر میتواند با وقت کم و زحمت کم عین پول را دریافت نماید .

این اصل را تکامل اقتصادی بوجود آورده است و در کشور ما بایست قانوناً تحقق حاصل نماید .

در صورت بحرانی و وضع خراب اقتصاد، اجرای اجتماعی و خدمات شخصی و مواظبت صحی از طرف کمک های اجتماعی برای افراد و خانواده ها قانوناً تضمین ، تأمین و پیش بینی گردد .

قوانین کار و تأمینات اجتماعی باید واضح طرح و تدوین گردد و جهت تحقق عملی آن بمتابه مقررات اجتماعی حیات شهروندی طی مجموعه ، مرتب و در اختیار اعضای جامعه ما قرار گیرد .

هر انسان حق دارد با حفظ کرامت انسانی اش صاحب خانه باشد . خانه وقار و حیثیت فامیل است ، همین شخص باید به اضافه مسکن از کمک های اجتماعی تأمین حیات خانواده برخوردار باشد و این کار پیوسته و انسانی بصورت متعادل ، عمومی و همگانی و قانونی توزیع و تحویل گردد .

شرکت های ساختمانی و تهیه مسکن باید نیاز و خواست جامعه نسبت به سرپناه را مرفوع نمایند .

کرایه خانه باید مطابق به درآمد شخص باشد تا بتواند در فضای خوب روانی و اقتصادی حیات بسر برد .

حقوق مساوی زنان با مردان بایست قانونمند شود. لازم است که زنان امکانات مساوی مانند مردان در بخش های اقتصادی اجتماعی فرهنگی آموزش پرورش ، حق انتخاب شغل ، تحصیلات عالی و مسلکی داشته باشند .

تساوی حقوق زنان به نسبت ضعف قوه فیزیکی و بیولوژیکی نسبت به مردان نمیتواند محدودیت های حقوقی را برای ایشان ایجاد کند . کار دستمزد حقوق زنان خانه ، بمثابة یک کار مشغول قانونی ، قانوناً شناخته شود. زنان خانه و مادران از تأمینات حقوق مادی خاص برخوردار گردند. مادرانیکه مصروف رسیدگی تربیه و مراقب کودکان شیرخواروپیش مکتبی اند واز نگاه صحی موافق به کارکردن می باشند اجباراً نباید به کار گماشته شوند .

دولت و جامعه مکلفیت دارند که از فامیل ها نگرهبانی و پشتیبانی کنند وپایه های حیات مادی و معنوی آنها را قوی سازند. در حمایت و تأمین مادی مطمئن فامیلها شناخت اندیشه ها وخواست های حقوقی وقانونی آنان ارج گذاشته شود .

زندگی یک فامیل بوسیله معافیت پرداخت مالیه در سیستم مالیاتی ، ازطریق کمک های حمایه مادر ، کمک های پول اطفال باید بصورت دایمی قانون مند پشتیبانی شود .

برای نسل جوان امکانات رشد قابلیت های مسلکی بوسیله دولت ایجاد گردد تا در یک فرآیند مستدام بتوانند استعداد های نهفته خود را انکشاف و احساس مسئولیت پذیری اجتماعی را در گوشت و پوست وجود خویش تقویت نمایند .

دولت و جامعه مسئولیت مشترک در امر تقویه و رشد نیروی تعلیمی و تربیتی فامیلها دارند و میتوانند با امکانات دست داشته زمینه های باروری نیروی اجتماعی را نیرومند تر سازند .

سیاست رشد مسلکی قابلیت های جوانان خواستار یک ساختار کلی آموزشی و تربیتی ست که به پشتیبانی همه جانبه دولت و جامعه نیاز میرم دارد .

قانون حفاظت کار جوانان باید با تکامل روابط اجتماعی جامعه و تجارب تعلیمی و تربیتی تطابقت منطقی داشته باشد.

و قتیکه انسان با اعتماد قوی از قبل مسئولیت و جوابگویی را در جوانان ایجاد کرد ، آنگاه ظرفیت های انسانی میتواند در حفظ رشد دموکراسی نقش شایسته را ایفاء نماید .

تحقق حقوق آموزشی جوانان جهت رشد شخصیت آنها باید بوسیله قوانین بالنده و دوراندیشانه حقوق انسانی و مدنی جوانان تضمین گردد. در تمام

بخشهای حیات اجتماعی ، وبویژه جائیکه هدف از تربیه ، پیشرفت و توسعه خوشبختی جوانان مطرح است باید پیوسته از ضمانت قانونی و حقوقی برخوردار باشند .

نیروی خلاق و آفریدگار نسل نو بنیاد میهن ما را باید در عرصه آموزش و پرورش در یک خط ابداع فرهنگی قرارداد و در فضای آزادی بیان آنرا بنفع تکامل و دموکراسی تقویت بخشید . دولت باید تمام شهروندان را بوسیله قانون انسانی و اخلاقی حمایت نماید . استعداد ها و زندگی فرهنگی آنها را بمقصود اهداف شخصی و اجتماعی تقبل کند.

نگرش در امور فرهنگی

آموزش هنر و دانش ، تحقیقات علمی و تعلیمات همگانی آزاد است . آزادی تعلیم نباید به کاهش وفاداری نسبت به قانون اساسی منجر بشود . حزب دموکرات خراسان در عرصه رشد و تکامل فرهنگ همگانی کشور خواستار :

تغییرات اساسی در تمام اساسات آموزش و پرورش ملکی و نظامی کشور بر بنیاد فرآورد های علمی و اکادمیکی فرهنگ غنامند و ناب تاریخی مردمان خود مان - و استفاده بجا و معقول از تجارب ، دست آورد ها و امکانات فناوری های مسلکی جهان پیشرفته و متمدن ، بنفع رشد متعادل شعور و آگاهی اجتماعی کودکان ، نوجوانان ، جوانان و نسل دگر اندیش و ترقی پسند جامعه میباشد .

حزب ما وجود همه زبان ها و گویش های محلی در خراسان - افغانستان را از افتخارات و غنای فرهنگی تمامی گروه های قومی ولایه های اجتماعی مردم قبول ، و زبان فارسی را زبان سراسری تفاهم و همبستگی ملی ، زبان اقتصاد ، سیاست و فرهنگ جامعه مستعد به تکامل ما می شناسد.

طرح راهبرد دراز مدت تقویة فرهنگ همگانی ، جهت ایجاد شرایط مناسب برای رشد متوازن اشکال شعور اجتماعی بوسیله زبان فارسی، از ظرفیت بالای تعلیمی و تربیتی تاریخی قدیمی برخوردار است. بناً ضرورت میرم باز بینی و تدوین تمام مواد درسی - تعلیمی و تربیتی در عرصه های مختلفه : معارف و تحصیلات عالی و مسلکی ، بخش های ملکی و نظامی به این زبان نیرومند حوزه تمدنی آسیا از اولویت های کاری رهروان راه همبستگی ملی و تأمین صلح سراسری می باشد . تاریخ جوامع بشری نشان داده که با یک زبان ملت و دولت نیرومند ایجاد می شود . تطبیق سیاست چند زبانی در خراسان - افغانستان جز حفظ انشفاق ملی و نوع تحکیم حاکمیت تک محور چیز دیگری بیش نیست.

همسو با این اندیشه حزب دموکرات خراسان در قسمت سیاست فرهنگی در آغاز عمل ، تحقق مؤلفه های زیرین را بخشی از اصول مرامی خویش می پندارد:

- ترویج و تبلیغ فرهنگ دگردوستی ، ارتقاء سطح خود آگاهی ملی ورشد وتوسعه فرآورد ها و آموزه های علمی ، ادبی و فرهنگی که چکیده عصر روشنایی تاریخی کشور ما تلقی می شوند بنفع آمیزش و همجوشی گروه های قومی و اتنیک در روند ایجاد ملت و دولت سربلند شایسته افتخارخراسانی .

- تقویه ارزشهای عالی اصیل ملی سجه اخلاقی و انسانی سازی خُلق و روحیه امانت داری و حس مسؤولیت پذیری وجدان شهروندی اعضای جامعه ، بخاطر شناخت عینی تقدم منافع کلی نسبت به منافع فردی.

- حفظ و تقویه ادبیات - شاعران نویسندگان ، نقاشان و مجسمه سازان ، هنر و موسیقی ، سینما و تیاتر .

- توجه به امر آموزش و پرورش سالم کودکان، نوجوانان و جوانان کشور شامل دختران ، پسران از طریق تأمین آموزش مجانی در تمام بخشهای تعلیمی و تربیتی ، تعمیل پروگرام های تعلیمات میانه اجباری ، تأمین آموزش عالی و مسلکی و جلب کمکهای کشورهای جهان در این راستا.

- تأمین نصاب واحد تعلیمی سالم سراسری در همه مکاتب کشور و تأمین قانونی حق آموزش اختیاری و رضاکارانه غیرسیاسی به زبانهای مادری در محلات.

-
- توسعه شبکه مکاتب حرفوی و مسلکی بخصوص برای آنعده جوانان کشور که امکانات پیشبرد تحصیل در موسسات تحصیلات عالی را ندارند.
 - تأسیس مکاتب سواد حیاتی بمقصد افزایش مهارت های حرفوی.
 - مبارزه با بیسوادی تا امحای کامل آن.
 - احیا و توسعه کتابخانه های همگانی و سایر مراکز علمی و فرهنگی در مرکز وولایات و محلات کشور.
 - تأمین شرایط مساعد برای بهره برداری از علوم و فنون معاصر «کمپیوتر (رایانه) ، اینترنت (رایانه و فنآوری اطلاعات) و سایر دست آوردهای تکنالوژی (دانش فنی) اطلاعاتی و ارتباطی» بخاطر تأمین رشد استعدادها و مهارتهای علمی و مسلکی کادر های ملی.
 - دفاع از مطالبات نهاد های فرهنگی شهروندان در داخل و خارج از میهن جهت رشد فرهنگ باستانی این سرزمین .
 - دفاع از رشد هرچه بیشتر فعالیت مطبوعاتی و تقویه بخش مطابع شخصی و دولتی.
 - مبارزه در جهت تأمین آزادی بیان و سازماندهی تظاهرات ، اعتصابات و مارش های مسالمت آمیز برای همه شهروندان کشور.

-
- توجه جدی به حفظ آثار باستانی ، گسترش تحقیقات باستان شناسی جهت شناخت ژرفتر مدنیت های باستانی کشور و تقویت مزید مرکز بین المللی تحقیقات هخامنشی ، اشکانی ، کوشانی ، ساسانی و سایر تمدنهای نیاکان که در گذشته تاریخی کشور ما وجود داشته اند.
- سعی در جهت احیای پژوهشگاهها ، فرهنگستان ها و نگارستانهای هنری و نمایشگاه های جدید برای معرفی فرهنگ پربار و تاریخی سرزمین ما .
- مبارزه در راه شناسایی و بازگردانیدن آثار باستانی و تاریخی غارت شده به کمک یونسکو و سایر موسسات بین المللی به کشور.
- ایجاد شرایط مطمئن و مناسب حیات برای بازگشت دانشمندان متخصصین (کارآزمودگان) به کشور.
- ایجاد زمینه های لازم جهت آشنایی با فرهنگها و تمدن های ملل جهان از طریق ارتباط مستمر ماهواره یی تارنها و شبکه های تصویری تلویزیون و سایر امکانات معاصر اطلاعات جمعی و ارتباط جهانی در کشور .

– توجه به بازسازی و مواظبت جدی فضیلتی از اماکن مقدسه و تاریخی.

– سعی هدفمندانه به جنبش ورزشی جوانان ، حمایت و مواظبت دایمی از اداره ورزش و صحت به منظور رشد سالم ورزش در عرصه های مختلف ورزشی و تامین اشتراک تیم های ورزشی در رقابت های جهانی وباشگاه های المپیای بین المللی.

یک - در باب دین و مساجد

حزب دموکرات خراسان مدافع و حمایت کننده اشکال شعور اجتماعی جامعه می باشد .

وبا حسن نیت و صداقت در دفاع از نجابت و اصالت انسان با نهاد های مذهبی جامعه طبق قانون اساسی پذیرفته شده مردمی فعالیت و کار مشترک میکند .

حزب ما حق آزادی انتخاب عقیده و دین و کثرت گرایی اندیشه رامی پذیرد . دین مقدس اسلام را منحصیث دین اکثریت مردم خراسان – افغانستان کاملاً قبول و احترام عمیق مینماید . باآگاهی و دید روشن از تعبیر و تفاسیر گروههای بنیاد گرای « چپ و راست » از دین مقدس اسلام ، بی تردید به این باور است که احترام و حرمت گذاشتن به اعتقادات دینی

مردم کشور، یک امر حتمی و اخلاقی و انسانی است. وبه این اندیشه اعتقاد دارد که استفاده سوء از دین به حیث چتر قدرت و سیاست، ناجایز است. و در راستای حفظ پاکیزگی دین و دوری آن از خرافه ها و آلودگی های مادی و سیاسی مبارزه می کند. وبه سایر ادیان مقدس سراسر جهان عمیقاً حرمت می گذارد. و اعتقاد بر این است که علم و دانش میتوانند بوسیله مذاهب و راهکار های مشترک نهاد های علمی و ادبی مربوط به آن توسعه و گسترش می یابد. و از مجاری ممکن تحقق سیاست فرهنگی همه شمول امکان پذیر میگردد.

حزب دموکرات خراسان با ارمان شریفانه انسانی در رسیدن به استقرار پدیده صلح جهانی و نزدیکی ادیان مقدس آسمانی و شناخت متناسب ارزشهای فرهنگ تمدنها، بنفع ثبات و همبستگی جوامع بشری، با امکانات دست داشته مبارزه سیاسی و مسالمت آمیز مینماید.

حزب دموکرات خراسان مسرت دارد، زمانیکه یک انسان بادید و تعلقات مذهبی و وظایف و مسئولیت های اجتماعی را در جامعه بعهده گیرد و در اعمار جامعه انسانی رسالت و نقش اخلاقی و سیاسی خویش را بنفع خوشبختی و رفاه همگانی بنمایش گذارد. تمکین و ارج می گذارد.

آزادی تفکر و عقیده و بیان اندیشه از جمله ارزشهای جامعه مدنی بی است که بدون هرگونه محدودیت ضمانت قانونی داشته باشد.

موجودیت یک روند مذهبی اجازه ندارد که علیه اهداف دموکرات و منافع ملی کشور قرار گیرد. حزب ما اعتقاد دارد که احزاب و اتحادیه های کارگری ، مساجد و نهاد های سیاسی ، اجتماعی و مذهبی و دیگر نهاد های موجود در جامعه همه مسئول حفظ همبستگی شهروندان کشور ما می باشند. در غیر آن امنیت و آزادی مورد تعرض و تهدید قرار خواهد گرفت.

دو - شیوه تحول آموزش و علوم

برای تمام شهروندان جامعه امکان داده شود که تا از تعلیم و تربیه مستفید گردند و لیاقت و استعداد خویش را توسعه و رشد و تکامل بخشند. هر دانش آموز مدرسه باید مفاهیم ارزشهای آزادی و کرامت و فضیلت انسانی ، استقلالیت عمل ، مسئولیت اجتماعی ، اندیشه های دموکراسی و درک اجتماعی را بدون محدودیت سیاسی بیآموزد. ورزش و رشد جسمانی جوانان و نوجوانان و اطفال یکی از خواسته های جامعه و دولت است . روند خدمات ورزشی صحت و سلامتی انسان شهروند ، پایه اساسی همبستگی ملی بحساب می آید .

سازماندهی و طرح برنامه های مدارس و موسسات تعلیمی و تدریسی ، آموزش و پرورش در کشور ما بایک زبان ملی سراسری ، بگونه ای تدوین و پلانگذاری گردد که زمینه ساز رشد متعادل قابلیت و استعداد دانشجویان در سراسر کشور گردد .

برای هردانش آموزبااستعداد باید زمینه های ارتقاء سطح آموزش در هر وقت و زمان باز نگهداشته شود. حق آموزش در مدارس و مؤسسه های تعلیمات عالی باید مجانی باشد .

تدریس و مواد تدریسی در مدارس و مکاتب و نهاد های عالی تعلیمی رایگان در اختیار شاگردان و دانشجویان قرار گیرد .

حد وسط تدریس جبری در خراسان - افغانستان نه سال قرار داشته باشد .

زمینه تحصیلات عالی باید برای همه باز گذاشته شود . و حق اخذ و پخش بورس های تحصیلی به خارج از کشور برای همه یکسان باشد.

تعلیم و تربیه در مکاتب ابتدایی و عالی نمی تواند بصورت همه جانبه استعداد های شاگردان را جوابگو باشد. بدین اساس آموزش مسلکی و تعلیمی ووظیفوی میتواند برای شاگردان جهت ارتقاء توسعه تعلیمی و کاری ایشان مطلوب واقع گردد .

تمام معلمین و استادان باید از تحصیلات عالی برخوردار باشند. بخاطر آموزش بهتر، شخصیت دانشگاهی برای معلمین خیلی مهم و باارزش بوده که با آموزش مسلکی و عالی خویش بتواند تمام مشکلات تعلیمی و تربیتی را در وقت و زمانش مستقلانه رفع نماید.

آموزش علمی و تحقیقی باید آزاد باشد. دست آورد های تحقیقی و علمی بوسیله رسانه های جمعی به آگاهی عامه رسانیده شود. امکانات مادی و وسایل ممد کافی در اختیار پژوهشگران و محققین قرار داده شود. دولت باید مواظبت جدی از دست آورد های علمی و تحقیقی نموده و نگذارد که این دست آورد ها علیه بشریت بکار گرفته شود.

قبول و رعایت آزادی برنامه های تحقیقی و تحقیقی نهاد های علمی و دانشگاهی در همه عرصه های زندگی از اولویت های مهم دولت بحساب می آید.

دانشجویانیکه در نهاد های تحقیقی و علمی مصروف آموزش اند باید ضمانت تعلیمی از طرف دولت داشته باشند. تمام دانشجویان باید اساسات علوم اجتماعی را بیاموزند.

امکانات آموزش تحصیلات عالی و مسلکی برای معلولان جوان

کلان سالانیکه بر اثر وقوع جنگهای دهه های اخیر از حق ادامه تحصیل محروم گردیده اند نیز داده شود . تابتوانند معلومات خویش را ارتقاء و ژرفا و پهنا بخشند .

اصول اساسی روابط بین المللی

در عصر حاضر با وقوع انقلابات علمی و تخنیکی ، گسترش دگرگونی های حیات اجتماعی در عرصه ملی و بین المللی تمام مناسبات و منافع باهمدیگر پیوند و گره خورده اند . بدین اساس هیچ یکی از ملل جهان به تنهای نمیتواند مشکلات سیاسی ، اجتماعی ، علمی و فرهنگی و تولیدی خویش را حل نماید .

موافق به این دیدگاه ح . د . خ . اعتقاد دارد که گسترش و باروری مسایل علمی ، حقوقی و فرهنگی و وظایف سیاسی کشور ما در حال و آینده ، صرف در پیوند تنگاتنگ دیگر ملل جهان میتواند حل گردد . روابط عادی دیپلماتیک و تجاری باتمام ملل جهان یکی از اهداف اساسی « اصول مرامی » حزب ماست . ساختار های متفاوت و متنوع حاکمیت سیاسی و اجتماعی نمیتواند کدام مشکلی بحساب آید .

محاکم بین المللی ، حق خود ارادیت و تساوی حقوقی تمام ملل ، عدم تعرض به یکدیگر ، صیانت سرحدات کشورها ، عدم مداخله در امور یکدیگر همه و همه ارزشهای ست که صلح و ثبات را در جهان تضمین می کند.

سازمان ملل متحد باید حیثیت یک سازمان همگانی جهانی را داشته باشد. اجرای فیصله ها و قطعنامه ها و قوانین اساسی آن باید وظایف عمومی همه کشور های جهان را تشکیل دهد .

رشد سرسام آور ثروت و سرمایه امروزی و سیاست جهانی شدن اقتصاد و دموکراتیزه کردن ارتباط سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی ، تمام کشور های جهان را وادار به فراخوان همکاری مشترک بین المللی مینماید.

بادرک دقیق از روند تحقق سیاست جدید جهانی سازی اقتصاد و فرهنگ سرمایه و آموزه بی رویکرد ها و حوادث تاریخی کشور های در فقر نگهداشته شده ، حزب ما در راه حفظ پاکیزگی هویت های ملی ملل جهان و نهادینه سازی راهبرد کثرت گرایی اندیشه و تکامل فرهنگی مبارزه می نماید .

سیاست های اقتصادی ، اجتماعی ، رشد فرهنگی این ممالک تهی دست از آنجمله کشور ما بایست بوسیله اندیشه های دموکراسی که تبلوری از کثرت گرایی اندیشه و خودگردانی و خود فرمانی ملی می باشد تحقق حاصل نماید.

تا مردم ما و دیگر مردمان هم ترازما از معاذیر اقتصادی و مشکلات اجتماعی و عدم ناتوانی رشد فرهنگ ملی، معافیت دایمی حاصل نمایند.

حزب دموکرات خراسان در عرصه سیاست خارجی با شفاف اندیشی صلح خواهانه، از سیاست بی طرفی مثبت و فعال، از منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و از تمام کانونسیون ها و معاهدات بین المللی سیاسی و اجتماعی و حقوقی آن مبتنی بر منافع کلی کشور، پشتیبانی عقلانی میکند.

ح. د. خ. از سیاست حُسن همجواری و روابط نیک و دوستانه سیاسی متقابل و متعادل حقوقی با همسایگان و سایر کشور های نهضت عدم انسلاک، اتحادهای اروپا، شانگهای و ایالات متحده آمریکا و تمامی دولتهای صلحدوست جهان، بر اصل احترام به تمامیت ارضی و استقلال ملی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر با دید شفاف و نیت پاک حمایت و پشتیبانی می کند و در جنبش عدم انسلاک، کنفرانس شورای اسلامی و سایر سازمانهای نو بنیاد بین المللی بنفع صلح و ثبات فعالانه اشتراک مینماید.

در رابطه به مناسبات همسایگی میان خراسان - افغانستان و پاکستان به این اندیشه تأکید می ورزد که گره همه مشاکل، منازعات و جدال زیاده از شصت سال اخیر در منطقه به حل معضله " خط دیورند" پیوند و بستگی تنگاتنگ دارد احترام به ارزشهای صلح و مفردات معاهدات تاریخی :

" معاهده دیورند " 1893 م . ، معاهده لوئی دین - حبیب الله 1905 م . ، معاهده راولپندی 1919 م . و معاهده صلح کابل 1921 م . امان الله خان ، تصدیق نامه 1930 نادرخان ، اظهار میدارد که : شناسایی خط دیورند از سوی دولت جمهوری افغانستان منحصراً مرز مشترک بین المللی (با فاصله 2430 کیلو متر) میان دو کشور و اخذ حق ترانزیت آزاد برای کالاهای تجارتي خراسان - افغانستان ، گام سیاسی و اخلاقی بجا و آغاز طلوع آفتاب صلح بر فراز پاکستان و افغانستان خواهد بود . حزب دموکرات خراسان از حق تعیین سرنوشت ملل توسط خودشان بدون مداخلات خارجی حمایت مینماید .

پدیده منفور جنگ ، خشونت و اشکال مختلفه ترور انسان و جنایات سازمان یافته را ، با آگاهی از کرامت و فضیلت ذاتی انسان قاطعانه رد میکند .

از مساعی مشترک بین المللی آسیا ، آمریکا و اروپا و جهان متمدن در مبارزه علیه :

(تروریسم ، زرع ، تولید ، ترویج و ترافیک مواد مخدر ، و محو لانه های واپسگرایی طالب - القاعده و تروریسم بین المللی) پشتیبانی می نماید .

ح. د. خ. با تعقیب سیاست صلح خواهانه و تأمین امنیت پایدار و ایجاد نظم عادلانه جهانی بر بنیاد ارزشها و اصول دموکراسی، در دهکده جهانی از مساعی جامعه بین المللی پشتیبانی می کند. و طرفدار برنامه های عملی خلع سلاح، کاهش و منع و محوسلاح های هستوی، شیمیایی، بیولوژیکی در جهت حفظ محیط زیست، در سراسر جهان می باشد.

خواست ما :

حزب دموکرات خراسان اعتقاد بر این دارد که طبقه بهره ده کشور ما در مبارزات سیاسی حق خواهی و ابراز وجود، خود را می سازد. حس اعتماد بخود و خود ارادیت او بیدار می شود، موقعیت و مقام سازنده خویش را در ساحه تولید و حیات اجتماعی می شناساند با اراده قاطع بوسیله همبستگی ملی دست آورد های چشم گیر مبارزه خویش را به سر منزل مقصود می رساند.

نیروهای فاقد وسایل تولید اعم از کارگران و دهقانان کم زمین و بی زمین، کارمندان و مامورین تهی دست، پیشه وران و اهل کسبه، معلولین و معیوبین، فقرا و ناداران و ده ها هزار محتاج و درمانده دیگر لایه های اجتماعی خراسان - افغانستان با استفاده از تجارب (جنبش های کارگری سده های نوزدهم و بیستم اروپا علیه سرمایداری) در یک فرآیند دایمی همبستگی ملی و مبارزات آزادی خواهی میتوانند خواستهای سیاسی و اقتصادی خویش را جامه عمل ببوشانند.

حزب دموکرات خراسان جهت تأمین عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی ، قانون تضمین حق کار ، بیمه پول بیکاری ، بیمه پول بیماری ، قانون منع کار اطفال ، معافیت کار شبانه برای زنان و جوانان ، حمایت پول مادر در دوران حاملگی و شیرخوارگی ، پرداخت مخارج مرخصی کار ، حق آزادی اجتماعات برای کارگران ، حق تشکیل اتحادیه های کارگری ، حق تعیین دستمزد ، حق تظاهرات و ده ها نیاز های اجتماعی دیگر انسان جامعه ما را از وظایف اساسی خویش دانسته و در جهت تحقق قانونی تک تک این ارزشهای انسانی مبارزه پیگیر و تغییر ناپذیر مینماید .

واضح است که طبقه کارگر و دیگر اصناف بهره ده در خراسان - افغانستان بوسیله حاکمان قدرت و صاحبان وسایل تولید و دلالان وابسته به آنها بنحو ظالمانه استثمار میگردند .

حزب دموکرات خراسان بخاطر اعاده حقوقی موقف اجتماعی نسل جوان و دیگر اندیش ، روشنفکران ، کارگران ، دهقانان و روحانیون و سایر اصناف و اقشار بهره ده و بیکار جامعه مبارزه بی امان مینماید و آرزو دارد که دیگر در دو دهه قرن حاضر نباید یک مزد بگیر حیثیت کارگر استثمار شونده را داشته باشد بلکه بصفت شهروند متعادل حقوقی و متعادل کاری ، مقام شایسته خود را قانونمندان در عرصه امور اجتماعی و سیاسی کشور ما خراسان - افغانستان دریافت و احراز نماید .

آرزوی همه ای ملل جهان ایجاد یک نظم همگانی صلح آمیز و آزاد است و این آرمان ارزش اساسی **حزب دموکرات خراسان** را

نیز می سازد . و آن عبارت است از : یک جامعه باکرامت و با فضیلت ، آزاد از حادثه و ترس ، آزاد از جنگ و فشار ، اتفاق همگانی و همزیستی مسالمت آمیز ، نیت و اراده نیک می باشد .

با چنین آرمان مقدس : از هر مرد وزن کشور دعوت می شود که بدور حزب دموکرات خراسان رضاکارانه حلقه زنند و در تحقق اهداف شریفانه و انسانی ، سیاسی و اخلاقی آن سهم شایسته خویش را بنفع انسان زحمت کش و رنج دیده ایفاء نمایند . این حزب از شمولیت هر فردیکه به آرمان انسانی آن متعهد است افتخار آمیز خوش آمدید می گوید .

بخش چهارم :**قسمت دوم - اساسنامه حزب دموکرات خراسان**

(ح . د . خ .)

**Democratic Party of Khorasan
(DPK)****آغاز سخن**

حزب دموکرات خراسان، یک حزب معتدل و مدرن می باشد . در سایه اعتدال سیاسی امیدوار به تأمین صلح ، همبستگی ملی و عدالت اجتماعی در خراسان - افغانستان و منطقه می باشد. ارمان مقدس این حزب احیاء هویت ملی ، اقتدار ملی ، افتخارات و غرور ملی و ثبات دایمی است .

فصل اول :

ماده یک - نام : " حزب دموکرات خراسان "

ماده دو- محل : دفتر مرکزی حزب دموکرات خراسان : کابل ... ، مطابق اساسات مصوب قانون احزاب سیاسی در افغانستان - در صورت لزوم در سایر مناطق کشور ، شعبه ، دفتر یا نمایندگی دائرخواهد شد .

ماده سه - تعریف : " " حزب دموکرات خراسان " ، تشکیلاتی است سیاسی و فرهنگی معتقد و ملتزم به احکام اسلامی و متعهد به

قانون اساسی جمهوری خراسان - افغانستان ، پاسدار ارزشهای باستانی هویت ملی ، فرهنگی ، تاریخی و سیاسی ، به منظور احیاء فرهنگ همه شمول حوزه تمدنی سرزمین خورشید ، تأمین رفاه اجتماعی ، ثبات دایمی و آزادی و آینده مصون برای هر شهروند جامعه در چارچوب منافع کلان ملی تشکیل می شود .

ماده چهار - ارکان حزب ، عبارت اند از :

الف : عضو

ب : حوزه

ج : شورای ناحیه

د : شورای شهر

هـ : شورای شهرستان

و : شورای ولایتی

ز : شورای مرکزی

ح : هیئت اجرایی

ط : دبیر کل

ک : مجمع عمومی

ماده پنج - شرایط عضویت : هر شهروند خراسان - افغانستان که اساسنامه ، مرامنامه را بپذیرد و عضو حزب سیاسی دیگری نباشد با رعایت ماده سیزدهم قانون احزاب به عضویت "حزب دموکرات خراسان" میتواند در آید .

ماده شش - وظایف عضو :

1 - سعی و تلاش در جهت رشد و ارتقاء معنوی و افزایش آگاهی های علمی و معرفتی و آشنایی با تحولات سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی فراقاره ای و اجرای راهکار های حزب درچوکات اساسنامه و تصمیمات رویکرد های مرامی ارکان حزب .

2 - رعایت نظم و دسپلین حزبی ، شرکت فعال در جلسات حزبی ، ارائه اندیشه های نوین و پیشنهادات لازم و خلاق برای تکامل کیفی و کمی حزب ، اجرای مصوبات حزب ، پذیرش رضاکارانه ای مسئولیت های لازم حزب .

3 - کوشش مستمر در راه جلب و جذب اعضای جدید حزب و طرفداران و هواخواهان . پیوند مستدام با شخصیت ها و افراد موثر با ارائه اهداف و برنامه های انسانی و اخلاقی حزب و جلب همکاری آنان .

4 - مشارکت در تامین هزینه های حزب از طریق پرداخت حق شمول ، حق عضویت ، اعطای هدایا و اعانه و کمک های فوق العاده .

ماده هفت - حوزه : کوچکترین واحد تشکیلاتی حزب دموکرات خراسان " حوزه " است که هرگاه تعداد اعضای حزب در یک محل به " هفت نفر " رسید ، تشکیل می شود.

ماده هشت - وظایف حوزه :

1 - تقویت بینش علمی ، اخلاقی ، فرهنگی ، سیاسی و تاریخی اعضاء با استفاده از شیوه های موثر آموزش و پرورش .

2 - اجرای تصمیمات و تحقق اهداف و برنامه های حزب .

3 - بررسی و تحلیل مسائل جاری اوضاع سیاسی کشور ، منطقه و جهان .

4 - طرح راهکارهای عملی برای بستر سازی در جهت جلب و جذب اعضاء جدید و طرفداران و هواخواهان ، در جامعه .

ماده نُه : حوزه در نخستین جلسه رسمی خود یک نفر از اعضاء با تجربه را به عنوان مسئول و یک نفر را به عنوان منشی انتخاب

می کند، صلاحیت مسئول باید مورد تایید رده تشکیلاتی بالاتر قرار گیرد . در غیر اینصورت انتخاب مجدد به عمل خواهد آمد.

ماده ده : مسئول حوزه ، تصمیمات مرکزیت ورده های مافوق را به آگاهی اعضاء رسانده و پیشنهادات آنها را به آگاهی مافوق می رساند . همچنین مسئولیت اجرای تصمیمات حزب ورده مافوق را به عهده دارد .

ماده یازده : با افزایش کمیت حوزه ها شورای ناحیه ، واز تجمع مسئولین نواحی شورای شهرستان ، وازتجمع شورای شهرستان ها شورای ولایتی ولایات تشکیل خواهد شد. ترکیب اعضاء شوراها ، نحوه تشکیل ووظایف آنها بر مبنای آیین نامه مصوب شورای مرکزی خواهد بود .

ماده دوازده : هیئت اجرایی :

مسئولیت امور اجرایی حزب به عهده هیئت اجرایی به ریاست دبیر اجرایی می باشد . هیئت اجرایی مسئول سازماندهی و اجرای مصوبات کنگره ، شورای مرکزی ، کمیته نظارت و اداره امور اجرایی حزب است .

ماده سیزده : حدود نیمی از اعضاء هیئت اجرایی از میان اعضاء مرکزی خواهند بود. اعضاء هیئت اجرایی به پیشنهاد دبیرکل و با تصویب اکثریت مطلق شورای مرکزی انتخاب خواهد شد .

اعضاء هیئت اجرایی نسبت به کلیه مصوبات آن هیئت ، در برابر شورای مرکزی مسئولیت مشترک دارند .

ماده چهارده : شورای مرکزی مسئولیت برنامه ریزی ، نظارت و رهبری بر امور حزب و تفسیر مواد مرامنامه و اساسنامه حزب را به عهده دارد و در کلیه امور و فعالیت های حزبی مستقیماً در برابر کنگره مسئول است .

ماده پانزده : تعداد اعضاء شورای مرکزی 35 نفر می باشد که بوسیله کنگره و از میان اعضاء دواطلب حزب و با رای سری و اکثریت نسبی به مدت دو سال انتخاب می شوند . مسئولیت اداره امور شورای مرکزی به عهده دبیرکل و در غیابت وی به عهده دبیر اجرایی خواهد بود .
دبیرکل ، معاونین خود را از میان اعضاء شورای مرکزی و یا اعضاء برجسته حزب انتخاب و پس از تایید شورای مرکزی منصوب می کند .

ماده شانزده : شورای مرکزی در ماه یک بار تشکیل جلسه خواهد داد . بر حسب ضرورت ، دبیرکل می تواند جلسه فوق العاده شورا را تشکیل دهد .

ماده هفده : دبیرکل حزب - عالی ترین مقام اجرایی حزب است و مسئولیت اداره امور حزب را بر عهده دارد .
دبیر اجرایی زیر نظر دبیر کل حزب مسئولیت واحد های اجرایی را به عهده خواهد داشت .

ماده هجده : کمیته نظارت ، جهت دفاع از حقوق اعضاء حزب و رسیدگی به پیشنهادات و انتقادات و حل اختلافات درون حزبی تشکیل می شود.

ماده نوزده : در صورت عدم اجرای دساتیر ووظایف حزبی ویا تخلف از مرامنامه و اساسنامه براساس رای کمیته نظارت ، مجازات حزبی در مورد اعضاء اعمال می شود.

ماده بیست : مجمع عمومی ، عالی ترین مرجع تصمیمگیری حزب است. و هر دو سال یک بار تشکیل می شود.

ماده بیست یک : وظایف مجمع عمومی ، عبارت اند از :

- 1 - تصویب مرامنامه و اساسنامه و تعیین مواضع سیاسی حزب .
- 2 - انتخاب اعضاء شورای مرکزی
- 3 - بررسی عملکرد شورای مرکزی و هیئت اجرایی و سیاست های اجرایی حزب .

ماده بیست و دو : جلسات با حضور نیمی از اعضاء رسمیت می یابد و مصوبات آن با اکثریت مطلق آراء حاضران معتبر خواهد بود.

ماده بیست و سه : منابع مالی از طریق حق شمول ، حق عضویت ، اعطای هدایا و اعانه از افراد حقیقی و حقوقی در چوکات قوانین و مقررات موضوعه و کمک های مردم تأمین می گردد.

ماده بیست و چهار : نحوه انحلال حزب ، در صورتیکه اکثریت مطلق شورای مرکزی و یا یک سوم کل اعضاء حزب بصورت کتبی تقاضای انحلال حزب را بنمایند این موضوع در مجمع عمومی فوق العاده به رای گذارده خواهد شد و در صورت بیش از (دو سوم) اعضاء حاضر رای به انحلال بدهند حزب منحل خواهد شد .
این اساسنامه در بیست و چهار ماده در اگست سال 2008 میلادی به تصویب رسید .

بخش چهارم :**قسمت سوم - طرح مرامنامه و اساسنامه کانون
همبستگی اجتماعی فرهنگی خراسان به
کشورهای اروپایی و جهان**

با درود فراوان به همشهری های دور از میهن، اجازه خواهیم داشت که تا مراتب حرمت شناختی احساس اخلاقی مان را به تک تک شما عزیزان در هر گوشه دنیا که هستید بیان نمائیم. شهروندان مهاجر ما در اروپا آگاهند که در سالهای اخیر به ابتکار و رهنمایی و سهم فعال روشنفکران آگاه و دگراندیش کشور ما هر یک: محترم اسلم سلیم کارشناس سیاسی، محترم انجنیر محمد سالم فعال سیاسی، محترم استاد انجنیر عبیدالله سلطانی، محترم فرید نصرت فعال سیاسی، محترم پروفیسور دکتر عبدالخالق لعلزاد، محترم مجیب الرحمن رحیمی پژوهشگر علوم سیاسی، محترم علی فایق فعال سیاسی، محترم دوکتور نورالحق نسیمی خراسانی، محترم دکترهارون امیر زاده مفسر سیاسی، محترم ژنرال حاجت خان کار شناس نظامی و سیاسی، محترم الحاج امین قدیر زاده متنفذ مردمی، محترم انجنیر احمد جان امینی، محترم عارف

کیهان کارشناس فرهنگی، محترم ژنرال ظهوری غوری فعال سیاسی، محترم استاد سرهنگ عظیم خان، محترم الحاج فرمانده عبدالحبيب، محترم الحاج بصیرخان پروانی، محترم ژنرال سالم ذکی مجاهد، محترم اسد حبیبی مفسر سیاسی و دیگران ... یکی پس از دیگری « نهاد های فرهنگی و اجتماعی خراسان » را در کشور : شاهی هالند و بریتانیا و جرمنی - تشکیل نمودند.

بدنبال تداوم این برنامه جوانان و روشنفکران میهن دوست و هویت شناس دیگرما در سایر کشورهای اروپایی و جهان: سویدن ، دنمارک ، ناروی ، اتریش ، فرانکفورت و برلین آلمان ، سوئیس ، فرانسه ، اوکرائین ، آمریکا و کانادا و استرالیا با همبستگی به این نگرش ابراز وجود و علاقه مندی نموده و آماده تشکیل چنین « نهاد های فرهنگی و اجتماعی خراسان » در کشورهای میزبان خویش میباشند.

برحق که دفاع از زبان فارسی و فرهنگ باستانی ایکه بوسیله این زبان پیر حوزه تمدنی آسیا به پایه کمال رسیده است و هویت تمام شهروندان کشور ما و منطقه را می سازد، هدف رسالت همگانی ما را تشکیل می دهد.

بناً تشکیل نهاد های فرهنگی خراسان در بیرون کشور منحصت جبهه مقاوم و مدافع فرهنگ، اقدام عاقلانه ایست در دفاع و معرفی این هویت باستانی و تاریخی مردم ما.

یک‌عه از جوانان دگر اندیش به این اندیشه شدند که باید « مرام نامه » همه نهاد های فرهنگی خراسان که در کشور های اروپایی در حال تشکیل شدن هستند از دید کلیت یکی باشند تا در آینده بتوانند در یک جبهه مشترک همبسته و یکدست عمل نمایند.

به این مناسبت از منظر کلیت بصورت نمونه: با حُسن نیت طرح مرامنامه زیر در اختیار دوستان قرار می گیرد تا با الزام اضافات ضرور قوانین وابسته به کشور میزبان، مراتب تکمیل این مرامنامه راصحه عمل گذارند.

کانون همبستگی اجتماعی و فرهنگی خراسان (ک ا ف خ)

مرام نامه

این سند حاوی بینش و سمت گیری حقوقی کانون همبستگی اجتماعی و فرهنگی خراسان (ک ا ف خ) است.
کانون همبستگی اجتماعی و فرهنگی خراسان ، با نگرش انسان دوستی و همبستگی ملی ، خویش را متعهد به معرفی و رشد و غنای فرهنگی باستانی حوزه تمدنی نیاکان و بویژه خراسان زمین میداند.

این کانون جهت شکل دادن به افکار عمومی و بیداری نسل جوان مهاجر دور از میهن، در راه تبلیغ و ترویج ارزشهای علمی و فلسفی و دینی حوزه تمدنی خراسان، بنفع صلح و ثبات و امنیت مبارزه بی‌امان می‌کند.

کانون همبستگی اجتماعی و فرهنگی خراسان، یک نهاد مستقل مهاجرین است که بر مبنای اصول دموکراسی در دفاع از حق و حقوق حقه پناهندگان و مهاجرین تشکیل شده و مطابق به موازین مندرج در این مرام نامه، با رعایت قوانین کشور میزبان بگونه آشکار کار و فعالیت مینماید.

کانون معتقد است که تعلقات فرهنگی و قومی عامل تعیین کننده در رشد همه جانبه انسانها نیست و هر انسانی میتواند در ارزشهای خود تجدید نظر کند، نگرش و جذب الگوهای رفتاری و گفتاری باز بینی شود، و نسبت به دگر لایه های اجتماعی و گروه های تازه، احساس سنخیت و همبستگی پیدا کند.

پیش نیاز این راهبرد، پذیرش کثرت گرایی اندیشه، درک ماهیت توحیدی اصالت دین، آزاد شدن از تحمیلات و فشارهای ستم گستر فرهنگ مصنوعی است.

کانون از حق ترقی و پیشرفت آزاد شخصیت هر فرد مهاجر هموطن و همزبان ، به نظمی که حقوق اساسی کشور میزبان مقرر داشته حراست و حمایت می کند.

مرام از کانون همبستگی اجتماعی و فرهنگی خراسان ، پشتیبانی بیدریغ از تلاش های مثر کودکان و نو جوانان و جوانان و سالخوردگان برای شکل دادن به زندگی روزمره و آتیه خود آنها است.

بناً کانون بمنظور حمایت و بهبودی هرچه بیشتر شرایط زیست اجتماعی و ارتقای آگاهی آنان اعم از تأمین تسهیلات اشتغال و رفع نیاز مندی های مادی ، حل موانع پذیرش در محیط آموزش و پرورش مکتبی و دانشگاهی و صحت و سلامت ، اسکان و سایر مشکلات اجتماعی دیگر مهاجرین در یک فرآیند مستدام ، کار و عمل حق خواهانه در کشور میزبان مینماید.

کانون همبستگی اجتماعی و فرهنگی خراسان ، به حقوق جهان شمول بشر و کانونسیون های ملل متحد و برابری در این حقوق ، مستقل از: جنس ، طبقه ، مذهب ، ایدالوژی سیاسی و سوابق اتنیکی و فرهنگی ، متعهد است.

کانون همبستگی اجتماعی و فرهنگی خراسان حق و مسئولیت والدین را در پرورش و آموزش کودکان مطابق به اعتقادات مذهبی شان به بهترین وجه به رسمیت می شناسد. و باور مند است که نسل نوجوان مهاجر دور از میهن، با آموزش معیار های مذهبی و فرهنگی، سنن و آداب ناب خود مان و کشور میزبان، جهت تقویه روحیه وطن دوستی و تحقق برنامه های همه شمول فرهنگی و هنری و سپورتنی میان این قشر روشن نگر، میتوانیم ارزشهای اخلاقی حُسن همزیستی مسالمت آمیز را در روح و روان ایشان ایجاد نماییم.

کانون معتقد است که: بحث و تبادل نظر، دادن اطلاعات دقیق از اوضاع کشور بوسیله رسانه های گروهی در مورد ساختارهای که به تبعیض و انشقاق ملی منجر می شود، و در مقابله با بی عدالتی های سیاسی، نقش عادلانه، وطندوستانه و صلح خواهانه و بی طرفانه ایفا مینماید.

کانون در عرصه فعالیت های فرهنگی، ادبی و هنری، خویش را به وظایف زیر مکلف میداند:

1- معرفی عظمت فرهنگی حوزه تمدنی ایران فردوسی و بویژه خراسان زمین، به مهاجرین و شهروندان کشور میزبان.

- 2- سازماندهی و فراهم آوری زمینه ها - مبنی بر راه اندازی گردهمایی های ملی و بین المللی معرفت شناسی آثار و آموزه های علمی ، فلسفی ، ادبی و تاریخی پیشکسوتان فرهنگ باستانی ما در همکاری مشترک افراد مسؤل و موسسات مربوطه کشور میزبان.
- 3- راه اندازی و ترتیب و تنظیم محافل هنری و تفریحی ، نشست های شب شعر و ادب و قصه خوانی ،
- 4- ایجاد زمینه ها و شرایط مساعد آموزش زبان فارسی و اصول دینی برای کودکان ، نوجوانان و جوانان و کلان سالان هم میهن مهاجر ما مطابق به نیاز زمان.
- 5- مواظبت و دلجویی از سالخوردگان و تلاش انسانی در رفع نیازمندی های بهداشتی ، اسکان ، اشتغال و مصروفیت های تفریحی و ورزشی
- ...
- 6- کار مشترک فرهنگی و اجتماعی میان کانون و نهاد های اجتماعی ، فرهنگی و آموزشی کشور میزبان و سایر نهاد ها در عرصه های گونه گون حیات اجتماعی مهاجرین.
- 7- تدریس و معرفی کوتاه تاریخ کشور میزبان و اروپا ، دادن آگاهی نوین

از ساختار حاکمیت قانون در اروپا و بیان سایر ارزشهای ضرور دموکراسی برای سالخوردگان و جوانان مستعد به تکامل مهاجر به‌دفع آگهی بیشتر بنفع همجوشی ملی در کشور میزبان. این قانون در عین این که از مبارزه برحق علیه تبعیض و انشقاق، عملاً دفاع می‌کند. و هرگز نمی‌پذیرد که استناد به تبعیضات سیاسی و اجتماعی (جناحی و سمتی و زبانی) به ابزاری برای توجیه اهداف ضد انسانی تبدیل گردد.

کانون همبستگی اجتماعی و فرهنگی خراسان خود را بخشی از یک مبارزه فراگروهی بنفع صلح و همبستگی میان مهاجرین دور از میهن در کشور میزبان محسوب می‌کند. از اینرو حق ضمانت قانونی حیات اجتماعی مهاجرین هموطن را بخشی از حقوق حیات اجتماعی و تأمینات حقوقی شهروندان (کشور میزبان) تلقی مینماید.

کانون همبستگی اجتماعی و فرهنگی خراسان

« اساسنامه کانون »

عضویت :

کانون همبستگی اجتماعی و فرهنگی خراسان، یک نهاد غیر انتفاعی است. هرکسیکه اهداف آن را بپذیرد و به ارزشهای حقوقی آن موافق باشد و در جهت تطبیق آن مساعدت نماید عضو بوده میتواند.

سازمان :

کانون همبستگی اجتماعی و فرهنگی خراسان مبتنی بر کار دواطلبانه است. اما در صورت داشت امکانات مالی و بودجه لازم میتواند تصمیم بگیرد کسانی را بصورت دائمی ویا مؤقت استخدام کند. در کانون همبستگی اجتماعی و فرهنگی خراسان ، مجمع عمومی بالا ترین ارگان تصمیم گیرنده است و هیئت اجراییه را انتخاب می کند. هیئت اجراییه حق تصمیم گیری امور جاری را دارد . کار های جاری کانون بوسیله گروه فعالین ، شامل اعضای که در استخدام آن میباشند انجام می پذیرد . واین گروه پاسخگو به هیئت اجراییه می باشد ودر همکاری با هیئت اجراییه در مورد استراتژی امور کانون و تحقق برنامه های آن تصمیم میگیرد.

مجمع عمومی :

مجمع عمومی عادی یا جلسه سالانه کانون همبستگی اجتماعی و فرهنگی خراسان هر ساله در ماه مارچ برگزار میشود. اما جلسه فوق العاده میتواند به تصمیم هیئت اجراییه یا درخواست یک سوم اعضاء تشکیل شود.

فراخوان مجمع عمومی توسط هیئت اجراییه چهارده روز قبل از تدویر مجمع عمومی به اعضای کانون خبر داده شود.

همه اعضاء حق پیشنهاد دادن دارند و هیئت اجرائیه باید در فرصت کافی قبل از تدویر مجمع عمومی روند دادن پیشنهاد را به همه اطلاع دهد.

تصمیمات مجمع عمومی با آراء اکثریت ساده (نصف + یک) گرفته میشود.

مجمع عمومی میتواند اساسنامه را تغییر دهد.

تغییر شرایط عضویت تنها با اکثریت دوسوم اعضاء ممکن است.

برای تصمیم گیری در مورد تغییر دادن مرامنامه تصمیم ورای همه اعضاء هیئت اجرائیه به اضافه اکثریت دوسوم شرکت کنندگان در مجمع عمومی لازم است.

مجمع عمومی، هیئت اجرائیه کانون را به پیشنهاد کمیته انتخابات، انتخاب میکند.

مجمع عمومی، اعضاء کمیته انتخابات (سه نفر عضو و دو ناظر) را انتخاب میکند.

مجمع عمومی در مورد فعالیت فرهنگی، مالی و نظارت ابراز نظر میکند و در مورد برائت هیئت اجرائیه از مسؤلیت تصمیم میگیرد. مجمع عمومی مبلغ حق عضویت را تعیین میکند.

هیئت اجراییه :

ارگان تصمیم گیرنده کانون در فاصله دو مجمع عمومی است و همراه با گروه فعالین ، مسؤلیت امور جاری کانون را بعهده دارد. هیئت اجراییه شامل سه ، پنج یا هفت عضو متشکل از : رئیس و یک مسؤول امور مالی و یک منشی و (سخن گوی) و اعضاء آن است. دوره کار هیئت اجراییه کانون یک سال است ولی میتواند تمدید شود. اعضای گروه فعالین میتوانند بدون حق رای در جلسات هیئت اجراییه شرکت کنند. میزان حقوق کارمندان و دیگر شرایط استخدامی بر مبنای توافقات جاری توسط هیئت اجراییه تعیین میشود. هیئت اجراییه کانون ، عضو جدید میپذیرد یا با خروج اعضاء موافقت میکند.

خدمات اجتماعی :

اصل و محور فعالیت های اجتماعی کانون منطبق بر اهداف آن ، احترام به حقوق و آزادی های حقوقی مهاجرین در کل می باشد. و کارمندان استخدام شده کانون با حُسن نیت مؤظف به حفظ اسرار مربوط به مهاجرین در امور جاری اند.

فعالیت اطلاعاتی کانون اولویت های است که در آتیه از ورای پخش برنامه های رادیویی و تلویزیونی از زاویه دید اهداف مندرج مرامی کانون همبستگی اجتماعی و فرهنگی خراسان در زمینه مسائل مختلف سیاسی و فرهنگی فراقاره ای ، به بیرون گزارش داده می شود.

اخراج اعضاء:

میتواند به پیشنهاد هیئت اجراییه و موافقت دوسوم اکثریت مجمع عمومی صورت بگیرد.

انحلال:

انحلال کانون همبستگی اجتماعی و فرهنگی خراسان ، باید با موافقت کلیه اعضاء هیئت اجراییه و به رای اکثریت دوسوم اعضای مجمع عمومی صورت گیرد. تصمیم گیری در اموال و امکانات کانون بعد از انحلال نیز باید با موافقت کلیه اعضای هیئت اجراییه و به رای دوسوم اعضای مجمع عمومی صورت گیرد.

بخش چهارم :

**قسمت چهارم - نقش «اراده» در مبارزات
سیاسی**

اراده در فرهنگ فارسی بمفهوم: خواست، خواهش، میل، قصد، آهنگ، کام و مقصود داشتن بکار رفته. اما از دید حکمت و سیاست این مفاهیم در فرآیند عمل، درهم سنخ بودن با سایر واژه های اخلاقی، معنای دیگر پیدا می کند .

گرچه «اراده» واژه فلسفی است که حکما و خردمندان در تاریخ فلسفه آنرا بارها به تأمل گرفته اند. امادر بحث ما مقصود از دعوای بازشناسی آن نمی رود.

مگر جوی سیاسی متشنج موجود در کشور مان : خراسان - افغانستان به ما می آموزاند که در ادای رسالت روشنگری و تقویه شعور جمعی، موظف ایم که بکوشیم وبگونه ای نقش مفاهیم ارزشهای اخلاق تطبیقی را در تقویه مبارزات سیاسی برای رهای مردم ما از اسارت و محدودیت، برجسته سازیم.

در کشور ما گفته می شود که آزادی مطبوعات وجود دارد. و رسانه ها به آن آزادی می بالند، برخی از قلم بدستان و منتقدین با افتخار از این سیاست رسانه ای دولت حامد کرزی، نیز تمجید می کنند.

درست هست که این سخن، ظاهرش این قسم جلوه می کند . اما باطنش کاملاً قلبی و ضد منافع ملی و غیرانسانی است. رسانه ها مصروف تبلیغ و ترویج آن وقایع و اهدافی اند که در حقیقت بوقوع نمی پیوندد، بلکه وقایع با برنامه خاص و پلان شده از طرف دستگاه خبر ساز بین المللی نهاد های سرمایه و دولت کرزی، تولید می شوند، و به خورش مطبوعات تقدیم می گردند. بعد مردم خوش قلب ما به آن باور می کنند و شب و روز در سایه افکار و موضوعات تولید شده ساختگی و انتزاعی، ذهن پاک خویش را مشغول می سازند و بر اصل این برداشت ها وارونه و بی اعتبار، مواضع سیاسی خویش را معین می نمایند.

بگونه مثال : حقایق وابسته به پرونده قتل های زنجیره ای مصطفی کاظمی، جنرال محمد داود وزنده یاد قهرمان ملی صلح برهان الدین ربانی و سایر مقتولین راه صلح و آزادی وطن، چه شد؟

آیا در بررسی پرونده ای قتل های زنجیره ای، دادگاه مستقل، نماینده خاص پارلمان، دادستان مستقل، و هیئت غیروابسته دولتی، نماینده مطبوعات آزاد، وجود داشتند . و توانستن که حقایق و راز های وابسته به آن پرونده ها را به مردم افشاء نمایند ؟ که نه خیر !

همین قسم وقوع صد ها مسئله جرم و جنایت آشکار، دزدی و اختلاس، تقلب و تعرض، غصب ملکیت ها، فساد مالی و اخلاقی، رشوه ستانی و احتکار و هزاران تخلفات دیگر وجود دارد که از حامد کرزی شروع تا مقامات عالی رتبه وی مرتکب آن شده اند و در آئینه مطبوعات منعکس نگردیده اند .

مردم شاهد آنند که در جریان ده سال حاکمیت کرزی بررسی پرونده ها موافق به اراده حکومت متوقف شد، ذهن مردم از بُروزحقایق واقعی و ارتکاب تقلبات سیاسی و جرم و خیانت های کلان جانی و مالی مقامات دولتی داخلی و خارجی بدورنگهداشته شد. و دولت با این اسلوب ریاکارانه افکارواندیشه های مردم را اغفال نمود . و آنرا در تحت رهبری خود محصورساخت.

و با این کار توانست جلو همبستگی، خیزش و ایستایی اراده مردم را بگیرد. و حکومت نامشروع و وارداتی و لرزان خود را موقتاً از سقوط حتمی نجات دهد .

اما حاکمان بدانند که انگیزه احساس :

سوزش جگر بیوه زنان، اشک روان یتیمان، چیغ لب بسته گرسنگان، آه سحر گاه مادران داغدار، اگر امروز در آسمان ابر آلود قدرت شما ها پوشانیده شده و در چهاردیواری های قانون جنگل محبوس و خموش است، فردا این درد و ناله و خشم استخوان سوز، به اراده مردمی و دژ مقاومت ستمدیدگان تبدیل خواهد شد.

همین اکنون میتوان حدس زد که دولت - ترس از به پا خیزی و حق خواهی اراده جمعی را حس می کند. زیرا جلب و جذب نیروهای اهریمن طالب (این کرگس صفتان و سپاهیان کورنهاد های سرمایه) در بدنه دولت از جانب کرزی و تیم هم‌تبار وی، زیر نام صلح، نمونه ترس از دست دادن قدرت و حاکمیت این خاندان بعد از خروج نیرو های ولی نعمت ایشان، در سال 2014 میلادی می باشد.

ما خواستیم که اندیشه ها و مشاهدات مان را در ارتباط نقش اراده در مبارزات سیاسی مطرح کنیم، به این منظور است که تا بتوانیم ذهن و اراده نسل نو را با وسایل مدرن روشنگری، مسلح سازیم. چرا که در عصر حاضر یگانه ممکنه براه استفاده معقول از سلاح مطبوعات و ارتباط جمعی است که «اراده» مردم را در جهت همبستگی سوق می دهد و مقاومت ملی را تقویت می بخشد.

اراده چیست :

به فکر ما:

اراده مصمم شدن به کاری است.

اراده عبارت از اعتقاد و باور و بازجستن قلب است.

اراده و اختیار وجه تمایز میان انسان و حیوان است.

اراده جذی از پایداری، توانایی و امید است .

اراده ایجاد موقعیت مناسب برای خوشبخت زیستن است. اراده گونه ای از پیوند اعتقاد و ایمان و یا یقین درونی و عمل بیرونی است.

اراده خود ایستای و استواری در کسب اهداف مقدس انسانی است. اراده گویای ندایی درونی وجود، انتقام گیری از جنس جنایت است. اراده فکر کردن زیاد نیست بلکه عمل صادقانه و اجرای ماهرانه است. اراده آن هدفی است که با شلاق عقل و عشق بسمت امید و ارسته سوق می یابد.

اراده تصاویر امیال در ذهن است که از عزم و اعتقاد می آغازد و به قله های بلند آرزو می انجامد.

اراده از دید اجرایی تصمیم نیست بلکه بُعد دیگری از شیره ای عمل است.

اراده اقتضای اجابت کردن دواعی اعتقاد و ایمان است که مسیر زندگی انسان را تعیین می کند.

همچنان مفاهیم - انگیزه، مراد، خوبی، خیر، از جمله واژه های است که با اراده در تداخل اند. اراده از انگیزه ای زایش می یابد هرگاه آن انگیزه از احساس تکلیف انگیزه شده باشد انسانی است وگرنه، نه؟ و خوبی و خیر آن وابسته به انگیزه است نه به نیت و مراد انسان.

اراده و خرد دو واژه به هم مرتبطی اند. انسان بمدد خرد ارزشهای عالی خوشبختی و مسیر درست زندگی را تشخیص می دهد، وبا پیگیری خودارادیت آنرا حصول می نماید .

اراده جوهر مبارزات سیاسی است. بدون اراده و خود ارادیت به اهداف غایی سیاسی رسیدن کار دشوار است.

اراده سیاسی از کوه نارضایتی ها و بدبختی ها و ناامیدی های زندگی اجتماعی مردم در ذهن انسان شکل می گیرد و دنیای درونی وی را تحت فشار قرار می دهد. رهایی از فشار اراده، گیرماندن انسان در حیطه ترس نیست، بلکه تحقق تقاضای اراده در عملکرد ارضای انسان است.

اراده سیاسی :

نوعی از حاصل کمال شعور جمعی و هویت فرهنگ دانشی و تجلی ای از خواسته های متفاوت لایه های گونه گون جامعه است. که در روند مبارزات سیاسی منحصراً سنگپایه روانی عمل، علیه اهداف ضد انسانی حکام نامشروع و جنایت پیشگان، عرض وجود می کند.

اراده در انسان میتواند هم ذاتی باشد و هم کسبی . ذاتی به این مفهوم که ژنهای مستور در فرآیند حیات از نسل به نسلی انتقال می کند وبگونه ای

درذات افراد باز می شوند و با ظهور آنها ویژگی های انتخاب و خود فرمانی رفتار افراد در کار و زندگی تغییر می نماید. و نوع از سرشت خودارادیت را به انسان انتقال می دهد. در مورد اراده کسبی می شود گفت که: انسان سرشت خودارادیت را در بسا مواقع نیز از محیط زیست و کار اجتماعی کسب می نماید. و ضمن در کسب چنین سرشت، سلوک، امیال و آهنگ عمل وی از عوامل جبر خانواده، جبر اجتماع، و وجود بستر حیات مادی و معنوی زیست او متأثر می باشد. و بر اصل آن پایه ها، ویژگی های انتخاب و خود فرمانی اراده او در کار و زندگی تبیین می شود.

- نقش سجایای اخلاقی در تقویت اراده؟

یکی از عوامل تقویت اراده برای نیل به هدف، تلقین به نفس و خود اتکایی و قدرت تصمیم گیری، مراقبت از پاکی جسم و جان، لباس و مکان، رعایت نمودن نورم های اخلاقی و فرمانبرداری انسان از عقل و خرد، صداقت و امانت و اعتماد بنفس است. تقویت اراده آن است که انسان دارای ویژگی خود فرمانی عمل باشد و با جسارت و پایداری و بدون تعلل راهکار های مطرح را تحقق بخشد.

تقویت اراده هرچه بیشتر در رهایی و آزادی واستغای انسان، از متاع دنیا است. که بوسیله توافق و سازگاری از صفای دنیای درون و تزکیه ضمیر حاصل می شود. تقویت اراده و ابسطه به فضایل چهارگانه یعنی : شجاعت، صداقت، خویشتنداری و ایمانداری - می باشد .

- تأثیرات غرایز بالای اراده؟

اراده سلوکی دو نوع است. یکی اراده شهوانی است و دیگری اراده انسانی. اراده شهوانی در سایه غرایز عمل می کند، و اراده انسانی در سایه فضایل.

ضعف اراده، گونه ای از فرمان غرایز است و آن حیثیت بلای بزرگی را دارد که انسان های بیمایه دوچار آن اند. تبعیت از هوای نفس، نمایی از بی ارادگی است که نزد ما حکم دانه بنگ را دارد که با دود و کیف آن بصیرت چشم تشخیص زائل می شود، همه چیز را از روزنه اغراض مشاهده می کنند و پیوسته در پی ارضای نیازاند. آنگاه در جهت عطش سیری ناپذیر غرایز مرتکب هر جنایتی می شوند .

فضیلت و کرامت و قوانین و حقوق انسانی نزدایشان بی رنگ است. با این باور اند که آنها به حرمت انسان تعرض می کنند، به عزت و عفت زنان خانواده دست درازی می نمایند، مردم را بی باکانه می کشند، آبادی را ویران می کنند، دارایی مردم و ملت را تصاحب می نمایند. و در حصار باغستان شهوت، قدرت و مادیت زیر شعار: مال خودش هم از خودش و مال دیگران هم از خودش، زندگی حیوانی خود را بدون افتخار و غرور سپری می نمایند.

نتیجه:

حرف آخر ما را در مورد توجیه نقش اراده در مبارزات سیاسی و حیات اجتماعی با چند جمله نغزحیاتی به ترتیب زیر از:

1 - کنفسیوس، 2 - بنجامین فرانکلین و 3 - مثل چینی به پایان می رسانیم که میگویند:

" مردی که دارای عزمی [اراده] نیرومند و اخلاق متین است، هرگز فضیلت اخلاقی خود را فدای هوس های زندگی نمی کند. بلی مردانی در این جهان زندگی کرده اند که برای تکمیل و حفظ فضایل اخلاق، جسم و جان خود را فدا ساخته اند "

" آب قطره قطره می چکد و با پایداری و سماجت، سنگ بزرگ را سوراخ می کند "

" موش با پشت کارواستقامت ، موفق به پاره کردن رشته محکمی از
سیم می شود " .
" و ضربه های پی در پی تبر کوچک، درخت کهن را از پای در می
آورد ."
" با صبر و بردباری، برگ توت تبدیل به پیراهن ابریشمی می شود."

بخش چهارم :

قسمت پنجم - نقش جوانان در جامعه

بی تردید نسل جوان ، منحیث سرمایه اصلی کشورما نیروی اساسی جامعه را تشکیل می دهد و در همه بخش های امور زندگی حضور مؤثر و اساسی دارند. نقش سازندگی این نیرو در تغییر و تکامل زیرساخت های مادی و معنوی جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است .

دولت با توجه به این گوهر ، جهت تربیه سالم این نیروی اجتماعی مسئولیت دارد تا بستر مناسب آموزش و پرورش را در خانواده و اجتماع مساعد گرداند. تقویه و رشد شخصیت علمی، اخلاقی و انسانی نسل جوان یک رسالت میهنی است . ادای این رسالت مستلزم اقدامات عملی دولت ، سهم وجودی اراده جمعی و فعالیتهای مشترک همگانی می باشد .

از دید ما سه مؤلفه در تعیین شخصیت نسل جوان کشور ما مؤثر است . **یک** - معرفت علمی جوانان نیازمند آموزش آن مفاهیم و اندیشه های عینی و حقیقی اند که به شرح و تحلیل جهان واقعی می پردازند و در خدمت خوشبختی و سعادت انسان قرار دارند .

دو - سلوک اخلاقی آموزش عینی جوانان از شناخت سجایای اخلاقی : گفتار حق بینانه و پندار حرمت نگر ، کردار تعادل پسند می باشد ، که این ارزشها، نمایشی از کسب برتری ها و ترک ناکسی و فرومایگی است . باید روح و روان سلوک اخلاقی جوانان کشور ما بر پایه اندیشه های اخلاق تطبیقی و دگردوستی خردمندان و فیلسوفان سرزمین باستانی خود مان اساس گذاشته شود .

سه - حس میهن دوستی و یزگی دیگری که در تقویه شخصیت علمی و اجتماعی نسل دگر اندیش میهن ما قرار دارد تقویه عشق و احساس جوانان به میهن و منافع مشترک تاریخی و ملی کشور می باشد.

دولت مکلفیت دارد تا اساسات علمی آموزش و پرورش را بگونه ای مطرح نماید که از یک سو آن برنامه ، تبلورگاه مهر ورزی و حامل امانت داری و میهن پرستی باشد ، و از سوی دیگر ماهیت انسانی آن مولد زیر مایه انگیزه خود ایستایی و خود شناسی و همبستگی در روح و روان مردم گردد .

یکی از آموزه های معرفتی دیگری که سجه خود ارادیت و استقلالیت تفکر را در ذهن و نیت و وجدان جوانان ایجاد می کند : اصل هویت و فقدان هویت است.

بحران هویت در فرد و اجتماع ، پایه همبستگی ملی را لرزان می سازد و جامعه را به انشقاق و چندگانگی تبدیل می نماید . بنأ جوانان بایست از هویت واقعی - ملی ، تاریخی ، فرهنگی و زبانی سرزمین خویش آگاه بشوند و برای بنیان شخصیت خویش را به ارزشهای وجودی غرور و افتخار هویت ملی شریک سازند.

هویت : ارزش نماد ممتاز شدن از غیر خود، شناسنامه ، جایگاه و مقام ، عزت و منزلت یک انسان است. تعلق اندیشه و احساس انسانها به هویت مشترک ملی و تاریخی خیلی با اهمیت است و این تعلقیت در افزایش میزان خوشحالی و انسجام اجتماعی جامعه و فرد مفید واقع می شود. و مراتب همبستگی ملی را تسریع می بخشد . در نوشته بعدی دید گاه ها و برداشتهای خویش را از ارزشهای هویت مشترک ملی و تاریخی سرزمین باستانی مان خدمت شما فرهیختگان ارائه خواهم داشت . آزاده و سربلند باشید .

بخش پنجم :**قسمت یکم - نقش موازین اخلاقی
در انسانی سازی جامعه**

مسئله اخلاق از جمله مسائل مهم فلسفه عملی است. یعنی اندیشه و رویکرد های فکری و آگاهی انسان در مورد بنمایه های استواری : کردار، رفتار و گفتار ، و معرفت عینی وی از برتریها و فرومایگیهای اخلاقی، و جهت بازشناسی حصول موازین کرداری و آداب و معاشرت انسانی در جوامع بشری می باشد .

اصول اخلاقی حرکتی است از تاریکی بسوی روشنایی، از جنگ بسوی صلح، از نکبت و خواری و تیره بختی و پریشانی، بسمت، مهر و داد، دوستی، صداقت و عشق.

انسان عاقل بمدد شعور و آگاهی خویش وبا فهم درست از ماهیت علمی اصول اخلاقی وبا توجیه ملکات و صفات حمیده ودرک عینی از کرامت و نجابت انسان، جهت رهیافت بسوی خوشبختی اش میتواند راه جاویدانه را به جهان آسایش زیست باز نماید.

چراکه ؟ در شرایط کنونی همه جا اعمال راهکار های بد و ناشایسته ای غیر اخلاقی کرامت انسان را تهدید و تخویف می کند. و جهان بشریت بشمول شهروندان خراسان - افغانستان از انجام :

فساد و جنایات گسترده، آدمکشی و رهزنی، دزدی و چور و چپاول، غصب دارایی های عامه، معامله گری و وطن فروشی، رشوه خواری و ریاکاری، تعصب و بدبینی، عصبیت و ستمگستری، رنج می کشند . این تزلزل و سوء نیت اخلاقی مجموعه ای از کردار و رفتار ناپاکی است که از عدم تهذیب اخلاق انسانی و فقدان بصیرت که متنافی خیر و صلاح جامعه است، ناشی می شود .

من با تأیید نگرش فلاسفه، اساس همه معاصی جامعه را در تاریکی اندیشه، جهل و نادانی و فقر می بینم ، و هر نوع جنایت را ناشی از عدم دانایی کامل از کرامت انسانی و اخلاق عملی، می پندارم .

ما می مشاهده می کنیم ! در آن جوامع ایکه نظم اجتماعی قانون برقرار است مفهوم و معنای انسانی : عدالت، آزادی و سعادت و نیکی، رنگ و بوی دیگری دارد. و فاصله میان قدرت دولتی و مردم وجود ندارد. و حاکمیت مردم سالار، پشتیبان واقعی منافع ملی و خوشبختی و سعادت شهروندان جامعه است. در همچو بستر امن و آسایش اجتماعی است که شهروندان چنین جوامع از تربیت کامل و موازین اخلاقی و هوشیاری برخوردار بوده و درخت سبز همبستگی و همزیستی آن، از چشمه ای مراد مناسبات متعادل حقوق شهروندی سیراب می شود .

درجوامع کم رشد و نیمه رشد که هنوز عهد شکنی عمیق اجتماعی و اقتصادی به قوت خود باقی است، تجادل و تنازع و ناهمگونی سطح زیست، نبود قانونیت و امنیت، پیش شرط زمینه سازیست برای تبارز و تحکیم حاکمیت خود محور، که در همچو شرایط حاکمان قدرت مدعی اند که عدالت همانا اطاعت شهروندان تھی دست، از منافع زراندوزان و قدرت مندان می باشد.

اگر کسی خلاف این منافع حاکمیت قرار گیرد مانند یک مجرم تجاوزکننده، بوسیله قانون خود ساخته حکام، مکافات به مرگ می شود. اما در درک و اصول و موازین اخلاقی، موضوع اصلی همان مفهوم است که: آیا درست کاری و صحت عمل را پذیرفت؟ یا دنبال قدرت رفت. **بگونه دیگر:**

آیا نیرومند بودن بهتر است یا نیک بودن؟ آیا شرافت و کرامت نفس پیشه کرد؟ ویا... چیز دیگری؟

من به این باورم که: شرافت و کرامت نفس پیشه کردن، رفتار و کردار نیک را پذیرفتن در این دنیا عمل شایسته و بایسته ای است. و از ارزش اخلاقی برخوردار است و پیوسته با مفهوم عدالت و آزادی در مرکز توجه خردمندان نیز قرار داشته است.

اما بحث ما درین جا این است که مراعات همچو ارزشهای اخلاقی چه گونه کمکی به زندگی و آزادی انسان و خوشبختی و سعادت وی میرساند. آیا با شریف بودن و خوب عمل کردن انسان میتواند آزادی خویش را از حصارهای وضع شده جبری جامعه رها نماید، و یا نیازشکم خود را مرفوع سازد و خوش بختی خویش را تأمین کند. آیا پذیرش موازین اخلاقی ضامن موفقیت و پیروزی انسان در کل می شود یاخیر؟

بقیده ما وزنه ای موازین اخلاقی هر فرد جامعه وابسته به بستر ثروت و دارایی مادی و معنوی خانواده و محیط زیست وی می باشد. بنأ انسانی سازی این بستر از اولویت های سیاسی نظام های انسان گرا است.

این یک حقیقت مسلم است که همه جدال ملی و بین المللی بر سرتصاحب ثروت بیشتر است. که ما اسم این ثروت (قدرت و شهوت، مادیت) را «نان سفید» می گذاریم. مبارزه برای بدست آوردن این «نان سفید» بگونه های متفاوت در سراسر جهان جریان دارد.

حاکمان کشور ما نیز در اعصار گذشته و حال چشم درد در پی بدست آوردن بیشتر همین «نان سفید» بوده و می باشند.

اینکه ایشان زیرعنوان: رهبر، شاه، امیر، رئیس جمهور و غیره خود را جا می زنند. و در لباس اندیشه های چپ و راست و میانه در قالب های قوانین قلابی خود ساخت، خویش را قابل قبول به مردم می سازند. و از تابش آفتاب صلح و فراوانی زمین بارور و حیات مرفه برای مردم، حرف می زنند، این همه ریاء و تزویر در رفع خواست و آهنگ مادی پرستانه خود آنها می باشد، جز این؟ چیز دیگری بیش نیست.

مثال روشن حکومت حامد کرزی یکی از این نمونه هاست: که در 12 سال عمر غیر قانونی اش به جز دروغ گفتن، تقویه جنگ و خشونت، قتل بی هدف هزاران هزار جوانان هم میهن در دفاع از نظام و مخالف نظام، تولید و ترافیک مواد مخدر، اعمال ریاء و فریب سیاسی، ازدیاد فساد اخلاقی و اداری، عدم قانونیت و امنیت، تشدید بیکاری و فقر و فحشا بوده، و کدام دست آورد دیگری ندارد.

و اعتراف چنین اعمال خشونت مآبانه و ناقض حقوق بشر را در بیانات و مصاحبه های شخص خود آقای رئیس جمهور حامد کرزی میتوان دید. ملاحظه فرمائید.

بر اثر ایجاد شرایط ناگوار تشنج زای سیاسی از قبل پلان شده در کشور ما، اینکه چند هزار معدودی از وابستگان خونی، و همرازان سیاسی و گروهی حامد کرزی ثروت این سرزمین را در گروی خود دارند عمر این گروگان گیری هم پایانی دارد.

مگر تعلق به بازگویی بحث ما ندارد. این مسئولیت، وابسته به دادگاه واقعی و کشیدن پای چنین گروگیران به میز عدالت قانون خواهد بود. بحث ما روی موازین اخلاقی و انسانی سازی جامعه می چرخد. چون سعادت افراد مرهون سعادت جامعه است. بناً تلاش بر این است که ما در این راستا ساختار فکری و اصول اخلاقی ناب ای را ایجاد نمائیم که هدف واقعی آن پیرایش شخصیت شهروند جامعه با موازین اخلاقی حکمت، شجاعت، عفت، عدالت و خداپرستی باشد.

آنگاه اصولی را تبیین نموده ایم که در آن! چراغ روشنایی عزتمداری و محبت منشی و کرامت شناسی انسان در شعایش است.

زیرا عشق پاک به انسان از ذهن خودآگاه روشن بین و از فکر پاک و عقل سلیم تراوش می کند. و در وفاق دنیای درونی و بیرونی انسان، اختیاری در حفظ شرافت نفسانی، حُسن خُلق و علوهمت در عمل هویدا می شود.

نبود همین عشق پاک و عقل سلیم درکنه ذاتی گروه تفنگ بدستان برادران ناراضی (طالبها) آقای حامد کرزی بوده که بی باکانه در جنوب و ولایات شمال بویژه در کندوز و پروان به اصالت انسانی شهروندان گرامی ما ارج

نگذاشتند و با چه بیرحمی و بربریت به کرامت شخصیت مادر و پدر این سرزمین دست درازی کردند و ایشان را سنگسار و تیرباران نمودند .
به امید آن روزی که شهروندان جامعه ما در همبستگی انسانی و اخلاقی و احترام و عزت زیست نمایند.
و آفتاب صلح و آزادی و عدالت اجتماعی بر فراز این سرزمین جاویدانه به تابش آید.

بخش پنجم :**قسمت دوم - حکومت کرزی خطرناکتر از اسلافش**

جنوری 2009 میلادی

سال نوی 2009 عیسوی را از صمیم قلب به تمام همشهری های خویش در هرکجای دنیا که هستند تبریک و تهنیت میگوئیم . و امید داریم که خداوند صلح و آشتی را نصیب مردم ما سازد و در انتخابات شفاف و بی غش آینده کشور ما ، رئیس جمهور منتخب و نمایندگان پارلمان مشروعیت قانونی خویش را صرف از آرای واقعی مردم کسب نمایند و سر انجام بستره وجودی حکومت های وارداتی و قبیله سالار را از کوی این سرزمین پاکیزه ، بردارند . زیرا شهروندان کشور ما از نوع رژیم های استبدادی قبیله سالار و مرکز گرای اجیر و وابسته بغیر و تکراری خیلی خسته شده و بستوه آمده اند.

دولت حامد کرزی و تیم رهبری آن نیز از این صنف است. این دولت از دید ماهیت ضد مردمی اش یکی از خطرناک ترین حاکمیت در دو سده اخیر تاریخ معاصر کشور ما می باشد. به همه گان واضح است که کارکرد های حامد کرزی و تیم او علیه منافع و هست و بود مردمان بومی این سرزمین، بدتر از امیر عبدالرحمان و نادر خان و طالبان بوده است. زیرا حاکمان پیشین از جنس قبیله اگر سر و شاخ می بریدند و حامد کرزی و همقطاران وی افزون بر آن ریشه را نیز قطع می کنند.

قرن بیست و یکم، قرن ابراز وجود و حق خواهی و حق گیری است. قرن احیاء هویت خراسانی و محو دایمی حاکمیت قبیله و ایجاد حاکمیت قانون و تعادل حقوق شهروندی و صلح و آزادی در میهن ما می باشد.

مردم آزاده خراسان میدانند که هویت شان تبلوری از عظمت فرهنگی و نمودی از افتخار غرور و شایسته سالاری آنهاست؛ دردا که این هویت و ارزش فرهنگی و علمی و ادبی پیوسته بوسیله حکام قبیله منش ای که در رأس حاکمیت و قدرت سیاسی کشور ما قرار گرفته اند، بی رحمانه دزدیده شده و نابود گردیده است.

مردم با معرفت و با فرهنگ این سرزمین از تاریخ حال و گذشته کشور خویش واقف اند و میدانند - هرگاهی که نمایندگان قبیله به حمایت استعمار کهنه و نو و روحانیت وابسته به دربار به هرم قدرت و حاکمیت این سرزمین قرار داده شدند . تحقق سه مؤلفه مهم سیاسی یکی از اولویت های تکلیفی این نوع حکومت های بیگانه پرور بوده است :

- 1 - تأمین صد درصد منافع حمایت کنندگان ایشان (نهاد های بین المللی سرمایه) در رأس ایالات متحده آمریکا .
- 2 - تحکیم قدرت سیاسی حاکمیت قبیله بمتابه سلاح سرکوب کننده نیروهای صلح خواه بومی این سر زمین خراسانیان .
- 3 - حفظ جبری پدیده فقر بیکاری و بیسوادی و تقویه خشونت و ناامنی و بیگانه سازی مردمان بومی از اصلیت و هویت فرهنگی و تاریخ سیاسی ایشان .

- تأمین منافع استعمار کهنه و نو را نمایند گان قبیله افغان در رأس حاکمیت سیاسی کشور ما همواره از طریق ادامه اعمال خشونت و نا امنی و ترور و گرم نگه کردن جبهه جنگ در قتل و کشتار جمعی مردم حاصل نموده اند . چنانچه که تا حال پیشبرد چنین یک سیاست از جانب این گروه بنفع تحکیم پایه های سیاسی قدرت خود شان و ارتجاع منطقه و نهاد های بین المللی سرمایه هنوز که هنوز هست موثر واقع شده است .

– گزینه تأمین منافع حاکمیت سیاسی قبیله گرایان از زمان احمد خان ملتانی – درانی (1747 م.) تا کنون در این اسلوب پیش بینی شده که ایشان میتوانند با جلب مشارکت همتباران خویش در رأس قدرت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی پایه های قدرت و حاکمیت قبیله را تحکیم ببخشند .

راهبرد برخورد قبیله گرایان به حفظ جاویدانه قدرت سیاسی و حاکمیت در کشور ما تعقیب پای به پای سیاست انشقاق زای اسلاف شان در همه سطوح قدرت بوده است .

شمارش جنایت و اعمال سیاست انشقاق زای قبیله گرایان در سرزمین خراسانیان دارای ابعاد خیلی وسیع و گنج کننده است ولی ما در این مبحث به ذکر چند راهکار های (ضد ملی و ضد انسانی و ضد تمدنی) آنها اکتفاء می کنیم :

اول - سیاست پشتونیزه سازی ساختار حاکمیت و ملکیت برزمین :

– در نظام پادشاهی وابسته بغیرکرزی و تیم اش سیاست پشتونیزه سازی کابل و اطراف آن همچو اسلافش جریان دارد . بوسیله خرید زمین های گویا دولتی در حومه کابل از سوی استاد عبدالرب سیاف و سایر ملیونر های ازتبار حامد کرزی ؛ و اعمار شهرک های رهائشی و توزیع این نمرات به افراد معین مورد نظراز جنس قبیله با شدت تمام ادامه دارد .

چنانچه شهروندان میهن ما در خارج و داخل کشور شاهد تحقق سیاست پشتونیزه سازی بیسود هزاره جات و خواجه بهاولدین و سایر نقاط مرکز و ولایات ، که از طرف حاکمیت حامد کرزی با استفاده از سلاح گرم و قدرت دولتی صورت پذیرفت اطلاع دقیق دارند و گرد همایی و حرکت احتجاجی ابراز وجود و حق خواهی خراسانیان کابل زمین به پیشوایی محمد محقق رهبر هزاره های وطنپرست علیه سیاست پشتونیزه سازی بیسود هزاره جات ، شاهد شرح ماست .

تاریخ گواه است که سیاست پشتونیزه سازی خراسان زمین و کوچ دادن های اجباری آنها از زمان : شاه محمود خان در هرات و شاه زمان خان در قندهار و غزنی و کابل ، امیر دوست محمد خان در شمال کشور و به خصوص در مزار شریف و امیر عبدالرحمان خان در هزارستان و اطراف کابل و به این سلسله بوسیله خاندان آل یحیا و طالبان بدون وقفه در سراسر کشور تطبیق و عملی گردیده است.

ماهیت ننگین و فاجعه آفرین این سیاست در این نهفته است که دولت با زور سرنیزه و قدرت سلاح بی شرمانه زمین هاودارایی مردمان بومی این سرزمین را از نزد ایشان جبراً غصب و به ناقلین آورده شده از آنطرف سرحد کشور ما (پاکستانی ها) تحویل میدهند .

اما این عمل هیچگاه از طرف یک روشن نگر از شهروندان افغان تبار ما تقبیح و نفی نشده است. اگرکدام شخصیت دانشگاهی پشتون است یا دانشجوآن، اگر دموکرات است یا تکنوکرات، اگر طرفدار است یا بیطرف و غیره در یک کلمه همه پشتونها نزدیک به کل با یک آرمان مقدس درونی در دنیای باطنی خویش از این سیاست غصب دارایی عامه و خشونت و تعرض شؤونیستی تقویت حاکمیت سیاسی قبیله ایشان بگونه ای حفظ حالت خموشی علامه رضایت داده، حمایت می کنند.

دوم - سیاست فرهنگ ستیزی علیه زبان فارسی و فرهنگ وابسته به آن - حاکمیت کرزی و تیم آن زبان فارسی را در حبس گاه شؤونیزم قبیله بوسیله وزارت اطلاعات و فرهنگ و آموزش و پرورش توقیف کرده اند. و مبارزه جدی علیه نابودی فرهنگ پر بار مردمان خراسان با پلان از قبل سنجیده شده سیاست « پشتو مرکه » امان الله خان و محمودطرزی « پشتو تولنه » آل یحا خان ادامه دارد.

سوم - نصب قبیله گرایان در پست های کلیدی قدرت و اقتصاد
- حاکمیت کرزی در سایه حمایت امریکا و انگلیس تمام نهاد های کلیدی سیاسی را در اختیار همتباران خویش قرار داده. از وزارت دفاع و پست های کلیدی آن، و وزارت داخله و همه پست های کلیدی آن، و وزارت خارجه و همه پست های کلیدی دیپلماتیک آن، و وزارت فرهنگ، آموزش و پرورش و و شروع تا پائین ترین پست ها دولتی همه در راه تقویه نظام قبیله سالار خدمت می نمایند.

باید تذکر داد که اکنون تقریباً در شش هزار پست دست اول رهبری سیاست و اقتصاد جامعه ما: بصورت نسبی هشتاد در صد آن در اختیار همتباران کرزی قرار دارد. و نزدیک به بیست در صد دیگر آن در اختیار سایر ملیت های تحت ستم می باشند.

باید گفت که در این شمارش ما پست های معاونیت را که از سطح بالا یعنی معاون رئیس جمهور شروع تا معاون شعبه را در نظر نگرفته ایم. زیرا معاونین در ساختار حاکمیت دولتی احتیاطی نمایشی و بدون صلاحیت و قدرت اجرای می باشند.

چهارم - گونه های دیگر سیاست ضد انسانی کرزی

- حاکمیت کرزی کلید اقتصاد ملی و عایداتی و حق توزیع ملکیت بر زمین را نیز در اختیار افرادی از جنس قبیله خودش تقدیم داشته تا بدون درد سر سیاست پشتونیزه سازی و غصب دارایی مردم بنفع همتباران خویش را بی هراس عملی نماید. این حقیقت را همه میدانند:

تاریخ شاهد است، هرکسی که اقتصاد را در اختیار دارد او سیاست را رهبری می کند و فرهنگ به جامعه تولید مینماید.

این اصل را قبیله گرایان از ابتدا خوب دانسته اند و به این اساس هم است که پیوسته کلید اقتصاد دولتی و کلید اقتصاد مخالفین دولت ، هردو را در دو سده اخیر بدست دارند . همیشه یک برادر حکومت کرد دیگرش مخالف بود ، یک قبیله حکومت کرد دیگر قبیله مخالف بود . درحالیه هردو نیروازیک نشانی تمویل می شدند و می شوند. بگونه نمونه ازدیگ آش نهاد های سرمایه در رأس آمریکا هم دولت حامد کرزی تناول می کند وهم طالبان ملا محمد عمر .

واین قبایل با این تکنیک های بدوی ولی کارا توانسته اند که ازبا فرهنگ ترین ملیت های خراسان زمین اعم از ازبیک ها و ترکمان ها و هزاره ها و تاجیکها برفع منافع سیاسی گماشته گان خویش و تحکیم قدرت خودشان سرباز گیری نمایند . وبدینوسیله حاکمیت قبیله را روز تاروز قوی تر ونیرومند تر بسازند. هر قدر عمر این سیاست خشونت ونیرنگ در میهن ما دراز شود ما از تمدن و ساخت جامعه مدنی فاصله می گیریم .

- حاکمیت کرزی و تیمش از این موضوع آگاه است که مردم در شکم سپری و آرامی به دانش آموزی و هویت شناسی خویش اندیشه می کنند. او مانند اسلافش آرامی را به مردم حرام و نان را به مردم زهر آلود ساخت. و خواست که تا مردم سردرد و پای درد شب وروز پشت یک لقمه نان خشک سرگردان باشند واز صدای گوش خراش دول دو سره خشونت قبیله گرایان وابسته به غیربترسند تا به سیاست و مشارکت سیاسی در قدرت و حاکمیت اندیشه ننمایند . واز درد فقر و شکم گرسنگی زمین گیر شوند .

- این حاکمیت حامد کرزی و دار و دسته اش بودند که با نشان دادن چراغ سبز ، بستره مادی سیاست خشونت و شکل گیری باند های آدم ربایی را تقویت بخشیدند . و در تسلیح و تقویه گروه های تروریزم طالبانی و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و وظیفه برادرانه خود را انجام دادند .

با این کار حامد کرزی و تیمش گویا خواست که بُعد دیگر خشونت قبیله را به جهانیان نشان دهد که گویا این سر زمین به اصطلاح خودشان سرزمین افغانان است و باید با آنها کنار آمد و از چپ و راست آنها را در حاکمیت شریک ساخت . حالا مردم این صحنه سازی های نمایشی و ساختگی ، تحمیل خشونت های جبری مصنوعی پلان شده قبیله در خدمت سرمایه را خوب میدانند .

و این را نیز میدانند که طالبان و حکمتیار و حامد کرزی و تیم رهبری اش همه از یک سفره هفت سین سرمایه تغذیه میشوند و در خدمت آنها و وظیفه رضا کارانه ضد انسانی خویش را علیه مردم ما انجام می دهند .

آقای حامد کرزی از عمل هفت ساله شما معلوم است که به صلح و ثبات ، به آزادی و خوشبختی انسان جامعه ما اعتقاد راسخ ندارید و تیم شما نیز از این بیماری مستثنا نیست . و به همین خاطر بود که تحمیل سیاست خشونت و انشقاق ملی و جنگ را دامن زدید . با این بزرگ نمایی دروغین قوم خویش ، هزاران خانواده شریف را در جنوب کشور به ماتم نشاندید . مگر از این ناحیه هیچگاهی کوچکترین ندامت و افسردگی در چهره شما دیده نمی شود . گویا اینکه بگمان اغلب از از دیاد لشکر یتیمان و بیوه زنان و ستم دیدگان لذت می برید .

آقای کرزی و هم‌تباران قبیله گرای وی به یک چیز باید اعتقاد داشته باشند و آن اینست که روند زمان بسوی احقاق حق و صلح و آزادی در جریان است. دیگر عمر حاکمیت قبیله و سیاست سرباز گیری انگلیس و امریکا از نمایندگان آن در حاکمیت های نه چندان دور کشور ما به پایان میرسد. و همچنان این موضوع قابل درک است که دیگر افسون و تزویر و ریا کاری قبیله گرایان برتری جوی در چهره اسلام ستمگستر (طالبانی) و دموکراسی قلابی (حامد کرزی و تیمش) افشاه گردیده کارایی ندارد.

باید به اراده صلح و آزادی و شناخت حق خود و دیگران ملتفت شوید و در راه هم‌آیشی ملی و ساخت ملت یک پارچه خراسانی و تثبیت هویت ملی همگانی بنفع خوشبختی و سعادت شهروندان این مرزوبوم تلاش انسانی و عقلانی نمائید.

بخش پنجم :**قسمت سوم - کرزی از طرف پارلمان و محکمه
عالی کشور مستفعی شناخته شود**

سپتمبر 2009 میلادی

به حمایت همه جانبه دولت آمریکا و بریتانیا و سایر کشورهای مشترک منافع اروپایی و نهاد های بین المللی ، آقای حامد کرزی شهروند آمریکایی پشتون تبار افغان ، در اواخر سال 2001 میلادی به حیث رئیس جمهوری اسلامی افغانستان گماشته شد و با یک انتخابات نمایشی دیگری در سال 2009 میلادی بار دوم به صفت رئیس جمهوری افغانستان بالای مردم ما تحمیل گردید.

آقای حامد کرزی در این هشت سال دوره ای ریاست جمهوری اش ، او از کمک های مالی تحویل داده شده مجامع بین المللی بنفع تأمین صلح و ثبات کشور هرگز استفاده نکرد.

برخلاف فقر و گرسنگی تشنج و قتل و قتل و درد و تألم فراوان اجتماعی را بالای مردم ما جبراً ایجاد نمود . کشور زیبای مارا ویران و داغان کرد . حیثیت و وقار و عزت خود و تیم بی کفایت وابسته به غیر خویش را به زمین ریخت . و با پیروی از سیاست اسلافش و ولی نعمتان خویش تخم نفاق در میان اقوام و ملیت های باهم برابر کشت و جامعه را به لشکرگدایان و مزدوران تبدیل نمود.

یگانه کاری که تاکنون آقای حامد کرزی به میهن خویش انجام داده ایجاد فضای ترس و وحشت ، بی اعتمادی و انشقاق ملی از دیاد کشت دانه خشخاش و تقویه تجارت مواد مخدر تسلیح و تمویل تروریسم طالبانی - القاعده ، چیز دیگری نیست.

با این همه رسوایی بر اساس ماده شصت و یکم قانون اساسی قرار بود که وظیفه جناب رئیس جمهوری کرزی در اول جوزای 1388 خورشیدی به پایان برسد . ولی بدبختانه او خلاف مفرداد قانون اساسی فوق و بدون حرمت شناسی و ارجمنداری به اراده و آرای مردم ، ماه ها است که با پشتیبانی مستقیم نهاد های بین المللی سرمایه در رأس آمریکا و انگلستان بر بنیاد اساسات قانون جنگل خودسرانه حکومت می کند . و نزد هیچ ارگانی خود را مسؤول نمیداند.

این رئیس جمهور بی دست آورد و بی کفایت درکیف خمار قدرت، خود را بار دوم نامزد ریاست جمهوری نمود. اکنون تقلب و رسوایی مفتضحانه دیگری که در این دور دوم انتخابات ریاست جمهوری افغانستان عاید حال جناب کرزی گردیده جای تأمل و بررسی می باشد. این تقلب آشکار چنان مضحک و شرم آور است که حتا حامیان اروپایی و امریکایی اش از این عمل ناشایسته ضد دموکراسی و ضد ملی وی چشم پوشی کرده نتوانستند و در اخبار و رسانه ها آنرا تقبیح و افشاء نمودند.

بدبختانه بوی گند تقلب و ریاکاری آشکار حامد کرزی و تیم انتخاباتی اش در هنگام انتخابات ریاست جمهوری، هوای خیابانهای واشنگتن و لندن را نیز عفونی کرده است. سوای آن این عمل ناجایز حامد کرزی، عزت و غرور قوم پشتون را یکبار دیگر تحت سوال قرار داده است.

قرار معلوم تیم انتخاباتی حامد کرزی در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری با همیاری مستقیم و غیر مستقیم برخی از کارمندان عالی رتبه ملل متحد و دیگر نهاد های بین المللی و کمیسیون وابسته انتخابات و کمیسیون وابسته سمع شکایات ساخته و بافته خود رئیس جمهور با طرح سیاسی و شوونیستی از قبل تعیین شده، شرایط، زمینه ها و ممکنه های تقلب و خیانت را سازماندهی نمودند و ده ها صد هزار برگه رای ساختگی را بی شرمانه به صندوق های خالی حامد کرزی ریختند. و بعداً با مهارت نوع قبیله ای آن صندوق های پُرساخته خود را بشمارش گرفتند و نتایج

شمارش را جهت فروکش ساختن احساسات پاک مردم در روز های تعیین شده درجه بدرجه بادر نظر داشت سنجش دقیق از آرای نامزد های پیشتان، فیصدی آراء را بنفع آقای کرزی مشخص ساخته و بعداً، اعلام نمودند.

در این عصر پیشرفته حتا نزد اطفال کودکستان چنین عمل مزورانه قابل باور نیست. با عرض حرمت به آراء و اراده مردم ما باید گفت که :

آقای کرزی و تیم انتخاباتی اش + برخی از اعضای کمیسیون وابسته انتخابات و کمیسیون سمع شکایات و متصدی وزارت داخله و والیان و حاکمان و علاقه داران وابسته به حاکمیت مرکز گرا، بصورت کل همه در اعمال دست کاری و تقلب برگه های رای بنفع شخص رئیس جمهور مساویانه دست آلوده و ناپاک دارند و مرتکب خیانت گردیده اند . باید هرچه زودتر از وظایف و مسؤلیت های ایشان سبکدوش گردند و مورد پیگرد قانونی قرار گیرند .

اگر نماینده های پارلمان جمهوری اسلامی افغانستان نماینده های واقعی مردم اند و از قانونیت و صداقت و مصونیت شهروندان میهن خویش وجداناً دفاع می کنند . باید دست در آلاشه نه نیشینند . و منتظر فیصله نهاد های خارجی نباشند . با خود ارادیت و استقلالیت تفکر جلو این همه خود سری های حامد کرزی را بگیرند.

شما نمایندگان محترم مردم خوب میدانید که وظیفه قانونی و رسمی ریاست جمهوری کرزی از اول ماه جوزا 1388 بدینسو ختم است . او دیگر به صفت رئیس جمهور قانونی نیست. و باید هرچه زود تر بر اثر این تقلب گسترده اش در انتخابات ریاست جمهوری مستعفی شناخته شود و همرا با تمام تیم تقلب کارش به دادگاه کشانیده شوند و به کیفر اعمال ناشایسته شان برسند . به آرزوی قانونیت و صداقت اخلاقی و سیاسی در کشور.

قسمت پنجم :

قسمت چهارم - شناخت جایگاه هویت فرهنگ خودی ، بدرد با فرهنگ معامله می 2009 میلادی

نگرش بر بنیاد اندیشه های تغییر نام افغانستان به خراسان !
این یک حقیقت روشن است، که هویت یک ارزش است ، ، چپستی این
ارزش درستی ، کیفیت است و در انسان اصالت و معرفت است . معرفت
همان شناخت و آگاهی ما از جهان هستی است که گوهر هویت فرهنگی
و اصالت کسی ما را می سازد .

هویت فرهنگی در حقیقت شناسنامه ، افتخار ، عزت ، غرور ، مقام
و منزلتی است که شایسته سالاری ما را در پهلوی دیگر ملل جهان به
نمایش می گذارد .

میراث علم و معرفت باستانی نیاکان و فرهنگ همه شمولى که در حوزه
تمدنی ایران زمین و خراسان بزبان فارسی ابداع و آفریده شده ، رشد
و تکامل یافته ازارزشی برخوردار است که جایگاه هویت فرهنگی ما را
در مقیاس ملی و جهانی برجسته می سازد .

این رسالت همه رهروان راه صلح ، آزادی و اهل بصیرت کشور ما
و فارسی زبانان است که اهمیت زبان فارسی و گسترش معارف و
فرهنگ اصیل باستانی این مرزبوم را گرامی بدانند و آگاهانه در راه
احیاء و حفظ مفاخر گذشته ، رشد و شگوفایی این هویت باستانی نیاکان
تلاش نمایند .

زیرا ما بدون از این هویت ، به جز اجبران و سربازان خشونت پیشه ای در خدمت سرمایه جهانی و دهقانان مشغول به کشت خشخاش و تفنگ بدستان مواد مخدر ، بیش از این دیگر حیثیت و اعتباری داشته نمی توانیم .

ما که بارها از اهمیت و ارزش هویت ملی خراسانی سخن گفته ایم اعتبار سخن ما در این ماهیت نهفته است که تحقق راهبردی تأمین صلح و ثبات و حفظ عزت و احترام ما تنها بر بنیاد چپستی ارزش معرفت فرهنگی حوزه تمدنی خراسان و نیاکان ما در گُل امکان پذیر است . همین معرفت علمی ، ادبی ، حکمت و عرفان خراسان - نیاکان بوده و هست که هویت فرهنگی همه ساکنان افغانستان امروز و خراسان پر افتخار فردا را می سازد .

ملاحظه نمایم که نقش هویت فرهنگی در تعیین مقام ، اعتبار و اعتماد شخص تا کدام حد تعیین کننده است .

بگونه مثال اگر هویت فرهنگی و حقوق شهروندی آمریکائی بارک اوباما رئیس جمهوری منتخب آمریکا را از وی بگیریم در آن صورت او جز یک کینیایی افریقائی که تمام عمر با فقر دست و گریبان خواهد بود چیز دیگری به وی باقی نمی ماند . اما زمانیکه در شهرت مکمله و شخصیت حقوقی و حق شهروندی بارک اوما هویت آمریکائی که تبلوری از فرهنگ عالی معرفت اروپائیان و آمریکاییان باشد ، دیدیم که 72 در صد سفید پوستان و نزدیک به صد در صد سیاهپوستان آمریکائی در انتخابات ریاست جمهوری آن کشور به اعتبار این هویت آمریکائی بودنش به بارک اوباما رای اعتماد دادند و او بر پایه همین آرای مردم امریکا به اریکه قدرت جهانی تکیه زد .

هدف از تذکر مثال فوق راجع به نقش سازنده هویت فرهنگی در شخصیت رئیس جمهوری آمریکا اینست که ما نیز با راهکار فراگیر نسبت به هویت فرهنگ باستانی و اهمیت و ارزش علمی خود ما اندیشه نمایم و با اتکاء به آن معرفت، در همکاری و پیوند مشترک متقابل با معرفت جامعه بشری در کشور خویش آینده درخشان و فارغ از درد و رنج را ایجاد کنیم.

هموطنان گرامی هنگامی که فرهنگ، آموزش و معرفت باستانی ما، به جهان بشریت " رفتار نیک، گفتار نیک و کردار نیک " را ارائه می کرد و آن فرهنگ الگو و نمونه اعجاب آوری برای صلح، آزادی و همبستگی بشریت بود. در آن زمان برخی از اجداد این صاحبان سرمایه جهانی هنوز در مغاره ها بشکل گله بی زندگی بدوی را سپری می کردند. اما به ما فرزندان با فرهنگ پیشدادیان تاریخ باستان، چه رخ داده که حالا منتظر دستور اینیم که مجامع بین المللی گویا جامعه انسانی را برای ما می سازند.

نه خیر! نیروی سازنده جامعه انسانی در میهن ما، مردم ما ست. عظمت فرهنگی تکامل پذیر حوزه تمدنی سرزمین نیاکان و بویژه خراسان - جهان بینی علمی، عرفانی، اخلاقی، ادبی و انسانی ایست که نیاز های معنوی و مادی حیات اجتماعی مردمان این خطه باستانی را با همکاری متقابل دست آورد های معرفت بشری بسوی پختگی و کمال رهبری می کند. چند نمونه ای را از این دانش انسانی، جهت وضوح ادعای ما به خوانش می گیریم:

1 - شناخت مقوله « شاد بودن » و پیوند این ارزش حیاتی با « دیدار انسان » را که بنمایه ای از باهم بودن ، پهلوی هم بودن و برای هم بودن را در مناسبات اجتماعی بیان می کند « رودکی بزرگ » در یک مصراع آنرا به جهان بشریت تقدیم مینماید :

هیچ شادی نیست اندر این جهان
بهتر از دیدار روی دوستان

این است تشخیص ارزش عشق و عشق ورزی به هم نوع و اینست فرهنگ انسانیت .

2 - همچنان شناخت ارزش حرمت انسانی و معرفی هنجار و سبک همگرایی و همآیشی و همبستگی بشری را در گفتار سعدی بزرگ مطالعه می کنیم :

بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش زیک گوهرند

چو عضوی ببرد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار

توکز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

اینست معرفی اندیشه هومانیزم جهانی ، اینست آموزش ارزش همدردی و دلسوزی و همکاری و اینست شناخت همزیستی و همآیشی و اینهم است بیان اصالت و نجابت انسان .

3 - عبدالرحمان جامی در اثر نفحات الانس صفحه 459 خویش راجع به درک معرفت و وسعت دید بالای مولانا جلال الدین بلخی بزرگ می نویسد: پدر مولانا بهاء ولد فرزند خود را در کودکی چنین توصیف میکند:

" جلال الدین محمد در شهر بلخ شش ساله بود که روز جمعه با چند کودک دیگر بر بام های خانه های ما سیر می کردند. یکی از آن کودکان بادیگری گفته باشد که بیا از این بام بر آن بام بجهیم ! جلال الدین محمد گفته است : این نوع حرکت از سک و گربه و جانوران دیگر می آید . حیف باشد که آدمی به اینها مشغول شود . اگر در جان شما قوتی هست ، بیائید تاسوی آسمان پریم ! " این اندیشه کودکی خویش را سالهای پس از آن در غزلی چنین می آورد :

مازبالا ییم وبالا میرویم
 مازدریاییم ودریا میرویم
 ماز آنجا و از اینجا نیستیم
 ماز بیجاییم و بیجا میرویم ..."

مولانا در این غزل شماره 1674 دیوان شمس خود ، آرامش و سعادت انسان را در رهائی از وابستگی های دست و پا گیر زندگی می داند . وسیرتکامل اندیشه را به سمت کمال دعوت می کند . نزد او پرواز بسوی تعالی ، خروج از محدودیتها و کشف راز های حقایق هستی است .

ده ها نمونه دیگر از این دست وجود دارد که گهرهای پرارزش معرفت فرهنگ ناب صلحخواهانه نیاکان وبویژه خراسانیان را به جهان بشریت شنایسته معرفی و بیان می نماید ، که باتأسف شامل بحث ما نمی باشد .

برعکس آموزش فرهنگ صلح و همبستگی انسانی نیاکان (ایران قدیم وبویژه خراسانیان) ، تاریخ بشریت شاهد زنده سیاست های متعرضانه وجنگجویانه ضد انسانی استعمار نو وکهنه در قاره ها بوده است . و قدرت های بزرگ سرمایه جهانی « بانیرنگ تبلیغ تمدن » بوسیله فرهنگ زور و خشونت پیوسته شیره و شربت کشورهای ضعیف را کشیده اند . وبویژه برنامه سیاسی نهاد های سرمایه در خاور نزدیک و میانه که ذخیره گاه انرژی و مواد خام زیرزمینی می باشد ، آشکارا بدنبال تأمین ثبات وتحقق حقوق بشر و ایجاد جامعه مدنی در این منطقه نیستند.

بلکه در گذشته و حال برای دسترسی به منابع طبیعی و انرژی می‌جنگند. از اینرو انتخاب کشور ما خراسان - افغانستان به مرکز رهبری سیاست خون و خشونت و میدان مبارزه تروریستان بین المللی و تولید مواد مخدر از جمله راهکار های پلان شده از جنس این جنایت است .

در قرن دوم هجری ما ایرانیان - خراسانیان ملتی بودیم سربلند دارای حاکمیت و استقلال ملی و استاده بر زمین و بر بستر زبان فارسی . به فرهنگ پر عظمت باستانی افتخار میکردیم که در تحت رهبری ابو مسلم خراسانی از بوته شکست برآمده بود . اما با گذشت زیاد از یک هزار و دوصد و پنجاه سال اکنون نه حکومت ملی داریم و نه استقلال سیاسی .

علت اساسی این مشکل سیاسی که ما با گذشت صد ها سال هنوز هم در مرحله قبیله سالاری و زمینداری - اربابی گیر مانده ایم و بسوی تعالی پیشرفت و حیات انسانی به کندی حرکت میکنیم و به تأمین استقلال سیاسی و ایجاد حاکمیت ملی توفیق نیافته ایم ، در چه نهفته است؟ . این واقعیت تلخ کاملاً آشکار است که این دشواری در سیاست مستبدانه محافل حاکمه وابسته به استکبار بین المللی ، به نبود خود ارادیت و عدم شناخت و توجه عینی به ارزش فرهنگ باستانی و نداشت همبستگی و همآیشی ملی در این سرزمین نهفته است و هیچگونه توجیه دیگری ندارد .

پیام ما به مردم شرافت مند خراسان و به صورت مشخص به ازبیکان ، افغانان ، ترکمانان ، هزاره گان ، تاجیکان و دیگر اقلیت های ملی و مذهبی برابر حقوق ساکن کشور ، این است که منتظر طرح راهبرد جدید و کهنه این رئیس جمهور و آن شخص دیپلومات های غربی و شرقی نباشیم . زیرا هدف اساسی همه فزونی سفره هفت سین برای خود ایشان ، کشور و ملت ایشان است ، نه تأمین امنیت و ثبات و فراوانی در کشور ما .

ادامه چنین سیاست های دنباله روانه و غیر مسؤالانه محافل حاکمه عاری از هویت فرهنگی و وابسته به غیر و به قدرتهای بیگانه ، در جریان دو صد سال اخیر نتیجه اش اینست که هنوز ما اختیار سرنوشت کشور خویش را نداریم . زیرا جامعه جهانی درچنین شرایط تحمیل شده دود و باروت ، برنامه خود را تحقق می بخشد و استفاده خود را می برد .

اما دست اندرکاران سیاست و قدرت در خراسان - افغانستان درچنین شرایط حاد بحای اینکه بصفت فرزندان صادق و دلسوز این سرزمین به منافع کل جامعه اندیشه نمایند و بادرک دقیق از اهداف سیاسی غرب ، راهبرد سیاسی صلح و ثبات برای میهن خویش را تدوین - و منافع ملی و منطقی را ضمانت و به اجرا گذارند . برخلاف گروهی تحت نام طالبان گویا مخالفین دولت مراتب وطن دوستی خود را در تولید مواد مخدر ، برادر کشی و فرهنگ ستیزی وزن ستیزی و محور ساز ساخت های مادی و معنوی کشور ، به نمایش می گذارند .

و گروه دیگری تحت نام رهبران سیاسی حاکمیت و قدرت که تاکنون دست آورد های هفت ساله شان 40 هزار انسان بی گناه کشته و هزاران نفر زخمی و با امتیاز 95 در صد تولید هیروئین جهان و زیاده از 60 در صد مردم بیکار و صدها هزار خانواده فقیر دردمند و معتاد... و غیره . و غیره می باشد .

هر دو گروه منحصیث قصابان مسلکی در این کشور بی صاحب ، با کارد های تیز خویش مشغول بریدن پارچه گوشتی ، از جسم گاو بیمار حاکمیت غلتیده به خون این کشور ، می باشند .

طرحهای راهبرد سیاسی ای که کشور ما را بسوی خود گردانی ملی ، صلح ، ثبات ، ایجاد ، حاکمیت قانون ، تأمین استقلال ملی ، آزادی و همبستگی ملی می کشاند و فرهنگ باستانی ما را همیشه از دست اندازی محافل حاکم مهاجم و فرهنگ ستیز نجات می بخشد و حیات پرسعدتی را برای همه مردم ما نوید میدهد عبارت اند از :

یک - آوردن تغییرات اساسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی خراسان - افغانستان به نفع انسان و آزادی و صلح و تأمین تعادل حقوق شهروندی.

دو - تطبیق راهبرد سیاسی « تغییر نام افغانستان به خراسان » و واپسگیری هویت ملی در کشورمان.

سه - شناسایی خط دیورند بمتابه مرز مشترک میان پاکستان و افغانستان و ایجاد صلح در منطقه.

چهار - تسجیل زبان فارسی در قانون اساسی : بمثابة یگانه زبان رسمی سراسری و تفاهم ملی ، زبان علم ، اقتصاد ، سیاست و فرهنگ و ادبیات و نفی قاطع سیاست چند زبانی رسمی خراسان - افغانستان .

پنج - ایجاد نظام سیاسی پارلمانی که بر اصل تفکیک قوای سه گانه در تعادل متوازن قدرت متجلی می گردد .

شش - انتخابی بودن رؤسای ولایات ، شهرداری ها ، حکومتی ها و علاقه داری ها و شوراهای نواحی ارگان های محلی قدرت و اداره دولتی .

هفت - عملی نمودن سرشماری دقیق نفوس و توزیع شناسنامه شهروندی خراسانی بی غرضانه و صادقانه و شفاف تحت نظارت ملل متحد و سایر نهاد های اجتماعی بیطرف ملی و جهانی .

- اگر این طرحهای استراتژی صلح و برخی از مسائل دیگری که در راه حل اساسی مسئله ملی در خراسان - افغانستان خدمت میکنند تحقق حاصل نه یابد . هیچگاه جامعه بسوی ملت سازی و همجوشی ملی و هویت سازی ملی حرکت نخواهد کرد. و معامله گران محافل حاکم وابسته به غیر با حمایت نهاد های سرمایه جهانی در چهره ، رهبران دولت و اپوزیسیون تفنگدار طالبی سالهای طولانی دیگر اقتصاد و سیاست و فرهنگ کشور پدیری ما را در دستان چپاولگرانه خود خواهند نگهداشت .

و کشور را بسوی فقر بیکاری بیسوادى جنگ و خشونت پیوسته سوق خواهند کرد. وانشقاق ملی، دشمنی های عقیدتی، سمتی و لسانی وچندگانی را جهت تحکیم حاکمیت بر بار صفت شؤونیزم قبیله افغان خویش تقویت خواهند بخشید.

خواست اخلاقی ما از نسل دگر اندیش طرفدار صلح و ثبات واز کشور های فارسی زبان منطقه و جهان و مجامع بین المللی اینست که از داعیه صلح و آزادی در این سرزمین دفاع نمایند.

زیرا اندیشه های انسانی، آزادی، مردمسالاری ترقی و آرمانهای صلح و دوستی همبستگی ملی امنیت و ثبات را در کشور و منطقه ضمانت می کند. هوا داران نهضت دموکراتیک به هر وسیله که می شود ودر هر کجای دنیا که واقع اند این اهداف رابه گوش توده های تشنه به صلح برسانند و راه را بسوی یک نظرخواهی عمومی و سراسری در خراسان - افغانستان برای خودگردانی ملی ملت خراسان مساعد گردانند.

دوستان گرامی ما مردمان بی سلاح و صلح خواه هستیم. سلاح ما فرهنگ ما، زبان مشترک ما وادب و علم و معرفت ما است. بکارگیری عاقلانه این سلاح معنوی، تنویر و روشن ساختن اذهان مردم ما و جهان از حقایق تاریخ معاصر کشور میتواند آهسته آهسته راه فروریختن دیوار سست و بی بنیاد قدرت انحصاری محافل حاکمه تک محور و وابسته به بیگانگان را، به خراسانیان صلحجو و آزادمنش روشن و هموار کند.

به امید طلوع خورشید خراسان درخانه هر شهروند این سرزمین مستعد به تکامل ما.

بخش پنجم :

قسمت پنجم - پیشبرد سیاست چند زبانی در افغانستان گونه ای از استقرار حاکمیت شوونیزم قبیله است

به طراحان سیاست چند زبانی در افغانستان !!!

رهبران قبیله و دست اندرکاران حاکمیت سیاسی تک صدا - چشم باز کنید و به جهان و روند تاریخ بشریت یک نگاه ژرف بی اندازید که شما در قرن بیست و یکم زندگی مینمائید و امیدواریم که ماهیت جهانی سازی اقتصاد و یک زبان سازی سیاست جهان سرمایه را خوب درک کرده باشید.

سود جویان سرمایه جهانی «زبان انگلیسی» را از اوایل سده بیستم به این سود سراسر جهان منحصیث زبان بین المللی تبادل فرهنگ، اقتصاد و سیاست خویش انتخاب کرده اند.

و در قرن بیست و یکم با آموزش نوین این برخورد راهبردی سیاسی حاکمان سرمایه جهانی، بمنظور دسترسی به منابع بیشتر انرژی کره زمین، با تغییر اسلوب بهره گیری شیوه های سود ورزی سرمایه، این بار باتولید انگیزه تحت نام مبارزه علیه تروریزم و مواد مخدر و ایجاد به اصطلاح تأمین ثبات و امنیت در کشورهای فقیر همچو افغانستان و پاکستان و عراق... با شدت هرچه تمامتر پیش برده می شود.

در چنین شرایط تحمیل شده اجباری، یگانه زبان نیرومندیکه بتواند درمقابل زبان انگلیسی و فرهنگ غرب صنعتی مقاومت و ایستادگی کند و نقش پیشتاز و هماهنگ کننده را در ساختاربین المللی تبادل تجارت، اقتصاد و سیاست جامعه و منطقه، شایسته ایفاء نماید و عظمت و شایسته سالاری ارزشهای باستانی، علمی و فرهنگی و ادبی کشور محبوب ما خراسان - افغانستان و حوزه تمدنی آسیا را حفظ و نگهداری نماید، صرف بوسیله زبان فارسی، که مسلح به علم و دانش بشری می باشد امکان پذیر است.

خوشبختا ! که تاریخ جوامع بشری تاکنون شاهد این اصل بوده که با یک زبان بارور علمی و فرهنگی و ادبی، ملت و دولت نیرومند ایجاد می شود. تشکیل دولتهای نیرومند جهان نظیر: دولت و ملت آلمان با زبان آلمانی، دولت و ملت آمریکا و بریتانیا با زبان انگلیسی، دولت و ملت فرانسه با زبان فرانسوی و دولت و ملت ایران با زبان فارسی گواهی این هدف مقدس ماست.

به این اساس ضرورت طرح و تحقق راهبردی سیاسی دراز مدت مبنی بر ایجاد ملت سربلند خراسانی و « حل اساسی مسئله ملی » در خراسان - افغانستان، یکی از الویت های علمی و وظیفوی وجدانی هر شهروند ترقی پسند و صلح خواه کشور ماست. به این مناسبت تقویة فرهنگ همگانی، جهت ایجاد شرایط مناسب برای رشد متوازن اشکال شعور اجتماعی میهن

ما بوسیله زبان فارسی، که حاکم غرفه اندیشه و نظر همگان ست، شاهد این مفهوم است که، این زبان از ظرفیت بالای تعلیمی و تربیتی تاریخی قدیمی برخوردار بوده و در عرصه رقابت های اقتصادی و تجارتي منطقه و جهان دارای توان و پایه مقاوم علمی و ادبی و سیاسی خاصی می باشد. و نقش تعیین کننده را در تشکیل ملت با فرهنگ خراسان، همآیسی ملی، تأمین امنیت و ثبات در خراسان - افغانستان و منطقه بازی می نماید.

زبان فارسی و ادب و فرهنگ باستانی مردم ما، معرف شایسته ترین نماد هستی بارزش مردمان ساکن خراسان - افغانستان و منطقه میباشد. بدین مناسبت رسالت و مقام آفرینندگی همه پذیر اش توجیه و تأکید میگردد. و نورپربرکت و توانمندی عقلانی و معرفتی این روشنایی همچو آفتاب، مکان فرهنگ همگانی ما را نورانی تر نگهداشته و حرمت و عزتش را بالای فرد، فرد جامعه فرض می گرداند.

بی تردید، یکی از بُروز مشکلات عمده سیاسی - اجتماعی و نفاق ملی، میان مردم ما در یک صد سال اخیر و بویژه از دهه 20 تا دهه 80 قرن بیستم میلادی، مسئله چگونگی برخورد با هستی و گویش زبان سراسری و رسمی و ملی فارسی در خراسان - افغانستان، از سوی حاکمان تک تبار قدرت گرا و گروه های سیاسی وابسته و روشنفکران دنباله رو بی هویت بوده است.

بواقع، تا پیش از حکومت امیر حبیب الله خان، چه در سطح حکومت و چه در بین مردم و اندیشمندان میهن ما، انتخاب و استفاده از زبان ملی و رسمی فارسی در سطح کل کشور، و همزمان، چند گویش در مناطق مختلف، به بنام کدام مشکل اجتماعی مطرح نبوده است.

چرا که در بین همه مردمی که در این سرزمین زندگی مینمایند، زبان فارسی مانند زبان تفاهم ملی به گونه کاملاً طبیعی، جا افتاده است، و این ممکنه در برقراری ارتباط و تفاهم مشترک عمومی میان ملیت ها و قبایل و دگرلایه های مختلفه اجتماعی جامعه، بازی می کند.

از سوی دیگر زبان فارسی همچو زیرمایه همبستگی ملی در پوست و گوشت و استخوان تک تک شهروندان این سرزمین حک شده است، از قرن ها بدینسو در این زمینه در میان اقوام و ملیت های ساکن این کشور هیچگونه تعصبی هم وجود نداشته و ندارد.

مردم ما، زبان فارسی را، به عنوان زبان مادر یا پایه، زبان ملی و رسمی و همگانی یا زبان مشترک و زبان اصلی، زبان علم و معرفت و زبان حوزه تمدنی فرهنگ شرق پذیرفته اند. به این دلیل که قدرت و عظمت زبان شیرین فارسی مبتنی بر ادبیات نوشتاری کهن سال و قدرتمند و تکامل یافته ای را، خود مشاهده می نمایند.

انتخاب و قبول زبان فارسی، به عنوان زبان سراسری ملی و رسمی کشور ما، به هیچ وجه امری دستوری، اجباری و تحمیلی نبوده، بلکه کاملاً آزادانه و اختیاری و رضاکارانه بوده است و از دید علمی و زبان شناسی نیز درک و برداشت توده مردم و روشنفکران و دولتمردان در تمام اعصار گذشته و حال در این مورد، کاملاً خوش بینانه درست و بجا بوده است.

زبان فارسی در جریان ده ها سده تاریخی بمتابۀ زبان حوزه تمدنی بخشی آسیا و زبان دوم جهان اسلام و زبان اول عرفان در جهان از موقعیت و عظمت فرهنگی ویژه برخوردار بوده است. کنون در ردیف زبان های بین المللی جهان نظیر انگلیسی، اسپانیایی، فرانسوی، روسی، عربی، آلمانی، و...؛ زبان فارسی مقام شامخ و مراتب رفیع همسنگی علمی - فرهنگی - اقتصادی و سیاسی را احراز می کند.

اکنون عظمت فرهنگی زبان فارسی در حوزه تمدنی قاره آسیا بزرگی می کند. عظمت این زبان در حال حاضر بمدد وسایل مدرن اطلاعات فرا قاره پی از سرحد قاره ها عبور نموده و مثنوی مولانا جلال الدین بلخی عقول و قلوب جهان صنعتی - اروپا و آمریکا را تسخیر کرده است. مردم این دو قاره به ظرفیت فرهنگی، علمی و ادبی زبان فارسی پی برده و محترمانه آنرا درک و ستایش می کنند و به آن ارج و حرمت می گذارند.

" قهار عاصی " شاعر فرهیخته و نستوه و همیشه جاویدان سرزمین خراسان در ستایش و تمجید از زبان فارسی و شناخت مقام شایسته معرفتی و ادبی آن در حوزه تمدنی آسیا چنین میگوید:

گل نیست، ماه نیست، دل ماست فارسی
 غوغای کوه، ترنم دریاست فارسی
 از آفتاب معجزه بر دوش میکشد
 رو بر مراد روی به فرداست فارسی
 از شام تا به کاشغر از سند تا خجند
 آئینه دار عالم بالاست فارسی
 تاریخ را وسیقه سبز و شکوه را
 خون من و کلام مطالاست فارسی
 روح بزرگ و طبل خراسانیان پاک
 چتر شرف چراغ مسیحا است فارسی
 تصویر را، مغالزه را و ترانه را
 جغرافیای معنوی ماست فارسی
 سرسخت در حماسه و هموار در سرود
 پیدا بود از این که چه زیباست فارسی
 بانگ سپیده عرصه بیدار باش مرد
 پیغمبر هنر سخن راست فارسی
 دنیا بگو مباش، بزرگی بگو برو
 ما را فضیلتی ست که ما راست فارسی

اما با تأسف و درد باید اذعان کرد که این سیاست دامن زدن به تفرقه زبانی، و طرح مسوده قانون زبانها در کشور از طرف دولت جمهوری اسلامی افغانستان دسیسه آشکار دیگری است که نزدیک بدوسال واندی می شود که در راه انشقاق ملی و تحکیم حاکمیت شوونیزم قبیله افغان بخدمت گرفته شده است.

همه میدانند که در راستی مسئله، از سرکاتب (پشتون تبار = افغان) گرفته تا رئیس جمهور، صرف بوسیله همین زبان فارسی تعلیم و تحصیل کرده اند، علم اقتصاد و سیاست آموختند، و بهمین زبان فارسی غنامند حرف می زنند، می نویسند فکر میکنند و ذوق و علاقه و عشق و احساس خود را اظهار میکنند، معلومات اکادمیکی خود را ارتقاء می بخشند و شخصیت فرهنگی و حقوقی خود را در کارزار عمل بنمایش می گذارند و بهتر از گویش محلی پشتو، و سایر زبان های محلی دیگر کشور، بزبان فارسی رساتر و واضح تر، عام فهم تر خوانا تر، درست تر و علمی تر، اهداف، ارمان و اندیشه های خویش را به جامعه و علاقه مندان خود بیان و معرفی مینمایند. و بوسیله همین زبان فارسی در رهبری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مملکت سهیم میگرددند. بکمک همین زبان فارسی با دیگر ملیت های باهم برادر میهن خویش شامل فارسی گویان پشتون تبار (محمد زایی ها)، تاجیکان، هزاره گان، ازبیکان و ترکمنان و هندوان و.و. و سایر اقلیت های ملی و مذهبی ساکن کشور و همسایه گان عزیز میهن ما، گفتگو و مفاهمه، تبادل تجارت و فرهنگ می نمایند.

جای بسا شکر است که ما همه با زبان فارسی صحبت می کنیم، زبانی که به کدام تبار، قوم و قبیله ممتازی درین سرزمین بسته گی ندارد در یک کلمه، زبان رسمی همه گانی و زبان ملی می باشد.

واز سوی دیگر زبان ملی در هر کشوری که حکم زبان مشترک در بین شهروندان آن کشور را دارد و در واقع وجه مشترک اصالت ملی، فرهنگی و پیوند گاه، علمی و ادبی ایشان به حساب می آید و یکی از عناصر اصلی در ایجاد زیرساخت توسعه هویت ملی، ملت یک پارچه می باشد و بس؛ و به این اساس تمام اسناد و مکاتبات و متون رسمی صرف باید با این زبان و خط صورت پذیرد.

بخاطر درک و شناخت عینی از ضرورت های اجتماعی، علمی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی جامعه است که ما برای عملی سازی سیاست مفاهمه بین گروه های قومی افغانستان در راه تحکیم صلح و آشتی ملی، به یک زبانی زبان فارسی رأی عقلانی و فارغ از هرگونه عصبیت نژادی می دهیم.

و تطبیق مغرضانه و رشد سیاست چندین زبانه در خراسان - افغانستان را قاطعانه رد می نمایم و آنرا ضد صلح و هم آیشی ملی دانسته و مانع عظیمی در فرا راه روند ملت سازی کشور خویش تلقی می کنیم.

خوشا، شکر! که زبان فارسی در کشور محبوب ما تنها یک زبان نیست بلکه یک فرهنگ و یک تمدن و یک بخشی از هویت ملی و نماد هستی همه شهروندان ما است، که با فراگیری آموزش همگانی و سراسری متعادل این فرهنگ پر عظمت، میتوانیم نهاد های رشد حقوق فرهنگی شهروندان را به پایه کمال رسانیم.

فرهنگی که بوسیله زبان فارسی بازتاب می یابد خوشبختانه که وابسته به همه باشندگان این سرزمین نور و روشنائی است. مردمان سرزمین ایران قدیم در گُل و خراسانی های ما اعم از: ازبیک ها، هزاره ها، بلوچ ها، عرب ها، پشتون ها، تاجیک ها، هندو ها و سایر گروه های خرد و کوچک اجتماعی در سیر زمانی طولانی تاریخ به زبان فارسی سخن گفته اند، و برای رشد و تکامل آن کوشیده اند و بزرگترین فرهنگ انسانگرایی را به جهان بشریت به میراث گذاشته اند. شایسته است که هر شهروند کشور به تنهایی، خود را صاحب اصلی آن بداند و خود را فارسی گو تر از دیگران قبول نماید.

زبان فارسی: زبان علم و ادب، زبان معرفت و شفاف اندیشی، زبان شعرو زبان صلح و صفا، زبان محبت و دوستی، زبان حرمت و نجابت، زبان عشق و صداقت، زبان همبستگی و همجوشی، زبان آزادی و استقلال، زبان صلح و آشتی، زبان خودارادیت و ابراز وجود، زبان حق خواهی و حق بینی، زبان دگردوستی و نوع پروری است.

ماز همه هم میهنان گرامی کشور و از تمام فارسی گویان جهان خواستار همکاری مشترک در راه حفظ پاکیزگی و رشد و تکامل این زبان هستیم. بهر وسیله که می شود زبان فارسی را از آسیب ستمگستر قبیله افغان نجات داد و از لوث مردار لغات نامأنوس و غیر متعارف تحمیل شده آنرا پاک کرد.

نگذاشت که چهره صفایی معنوی این زبان چندین هزار ساله با ورود کلمات ساختگی و مبتذل بیگانه، چیچکی شود.

دفاع از زبان و فرهنگ درحقیقت معنای دفاع از ناموس و شرف و حیثیت و قار و عزت ملی ما را افاده می کند. مردم میهن ما با درک عقلانی و با احساس اخلاقی از حفظ حق سیاسی و - علمی و فرهنگی زبان فارسی جاویدانه دفاع می کنند.

کوچکترین مسامحه، اهمال و بی دقتی ده ها سال دیگر، ستم ملی فقر و بیسوادی را قبول باید کرد. جایکه ابراز حق خواهی نیست، آنجا حق و حقوق وجود ندارد. صرف با آموزش نوین و عقل و اراده خلل ناپذیر و صلح آمیز میتوان حقوق خود را بدست آورد و تساوی حقوقی را در جامعه تأمین کرد.

ما !!! ملت خراسان و صلح و ثبات را با تغییر نام افغانستان به خراسان و باتسجیل یک زبانی، زبان فارسی (بمثنایه زبان رسمی و ملی و سراسری مردم ما) در قانون اساسی خراسان - افغانستان و با برسمیت شناختن معاهده خط دیورند از طرف دولت و مجلس نمایندگان افغانستان میتوانیم دوباره به نمایش گذاریم.

و بدین وسیله هویت ملی، افتخارات ملی، هستی فرهنگی و سیاسی و اقتصادی خود را بار دگر درکشور آبائی و اجدادی خود احیا کنیم. در غیر آن با حفظ نام وارداتی افغانستان و موجودیت حاکمیت ایلی قبیله ای عقب گرای و ابسته بغیر، و تطبیق سیاست چند زبانی و طفره رفتن از شناسایی خط دیورند و وجود ده ها مؤلفه های خشونت زای دگراند که استقرار حاکمیت قانون، آزادی، و تعادل حقوق شهروندی رادر خراسان - افغانستان عملاً سد واقع می شوند، در آن صورت ما همیشه در پسماندگی و وابستگی گیر خواهیم ماند.

آگاهان سیاسی این هدف و اراده سیاه ضد ملی نظام فرتوت تک محور و بی کفایت افغانستان را پیوسته در گذشته و حال خوب دانسته و میدانند که تطبیق سیاست چند زبانی در حقیقت ایجاد انشقاق ملی و تفرقه قومی میان شهروندان و ساکنان این سر زمین چیز دیگری بیش نیست.

با تطبیق سیاست چند زبانی مرکز گرایان قبیله سالار، تلاش دارند که کشور را به گروه ها و جزایر کوچک زبانی تقسیم کنند و انشقاق زبانی و منطوقی را دامن زنند و سپس با پیروی از سیاست طمع با بی هویت ترین روشنفکران مادی پرست آن گروه ها داخل معامله شده و از این طریق بتوانند به طول عمر حاکمیت قلبی شوونیزم قبیله ای خویش بیفزایند.

حامد کرزی و تیم قوم گرایی مانند اسلاف ایشان: نادر خان و هاشم خان و شاه محمود خان و داود خان و ظاهر خان و دیگران از نیرومندی و تقویه و عظمت زبان فارسی خیلی در هراس اند. کرزی در هفت سال پادشاهی خویش بگونه های متنوع از ورای نهاد های قدرت و حاکمیت دولتی افغانستان پیوسته، مانع تنفس معنوی و معرفتی زبان فارسی شده اند. زیرا این زبان بمتابه زبان هم فهمی ملی که خورش در شرائین اقتصاد و سیاست و فرهنگ میهن ما با قوت ذاتی اش جریان دارد، سرانجام منجر به تشکیل ملت واحدی می شود که نوید بخش صلح و آشتی و ثبات در سرزمین ما خواهد بود.

مگر این اجیران و متولیان جنگ و خشونت و انشقاق ملی با برنامه « طرح سیاست چند زبانی » ریاکارانه می‌خواهند بار دیگر سد روند همجوشی و همبستگی ملی در میان مردم ما گردند.

باعرض حرمت و ادای ادب از همه رهروان راه آزادی و استقلال، گروه ها و احزاب سیاسی، نهاد های اجتماعی، روحانیون و طنپیرست و مبارز، روشنفکران دگراندیش و ترقی پسند، خواستاران جامعه مدنی و دموکراسی، احترامانه آرزو برده می شود که:

از تطبیق سیاست چند زبانی دولت جمهوری اسلامی خراسان - افغانستان جلوگیری نمایند و بایک صدا و یک دست در جبهه ملی حرکت بسوی تشکیل دولت و ملت خراسان و نهادینه سازی زبان فارسی بمتابه زبان سراسری، ملی، رسمی و تفاهم همگانی در افغانستان کنونی بدون فرصت طلبی، عقب نشینی و خودفریبی، همبسته شوند و با باور محکم و عزم راسخ به قدسیت صلح، در راه تحقق اهداف انسانی این راهبرد سیاسی « حل اساسی مسئله ملی »، فرهنگی و تاریخی مردم ما سهم عملی بدون هراس گیرند.

بخش پنجم :

قسمت ششم - رفع ابهامات مبنی بر تأکید آریانا و آریایی

در این اواخر برخی از شهروندان گرامی ما در مورد نفی « تاریخ سرزمین آریانای بزرگ » یا ایران قدیم تهرات و اراجیف ذهنی خویش را در رسانه های گروهی بنشر سپرده اند .

چون انگیزه بیان همچو سخن های پوچ و بی وزن از نوشته های این قلم مبنی بر انتشار کتابهای :

1 - تغییر نام افغانستان به خراسان ، مدخلی در راه صلح جاویدان ،

2 - عظمت فرهنگی خراسان ،

3 - پادشاهان آریایی (اجداد تاجیکان و پارسها) ،

سر چشمه میگیرد . جای بسا تأسف است که این شهروندان تخیل پرداز خود ماهیت انسانی و صلح آمیز طرح های سیاسی و نوشته ها و مقالات ما را خوب درک نکرده اند .

از منظر حرمت شناسی به آگاهان و خبره گان حق بین عرض نمایم که : طرح و بیان همه موضوعات ایکه تا کنون از این دست به آگاهی مردم و نسل متحرک و تکامل پسند فارسی زبانان تقدیم گردیده جز رشد و روشن سازی شعور اجتماعی جهت ایجاد زیر ساخت های معنوی ملت یک پارچه خراسانی و تأمین صلح و آزادی در کشور عزیز ما چیز دیگری نبوده و نیست .

اول - چند حرفی در بحث تغییر نام افغانستان به خراسان ، هدف صلح آمیز این طرح سیاسی ما این بوده که کشور فعلی ما را جبراً افغانستان نام گذاشته اند . در حالیکه در این کشور افزون بر افغان ها ، هزاره ها ، ازبیکها و ترکمانها و تاجیکها و سایر اقوام و قبایل دیگر نیز زندگی مینمایند . بناً خواست طرح سیاسی ما این است که نام افغانستان به خراسان تغییر یابد زیرا این نام تنها مبین تثبیت هویت قوم پشتون می باشد - ولی سایر ملیت های بومی ساکن این کشور تحت این نام بیگانه تثبیت هویت نمی شوند.

اما زیر نام خراسان تمام ساکنان کشور ما اعم از هزاره ها و ترکمان ها و ازبیک ها و افغانها و تاجیکها و اقلیت های خُرد و کوچک دیگر بدون امتیاز ، بگونه ای متعادل تثبیت هویت می شوند و از افتخارات عظمت فرهنگی و دست آورد های علمی خراسان بزرگ مساویانه مستفید میگردند .

یکعده دوستان برای ما پیشنهاد کردند که چرا صرف نام افغانستان به خراسان تغییر یابد و میشود نام کشور ما را آریانا بگذاریم و یا میتوانیم صلح و ثبات را با نام افغانستان نیز تجربه نمایم .
نه خیر این گزینه قابل قبول نیست . زیرا در کشوری که زیاده از بیست اقلیت قومی از سالیان متمادی پهلوی همدیگر زندگی مینمایند و هر کدام ایشان شهروند مساوی حقوق این کشور بوده و مالک دریاها ، کوهها ، چمن ها و دشت ها و همه دارایی این میهن می باشند .

این گزینه امکان ندارد چرا؟ بفرض اینکه اگر نام کشور ما را آریانا بگذاریم زیر این نام تنها تاجیکان تثبیت هویت می شوند آریانا بمفهوم ایران (سرزمین تاجیکان، پارسها و کُردها) است. اگر بگونه ای نمونه نام کشور را به هزارستان تغییر دهیم در آن صورت این کشور به اسم هزاره ها سجل می شود... اگر نامش افغانستان باقی بماند، سجل و سوانح این سرزمین بنام افغانها (پشتونها) قلم می خورد، و در این صورت تنها پشتون ها تثبیت هویت می شوند و هویت دیگران نفی می گردد.

یگانه نام مناسب خراسان است که تحت این نام تمام اقلیت های اجتماعی ساکن این کشور تثبیت هویت می شوند و منحنیت شهروند خراسانی مراتب احساس اخلاقی خویش را در امر اعمار جامعه مدنی همبسته به نمایش می گذارند.

دوم - هدف از نوشتن پادشاهان آریایی چه بوده است.

من زمانی که در مکتب لیسه رخه پنجشیر شاگرد بودم از استادان گرامی ما بزرگوار محمد احسان خان و خردمند و شاعر نستوه عبدالحی شبگیر و مرحوم فاروق نیلاب رحیمی که بترتیب مضامین قرائت فارسی و تاریخ را تدریس میکردند - اشعار نغزی از رودکی سمرقندی، جامی، نظامی گنجوی و حافظ و مولانای بلخی، بیدل و... شنیده بودیم. مگر از مضمون تاریخ بجز مسایل تحریف شده به اصطلاح پادشاهی امیر دوست محمد خان بار اول و دوم... و پادشاهی امیر عبدالرحمان خان... و مدح و ثنای حاکمان قبیله چیز دیگری را نیاموخته بودیم.

در آن زمان من فکر میکردم که همین تاریخ کشورما است . بعد ها آموزش یافتم که نه خیر این تاریخ قلابی و تحریف شده ساخته و بافته حاکمان قبایل پشتون اوغان کشور ماست ، نه تاریخ واقعی این سرزمین مرد خیز و معارف پرور .

کنون ما از آثار نویسندگان بزرگ کشور خویش : احمد علی کهزاد ، غلام محمد غبار ، فیض محمد کاتب ، محمد صدیق فرهنگ و دیگران و تاریخ مشترک خراسان بزرگ و آریانایی بزرگ آگاهی لازم داریم . و به این عقیده ایم که برپایه این آثار معتبر تاریخی کشور خود مان و سایر منابع غنی و معتبر کشور های جهان ، نسل بیدار و جوینده وطن ما بتوانند پژوهش و تحقیق بیشتر و بهتر نمایند و تاریخ همبسته سرزمین آریانایی بزرگ یا ایران فردوسی را که شامل (سراسر فلات ایران/ از هندوکش تا آناتولی مرکزی و از آسیای میانه تا خلیج فارس) می شود به جهان بشریت تقدیم نمایند .

با این آرزوی انسانی رسالت خود دانستم که رساله تحت نام پاد شاهان آریایی یا ایران فردوسی ، در هشت قسمت بنویسم تا سهم خیلی کوچک خود را در قبال این هدف سترگ اداء کرده باشم .

برگردیم بر اصل موضوع ، برخی با کلمات میان تهی معتقد اند که آریانایی یا ایرانی وجود نداشته و تأکید بر عدم موجودیت تاریخ ایران بزرگ می نمایند . این یک نظر کودکانه ، بازاری و بیمار گونه و بدور از حقیقت تاریخ جهانی است . زیرا این قماش افراد چشم بسته مگر آگاهانه از تاریخ پرافتخار پیشدادیان بلخ باستان ، کیانیان ، مادها ، و امپراتوریهای هخامنشی ها ، اشکانیها ، کوشانیها ، ساسانی ها (اجداد تاجیکان و پارسها) که همه در جغرافیای سیاسی و فرهنگی ایران بزرگ فرمانروایی کرده اند ، منکر هستند .

بخش ششم :**قسمت یکم - برخورد عقلانی با سیاست
تباراندیشی**

درک و اعتقادات اسلوب حق گرایی عقلانی ، حُسن بشردوستی و نیکوی و از خود گذری ، مارا باورمند به این رسالت میسازد که انتقاد سیاسی و اخلاقی از دردها و مشکلات جامعه و نظام موجود در خراسان - افغانستان به مفهوم دفاع از منافع کلی انسان در بازخواست کینه تباراندیشی ست . که این احساس تکلیف مارا در امر تسریع تأمین زیرساخت های مادی و فرهنگی نظام عادلانه شهروندی مدد میرساند . نبود فرمان برداری از احکام اخلاقی و اسلوب عقل گرایی و ویژه فراخ اندیشی در تاریخ خراسان - افغانستان بزرگترین موانع مقابل شیوه های ملی اندیشی و جهان اندیشی قرار گرفته است .

در تاریخ کشور ما افزونتر از دیگر جوامع بشری همیشه تحت چنبره قانون جبر جو فکری حاکم ، دست اندرکاران سیاسی قدرت موفق بوده اند که با استفاده از سیاست غیر اخلاقی و استعمار زده وابسته خویش ، ذهنیت های نژاد پرستی و نقش آتش بیاری ، تشجیح گری نسل تبار اندیش را به پیش ببرند .

آنچه افرادی که زادهٔ چنین دستگاه قومگرایی بوده اند و در اندیشهٔ قبیله سالاری بزرگ شده اند، در یک فرآیند دراز تاریخ این تعلیم تک تباری و خود محوری غیراخلاقی در وجود ضعیف النفس ایشان از نسل به نسل از حالت اکتسابی به حالت فطری تبدیل گردیده، و برخلاف رشد جسمی در فقرسجایای ملی اندیشی و جهان اندیشی دور از احساس وجدانی قرار گرفته، و در بی رنگی هویت تزلزل پذیری و ضعف اراده تا سرحد معامله ننگین فروش وجدان، استقلال و آزادی ملت گام گذاشته اند.

این قماش برای دسترسی به اهداف شوم شخصی، گروهی و قومی خویش در همسویی حفظ منافع استکبار زمان و به یاری آشکار روحانیت جامه سفید وابسته به حاکمیت متفقاً نایل بدریافت مدال شرم آور مزدور منشی از حاکمان جهانی وقت گردیده اند.

به همین گونه در تحلیل و بینش های سیاسی - اجتماعی و برداشت های ذهنی و روحی این دسته افراد بیگانه پرست تبلیغ مقوله های نظیر: منافع ملی، وحدت ملی، صلح و همبستگی و و همه یک فریب محض و دروغ بزرگ چیز دیگری نیست.

تاریخ شاهد است که سرشت و ناتور سیاست های قبیله پرستی، خود محوری و ایدالوژی منشی شاخصه مرکزگرایی قدرت داشته و صرف نابودسازی محور حوزه های مشترک ملی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی و محکم ساختن قدرت خودی ضد مردمی چیز دیگری نیست.

این حقه بازی های معلوم در همه زمانه ها با شیوه های خود راضی ساده لوحانه درجامه : مذهبی ، لسانی ، سمتی ، قومی و دیگر انگیزه های سیاسی وارداتی از طریق استحمار هویت ملی بنمایش گذاشته شده است. و با این اسلوب سیاه و رویکرد های قرائت گونه سنجیده شده ؟ شانس واقعی همایشی سیاسی ملی و فرا ملی را نابود ساخته اند. نسل نوین و ترق پسند نباید پای بست برداشت های ذهنی و آویزه دار بست اندیشه های تنگ نژاد گرایی گردند . بقیده ما صواب و صلاح منافع ملی در اتحاد مبارزه علیه ستم ملی و هرگونه تعدی و بیگانه پرستی نهفته است .

دردا به آنعده عناصریکه از دید احساس اخلاقی و عقلانی هنوز درصاف چرکینه احساسات قرون وسطایی انگاره ذاتی خواستی ایستاده اند . اما ریکارانه درکلمات مجرد ، خویش را مردمگرا و جهان اندیش متبارز میسازند . و خود را مجذوب اندیشه غرب صنعتی قلمداد میکنند و موقعیت انفعالی و واکنش خویشتن پذیرانه نسبت به جهان متمدن دارند. به نظر ما این نوع برداشت های شکلی و واکنشی که همگونی عقلی میان احساس پاکیزه اخلاقی و عملکرد سیاسی شخص نداشته باشد ، همچو تجرد پسندی خوابگونه غیر علمی نه کدام حقانیت دارد و نه به مصالح و منافع ملی سازگار است. هویداست که این قسم شیوه تلقی ها و این گونه موافقت های نا مستدل و خود بینانه سیاسی ، اقوام و ملیتها را از مسیر خودجوشی طبیعی به سمت قهقرایی و چند پارچگی سوق میدهد .

به گونه مثال : ما داوری های تبار اندیشی وبی وزنی صداقت ورویکرد های فکری چنین عمل ضد انسانی را از دید احساس اخلاقی و عقلانی مشت نمونه خروار درگفتمان زیر مورد بازبینی قرار میدهیم . جهت آشکار شدن بحث مان اظهارات خوشبینانه نه چندان دور آقای زلمی خلیل زاد امریکایی - افغانی تبار (سفیر امریکا درافغانستان) را درنظرمیگیریم . ومی بینیم که این آقای دوچهردریک جسم تقریباً زیاده از یک ربع قرن دارد که شناسنامه شهروندی کشورایالات متحده امریکا را در جیب دارد . وموافق اطلاعات معلوم دراین مدت زمان گویا آموزه های علمی و اخلاقی جهان دموکراسی را نیز فرا گرفته است .

آقای خلیلزاد دربیان پنداریش ازطریق صدای بی بی سی آگاهانه از ملاقات و دید و بازدید های سیاسی مقامات ارشد طالبان با حاکمیت محترم آقای کرزی چندی پیش درکابل خبرداد . وبا صدای از خودراضی گفتند که : درروز های بعدی مردم افغانستان خبرهای خوشی ؟ درمورد پیشرفت ملاقات های حکومت باطالبان را خواهند شنید

...

اول اینکه یک سفیر کشور خارجی بپذیرش و احترام نورم های پسندیده شده حقوق بین الدول این حق را ندارد که درمسایل داخلی وخارجی یک مملکت مستقل دخالت نماید . اگر آقای خلیلزاد به این باور باشند که کشورشان امریکا به افغانستان کمک های وسیع وهمه جانبه مادی و معنوی میکند وقوای چندین هزاره آنها اکنون مصروف نبرد به اصطلاح؟؟ درمبارزه علیه تروریزم درافغانستان موقعیت گرفته اند . وبدین لحاظ حق دخالت درامور سیاسی این کشور را درردیف حق طبیعی خود محفوظ نگهداشته اند . این یک باور نامعقول وغیراخلاقی است .

چراکه جهانیان و مردم ستم دیده خراسان - افغانستان باتخیلات بافتگی ساخت « سرمایه » هم عقیده نمی باشند و اینگونه می اندیشند که : کشور امریکا خود تولید کننده واقعی عناصر تروریست (القاعده - طالبان) در گذشته بوده است. که نتایج و دست آورد های ضد بشری و ضد اخلاقی این سیاست بی گوش و نابینا زمینه ساخت واقعه دلخراش یازده سپتمبر دوهزار و یک در نیویارک و واشنگتن گردید .

که در اثر آن زیاده از سه هزار انسان بی گناه امریکایی جان خود را از دست دادند . موازی بر آن از دست این تروریستان حرفه بی هزاران هزار مردم رنج دیده کشور ما قربانی این سیاست زشت و عاقل فریب تروریست سازی فرا قاره یی گردیدند .

آقای زلمی خلیل زاد خود آگاه اند که امریکا با پُرویی و ندامت صرف قروض خونبهای عملکرد سیاست ضد اخلاقی و ضد انسانی خود را به مردم خراسان - افغانستان می پردازد و بس . این عمل بدهکاری مطلقاً از ارزش اخلاقی برخوردار نبوده و نیازی به افتخار هم ندارد. اگر بحثی از ترحم و کمک در میان باشد ، از دید و احساس دگردوستی هر نوع کمک های مغرضانه ترحم مآبانه بدون محبت واقعی به انسان نمک بدون طعام است.

توده های میلیونی افغانستانی ها از دست طالبان و القاعده ستم کشیدند و دارند که می کشند و بدترین شرایط وحشت و ترور را در موجودیت آن حاکمیت بر بار صفت متقبل گردیدند و در اوضاع و احوال کنونی از شنیدن نام آن جانیان آدمخوار درد میکشند و تنفر دارند .

اما آقای خلیزاد باتأسف بعد از بیست و پنج سال آموزش علمی و تجربه برداشتی از جهان متمدن و آزاد امریکا و غرب هنوز هم در گلابه احساس قبیله گرایی خود گیرمانده و درکیف احساسات غرور قدرت چند روزه ، بدون احترام به خون شهیدان راه ستم ملی و ستم مذهبی و بدون ارجگذاری و حرمت مداری اخلاقی به رنجدیدگان مادران و دوشیزگان این کشور ، ملاقات چند نفرجانی و آدمکش طالب را با چنان خوش رضایتی درونی کودکانه استقبال و اعلام نمودند . و بدین وسیله ادای احساسات خونی و ذاتی قبیله انگاری خود را از نام امریکایی اصیل درضدیت با احساس اخلاقی و آموزه های نظری خود بی هراس به نمایش گذاشتند. و به اثبات رسانیدند که داوری های سیاسی ایشان درتاریکی های اغراض خود محوری و قومیت گرایی به راه امیر عبدالرحمن خان و محمد نادرخان اجدادش منتهی می گردد .

اما بایدتأکید که : امر وجدان تابع الودگی های مادی و معنوی حیات نبوده و منزله از اغراض نفسانی با پاکیزگی نیت و اراده نیک به فرمان عمل حکم میکند . افضلیت عمل که انسان را به قله های شامخ کمال میرساند متابعت از احکام اخلاقی و عقلانی مرهون به صداقت است .

هرنوع چالش حقوقی ایکه با حقوق ملی سازگاری نداشته باشد باید آنرا محکوم کرد . چنانیکه درمقام عمل ازحقی باید دفاع کرد که سازگاری عملی و نظری با حقوق بشری داشته باشد .

اگر با اندیشه عالیتر مهرورزانه و باتفکر دانشورانه به ارتباط عناصر زیر ساخت حیات اجتماعی و وحدت ملی نگاه کنیم، ما را به آمیزه‌یی از نقاط متعالی میرساند که در آن، موقعیت و عقلانیت فکری با داشته‌های نامستدل اجتماعی سنتی و غیرسنتی مخالفت مینماید و نه کاملاً مرعوب و مجذوب جهان مدرن میشود. بلکه در مسیر تعادل مادی و معنوی حقوق انسانی (حق ملکیت و حق مشارکت در ساختار سیاسی قدرت) سیر میکند.

اجرای وظایف اخلاقی وابسته به وضع درونی انسان و رابطه محتوم میان نیاز و محبت است. تحقق این وظایف بستگی به فهمایش زبان استعمار ندارد. برعکس تابع یک قانون درونی ست که در قلب انسان نگهداشته شده است. و آن قانون محبت و دگردوستی است.

بنابراین نظام آینده خراسان - افغانستان را نه بر پایه تک محوری و عشیره گرایی، بلکه بر پایه عقل عملی احساس و محبت قلبی بنا نهاده شود که مقرون به خواست و اراده نیک ایکه فعلش ماهیت اخلاقی داشته و مبین اثبات عدم دخالت تمایل و غرایز باشد.

رنجا! تلخیخانه سیاست‌های حاکمیت آقای حامد کرزی درتخالف ساختار نظام سیاسی شهروندی در راستای عدم تعادل مشارکت ملی به پیش میرود. صدور فرمان تشکیل کمیسیون مستقل ملی تحکیم صلح در افغانستان (که در حقیقت تشکیل وزارتتست صرف بمنظور جلب و جذب و وساطت طالبان به حاکمیت فعلی)، همچنان نصب آگاهانه محترم صبغت الله مجددی (که از پدر و پدرکلان‌ها همیشه روحانیون معظم و مبلغین دینی حاکمان دربار بوده اند) به صفت یک روحانی

گوش به فرمان به سمت رهبری این نهاد سیاسی اجتماعی وابسته به دولت ، اقدام شخصی وچالش نابجای است که با این شیوه های نامفهوم برای سازماندهی نیروهای قومی پشتون تحت نام مشارکت ملی ، امنیت آینده کشور جنگ زده را تحت سوال قرارداده و آرزوهای لفظی وظاهری سیاست فراملیتی حاکمیت را نقش برآب ساخته همسویی اهداف قومگرایی و آرمان های مشترک حامد کرزی - زلمی خلیلزاد پشتون را یکباره بنمایش می گذارد.

واضح است که چنین عملکرد های خودمحورانه حاکمیت آقای حامد کرزی با همدستی با آقای زلمی خلیلزاد ، روز تاروز ماهیت ضد ملی خود را به مردم و جهان آشکار میسازد .

قابل تذکر است که هر عملیکه انگیزه آن زیر فشار الزام جبری چند جانبه از برون و درون نظام مناشی باشد واز روی کمال و اختیار صورت نگیرد و از احساس تکلیف انگیزه نشده باشد ، فاقد جنبه اخلاقی و انسانی بوده و ضد منافع ملی و وحدت ملی قرار میگیرد .

بخش ششم :

قسمت دوم - درباب عفو جنایتکاران جنگی (گلبدین حکمتیار و ملا عمر) از طرف حاکمیت سیاسی آقای حامد کرزی

به علاوه از شکایت و بیان تأکیدی مردم بر جنایت و خیانت آشکار گلبدین حکمتیار و ملامحمد عمر ، دولت تکتیار حامد کرزی با میانجیگری ملا متوکل سابق وزیر خارجه طالبان قرار است که برنامه سیاسی ملاقات این دو ناقضان حقوق بشر و قاتلان مردم مارا به منصفه اجرا قرار بدهند . چون ملاقات حامد کرزی با گلبدین و ملامحمد عمر ، سخن ما را به درازا می کشاند بدین اساس بررسی و باز کاوی اینگونه برنامه های سیاسی دولت را می شود در آتیه به تأمل جداگانه گذاشت.

اما این بار در مورد پیشبرد سیاست تبارمنشی دولت حامد کرزی ، اطلاعیه سیاسی - اخلاقی را بمقام محترم نظام دولتی افغانستان بصورت اجمال با بیان حسن دگر دوستی پیشکش مینمائیم :
بیاور ما اگر نظام انتخابی ایکه رهگرای عمل سیاسی آن بسوی جامعه عادلانه و انسانی در حرکت باشد.

بر حق که نیرو های تشکیل دهنده همچو حاکمیت سیاسی دارای همسویی نیت ، اندیشه و عمل مشترک می باشند . وبا اعتقادات عمیق : به جامعه مردم سالار ، به اصالت انسان ، به تساوی حقوق زن و مرد و به تأمین حقوق و آزادی های اجتماعی - شهروندی با استواری و تعهد گام عملی می گذارند .

برای آشکار شدن هدف اینجا نیاز است که مسئله همسویی ارتباط و همبستگی نیروها ویا همسخی نیروهای عمل در کارزار مبارزات برحق مردمی را بتأمل بگیریم :

تجربه علوم شیمی وسایر علوم ساینسی به ما می آموزاند که : موافق به قانونمندی طبیعی ترکیب وارتباط اشیاء ، نمیتوان سمنت و خاک را باهم ترکیب نمود ، یانمیتوان طلارا با ذغال ترکیب داد . چراکه همگونی ترکیب اشیاء ویژه قانونمند طبیعی دارد نه جبری و مصلحتی . اگر هدف بسوی دستیازی به شیء مطلوب ترکیب طبیعی باشد نه مصنوعی . درآنصورت ترکیب ایکه شیء مورد نظر را میسازد موافق به قانون متعادل طبیعی در همسانی ویژه قانون ترکیب اشیاء بدست می آید و بس .

اگر از تجاب علوم ساینسی عبورکنیم و این قواعد و مقررات را در همبستگی نیروهای انسانی در ساختار یک حاکمیت سیاسی مورد پژوهش قرار بدهیم میتوان در مورد ساختار ترکیبی حاکمیت سیاسی آقای کرزی نمونه ای را به بررسی گرفت .

ما ساختار حاکمیت سیاسی حامد کرزی را مانند یک ظرف پر از شیر تصور می کنیم ، قسمیکه در ترکیب آن تا حال جناب آقای کرزی خود آنقدر آب شورو شیرین اضافه ریخته که رنگ و بوی شیر هم در آن باقی نمانده است. اینبار اگر در تصور مجرد و رویاء ممکنات اگر دعوت گلبدین - ملاعمر و همچو جانیان مردم مارا به حاکمیت فعلی به فال بد در خواب محتمل بدانیم ، معلوم است که مؤلفه های اجزای ترکیبی آن غیر متجانس بوده و کدام همسویی اندیشه (سیاسی - اجتماعی) نداشته خلاف ترکیب قانون طبیعت بوده و بنوع خود ریختن قطرات زهریست در ظرف شیر آب مانند مورد بحث مان ، اجرای این عمل کمیت شیر پاکیزه را تغییر نمی دهد بلکه آنرا زهری و کشنده میسازد .

امید واریم که آقای کرزی و حامیان خارجی اش به مردم خراسان - افغانستان رحم نمایند. و از تحمیل جبری نوشتادن این نوع شیرهای زهر آلود شده به این مردم ستمدیده امتناع اخلاقی ورزند و از همچو صحنه سازی های معمولی ضد مردمی ایکه خلاف نورم های قانونی و اخلاقی بوده و بویی از انشقاق ملی را در خود حمل می دارد ، عاقلانه دست بردارند.

و نمیتوان با چنین نمایشنامه های کودکانه آشکار تحت نام به اصطلاح مشارکت ملی ، نیروهای ضد ملی را به حاکمیت سیاسی جذب نمود و با نوید از اندیشه هاو سیاست های زشت اجیرانه خود محوری و در حفظ منافع گروپی خود و بیگانگان ، خلاف اراده و آرزوی مردم عمل کرد .

و همچنان از محترم پروفیسور صبغت الله مجددی آرزو داریم که به صفت یک شخصیت محترم روحانی مقام عزت مداری و احترام خود را در میان مردم چیز فهم و رنج دیده ، با کمال صداقت حفظ نمایند .
و از موقف بی اراده ملا امام مسجد و مبلغ کمرنگ دربار حاکمیت سیاسی قبیله افغان قطع علاقه نمایند و از چنین آشپزی های عفونی نمای ضد مردمی خویش وجداناً دست بکشند . و با احساس اخلاقی در صف مقدس دفاع از سازندگان واقعی میهن و آرمان شهیدان راه غزت و آزادی کشور مکان فضیلتی خود را اختیار نمایند .

بخش ششم :**قسمت سوم - بیاد استاد فقید اکادمیسین****عبدالاحمد جاوید**

2005/09/ 24

شادروان دکتر جاوید یکی از ستاره گان نورانی آسمان فرهنگ معاصر میهن عزیز ما خراسان - افغانستان میباشد . او در دانشگاه تهران در رشته ادبیات و حقوق تحصیلات عالی خویش را به پایان رسانیده بود. در سال های سیزده صدو (40 و 41) تاریخ فرهنگی کشور ما استاد « جاوید » فقید در میان روشنفکران و اهل معارف از بالا آوازی و شهرت خیلی زیادی برخوردار بودند . در همه مجامع علمی و تحقیقی معارف و تحصیلات عالی ، حرفی از کارکرد های ادبی و فرهنگی وی سر زبان ها بود ، ارزش شناختی رویکردهای فکری اش فضای ذهنی جامعه علمی سراسر کشور را فرا گرفته بود. وی در آن زمان در تمام کشور تنها کسی بود که درجه دکترا ی ادبیات فارسی داشت .

حاکمیت وقت از فعالیت های علمی این شخصیت متفکر و عینی گرا سخت می هراسید . نفوذ روزافزون وی در عرصه غنای ادبیات نوین ، تلاش های تحقیقی او مبنی بر رشد و تکامل فرهنگ ناب بومی کشورمان (ایران باستان و بویژه ایران شرقی یا خراسان) ، آهسته آهسته جایگاه خود را در اذهان توده های میلیونی عمیق تر ، غنی تر ، وسیع تر و رساتر می ساخت.

واقعگرایی بینش او ، راهبردی بود برگزینش توسعه فرهنگی و فرهنگ توسعه ، با حفظ کنش عقلانی هدفمند در راستای مشاوره ، الگوسازی گفت وگو وسازگاری جمعی فراگیر.

دغدغه اصلی اندیشه های بکر او در همسویی مردمگرایی به رشد فرهنگ ، ادب و تاریخ خراسان - افغانستان نوین اختصاص داشت. سخنان او مغز بود ؛ نماد ریشه ای داشت ؛ دوره یی نبود؛ بلکه در جهت رویندگی هویت فرهنگی اصیل سیر میکرد.

بجاست ادعا کنیم که استاد جاوید فقید علمبردار مدنیت دیرینه فرهیختگانی همچون : حافظ وسعدی ، حکیم ناصر خسرو ، مولانا جلال الدین بلخی ، حکیم سنایی غزنوی ، ابوریحان ، ابوعلی سینا و دیگر رهروان راه ادب ، فرهنگ و تاریخ کشور ما بوده است.

دکتر جاوید سیاست نمی کرد ، انسانیت میکرد. انسان هاراصفت نمی کرد بلکه به اصالت ونجابت انسان شدنش احترام میگذاشت . از فرهنگ انسانگرایی فرامرزی صحبت میکرد .از اینرو کارکرد های علمی وتحقیقی اش در راه رویش فرهنگ تاریخی کشور ما نمود ماندگاری دارد. همه رویکرد های فکری و ویژگی های اخلاقی وی از نوع صحت فکر و نیت نیک اش منشاء گرفته بود وازپایه ومایه دانش وشناخت علمی جامع تر برخوردار بود .

چنانچه در پیشگفتار کتاب « اوستا » خویش ، مقام ارجمندی شیوه انساندوستی تحقیقی خود را ، در ایمان داشتنی به هویت خودی و جلب توجه نسل دگر اندیش ، بسوی بالندگی فرهنگ و معارف نوین چنین به بیان گرفته اند:

« توقع نگارنده از پژوهشگران جوان و پرتوان اینسکه با نقد و بررسی عالمانه ، ارائه اسناد مؤید ، مکمل و مغایران این مهم را بسر و ثمر رسانند و در شناساندن و هویت ملی ما عنایت جمیل مبذول دارند » .
روحش شاد و راهش روینده باد .

من خودم این کتاب اوستا نوشته شده عبدالاحمد جاوید را دوبار خواندم اگر برگه های پیشگفتار استاد گرانقدر رسول رهین را در جمع آن برنه شماریم این کتاب دارای 122 برگه می باشد. که شامل سه بخش است .
در بخش اول دو عنوان: یکی آریانا و دومی بکتیریا را مورد بررسی قرار داده است .

و در بخش دوم نیز دو عنوان: اولی تخارستان و دومی خراسان به تأمل گرفته شده است.

و در بخش سوم مسائل افغانستان (روه ، پشتونخواه) ، مورد پژوهش قرار گرفته است .

اما قابل تذکر است که شرح مسائل این کتاب با نام اوستا هیچ همخوانی ای نداشته و در سراسر نوشته دکتر عبدالاحمد جاوید ، در مورد کتاب اوستا و ماهیت این اثر تاریخی که مجموعه ای کهن ترین سروده های زرتشتیان است و بنام دانشنامه ایرانیان در دوران قدیم بوده و بیست و یک فصل داشته و اکنون دارای پنج بخش است، هیچ چیزی نوشته نشده است. و افزون بر این آب و هوای کتاب بر معیار های دانشی و علمی نبوده ، بلکه بر صلاح دید سیاسی حاکمیت شوونیزم قبیله افغان تحریر گردیده است.

من با این بار معنایی سوال برانگیز این کتاب ، برآستی از خواندنش خیلی جگرخون شده بودم که چرا این گونه یک کتاب آهمنده ، بنفع قبیله افغان بنشر سپرده شود . بالاخره که بر حسب تصادف ، در یک کنفرانس علمی و تاریخی در فبروری 2014 میلادی در لندن با محترم استاد رسول رهین که ایشان نیز در آن مجلس دعوت شده بود ملاقات نمودم. چون پیشگفتار کتاب اوستای دکتر جاوید را محترم استاد رهین نوشته بود ، از وی پرسیدم که شما با دکتر جاوید این کتاب اوستا را بدور از معیار های دانشی و منابع معتبر تاریخی و خیلی هم سرسری نوشته اید و چند ایرادی از متن کتاب داشتم مگراو گفت که : " در آن زمان همان گونه مُود بود " . من از شنیدن چنین یک اندیشه ناآراسته بسیار غمگین شدم .

بخش ششم :

**قسمت چهارم - نظری به کتاب اخلاق تطبیقی
بیداری دگر دوستی**



مؤلف : دکتر بصیر کامجو

اخلاق تطبیقی (بیداری دگر دوستی) نام کتابی است که با پیشگفتار مؤلف در سه فصل و (301) صفحه ، از سوی دستگاه انتشارات و مطبعه میوند ، در سال 1382 خورشیدی ، با تیراژ دوهزار جلد ، برای نخستین بار ،

در شهر کابل چاپ شده است. مؤلف کتاب دکتر بصیر کامجو وارث شایسته مبارزات ضد استبداد استعماری مردم آزادی دوست میهن عزیز ما میباشد.

فهرست مأخذ و منابع و فهرست اسامی افراد با رعایت معیارها و موازین اصول تحقیق تنظیم شده است. هرگاه فهرست جای ها (اماکن) نیز به ترتیب الفبایی تنظیم و تکمیل میگردد برای پژوهشگران تسهیلات بیشتری فراهم می شده است.

در طبع و دیزاین پستی ، حروف چینی ، کاغذ و دیگر ویژگی های شکلی با ملاحظه آغاز بازسازی جامعه ، نبود کارشناسان طبع ، نشر ، صحافت و کارآگاهان تصحیح شیوه نوشتاری ، بالا بودن قیمت کاغذ و دیگر وسایل ضروری طبع و نشر و صحافت اتفاقا به بهترین شکل ممکن آن اهتمام صورت گرفته است و نمیتوان خدمات فرهنگی و دستگاه انتشارات و مطبعه میوند و دیگر مطابع بخش خصوصی کشور را بویژه در دوران فترت فرهنگی کشور و سیطره سیاسی تنظیمها و طالبان یک لحظه هم فراموش کرد و کم بها داد. با ذکر این واقعتهای تاریخی ، باور قوی دارم که چاپ دوم این کتاب در آینده نه چندان دور با کیفیت بهتر ، صحت و دقت بیشتر امکان طبع و نشر خواهد یافت.

در پیشگفتار کتاب اخلاق تطبیقی (بیداری دگر دوستی) به عوامل کندی رشد شعور ملی و اجتماعی و بیداری دگر دوستی مردم میهن ما اشاره شده است.

مؤلف کتاب از جمله نفوذ استعمار ، تسلط خشن استبداد استعماری و نظامات بسیار فرتوت اجتماعی - اقتصادی گرایشهای نیرومند قبیله سالاری ، خرافه های قرون وسطایی و دوران جاهلیت ، تضاد های سردرگم سیاسی ، مسلکی ، فکری ، قومی. انحطاط فرهنگی و واپسگرایی را بمثابة عوامل اساسی کندی رشد ، آگاهی اجتماعی و بیداری دگر دوستی در کشور ما معرفی کرده اند.

بیاور استاد بصیر کامجو ، آزادی ، آزادی انسان و آزادی دین از سیطره سیاسی دولت ، حسن نیت ، اعتماد متقابل ، همکاری و همدردی ، ثبات اندیشه ، مردمگرایی ، احترام به کرامت انسانی و مقام والای انسان ، احترام به مادر ، زن و استادان زندگی ، احساس مسئولیت در برابر دفاع از وطن و پاسداران ناموس و شرف مردم وطن و سازندگان و صاحبان اصلی میهن و دهها ارزش عالی اخلاقی و ملی دیگر میتواند پایه های مستحکم اخلاقی ، توسعه سیاسی و مشارکت نیروهای دارای باورها و عقاید اجتماعی و سیاسی نا همگون کشور در یک جبهه ملی متحد سازندگی باشد.

به اساس پژوهش ارزیابی و شناخت استاد بصیر کامجو دروضع کنونی :

- پدیده های برتری جویی تباری

- دین ستیزی

- تضاد های فرعی ، قبیله یی ، قومی ، محلی ، سیاسی و مذهبی همه و همه مسایل و موانع عمده گسترش مکارم اخلاقی ، سجایای انسانی ، بیداری دگر دوستی و جوشش آگاهانه مردم میهن واحد ما گردیده است.

مؤلف کتاب اخلاق تطبیقی ... ، آزادی اندیشه ، تنوع فکری و مشارکت فعال توده ها در روند تولید و تحولات اقتصادی و اجتماعی و اداره اقتصاد ملی و سیاست جامعه را ، یگانه وسیله مؤثر پایه گذاری نظام اخلاقی خراسان - افغانستان ارزیابی میکند و باین باور است که تنها با پایه گذاری چنین اخلاق اجتماعی می توان بر اخلاق خود پرستانه ضد انسانی قرون میانه غلبه کرد. همچنین استاد کامجو باین پندار روشن آزمون شده تاریخی میباید که :

رشد صنایع ماشینی ، ایجاد راهها و شاهراهها و موسسات بزرگ تولیدی سرنوشت افراد وابسته به این یا آن قوم ، قبیله ، گروه سیاسی ، چپی ، راستی ، تنظیمی ، روستایی ، افراد دارای مقامات و مشاغل گونه گون و حتی طبقات و اقشار اجتماعی مخالف و مختلف را به نظام اخلاقی ، انسانی همگانی ملی و اجتماعی (ملت و دولت) واحد گره می زند.

استاد بصیر کامجو با شناخت این نیاز های مبرم زمان کنونی جامعه پرتب و تاب ما کتاب خود را تالیف کرده است. با اطمینان محکم می توان گفت که این کتاب در بیداری دگر دوستی نسل های امروز و فردای کشور نقش فعال پرورشی ، معرفتی و اخلاقی بجا می گذارد و خواننده را به ارزشهای والای مهرورزیدن بانسان ، انسانیت ، ب مادر ، زن ، به آزادی ، بصلح جهان ، مردمگرایی ، تساوی حقوق و دوستی ملل و مردمان و تقویت اخلاق شریفانه همزیستی آگاهانه الهام می بخشد. و کینه مقدس مردم را

علیه قهر ، غضب ، شکنجه ، عذاب ، انتقام ، خصومت و جنگهای غیر عادلانه گروهی تنظیمی ، قومی بویژه و مقدم بر همه علیه کارنامه های سیاه طالبان ظلمت و تروریزم بین المللی و تمامی بنیادگرایان و واپسگرایان منطقه شعله ور میکند. و به تسریع پروسه اتحاد و وحدت نیروهای ملی ، دموکراتیک و ترقیخواه جامعه ، پیشرفت اجتماعی مساعدت لازم میرساند.

مسئله اخلاق در اندیشه های زرتشت ، فلاسفه بزرگ یونانی ، پیامبران ، اصول اساسی اخلاق ، فساد اخلاق ، زوال شخصیت ، شرایط پیدایی اصول اخلاقی ، اخلاق از دیدگاه فلاسفه دوران سرمایه سالاری بویژه مارکس و انگلس .

اخلاق بمثابه وجدان اجتماعی ، وجدان پاک بمثابه دستگاه پرورش اخلاق انسانی ، خرد و غریزه (میل طبیعی) ، طغیان غریزه شهوت در ضعف نفس ، اراده و زوال شخصیت تیمورشاه درانی از دردناکترین و جالب ترین مطالبی است که در فصل اول کتاب اخلاق تطبیقی بازتاب یافته است.

در فصل دوم این کتاب درباره اخلاق و کرامت انسانی ، فضیلت (عزت نفس) ، ارزشهای فضیلت عملی (کرداری) از جمله بزرگواری ، گذشت ، صداقت و راستی ، دوستی و محبت ، اعتماد بخود و دیگران ، کردار نیک پژوهشهای گسترده صورت گرفته است.

همچنان از خصلت های رذیلانه ای که به فضیلت اخلاقی و عزت نفس ایشان لطمه می زند نکوهش شده است. فهرست ناقص این خصلتهای رذیلانه عبارت است از : دروغ و کجروی ، دورنگی و دورویی ،

مردم فریبی ، نیرنگ بازی ، زشتی و پستی ، خود محوری و خود خواهی ، خود پسندی ، سود جویی ، زراندوزی ، مردم آزاری ، ستمگری و غیره و غیره.

استاد کامجو در پایان این فصل کتاب ، بر پایهٔ همین ارزش های اخلاقی در بارهٔ شخصیت نادرشاه و دودمان او و امیر حبیب الله کلکانی این دو شاه افغانستان (1930 - 1933) ارزیابی مقایسه یی جالب و خواندنی دارد.

بازشناختی کجروشی های اخلاقی ، نقاب اخلاقی ، بیماری های جسمی و روانی ، انحرافات روانی حفیظ الله امین ، استاد سیاف ، گلبدین حکمتیار و ملا عمر و دیگران در فصل سوم کتاب اخلاق تطبیقی ارزش یابی شده است.

اما در زمینهٔ کجروبیهای مولوی یونس خالص ، مولوی محمد نبی محمدی و حضرت صبغت الله مجددی و پیر سیداحمد گیلانی شاید بعلت کند روی ، میانه روی و نقش غیر فعال تنظیمهای آنان در جنگها و کشتار و ویرانی ها و یا بعلت سهم آنان از کمکهای باد آورده و غنایم هیچگونه ارزیابی و گفتگو صورت نگرفته است. بهر حال مطالعهٔ این بخش کتاب اخلاق تطبیقی میتواند برای رهبران سیاسی و دولتی امروز و فردایخراسان - افغانستان درس عبرت سودمندی باشد.

نتیجه : این کتاب با نشر یک سروده « جزیره خون » قهار عاصی شهید ، صدای وجدان بیدار ، این فرزند بیمارگ دیار نازنین ما پایان یافته است.

استاد بصیر کامجو از پژوهش و ارزیابی کجروشیهی اخلاقی بخشی از شاهان ، امیران و رهبران دولتی و تنظیمی باین واقعتهای تلخ و غم انگیز تاریخ افغانستان و نتیجه گیری دست یافته است که : تعدادی از شاهان و امیران عزت نفس مردم را با شمشیر شهوت گردن میزده اند و تعداد دیگر آنان به سلاح تکفیر عقیده ستیزی بخشی هم با تیغ سیطره جویی ملی و قبیله یی.

اما باید اکنون منتظر اجرای قانون اساسی جدید ، این « شهکار ! » قرن بیست و یکم کشور خود بود که به دهقانان فقیر ، خانه بردوشان اجباری ، کوچیان سرگردان ، مریدان مخلص پیشوایان طریقه ها و رعایای ظلم دیده شاهان و امیران چه ارمغانی می آورد.

اما تجربه تاریخ زندگی و زمان یکبار دیگر بما آموخته است که نه شاه مخلوع نیمه جان ، نه قهرمانان و سپهسالاران ، پیشوایان طریقه ها ، امیران انتصابی جرگه برزگ و غاصبان حق حاکمیت ملی ، و نه رهبران دو پهلو و ابر قدرتهای طالب پرور جهان ، هیچ یکی حق حاکمیت ملی را ب مردم ازاده ما نخواهند بخشید. فقط میلیونها زن و مرد پیر و جوان سرزمین سوخته ما اند که می توانند و باید در انتخابات آینده اشتراک فعال و آگاهانه نمایند و با انتخاب شایسته ترین ، ملی ترین و دموکراتیک ترین

، آگاهترین و غیر وابسته ترین رئیس جمهور و انتخاب میهن پرست ترین ، روشن بین ترین و کار آگاه ترین و کیلان ولسی جرگه حق حاکمیت ملی را از طریق شورای ملی ب مردم افغانستان انتقال دهند. و باین وسیله قانونی ، مسالمت آمیز ، دموکراتیک و عادلانه بر مقدرات تاریخی خود حاکم شوند.

به امید غلبه اندیشه های دموکراسی و بیداری دگر دوستی درخراسان - افغانستان مستقل ، دموکراتیک ، نوین و غیر منسلک و صلحدوست !

نوشته : از اکادمیسین دستیگر پنجشیری

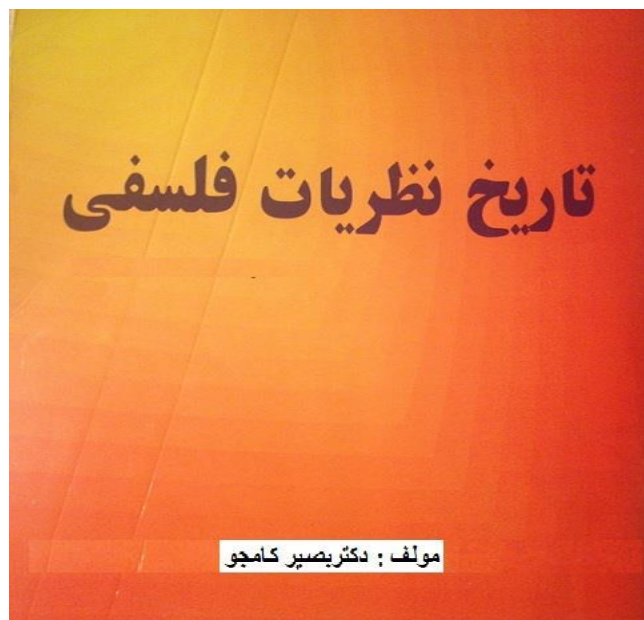
ایالت واشنگتن

اول جوزا 1383 خورشیدی

بخش ششم :

قسمت پنجم - معرفی کتاب تاریخ نظریات فلسفی

نوشته : از اکادمیسین دستیگر پنجشیری
ایالت واشنگتن
اول جوزا 1383 خورشیدی



آموزش نظریات فلسفی بمثابة نخستین آموزش بشری و نردبان ، حقیقت پیدایی نظریات فلسفی ؛ در هند ، چین ، شرق میانه و یونان ، در دوران باستان.

- اندیشه های فلسفی در قرون وسطی ؛ از جمله ظهور فلسفه عرفان اسلامی و گسترش شتابنده آن در شرق.

- پیدایی افکار و عقاید دوران رنسانس - انقلاب بورژوازی در اروپا ، فلسفه کلاسیک آلمان ، اندیشه های فلسفی دوران انقلاب کبیر فرانسه ، پیدایی رشد و تکامل آموزشها و اصول فلسفه مارکس و انگلس ، رسالت فلسفه و تیوری شناخت انسان ، جامعه و طبیعت ، همه مضمون ، جوهر و موضوعات فلسفی ایست که در کتاب « تاریخ نظریات فلسفی » بایجاز کامل ، بازتاب روشن یافته است.

باخوردندی باید گفت که این نخستین اثر فلسفی - تاریخی مستقلى می باشد که در دوران طولانی سیطره استبداد استعماری و قبيله سالار درخراسان - افغانستان توسط محترم دکتر بصیر کامجو فرزند فرهیخته و پرخاشجوی مردم آزاده میهن ما ، در باره تاریخ نظریات فلسفی ، اندیشه ها و عقاید گونه گون فلسفی دوران باستان ، قرون وسطا و عصر حاضر با دید و بصیرت نوین و فارغ از هرگونه تعصب - تنگ نظری و جمود فکری ، پژوهش تالیف - فصل بندی و در بنگاه انتشارات میوند در سال 1381 خورشیدی در 428 صفحه با قطع مناسب ، در شهر کابل طبع و نشر گردیده است.

استاد بصیر کامجو مؤلف « تاریخ نظریات فلسفی » با تنظیم فهرست منابع و مآخذ کتاب خویش کار تحقیق و پژوهش را آسان ساخته و کیفیت اکادمیک و علمی آنرا ارتقا بخشیده است. لازم به تذکر است که مؤلف « تاریخ نظریات فلسفی » در یکصد و بیست اثر تاریخی ، فلسفی و علمی معتبر حوزه ، فرهنگی و جهان بزبان های فارسی ، روسی و آلمانی و انگلیسی پژوهش و تحقیقات علمی و فلسفی کرده اند و فهرست اسامی و

نام های فلاسفه بزرگ ، متفکران ، نظریه پردازان ، کشافان راه های دشوار حقیقت را نیز به ترتیب الفبا مهیا ساخته اند. مضمون و محتوی « تاریخ نظریات فلسفی » سرشار از نبرد و ستیزه ، نو بر کهن و نور بر ظلمت است. این اثر فلسفی - تاریخی استاد کامجو ، نسلهای امروز و فردای ما را ، به شناخت رمز و راز های پیچیده آفرینش و حقایق حیات به صعود اوج یابنده اندیشه های فلسفی رهگشایان بشریت ، بروند نبرد دشوار راههای رهایی از جهل مؤقت ، خمود فکری ، نادانی و اسارت معنوی و در نهایت به سرنوشت تلخ دردناک اما پرافتخار کشافان جسور و ثابت قدم اندیشه ها و عقاید نوین فلسفی آگاهی می بخشد.

کتاب « تاریخ نظریات فلسفی » پژوهشگر متهور میهن و مردم ازاده ما ، رازهای پیدایی ادیان ، مذاهب ، فرقه ها و طریقه های مذهبی ، عرفانی ، فلسفی ، کشمکش های خونین « عقل و دین » و جنگ عقاید و همچنین شرایط مشخص تاریخی - جهانی ظهور پیامبران ، متفکران ، مصلحان ، پیشوایان و سالکان راه حقیقت و رهایی انسان را بمقیاس جهانی ؛ درخاور میانه و باختر و با همه ایجاز بیان کرده است.

استاد کامجو ، این اثر فلسفی را ، با شناخت ضرورت زمان و ماهیت سکون پرستانه طالبان ظلمت و دیگر پاسداران خرافه های قرون وسطایی تالیف ، نشر و در دسترس ، نسل خسته از جنگ های طولانی و کشمکشهای خونین عقیدتی ، فلسفی و سیاسی قرار داده است.

محترم بصیر کامجو مؤلف « تاریخ نظریات فلسفی » درباره جست و جو های پروسواس فلاسفه ، کشافان راههای ناشناخته و فاتحان قله های دانش ، در زمینه های نظریات و اندیشه های گوناگون فلسفی و عرفانی ، دانایان ،

، متفکران و رهنمایان بشر بویژه در مورد جسم و جان ، شعور و هستی و شناخت جهان و در نهایت دربارهٔ اصول فلسفهٔ نوین و آخرین اندیشه های فلسفی معاصر ، منابع فلسفی و اقتصادی - تاریخی و دورنمای رشد گسترش آن مطالعات گسترده کرده ، نتایج پژوهشهای طولانی خود را ، سخاوتمندانه در دسترس فرزندان نیازمند مردم میهن خویش قرار داده اند.

این اثر فلسفی دانشمند جوان ما ، در دیاران غربت و در فضای باز اروپا و در خاستگاه ، فلاسفه دوران انقلابات بوژوازی و بوژوا دموکراتیک و سوسیال دموکراسی اروپا تالیف شده است. بهمین علت مؤلف ازاد اندیش و پرخاشجوی دیار ما ، بهنگام نگارش تاریخ کشمکشهای فلسفی و جنگهای عقاید ، چندان باکی از مولانا های تند رو و سازمانهای تروریستی کشورهای منطقه ما نداشته و خویشان را مجبور « بخود سانسوری » نیافته اند. بنابراین این اثر فلسفی بیش از هر اثر دیگر یک دو دهه اخیر قرن بیستم و نخستین سالهای دههٔ اول قرن بیست و یکم در کشور طبع و نشر شده است ماهیت افاقی و ارزش آموزشی ، پرورشی ، معرفتی و علمی دارد.

روی این دلیل ، اثر تحقیقی « تاریخ نظریات فلسفی » استاد بصیرکامجو ، بحق میتواند ، راه نواندیشی ، دور اندیشی ، ازاد اندیشی و درست اندیشی را ، برای نسل از بند رسته امروزین ما ، روشن و هموار کند. امیدغلبه نو بر کهنه ، نور بر ظلمت ، روشنی بر تاریکی را در دلها و دماغهای افسرده ایجاد نماید ؛ همچنین این اثر فلسفی می تواند که ؛ شور مقاومت عادلانه نبرد های طرفداران آزادی و دموکراسی ، صلح ، ترقی و عدالت و شخصیتهای دارای گرایشهای مخالف و مختلف را ، درمسیر واحد ضد گُند روی ، تُند روی ، واپسگرایی ، خشک اندیشی و ضد تعصبات قومی و قبیله یی ، محلی ، تنگ نظری ، عظمت طلبی ملی ،

استثنا طلبی و برضد نابرابری حقوقی ، ظلم ملی و اجتماعی و استبداد زدایی سمت و سو بخشد و افق نظر ها را پهنا و وسعت بخشد.

خلاصه کتاب « تاریخ نظریات فلسفی » سلاح معنوی نخواستگان ، نوجویان و نو آوران دیار ما ، پایه های لرزان اندیشه های خرافی و تلقینات کهن را لرزان تر میکند و توده ها را توانایی می بخشد تا زنجیر های اسارت معنوی و جهل موقت خود را پاره کنند و راه رسته گاری ، آزادی ، صلح ، ترقی و عدالت را انتخاب نمایند.

یکی از ویژگیهای آموزش این اثر همانا اینست که : استاد بصیرکامجو مانند گوهر شناسان کار آگاه ، گوهر های ناب اندیشه فلاسفه غرب و شرق و ارزشهای جاودانی همه تمدنهای بشر را از گنجینه تفکر دانایان و مصلحین همه زمانه ها بیرون آورده و اقتباس کرده است و در دسترس خواننده کتاب خویش گذاشته است ، بنظرم هر یکی از این اندیشه های والای انسانی ثروت سرشار معنوی بشریت ترقیخواه میباشد.

بگونه مثال از « لائو - تزو » فیلسوف چین قدیم در مورد وظیفه دولتمردان روزگار صلح و صفا این تعالیم را اقتباس کرده است :

" غذای مردم را دلپذیر و گوارا ، جامه آنان را نیکو و زیبا ، منازل آنان را آسوده و مرفه و زندگی روزانه آنان را سرچشمه شادی و خورسندی بساز. مردم با دیده محبت به سرزمین خود می نگرند.... تا آنجائیکه از بانگ خروس سحری و آوای (غوغای) سگان روستایی خود لذت می برد ... (1) "

و یا این تعالیم زرتشت ؛ عاشق روشنی و آفتاب حقیقت و متفکر بلخ باستان ما که نظام کامل اخلاقیات را در سه اصل زیرین خلاصه کرده است :

(1) : اندیشه نیک

(2) : کردار نیک

(3) : گفتار نیک

و سه وظیفه اساسی را در برابر انسان قرار داده است :

(1) دشمن خود را باید دوست نمایید

(2) : آدم پلید را پاکیزه سازیید

(3) : نادان را دانا گردانید ... « (2)

استاد بصیرکامجو از نظریات بیکن فیلسوف متفکر انگلیس واژه ها و جملات قصار و پر مغز و معانی را بیان کرده است که هر گفته او بعد از چهار قرن هنوز ارزش خود را نباخته است ؛

مثلا " آنانیکه رفیق ندارند و خود را رفیق خود میدانند مردم قسی القلب و خونخواری هستند " ؛

" مکالمه یک ساعت بیش از تفکر یک روز " ؛

" پیرمردان بیشتر اعتراض میکنند ، مشورت ایشان طولانی است ، حادثه جویی آنان کمتر است ؛ زود پشیمان میشوند و به ندرت کاری به تمام و کمال انجام میدهند. بل بیک نتیجه معمولی و معتدل قناعت میورزند و. و. " (3)

منبع و مأخذ از : کتاب تاریخ نظریات فلسفی

-
- (1) آغاز نظریات فلسفی در چین ص 48 کتاب تاریخ نظریات فلسفی ،
مؤلف کامجو .
 - (2) همین کتاب ؛ ص 64 .
 - (3) همین کتاب ؛ ص 246

بخش ششم :**قسمت ششم - بیانی از سه طرح سیاسی صلح برای
افغانستان**

جون - 2008 میلادی

با ادای ادب و عرض حرمت می‌خواهم که بهترین تمنیات نیک خود را به همه شهروندان گرامی ام در هر کجای دنیا که هستند تقدیم نمایم . شاد و سر حال باشید.

قابل یاد آوری ست که ورود قرن بیست و یکم آغاز گرنش خود آگاهی ملی و استقرار حاکمیت قانون و محور شؤنیزم قبیله در خراسان - افغانستان می باشد.

با درک این اندیشه نسل دگر اندیش کشور ما این رهروان صدیق راه استقلال و صلح و آزادی ، با اراده آهنین و روحیه بلند سرشار از عشق به انسان ، از منافع سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و تاریخی مردم خویش تا پای جان دفاع می نمایند .

و از تمام ارزشهای هویتی و اصالتی و ذاتی ای که هستی و غرور و عزت و افتخار آنها را می سازد عقلانی دفاع می کنند.

و بدون معامله و تسلیم بقدرت و آلودگی های مادی با ضمیر روشن و وجدان بی آلایش و نیت پاکیزه ، با ارج گذاشتی به خون شهیدان راه آزادی و استقلال و منافع کل کشور ، با اتکا به نیروی خودی و خود فرمانی ملی ، جامعه مساعد به تکامل خویش را به قلعه های رفیع خوشبختی و سعادت رهنمون می شوند.

مگر با تأسف و درد هر روزیکه در کشور ما سپری می شود طبق پلان از قبل سنجیده شده سیاسی قبیله گرایان : راه صلح و ثبات ، راه همبستگی و همزیستی ، راه پیشرفت و تکامل قصداً عمداً مسدود میگردد.

و معکوساً راه سیاست : جنگ و خشونت ، تسلیح باند های مافیایی و تقویه تروریزم و آدم ربایی ، تولید و ترافیک مواد مخدر ، انشقاق ملی و بی اعتمادی ملی - آسفالت میشود .

و مبارزه همه جانبه علیه زبان فارسی و نابودی عظمت فرهنگی و هویت ملی خراسانیان بوسیله عمال دولت و گروه وابسته حامد کرزی و حزب افغان ملت و وابستگان حزب اسلامی و روشنفکران عقب گرای - دموکرات مشرب خمار حاکمیت شوونیزم قبیله ، آشکارا بدون پرده پوشی در مرکز و ولایات و خارج کشور تشدید تعقیب و پیش برده می شود .

شاید سوال مطرح گردد . که آقای حامد کرزی بگفته خودش رئیس جمهوری منتخب اوغانستان است . او چه نیازی به بی ثباتی اوضاع جامعه داشته باشد . برعکس او میتواند در فضای صلح و آزادی بیشتر بنفع مردم خدمت نماید و از خود نام نیک در تاریخ بجا بگذارد . کاشکی که اینقسم می بود که نیست . واقعاً و عملاً که نیست . زیرا در فضای آزادی و صلح و ثبات ، صرف قانون و خرد حکومت می کند .

نه شخص ویا گروهی وآنهم با این ویژگی مانند : آقای حامد کرزی و همتبارانش یعنی که روشنفکران سر سپرده شؤونیزم قبیله ، این گماشتگان ومدافعان صدیق منافع نهاد های سرمایه ای جهانی .

بادرک این مسئله است که قبیله سالاران دررأس آقای حامد کرزی ، ملا محمد عمر و گلبدین حکمتیار، زلمی خلیلزاد همه به سهم خویش درراه تحکیم پایه های مادی و سیاسی حاکمیت شؤونیزم قبیله ، انشقاق ملی وتشدید جنگ خدمت میکنند .

رهبران قبیله خود خوب میدانند که تشنج اوضاع سیاسی و اجتماعی ، ایجاد خشونت و ناامنی درخراسان - افغانستان بستره گرمی برای حفظ حاکمیت سیاسی تک قومی و قبیله سالاری ایشان میباشد .

وبه این خاطر است که همه رهروان راه امیر عبدالرحمان خان ، نادر خان ... از تحقق زیر ساخت های مادی جامعه مدنی وتأمین تعادل حقوق شهروندی در میهن ما میترسند . زیرا در چنین جامعه که درآن اراده وآرای مردم سرنوشت حاکمیت سیاسی را تعیین می کند ! نه نهاد های بزرگ سرمایه داری وانجوها ؟ .

در چنان یک جامعه عادلانه جایی به افراد تک محورعظمت طلب وخشونت پرورو بی کفایت بد نیت وابسته بغیر ، درمقام رهبری حاکمیت مردمی وجود ندارد .

مردم بیدار شرافت مند ، استقلال پرور ، آزادی خواه و صلح جو!

زمانی میتواند روند اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور بسوی همجوشی و همبستگی شهروندی حرکت نماید و آفتاب گرم صلح و ثبات در میهن ما به تابیدن آغاز کند که سنت دیر پای حکومتمداری شوونیزم سیاسی قبیله ستم گستر و وابسته بغیر برای همیشه از صفحه تاریخ برداشته شود .

تحقق سیاسی چنین ارمان مقدس تاریخی و مردمی از راه اتحاد و همبستگی سیاسی نیرو های تحت ستم در یک روند خود گردانی ملی در مبارزات حق خواهانه جنبش دموکراتیک میهن مان به نحو مسالمت آمیز از طریق حمایت توده های میلیونی و آراء نمایندگان واقعی منتخب مردم در پارلمان افغانستان میتواند توضیح و تفسیر شود .
اینک برخی از راهبرد های سیاسی ایکه زیر ساخت های جامعه نوین در خراسان - افغانستان را نهادینه می سازد و مناسبات قبیلوی را از بیخ و بن نابود مینماید و عبارت اند از :

یک - آوردن تغییرات اساسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان بنفع انسان و آزادی و صلح و تأمین تعادل حقوق شهروندی .

دو - تطبیق راهبرد سیاسی « تغییر نام افغانستان به خراسان » و واپسگیری هویت ملی در کشور مان .

سه - شناسایی خط دیورند بمتابۀ مرز مشترک میان پاکستان و افغانستان و ایجاد صلح در منطقه .

چهار- قبول زبان فارسی در قانون اساسی ، بمتابۀ یگانه زبان رسمی سراسری و تفاهم ملی ، زبان علم ، اقتصاد ، سیاست و فرهنگ و ادبیات در افغانستان .

پنج - پذیرش ساختار نظام پارلمانی و انتخابی بودن تمام ارگان های قدرت و اداره دولتی از علاقه داری تا ولایات و مرکز در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان .

شش - عملی نمودن سرشماری دقیق نفوس و توزیع شناسنامه شهروندی بی غرضانه و صادقانه و شفاف.

هفت - اینها و ده ها مؤلفه های ناب دیگری که در راه حل اساسی مسئله ملی در خراسان - افغانستان خدمت میکنند و جامعه را بسوی ملت سازی و همجوئی ملی و هویت سازی ملی سوق می دهند. عملی نگردد . تیر تیز حاکمیت شوونیزم قبیله با نتایج دست داشته اش همچو خون و خشونت ، قتل و کشتار ، تعرض و تعصب با نیرومندی و اقتخار هر چه بیشتر ریشه های تازه درخت هستی مادی و معنوی مردم بومی میهن مارا قطع و خشک خواهد نمود .

زنده و جاویدان باد ارمان مقدس راه همبستگی ملی ، و تأمین آزادی و صلح و عدالت اجتماعی در کشور ما و منطقه و جهان .

اینک بادرک اوضاع سیاسی غم انگیز کشور جهت یاد آوری به شهروندان ترقی پسند و دگردوست خویش بار دیگر آن سه طرح سیاسی صلح برای افغانستان را که سالهای قبل بصورت مفصل در مطبوعات برون مرزی و درون مرزی انتشار یافت ، کنون بصورت اجمال برخی از مفاهیم آنها را که پیام آور صلح و افتخار است بدست نشر می سپارم . شرح تفصیلی این سه طرح سیاسی صلح به آنده شهروندانی که علاقه بخوانش مکمل آن را دارند در آرشیف سایت های آریایی ، آریانانت ، خاورزمین و خاوران وبویژه در تارنمای « سرزمین آریان » ، بگونه پی دی اف زیر نام " تغییر نام افغانستان به خراسان مدخلی در راه صلح جاویدان " ... و جراید هفته نامه های داخل و خارج کشور قابل دسترسی ست .

یک - تغییر نام افغانستان به « خراسان »

به سلسله روند خود آگاهی ملی و راهرفت بسوی « حل اساسی مسئله ملی » و ساخت ملت یک پارچه خراسانی در افغانستان متذکر باید گردید که :

در اوائل سال 2006 میلادی طرح سیاسی تغییر نام افغانستان به خراسان را بمقام محترم دولت جمهوری اسلامی و پارلمان افغانستان ارائه داشتیم . و در آن از تمام نهاد های سیاسی و اجتماعی کشور و قوای سه گانه دولت اسلامی آرزو برده شده است که به تائید و تصویب ماهیت صلح آمیز این راهبرد سیاسی تمکین و ارج گذاشته شود.

از دید انسانی و بشر دوستی تغییر نام افغانستان به « خراسان » راهبرد عقلانی و مدخلی در راه « حل اساسی مسئله ملی » و ایجاد ملت سربلند خراسانی است . که با تحقق این راهکار سیاسی بوسیله همه پرسی عمومی از طریق مردم ما ویا تائید شورای ملی منتخب عملی میگردد . در آن مرتبه همه منازعات و جدال تباری و اتنیکی ایکه میان قبایل و ملیت های ساکن کشور مان در حال و گذشته جریان داشته و دارد برچیده می شود .

اسم میهن ما خراسان یگانه اسم مناسب وپیام آور بخت و افتخاری ست که از مکان نور و روشنایی ، آفتاب برآمد مشتق شده ، و کدام مناسبت ذاتی خونی و ریشه ای به کدام تباری ، ، ملیتی و قومی هم ندارد . تحت نام نورانی « خراسان و ملت خراسان » میتواند یک هندوتبار ، یک نورستانی ، یک تاجیک ، یک پشتون ، یک هزاره ، یک بلوچ ، یک عرب تبار ، یک ازبیک ، یک ترکمان یک پشه یی و غیره وطن ما تثبیت هویت شود و خود را خراسانی بداند و به آن افتخار نماید و به ارزشهای فرهنگی مشترک آن ببالد . و سربلندی و عزت و غرور سالم قومی و ملی خود را در ارزش های کلی معرفتی و هویتی آن دخیل بیند . با نام خراسان و خراسانی شهروندان میهن ما نصیب هویت فرهنگی یکهزارو پنجمصد ساله این خطه باستانی می شوند که در بستره آن بزرگترین علما فضلا شعرا دانشمندان و خردمندان شهیری ظهور نمودند و فرآورد های نابی در عرصه های علوم دینی ، عقلی ، طبی ، ادب و شعر و غیره به جهان بشریت از خود بجا گذاشتند که امروز باعث افتخار و سربلندی ما و جهانیان می باشند

" خروشان شو خراسانی "

خراسانی طلسم مکر استبداد را بشکن
سکوت درد های دیده از بیداد را بشکن

بگوش رود و صحرا واژه ی برخیزجاری کن
وتابو های فرزند کک کهزاد (5) را بشکن

مسیر انحطاط حتم را تا چند پیمایی؟
غرور کینه ریز مردم شاید را بشکن

مثال مردم گیتی است تدبیر نیاکانت
مد برباش خصم میهن اجداد را بشکن

ز نیرنگ عدو هشدار بوی مرگ می آید
تبرشو خشم شو زنجیر از فولاد را بشکن

سکونت بنیه می پوسد، خروشان باش، جاری شو
به گوش بسته ی آدمکشان فریاد را بشکن

خراسانی دیگر بنیاد کن عاری ز مجهولی
هزار استوره ی جعلی بی بنیاد را بشکن

دو - « شناسایی خط دیورند » آغاز طلوع آفتاب صلح بر فراز افغانستان و پاکستان

با پیروی از تحقق مؤلفه های اندیشه ثبات و امنیت در منطقه و جهان ، و تحکیم حاکمیت قانون در خراسان - افغانستان و ایجاد پل دوستی پایدار میان میهن ما و کشور های همسایه .
طرح راهکار سیاسی صلح : تحت نام « شناسایی خط دیورند » آغاز طلوع آفتاب صلح بر فراز خراسان - افغانستان و پاکستان از جانب ما در اوائل سال 2007 میلادی به مردم و مقام محترم جمهوری اسلامی و پارلمان افغانستان ارائه داشتیم . و در آن طرح از تمام نهاد های سیاسی و اجتماعی کشور و جهان خواسته شده بود که از داعیه صلح در مبارزه بخاطر محوکامل پایه های تروریسم و دهشت افگنی و جنگ در منطقه حمایت عملی نمایند .

ما با آموزش دقیق از تاریخ کشور مان و ریشه یابی منابع خشونت میان پاکستان و افغانستان به این اندیشه تأکید می ورزیم که گره همه مشاکل ، منازعات شصت سال اخیر در منطقه به حل معضله " خط دیورند" پیوند تنگاتنگ دارد.

شناسایی خط دیورند از سوی دولت جمهوری افغانستان من حیث مرز مشترک بین المللی میان دو کشور و اخذ حق ترانزیت آزاد برای کالاهای تجاری افغانستان، گام سیاسی بجا در تحکیم صلح میباشد.

ما امید داریم که رهبران سیاسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به منافع کل کشور اندیشه نمایند، دگر با موانع خود ساختی همچو حکومت های پیشین با شعار های انتزاعی داؤد خانی به اصطلاح «داعیه پشتونستان» خود را فریب ندهند، و به نیت صلح خواهانه مردم ارج بگذارند، و در راه اصول شناسایی خط دیورند گام عملی بگذارند و برای همیشه کلم این ماتم نیم قرنه خشونت و بی اعتمادی را از بین دو کشور بردارند. و پل دوستی سیاسی، انسانی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی میان خلقهای دو کشور مستقل و مشترک منافع را صادقانه و بادستان پاکیزه بدون اغراض اعمار نمایند. به امید حُسن همجواری و دوستی میان خلق ها.

سه - فارسی زبان همبستگی و تفاهم ملی

بی تردید شهروندان حق بین مامیدانند که ، یکی از بُروز مشکلات عمده سیاسی - اجتماعی و تشدید نفاق ملی ، میان مردم ما از صد سال اخیر تا امروز ، مسئله چگونگی برخورد با هستی و گویش زبان رسمی فارسی ، از سوی حاکمان قبیله گرا و گروهک های سیاسی وابسته و روشنفکران ضعیف نفس ، مادی پرست دنباله رو و بی هویت بوده است .

خاندان آل یحیا یعنی نادر خان هاشم خان ، شاه محمود خان ... و خانواده ایشان توانستند با اجرای چنین ستمی ، سیاست استعمارکهن انگلیس را که علیه نابودی زبان فارسی در اوایل قرن نوزدهم در هند برتانوی آغاز کرده بودند ، در اواسط قرن بیستم در خراسان زمین این مهد پیدایی زبان فارسی به انجام رسانند.

زبان فارسی در جریان ده ها سده تاریخی بمتابه زبان حوزه تمدنی بخشی آسیا و زبان دوم جهان اسلام از موقعیت و عظمت فرهنگی ویژه برخوردار بوده است . کنون در ردیف زبان های بین المللی جهان نظیر انگلیسی ، اسپانیایی ، فرانسوی ، روسی ، عربی ، آلمانی ، و ... ؛ زبان فارسی مقام شامخ و مراتب رفیع همسنگی علمی - فرهنگی - اقتصادی و سیاسی را دارد که احراز می کند.

مردم ما وجود همه زبان ها و گویش های محلی در افغانستان را از افتخارات و غنای فرهنگی تمامی گروه های قومی و لایه های اجتماعی کشور قبول ، مگر زبان فارسی را زبان مادر یا پایه ، زبان رسمی سراسری تفاهم و همبستگی ملی ، زبان اقتصاد ، سیاست و فرهنگ جامعه خود می شناسند .

تاریخ جوامع بشری نشان داده و در کشور های غرب صنعتی نیز تجربه شده است که صرف با یک زبان سراسری ، ملت و دولت نیرومند ایجاد می شود . خوشبختانه که در افغانستان زبان فارسی از این موقعیت شایسته فرهنگی و سیاسی و علمی برخوردار است . بناً تطبیق سیاست چند زبانی در افغانستان به هر نحوی که تعبیر گردد فقط جلوگیری از روند ملت سازی بوده و جز حفظ انشقاق ملی و نوع تحکیم حاکمیت شوونیزم قبیله چیز دیگری بیش نیست .

بخاطر همین ضرورت های اجتماعی ، علمی ، فرهنگی و سیاسی در راه همجوشی ملی و تشکیل ملت یک پارچه خراسانی و ایجاد صلح پایدار در افغانستان می باشد ، که ما به یک زبانی ، زبان فارسی رأی عقلانی و فارغ از هرگونه عصبیت نژادی می دهیم . افتخار به عظمت فرهنگی زبان فارسی .

بخش هفتم :**قسمت یکم - نگاهی اجمالی به نیت و کارکرد های****سیاسی****زلمی خلیل زاد ، حامد کرزی ، علی احمد جلالی**

می 2008 میلادی

مرام از تحریر و گزارش مسایل زیر، معرفی برخی از حقایق عینی تاریخی و سیاسی حال و گذشته میهن ما می باشد .
 میخواهیم که نسلهای دگر اندیش و تیز بین جامعه ما در قرن بیست و یکم از تجارب دست داشته مهم فرهنگی ، تاریخی ، سیاسی و اجتماعی کشور خویش آگاهی درست و عقلانی داشته باشند .
 زیرا بدون دانستن و فهم لازم از حوادث تاریخی دور و نزدیک ، نمیتوانیم حال و آینده را درک و پیش بینی کنیم و روند همبستگی و خود آگاهی ملی را تسریع بخشیم .

همین وجود حکومت خود محور تک قومی و تحمیل جبری نا آگاهی ملی و تحریف شعوری وقایع سیاسی و تاریخی کشور بوسیله حکام تبارمنش در دوسده اخیر بوده که زمینه های همجوشی ملی را میان شهروندان تحت ستم ، سد واقع شده و جلو شکل گیری جنبش آزادیخواهی و ابراز وجود علیه این حاکمان ستمگستر وابسته بغیر را گرفته است .

عصر ما عصر پیدایی خود آگاهی ملی ، استقلال و آزادی و تعادل حقوق شهروندی است . نسل نونگر کشور با شناخت رسالت تاریخی از عصر خویش ، دارد که با آموزه های عمیق از دست آورد های قدیم تاریخی و عظمت فرهنگ باستانی ، علم و حکمت و ادب چند هزار ساله نیاکان ما ، خود را مسلح میسازند . و در فراسوی استفاده بری از تبلیغ و ترویج و پخش حقایق عینی تاریخی بوسیله رسانه های جمعی ، تار نماهای ماهواره ای و درک علمی از دست آورد های علوم بشری و دستیابی به فرهنگ جهانی بسمت کمال و خود ارادیت در حرکت اند .

با بیان این آموزه آرزو داریم که نیرو های سازنده وطن ما با چنین درک و اندیشه علمی از گذشته و حال بتوانند مراتب فهم و بینش درست خود را از رویداد های عینی زندگی ژرفنا بسازند و صاحبان اصلی و دلسوز دشمنان این کشور را بشناسند . و با بد خواهان قسم خورده و متعرض و بی تفاوت و ویرانگر این وطن نیز معرفی گردند . و درک نمایند که کدام یکی از تبار و ملیت و قوم و لایه های اجتماعی و گروهی ، بومی و مهاجم و مهاجر این خطه باستان به صلح و آزادی و همبستگی ملی استقلال و تمامیت ارضی کشور علاقه داشته و دارند . و کدام یکی از ایشان اعمار ، ابداع و تولید می کنند و کدامی از آنها وطن پرست و متعهد به منافع ملی و طرفدار سازندگی جامعه خویش اند . و کدام ها عقب گرا وطن فروش ، معامله گر ، اجیر دست بسته و بی اراده ، بیگانه منش خشونتزا ، آتش افروز غاصب و آدم کش و بد نیت هستند .

کنون با ادراک دوربنای سیاست آمریکا و مجامع بین المللی در قبال افغانستان و منطقه ازدیاد پی در پی نیروهای نظامی حافظان صلح ملل متحد بدون موافقت دولت و تأیید پارلمان در افغانستان واضح می شود که مشروعیت حاکمیت ملی کشور ما در مدت هفت سالی که گذشت تحت سوال قرار گرفته است .

بویژه با تغییر سیاست آمریکا بعد از اجلاس سران ناتو در بخارست " ... مقامات آمریکایی می گویند که هفت هزار سرباز دیگر را برای جبران کمبود نیروهای ناتو در افغانستان به این کشور می فرستند . به گزارش سرویس بین الملل آفتاب ، موضوع اعزام سربازان بیشتر ایالات متحده آمریکا قبلاً برنامه ریزی شده و با فرستادن این نیروها شمار نیروهای آمریکایی در افغانستان نزدیک به 40 هزار نفر می رسد . » رابرت گیتس « وزیر دفاع آمریکا گفت که این کشور میتواند فرماندهی نیروهای ناتو را در جنوب افغانستان به دست گیرد ... » (1)

خوشا که مردمان آزادی خواه میهن ما کمک های اقتصادی و فرهنگی مجامع بین المللی در رأس ایالات متحده آمریکا را بدیده قدر مینگرند . مگر معکوساً با طرح یک جانبه هر نوع سیاستی که ازدیاد نیروهای جنگی خارجی در افغانستان (خراسان) را تقویت بخشد و قدرت و توانمندی رزمی ارتش ملی خودمان را نادیده گیرد و کشور و منطقه را به باشگاه نیرو های نظامی کشور های صنعتی تبدیل نماید کاملاً مخالف می باشند .

و بخاطر جلوگیری از عواقب منفی تحقق سیاست نظامی گری جهان صنعتی، مردم صلح خواه کشور ما از دولت دست نشانده افغانستان آرزو دارند که به آزادی و تفکیک قوای سه گانه موافق به مفردات قانون اساسی متعهد باشد.

و دست متعرض خویش را از مزاحمت های از قبل سنجیده شده علیه پارلمان افغانستان باز دارد. بدون دست درازی، سنگ اندازی و ریا کاری بگذارد که نماینده های پارلمان با حسن نیت به آزادی و استقلال و تمامیت ارضی کشور اندیشه کنند و طرح دوراندیشانه جدول زمان بندی خروج پاسداران صلح سازمان ملل متحد از افغانستان را بتصویب رسانند. و مشروعیت بود و نبود این نیروهای حافظ صلح را قانونی سازند. و دور بنای مشروعیت حاکمیت ملی را از راه حقوقی و قانونی ضمانت نمایند.

اینکه ما اسمای سه نفر آقایون « کرزی، خلیل زاد، جلالی » را در فوق متذکر شدیم چه مناسبتی با بحث روان دارد. شفاف میتوان گفت که برداشت های نا تحریف شده حوادث عینی تاریخ، مارا رسالت می بخشد که در این مقطع زمان ماهیت ضد مردمی حکومت دست نشانده وابسته به بیگانگان، قبیله گرا و تمامیت خواه حاضر و گذشته اسلاف ایشان را بمردم خویش معرفی نمایم. که این افراد و گروه های وابسته به آنها در فرآیند تاریخ به همین منوال یکی پی دیگری به حمایت و پشتیبانی نهاد های بین المللی سود جو جهان صنعتی خلاف اراده و آراء مردم به اهرم قدرت کشور ما نشانده شدند و با تعقیب سیاست جنگ و خشونت خود، خانواده، کشور و مردم را تاکنون یکسره به خاک و خون کشانیده اند. باید مردم ما این حقایق تاریخ را بدانند و بدخواهان و دوستان این خاک مرد خیز را شناسایی کنند.

شبه شایعه ، بگونه تبلیغ از طریق نهاد های اطلاعات جمعی برون مرزی غرب صنعتی و درون مرزی وابسته به حاکمیت حامد کرزی حاکی از آنست که زلمی خلیل زاد ، علی احمد جلالی ، حامد کرزی میخواهند که در انتخابات بعدی ریاست جمهوری برای افغانستان بکمک و حمایت غرب در رأس آمریکا و بریتانیا شرکت نمایند . این نوع تبلیغات شایعه گونه و سردرگم ولی پلان شده از مجاری وابسته به غرب در گام های آغازین نحوه آزمایشی ست برای بررسی ذهنیت ها و عکس العمل های مثبت و منفی مردم در مورد افراد فوق الذکر.

ما با پذیرش احتمالی این شایعه در پهلوی هزاران هزار شهروند دگراندیش ، صلح خواه و آزادی پرور میهن با ادای ادب و عرض احترام به آدرس این آقایون با آواز بلند میگویم که مردم حالا این مسئله را از اوراق تاریخ کشور خویش آموخته اند که هیچ تفاوتی بجز تفاوت زمانی میان همرنگی اهداف سیاسی ، و ماهیت تمامیت خواهی خونی و ذاتی شما و اسلاف شما : احمد شاه ابدالی ، امیر دوست محمد خان ، امیر عبدالرحمان خان ، نادرخان ، ملا محمد عمر ، و دیگر رهروان این خط وجود ندارد.

از « الف تا ی » این چنین افراد تا زمانیکه در اریکه قدرت قرار ندارند رفیق ، دوست مهربان دموکرات و یا مسلمان صادق و ده ها ویژگی های فضیلتی سیاسی و اخلاقی انسانی را در امر همزیستی و همبستگی ملی شرافت مندانه بدون ظاهر فریبی از خود نشان میدهند .

ولی بد بختانه وقتیکه در رأس مدیریت سیاسی دولت و حاکمیت قرار گرفتند آنگاه به هر نحوی که میشود پایه های حاکمیت شوونیزم قبیله را نهادینه می سازند .

این اسلوب در فرآیند تاریخ مسلسل تکرار گردیده و برای حکومت کردن روشنفکران (افغان) خیلی مفید واقع شده زیرا با حفظ وتقویه سنت قبیله افغان میتوان جامعه را در تاریکی و خشونت و جنگ نگهداشت و جلو رشد و ترقی صلح و ثبات را گرفت .

آنگاه این فضای تاریک و خشونت زا زمینه سازشرایطی برای روشنفکران قبیله بوده که در معادلات معامله گری برونی با نهاد های سرمایه داری سود جو در مقاطع زمان تحت عناوین مختلف و آخرین بار تحت نام مبارزه علیه تروریزم بین المللی و مبارزه علیه تولید و ترافیک مواد مخدر و وو عمل گردیده و مورد استفاده ناجایز و سوء قرار گرفته ، و جوی خون ، جنگ و خشونت را روان نگهداشته است .

بنأ ما اعتقاد داریم که مردم ما دیگر به شعار های میان تهی صادراتی دروغین افراد وابسته به منافع بیگانه گان باورنخواهند کرد . و آرای خود را درزمانش ، به شهروند بومی ای خواهند داد که ، حفظ ارزشهای استقلال و تمامیت ارضی میهن ، منافع ملی ، آزادی و صلح و عدالت اجتماعی در دنیای احساس اخلاقی ، در خون و پوست و گوشت وی یکسان جریان داشته باشد.

اینک جهت روشنایی مسئله و شناسایی عمل سیاسی رهبران شوونیزم قبیله در آئینه تاریخ افغانستان (خراسان زمین) صورتی از راهکار های خود محوری قومی و تمامیت خواهی آنها را درمقاطع زمان با ایجاز کامل به معرفی می گیریم .

- حامد کرزی

1 - حامد کرزی مانند اسلافش در یک برنامه از قبل تائید شده با همسویی اندیشه مرحوم ظاهرشاه و طالبان و « حزب افغان ملت » از طرف بریتانیا و ایالات متحده آمریکا با کمک و پادرمیانی زلمی خلیل زاد پشتوننتبار آمریکایی نماینده خاص رئیس جمهور جورج بوش بدون اخذ رای اکثریت آرای نمایندگان ملیت ها و اقوام مشارکت کننده درکنفرانس بن ، و به مدد ترجمان ملل متحد اشرف غنی احمدزی و دیگران - به صحنه قدرت سیاسی درخراسان - افغانستان آورده شد . و در مراحل مختلف با نمایش صوری انتخاباتی بدون اخذ رای آراء مردم در سایه حمایت نهاد های بزرگ سرمایه بمقام رهبری دولت نامشروع جمهوری اسلامی افغانستان میخ کوب گردید .

2 - جرگه بزرگ نیز تحت خیمه قدرت خلیل زاد پشتون تبارسفير کبير و نماینده خاص ریاست جمهوری آمریکا در کابل تدویر یافت ، و خلیل زاد آشکارا به دخالت در روند بحث ها و تصمیم گیری ها می پرداخت و آن ها را در مسیر مورد نظر پشتونی افغانی خویش هدایت می کرد .

که در نتیجه وی و آقای کرزی موفق شدند که مانند رهروان راه قبیله اجدادایشان با حيله ونیرنگ غیر صادقانه و با جملات میان تهی تهدید ، وعده و تطمیع ، برخی از نماینده های جرگه بزرگ را فریب دادند و با نمایش قدرت نیروی رزمی آمریکا ، جبراً سند مسخره و ناجوری را بنام قانون اساسی بالای نمایندگان مردم به تائید رساندند . که با این عمل از دید حقوقی مشروعیت حکومت و قانون اساسی ساختگی خویش را تحت سوال بردند ، مگر از نگاه زورقانون جنگل ، بار دیگر پشتونها حاکمیت سیاسی تک محوری قوم افغان را در زیر سایه قدرت بادارانش گویا صبغه حقوقی بخشیدند .

قانون اساسی مسخره وبیمار وناتمام و دست خورده ایکه در آن مقام شایسته زن (مادر) وارزشهای حقوق مدنی شناسایی نگرديده وحق مشارکت متعادل در حاکمیت سیاسی برای مردم داده نشده واز نگاه تقویض حق و حقوق ، در آن صلاحیت رئیس جمهورکرزی منحیت یک شاه مطلق العنان قرون وسطایی تسجیل گردیده ، که با چنان رسوایی و جنگ و دعوی بیست و دو روزه میان نمایندگان منتصب و منتخب مخالف و موافق مجلس جرکه بزرگ درکابل ، سرانجام این سند ناجور وناتمام ودست خورده قانون ساختگی حاکمان قدرت همچو میثاق ملی بالای مردم میهن ما تحمیل گردید .

کنون دولت کرزی با استفاده از این قانون نادرست وبیمار خود ساخته بشیوه امیر دوست محمد خان و امیر عبدالرحمان خان حاکمان شهرداران والیان و فرماندهان جز و تام های دفاع و امنیه ولایات را از سربر آوردگان قبایل و عشایرتباری پشتونهای خودش انتصاب وبه ولایات و محلات صادر می نماید. جای بسا تأسف است که هنوز هم درقرن بیست و یکم ، سنت های منسوخ اداره و زنجیرهای استبداد قبیله سالاری و تک محوری قومی بر توده های مردم ما بیداد میکند .

3 - بعد از این همه مصرف هزینه بالا و پرداخت مخارج مراسم تاجگذاری و لباس پوشی های از نوع فشن شوی دموکراسی و ظاهر فریبی اسلامی ، بالاخره دست آورد شرم آور جناب مبارک رئیس جمهور کرسی که بیان ماهیت تلون سیاسی اش را برجسته می سازد 95 در صد تولید هیروئین جهان در سال 2006 میلادی در افغانستان می باشد . و طبق گزارش محترمه عالیه ابراهیم زی رئیس بخش روانی وزارت صحت عامه مورخ 19 ثور 1387 خورشیدی برابر به 8 مارچ 2008 میلادی در کابل به خبرگزاری صدای افغان گفت : " بر اثر مشکلات اقتصادی و بیکاری در افغانستان 80 در صد مردم این کشور به بیماری روانی مبتلا هستند . " (2)

سوای آن هزاران هزارمادران و پدران و خانواده های بی وسیله در سراسر کشور به سفره خشکین غم و درد نشسته اند . اشک می ریزند و نفرین به این ساختار سیاسی دست نشانده ، بی برنامه ، بی مروت و بی فضیلت می فرستند .

اما جلالت مآب رئیس جمهور کرسی مانند گذشته گانش که عشق به قدرت ارمان مقدس شان را می سازد و بدور از عاطفه و رحم قلبی با طنی برای انسان با این همه رسوایی و بی کفایتی که عاید حالش می باشد به عوض استعفاء از مقام و جلالتش و ابراز معذرت و عذر خواهی از مردم و ندامت و توبه کشیدن در برابر آنها این خدا ناترس ، بار دیگر تصمیم کاندیدای دوباره خویش را در انتخابات بعدی ریاست جمهوری زمزمه مینماید. اگر اصالت داریم ، شرم داشتن فضیلت است حیا داشتن کرامت.

- نقش زلمی خلیل زاد

زلمی خلیل زاد اصل و نسب « پشتون » دارد، و خانواده اش از جنوب کشور بنا بفرمان های حکام تمامیت خواه همتبارش به ولایت مزار شریف در جمع ناقلین مسکن گزین گردیده اند. تحصیلات عالی خود را در سالهای 70 میلادی در دانشگاه امریکایی بیروت و بعد در دانشگاه « شیکاگو سنتا » به پایان رسانید.

یکی از عواملی که نقش ویژه در اجرای مأموریت های کاخ سفید در کشورهای که مورد تهاجم و تجاوز آمریکا در منطقه واقع شده اند دارد، نقش « زلمی خلیل زاد پشتون تبار امریکایی » است.

از سال 1985 تا 1989 زلمی خلیل زاد مشاور ویژه معاونت وزارت خارجه آمریکا در مورد جنگ ایران و عراق بود. که با مشوره های شعله افروزانه ضد انسانی اش راهکار حمایت سود جویانه ایالات متحده آمریکا را از سیاست متعرضانه صدام حسین در جنگ ایران و عراق بنمایش گذاشت. " که حاصل دست رنج سیاسی اش در این جنگ بیش از (500000) نفر نظامی و غیر نظامی کشته و زخمی از جانب ایران ، و بیش از (375000) نفر نظامی و غیر نظامی کشته و زخمی از جانب عراق تلفات بوده است " (3)

هم زمان با وظایف فوق ، وی چند وقتی نیز مشاور شرکت نفتی «اونیکال» بود. از جمله مشاوران این شرکت، یکی هم حامدکرزی بود که بعد ها خلیل زاد قسمی که گفته آمد در گماردن و انتصاب وی به ریاست دولت افغانستان در کنفرانس بن نقش اصلی را بازی کرد. خلیل زاد در ایجاد و تمویل حرکت طالبان از طریق شرکت نفتی اونیکال و سایر منابع سیاسی و نظامی برون مرزی نقش تعیین کننده داشت . و به " طالبان به عنوان نیرویی نگاه میکرد که گویا بنیادگرایی اش از جمهوری اسلامی ایران کم خطرتر است و قادر است صلح و ثبات را به افغانستان باز گرداند. " (4)

وتلاش بخرج داد که تا حکومت بیل کلنتون را معتقد سازد که امارت طالبان را برسمیت بشناسد .
اینکه چقدر انسان های بیگناه بر اثر اعمال سیاست دوسره طالبانی یعنی تطبیق اسلام ستمگستروتحکیم حاکمیت قبیله در افغانستان کشته و زمین و مزرعه شان سوختانده میشد با تأسف که آقای خلیل زاد را متأثر نمی ساخت.

بگونه مثال حتا در ولایت مزارشریف زاد گاه خود این ناقل بچه (آقای خلیل زاد) ، گروه طالبان در ظرف 48 ساعت زیاده از (8000) انسان را به امرامیرالمومنین ملا محمد عمر افغان بقتل رساندند . مگر آقای خلیل زاد و ظاهرشاه مخلوع هر دو بانی مستقیم و غیر مستقیم طالبان ، از حادثه غم انگیز قتل عام مردم ولایت مزارشریف اندوهگین نشدند ، غم شریک

درد ماتم دیدگان نگردیدند ، برخلاف با تبختر ویژه از طریق رادیوهای بین المللی وابسته به نهاد های سود جویان سرمایه ، این عمل ناجایز حیوان منش و ضد انسانی طالبان را یک پیروزی تحکیم قدرت قبیله ، گویا بنفع ثبات و امنیت در افغانستان خواندند معرفی و اعلام داشتند .

همچنان " زلمی خلیل زاد عضو گروه محافظ کار « پروژه قرن آمریکای جدید » نیز بود که در سال 1998 در نامه ای به بیل کلینتون خواهان آن شدند که آمریکا بدون توجه به آرای سازمان ملل و با توسل به نیروی نظامی ، حکومت صدام را براندازد .
که این نامه را علاوه بر خلیل زاد ، کسانی همچون « ولفویتز » ، « دونالد رامسفلد » سابق وزیر دفاع آمریکا و مشاور ارشد وی یعنی « ریچارد پرل » نیز امضا کرده بودند. " (5)

که بعد این برنامه ای جنگی در زمان ریاست جمهوری جورج بوش به منصفه اجرا گذاشته شد . که بر اثر تعرض آمریکا به عراق رئیس جمهوری صدام حسین ، خانواده و مردمش به خاک و خون یکسان گردید .

دست آورد شرمگین برنامه جنگی ضد حقوق بشر زلمی خلیل زاد و همقطاراناش کشتن صد ها هزار انسان بیگناه در عراق . به خون غلتیده ، چیز دیگری نیست .

طبق آمار " موسسه نظرسنجی انگلیس در سپتامبر سال دو هزار و هفت شمار تلفات غیرنظامیان را در جنگ عراق یک میلیون و دوصد هزار تن برشمرد رقمی که با گزارش اولیه انست نشریه پزشکی انگلیس مطابقت دارد. " (6)

- طرح علی احمد جلالی

واقعاً مردم ما از این همه دیده درایی و دستان آوری و خود محوری قماش های از جنس خشونت در چهره صلح خسته شده اند . بالا خره آرزو دارند که یک شهروند دانشگاهی بومی ساده و صادق غیروابسته از میان مردم برخاسته و به منافع صلح و آزادی و استقلال کشور وابسته باشد ، متصدی اقتصاد و سیاست و فرهنگ کشور خویش انتخاب نمایند .

محترم آقای علی احمد جلالی ترکنتبار و خادم قبیله افغان مدیریت وزارت داخله کشور نتوانست عطش سیری ناپذیر از قدرت گرایی ذاتی شما را تسکین نماید . اکنون میخواهید مانند همکاسه ای دوست داشتنی خویش آقای حامد کرزی به قله های بالای قدرت نفسانی جا یابید و نفرت و انزجار بی پایان مردم جنگ زده ما را بخود جلب نمایید و عمر خشونت و جنگ را در میهن ما مانند کرزی طولانی ترسازید .

علی احمد جلالی به بهانه نامزد ریاست جمهوری در افغانستان ، با مهارت ویژه طرح سیاسی ای را از طریق رسانه های جمعی به آگهی مردم رسانیده است . که متن ماهیت سیاسی این طرح بجز تداوم حاکمیت تک تبار قبیله افغان چیز دیگری بیش نیست. که در این سه مؤلفه زیر آنرا بخوانش می گیریم .

" 1- بازبینی دراستراتیژی توسعه ملی افغانستان ANDS را بمتابۀ چارچوب کاری ضروری پیشنهاد کرده اید و در عین حال برای تطبیق آن راهبردی .

2- خواهان ایجاد «شورای امنیت و اقتصاد ملی افغانستان» شده اید که باید قدرت و صلاحیت زیاد داشته باشد. این «شورا» باید مسایل استراتژیک را با جوانب بین المللی در داخل و خارج افغانستان هماهنگ نماید.

3- از نظر شما یک نماینده بین المللی با صلاحیت در کابل برای هماهنگ ساختن تلاشهای جامعه جهانی ضرورت حیاتی دارد. " (7)

با بیان چند کلمه مجرد بنام « طرح آقای جلالی » که در متن درونی این سه اصل برنامه سیاسی که در آن تعبیه شده : موقعیت جاویدانگی شخصیت شخیص خود شما ، حفظ منافع آمریکا و بریتانیا ، و حفظ شوونیزم قبیله بوده وبس . مگر از حفظ منافع ملی و تأمین صلح و ثبات سراسری کشور خبری نیست . افزون بر آن بدون مشوره اخلاقی با نهاد های سیاسی داخل و خارج کشور و مردم ما ، ماه هاست که جناب محترم یکطرفه در سایه حمایت جهان سرمایه برای نهایی شدن « طرح » خویش از مقامات اعلی دولتی لندن و واشنگتن ، در فاصله خط هوایی از سنای آمریکا تا پارلمان بریتانیا مصروف مسافرت می باشید.

آقای جلالی ! شما در طرح خویش خواستار تغییر اساسی در ساختار حاکمیت و قدرت سیاسی نگردیده اید . و مراتب تقسیم قدرت و انتخابی بودن میکانیزم واقعی انتخابی بودن نماینده های بومی را در ارگان های محلی قدرت و اداره دولتی نشانی و شناسایی نکرده اید .

واز نوع تقسیم تعادل قدرت و تفکیک قوای سه گانه و پذیرش نوع ساختار نظام پارلمانی و یا فدرالی ووو ... سخنی نگفته اید . بصورت تلویحی از ساختار فعلی قدرت حمایت نموده اید .

مردم ما از نحوه حمایت ، نیت و کارکرد های عملی و تبلیغی آقای علی احمد جلالی از طریق رادیو آزادی ، صدای آمریکا و بی بی سی در زمانیکه شعله های رژیم آتش افروز القاعده - طالبانی فضای میهن خراسانی ما را دود و درد و ناله پرکرده بود خوب آگاهی دارند . و نیازی به بیان بیشتر آن نمی دانیم . با آوردن یک سروده اخلاقی از ابوشکور بلخی تاجیک ایرانی که در مورد نماد زشت و بد انسان چنین می نویسد اکتفاء می کنیم :

به دشمن برت استواری مباد

که دشمن درختی ست تلخ از نهاد

درختی که تلخش بُود گوهر را

اگر چرب و شیرین دهی مر و را

همان میوه تلخت آرد پدید

از او چرب و شیرین نخواهی مزید

ز دشمن گـر ایدون که یابی شکر

گمان بر که زهر است، هرگز مخور(8)

منابع و مأخذ

- (1) برگرفته شده از سایت : Aftab News
- (2) بر گرفته شده از اخبار سایت آریایی : پنجشنبه 19 ثور 1387 خورشیدی برابر با 8 می 2008 میلادی .
- (3) نگاه شود به سایت یاد ما :
- /yadema.wordpress.com/2007/09/22
- (4) رجوع شود به سایت باشگاه : - www.bashgah.net/pages-
- 674.html
- وبه نقل از سایت اینترنتی «ایران امروز» و روزنامه آلمانی «تاتس» و «فرانکفورتر روند شاو»
- (5) همانجا : www.bashgah.net/pages-674.html -
وبه نقل از سایت اینترنتی «ایران امروز» و روزنامه آلمانی «تاتس» و «فرانکفورتر روند شاو»
- (6) رجوع شود به سایت : -
www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=10093
4039871 - 26k
- (7) رجوع شود به سایت پیمان ملی ، مدیر مسئول : دکتر اکبر زیوری .
- (8) شعر از بوشکور بلخی رجوع شود : به تاریخ ادبیات ایران ، دکتر ذبیح الله صفا ، جلد اول ، ص 404

بخش هفتم :

قسمت دوم - بازتابی از رویکرد های بینشی رودکی بزرگ

22 سپتامبر 2009 میلادی

این متن خوانده شده در همایش بزرگ سالروز رودکی در دوشنبه
کشور تاجیکستان

روی به محراب نهادن چه سود
دل به بخارا و بتان طراز
ایزد ما وسوسه عاشقی
از تو پذیرد نپذیرد نماز

با آنکه ویژگیهای روزگار جامعه رودکی بزرگ با شناسه های اقتصادی - سیاسی و فرهنگی جوامع امروزی ما که در آن زیست داریم یکسان نبوده اما گونه های معتنابهی از وجوه اشتراک این دو عصر از هم متفاوت ، در گونه های آموزش و شناخت رودکی روشن بینی شده است .

در رویکرد های بینشی رودکی مدارک فراوانی وجود دارند که نگاره بسیار شفافی از اوضاع واحوال حیات بر وفق مقتضیات زمانش ، حکایت می کند.

انگاره های فکری او زیرمایه ای از بیان عقلانی و تجلی ای از ناهنجاری ها و ناگواری های مدنی و عظمت فرهنگی عصرش می باشد. رودکی برپایه تحلیل ویژه از جامعه روزگارش ، درودا که اساسی ترین مفاهیم و ارزشهای اصالت و نجابت انسان را در قالب منظوم به نفع بشریت و بیداری او به تأمل گرفته است . اینک برخی از اساسات تفکر طلایی وی را که شهودی از اندیشه های جامعه شناختی فلسفی و اخلاقی و انسانی اوست که بعد از سپری شدن یک هزارو یکصدو پنجاه سال واندی خاصیت گوهری خود را حفظ نموده ، به بیان می گیریم :

در شعرو معرفت او که حاوی از قوه تخیل تشبیه و نزدیکی معانی به طبیعت و وصف آن ، روح رامش و شادی ، شباهت و تمثیل ، نازک بینی و نازک خیالی ، پاکی اندیشه و کردار نیک ، دشواری حیات ، بیداری ضمیر ، اندازه قربت و مهر ، بیان پیوند آزادگی با سجایای اخلاقی شرف ، عشق و موقعیت لذتی آن در زندگی ، شفافیت عشق و محبت ، قضا و دائره ای تکرار تألم و درد ، مجادله نو و کهنه در سیر دورانی زمان ، خوش زیستی و همزیستی ، مقاومت و استقامت ، گذشت ، قناعت و اقبال ، عالم امکان ، متاع فاقد ارزش ، نیستی وده ها مقولات ناب نستوه و بکر... دیگر می باشد ، بازتاب روشن یافته است . که سنگپایه معنوی شعر و ادب و فرهنگ مشترک فارسی ایران زمین را تشکیل می دهد .

وبوسیله نسل دگر اندیش تدقیق تحقیق و ظرفیت فرهنگی عظمت و مراتب شایسته سالاری ادبی و علمی آن به جهانیان معرفی خواهد گردید .

با درود بی پایان از کشور دوست تاجیکستان عزیز و نمایندگان سیاسی و فرهنگی آن که میزبان محفل باشکوه ادبی و فرهنگی امروز ما هستند ، بار دیگر ادای ادب و احترام مینمایم .

واز بلندگوی این مراسم باشکوه استفاده اخلاقی نموده پیشنهاد میکنیم که تمام فارسی گویان جهان وبویژه کشور های باهم برادر و برابر ایران ، افغانستان و تاجیکستان و ازبیکستان جهت تقویه زبان فارسی این زبان فرهنگ سیاست و اقتصاد مشترک خلقهای مان در یک صف فشرده و هدفمند با پاکیزگی و صداقت و اراده استوار تلاش وسیعی عملی نمایند .
ودر راه تحکیم باز شناختی ، بازیابی و احیای فرهنگ باستانی حوزه فرهنگی ایران زمین اقدام سیاسی و انسانی و اخلاقی را انجام دهند .

بخش هفتم :

قسمت سوم - ایرادی بر مفردات برنامه

انتخاباتی علی احمد جلالی

دسامبر 2008 میلادی

بادیگر چند کلمه در مورد معرفی دکتر علی احمد جلالی سابق وزیر داخله در حکومت حامد کرزی :
محترم جلالی فرزند غلامجیلانی در سال 1323 هجری خورشیدی در ولایت غزنی متولد شده و از تبار ترک می باشد ، و فارغ التحصیل دانشگاه نظامی افغانستان است.

او در سال 1343 هجری خورشیدی از دانشکده نظامی آمریکا در رشته دفاع داخلی فوق لیسانس گرفت، بعد در دانشکده سلطنتی انگلیس تحصیلات خود را ادامه داد و در سال 1375 هجری خورشیدی نیز در دانشکده نظامی آمریکا از رساله دکترای خود تحت عنوان "سیاست جهانی آمریکا" دفاع کرد.

محترم علی احمد جلالی مرد آرامی است. زیاد می شنود کمتر حرف می زند. شمرده و با منطق سخن می گوید و از دروغ گفتن در سیاست باک ندارد. شاید وطن و ملت خود را دوست داشته باشد ولی به جهت اطاعت بی چون و چرا از غربی ها، برای سیاست شخصی نابهنجار محسوب می شود.

در دوره قبل انتخابات ریاست جمهوری او را امریکایی ها در انتخابات ریاست جمهوری در مقابل حامد کرزی پیش کردند و سپس وی را مجبور ساختند به خاطر اشرف غنی احمدزی استعفا دهد.

مخالفان وی می گویند. علی احمد جلالی در دوران کار خود دروغ های شاخدار زیاد گفته و خدمت به بادران خود صادقانه کرده است و بخاطر خوشی پاکستان، نرمش در برابر جنایتکاران طالبی، حزب اسلامی و القاعده نشان داده است. در زمان جلالی قاچاق و جنایت و کشتار به اوج خود رسید. فساد اداری در وزارت داخله شکل قانونی گرفت. جلالی در زمان وزارت داخله خود با طالب و القاعده و با قاچاقبران برخورد قانونی نکرد، زیرا ترس آن داشت که بدون حمایت آمریکا نتواند به حیات سیاسی خود ادامه دهد.

اخیراً در تارنمای آریائی ، مثنی از کلمات بی روح و سرد و بدور از حقایق علمی و مفاهیم نظریات و ضرورت وجودی ، گویا ؟ از جانب بولتین خبری آزاد افغانستان ، زیر نام « دیدگاه ها و نظریات علی احمد جلالی » بنشر رسیده است .

از فحوای مفاهیم نظریات این برنامه واضح می شود که محترم آقای جلالی میدان را خالی و آسمان بخت ممکنات خود را از سوی گماشتگانش آبی دیده با احساس از خود راضی به قسم خیلی ماهرانه از نام (شخصیت برارنده ملی و سیاسی افغانستان؟) سر بلند نموده ، با یک نگرش ذهنی گرایانه و غیر واقعی بگونه ای که خواسته خط مشی سیاسی و انتخاباتی خود را با این شیوه به آگاهی مردم برساند .

محترم جلالی در بخش آغاز برنامه سیاسی نامزد ریاست جمهوری خویش سخن از « ملت افغانستان ؟ » شروع می کند و بعداً به شکل خیلی جسورانه بدون اینکه :

به موقعیت و ضرورت وجودی و اهمیت سیاسی ، اقتصادی ، علمی و فرهنگی زبان فارسی اشاره کرده باشد ، و یا در مورد ساختار غیر متجانس و نا همگون اتنیکی و قومی کشور و معرفی راهکار های علمی در ایجاد ملت یک پارچه بیانی نموده باشد ، یا در باره نقایص زشت سیاسی و ضد انسانی و ضد منافع همگانی قانون اساسی موجود ساخت

قبیله گرایان و حامد کرزی و تیم اش تماسی حاصل کند ، یکسره بدون تعمق ، سطحی گرایانه ، تهی از ماهیت معنایی ، با کلمات انتزاعی - بازی کرده بسمت عطش مفرط قدرت خواهی اش در جاده جاویدانه سازی « من » کم رنگ به پیش می رود .
 ما با رسالتی که در دفاع از منافع و حقوق و آزادی های مردم خویش داریم ، خواستیم روی برخی از مسایل تحریف شده در برنامه منتشره ای آقای جلالی ، به باز نگری و تأمل بپردازیم .

اول : در مورد نامگذاری به اصطلاح : " « ملت افغانستان » « جلالی ؟

آقای جلالی شما آگاهید که در کشور ما ملت وجود ندارد . بلکه شهروندانی
 بیشتر از بیست گروه های ملیتی قومی و مذهبی شامل ملیت تاجیک ، ملیت هزاره و ملیتهای ازبیک و ترکمان و عشایر و قبایل افغان و غیره وجود دارند . و هم چنان قابل یاد آوری میدانیم که عشایر و قبایل افغان ما از دید رشد مناسبات اتنیکی و تاریخی و رشد اشکال شعور اجتماعی ، هنوز در سطح پست تکامل گیر مانده اند و ده ها سال دیگر ضرورت دارند که از این مرحله تاریخی عبور کنند و از بلای کلمه قرون بدوی و عقب مانده « زی » : (بارک زی ، مندوزی ، زازی ، الکوزی ، محمد زی ، احمد زی ، سدوزی ، غل زی ، و «زی» و «زی» و «زی») رهایی یابند . و بعد در آن مرتبه رشد بتوانند راه مناسب تکامل خویش را مانند دیگر ملیت های باهم برادر کشور که این روند کمال را صد ها سال پیش سپری کرده اند ، بسوی تشکیل یک ملیت واحد بدون « زی » نائل آیند .

آقای جلال ! اینکه شما و امثال شما در زیر درخت بنگ زرمایه و غرق خمار قدرت دیده و دانسته خود را فریب می‌دهید و هویت خراسانی یک‌هزار و پنچصد ساله شهروندان کشور ما را نا جوانمردانه می‌زدید و با نام وارداتی ساخت بریتانیا کبیر به اصطلاح « ملت افغان » آنرا گره می‌زنید ، به این معناست که عاقلانه و ناعاقلانه این تحفه استعمار کهن را گرامی دانسته از « حل اساسی مسأله ملی » کنار می‌گریزید . و از سورت ساخت ملت یک پارچه خراسانی می‌ترسید . بدون ارجگذاری به آرمان مقدس صلح و آزادی ، حقایق واقعی تاریخ میهن را کتمان مینمائید . و در اطاعت از اغراض ثروت و قدرت چند روزی در جامه ریاء نان لواش از نفسانی خویش را می‌خواهید در تنور داغ آه و ناله بیوه زنان و یتیمان میهن ، بدور از شناخت اصالت و نجابت انسان ظالمانه آنرا به پزشش می‌گیرید .

دوم: در مورد بی‌اعتنای جلالی به زبان فارسی ؟

آقای جلالی ! در برنامه سیاسی نامزد ریاست جمهوری شما بدون توجه به اهمیت و شایسته سالاری مقام زبان فارسی و نقش قاطع و سازنده آن در هم‌آیشی و همگرایی و تفاهم سراسری میان مردم ما و بویژه در بخش رشد و تکامل اشکال شعور اجتماعی و اقتصاد و فرهنگ و حکمت و علوم

درداکه! بی بصیرت و بی اعتنا از شناخت این ارزش هویتی فرهنگ همگانی شهروندان میهن ما وارونه طفره رفته اید. محترم آقای جلالی شما خود خوب میدانید و تاریخ نیز گواهی میدهد که زبان فارسی در جریان ده ها سده تاریخی زبان سراسری و رسمی ملیتها، دولت ها، و دودمان های مختلف شامل از ... هخامنشی ها، اشکانی ها، ساسانی ها، طاهری ها، صفاری ها، سامانی ها، غزنوی ها، سلجوقی ها، غوری ها، خوارزمشاهی ها، گورگانی ها، تیموری ها، صفوی ها، بابری ها، افشاری ها، هوتکی ها و ابدالی ها ... بوده و در سیر تکامل فرهنگی و ادبی و علمی خویش بمتابه زبان حوزه تمدنی آسیا و زبان اول تصوف و عرفان جهان، زبان دوم اسلام؛ از موقعیت و عظمت فرهنگی و الای برخوردار بوده و می باشد و امروز در ردیف زبان های بین المللی جهان مقام شامخ و مراتب رفیع همسنگی علمی - فرهنگی - اقتصادی و سیاسی را احراز می کند.

سوم: در مورد داوری جلالی راجع به امنیت:

محترم جلالی عوامل اصلی عدم امنیت را در برنامه سیاسی نامزد ریاست جمهوری خویش چنین می پندارد:

1- "عدم کفایت و توانایی مالی و نیروی انسانی کافی در تامین امنیت!

2- عدم استفاده لازم از نیروهای امنیتی داخلی و خارجی در تامین امنیت شهروندان، و سوق این نیرو ها به میدان مبارزه نظامی با تروریستان!

3- عدم هماهنگی لازم میان نیروهای داخلی و خارجی در فعالیت های محاروبی و حفاظتی!"

محترم آقای جلالی با این شیوه شناخت « عوامل اصلی امنیت » کشور از سوی جناب مبارک شما ، فهم پنهان و کودکانه خود را مسخره کنان خود آشکار ساختید ، و بمردم ثابت نمودید که از شناخت حقایق عینی نیاز صلح و ثبات مثل دیگر همقطاران تان در کشور ما نا توان و عاجز هستید .

در شرایط فعلی اگر بحث بر سر باز بینی نه عوامل اصلی امنیت ، بلکه باز شناختی انگیزه نا امنی ناشی از آن ؟ در کشور ، باشد . پیش شرط های سه گانه پیشنهادی جناب شما میتواند منحیث عامل های جزی در تأمین امنیت زمانی نقش زود گذر را ایفا نماید .

اما تأمین صلح و ثبات دایمی در کشور به یک راهبرد برخورد سیاسی عاقلانه عینی و ریشه ای نیاز دارد که به عقیده ما از جمع مؤلفه های « عوامل اصلی عدم امنیت » در کشور ، چهار مؤلفه آنرا نام می گیریم و عبارت اند از :

اول - وجود حاکمیت وارداتی دست نشانده زرمايه ، تک محور ، قبیله گرا ، واپسگرا و بی کفایت و مافیایی وابسته به تروریسم منطقی و بین المللی .

دوم - نبود قانون اساسی همه شمول ایکه بیانگر اراده مردم باشد و حق متعادل مشارکت سیاسی شهروندان و لایه های اجتماعی مردم ما را در قدرت و حاکمیت ، از مرکز تا ولایات قانوناً ضمانت نماید .

سوم - نبود نظام متعادل پارلمانی که بر اصل آراء و اراده مردم شکل گرفته و آزادی بی قید و شرط تفکیک قوای سه گانه (مقننه ، قضائیه و اجرائیه) را قانون مند بنفع امنیت سراسری و خوشبختی شهروندان جاویدانه سازد.

چهارم - شناسایی خط دیورند بمتابه مرز مشترک بین المللی میان افغانستان و پاکستان می باشد .

چهارم - در مورد عنوان یاغی گری برنامه جلالی :

جلالی تحت این عنوان ، در برنامه خویش از طالبان تعریفی بدست نمی دهد و اعمال ضد انسانی و ضد تکاملی آنها را تقبیح نمی نماید ، برخلاف کوشش بعمل آورده تا با کلمات و جملات بی ارزش از برخورد به حل اساسی مسأله خشونت و جنگ در وطن امتناع ورزد .

به آقای جلالی میگوئیم که هر خشونت و شورش ، جنگ و جدال ایکه در کشور ما علیه دولت و حاکمیت صورت گرفته و می گیرد بخاطر بدست آوردن قدرت و ثروت است . چیز دیگری بیش از این نیست . استفاده از ممکنه های سیاسی و نظامی همه وسایلی اند در رسیدن به همان گردنه بلند موقعیت قدرت و ثروت.

بادرک این اصل است که خراسان - افغانستان عقب نگهداشته شده در جهان یگانه کشوری است که با طرح مشترک سیاسی شوونیزم جدید قبیله و وابستگان منطقوی و بین المللی ایشان ، هم قدرت سیاسی حاکمیت و هم اپوزیسیون تفکندار طالبی هر دو در دست عشایر و قبایل عقب مانده پشتون قرار داده شده است . یعنی قدرت و ثروت پیوسته در دست این گروه ها بوده و هست.

اینکه در این بازی سیاسی نام نیرو های جنگنده مقابل حاکمیت را طالب عقب گرا ، یاغی و باغی میگذارید یا چیز دیگر اختیار دارید . اما حقیقت مسلم اینست که ، همه رهروان حاکمیت شوونیزم قبیله ضد صلح سراسری و طرفدار جنگ و خشونت و عاشق قدرت و ثروت میباشند . محترم جلالی شما که در برنامه خویش تحت نام « یاغی گری » راستش از معرفی ماهیت سیاسی و اجتماعی طالبان تبهکار و خشونت پرور سر باز می زنید و با چشم پوشیده از افشای این جانان قرن و سربازان کور سرمایه و قاتلان مردم ستم دیده ما دست می کشید . این یک خیانت آشکار است که به زخم عمیق و چیغ و درد و ماتم میلیونها معلول و یتیم و بیوه کشور ، نوشادر (کلرور آمونیوم) می ریزید و با بی پروایی ناپاکیزه به شناخت و احترام حق و حقوق آنها پشت پا می زنید . آقای جلالی مردم ما ، شما و سایر شخصیت های بی اراده صادر شده از آمریکا و غرب را خوب می شناسند . و این را هم میدانند که جناب شما یک زبان - کوتاهی سیاسی با طالبان دارید . زیرا در سالهاییکه تازیانه وحشت و جهل ستمگستر قرون وسطایی این گروه آدمکش ، پیکره قامت آزادی شهروندان تحت ستم کشور را خم کرده بود ، شما آشکارا در اطاعت از سیاست ضد انسانی آمریکا از طریق رادیو صدای آزادی مربوط مجلس ثنای آمریکا ، منحیث گوینده به تبلیغ تقویت سیاسی حاکمیت خون و خشونت طالبان اشتغال داشتید .

واز نام یک آمریکایی اصیل گلو پاره کرده و از جنبش طالبان حمایت و پشتیبانی می کردید. به این جهت است که از معرفی واقعی این گروه ضد انسانیت ابا می ورزیدید . و اکنون تلویحی از آن ها حمایت می کنید .

پنجم - در مورد سیاست عدم شناسایی خط دیورند جلالی :

این جانب در جنوری سال 2007 میلادی ، طرح سیاسی زیر نام « شناخت معاهده دیورند آغاز طلوع آفتاب صلح بر فراز افغانستان و پاکستان » بمقام جمهوری اسلامی و پارلمان افغانستان ارسال و بدست نشر سپرده ام اینجا ضرورت تکرارش نیست . مردم ما از این رویکرد آگاهی خوب دارند .

اما در ارتباط به اندیشه و سیاست انتزاعی و غیر عادلانه آقای جلالی در مورد تأمین صلح و آشتی میان پاکستان و افغانستان و منطقه که با شناسایی خط دیورند پیوند مستقیم دارند متذکر باید شد که ایشان در طرح برنامه منتشره اش مانند دیگر مسایل اجتماعی و سیاسی در کشور در این بخش نیز بی مسؤلانه و بی تفاوت از حل معضله خون چکان خط دیورند چشم پوشی نموده اند .

بقول جلالی : " مسله دیورند برای مایک مسله تاریخی و ملی است در حالیکه برای پاکستان یک مسله سیاسی. همانطوریکه همه میدانند دیورند یک خطی تحمیل شده بر مردمان این منطقه است، که بوسیله ای یک قدرت استعماری بیش از صد سال قبل بوجود آمده بناً برای مردم افغانستان که دارای علایق تاریخی، فرهنگی و اجتماعی با آنطرف دیورند هستند، قبل از هرچیز رفع محرومیت های طولانی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مردمان این منطقه مطرح است. ... "

از دید ما مسأله خط دیورند برای هردو کشور پاکستان و افغانستان یک مسأله سیاسی است. نه صرف تاریخی و ملی. اگر باشد ادعا نماییم که این خط بیش از صد سال قبل بوسیله قدرت استعماری بریتانیای بزرگ بر مردمان ما تحمیل شده؟ باید گفت که سرحدات افغانستان: میان تاجیکستان و میان ازبیکستان و میان ترکمانستان و میان ایران؛ در عین زمان بوسیله قدرت های استعماری بزرگ وقت نیز بالای مردم ما تحمیل گردیده است.

اگر بگویم که برادران افغان ما با آنطرف خط دیورند علایق تاریخی، فرهنگی و اجتماعی دارند. باید اعتراف نمائیم که:

تاجیکان نیز با: مردمان تاجیکستان، ازبیکستان (سمرقند و بخارا)، و ایران؛ و مردمان ازبیک ما با مردمان ازبیکستان؛ و ترکمان های ما با مردمان ترکمنستان نیز علایق تاریخی و فرهنگی و اجتماعی دارند.

اگر برخورد سیاسی خاندان آل یحیا و طالبان و کرزی و برنامه انتخاباتی جلالی را در مورد « معضله خط دیورند » موجه قبول نمائیم؟ در آنصورت مشروعیت دعوی مرزی افغانستان با تاجیکستان و ازبیکستان و ترکمنستان و ایران را نیز قابل باز بینی و ارزیابی میدانیم.

بسیار کودکانه خواهد بود که خط کشی های استعمار کهن را که در نقشه جهان انجام داده، سر از نو با تحقق سیاست کارتو گرافی آقای جلالی پنسل پاک بزنیم؟ که ناممکن است. در آنصورت پاکستان و بنگله دیش و ده ها کشور های دیگر همچو یوگوسلاوی و غیره از نقشه جهان برداشته خواهند شد.

محترم جلالی از این ادعا ها و خط کشی های منطوقی می گذریم. وبه اصل مشکل میهن خود فکر می کنیم. و آن عدم صلح و ثبات است. و این هم معلوم است که تمام جنگ و خشونت و علل و عوامل امنیت و صلح و ثبات در کشور ما افزون بر مؤلفه های فوق الذکر در عدم « شناسایی خط دیورند » از طرف دولت افغانستان نهفته است. هر قدر از پذیرش این واقعیت عینی بدور برویم بعمر جنگ و خشونت می افزایم. فقط راه شناخت خط دیورند آغاز طلوع آفتاب صلح برفراز افغانستان و پاکستان می باشد و بس.

بخش هشتم :

قسمت یکم - اصول اعتقادی و جهان بینی دینی امام اعظم
ابوحنیفه نعمان
آلمان - سپتمبر 2010



حضرت ابوحنیفه نعمان فرزند ثابت فرزند زوطی فرزند مرزبان ثابت
تاجیک ایرانی ، فقیه و متکلم شهیر اسلام و پایه‌گذار مذهب حنفی -
قدیمی ترین مذهب ، از مذاهب چهارگانه اهل سنت است.

امام اعظم ابوحنیفه نعمان در سال (80 هـ . ق . / 699 م .) در دوره حکومت عبدالملک فرزند مروان اموی ، در شهر کوفه متولد و در سال (150 هـ.ق. / 767 م.) در بغداد وفات نمود .

زمانیکه آل عباس در سنه 132 هجری مالک تاج و تخت سلطنت اسلامی شد بعد از چهار سال حاکمیت ابوعباس سفاح ، در سنه 136 هجری بجای او برادرش ابو جعفر منصور عباسی تخت نشین گشت . اعمال سیاست استبداد و خون ریزی دوران سلطنت سفاح و منصور عباسی و قلع و قمع خاندان سادات و علوئین که از طایفه ممتاز عرب بودند ؛ کامیابی بیشتر سیاسی نصیب منصور عباسی گردید.

وی که مرکز خلافت اش بغداد بود بعد از این پیروزی و برانداختن دشمنان سیاسی اش توجه خویش را بسوی اشخاص مشهور و مهم نیز معطوف نمود ، چنانیکه در سال 137 هجری قمری با حيله و تزویر ، سالار مقاومت ابو مسلم خراسانی تاجیک ایرانی بنیان گذار دولت عباسیان را بقتل رسانید.

و به این سلسله بعداً مکتوبی بنام امام اعظم ابو حنیفه نعمان که در کوفه اقامت گزین بود ارسال کرد و او را بنزد خود خواست . اگرچه منصور از مدتی که شهرت امام اعظم ابو حنیفه را واقف شده بود ، خیال کشتن او را داشت ، چون بهانه نداشت برقتلش موفق نمی شد .

همینکه امام اعظم ابوحنیفه بدربار منصور عباسی احضار یافت ، از طرف اراکین دربار چنین معرفی گردید :

" این شخصی است که امروزه روز در دنیا از وی بلند تر عالمی نیست و نعمان نام دارد . "

منصور پرسید که شما از کدام شخص تحصیل علوم را نموده اید ، امام اعظم بتذکر برخی از استادان خویش پرداخت . چون منصور شنید که سلسله شاگردی او با عزه تابعین و صحابه عظام میرسد برای او شان فوراً عهده قضاء را تجویز و تعیین نمود .

امام اعظم صراحتاً از قبولیت قضاء انکار کرده گفت : " من در خود قابلیت قضاوت را ندارم " ابو جعفر منصور عباسی به غصه آمده امام اعظم را مخاطب نموده وگفت : " تو یک شخص دروغ گو هستی. " امام اعظم ابو حنیفه فرمود که : " اگر من دروغگو باشم ، البته که این دعوی شما حکماً راست است که من در خور اشغال نمودن مقام قضاء نیستم ، زیرا که شخص دروغگو ابداً قاضی شده نمیتواند . "

زمانیکه امام اعظم پیشنهاد منصور عباسی را نپذیرفت و به امر وی به زندان افکنده شد این حادثه در سنه 146 هجری بوقوع پیوست . و بعد از شکنجه زیاد در سال 150 هجری در زندان در اثر مسمومیت یا شلاق در گذشت. (1)

بگوایی اسناد و مدارک تاریخی زوطی فرزند مرزبان ثابت جد اعلای امام اعظم در اثر فتوحات اسلامی در خراسان به اسارت در آمده و به بین النهرین برده شد .

اصل و نسب ابو حنیفه نعمان تاجیک تبار ایرانی (پدرش از خواجه سیاران بالا و مادرش از قریه استرغچ واقع حومه شهر چاریکار - اُستان پروان) ، از اولاده مرزبان خراسانی می باشد . نام گذاری لیسسه عالی نعمان در شهر چاریکار و مدرسه ای دینی ابوحنیفه در شهر کابل ، گواهی از حُسن نیت و نمود همتمباری مردم خراسان زمین به اسم مبارک « امام اعظم » حضرت ابوحنیفه نعمان می باشد . و ما امیدواریم که در سرزمین پدری اش اسم امام اعظم ابوحنیفه بوسیله نامگذاری مکان های آموزشی و پرورشی ، کتابخانه ها و پژوهشگاه ها و دانشگاهها و کوه ها و دریا ها و خیابانها ... بایست نهادینه گردد .

امام اعظم حضرت ابوحنیفه در اوایل عمر خود سرگرم مباحث کلامی بوده و با علمای کلام مرادده داشته است . او مدت 18 سال در حلقه درس ابو اسماعیل حماد فرزند ابی سلیمان (2) (م 120 ه.ق). به فراگیری فقه به روش ابراهیم نخعی پرداخت.

ابوحنیفه ، پس از مرگ استادش ابو اسماعیل حماد ، بر جای او تکیه زد ، سفرهایی هم برای آموزش و فقه اندوزی به حجاز داشت و از نخبگان علمی آن دیار و از جمله امام باقر توشه برگرفت .
با وجود تأیید و تقویتی که بنی عباس از او می کرده اند تمایلی به علوین (3) داشت و آنان را برای خلافت شایسته تر میدانست .

ابو خنیفه در قبول احادیث سختگیر بود و حدیث و خبر مفرد را قبول نداشت. به نقل از ابن خلدون می‌گویند که از مجموع احادیث منتسب به پیامبر اسلام، او صرف هفده حدیث را قبول داشت. (4) و همین حالت او را مجبور می‌کرد که به شیوه قیاس و استحسان توجه کند. علت عمده پذیرش چنین یک شیوه معرفت این بود که وی:

– نخست مرد دقیق بین و سریع انتقال بود

– دوم در آغاز امر با متکلمین و مباحث آنان آشنایی یافت

– سوم در " محیط ایرانی و عربی عراق که در تمام دوره شاهنشاهی ساسانیان (اجداد تاجیکان و پارسها) از مهمترین مراکز بحث و نظر در مسائل اجتماعی و دینی بود تربیت شد و چون این محیط مانند مدینه مستعد اخذ احادیث و سنن صحاح از صحابه (5) و تابعین (6) نبود ناگزیر میبایست روش دیگری غیر از آنچه که فقهای مدینه بآن توجه داشتند اتخاذ کرد .

پذیرش شیوه معرفتی قیاس بعقیده ابوحنیفه نعمان عبارتست از آنکه در شریعت حکمی برای امری معلوم باشد و بعد امور دیگری را که با آن اتحاد در علت داشته باشد بر آن قیاس کنند و همان حکم را نسبت به آن امور صادر نمایند . این اصل و شیوه معرفت بعداً توسعه یافت و بر تمام مواردی اطلاق شد که نسبت بآنها نصی وجود نداشت و فقیه با قیاس بر موازین شرعی و مقتضیات دین احکامی در باب آنها صادر می‌کرد .

باین ترتیب قیاس بتدریج مرادف رأی قرار گرفت ورأی و قیاس یعنی آنکه فقه بر اثر طول ممارست خود در احکام شرعیه این ملکه نفسانی را حاصل کرده باشد که بتواند با دقت در امور و علل و اسباب آنها احکامی که منطبق بر شریعت و سازگار با آن باشد نسبت با آنها صادر کند . پس شرط اصلی رأی و قیاس اجتهاد است .

ابوحنیفه اگر نسبت به امری در قرآن و سنت پیامبر اسلام (مشروط برآنکه ثقافت آنرا روایت کرده باشند) تصریحی نمی یافت متوسل به اجتهاد میشد و بر همان سیرتی که گفته ایم می رفت و چون محیط عراق و ایران بزرگ مستعد قبول این روش بود طریقه او بسرعت در این نواحی انتشار یافت . " (7)

اهل سنت ابوحنیفه را « امام اعظم » لقب داده‌اند. پیروان او را حنفی می‌نامند.

این مذهب در بین مذاهب چهارگانه اهل سنت (8) بیشترین پیرو را دارد و عمده پیروان این مذهب نیز در کشورهای آسیای میانه ، افغانستان ، پاکستان ، چین ، ترکیه ، بالکان ، شبه قاره هند ، اندونزی ، مالزی ، آسیای مرکزی (و مناطق شمال شرقی ، شرق و جنوب شرقی ایران) قرار دارند.

وزیاده از 70% (هفتصد میلیون) از جمع یک میلیارد مسلمان های جهان پیرو این مذهب میباشند.

"مردم خراسان در زمان حیات ابوحنیفه و بعد از آن از مهم ترین دوستداران و مراجعان مذهب و طریقه او بودند. به گفته صفی الدین بلخی همان جا رابطه سه گانه بین ابوحنیفه، مذهب ارجاء و مردمان بلخ به حدی نزدیک بود که بلخ را از آن رو که کانون دوستداران ابوحنیفه و پیروان او بود، مرجی آباد می خواندند.

ابوبکر خوارزمی (9) [محمد فرزند عباس (323- 383 ق/935-993 م)، شاعر، کاتب و ادیب.] در یکی از رسائل خود از عشق مفرط بلخیان به ابوحنیفه شکوه نموده است. گفته اند که بسیاری از طالبان بلخی در عراق ملازمت مجلس ابوحنیفه را داشتند و در زمره آنان میتوان :
 ابو مطیع بلخی، قاضی بلخ ، سلم فرزند سالم بلخی و ابواسحاق زیات بلخی از بزرگان صاحب نفوذ در خراسان را برشمرد که همگی از سوی اصحاب حدیث « مرجئی » (امیدوار کردن) ، لقب یافته اند . " (10)

چنانیکه امام اعظم ابوحنیفه نعمان خود در رساله اش به « عثمان بستى » گونه های پذیرش و عدم پذیرش شیوه مرجئی بودن را چنین شرح می دهد :

"... گویا که عثمان بستى - نامه به امام ابوحنیفه نوشته و دران نسبت « مرجئی » بودن را به او داده است . ولی حضرت امام اعظم این بد گمانی را رد کرده و گوید :

عمل نادرست ، اقرار به راستی کردن و راستگوی شمردن را نفی نمی کند . ولی نفی اقرار به راستی کردن ، نفی ایمانست . پس ممکن است مومن جاهل و مومن ظالم و گنه کار موجود باشد و خدا را مشیت و رضا است که او را ببخشد یا عقاب نماید .

از این منظر معلوم است که امام اعظم ابوحنیفه « مرجئی » محض نبود ، بلکه در عدم تفکر اهل تصدیق و مومنان ، فراخی اندیشه داشته و از مروت و انسانگرایی بی نیاز بود یعنی کسی که پایبند سنت بوده و حکمیت نیکو کار و گنه کار را به مشیت الهی تفویض نماید و خودش به کفر هیچ مومن بی باک فتوا ندهد . " (11)

درخور تذکر است که مردمان ایرانی نژاد و بویژه خراسانیان با اتکاء به درون مایه فرهنگ چند هزار ساله این سرزمین نقش برجسته ای خویش را در رشد و تکامل دین اسلام و مذاهب :

- [فقهی (حنفی . مالکی . شافعی . حنبلی) و

- کلامی (ماتریدی . اشعری . اثری . معتزلی) و

- جنبش‌های فکری (دیوبندی . بریلوی . سلفی) ایفا نموده اند .

یعنی نزدیک به کل ، پیدایش و رشد علمی همه جریانات فکری ، فرقه ها و طرائق اسلامی ، از زمان امام اعظم حضرت ابوحنیفه نعمان تا کنون مرهون سعی و تلاش دانشمندان و علمای مولی یعنی اعجمی زاده (ایرانی نژاد) بوده و است .

چنانیکه لیث فرزند سعد ، پیشوای فقهی مردم مصر و ابو عبیده معمر فرزند المثنی و واصل فرزند عطا و امثال آنها پیشوای کلامی ، سیبویه و کسائی ، امام صرف و نحو و دیگری مرجع لغت و غیره همه مولی یعنی اعجمی زاده (ایرانی نژاد) بوده اند .

جهت توجیه سخن در اینجا بی مناسبت نیست داستان ذیل را نقل کنیم : " هشام فرزند عبدالملک (72-125 هجری / 691-743 میلادی) (12) روزی از یکی از علماء که به ملاقات وی در رصافه کوفه رفته بود پرسید آیا علما و دانشمندانی را که اکنون در شهرهای اسلامی مرجعیت علمی و فتوایی دارند می شناسی ؟ گفت آری :

هشام گفت اکنون فقیه مدینه کیست ؟ جواب داد : نافع فرزند عبدالرحمان (مقتول 169 ه.ق.) ، نافع مولی (ایرانی) است یا عربی ؟ مولی (ایرانی) است .

- فقیه مکه کیست ؟ عطاء فرزند ابی رباح (فوت 114 ه.ق.) ، مولی است یا عربی ؟ - مولی است .

- فقیه اهل یمن کیست ؟ طاووس فرزند کیسان ، مولی است یا عربی ؟ مولی است .

- فقیه یمامه کیست ؟ - یحیی فرزند کثیر ، مولی است یا عربی ؟ ، مولی است .

- فقیه شام کیست ؟ ، مکحول ، مولی است یا عربی ؟ ، مولی است .
 - فقیه جزیره کیست ؟ - میمون فرزند مهان ، مولی است یا عربی ؟ ،
 مولی است .
 - فقیه خراسان کیست ؟ - ضحاک فرزند مزاحم ، مولی است یا عربی ؟
 ، مولی است .
 - فقیه بصره کیست ؟ ، حسن و ابن سیرین ، مولی هستند یا عربی ؟ ،
 مولی هستند .
 - فقیه کوفه کیست ؟ - ابراهیم نخعی - مولی است یا عربی ؟ عرب
 است .
 هشام گفت : نزدیک بود قالب تهی کنم ، هر که را پرسیدم تو گفتی مولی (
 ایرانی نژاد) است . خوب شد لا اقل این يك عرب است" (13)

سوای علمای فوق ده ها عالم و پیشوای فقهی و کلامی دیگر نظیر :
 عطار و مجاهد و سعید و سلیمان ، فقیه مگه ، زید فرزند اسلم و محمد
 فرزند منکدر و فقیه مدینه ، ربیعہ الرأی و فرزند ابی الزناد ، فقیه قبا ،
 عطار فرزند عبدالله فقیه خراسان و غیره همه تاجیک ایرانی بوده اند .
 (14)

- ساختار فکری مذهب حنفی بر اصل هفت اسلوب استوار است که عبارت‌اند از:
- یک - قرآن (کتاب آسمانی مسلمانان شامل 6600 آیه در قالب 114 سوره) (15)
- دو - سنت (آداب، آئین، رسوم) (16)
- سه - قول صحابه (همنشینان پیامبر) (17)
- چهار - قیاس و رأی (بررسی چیزی با روی چیز دیگر از روی مشابهت؛ سنجش؛ مقایسه) (18)
- پنج - استحسان (اختیار کردن آنچه برای مردم آسان‌تر است) (19)
- شش - اجماع (اتفاق و هماهنگی گروهی در امری) (20)
- هفت - عرف (تداول، رسم، سنت) (21)

در مقابل روش فکری ابوحنیفه طریقه اهل حدیث قرار داشت که معتقدین بآن پیروان مالک فرزند انس بودند. مالک فرزند انس را برخی عربی الاصل و بعضی از موالی دانسته‌اند. ولادت او در سال 97 هـ. ق. و وفاتش در 179 اتفاق افتاد.

اصول فقه مذهب مالکی بر ده اصل استوار است:

- قرآن کریم، سنت، اجماع، قیاس، استحسان، استصحاب، مصالح مرسله، سد ذرائع، عرف، قول صحابی.

مذهب دیگری که اندکی بعد از دو روش ابو حنیفه نعمان و مالک انس پدید آمد مذهب محمد فرزند ادريس شافعی (150 - 204) از ائمه چهار گانه سنت و جماعت است. وی با داخل کردن مذهب حنفی با مالکی روشی نوین را بنا نهاد که از حدیث در آن بهره می‌جست. اصول فقه مذهب شافعی قرار ذیل است: - قرآن، سنت، ناسخ و منسوخ، علل احادیث، خبر واحد، اجماع، قیاس، اجتهاد، استحسان، اختلاف.

چهارمین امام از ائمه اهل سنت ابو عبدالرحمان احمد فرزند حنبل است. اصل او از مرو و ولی ولادت و نشأتش در سال 164 هجری قمری در بغداد بوده و در سال 241 ه. ق. درگذشت. امام حنبل اهل حدیث بود و توجهی به رای نداشت. استناد او صرفاً به قرآن و حدیث پیامبر اسلام بود. محمد پسر عبدالوهاب، موسس و هابیت نیز مذهب حنبلی داشته‌است.

مذهب حنبلی بر پنج اصل استوار است:

- قرآن، سنت، فتوای صحابه، قول برخی از صحابه که موافق با کتاب باشد، تمام احادیث مرسل و ضعیف. (22)
از مواردی که حنابله به آن اهمیت زیاد می‌دهند امر به معروف و نهی از منکر است.

نگرشی بر اصول و فروع جهان بینی مذهب حنفی

اصول اعتقادی مذهب حنفی پس از مرگ ابوحنیفه نعمان ، بوسیله شاگردان مشهور او ابو یوسف (م 182 هـ.ق) یعقوب فرزند ابراهیم - قاضی القضاات هارون الرشید و محمد فرزند حسن شیبانی (م 189 هـ.ق)، زفر فرزند الزهیل متوفا 158 هـ.ق . ، حسن فرزند زیاد اللؤلؤی کوفی متوفا 204 هـ.ق . ، داوود طائی ، أسد فرزند عمر ... رواج یافت. (23)

مذهب حنفی در زمان خلافت هارون الرشید (170 - 193 ق / 786 - 809 م) و پس از وی بدل به مذهب رسمی خلفای عباسی گردید به گونه ای که تنها فقیهان این مذهب مسند دار قضاء می شدند. بعدها مذهب حنفی نیز مذهب رسمی خلافت عثمانی هم شد.

علمای حنفی در مکتب اعتقادی و کلامی (24) خود، پیرو ابومنصور ماتریدی (م 332 هـ.ق / سمرقندی - تاجیک ایرانی) هستند . ریشه مکتب ماتریدی را باید در اندیشه های کلامی ابو حنیفه جستجو کرد، چرا که ابوحنیفه پیش از ورود در فقه ، کرسی نشین استادی کلام در کوفه بود.

ابو منصور ماتریدی مؤسس فرقه ماتریدی، متکلم، فقیه و مفسر قرآن بود. او که در ماترید از نواحی سمرقند در فرارود به دنیا آمد، خداشناسی اسلامی و علم کلام را نزد استادانی چون ابوبکر احمد جوزجانی، عیاضی، نصیر فرزند یحیی بلخی و محمد فرزند مقاتل رازی آموخت و اندیشه های کلامی امام اعظم ابوحنیفه نعمان را بسط و توسعه داد.

علم کلام، علمی است که متضمن بیان دلایل حجج عقلیه در باب عقاید ایمانیه ورد بر مبتدعه و اهل کفر و ضلالت است. این علم مخلوق بحث ها و مناقشاتی است که از اواخر قرن اول میان مسلمانان در اصول مسایل اعتقادی اسلام از قبیل مبدأ و معاد، توحید و تجسیم و جبر و اختیار و حدود ایمان و کفر و امثال این مسائل در گرفت و چون طرفداران هر یک از این مباحث محتاج دلائلی برای اثبات عقاید خود بودند و هر استدلالی طبعاً نتیجه بحث های عقلانیست، از این راه برای هر دسته اصول و مباحثی فراهم آمد که علم کلام از آنها تشکیل شد. و عالم مشغول بدان را متکلم گفتند. (25)

علم فقه، علمی است که از فروغ عملی احکام شرع بحث می کند و مقصود از آن تحصیل ملکه اقتدار بر اجراء اعمال شرعی است. مبنای این علم بر استنباط احکام است از کتاب و سنت و بسبب همین استنباط محل اجتهاد است و نتیجه اجتهاد اختلاف فقها و ایجاد دسته های جدید در میان مسلمین می باشد. (26)

فقه اسلامی در میان اهل تسنن بدو بخش فکری منقسم می شود .

1- بخش اهل حدیث

2- بخش اهل رأی و قیاس

اسلوب فهمیدن و دانستن حقایق در رویکرد های فکری امام اعظم (مذهب حنفی) متکی به بخش قیاس و رأی بود . او و پیروانش اگر حکمی را در قرآن یا سنت، قطعی نمی یافتند به احادیث منقوله چندان اعتماد نمی کردند زیرا آنها را غالباً مجعول (جعل شده) یا تحریف شده می دانستند.

از اینرو ابوحنیفه و رهروان اندیشه وی در تحلیل و بررسی ، تحقیق و تدقیق مسائل معتقد بودند که " عدالت " و " مصلحت " می تواند راهنمای خوبی برای فقیه باشد.

اینجا بود که فقیه، خود را موظف می دید که درباره آنچه " مقتضای عدالت " است و آنچه مصلحت اقتضا می کند بیندیشند. واژه های از قبیل " استحسان " (نیک شمردن) یا " استصلاح " (نیکویی کردن) از همین جا پیدا شد.

امام اعظم ابوحنیفه در بحث مقولات جبر و اختیار به آزادی عمل انسان معتقد است و فعل آدمی را در مصدرش مد نظر قرار می دهد با استناد به این جمله او میگوید :

" اعمال بشر نسبت به قضا و قدر مانند شعاع های خورشید است به خود خورشید . "

ابوحنیفه در نگرش و آموزش خود معتقد بر آزادی انتخاب است. او در دیدگاه فقه خود "تکیه خاصی بر آزادی های فردی در امورات حیات اجتماعی، چون ازدواج و معاملات دیگر دارد. آشکارترین نمونه نظر او در مورد آزادی زن در عقد ازدواج است. او ازدواج یک زن بالغ و عاقل را به رضای خویش جایز دانسته و صدور عقد از جانب ولی و حتا اذن ولی را در صحت عقد شرط نشمرده است.

اصلی که در این استدلال فوق بکار رفته اینست که لازمه اشتراك زن و مرد در حیثیت و شرافت انسانی و حق انتخاب، یکسانی و تشابه و برابری آنها از لحاظ انسانیت در حقوق ذاتی و فردی است.

از نمونه های معرفت شناختی او مبنی بر انتخاب آزادی و آزادی فردی در معاملات اجتماعی، دیدگاه ابوحنیفه در باره (حجریا حقوق، فقه است. : که عبارت از منع کردن کسی از تصرف در اموال خود از طرف قاضی یا دادگاه به علت کمی سن، دیوانگی، یا علت دیگر (27) ، مگر بر خلاف مشهور، امام ابوحنیفه عواملی چون افلاس، دین و حتا سفه و فسق را از موجبات حجر ندانسته، صاحب این صفات را در تصرف در اموال خویش بروفق صلاح و تدبیر خود آزاد شمرده است.

نمونه دیگر، نظر وی در مورد تصرف بی مورد و غیر ضروری از جانب پدر در اموال فرزند است که ابوحنیفه در این موارد به حفظ حق حاکمیت فرزند بر اموال خود رأی داده و در صورت خسارت، پدر را ضامن شمرده است. سهل گیری او در مورد صلح و توافقیهای حقوقی نیز ریشه در همین دیدگاه های متوازن حقوقی و انسانی او دارد. "(28)

از کار و فعالیت علمی و اسلامی امام اعظم ابوحنیفه میتوان دریافت که این خردمند نستوه چه نقش شایسته و جاویدانی در رشد و بیداری افکار عمومی توده های میلیونی مسلمان و بویژه خراسانیان داشته است .

از اینرو این بزرگ مرد تاریخ را یکی از فقهای عقل گرا و اصلاحگر می دانند. وی در راه استخراج احکام و قواعد فقه و پاکسازی اصول تطبیقی ارزشهای اجتماعی و اخلاقی و انسانی ، روشی کاملاً متفاوت از دیگر فقها را در پیش گرفت.

نقل است که می گفت :

" اگر رسول الله در زمان ما می زیست همین ها را می گفت که من می گویم " .

پیروان ابوحنیفه، مذهب و روش او را اهل رأی می نامند زیرا ابوحنیفه قائل به رأی است چنان که بعد از صدور هر فتوایی و حکمی عنوان می کرد :

" این سخن ما رأی است و بهترین سخنی است که بر آن دست یافته ایم، پس هر که بهتر از سخن ما آورد، او از ما به صواب نزدیک تر است "

نظریات اندیشمندان در مورد ابوحنیفه نعمان

" ابوالعالمودودی دانشمند بلند پایه نیم قاره هند و جهان اسلام در رساله به نام « ابوحنیفه و ابو یوسف » ویژگیهای آموزش جهان بینی مذهب حنفی را با قانون گذاری های جهان معاصر مورد باز شناختی قرار داده است . بگفته وی :

خیلی مسایل حقوقی جهان معاصر از مکتب فقهی امام ابوحنیفه ... سرچشمه گرفته است . او می افزاید : مردم روزگار ما از این تصور دچار زحمت شدند ، که قانون بین المللی چیزی است از محصولات روزگاران جدید و بنیان گذار آن هوگو گروتیوس (Hugo Grotius) (هالندی (10 اپریل 1583 - 991 هـ . متولد در هالند ، ووفات در 28 اگست 1645 - 1055 هـ . در روستوک آلمان) ، است . اما تشریح این قانون حقوقی جهان (برای بار اول از منظر اسلام 905 سال پیش از هوگو گروتیوس) بوسیله امام اعظم ابوحنیفه نعمان ، پیشوای مذهب حنفی و پیروان وی صورت گرفته است . " (29)

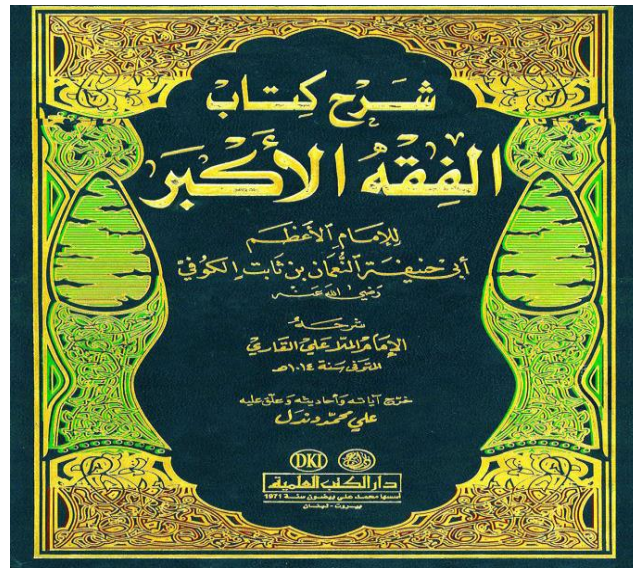
علامه شبلی نعمانی یکی از دانشمندان و محققان شناخته شده دیگر نیم قاره هند است . که در عرصه های مختلف علوم اسلامی آثار پر ارزشی دارند .

وی صد سال پیش اثر ماندگاری را تحت نام «سیره نعمان» که شرحی پیرامون زندگی و اندیشه های ناب امام اعظم و مقایسه فقه حنفی با سایر شاخه های فقه اسلامی می باشد، تحریر نمود. این اثر پربها بنسبت اعتبار علمی اش بزبان های مختلف ترجمه، تلخیص و نشر و چاپ شده است. متن کامل این اثر بوسیله برهان الدین کوشکی ترجمه و نشر شده است.

اثرات علمی و تحقیقی امام اعظم ابو حنیفه و اهمیت تعلیمی حوزه فقهیه وی

آثاریکه به امام اعظم ابوحنیفه نسبت داده اند عبارت اند:

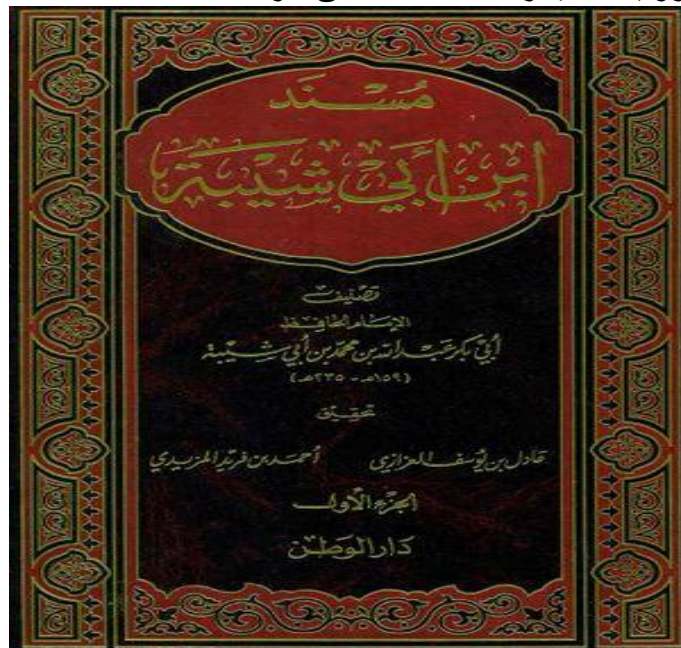
- 1- فقه اکبر در ده باب در بیان عقاید، طبع حیدر آباد دکن 1321 هجری.



کتاب شامل مسائل ذیل می باشد.
از جمله فصول مهم این کتاب می توان مباحثی چون :
فضل علم توحید، ایمان ،
وحدانیت خدا و صفات او ،
قرآن کلام خدا،
قضاء و قدر، انبیاء منزله از گناهان کبیره و صغیره هستند،
اثبات نبوت محمد(ص)،
افضل مردم بعد از نبی خلفاء اربعه هستند،
گناه کبیره مؤمن را از ایمان خارج نمی کند،
بحث از اینکه خارق عادت برای انبیاء است و کرامت خاص اولیاء،
در معنی اسلام و ایمان و نسبت آن دو به هم درباره بهشت و جهنم،
قبر و قیامت،
درباره معراج،
خروج دجال،
برتری بعضی از انبیاء،
خواص بشر افضل از خواص ملائکه،
صحابه افضل اند بعد از خلفاء،
ولی به درجه نبی نمی رسد،
جواز رؤیت باری در دنیا،
در اوصاف جنت،
آنچه که به قرآن و نماز تعلق دارد،
فصلی در علم و علماء،

فصلی در کفر صریحا و کنایت و دیگر مسائل اعتقادی در این کتاب ذکر شده است که شارح مختصری در مورد هر کدام متذکر شده است. در پایان کتاب تمام متن الفقه الاکبر ابوحنیفه آورده شده است پس از آن مصادر کتاب ذکر شده و در آخر فهرست موضوعی مطالب کتاب عنوان گردیده است (30)

- 2 - **فقه اکبر** دوم که پس از 390 هجری تألیف شده طبع قاهره 1915 م .
ودهلی 1289 هجری .
- 3 - **فقه اکبر سوم** بروایت ابو مطیع بلخی طبع دهلی 1307 و قاهره
1324 هجری
- 4 - **فقه الابطسط** طبع حیدر آباد 1321 هجری
- 5 - **مسند ابو حنیفه** بروایت امام ابویوسف طبع قاهره 1327 هجری و به
دوازده روایت ، دیگر نسخه های خطی دارد .



کتاب شامل مسائل ذیل می باشد.
در مقدمه، ضمن اشاره به اهمیت پرداختن به علم حدیث، به شرح حال نویسنده و توضیح اقدامات تحقیقی صورت گرفته بر روی کتاب، پرداخته شده است (31)

نویسنده کتاب حاضر، از محدثان بزرگ اهل تسنن بوده و اصحاب صحاح و سنن ششگانه به جز ترمذی، از او روایت کرده‌اند (32).

این کتاب، از جمله مسندهایی است که مانند مسند احمد بن حنبل و مسند اسحاق بن راهویه، به نام مؤلف خود معروف شده و «مسند ابن ابی شیبیه»، نام گرفته است. (33)

اثر حاضر، در طبقه‌بندی مجموعه‌های حدیثی که بوسیله دانشمندان علم حدیث صورت گرفته، در طبقه سوم اعتبار قرار می‌گیرد. به‌منظور آشنایی با این موضوع، به این طبقه‌بندی، اشاره می‌شود:

در طبقه نخست، تنها صحیح بخاری و مسلم و موطأ مالک جای دارند. در این کتاب‌ها، احادیث متواتر، صحیح آحادی و حسن را به ودیعت نهاده‌اند. در طبقه دوم، جامع ترمذی، سنن ابو داوود، مسند احمد و مجتبی اثر نسایی جای می‌گیرند. این کتاب‌ها از نظر ارزش و اعتبار به پایه دو صحیح و موطأ نمی‌رسند، اما مؤلفان آنها نسبت به شروطی که در نظر داشته‌اند، سهل‌انگاری نکرده‌اند. کتاب‌های یادشده هرچند که از احادیث ضعیف تهی نیستند، ولی مردم دوره‌های بعدی آنها را پذیرفته‌اند و حدیث‌پژوهان اهل سنت، به کتاب‌هایی که در این دو طبقه جای می‌گیرند، به‌نحوی ویژه اعتماد دارند و اصول عقیده و احکام شریعت را از دل آنها بیرون می‌کشند.

در طبقه سوم که اثر حاضر نیز جزو آن محسوب می‌شود، مسندها، جوامع و کتاب‌هایی قرار دارند که انواع احادیث ضعیف از قبیل شاذ، منکر، مقلوب و... در آنها فراوان یافت می‌شود. افزون بر آنکه حال رجال و راویان احادیث آن کتاب‌ها برای ما ناشناخته و احادیث شاذ و منفرد آن، شایع و متداول نیستند. علاوه بر کتاب حاضر، مسند طیالسی، عبد بن حمید، مصنف عبدالرزاق و کتاب‌های بیهقی، تیرانی و تحاوی در این طبقه جای می‌گیرند. (34)

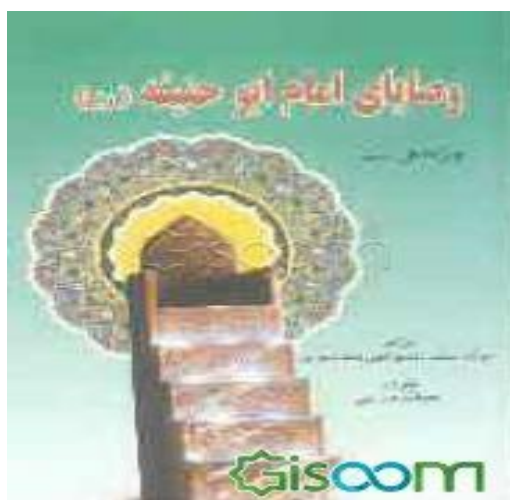
هدف مؤلفان کتاب‌هایی که در این طبقه قرار می‌گیرند، آوردن یافته‌های خویش بوده، نه گزینش و پالایش آن یافته‌ها. از کتاب‌های این طبقه، جز حدیث‌شناسان برجسته که زندگانی خویش را در راه کسب دقایق این دانش سپری کرده‌اند، نمی‌توانند سود جویند. طبقه چهارم نیز تصنیفات سست و بی‌ارزشی است که در زمان‌های متأخر، از زبان داستان‌پردازان، واعظان، صوفیان، مورخان ناعادل، هوی‌پرستان و بدعت‌گذاران گردآوری شده است؛ مانند کتاب‌های خطیب، ابونعیم، ابن عساکر، دیلمی، ابن مردویه، ابن شاهین (35)

«الکتاب المصنف في الأحادیث و الآثار»، اثری دیگر از ابن ابی‌شیبیه است که در آن، احادیث نبوی(ص)، گفته‌های صحابه و فتواهای تابعان بر اساس موضوعات و ابواب فقهی آورده شده است. این کتاب، ظاهراً همان است که در شمار مسندها هم از آن نام برده و آن را با کتاب حاضر، اشتباه گرفته‌اند، ولی باید گفت آن کتاب، در واقع مسند نیست و این شهرت، پایه‌ای ندارد.

گفتنی است که برخی از آگاهان، ابن ابی شیبیه را محدثی دانسته‌اند که هم بر اساس موضوع و هم به شیوه مسانید، کتاب نوشته است. بنابراین احتمال دارد، مسند و مصنف، دو کتاب جداگانه بوده، ولی با گذشت زمان، مسندش از میان رفته باشد و مردمان دوره‌های بعد، مصنف او را همان مسندش پنداشته باشند (36)

کارل بروکلیمان (1868 - 1956) خاورشناس شالمانی نیز معتقد است کتاب «المصنف» با عنوان «مسند» نیز چاپ شده است. در گذشته نیز برخی احتمال داده‌اند که «المصنف»، همان است که به «المسند» نیز معروف شده است (37)؛ در صورتی که این خلط، اشتباه بوده و این دو کتاب با یکدیگر، متفاوتند.

6 - وصایای ابوحنیفه شش نسخه بروایت مختلف که برخی طبع شده است



از جمع وصایای امام اعظم حضرت ابوحنیفه نعمان فرزند ثابت به شاگردانش ، ما یک وصیت نامه وی که حاوی 100 بند می باشد و به امام ابویوسف یعقوب بن ابراهیم انصاری فرموده اند ، بگونه نمونه برخی از آنها را به خوانش می گیریم :

نقل شده است که هرگاه امام اعظم ابوحنیفه دید که شاگرد رشید ایشان امام ابویوسف را خداوند رشد و صلاحیت عنایت فرموده و او به تحصیل علوم و تهذیب اخلاق و سیرت خویش بیش از دیگران اهتمام می ورزید به او وصایای خاصی ایراد فرمود در ذیل خلاصه ای از وصایای ایشان تحریر می گردد.

- 1- در جلو عوام الناس مخند
- 2- در بازار زیاد رفت و آمد مکن.
- 3- با جوانان قریب البلوغ صحبت مکن، زیرا آنها سبب فتنه می باشند.
- 4- بر سر راه منشین، اگر در غیر از خانه می نشینی در مسجد بنشین.
- 5- از پوشیدن لباس های زیبا و ابریشم اجتناب کن، زیرا این لباسها تورا در تکبر می اندازد.
- 6- در مغازه ها منشین.
- 7- در بازار و در مسجد از خوردن و نوشیدن اجتناب کن.
- 8- نخست علم بیاموز، سپس به تحصیل مال پرداخته و بعد از آن ازدواج کن، زیرا اگر در دوران تحصیل علم به کسب مال پرداختی از طلب علم باز خواهی ماند، و مال تورا به خریدن کنیز و برده و ادار می کند و به دنیا مشغول خواهی شد، همچنان اگر پیش از تکمیل علوم

به زنان مشغول شدی وقت تو ضایع می شود و مسئولیت های زیادی درقبال فرزندان بر دوشت نهاده می شود، و به برآوردن نیازها مصروف شده از تحصیل محروم خواهی شد، و از تحصیل علم نیز باز می مانی!

9- در جوانی به تحصیل علم مشغول باش، زیرا قلب تو از اشیای دیگر فارغ است.

10- از خدا بترس، در ادای امانت و در خیرخواهی برای عوام و خواص دریغ مکن.

11- اگر به مدت ده سال در فقر و فاقه بسربری بازهم از تحصیل علم دستبردار باش، زیرا اگر از علم اعراض کنی روزی تو تنگ خواهد شد. چنانچه اوتعالی میفرماید. «ومن اعرض عن ذکری فان له معیشه ضنکا»

12- در اظهار حق از جاه و جلال هیچ کس متاثر مباش اگر چه پادشاه باشد.

13- از خندیدن زیاد پرهیز کن، زیرا خنده زیاد دل را میمیراند.

14- مراقب نفس خود باش (تا تورا در گناه و لایعنی مشغول نسازد).

15- وقتی در میان مردم قرار گرفتی خدا را بیشتر یاد کن، تا از تو ذکر بیاموزند.

16- موت را همواره یادکن، و برای استادان و دیگر مومنان دعا واستغفار کن.

- 17- همواره لباس سفید بر تن داشته باش.
 18- هنگام راه رفتن به راست و چپ منگر، نظر خود را پایین کن.
 19- در مواضع تفریح و تجمع عوام الناس مرو. ولا غیر . (38)

هفتم اثر امام اعظم - کتاب عالم و متعلم طبع حیدرآباد دکن 1349 هجری
هشتم - قصیده نعمانیه در مدح حضرت رسول طبع های متعدد دارد .
نهم - رساله به « عثمان بستی » طبع حیدر آباد 1321 هجری
دهم - مجادله لاحد الدهرین ، نسخه خطی قاهره
یازدهم - معرفت مذاهب نسخه خطی کلکته و رامپور و پترسبورگ
دوازدهم - نصایح خطی اسکندریه
سیزدهم - ضوابط ثلاثه خطی
چهاردهم - رساله فرایض خطی
پانزدهم - دعاء ماه ثور خطی
شانزدهم - منبهاات علی امور واجبات منظوم خطی
هفدهم - قصیده خطی در ایاصوفیا ... و غیره می باشد .
 در مورد زعامت علمی مدرسه فقهیه ابوحنیفه استاد مولانا عبدالاحد لمقانی تزیل بمبائی از دلایل مقننه تاریخی مینویسد :
 جهت فراگیری تعلیم از هر گوشه و کنار ممالک اسلامی که آوازه امام اعظم را شنیده بودند به کوفه آمده در صف تدریس شان اشتراک می کردند و بشرف شاگردی او افتخار داشتند .

نمی شود که بتذکر اسامی و اشخاصیکه از ممالک اسلامی به حلقهٔ تعلیم ابوحنیفه شمولیت ورزیده اند پردازیم صرف متذکر باید شد که سراسر ممالک اسلامی و خطهٔ اسلام اهالی بغرض تحصیل و تکمیل علوم بخدمت ذیشرف امام اعظم ابو حنیفه نعمان مشرف شده اند . که از آنجمله دستهٔ متعددی از خراسان (بصورت خاص : هرات ، کابل ، بلخ ...) بدرسگاه ابو حنیفه به کوفه زیاده از پنجاه تن شمولیت داشتند .

همچنان شیخ دکتر محمدحسین ذهبی ، متولد 1333ق . / 1915 میلادی ، در کتاب معجم المصنفین خود مینویسد " ... مدرسه فقهی امام اعظم براساس احتیاجات و حیات مردم آن عصر که اکثریت مطلق آنها مولی (ایرانی) بودند در کوفه بنا شده بود ، و در شاگردی و پیروان او که از مشاهیر ایشان « 880 » تن را شمرده اند ، جمع کثیری از خراسانیان هم بودند . که مبدأ فکری و تشریحی او را در تمام عالم اسلام و مخصوصاً در خراسان زمین ترویج و تبلیغ نمودند . و از این گروه فقیهان حنفی ، آنانیکه به قرن دوم و سوم هجری قمری متعلق اند برخی از ایشان را در این جا نام می گیریم :

- 1 - ابو مطیع حکم فرزند عبدالله بلخی قاضی مشهور متوفا 199 هـ . م 814 .
- 2 - ابو عبدالله حسین فرزند محمد از نوادهٔ خسرو بلخی متوفا 222 هـ . م 837 .
- 3 - ابو عمرو حفص فرزند عبدالرحمان بلخی قاضی نیشابور... متوفا 199 هـ . م 814 .
- 4 - خالد فرزند سلیمان بلخی

- 5 - ابو عبدالرحمان مسلم فرزند سالم بلخی
- 6 - عبدالوهاب فرزند عبد ربه بلخی
- 7 - عتاب فرزند محمد فرزند شوذب بلخی
- 8 - عمر فرزند رباح قاضی بلخ متوفا 171 هـ. 787 میلادی
- 9 - مکی فرزند ابراهیم بلخی
- 10 - ابوسهل نصر فرزند عبدالکریم بلخی
- 11 - ابو بسطام مقاتل فرزند حیان بلخی
- 12 - متوکل فرزند عمران بلخی از زاهدان خراسان
- 13 - متوکل فرزند شداد بلخی
- 14 - ابو محمد حسن فرزند محمد لیثی قاضی « مرو » معروف به اعمش
- 15 - ابو حفص عمر فرزند هارون متوفا 194 هـ. 809 م.
- 16 - عصام فرزند یوسف فقیه محدث 215 خ. 830 م.
- 17 - ابراهیم فرزند ادهم بلخی زاهد و صوفی مشهور (از بلخ) متوفا 162 هـ. 778 م.
- 18 - شقیق فرزند ابراهیم بلخی زاهد صوفی و محدث و فقیه متوفا 194 هـ. 809 م. (39)
- 19 - ابو سلیمان موسی فرزند سلیمان جوزجانی
- 20 - ابو عاصم محمد فرزند فضل فرزند عطیه مروزی
- 21 - ابو عصمه نوح فرزند یزید ابی مریم قاضی ملقب به جامع (40)
- 22 - ابو اسحاق ابراهیم فرزند میمون خراسانی مروزی مقتول
131 هـ. 748 م.

- 23 - عبدالله فرزند مبارک مروزی
- 24 - فضل فرزند موسی « مروی » خراسانی
- 25 - یحیا فرزند نصر از اهل مرو خراسانی
- 26 - اسماعیل فرزند ابراهیم صایغ
- 27 - حسین فرزند واقد امام و قاضی مرو
- 28 - ابو غانم یونس مروزی قاضی از جمله ثقات (معتمد)
- 29 - ابو حمزه محمد فرزند میمون مروزی
- 30 - ابو سهل نصیر فرزند باب مروزی
- 31 - محمد فرزند شجاع فرزند نبهان مروزی
- 32 - سهل فرزند مزاحم مروی که علم را در خراسان نشر کرد وقضای مامون را نپذیرفت .
- 33 - محمد فرزند مزاحم راوی صدوق برادر سهل
- 34 - نصر فرزند شمیل « مروی » امام نحو مشهور
- 35 - ابو مجاهد عبدالله فرزند کیسان مروزی
- 36 - عبدالعزیز مروزی فرزند منیب
- 37 - ابو سعید محمد فرزند میسر صاغانی « چغانی » بلخی
- 38 - محمد فرزند قاسم بخاری
- 39 - اسحاق فرزند مجاهد حنظلی
- 40 - حازم فرزند اسحاق بخاری
- 41 - مجاهد فرزند عمرو قاضی
- 42 - ابو علی خوارزمی قاضی خوارزم
- 43 - اسحاق فرزند ابراهیم قاضی سمرقند

- 44 - ابو مقاتل حفص فرزند سهل سمرقندی
 45 - نصر فرزند ابی عبدالملک عتکی امام اهل سمرقند ، ناشر علوم حدیث و فقه در فرارود
 46 - معجزه فرزند موسی بصری ساکن خوارزم
 47 - ابو مجاهد علی فرزند مسلم کابلی رازی قاضی ری
 48 - ابراهیم فرزند تهمان باشانی هروی مکی
 49 - عائد فرزند حبیب هروی
 50 - کنانه فرزند جبله هروی
 51 - هیاج فرزند بسطام هروی
 52 - معمر فرزند حسین هروی
 53 - مالک فرزند سلیمان قاضی هرات
 54 - اسحاق فرزند سلیمان خراسانی
 55 - ابو نعیم بشار فرزند قیراط نیشابوری
 56 - بشیر فرزند زیاد خراسانی
 57 - ابو علی جارود فرزند یزید نیشابوری
 58 - ابو علی حسین فرزند ولید نیشابوری
 59 - زید فرزند حباب فرزند حسن خراسانی
 60 - ابو صالح شعیب فرزند حرب خراسانی
 61 - ابو علی نفیل فرزند عیاض خراسانی
 62 - ابو مُنذر نعمان فرزند عبدالاسلام نیشابوری
 63 - ابو عثمان سعید فرزند سالم قداح خراسانی مکی
 64 - ابوسفیان نسائی قاضی مرو
 65 - قضاة نسائی

- 66 - عامر فرزند فرات نسائی
 67 - ابوالحجاج خارجه فرزند مُصعب از اهل سرخس
 68 - عماره قاضی سرخس
 69 - عبدالعزیز خالد ترمذی امام و قاضی ترمذ و چغانیان
 70 - زیاد فرزند عبدالعزیز قاضی
 71 - اسرائیل فرزند زیاد ترمذی از مجاهیل
 72 - عثمان بستی
 73 - ایس فرزند عبدالله فضل سجزی از سیستان (41)

ویژگی های شخصیت امام اعظم ابوحنیفه و انعقاد تدوین معرفت وی

خداوند سوای حُسن سیرت امام اعظم ابوحنیفه را حُسن صورت و جمال خوبی نیز به او ارزانی داشته بود . حلیهٔ شان میانه قد ، نیکو روی ، موزون اندام ، خوش آهنگ ، فصیح بیان ، خوش محضر و کریم ... بود .

قاضی ابو یوسف در مورد اخلاق و آداب و عادات حمیدهٔ وی چنین بیان می کند : " نهایت متقی و پرهیزگار از منہیات و مکروهات مجتنب اکثراً ساکت و متفکر و در مقابل شخصی که از وی مسأله را می پرسید اگر معلومات می داشت ، بجوابش می پرداخت و یا خاموشی را اختیار می کرد .

نهایت سخاوت پیشه و فیاض بود و گاهی بنزد کسی حاجت خود را نمی برد از اهل دنیا محترز می بود ، جاه و جلال دنیوی را حقیر می پنداشت از غیبت نهایت بیشتر کناره گیری مینمود ، تذکر اشخاص را بخوبی و صفات حسنه می کرد و یک عالم فاضل و دانشمند عالی بود که علم و کمال خویش را مانند مال و هستی خویش به کمال دریادلی (جوانمردی) صرف می نمود .

- لیث فرزند سعد از ائمه مشهور بصری است ، میگوید : " تعریف ابو حنیفه را بسیار می شنیدم و بیشتر خواهش مند ملاقات او بودم تا اینکه در موقع حج با او اتفاقاً ملاقی شدم و پرسش های که از وی می شد برحاضر جوابی وی بسیار تعجب و حیرت مرا دست داد . "

- یحیی فرزند معین میگوید : " در نزد من قرانت ، قرانت حمزه و فقه ، فقه ابوحنیفه است "

- جعفر فرزند ربیع می گوید : " پنج سال ملازم ابو حنیفه بودم ، هیچکس را کم سخن تر از او ندیدم ، اما چون سخن از فقه میرفت ، برمیشگفت و چون سیلی روان می نمود و او امام قیاس است . " امام اعظم ابوحنیفه در حل قضایا از خود مفکوره و رأی علیحده میداشت ، اما وی بر صاحب رأی دیگر ابدأ الزام کفر و فسق را نمی نمود . این (اتحاد خواهی و فیاض دلی یا کثرت گرایی اندیشه) یکی از خواص ویژه امام اعظم ابو حنیفه به شمار رفته است که در عالم اسلام بعد از قرون اولی در اقصا و ولایه های اجتماعی اعلا و ادنا ابدأ نظیر آن به نظر نمی رسد .

از آرای امام اعظم ابوحنیفه این اصل را میتوان آموخت که ما بایست با تکثر و تعدد عقاید و آراء انسانها احترام قائل باشیم . و مشروعیت عقلی و عرفی و کلامی را منحصر به مبانی فکری خودمان ندانیم .

واقعاً که این بزرگمرد تاریخ اسلام و جهان بشریت زیاده از یک هزار و سیصد و یازده سال پیشتر از امروز ، با فکر خلاق و چشم تیز بین خود اهمیت و ضرورت و مفاد کثرت گرایی اندیشه را که سنگ پایه معنوی باهم بودن و کنار هم زیستن انسان را بنمایش می گذارد ، عمیقاً درک کرده و دیده بود .

به این مفهوم که : انسانها در محیط های متفاوت پرورش می یابند از خصوصیات روحی و روانی متفاوتی برخوردار می شوند . پس طبیعی ست که در اموری میتوانند با هم موافق نباشند . اما این تفاوت های اندیشه نباید در همزیستی مسالمت آمیز ما تاثیر نامطلوب گذارد.

اندیشه امام اعظم ابوحنیفه گویای این امر است که بفمیم ! می توانیم با انسان هایی که هم از نظر اعتقادی و هم از مناظر دیگر با ما تفاوت دارند ، زندگی کنیم . اساس کثرت گرایی نیز همین است .

– امام اعظم ابوحنیفه در تدوین کارنامه بزرگ علوم فقهیه با پیروی از اصل کار مشترک علمی ، " نوات مقری را از شاگردان نامی خود که مساعدت و معاونت آنها برای تدوین مسایل فقهیه نهایت ضروری بود و آنها در آن علوم و فنون دست دراز و معلومات کافیه داشتند ، انتخاب نمود .

بگونه مثال : یحیی فرزند ابی زایده ، حفص فرزند عیث ، قاضی ابو یوسف ، داود طائی ، حبان و مندل ، امام زفر ، قاسم و امام محمد ، یوسف فرزند خالد التیمی ، اسد فرزند عمر و دیگران .
امام اعظم ابوحنیفه با این شاگردان دانشور خویش یک مجلس مشترک با قاعده تدوین و ترتیب علوم فقهیه را انعقاد داد .

امام تحاوی به سند متصل از اسد فرزند فرات روایت می کند که عده آن شاگردان ابوحنیفه که با وی در تدوین مسایل فقهیه شرکت و معاونت نموده اند ، چهل نفر بود.

طریق تدوین مسایل در آن مجلس چنین بود که اولاً مسأله مخصوص مطرح مذاکره این مجلس قرار می گرفت ، اگر در جواب آن رأی متفق می داشتند عاجل به تحریر آن می پرداختند و اگر در آن موضوع اختلاف اندیشه بوجود می آمد ، بکمال آزادی در آن سرگرم بحث و مذاکره میشدند . اکثر اوقات این بحث و مذاکره به درازا می کشید و جناب امام اعظم ابوحنیفه با کمال غور و دقت و تحمل به استماع تقریر آن می پرداخت و در خاتمه آن چنان جواب پرمغز و عالمانه را میفرمود که برای معارضین سواء از تسلیم دیگر چاره نمی ماند .

در بعضی اوقات با وجودیکه امام اعظم در موضوعی اظهار رأی می نمود با هم برخی از شاگردان شان همچنان برمفکوره های شان قایم بوده در نتیجه نه تنها رأی امام اعظم ابو خنیفه بلکه رأی دیگران هم بصورت کل در قید تحریر می آمد . یکی از شرایط این مجلس آن بود که تا تمام اعضای آن مجموعه نمی بودند ، هیچ یک مسأله را طی نمی نمودند . سلسله تدوین مسایل و معرفت فقهیه قسمی که شرحه داده شد در مدت سی سال (43) به انجام رسید .

برخی از وصایای امام اعظم أبوحنیفه نعمان به فرزندش حماد(44)جناب مبارک امام اعظم خطاب به پسرش جهت حصول سعادت دنیا و آخرت میگوید :

فرزندم ! خداوند ترا براه راست ارشاد و تأیید کند، می خواهم ترا چند وصیت کنم که اگر آنها را بیاد سپاری و در عمل پیاده کنی امیدوارم که بتوکل خداوند سعادت دنیا و آخرت را حاصل کنی.

1 - اولین آن تقوا است، که اعضاء و جوارح خود را بخاطر ترس از خداوند از گناهان محفوظ بداری و اوامر و دستورات پروردگارت را جهت عبودیت و بندگی همواره بجای آوری.

2 - اینکه آنچه را احساس کردی که به دانستن و آموختن آن محتاجی ، بیشتر خود را در جهل و نادانی مگذار و هر چه سریعتر آنرا بیاموز.

- 3 - کسی که در امور دین و دنیا به وی محتاج نیستی با وی نشست و برخاست مکن.
- 4 - اینکه حقی که دیگران را ذمه تو دارند با انصاف ادا کن و اگر تو بر ذمه دیگران حقی داشتی هرگز برای خودت طالب انصاف مشو، مگر اینکه ضرورتی باشد.
- 5 - هیچگاه با مسلمان یا زمی (یک تن از اهل کتاب) دشمنی مکن.
- 6 - بر آنچه که خداوند از مال دنیا و مقام و مرتبه به تو عنایت کرده قناعت کن.
- 7 - آنچه در دست داری با حسن تدبیر مصرف کن تا از مردم بی نیاز باشی.
- 8 - خودت را در چشم دیگران بی ارزش مگردان.
- 9 - خودت را از مداخلت در کارهای پوچ و بی معنی باز مدار.
- 10 - هنگام برخورد با مردم در سلام دادن پیشدستی نما، چون سخن گفتی نیکو بگو، با مردم خوب دوستی و محبت پیشه کن، و با بدان مدارا داشته باش.

-
- 11 - ذکر خدا را بیشتر بکن.
- 12 - از دوستان بیشتر از دشمنان حذر کن، چونکه فساد در میان مردم گسترش یافته است چه بس ممکن است دوستت به دشمن تبدیل شود.
- 13 - با همسایه خوش رفتاری نما و بر آزار و اذیت آن صبر کن .
- 14 - مذهب اهل سنت و جماعت را همواره لازم بگیر و از جاهلان و گمراهان بپرهیز.
- 15 - در تمام کارها نیت خودت را خالص گردان و در هر صورت کوشش کن که حلال بخوری.
- 16 - اینکه تا سالم هستی در میان ترس و امید قرار داشته باش، و با حُسن گمان به خدا، و غلبهٔ امید، با قلبی سالم بمیر، که خداوند بخشنده و مهربان است .

منابع و مأخذ و شرح و اثره ها :

- 1- رجوع شود به :
 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم ، سال ، 1376 ، جلد 5 ، ص 92 . و
 - اللؤلؤ والمرجان ، دکتر فؤاد ، عبدالنبي، محمد ، دار احیاء الکتب العربیة، چاپ دمشق، سال انتشار 1955 م .
 - خطیب بغدادی، احمد فرزند علی فرزند ثابت بغدادی [463-392هـ =1072-1002م] از مؤرخین قرن پنجم
 - خطیب بغدادی، ابی بکر احمد فرزند علی، تاریخ بغداد او مدینة السلام، ج13 ، ص6 ، 325، 326.
 - عبدالقادر فرزند ابی الوفاء قریشی متوفی 775هـ = 1375م کتاب او در طبقات حنفیه است.
 - عبدالقادر فرزند ابی الوفاء الجواهر المزیئة، جزء اول ص 85 .
 - ابن خلکان، ابی العباس شمس الدین احمد فرزند محمد، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان ج 5 ، ص405.
 - بلاذری، احمد فرزند یحیی فرزند جابر، فتوح البلدان ، ج 2 ، ص 489 . و ج 5 ، ص405 .
 - ابن خلکان، وفيات الاعیان ترجمه، احمد فرزند محمد سنجرى، ج 3 ، ص 359 .

- رساله: امام اعظم و مذهب حنفی، پژوهش و نگارنده: دوکتور غلام غوث خطیبی، چاپ دوم، سال 2008 هامبورگ جرمنی، ص 36 - 37.

- عمر فرزند اسحاق بن احمد غزنوی سراج الدین ابوحفص هندی و سپس مصری فقیه حنفی [773-704 هـ = 1372-1305 م].

2- ابو اسماعیل حماد بن ابی سلیمان از آریائیان مقیم کوفه است. پدرش فرمانروای اصفهان بود که در جریان فتح آن شهر در زمان خلیفه دوم حضرت عمر به دست ابو موسی اشعری به همراه خانواده اسیر شد و سپس در حضور خلیفه دوم، اسلام آورد. وی از جمله ده موالی بود که معاویه در جریان جنگ صفین به ابوموسی اشعری بخشید و ابوموسی او را به پسرش ابراهیم داد و ابراهیم او را آزاد کرد و سپس پدر حماد در کوفه ساکن گشت. رجوع شود به:

کتاب: «راویان مشترک»، حسن عزیزی، پرویز رستگار، یوسف بیات، دفتر تبلیغات اسلامی قم، 1381 شمسی، ج 1، ص 262.

3- علویون امروزه در شمال لبنان و ساحل سوریه و کوه های علویین و مناطق اسکندرون و بعضی مناطق جنوبی ترکیه ساکن هستند.

از نظر اعتقادی عقائد آنها از عقائد شیعه اثنی عشری جدا نیست؛ زیرا علویین مانند شیعه امامیه (اثنی عشری) به رسالت حضرت محمد فرزند عبدالله - و امامت و خلافت و وصایت بلافضل امیرالمؤمنین حضرت علی - و یازده فرزندش معتقد هستند و به فقه شیعه جعفری عمل می کنند و ادله تشریح را «قرآن، سنت اجماع و عقل»، می دانند.

و اصول دین را پنج تا «توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد» و فروع دین را ده تا «نماز، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری» و دین اسلام را آخرین و کامل ترین ادیان می دانند؛ و به آنچه که پیامبر اسلام - آورده ملتزم هستند. رجوع شود به :

- یحیی امین ، شریف : فرهنگنامه فرقه های اسلامی ، ترجمه محمد رضا موحدی ، تهران ، انتشارات باز ، چاپ اول ، 1378 ش ، ص 202.

- هاشم عثمان ، العلویون بین الاسطورة و الحقیقة ، بیروت ، مؤسسه اعلمی مطبوعات، چاپ دوم ، 1414 هـ، 1994 م ، ص 17 - 24، به سبحانی، جعفر، بحوث فی الملل و النحل، قم، مؤسسه امام صادق - علیه السلام - ، چاپ اول، 1418 هـ، ج 8، ص 405 - 408.

4 - ابن خلدون ، مقدمة ابن خلدون، ج 1، ص 255 (المکتبة الشاملة 2).

5 - صحابه یا اصحاب (بمعنای یاران)، مردانی هستند که شخصاً محمد، پیامبر اسلام را دیده‌اند و سخنش را شنیده و در زمان حیات او اسلام آورده اند. مفرد آن را صحابی می‌گویند. یاران زن محمد را صحابیات می‌گویند.

6- تابعین دومین نسل از مسلمانان هستند ، افرادی که یک یا چند تن از صحابه را ملاقات کرده. کسانی که در زمان صحابه اسلام آورده‌اند و در حال ایمان از دنیا رفته اند را تابعین می گویند. این دسته از سلف صالح معرفی می شوند.

تابعین، و به رسالت پیامبر اسلام ایمان داشته و با ایمان از دنیا رفته اند ولی پیامبر اسلام را ملاقات نکرده اند.

7- تاریخ ادبیات در ایران ، مؤلف : دکتر ذبیح الله صفا ، ج اول ، چاپ چهاردهم 1375 ، باب اول (فصل سوم) ، ص 77 .

8 - مذاهب چهارگانه سنت و جماعت عبارات اند از :- مذهب حنفی ، مذهب مالکی ، مذهب شافعی ، مذهب حنبلی .

9 - ابوبکر خوارزمی ، محمد فرزند عباس شاعر و ادیب مشهور معروف به تبرخزی خواهرزاده ابوجعفر محمد فرزند جریر تبری مورخ جلیل . او مدتی به شام و سپس در حلب اقامت گزید. و آنگاه که صاحب فرزند عباد به ارجان بود قصد زیارت صاحب کرد. و گویند بیکی از دربانان صاحب گفت که به این عباد بگوید مردی از ادبا بر در است صاحب پیام داد که من بر تن خویش الزام کرده ام تا ادیبی بیست هزار بیت از بر نداشته باشد نپذیرم ابوبکر گفت از صاحب پرسید بیست هزار بیت از مردان یا زنان . صاحب گفت این مرد ابوبکر است و او را بار داد و مقدمش را گرامی داشت . و ابوبکر را دیوان رسائل و دیوان شعر است و چون از شام بازگشت به نیشابور مقیم شد و در آنجا به سال 383 هـ . ق . بمرد. و او را تبرخزی از آنروی میخواندند که مادر او تبری و پدر او خوارزمی بود. رسائل خوارزمی به طبع رسیده است .

10 - رجوع شود به : لغت نامه دهخدا تحت واژه « ابوبکر خوارزمی ».

11 - افکار و روزگار امام اعظم از نگاه محققان ، تهیه کننده : جعفر رنجبر ، سال 2009 ، تاجیکستان ، دوشنبه ، ص 12 / 13 ، با اضافات این قلم .

12 - تاریخ تبری ، نویسنده : محمد فرزند جریر تبری ، در 16 جلد ، جلد 5 ، ص 516 .
- فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، جلد 6 ، ص 2278 .

13 - ابوحنیفه حیاته و عصره ، فقه و آرائه . تألیف محمد ابوزهره ، صفحه 15 .

14 - رجوع شود بسایت

(www.ghadeer.org/site/dowran/iran/mota/12.html)

15 - قرآن :

در باور مسلمانان، این کتاب در یک دوره 23 ساله از جانب خدا و از طریق جبرئیل بر محمد، که او را آخرین پیامبر می خوانند، فرودستاده شده است. مجموع این فرودستاده ها (وحی) به شکل کتابی گردآوری شده که قرآن نام دارد. قرآن دارای 30 جزء، 114 سوره و 6236 (عدد کوفی) = 6226 (عدد شامی) = 6214 (عدد مدنی) = 6204 (عدد بصری) آیه است.

16 - سنت :

سنت در فارسی به معنای راه و روش ، طریقه وقانون ، آیین و رسم و نهاد تعبیر شده است .

بقول خاقانی . سنت سه گونه است :

1 - قول ،

2 - فعل و

3 - اقرار.

- قول ، هرچه از گفته پیامبر اسلام روایت شده است .

- فعل ، آنچه از کردار آن حضرت روایت شده است .

- اقرار، آنچه روایت شده که اعمالی را مردم کرده اند و پیامبر بر آنان ایراد نگرفته و انکار نفرموده است .

17 - قول صحابه :

صحابه از خود پیامبر اسلام وحی را همانطور که بود و دست نخورده فرا می گرفتند و سخن وحی را مستقیم از زبان پیامبر می شنیدند.

18 - قیاس و رأی :

فقه اسلامی در میان اهل تسنن بدو سیستم فکری منقسم می شود .

1- سیستم اهل حدیث

2- سیستم اهل رأی و قیاس

چنان که در فوق تذکر رفت : اسلوب فهمیدن و دانستن حقایق در رویکرد های فکری امام اعظم و (مذهب حنفی) متکی به قیاس و رأی بود . آنها اگر حکمی را در قرآن یا سنت، قطعی نمی یافتند به احادیث منقوله چندان اعتماد نمی کردند زیرا آنها را غالباً مجعول (جعل شده) یا تحریف شده می دانستند.

اهل رأی و قیاس معتقد بودند که " عدالت " و " مصلحت " می تواند راهنمای خوبی برای فقیه باشد. اینجا بود که فقیه، خود را موظف می دید که درباره آنچه " مقتضای عدالت " است و آنچه مصلحت اقتضا می کند بیندیشد. واژه های از قبیل " استحسان " یا " استصلاح " از همین جا پیدا شد.

19 - استحسان :

یکی از اصول فقه است و عبارت از ترک کردن قیاس و اختیارکردن چیزی است که اخذ آن برای مردم آسان باشد.
رجوع شود به : به لغت نامه دهخدا

20- اجماع :

اجماع عزم کردن بر کاری اتفاق کردن جماعت بر کاری در فرهنگ فارسی بمعنی عزم و اتفاق است و در مفهوم عبارت است از اتفاق کردن مجتهدین اسلام در یک عصر در خصوص امری دینی .

21- عرف :

عرف عادت‌ها و رسومی است که سرشت‌های سالم آن را به قسم کلی پذیرفته‌اند و یا بگونه ای افراد در مسئله حیاتی مشخصی از آن پیروی می‌کنند و اجرای آن را روا می‌دارند.

همچنان عرف به مجموعه‌ای از توافقات و یا معیارها و هنجارها اجتماعی گفته می‌شود که از سوی عموم مردم پذیرفته شده باشد. یا بعباره دیگر :

روش خاصی است ، بدون آنکه در قانون ذکری از آن رفته باشد. یعنی عرف قانون نانوشته است.

22 - تاریخ ادبیات در ایران ، مؤلف : دکتر ذبیح الله صفا ، ج اول ، چاپ چهاردهم 1375 ، باب اول (فصل سوم) ، ص 77 ، 78 ، 79 .

23 - رجوع شود به کتاب : (درالمختار) ج 1 ، ص 43 ، همراه با حاشیه ابن عابدین .

24 - جریان های اصلی کلامی اهل سنت بر چهار است :

- ماتریدی :

- اشاعره : جریان کلامی است که بر پیروان مکتب ابوالحسن علی فرزند اسماعیل اشعری گفته می‌شود .

اشاعره در معنای عام به سنت گرایان یا اهل سنت و جماعت اطلاق می‌گردد ، یعنی آنان که در برابر خردگرایان معتزلی ، بر نقل (= قرآن و سنت) تأکید می‌ورزند و نقل را بر عقل ترجیح می‌دهند.

- رجوع شود به : مرکز دایره معارف بزرگ اسلامی ، کتاب خانه دیجیتال ، اشاعره ، جلد 8 .

- اثری:

- معتزله : از جریان‌های اصلی کلامی در میان اهل سنت است. ایشان بر خلاف اهل حدیث که توجه به انبوه حدیث‌های اصیل و جعلی پیامبر و صحابه را مورد توجه خود قرار داده بودند، عقل و خرد را به تنهایی برای پیروی از اسلام راستین کافی می‌دانستند. و گاهی نظرات فلاسفه را با دین مخلوط می‌ساختند. بعد ها اشاعره برخاستند و جانشین اهل حدیث شدند. اشاعره را می‌توان جمع میان معتزله و اهل حدیث دانست ولی آن‌ها نیز عقاید معتزله را مردود می‌دانستند.
25 - همانجا ، ص 81 .

26 - همانجا ، ص 75 .

27 - حَجْر : یعنی انسان به جهت یکی از هفت امری که در زیر بیان می‌شود .:

- بچه بودن ، دیوانه بودن ، سفیه بودن ، مفلس بودن ، بیمار بودن ، برده بودن . مردن ؛ نتواند در تمام یا قسمتی از اموال خود ، تصرف کند.

28 - رجوع شود به : دانه معارف بزرگ اسلامی - تدلیس و دانشنامه آزاد .

29 - افکار و روزگار امام اعظم از نگاه محققان ، تهیه کننده : جعفر رنجبر ، سال 2009 ، تاجیکستان ، دوشنبه ، ص 6 ، با اضافات این قلم .

- 30 - ویکی نور ، دانشنامه تخصصی کتاب شناسی و زندگی نامه
 31 - رجوع شود به مقدمه و متن کتاب ، ج 1 ، از ص 5 - 21 .
 32 - طباطبایی، سید کاظم، «مسندنویسی در تاریخ حدیث»، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، 1377.
 33- مختاری، علی، «مسند و مسندنویسی»، پایگاه مجلات تخصصی نور، مجله: علوم حدیث، تابستان 1376، شماره 4 ISC (11 صفحه، از 44 تا 54).
 34 - طباطبایی، سید کاظم، «مسندنویسی در تاریخ حدیث»، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، 1377. ص 89 - 90 .
 35- رجوع شود به : طباطبایی، سید کاظم، «مسندنویسی در تاریخ حدیث»، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، 1377. ص 90 .
 36 - همان، ص 183-184
 37 - یوسفی اشکوری، حسن، «دائرةالمعارف بزرگ اسلامی»، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، 1374. ص 183 - 184 .
 38 - مجموعه وصایای امام ابوحنیفه ، تألیف : مولانا مفتی محمد عاشق الهی بلند شهری ، ترجمه : عبدالله حیدری ، تاریخ انتشار : 1394 شمسی ، ص 9 - 20 .

- 39 - افکار و روزگار امام اعظم از نگاه محققان ، تهیه کننده : جعفر رنجبر ، سال 2009 ، تاجیکستان ، دوشنبه ، ص 12 / 13 ، با اضافات این قلم .
- 40 - معجم المصنفین ، مؤلف : شیخ دکتر محمد حسین ذهبی ، متولد 1333ق . / 1915م میلادی ، از استادان دانشگاه الازهر مصر ، ص 2 / 53 بیعد .
- 41 - رجوع شود به کتاب : گرانقدر انیس الاعلام فی نصره الاسلام نوشته محمد صادق ارومی ملقب به فخر الاسلام ، تنظیم کننده : آقای سید عبدالرحیم خلخالی (البته با کمی تغییرات جهت ساده و سلیس شدن متن) ص 27/9 .
- 42 - رجوع شود به کتاب : معجم المصنفین ، مؤلف : شیخ دکتر محمد حسین ذهبی ، متولد 1333ق . / 1915م میلادی ، از استادان دانشگاه الازهر مصر ، ص 2 / 53 بیعد .
- 34 - و رساله : امام اعظم و مذهب حنفی ، پژوهش و نگارنده : دوکتور غلام غوث خطیبی ، چاپ دوم ، سال 2008 هامبورگ جرمنی ، ص 34
- 43 - امام اعظم و مذهب حنفی ، پژوهش و نگارنده : دوکتور غلام غوث خطیبی ، چاپ دوم ، سال 2008 هامبورگ جرمنی ، ص 24 .
- 44 - « مجموعه وصایای امام اعظم أبو حنیفه نعمان » ، تألیف : مولانا مفتی محمد عاشق الهی بلند شهری ، ترجمه : عبدالله حیدری .

آموزش و مقام علمی امام بخاری

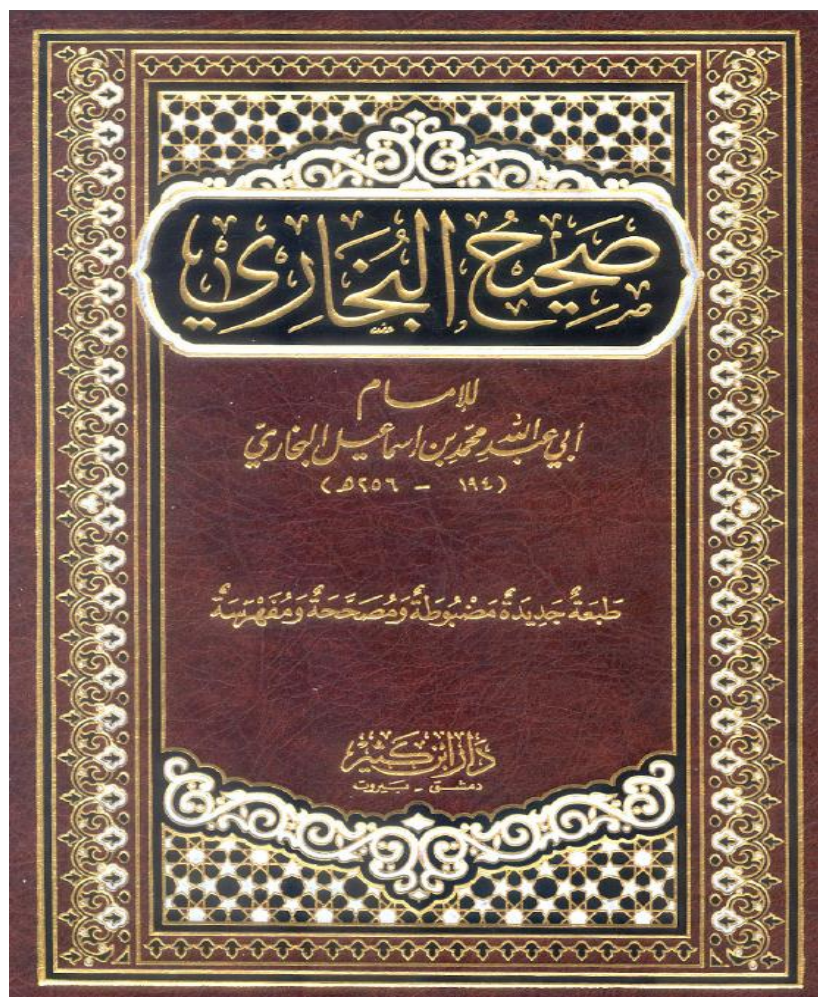
Imam Bukhari (810-870)

زندگی ، سیر و سلوک ، سیرت و بینش ، معرفت و کرامت امام بخاری بزرگ تاجیک ایرانی را نمیتوان در چند جمله مجرد بتشریح گرفت . زیرا اندیشه ، آموزش و آگاهی فرزند پاکیزه سرزمین خراسان مانند نوری ، در فرا راه رهروان اهل سنت و جماعت دین اسلام پیوسته درشعایش است ، فرزندی که جهان غرق شهرت علمی و زهد او بوده و نام مبارکش با حدیث و سنت در آمیخته است .

به ادامه ادای رسالت بمناسبت معرفی ارزشهای فرهنگی و تاریخی نیاکان ، جا دارد که با ایجاز کامل گونه هایی از فراز آموزش بکر و ناب امام بخاری را بتأمل گیریم .

عبدالله محمد فرزند اسماعیل فرزند ابراهیم فرزند مغیره فرزند بردزبه بخاری بتاریخ 12 آبان (عقرب) 194 هـ . ق . یعنی 44 سال پس از فوت امام اعظم ابوحنیفه ، دربخارا بدنیا آمد وبسال 256 هـ . ق . ، به سن شصت ودوسالگی در دیه فرهنگ ، در 62 کیلو متری سمرقند درگذشته ودر همانجا مدفون است . اوازپدرش مال زیادی را به ارث برد که زمینه سازی برای فراگیری علم و معرفت وی گردید .

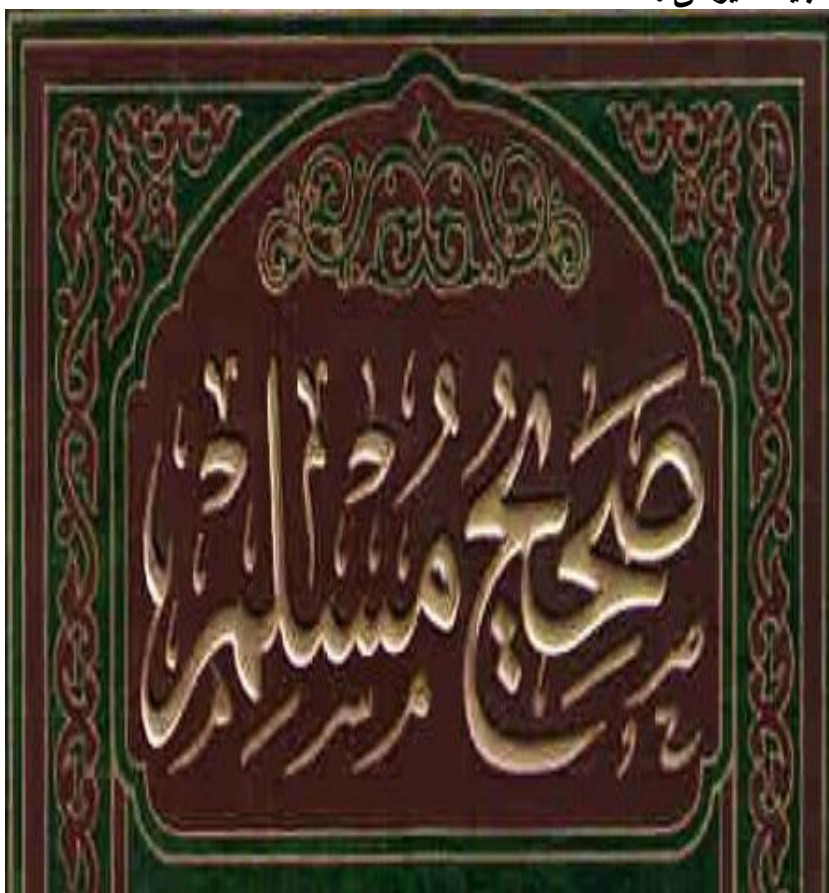
عبدالله معروف به امام بخاری ، نویسنده کتاب " صحیح بخاری " است



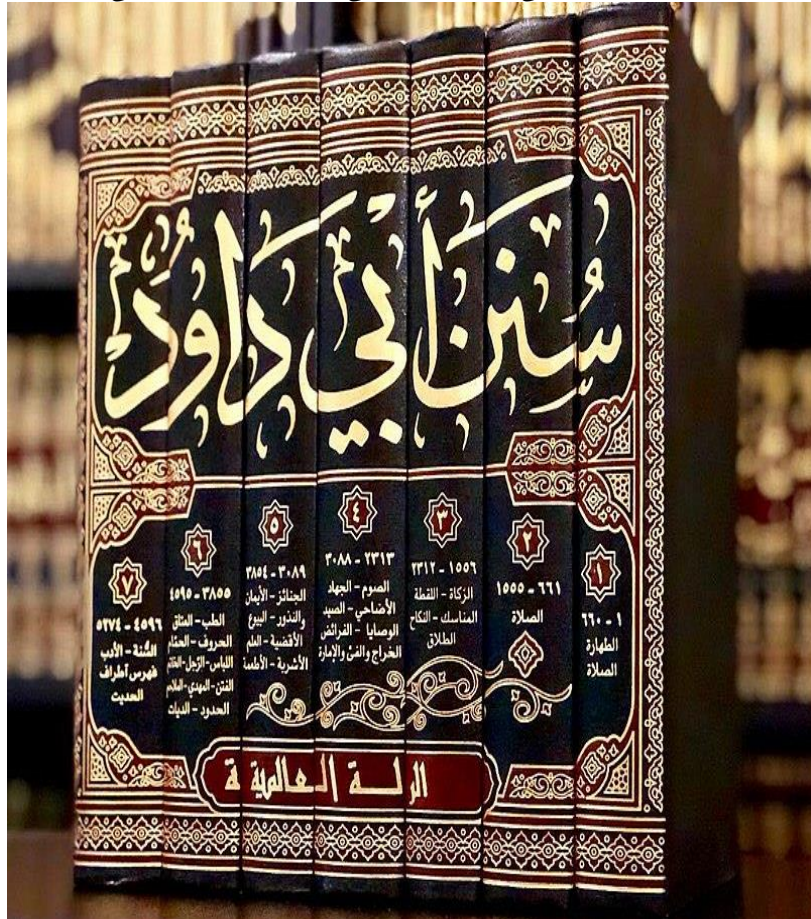
که تألیف آن مدت شانزده سال را دربر گرفت. ویکی از کتابهای شش گانه کُتب کلام با ارزش نزد اهل سنت می باشد و این کتابها بوسیله دانشمندان اهل سنت و جماعت مطالعه و استفاده می شود. و عبارت اند از :

1 - صحیح بخاری ، نویسنده امام بخاری .

2 - صحیح مسلم، نویسنده : مسلم نیشابوری (206 - 261 هـ . ق .)
تاجیک ایرانی .



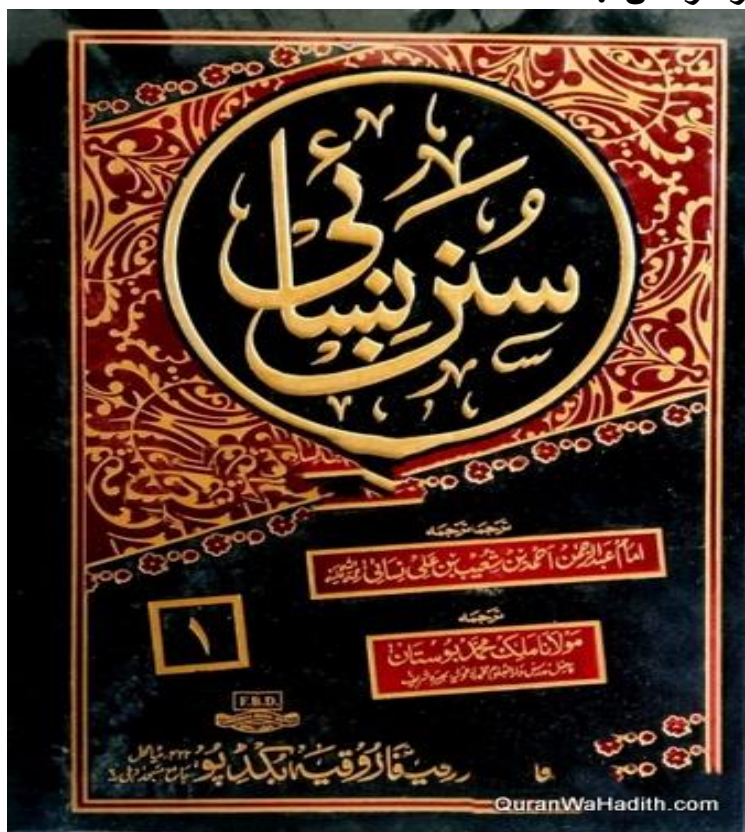
3 - سنن ابوداود سیستانی تاجیک ایرانی ، نویسنده سنن ابی داود :



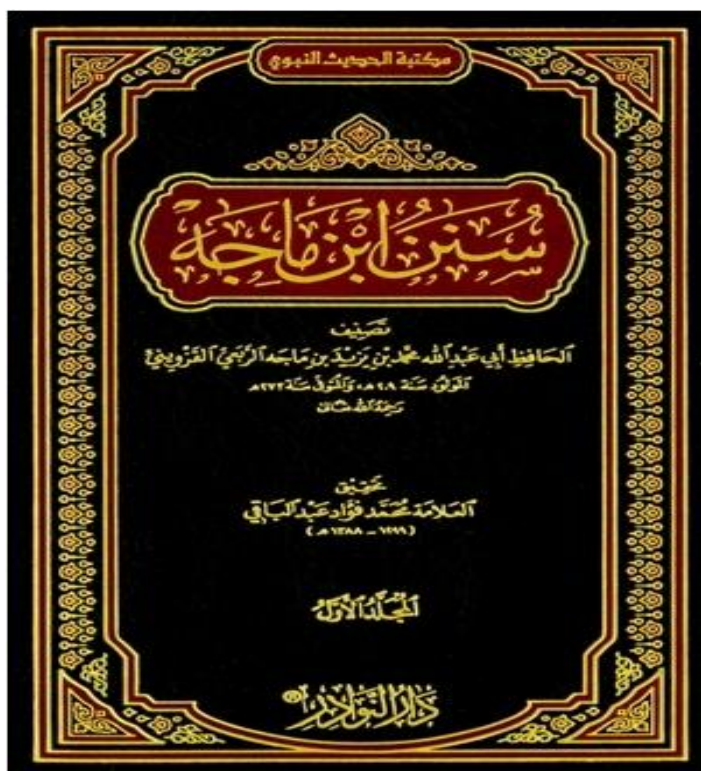
4 - ابو عیسی محمد سنن ترمذی تاجیک ایرانی نویسنده سنن ترمذی :



5 - سنن نسائی ، نویسنده احمد فرزند شعیب نسائی تاجیک ایرانی زاده 235 هجری برابر است به 830 میلادی درنسا نام شهری در نزدیکی مرودر خراسان .



6 - سنن ابن ماجه ، ابن ماجه ابو عبدالله بن يزيد ربعي قزويني (209) - 22 رمضان 275 ق)



این کتاب های ششگانه پس از قرآن کریم با اهمیت ترین و بارزترین منابع دینی است که در دسترس اهل سنت و شیعه قرار دارد .

امام بخاری در سن 16 سالگی همراه مادرو برادرش به مرام حج ، راهی مکه عربستان شد. مادر و برادرش بعد از ادای مناسک حج ، به میهن خویش بازگشت نمودند ، ولی امام بخاری برای کسب علم و فراگیری دانش ، در مکه باقی ماند و در حوزه های علمیه از پیشوایان و بزرگان حدیث آن زمان ، مانند : ابوالولید، احمد فرزند محمد ازرقی نویسنده کتاب مکه و اخبارها و جبالها و او دیتها - اثری جاودانه در تاریخ مکه است ، اسماعیل فرزند سالم ، علامه حمیدی و علمای دیگر، احادیث و علوم شرعی را آموزش دید .

وی بعد از سپری شدن دو سال در مکه ، در سن 18 سالگی ، برای کسب آموزش بیشتر معرفت دینی و احادیث به مدینه رفت .

به این سلسله امام بخاری با داشتن عشق وافر به آموزش و معرفت برای کسب علم و دانش به شهرهای مختلف مانند بصره، کوفه، بغداد، شام، مصر، مرو، بلخ، واسط، نیشابور و ری - که مراکز علمی آن زمان به شمار می آمدند، سفر نمود .

وزمانی که به زادگاهش بخارا برگشت شش صد هزار حدیث باخود آورد، و از آنجمله فقط 7275 حدیث را معتبر دانسته و در تألیف کتاب مشهور خود موسوم به " صحیح بخاری " جای داد . امام بخاری تفسیری هم در قرآن دارد .

اصل و نسب امام بخاری تاجیک تبار ایرانی ، زبان مادری اش فارسی بود. خطیب حافظ ابی بکر احمد فرزند علی فرزند ثابت بغدادی گفته است :

" که بردزبه جد اعلای امام بخاری زرتشتی بوده و بر دین زرتشتی هم از دنیا رفته است زیرا اسلام تا آن زمان هنوز وارد خراسان نشده بود. خانواده بردزبه در بخارا که یکی از شهرهای خراسان آن زمان بود اقامت داشتند ولی مغیره پسر او به دست یمان بخاری جعفی والی بخارا ایمان آورده است .

پدرش اسماعیل یکی از علمای حدیث در آن زمان بود. چنانکه فرزند حبان در کتاب " ثقات " می‌گوید:

اسماعیل از حماد فرزند زید و مالک روایت می‌کرد و علمای عراق از وی روایت می‌کردند. و خود امام بخاری در کتاب " تاریخ کبیر " خود آورده است :

اسماعیل فرزند ابراهیم از حماد فرزند زید و امام مالک علم را فرا گرفته و با عبدالله فرزند مبارک همراه بوده‌است.

امام بخاری از همان آغاز کودکی، مفتون علم حدیث بود و توانایی ویژه در آموزش علم حدیث داشت . نکاوت و تیزهوشی، همت والا و ثروت زیادی که از پدرش به ارث برده بود، او را در این امر، یاری می‌کرد. وی تحصیلات خود را از مکاتب سنتی شهر بخارا آغاز کرد. و در آغاز تحصیل، حفظ حدیث به وی الهام گردید.

چنانکه خودش می‌گوید: در مکتب بودم که حفظ حدیث به من الهام شد در حالی که در آن زمان، ده ساله بودم. امام بخاری پس از تحصیلات ابتدایی در مکاتب سنتی، خیلی زود به حلقه دروس علمای بزرگ شهر بخارا مانند علامه داخلی، روی آورد. امام ائمه حافظ ابو رجاء قتیبه فرزند سعید بغلانی معروف به امام قتیبه درباره مقام علمی اما بخاری چنین می‌نویسد: انسانهای زیادی از شرق و غرب جهان جهت فراگیری دانش حدیث سویم کوچیده‌اند، اما همانند محمد فرزند اسماعیل بخاری هرگز کسی به حدیث سویم نکوچیده است.

امام قتیبه درجایی دیگر می‌گوید:

با فقیهان، زاهدان نشسته ام و از زمانی که صاحب درک و خرد بودم همانند او را ندیدم. او در روزگار خود بسان خلیفه دوم عمر فرزند خطاب (رضی الله عنه) در میان صحابه بوده است. نیز گفته است: "اگر محمد فرزند اسماعیل در میان صحابه بود باز هم نشانه ای از نشانه های الهی می بود."

محمد بن اسماعیل جعفی

تو گویی شد علم او را بخاری

امیر المؤمنین شد در احادیث

چو فضل ذوالجلالش کرد یاری

صحیح جامعش از هر کتابی

اصح آمد پس از فرقان باری

الهی تربتش را رحمت تو

کند سیراب چون ابر بهاری

امام بخاری مردی از تبار نجیب و اصالتمند امام بزرگ حضرت ابوحنیفه بود، که 44 سال پس از وفات امام بزرگ در بخارای شریف چشم به جهان گشود و راه و روش شاذ و پاک تینت همتبارش امام بزرگ را ادامه داد و سرانجام در راه حق و یکتاپرستی همچو نور افشانی، در آسمان دانش بشری منبع نور گردید.

آثار علمی و تألیفات امام بخاری :

یک - صحیح بخاری که در فوق ذکرش رفت یکی از مشهورترین کتابهای اوست و خود مؤلف آنرا "جامع مختصر در سنن پیامبر خدا" نام داده است، تألیفات زیر شروع معروف، پژوهش و تمجید و ستایش و باز شناختی از اهمیت و ارزش "جامع صحیح بخاری" می باشد.

1-1- فتح باری در شرح صحیح بخاری، از حافظ، علامه، شیخ اسلام ابی الفضل احمد علی فرزند حجر اسقلانی متوفی (852 هجری).

2-1- عمده القاری فی شرح صحیح بخاری، از حافظ، علامه بدرالدین ابی محمد فرزند محمود فرزند احمد عینی حنفی متوفی (855 هجری).

1-3- ارشاد الساری فی شرح صحیح بخاری، از علامه شهاب الدین احمد فرزند محمد خطیب قسطلانی مصری متوفی (923 هجری).

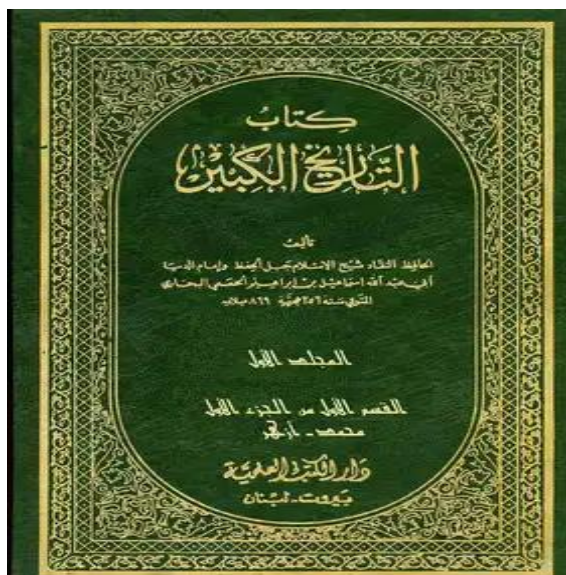
1-4- کوکب الدراری فی شرح صحیح بخاری، از علامه شمس الدین محمد فرزند یوسف علی کرمانی متوفی (792 هجری).

1-5- اعلام السنن یا اعلام المحدث فی شرح صحیح بخاری، از علامه فقیه و ادیب، امام ابو سلیمان احمد فرزند محمد فرزند ابراهیم فرزند خطاب بستی متوفی (388 هجری).

1-6- شرح صحیح بخاری ابن بطلال، از شیخ، علامه فقیه، ابو الحسن علی فرزند خلف فرزند عبدالملك فرزند بطلال قرطبی متوفی (449 هجری).

1-7- تیسیر القاری شرح فارسی صحیح بخاری، از مولانا نور الحق بخاری جهان آبادی متوفی (1073 هجری)

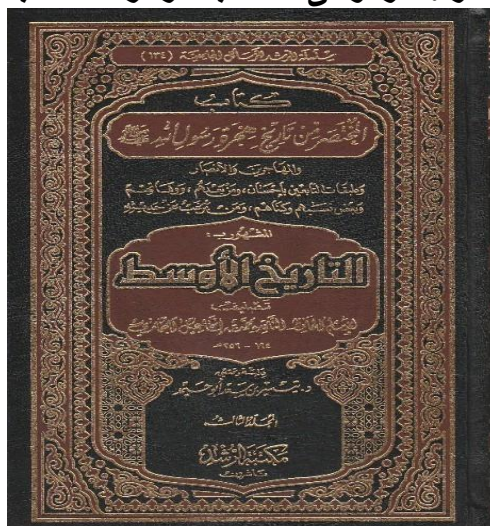
دو - کتاب تاریخ کبیر - امام بخاری ،



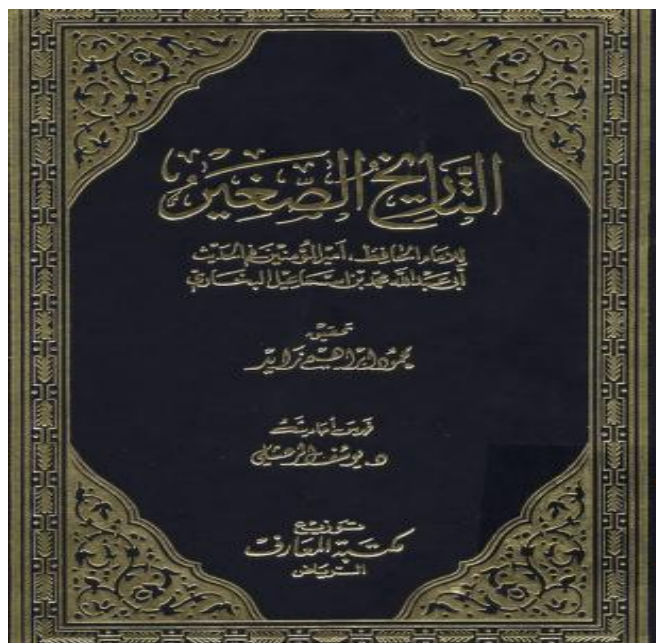
او در نگارش این دانشنامه بزرگ اسلامی چنان بوده که شرح و حال و ترجمه احوال هیچ يك از صحابه و تابعی را نمی نوشته مگر اینکه غسل می نمود و دو رکعت نماز میگذارده است. امام بخاری این کتاب نادر و بی همتا را در سن هژده سالگی در شب های مهتابی میان قبر و منبر آن حضرت صلی الله علیه وسلم می نگاشته است .

بخاری تأکید می ورزد که نام چهل هزار نفر در این کتاب آمده است. گذشتگان نیز آمارهای بالایی از تعداد تراجم این کتاب ذکر کرده اند. برای نمونه حاکم نیشابوری (متوفی 405 ق) چهل هزار نفر و ذهبی (متوفی 748 ق) نیز همین تعداد را ذکر کرده است؛ اما چاپ های کنونی تنها 13308 ترجمه را در بردارد. (2)

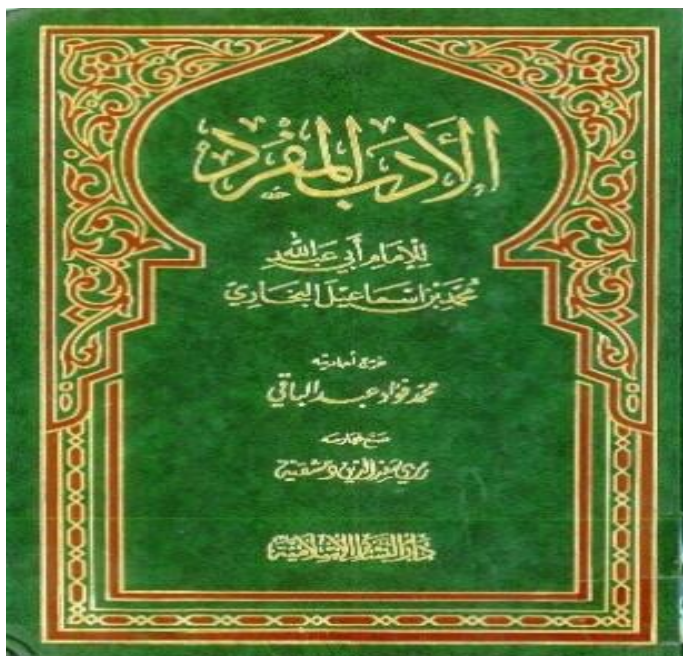
سه - کتاب تاریخ الوسط ، نویسنده امام بخاری ، محقق : محمود ابراهیم زاید ، ناشر : دارالوعی ، مکتب دار تراث ، حلب ، قاهره .



چهار - کتاب تاریخ الصغير.



پنج - کتاب الادب المنفرد ، نویسنده امام بخاری ، موضوع : اخلاق ،
ناشر : مؤسسه الکتب ثقافیه، محل نشر : بیروت ، نوبت چاپ : اول ،
تاریخ انتشار : 1406 قمری .



شش - کتاب رفع الیدین فی الصلوہ . نویسنده : امام بخاری ، راشدی ، بدیع الدین (نویسنده) ، ناشر : دار ابن حزم ، مکان نشر : لبنان - بیروت ، سال نشر 1996 ، با تحقیق و حاشیه‌نویسی بدیع‌الدین راشدی، کتابی است یک جلدی به زبان عربی با موضوع فقه و روایات اسلامی. نویسنده در این اثر مشروعیت بلند کردن دستان در رکوع و پس از سر برداشتن از رکوع را اثبات کرده است.

نام حاشیه کتاب، «جلاء العينين بتخریج روایات البخاری فی جزء رفع الیدین» است. در ابتدای این اثر مقدمه‌ای به قلم بدر بن عبدالله بدر آمده است.

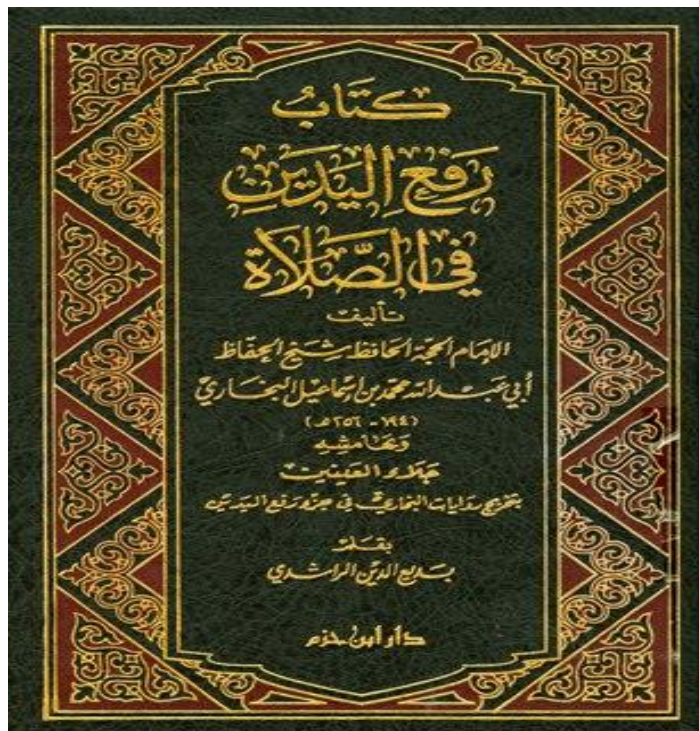
در این کتاب آمده :

" بدر بن عبدالله بدر در مقدمه کتاب پس از حمد الهی و شهادت بر وحدانیت و رسالت پیامبر می‌نویسد:
«اما بعد فان خیر الکلام کلام الله عزوجل و خیر الهدی هدی محمد(ص) و شر الامور محدثاتها و کل محدث بدعة و کل بدعة ضلالة و کل ضلالة فی النار» سپس می‌نویسد:

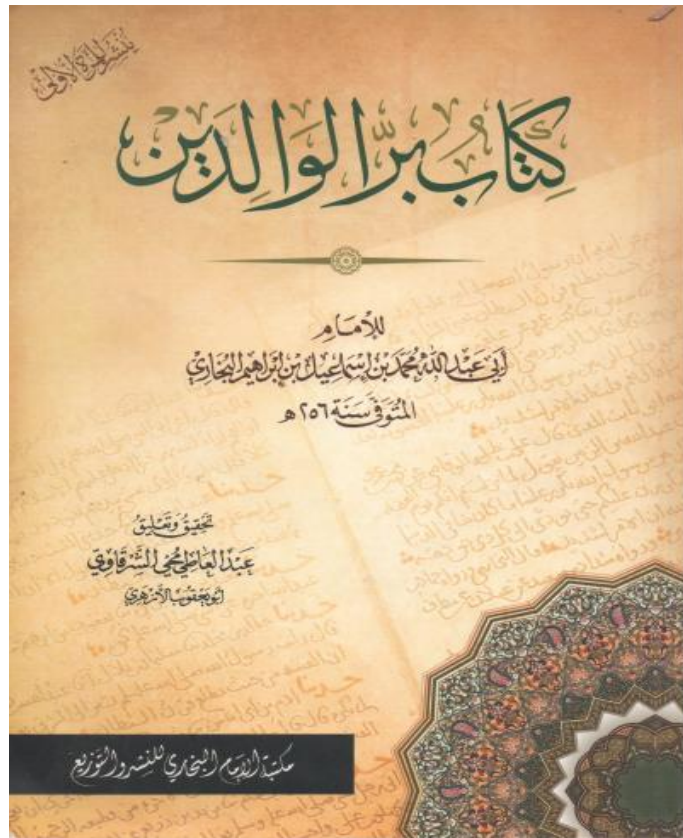
این اثر یعنی کتاب « رفع الیدین فی الصلاة » گنجی از گنجهای امام حفاظ و رئیس محدثان ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری است که برای خواننده گرامی تقدیم می‌گردد. در آغاز کتاب درباره رفع الیدین فی الصلاة آمده:

مسئله رفع الیدین در رکوع و برخاستن از آن و هنگام قیام، از اموری است که سلف و بزرگان پیشین از اهل سنت به آن اهتمام داشته‌اند تا جایی که ابن قیم گفته:

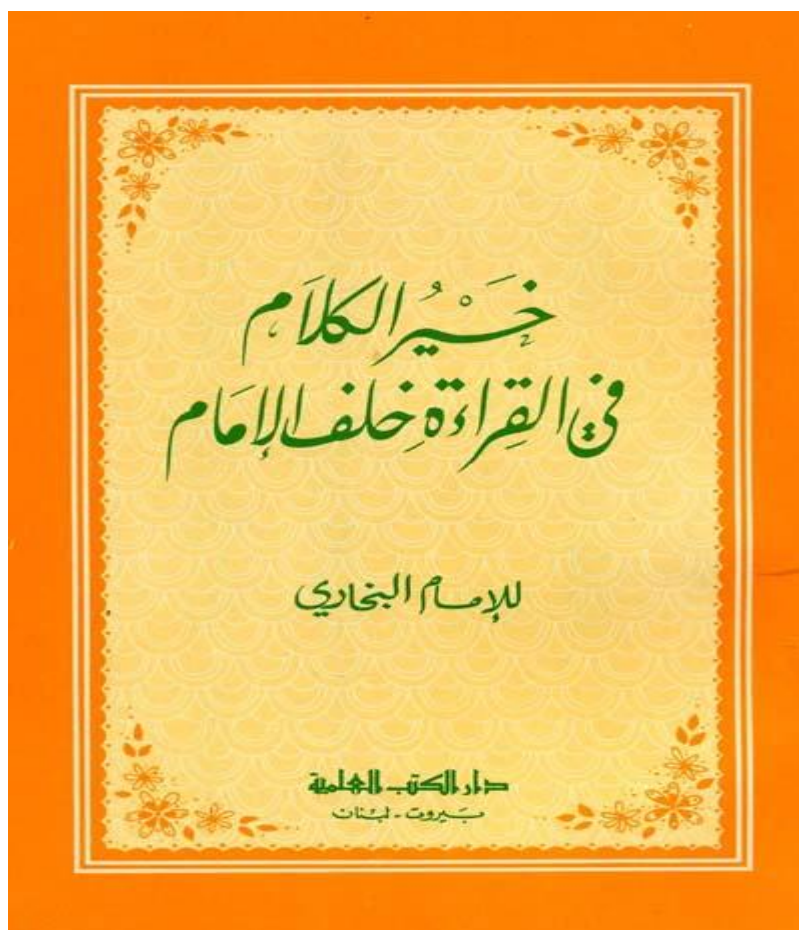
«و هو عمل كانه رأى عين». مروزی هم می‌نویسد: «أجمع علماء الأمصار على مشروعية ذلك الا أهل الكوفة»؛ یعنی جز اهل کوفه، سایر علما بر مشروع بودن این کار اجماع دارند. شافعی هم می‌نویسد ترک این عمل جایز نیست. سلف از علمای اهل سنت معتقدند این کار زینت نماز است و بسیاری از بندگان متمسکین مانند شیخ ابوبکر فهری در این راستا اذیت‌های بسیاری کشیدند تا جایی که برخی قصد کشتنش را کردند و خداوند از این فتنه حفظش کرد. یا مانند شیخ ابوالحسن سندی که زندانش کردند. او صبر کرد و خداوند نجاتش داد " (3)



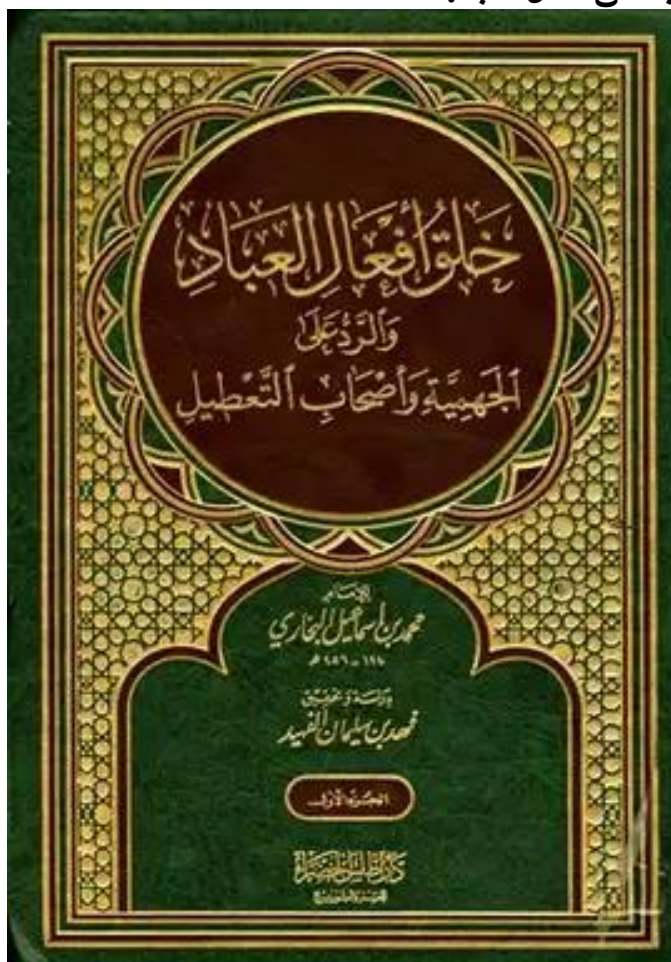
هفت - کتاب البر الوالدین، نویسنده : امام بخاری ، تحقیق و تعلیق :
عبدالله عاظمی محی الشرقاوی ، 2014 میلادی .



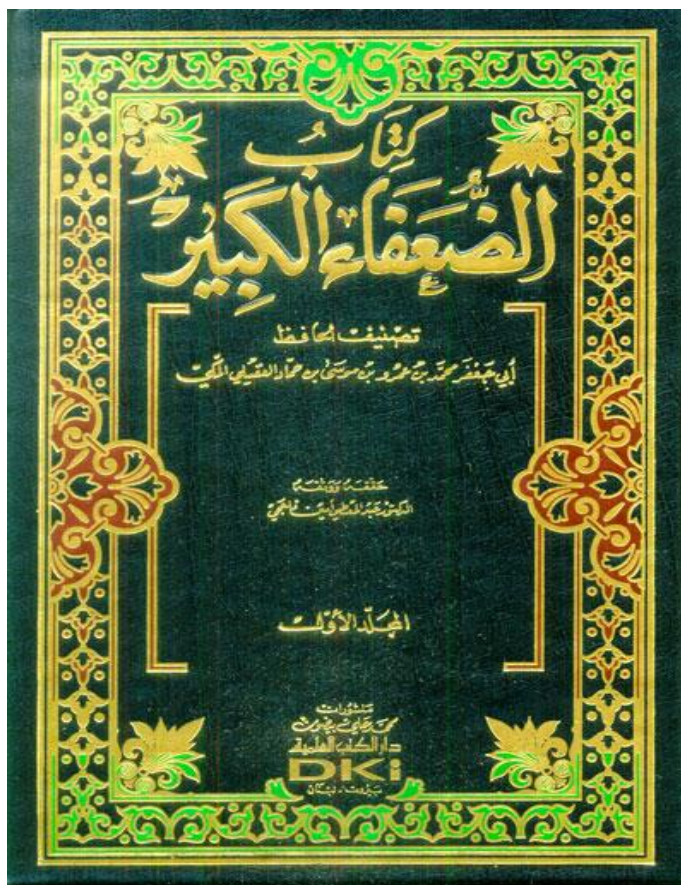
هشت - کتاب خبر الکلام فی القرائت خلف الامام .



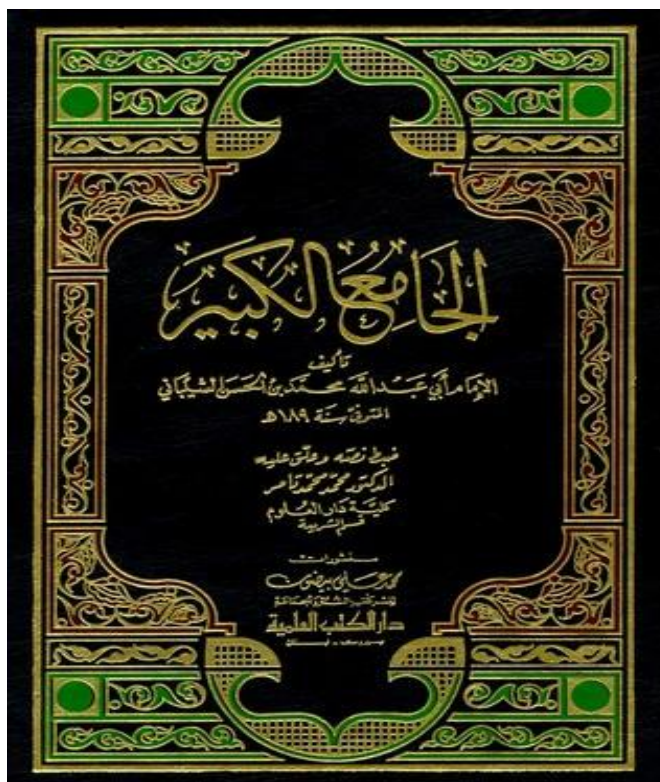
نه - کتاب خلق افعال العباد.



ده - کتاب ضعفاء الكبير.



یازده - کتاب الجامع الكبير.



- دوازده - کتاب المسند الكبير.
- سیزده - کتاب التفسیر الكبير.
- چهارده - کتاب الاشریه.
- پانزده - کتاب الهبه.
- شانزده - کتاب اسامی الصحابه.
- هفده - کتاب الوجدان.
- هژده - کتاب مبسوط.
- نزده - کتاب العلل.
- بیست - کتاب الکنی.
- بیست و یک - کتاب الفوائد.
- بیست و دو - کتاب سنن الفقهاء.
- بیست و سه - کتاب الضعفاء الصغیر.
- بیست و چهار - کتاب قضایا الصحابه و التابعین .
- بیست و پنج - کتاب ثلاثیات.
- بیست و شش - کتاب بدء المخلوقات.
- بیست و هفت - کتاب الرقاق.
- انگیزه هائیکه امام بخاری بزرگ را وا داشت که تا به تدقیق و تحقیق " صحیح بخاری " مبادرت ورزد دو منبع نهانی الهام بخش معنویت را خود بیان می نماید :
- نخست :** بخاری بزرگ می فرماید ایامی که در آموزشگاه علوم دینی نزد دانشمند اسحاق فرزند هویه بودیم بما (شاگردانش) گفت :
- " ای کاش کتاب مختصر و صحیحی را در حدیث پیغبر (ص) تألیف کنید ، سخن او بدلم نشست ، و از همان روز به تألیف " جامع صحیح " عزم نمودم . "

دوم : در خواب دیدم پیغمبر را که : گویا من پیش روی ایشان ایستاده ام، و در دستم بادبانی است که مگس ها از ایشان می رانم . پس در باره این رؤیا از برخی کسانی که به تعبیر آشنائی داشتند جویا شدم، پس این امر سبب شد تا برایم گفتند: تو دروغ را از حدیث رسول خدا دور می کنی ، همین دو انگیزه بود که به تألیف کتاب : "جامع صحیح" پردازم .:

او در مورد کار علمی خود مینویسد : تألیف این کتاب را در مسجد الحرام و در کنار خانه خدا آغاز نمودم ، و احادیث صحیح این کتاب را از شش صد هزار حدیث انتخاب کرده ام ؛ و جز حدیث صحیح در آن ننوشته ام ؛ و قبل از نوشتن هر حدیثی غسل کرده ام و دو رکعت نماز خوانده ام ؛ و پس از نماز و استخاره از خدا و حصول یقین به صحت حدیث ، آن را در کتاب نوشته ام، و در مدت شانزده سال تألیف این کتاب را به اتمام رسانیدم ، و آن را در بین خودم و خدای خودم حجت قرار دادم .

تعداد احادیث این کتاب برحسب توضیحات ابن الصلاح همراه با مکررات (7275)، وبشمارش ابن خلدون(7200) که سه هزار آن مکرر، وبشمارش حافظ ابوالفضل فرزند حجر عسقلانی با مکررات(7397) که یکصد و بیست و دو حدیث از شمارش ابن الصلاح ، بیشتر است، وبدون مکررات (2602) حدیث واگر متون معلقه مرفوعه را که در جای دیگر آن را وصل نکرده که جمعا (159) مورد هستند، به آن اضافه شود، مجموع احادیث بدون تکرار به (2761) حدیث بالغ میگردد، ومجموع تعلیق های موجود در آن بالغ بر (1341) می رسد که اکثر آنها مکرر و متن آنها در جمع احادیث کتاب آمده است .

وتنها (160) متن در میان احادیث کتاب نیامده اند، و مجموع احادیث منابع و تنبیه بر اختلاف روایات بالغ بر (344) حدیث است، بنا بر این تمام آنچه در آن کتاب وجود دارد، با مکررات بالغ بر (9082) حدیث می باشد، جدا از احادیث موقوف بر اصحاب، و احادیث مقطوع بر تابعین و مابعد آنان.

تعداد کتابهای مندرج در این کتاب، یکصد و اندی، و مجموع ابواب این کتاب بالغ بر (3450) و مجموع مشایخ حدیث که در حال روایت از ایشان نام برده است (289) استاد، و استادان که تنها امام بخاری از آنها روایت کرده نه امام مسلم، بالغ بر (134) استاد می باشد، و حدیث ثلاثی یعنی احادیثی که میان بخاری و صحابی تنها سه راوی قرار دارد، در آن وجود دارد.

جایگاه " صحیح بخاری " :

بادرنظر داشت بار معنایی این اثر وزین میتوان اذعان کرد که کتاب " صحیح بخاری " هم خزانه حدیث و هم مخزن معرفت فقه هست . و همین شرح ساختاری امتزاج حدیثی و فقهی آن بگونه ای توانسته منزلت و مقام والای علمی این کتاب را در میان اهل سنت و جماعت شایسته بنمایش گذارد .

درجه فقه و مذهب و اجتهاد امام بخاری

امام بخاری دارای خلاقیت تفکر ، تحقیق عمیق وقوه استنباط فقهی از احادیث نبوی و کلام خدا بوده وی با استدلال عقلانی وایمانی راسخ ، معرفت کاملی از مسائل مهمه را استخراج کرده و اساسات وقواعد فقهی را با آیات و احادیث دینی تطبیق نموده است.

مذاهب چهارگانه مورد قبول او بوده و برخی از اقوال و رأی ای که در بین پیشوایان مذاهب چهارگانه مورد توزیع کننده بوده، در حالتی که رأی وی موافق به رأی یکی از مذاهب بوده باشد بر حسب ورع و شرف سابقین آن را منسوب به قائل او دانسته با اینکه رأی خودش با آن هم تطبیق کرده است.

بازگشت به بخارا :

بخاری بزرگ هنگامی که به میهن وزادگاهش بخارا باز گشت بمشکلاتی زیادی بدتر از ایام غربت مواجه شد. در راه سفر به هنگام اقامت کوتاه اش در نیشابور به حسد و رزی شماری از مغرضین نابکار و پرو گردید و سپس زمانی که به بخارا رسید زندگی اش با کوه سختی و دشواری زیاد در هم پیچید.

با کنه ذاتی اش که او به غایت - اهل عزت نفس بود، و هرگز در مقابل زر و زور سر فرود نیاورد، از جمله خالد فرزند احمد ذهلی فرماندار شهر بخارا و نماینده تام الاختیار خلیفه عباسی توسط شخصی از امام بخاری دعوت کرد تا در قصر او به فرزندانش کتابهای "جامع صحیح، و تاریخ کبیر" را بخواند، بخاری دعوت او را نپذیرفت، و برای آن کس گفت: به فرماندار شهر بگو: من علم را خوار و ذلیل نمی کنم، و نه آنرا به دروازه های سلاطین حمل می کنم، اگر والی نیازی به علم داشته باشد، باید به مسجد و یا به خانه ام حاضر شود، و مقوله مشهوری گفت:

" فی بیته، العلم یؤتی" یعنی برای فراگیری علم و حلم به کانون آن مراجعه می شود. آن حکمران حقیر تحمل عزت نفس آن سخنور بزرگ را نداشت، و همین جواب او را به دل گرفت، و بعد به بهانه واهی و از جمله گزارش محمد فرزند یحیی ذهلی که بخاری گفته است:

" تلفظ کردن آیه های قرآن مخلوق است" آن محدث کبیر را از شهر بخارا اخراج نمود، و بخاری ناچار به قریه خرتنگ در سمرقند نزد اقوام و خویشاوندان خود سکونت گزید و بعد از اخراجش از بخارا و سکونت در خرتنگ آنقدر طول نکشید که بیمار گردید، و در همانجا وفات نمود .

سخنان بزرگان در باره سجایایی اخلاقی و خلاقیت فکری امام بخاری

در جهان دانش اسلامی ، امام بخاری یگانه شخصیت والای است که نسبت به سایر بزرگان دین مورد ستایش پیشوایان حدیث نبوی و خردمندان علم جهان واقع شده است.

– امام مسلم صاحب صحیح معروف، در خطاب به امام بخاری گفته است : " بجز انسان حسود با تو کسی کینه نمی ورزد و شهادت می دهم که در دنیا همانند تو نیست."

– امام ائمه محمد فرزند اسحق خزیمه صاحب صحیح ، گفته است : " در زیرسقف این آسمان حافظ تر و داناتر به حدیث (نبوی) از محمد فرزند اسماعیل بخاری ندیده ام."

– امام سنت امام احمد فرزند حنبل صاحب مسند معروف ، گفته است : " خراسان بزرگ همانند محمد فرزند اسماعیل بخاری را هرگز بیرون نداده است."

– امام ابو عیسیٰ ترمذی صاحب جامع معروف ، گفته است : " در عراق و خراسان معنای (علل و تاریخ) و در شناخت استادان دانایان از محمد فرزند اسماعیل بخاری را ندیده ام . " و هم او گفته است : " محمد فرزند اسماعیل به نزد عبد الله فرزند منیر بود ، آنگاه که از نزد او بلند شده ، به بخاری نوجوان گفته است : " ای عبد الله خداوند تو را زینت امت قرار دهد . بی تردید خداوند دعای وی را اجابت نموده است . "

– امام عبد الله فرزند عبد الرحمن دارمی ، صاحب سنن معروف گفته است : " من علماء را در حرمین ، حجاز ، عراق و شام دیده ام ، اما در میان آنان به جامعیت محمد فرزند اسماعیل بخاری ندیدم . " نیز گفته است : " محمد فرزند اسماعیل بخاری در دانش حدیث نبوی فقیه تر ، دانایتر ، عمیق تر و جستجوگر تر از ماست . "

– رجاء فرزند مرجی ، گفته است : " امام بخاری آیاتی از آیات الهی است که بر روی زمین راه می رود . "

– محمد فرزند نظر شافعی ، گفته است : " من در مسافرتها علمی ام وارد بصره ، شام ، حجاز و کوفه شده ام و علم های آنها را دیده ام ، هرگاه از محمد فرزند اسماعیل بخاری یاد می گردید ، همه او را بر خویش ترجیح می دادند . "

– امام ابو حاتم رازی ، گفته است : " نه خراسان همانند محمد فرزند اسماعیل بیرون داده است و نه داناتر از او ، وارد بغداد گردیده است. "

– ابوبکر فرزند ابی شیبه و عبد الله فرزند نمیر، گفته اند : " ما همانند محمد فرزند اسماعیل بخاری را هرگز ندیده ایم . " ابن ابی شیبه که از پیشوایان نام دار دانش حدیث است، بخاری نوجوان را " بازل " نامیده بود. بازل یعنی : خبره ، کامل، بخشنده در عطایا و غیره.

– یعقوب فرزند ابراهیم دورقی صاحب مسند ، و نعیم فرزند حماد خزاعی از حافظان حدیث و اثر، گفته اند : " محمد فرزند اسماعیل بخاری فقیه این امت است. "

– فضل فرزند عباس رازی، گفته است : " بسیار کم کوشیدیم تا حدیثی را بگویم که او (بخاری) آنرا نشناسد ، اما برایم ممکن نگردید . "

– بکیر فرزند نمیر، گفته است : " روزی محمد فرزند اسماعیل مشغول خواندن نماز بودند و در آن هنگام زنبور هفده مرتبه او را نیش زد، وقتی که از نماز فارغ شدند گفتند که این چیست که در نماز مرا اذیت داد ؟ نگاه کردند دیدند که زنبور هفده جای بدن او را نیش زده و ورم کرده است ولی او با این حال نمازش را قطع نکرده است. "

– امام حافظ عمر فرزند علی فلاس ، گفته است: " حدیثی را که محمد فرزند اسماعیل نشناسد، حدیث نیست."

" کسانی که امام بخاری از آنها سماع حدیث کرده و استادان امام بخاری" کسانی که بخاری درحلقه درس آنها حاضر بوده و سماع و روایت از ایشان کرده و کسب فیض و بهره را از آنها نموده است، عبارتند از:

در مکه :

ابوالولید احمد فرزند محمدالازرقی ، عبدالله فرزند یزید المقری، اسماعیل فرزند سالم الصائغ، ابوبکر عبد الله فرزند زبیر الحمیدی و اقران آنها.

در مدینه:

ابراهیم فرزند منذر حزامی ، مطرف فرزند عبد الله ، ابراهیم فرزند حمزه ، ابو ثابت محمد فرزند عبید الله ، عبد العزیز فرزند عبدالله اویسی ، یحیی فرزند قزعه و اقران آنها.

در شام :

محمد یوسف فریابی ، ابو نصر اسحاق فرزند ابراهیم ، آدن فرزند ابی ایاس، ابو الیمان حکم فرزند نافع، حیوه خالد فرزند خلی قاضی حمس، خطاب فرزند عثمان، ابو المغیره، ابو القدوس، سلیمان فرزند عبد الرحمن فرزند شریح و غیر اینها.

در بغداد :

محمد فرزند عیسی الطباع ، محمد فرزند سائق ، سریح فرزند نعمان ، احمد فرزند حنبل ، ابو مسلم عبد الرحمن فرزند ابی یونس مستمیلی ، اسماعیل فرزند خلیل و اقران آنها.

در واسط عراق :

حسان فرزند حسان ، حسان فرزند عبدالله ، سعید فرزند عبدالله فرزند سلیمان و اقران آنها.

در بصره :

ابو عاصم نبیل ، صفوان فرزند عیسی ، بدل فرزند المحبر ، حرمی فرزند عماره ، عقام فرزند مسلم ، محمد فرزند عرعره ، سلیمان فرزند حرب ، ابو داود الطالیسی ، عارم محمد فرزند سنان ، ابو حذیفه نهدی و غیر آنها.

در کوفه :

عبید الله فرزند موسی ، ابو نعیم ، احمد فرزند یعقوب ، اسماعیل فرزند ابان ، حسن فرزند ربیع ، خالد فرزند مخلد ، سعید فرزند حفص ، طلق فرزند غنام ، عمر فرزند حفص ، فروه فرزند ابی المغراء ، قبیصه فرزند عقبه ، ابو غسان و اقران آنها.

در قیساریه :

محمد فرزند یوسف فرزند فریابی

در عسقلان :
آدم فرزند ابی ایاس

در حمص :
ابو مغیره ابی یمان علی فرزند عیاش، احمد فرزند خالد وهبی ، یحیی و
خاطی و دیگران ... بوده اند.

در جزیره :
احمد فرزند عبد الملك حرانی ، احمد فرزند یزید حرائی ، عمر فرزند
خلف، اسماعیل فرزند عبد الله رقی و اقران آنها.

در مصر :
عثمان فرزند صالح، سعید فرزند ابی مریم ، عبد الله فرزند صالح، احمد
فرزند صالح، احمد فرزند شیب، اصبع فرزند ابی الفرج سعید فرزند
عیسی ، سعید فرزند کثیر فرزند عثیر، یحیی فرزند عبد الله فرزند بکیر و
اقران آنها.

در نیشابور :
یحیی فرزند یحیی تمیمی ، بشر فرزند حکم، اسحاق فرزند ابراهیم
حنظلی، محمد فرزند رافع، احمد فرزند حفص، محمد فرزند یحیی ذهلی
و اقران آنها.

در ری:

ابراهیم فرزند موسی و غیر او.

در مرو:

علی فرزند الحسن فرزند شقیق، عبدان، عثمان، محمد فرزند مقاتل و اقران آنها.

در بلخ:

مکی فرزند ابراهیم، یحیی فرزند بشر، محمد فرزند ابان، حسن بم شجاع، یحیی فرزند موسی، قتیبه و معاصرین آنها.

در بخارا:

محمد فرزند سلام بیکندی، عبدالله فرزند محمد مسندی، هارون فرزند اشعث، عبده فرزند الحکم، محمد فرزند یحیی فرزند صانع، جبان فرزند موسی و اقران آنها.

در هرات :

احمد فرزند ابی الولید حنفی .

منابع و ماخذ

- 1 - تذکره الحفاظ : 2 / 636 .
- 2 - رحمان ستایش، محمدکاظم، «کتاب رجال اهل سنت»، دانشکده مجازی علوم حدیث.
- 3 - کتاب رفع الیدین فی الصلوه ، نویسنده : امام بخاری ، راشدی ، بدیع الدین (نویسنده) ، ناشر : دار ابن حزم ، مکان نشر : لبنان - بیروت ، سال نشر 1996 ، مقدمه بدر عبدالله بدر، ص3 و مقدمه محقق، ص5-9

.....
سی شماره منابع و ماخذ زیر نیز وابسته به متن امام بخاری است .

- 1 - و رجوع شود به : لغت نامه دهخدا ،
- 2 - ریحانة الادب ج 1 ص 147 ،
- 3 - معجم المطبوعات ، و قاموس الاعلام ترکی ،
- 4 - فهرست ابن الندیم
- 5 - نزهة القلوب ج 3 ص 246
- 6 - تاریخ گزیده و تاریخ الخلفاء ص 73 و 245
- 7 - سیرت امام بخاری/ نویسنده: عبد المنعم قنديل/ مترجم عبد الرسول گلرانی/ انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
- 8 - شرح حال و زندگی اصحاب صحاح سته/ تألیف استاد ملا محیی الدین صالحی، انتشارات کردستان.
- 9 - تهذیب التهذیب، تألیف ابن حجر، دار الفكر بیروت.
- 10 - وفيات الاعیان، تألیف ابن خلکان، انتشارات قم .
- 11 - تاریخ بغداد ، تألیف الخطیب بغدادی ، دار الکتب العلمیة.

- 12 - اعلام زرکلیف ، تألیف خیر الدین الزرکلی ، دار العلم.
- 13 - سیف المقلدین ، تألیف مولانا مولوی محمد عبد الجلیل.
- 14 - تذکره الحفاظ ، تألیف ذهبی ، دار الکتب العلمیه.
- 15 - کتاب الثقات ، تألیف فرزند حبان ، مؤسسه الکتب الثقافیہ.
- 16 - معجم المؤلفین، تألیف عمر رضا کحاله ، دار احیاء التراث العربیه.
- 17 - سایت عرفان آباد
- 18- فتح الباری، تألیف فرزند حجر الاسقلانی ، دار احیاء التراث العربیه.
- 19 - التوشیح علی جامع الصحیح، تألیف سیوطی، دار الکتب العلمیه.
- 20 - ترجمه فارسی صحیح بخاری، مترجم عبد العلی نور احراری، احمد جام .
- 21 - تاریخ مدینه دمشق ، تألیف فرزند عساکر، دار الفکر بیروت.
- 22 - البدایه و النهایه ، تألیف فرزند کثیر، دار الکتب العلمیه.
- 23 - فرهنگ دهخدا، تألیف علی اکبر دهخدا.
- 24 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، جلد پنجم ، ص 246 .
- 25 - العظم، رفیق ، " (أشهر مشاهیر الإسلام) " ، چاپ : دارالرائد العربی، بیروت. لبنان. 1401 هـ - 1981 میلادی .
- 27 - دانشکده حدیث
- 28 - چهره‌های ماندگار زندگینامه امام بخاری پایگاه عرفان آباد
- 29 - Ahmad Atif Ahmad-2006, Structural interrelations of theory and practice in Islamic law
- 30 - Imam Bukhari: His Life and Works part Network

بخش هشتم :**قسمت سوم - اعلامیه سیاسی کمیته تدارک حزب
دموکرات خراسان در پیوند به رد سیاست (توزیع تذکره
با ثبت ملیت افغان) دولت حامد کرزی .**

با ادای ادب و عرض حرمت بدین وسیله از همه مردم باشهامت ، فرهنگ دوست ، صلح خواه ، آزادی پرور و ترقی پسند کشور و ملیتهای بومی این سرزمین آرزوبرده می شود که بدور از اندیشه گرایبی های روزمرگی ، برای نجات هویت ملی ، هویت فرهنگی و زبانی خویش همبسته شوید .

و با اراده و عمل مشترک صلح آمیز علیه ادامه سیاست افغانیزه سازی عظمت خواهانه پشتونها در رأس آقای حامد کرزی و تیم تمامیت خواهش ابراز وجود نما یید و از حق و حقوق شهروندی و ارزشهای معرفتی کشور خویش دفاع کنید . و دست متعرض و غرض آلود حکومت های وارداتی بیگانه پرور و غیر مشروع را ، قبل از اعمال اراده ازحریم مقدس ارزشهای فرهنگی و هویتی سر زمین خراسانیان بدور نگهدار یید .

از دیدگاه ما هویت ملی یک ارزش جوهری است که در دو بُعد ماهیت شناختی انسان یعنی ذاتی : (حرمت ، اصالت و نجابت) ، و کسبی : (عزت ، غرور و افتخار) ، متجلی می گردد و وزنه و اعتبار شخصیت شخیص شهروند یک جامعه را بنمایش می گذارد و یکی از ویژگیهای زیرساخت انگیزه لازم استمرار حیات فرد به حساب می آید .
 هویت ملی گونه ای از گوهر هستی و روح و روان زندگی انسان را می سازد . که با تغلب و تبدیل این ارزش جوهری در وجود ، جز گوشت و پوست و استخوان چیز دیگری از افتخار و عزت باقی نمی ماند .

کنون دولت حامد کرزی و تیم پشتون خواهش با تحقق سیاست « توزیع تذکره تابعیت با ثبت ملیت افغان» ، دارند که این هویت ملی با ارزش خراسانی را از ما (تاجیکها و هزاره ها و ازبیکها و ترکمانها ...) می گیرند و در برابرش هویت (افغانی) را بالای مردم غیر پشتون تحمیل می کنند.

با تالم و درد باید اقرار کرد که : امیران و شاهان و حکومت چند پهلوی پشتون ها در سدهٔ پسین با تطبیق سیاست « افغانیزه سازی » در نهاد های : سیاسی ، حقوقی ، اقتصادی ، فرهنگی ، زبانی و آموزشی و پرورشی - حاکمیت ؛ خواستند با هزار تزویر ، حيله و نیرنگ ، هویت ملی و زبانی ملیت های بومی : تاجیکها ، هزاره ها ، ازبیکها و ترکمانها و نورستانی ها و بلوچها و ... این سرزمین را به هویت تحمیلی وقلابی افغانی شان تبدیل نمایند . اما این ملیت های تحت ستم با امکانات ناچیز همواره توانسته اند که علیه این سیاست تحمیلی ضد انسانی مقاومت آگاهانه نمایند و جلوی تحقق چنین اهداف ریاکارانه حاکمان پشتون را بگیرند .

حقیقت علل عدم پذیرش هویت افغانی نزد ملیت ها و اقوام غیر از پشتون از دیدگاه ما در این رشته ها پیوند دارد که :

1 - هویت افغانی وابسته به قوم افغان پشتون است و صرف افغانها تحت این نام تثبیت هویت ملی می شوند و به آن مفتخر اند .
2 - همشهری های غیر افغان ساکن کشور که زیاده از 72 در صد نفوس کل کشور را تشکیل می دهند و تحت نام افغان و افغانی تثبیت هویت نمی شوند ، پذیرش چنین هویت را نیز بخود عار و ننگ می دانند .

3 - از سوی دیگر در فرآیند زمان وجه تسمیه افغان با شر و شور، ناله و فغان ، ترور ، خودکفانی و انفجار ، کشت خشخاش و قاچاق مواد مخدر ، زورگیری و زورگویی بی قانونی ، تاریک اندیشی و واپسگرایی و وابستگی و معامله گری با بیگانگان ... خمیر و آمیخته شده است. ازینرو این نام بد اختر فاقد افتخار و عزت می باشد . بناً « هویت افغانی » با سرشت و ذات و منش تباری و تاریخی دیگر ملیت های غیر افغان بویژه تاجیکان ایرانی تبار در تناقض قرار دارد و مورد قبول ایشان واقع نمی شود.

در اتکاء به شناخت مؤلفه های فوق یاد آور شد که اهمیت و نقش سازنده هویت ملی در تعیین سرنوشت و زندگی هر انسان ضرور تراز تنفس در بدن وی است . از این جهت به این مسئله حیاتی باید کاملاً جدی و عاقلانه برخورد کرد و نگذاشت که هویت ملی و اتنیکی مردمان خراسان سرزمین بوسیله چند گروهک های وابسته به غیر، به زباله دان تاریخ بریزد .

بدین سبب کمیته تدارک حزب دموکرات خراسان از مبارزات برحق مردم با فرهنگ هزاره واراده عمل سایر ملیت های تحت ستم شامل ازبیکها و ترکمانها (فراخوان فدراسیون فرهنگی تورکان خراسان - افغانستان) و... درامراحیاء هویت ملی خراسانی حمایت می کند . وبا ادای ادب از تمام شهروندان عدالت خواه کشور و نمایندگان غیر وابسته پارلمان ، خردمندان و آگاهان سیاسی و نهاد های فرهنگی و حقوقی و دانشجویان و دانش پژوهان ، دست اندر کاران مطبوعات و رسانه های گروهی و مردمی احترامانه خواهشمندیم تا در صف یگانه متشکل شوند وبا عمل مشترک و آواز رسا : پیشبرد سیاست « توزیع تذکره با ثبت ملیت افغان» حاکمیت افغانی پشتونی حامد کرزی را عملاً ردکنندواستواروتسلیم ناپذیرازپیشبرد سیاست افغانیزه سازی شوونیزم قبیله در همه جوانب برای همیشه جلوگیری نمایند .

به امید ایجاد حاکمیت قانون درکشور ما

کمیته تدارک حزب دموکرات خراسان

اول می 2011 میلادی

بخش هشتم :

قسمت چهارم - تاریخچه پیدایی دولت اسرائیل
آلمان - می 2011



(شکل 1)

فرآیند از دست رفتن سرزمین فلسطینی ها

از سالهای (1946 - 2005 میلادی)

رنگ سبز مردم فلسطینی و رنگ سپید مردم اسرائیلی

با اوج گیری جنبش آزادیخواهی ابراز وجود و حق خواهی درکشور
های تونس و مصر و بحرین و یمن و لیبیا ..بارک اوباما رئیس
جمهوری آمریکا

در سخنرانی هفته‌ی گذشته خود درباره تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا با اشاره به بحران فلسطین در چند سال اخیر ایجاد دولت مستقل فلسطینی بر اساس مرزهای تعیین شده در سال 1967 را به رسمیت شناخت.

وی تصریح نمود که: " مردم فلسطین این حق را دارند تا بر خودشان حکومت کنند و به ظرفیت‌های خود در ایجاد یک دولت مستقل دست یابند."

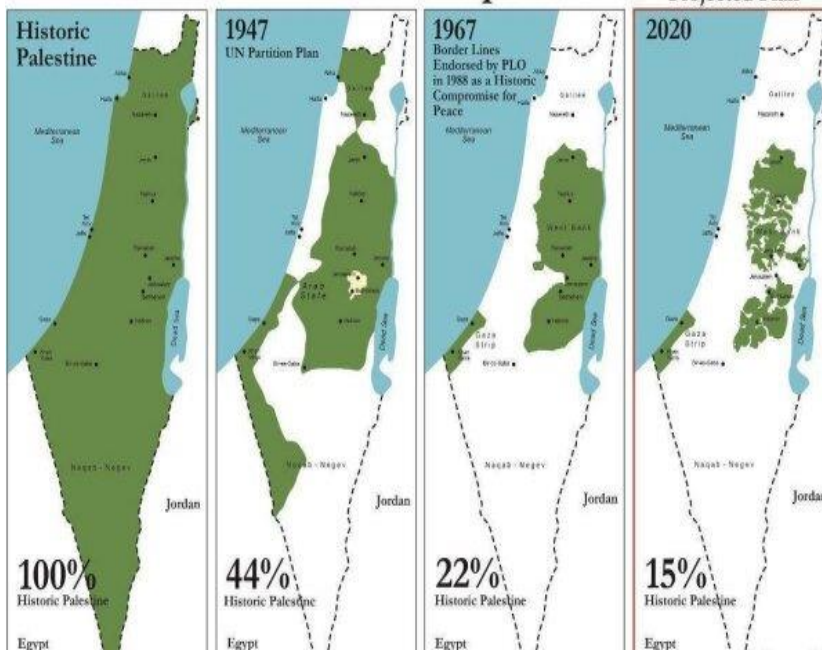
او باما متذکر شد که روند مذاکرات صلح در سالهای اخیر خیلی کند و بی‌تاثیر بوده است و مدعی گردید که: " راه حل خروج از بن بست صلح اعراب و اسرائیل، تأسیس دو دولت در کنار یکدیگر است." اما بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل برعکس در سخنرانی خود در مجلس ثنای آمریکا اعلام کرد که: " اسرائیل به مرزهایش در سال 1967 باز نمی‌گردد زیرا او این مرزها را در مقابل تهاجم خارجی « قابل دفاع » نمی‌داند."

با در نظر داشت اهمیت سیاسی مسئله و تشکیل دولت مستقل فلسطینی و دور نمای روند ایجاد صلح و ثبات و امنیت در منطقه، با استفاده از منابع و مآخذ دست‌داشته ضرورت دانستیم که نکات چندی در مورد پیدایی دولت اسرائیل و سرنوشت مردم فلسطین به علاقه‌مندان گزارشی را ارائه بداریم.

تاریخچه فلسطین

The Palestinians Historic Compromise

Trump's Projected Plan



(شکل 1 - الف)

"...قبایل کنعانی، بیش از هفت هزار سال قبل از میلاد، از منطقه مجاور شبه جزیره عربستان (عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، عمان، قطر، کویت، یمن) به این سرزمین آمده و در آن سکنی گردیدند. پیش از آنکه قبایل دریای مدیترانه (Palest) به این منطقه بیایند و با کنعانی‌ها همزیستی کنند و نام «فلسطینی» بر اهالی آن غالب گردد، قبایل بیوسی‌ها و فینیقی‌ها در این سرزمین می‌زیسته‌اند.

موقعیت جغرافیایی فلسطین :

مساحت فلسطین- 27027 کیلومتر مربع است. فلسطین بخشی از بلاد شام (سوریه، اردن و لبنان) به شمار می‌رود که از طرف شرق به اردن، از غرب به دریای مدیترانه، از شمال و شمال شرقی به لبنان و سوریه و از جنوب به خلیج عقبه و صحرای سینای مصر محدود می‌شود. در فلسطین سه منطقه کوهستانی، دشتی و ساحلی وجود دارد که زمین‌های حاصلخیز کشاورزی رامی سازد. صحرای نقب در بخش جنوبی واقع شده و یک سوم مساحت فلسطین را تشکیل می‌دهد.

فلسطین فعلی به سه بخش تقسیم می‌شود :

- 1- سرزمین اشغالی 1948 که یک میلیون و یکصد هزار فلسطینی را در خود جای داده است.
 - 2- کرانه باختری که مساحتی بالغ بر 5650 کیلومتر مربع داشته و شهر قدس را در برمی‌گیرد جمعیت فلسطینی آن قریب به یک میلیون و پانصد هزار نفر است.
 - 3 - نوار غزه با مساحتی بیش از 350 کیلومتر مربع که جمعیت فلسطینی آن حدود یک میلیون و سیصد هزار نفر است.
- نزدیک به 5- 4 میلیون فلسطینی نیز پس از اشغال فلسطین به دست اسرائیلی ها آواره شده و در کشورهای اردن، سوریه و لبنان زندگی می‌کنند.

حضور یهود در فلسطین :

حضرت ابراهیم‌علیه السلام حوالی 1900 سال ق. م به همراه برادرزاده‌اش (لوط علیه السلام) از عراق هجرت کرد و در فلسطین رحل اقامت گزید و مردمان این سامان را به توحید فراخواند. پس از آن عبرانی‌ها در قالب عشایر دامپرور و در جست‌وجوی آب و غذا، به این منطقه آمده و در میان مردمان این دیار- که از روی نوع دوستی و مهمان نوازی آنها را پذیرفته بودند اقامت گزیدند. اما وقتی تعدادشان فزونی یافت، شروع به درگیری با میزبان کرده، کوشیدند بر پاره‌ای از مناطق و اماکن مقدس چیره شوند.

اوج اقتدار یهود در دوران حکومت حضرت سلیمان بود که بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های آباد آن روز رادر تصرف خود داشتند. اما خُلق و خوی متکبران یهودیان و اختلافی که بین آنان پیش آمد، آنها را از هم متفرق کرد و باعث شد حکومت آنان، چند سالی بیش دوام نیاورد و پس از مرگ سلیمان، به دست بخت‌النصر بابل از میان برود. در این زمان بیشتر آنها به اسیری گرفته شدند. گرچه [با چیره شدن ایرانیان بر بخت‌النصر بابل در روز 12 اکتبر سال 539 قبل از میلاد] بعدها جمعی از آنان به وسیله کوروش بزرگ شاهنشاه هخامنشیان (اجدادتاجیکان وپارسیها) به فلسطین بازگردانیده شدند، [برطبق مندرجات تورات 5400 ظرف طلا و نقره به بنی اسرائیل تسلیم داده شد، و از پول خزانه دولت ایرانی ها تخت سلیمان علیه السلام تعمیر گردید].

در تورات از نبردهای بسیاری که فلسطینی‌ها در رویارویی با یهودیان داشته‌اند، سخن به میان رفته است. در مقطعی دیگر رومیان با پذیرش مسیحیت، با یهودیان درگیر شده، شمار کثیری از آنها را کشتند. بدین سان حضور یهودیان پایان یافت و آنان در گوشه و کنار جهان پراکنده شدند. (1)

زمینه سازی ایجاد دولت اسرائیل

"... سال 1916 میلادی، دولت های بریتانیا و فرانسه در مذاکراتی پنهانی - با نظر مثبت روسیه - طرحی برای تقسیم قلمرو حکومتی امپراتوری عثمانی به مناطق 'تحت نفوذ' آماده کردند که بعدها به نام دو نماینده بریتانیایی و فرانسوی به تفاهم نامه سایکس- پیکوت (Sykes-Picot) مشهور شد.

اگرچه این طرح هیچگاه به اجرا درنیامد ، اما مقدمه ای شد برای تقسیم نهایی سرزمین های مسلمان نشین عثمانی میان فرانسه و بریتانیا که سرانجام پس از شکست این امپراتوری در پایان جنگ جهانی اول به سال 1918 میلادی رخ داد.



(شکل 2)

با پایان یافتن جنگ جهانی اول در سال 1918 میلادی، جامعه ملل یا League of Nations، که نهاد متقدم بر سازمان ملل متحد (UN) به شمار می رود، امپراتوری شکست خورده عثمانی را به مناطق تحت کنترل بریتانیا و فرانسه تقسیم کرد. در این میان اداره سرزمین فلسطین (شامل نوار غزه، کرانه باختری رود اردن و کشورهای اردن و اسرائیل امروزی) به دولت بریتانیا درآمد. این وضعیت از سال 1920 تا 1948 میلادی، یعنی سالی که کشور اسرائیل رسماً اعلام موجودیت کرد، کم و بیش ادامه داشت.



(شکل 3)

دهه های 1920 و 1930 میلادی شاهد درگیری های خشونت بار میان عرب های ساکن فلسطین و مهاجران یهودی بود. [کشته شدن 60 میلیون انسان در جنگ جهانی دوم ، واقعه هولوکاست نازیها]، سرنوشت یهودیان برای افکار جهانی [با همکاری همه جانبه دولت بریتانیا] اهمیت ویژه ای یافت. پس از جنگ، در سال 1947 میلادی، پیشنهادی در مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شد (2) که سرزمین فلسطین را به دو بخش تحت کنترل یهودیان و تحت کنترل کشورهای عربی تقسیم می کرد. شهر بیت المقدس نیز به منطقه ای بین المللی تبدیل می شد. چیزی نگذشت که با مخالفت قاطع اعراب، این راه حل به فراموشی سپرده شد.



(شکل 4)

با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم و خروج نیروهای بریتانیا از سرزمین فلسطین، درگیری میان ساکنان عرب و یهودی آن دوباره بالا گرفت. سال 1948 میلادی یهودیان رسماً تاسیس کشور اسرائیل را اعلام کردند. در کوتاه زمانی نیروهای نظامی کشورهای عرب همجوار به سرزمین فلسطین سرازیر شدند تا اولین جنگ تمام عیار میان اعراب و اسرائیل شکل بگیرد. پس از هشت ماه با مداخله سازمان ملل و مشخص کردن یک مرز صلح، آتش بس برقرار شد. در نتیجه این تحولات و مرزبندی ها، کرانه باختری رود اردن و نوار غزه به عنوان مناطق مستقل جغرافیایی تعیین شدند.



(شکل 5)

در فاصله سال های 1948 تا 1967 میلادی، کرانه باختری تحت کنترل کشور اردن بود و نوار غزه را ارتش مصر اداره می کرد. سال 1956 جمال عبدالناصر رئیس جمهور وقت مصر، کانال سوئز را ملی اعلام کرد. این اقدام با واکنش نظامی اسرائیل، بریتانیا و فرانسه مواجه شد و صحرای سینا به اشغال نیروهای اسرائیل در آمد. این نیروها مدتی بعد عقب نشستند تا نیروهای سازمان ملل در مرز مصر و اسرائیل مستقر شوند. سال 1967، تنش میان دو کشور بالا گرفت؛ عبدالناصر خواستار خروج نیروهای سازمان ملل شد؛ و گذرگاه آبی دهانه شرم الشيخ را بر کشتی های اسرائیلی بست. جنگ قطعی می نمود.



(شکل 6)

سال 1967، اسرائیل که تهدید را جدی تر از همیشه می دید، حمله ای پیشگیرانه علیه مصر، و متحدانش سوریه و اردن، ترتیب داد. حمله غافلگیرانه اسرائیلی ها موجب شد بخش بزرگی از نیروی هوایی مصر که نقطه قوت نیروی نظامی این کشور به شمار می رفت، پیش از برخاستن از زمین نابود شود. در ادامه این نبرد بسیار کوتاه، که به "جنگ شش روزه" مشهور شد، ارتش اسرائیل کرانه باختری رود اردن، نوار غزه، بلندیهای جولان در سوریه و صحرای سینا را اشغال کرد. در کمتر از یک هفته، مساحت زمین های تحت کنترل اسرائیل چند برابر و نقشه سیاسی خاورمیانه دگرگون شده بود.



(شکل 7) (3)

از آن زمان به بعد، مبنای همه مذاکرات فلسطینیان و اسرائیلی ها را اصل "صلح در برابر زمین" تشکیل داده است؛ اصلی که پس از جنگ شش روزه در سال 1967 بر اساس آن قرار شد اسرائیل سرزمین های اشغالی را در ازای به رسمیت شناخته شدن کشورش توسط همسایه های عرب بازپس دهد. از میان سرزمین های اشغال شده در سال 1967، صحرای سینا در قرارداد صلح 1979 به مصر بازگردانده شد؛ در سال 2005 نیروهای اسرائیل و شهرک نشین های یهودی از نوار غزه خارج شدند. اشغال سرزمین های دیگر، با گذشت قریب به سه دهه از جنگ و به رغم نظر جامعه بین الملل همچنان ادامه دارد.

از تاریخ رقتبار فلسطین بخوبی می شود آموخت که چگونه سرزمینهای این ملت بوسیله نهاد های بین المللی سرمایه در رأس آمریکا و انگلیس از سالهای 1946 بدینسویه مردم اسرائیل تحویل داده شد.

اکنون کشورما خراسان - افغانستان نیز درجنبره این درد می سوزد . نهاد های بین المللی سرمایه در رأس آمریکا و انگلیس با تیبانی دولت پاکستان و عربستان سعودی و قطر تلاش دارند که رهبری اقتصاد و فرهنگ و سیاست سرزمین ما را آهسته آهسته به پشتونها تحویل دهند . وبوسیله این مزدوران استعمار کهنه ونو می خواهند منابع زیرزمینی سرشار این کشور را به یغما ببرند و فرهنگ و زبان پر بار آزادی پرور این کشور را نابود سازند .

مغز سخن اینست که نسل جوان و روشنگرای بومی ما بایست ماهیت وکنه سیاست پشتونیزه سازی نظام دولتی افغانها را خوب بدانند ودر برابرآن بی ایستند وابرار وجود کنند وازحق زیست وحق داشتن آزادی صلح وامنیت کشور خویش مردانه دفاع کنند .

منابع و مأخذ و شرح واژه ها

- 1- رجوع شود به نوشته : حدیث عزیزى در صفحه
(ofoge.parsiblog.com/271754.htm)
- 2- از دانشنامه آزاد بخش فلسطین : قطعنامه در 29 نوامبر 1947 ،
مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با دو سوم رای اکثریت بین‌المللی،
طرح سازمان ملل برای تجزیه فلسطین را به تصویب رساند (قطعنامه
181 مجمع عمومی سازمان ملل متحد)، این طرح که برای پایان دادن
به مناقشه عرب‌ها و اسرائیل (مناقشه عرب و یهودیان) در نظر گرفته
شده بود سرزمین فلسطین را به دو کشور یهودی‌نشین و عرب‌نشین
تقسیم می‌کرد، و بخش اعظم بیت‌المقدس را که شامل بیت‌الحم می‌شد
تحت کنترل نیروهای بین‌المللی قرار می‌داد. رهبران یهودیان (و از آن
جمله آژانس یهودیان)، این طرح را پذیرفتند، اما رهبران عرب فلسطین
آن را نپذیرفته و از مذاکره در مورد آن امتناع کردند. کشورهای عرب
و مسلمان همسایه فلسطین نیز با طرح تجزیه مخالفت کردند. پس از آنکه
کمیته عالی عرب در سال 1947 اعلام شورش در بیت‌المقدس کرد
جامعه عرب و اکنش خشونت‌آمیزی نشان داده و دست به درگیری زدند
که در نتیجه آن بسیاری از ساختمان‌ها و مغازه‌ها در آتش سوختند. با
ادامه کشمکش‌های نظامی

بین شبه‌نظامیان فلسطینی و یهودی در فلسطین، حق سرپرستی انگلیس بر فلسطین در تاریخ 15 می 1948 به پایان رسید در حالیکه یک روز پیش از آن تأسیس کشور اسرائیل اعلام شده بود همسایگان عرب و ارتش‌های آنان (لبنان، سوریه، عراق، مصر، اردن، ارتش جهاد، ارتش آزادی‌بخش عرب و عرب‌های محلی) بلافاصله پس از اعلام استقلال اسرائیل به این کشور حمله کردند، و متعاقب آن جنگ عرب‌ها و اسرائیل در سال 1948 درگرفت. در نتیجه، طرح تجزیه فلسطین هیچگاه عملی نشد.

3 - رجوع شود به صفحه (www.bbc.co.uk/.../specials/)
(1219_palestine-maps)

بخش هشتم :**قسمت پنجم - خزینه آمو دریا**

می 2012 میلادی

تا خم نشوید، کسی نمی تواند سوارتان شود :
" مارتین لوتر کینگ جونیور " .

به گفته ما نیز تا زمانیکه اصل ، تبار ، ریشه و هویت ملی ، فرهنگی و فرآورد های باستانی و ارزشهای تاریخی ، و معرفت علمی نیاکان خویش که غرور و ذات معنوی و مادی ما را می سازد ندانیم و از بازشناسی آنها غافل باشیم در خلاء بی هویتی ، همیشه سر خم ، رعیت حاکمیت سیاسی ستمگستر افغانها باقی خواهیم ماند

شناخت عینی از گوهر های هویت تاریخی و فرهنگی گمشده تجارب دولرداری و رهبری سیاسی نیاکان ، ما را غرور و اعتبار و عزت و اراده می بخشد .

ما بایست با چشم بصیرت و با احساس درونی و خونی قدر و منزلت این گوهر های هویت ملی و تاریخی خویش را بدانیم .

و تعمیر جامعه متمدن و آزاد و متعادل حقوق ، عاری از هر نوع ستم ملی را بر شالوده این فرهنگ گرانسنگ انسانی اعمار نماییم . و همبستگی و خود فرمانی ملی را جاگزین فرهنگ بادیه نشینی و بیگانه پرستی سازیم .

پیروی از فرهنگ های بیگانه و غیر متعارف در حقیقت دشمنی آشکار با هویت تاریخی و فرهنگی و عزت و افتخارات بومی نیاکان خود ماست . برای دفاع و احیاء هویت ملی و نهادینه سازی این افتخارات فقط مبارزه عقلانی و مقاومت همگانی علیه هرگونه سیاست های فرهنگ ستیز حاکمیت سیاسی توتالیتار ، یگانه راه چاره هست و بس .

سرزمین پدران ما پر از افتخارات فرهنگی و علمی و حکمت و ادب و عرفان است . ما تاجیکان و پارسها میراث دار هزاران سال تجربه دولت داری تاریخی می باشیم .

در این سرزمین بود که برگزیدگانی همچو :

- کیومرث پادشاه ، دلاوری و خود ارادیت را به انسان آموخت ،
- جمشید پادشاه حق شناسی انسان و حق دادی را آغاز کرد و زیرساخت های دولت داری را برای انسان های قدیم اساس گذاشت ،
- کاوه آهنگر بابلند کردن درفش (کاویانی) عشق خودفرمانی ملی و خود ایستایی و میهن پرستی را نهادینه ساخت ،
- زرتشت سپنتمان پیامبر ایرانی های قدیم (اجداد تاجیکان ، پارسها و گردها) : کردار نیک ، پندار نیک ، گفتار نیک که تجلی ای از ارزش شناختی حرمت انسان است را به جهان بشریت پیام آورد که اندیشه وی سنگ پایه اندیشه ای فلسفه انسانگرایی و هومانیزم نوین گردید .

- کوروش بزرگ فرمان صلح را به جهان بشریت تقدیم نمود و نظام انسانگرایی و کثرت گرایی اندیشه و فرهنگ را تهداب گذاشت که امروز جهان غرب صنعتی دوباره آنرا تحت نام دموکراسی با قیمت گران برای ما می فروشد .

- حضرت امام اعظم ابوحنیفه: حق رای و قیاس ، حق آزادی زن در عقد ازدواج در دین مقدس اسلام را تفسیر کرد و تعادل حقوق حق انتخاب را در مسیر ایجاد حرمت گذاشتی به تشکیل خانواده به ارمغان آورد ،
- امام بخاری بزرگ نویسنده کتاب صحیح بخاری است که یکی از صحاح سته که ارزشمندترین کتاب حدیث از نظر اهل سنت است، و محمد خوارزمی ، رودکی بزرگ و فردوسی بزرگ و زکریایی رازی و ابن سینا بلخی ، شکور بلخی ، و محمد غزالی ، فارابی ، و ابوریحان بیرونی ، ابوسعید ابی الخیر ، خاقانی شروانی ، سنایی غزنوی ، عطار نیشابوری و مولانای بزرگ ، عمر خیام ، سعدی و جامی ، حافظ و بیدل و هزاران هزار حکیم و ادیب و عالم و شاعر و هنرمند ، صنعت گر و فرساخت آور معرفت و حکمت و علم و شعر و ادب و اخلاق انسانی را ابداع و تولید کردند.
و با ارزشهای آگاهانیدن چندین بُعدی حیات گنجینه معرفت این سرزمین زران دوخته دانش سرا را غنای تر ساختند .

تاریخ خویش را باید شناخت . با آموزش تاریخ نیاکان ، ما میتوانیم موقعیت اجتماعی ، سیاسی و حقوقی و علمی خویش را در عرصه ملی و بین المللی مشخص سازیم .

اینجا قابل تذکر می دانم که برخی نویسندگان و دانشمندان ولابی های وابسته بسرمایه جهانی و مزدورهای نهاد های اقتصاد بین المللی جهت بی مایه جلوه دادن هویت های ملی تلاش می کنند که نسل جوان را با پیش کشیدن برخی اندیشه های پژوهشی گویا ژن شناسی خود ساخته و خود بافته و دروغ خویش ، نسل جوان را به تبار و قوم و ملت شان بی باور سازند.

این مزدوران بی هویت و دلالان هویت فروش از خود یک بار هم نپرسیده اند که هویت ملت قوم یهود از ابراهیم و اسحاق شروع تا بنیامین نتانیا هو نخست وزیر اسرائیل با عزت و منزلت ادامه دارد ، همچنان هویت قوم و ملیت عربها از ابراهیم و اسماعیل شروع تا سلمان بن عبدالعزیز ، پادشاه عربستان سعودی با حرمت و احترام ادامه دارد. و هر دو قوم از یک ریشه و تبار ، تقریباً اکثریت بانکهای جهانی را نیز در اختیار دارند و به جهان بشریت فرهنگ تولید می نمایند.

روزنامه نگاران و دلالهای سیاسی بین المللی و بویژه در اخبار و جراید غرب صنعتی هنگامی که سخن بر سر قوم یهود و عرب می آید کم می شود که یک بار این گوینده غسل تطهیر نمایند و بعد خبر را با حرمت و احترام در اخبار و جراید و رادیو و تلویزیون پخش کنند.

مگر هنگامی که سخن سر هویت و تبار و نژاد ایرانی (اجداد تاجیکان ، پارسها و گُردها) می‌رود فوراً برخی افراد مزدور و دشمن تلاش می نمایند که مسئله نژاد و ژن را در بی اعتبار سازی ملت ایران سربلند باستانی ما مطرح نمایند.

جوانان این را خوب بدانید در تاریخ بشریت یگانه ملت سربلندی که همیشه از صلح و ثبات و آزادی ، همزیستی و هم‌آیشی ، همبستگی و عدالت اجتماعی ، از شناخت اصالت و نجابت انسان ، از پذیرش همسخی زن و مرد سخن رانده و از این ارزشهای خوشبختی انسان دفاع کرده ، تنها و تنها ملیت سربلند ایران فردوسی (اجداد تاجیکان و پارسها و گُردها) بوده اند. به ملت تان و به هویت فرهنگی و زبانی سیاسی و تاریخی اجداد صلحخواه خویش افتخار نمایید .

امروز جوانان ما در حوزه خراسان زمین علاقه مند به ریشه شناسی اصل خویش اند . و این روند نوپای خود شناسی را با نیروی عقلانی تقویت و تکامل بخشید . ازینرو آگاهان رسالت دارند تا معرفتی را که در مورد ریشه شناسی اصل اصیل تاریخ و فرهنگ حقیقی سرزمین آریان و خراسان وجود دارد بی آلیشانه به نسل نونگر تقدیم نمایند .

اگر ما تاریخ سخت جان حیات فرهنگی و علمی زبان فارسی را مطالعه نمائیم دیده می شود که مهاجمان پیوسته تلاش کرده اند تا زبان و فرهنگ این سرزمین را محو نمایند .

تاریخ مبارزات سیاسی فارسی ستیزی تازی ها در سرزمین ایران قدیم و بویژه خراسان ، تاریخ مبارزات سیاسی فارسی ستیزی انگلیس در هند برتانوی ، تاریخ مبارزات سیاسی فارسی ستیزی حزب بلشویک شوراهای در آسیای میانه ، تاریخ مبارزات سیاسی فارسی ستیزی حاکمان شوونیزم مرکزگرا افغان و بویژه محمود طرزی و امان الله خان ، و خاندان آل یحیا در کشور ما و همچنان سیاست سنجیده شده فارسی ستیزی و افغانیزه سازی تیم حامد کرزی در مدت حاکمیت اش ... همه درسهای زنده تاریخی ایست که نسل جوان آنرا خوب بداند و علیه هرگونه نیروی ایکه سیاست فارسی ستیزی و فرهنگ ستیزی را طرح و تحقق می بخشند مبارزه عملی ، بی امان و آشتی ناپذیر و بی هراس نماید .

بااین بصیرت بوده و هست که ما مصروف بازشناسی ابعاد مختلف فرهنگ و فرآورد های تاریخی و تجارب دولت داری نیاکان بومی خود می باشیم .

مادر این بخش به شرح گونه های از فرساخت های صنعت دستی قلم عمده از افتخارات فرهنگی و تاریخی حیات باستانی تاجیکان ایرانی را می سازد ، مبادرت می ورزیم .:

خزینة آمو دریا

مجموعه ای - شامل زیاده از یک ونیم هزارسکه های طلا و صد و هشتاد عدد مصنوعات سیمین وزرین از دوران عهد قدیم تاریخ فراموش گشته تاجیکان ایرانی بوده وپیام آور فرساخت آوری هزار ساله های دور از شاه اثر های ناب و بی مانند افزارمندان نیاکان باختری دوره باستانی ما می باشد .

این شاه اثر های بی مانند را در سال 1877 میلادی از ساحل راست پستاب دریای آمو درکناره محل تلاقی دو دریای وخش و پنج دهقانان پیدا کرده اند .

برحسب تصادف : وضیع الدین ، شکور علی و غلام محمد تاجران بخارایی ، در این وقت بمقصد تجارت از عبور گاه دریا آمو گذشته بسوی هندوستان رهسپار بودند.

ازخیربازیافت خزینة آمودریا آگاهی یافتند و آنرا با نرخ مناسب از صاحبان محل خریداری نمودند .

تاجران همه اشیای نادر و زیورآلات طلایی را در انبانهای چرمی جای داده ، وراه بازارصرافان و عتیقه فروشان بلاد هندوستان را پیش گرفتند .

در راه سفر انبانه‌های چرمی پر از زر تجاران را بادیه نشینان رهن قبیله غلزای افغان هندوستانی غارت نمودند. سوداگران از غارت شدن مال ایشان خیلی پریشان حال و متأثر گردیدند. آنها برای بازگرداندن مال خویش از نزد غارتگران، از کاپیتان انگلیس ف. بارتون مدد خواستند.

بقول ف. بارتون، موافق شهادت وضیع الدین در انبانه‌های چرمی غیراز تنگه های طلایی و زیورآلات پر نقش و نگار، باز ظرف های طلایی، پیکره های خرد طلایی و نقره گین، مجسمه های بت و صنمها، گردن بند و دستپانه های پر نقش و طلایی محفوظ بوده اند.

افسرانگلیس از رهبر راهزنان افغان بازگرداندن اشیای خزینه را طلب می کند.

وی همراهی سربازان مسلح به غاری می رود، که مکان نهانی این تاراجگران بادیه گرد بوده است. راهزنان یک قسمتی از اشیای به غارت برده را به صاحبانش برمی گردانند، ولی تاجران از مقدار مال باز گشته قناعت مند نمی گردند.

سرانجام کار بجای رسید که کاپیتان بارتون انگلیسی راهزنان را تهدید می کند که در صورت بازنگرداندن اشیای کامل خزینه آمو دریا وی زن و فرزندان یغماگران را بقتل خواهد رساند.

در نتیجه تاراجگران باز قسمتی از غنیمت های ربوده شده را برمی گردانند . اما تا امروز معلوم نیست که چه مقدار مصنوعات آرایشی و آثاری از « خزینه آمودریا » نزد گروه یغما پیشه بادیه گرد افغان غزایی باقی مانده است و منبهد آنها کجا شده است .

تاجران بخارایی به کپیتان بارتون برای پشتیبانی و شجاعتش دستپانۀ طلایی را تقدیم نموده ، و راه بازار قدیمه شهرراولپندی را پیش می گیرند . عاقبت با مدد میانه روی صرافان هندو این گنجینه بی بهای نیاکان باقیمت نه چندان گران به دست ژنرال سرتیپ انگلیس ا. کانینهم ، کارمند موزه بریتانیا آ. او. فرینکس و رئیس راه آهن هندوستان آ. گرانت افتاد .

سرانجام این آثار قیمتی و باارزش از مکان ازلی خویش بیرون رفته ، در هندوستان « خزینه آمودریا » بهمین طریق بدست مخلصان آثار عتیقه می افتد زیب و شکوه موزه پرآوازه بریتانیا می گردد .



کالسکه طلایی از خزینه آمو دریا
(که در نزدیکی آمودریا سرزمین باستانی باختر کشف شده است).
و در موزیم بریتانیا نگهداری می شود
Oxus chariot model. Length- 18.8, weight-80.67
The British Museum



دست بند طلایی از (خزینهٔ آمو دریا ،) که در نزدیکی آمودریا
سرزمین باستانی باخترکشف شده است . ودر موزیم بریتانیا نگهداری
می شود

.Gold griffin – headed armlet
Height . 12,3 wiath – 11.5, weight 364 .17
The British Museum



سر طلا ارتفاع 00.3 ، وزن 235.24
از خزینه آمودریا

**Gold head Height- 11.3, weight – 235.47
The British Museum**



سکه های طلایی ، از خزینه آمودریا

Gold Coins
The British Museum



بازیگران تندیس نقره ای . ارتفاع - 29.2 وزن 1832 از خزینة آمو دریا
,Cast silver sttatuette . Height – 29.2
weight – 1832
The British Museum



لوحه های طلا ، از خزینه آمودریا

Gold Plaques
The British Museum



سپاهیان طلا ، از خزینه آمو دریا

Golden Guards
The British Museum



ماهی طلا ، از خزینه آمودریا

Gold Fish

The British Museum



سر طلا ، از خزینه آمودریا

Head gold
The British Museum



ظروف طلا ، از خزینة آمودریا

Containers gold
The British Museum



اشیایی طلایی ، از خزینة آمودریا

Gold objects
The British Muse



اشیایی طلایی ، از خزینۀ آمودریا

Gold object

The British Muse

جهت معلومات بیشتر رجوع شود به منابع :

- " پادشاهان آریایی (سلسله پادشاهی دودمان تاجیکان و پارسها در پنجهزاره اخیر) ، دکتر بصیر کامجو ص ، 211-251 .

- تاجیکان در آئینه تاریخ از ، آریان تا سامانیان ، ، امام علی رحمان ، ص 24-30 .

Emomali Rahmon The Tajiks in the Mirror of History,
(Volume one
s 27 – 31 . , From The Aryans To The Samanids ,)
The Oxus Treasure. , Hamrokhon Zarifi Tajik Arts and (
Crafts : through centuries
The Minister of Foreign Affairs of the Republic of
. Tajikistan, s 335-347

بتوفیق خداوند

در مورد مؤلف :



دکتر بصیر کامجو

زادگاه : ولایت پنجشیر
سال تولد : 1961 میلادی
زبان مادری : فارسی
تحصیلات عالی : درسنت پیترسبورگ , پراگ , هامبورگ و ماسکو
درجه علمی : دکتر در رشته علوم سیاسی ، حقوق و فلسفه

آثار چاپی :

- 1 - تاریخ نظریات فلسفی
- 2 - اخلاق تطبیقی بیداری دگر دوستی
- 3 - تجلی احقاق حق در ابراز وجود
- 4 - تغییر نام افغانستان به خراسان
- 5 - پادشاهان آریایی
- 6 - عظمت فرهنگی خراسان
- 7 - حاکمیت شؤنیزم قبیله افغان مولد جنگ و جنایت
- 8 - حل اساسی مسئله ملی در افغانستان
- 9 - کج بنشین و راست بگو
- 10 - کتاب سبز

آثار آماده چاپ :

- 1 - هویت واجب تر از اکسیژن
- 2 - برخی آزارشهای فرهنگ ملی و تاریخی نیاکان ما
- 3 - عرفان و وحدت وجود

نوشته ها و مقالات :

- 1 - فقدان یگانگی واژگان میان فارسی گوینان
- 2 - حامد کرزی از قیام برحق مردم مصرپندگیرد
- 3 - مردمان خراسان باید از حق خود دفاع کنند
- 4 - درفش و " سرود ملی خراسان "
- 5 - حاکمیت سیاسی و هویت ملی ، صلح و امنیت در گروه شوونیزم قبیله
- 6 - جاویدان باد خود فرمانی تاجیکان ایرانی
- 7 - برخی از اندیشه های این قلم
- 8 - با عینک قبیله، به زبان فارسی نگاه کردن گناه ست
- 9 - فارسی ، زبان تفاهم و همبستگی ملی
- 10 - بریتانیا برای تولد نوزادانی با سه والد آماده می شود
- 11 - مشکل از خود بیگانگی
- 12 - خانواده مجددی
- 13 - آموزه هایی از تاریخ خود فرمانی ملی شاه حبیب الله کلکانی
- 14 - حامد کرزی در پی شر میگردد
- 15 - کندز را از اهریمنان آزاد کنید
- 16 - افشرد ای از درسهای تاریخی قیام ابومسلم خراسانی
- 17 - نامه به دولت افغانستان و قابل توجه جدی دیوان کیفری بین المللی
- 18 - شرح نظام پارلمانی
- 19 - ارزش تاریخی و حدود جغرافیای سیاسی و فرهنگی خراسان
- 20 - جشن نوروز زاینده همبستگی و دوستی
- 21 - می شود یک باراز " عشق " و " گذشت " سخن گفت

- 22 - نفیر خیال
- 23 - رهایی از فروماندگی
- 24 - فرآیند پیدایی جنبش طالبان افغان و تداوم استقرار حاکمیت سیاسی
قبیله در چهره اسلام ستمگستر
- 25 - دست درازی کردن حکمتیار به مرز واژگان گوهری زبان فارسی
- 26 - پاسخ به سخنان گند گلبدین حکمتیار
- 27 - قتل عام مردم بدست رژیم غنی - کرزی، به بهانه انتحار و انفجار؟
- 28 - درک نادرست از میهن دوستی
- 29 - چراهویت افغانی برای تاجیکان، هزاره ها و ازبیکها قابل قبول
نیست
- 30 - قتل عام مردم بوسیله قبایل افغان ، به بهانه نوروز
- 31 - راز پنهانی و رمز پیدایی پروژه طالبان
- 32 - گذشت جوهر زندگیست
- 33 - گزینه خود کفانی
- 34 - رویکرد جدایی دین از سیاست
- 35 - انگیزه تداوم جنگ در افغانستان
- 36 - ادعاه گرفتن استقلال از انگلیسها نادرست و دروغ محض است
- 37 - نقش اراده در مبارزات سیاسی " جنبش رستاخیز تغییر "
- 38 - تسلیم نشوید
- 39 - وجیزه ها در مورد مادر و انسانیت
- 40 - ندای وجدان

- 41 - مجسمه آزادی
- 42 - رتبه مارشالی به ارتشبد مرادعلی مراد
- 43 - سماع مولوی یک هویت فرهنگی است
- 44 - زبان فارسی است که ما هستیم
- 45 - اعلامیه تأسیس شورای نخبگان
- 46 - حاکمیت سیاسی پشتونها در پرتگاه نیستی
- 47 - برخی از نخبگان مشهور اجداد تاجیکان و پارسها در جهان
- 48 - پادشاهی آل مظفر یا مظفریان
- 49 - پادشاهی جستانیان
- 50 - قدرت تمیز
- 51 - پارچه ای از تاریخ اجداد ما ... و غیره